

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آثار و اسناد سبغت و اویشا کران

استان هرمزگان

وصیت نامه کمال شمس



دو قردوم

ج-ی

(جلای پور بندری - یزدی یحیی آبادی)

به کوشش:

دکتر کیانوش کیانی بهفت رنگ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اداره کل اسناد و انتشارات

بمن ۱۳۹۸

سرشناسه: کیانی هفت‌لنگ، کیانوش ۱۳۳۵
عنوان و نام پدیدآور: وصیت نامه کامل شهدا/ استان هرمزگان / دفتر دوم ج - ی (جمادی‌پور بندری - یزدی یحیی آبادی)/ کیانوش کیانی
هفت لنگ
مشخصات نشر: تهران: بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت فرهنگی و امور اجتماعی، نشر شاهد، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ج، عکس، نمونه، نقشه.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۴۸-۹۶۹-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷--شهبان--وصیت‌نامه‌ها
شناسه افزوده: بنیاد شهید و امور ایثارگران. نشر شاهد
رده بندی کنگره: ۶ ۱۳۹۸ و ۹ ک / DSR۱۶۲۵
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی:



اداره کل اسناد و انتشارات
آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (...)
وصیت‌نامه کامل شهدای استان هرمزگان دفتر دوم ج- ی (جمادی‌پور بندری - یزدی یحیی آبادی)
تصحیح و تنظیم: دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ
نوبت چاپ: چاپ اول زمستان ۱۳۹۸ ◊ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
مدیر تولید: رحیم نریمانی ◊ ناظر فنی: رضا حاجی آبادی ◊ هماهنگی تولید: زهرا شیرکوند
امور لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ کوثر
قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال ◊ شابک: نشانی: تهران- خیابان آیت‌الله طالقانی - خیابان ملک‌الشعراى بهار شمالی -
شماره ۵ معاونت فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد تلفن: ۸۸۳۰۸۰۸۹-۸۸۳۰۹۲۴۹
www.navideshahed.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۴۸-۹۶۹-۱

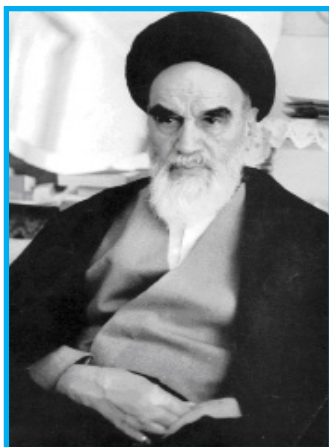
فهرست مطالب

۱۱۵	زاهدی دهویی، عباس	۱۱	پیشگفتار
۱۲۷	زاهری، احمد	۱۵	جمادی پور بندری، وهب
۱۳۳	زمانی، بهرام	۱۹	حیدری، حسین
۱۳۷	زمانی، جعفر	۲۵	حیدری نسب خراجی، عباس
۱۴۳	زمانی، حسن	۲۹	ذاکری برنظین، حسن
۱۵۱	زمانی، محمد	۴۳	راستین، حسن
۱۶۵	سالاری، رمضان	۵۷	رنجبری بیوردی، احمد
۱۷۱	سالاری، علی اکبر	۶۱	ره گشا، مسعود
۱۷۵	سالاری، غلامحسین	۶۵	زارع پور، ابراهیم
۱۸۵	سالاری، مراد	۶۹	زارع تازیانی، قنبر
۱۹۷	سالاری جغین، ابراهیم	۷۵	زارع مهرانی، علی
۲۰۳	سالاری سردری، محمد	۸۵	زارعی، حسن
۲۱۱	سدیدپناه، مراد	۹۱	زارعی، عباس
۲۱۵	سقایی پور سکل، حسن	۹۷	زارعی، قیدی
۲۲۳	سلامتی هرمزی، صمد	۱۰۳	زاهدی، اسحاق
۲۲۷	سلمانی، قنبر	۱۰۹	زاهدی درخانه، حسن

۴۰۷	عباسی دومشهری، علی	۲۳۳	سلیمانی احمدی، غیب الله
۴۱۱	عباسی دومشهری، یوسف	۲۳۷	سهرابی، هوشنگ
۴۱۵	عبدالصمدی فرخی، اسماعیل	۲۴۳	سیادی جغین، عبدالله
۴۲۱	عبدلی زاده، علی	۲۵۱	شاکری، تیمور
۴۲۵	عجم قشمی، خلیل	۲۵۷	شاکری زاده بیکا، موسی
۴۲۹	عزت زاده، امید	۲۶۳	شاه پرست، مهدی
۴۳۵	عزت زاده، هوشنگ	۲۶۷	شبان، حسین
۴۴۱	عسکری کووی، قنبر	۲۷۹	شکوهی، قنبر
۴۴۵	عسکری، موسی	۲۸۵	شمسایی، همت الله
۴۵۷	عصام زاده، ابراهیم	۲۸۹	شهابی، حسین
۴۶۳	علی بیگی بنی، حمیدرضا	۳۰۹	شهریاری کوتک، بختیار
۴۶۹	علی حسین زاده مینابی، جعفر	۳۱۱	شیخی فیننی، حمید
۴۷۵	علی یاس، حسین	۳۱۷	صابری، محمد
۴۷۹	عمرانی، سیدابوالفضل	۳۲۵	صابری زاده دهبازی، غلام
۴۸۳	عمرانی، سیدعبدالحسین	۳۲۹	صادقی، عباس
۴۹۳	عوض پور، غلام	۳۳۳	صادقی، مجید
۴۹۹	عوضی، احمد	۳۳۹	صادقی، محمد
۵۰۷	عیسی زاده، حسین	۳۴۳	صادقی راه بهمنی، محمد
۵۱۳	غسالی دمشهری، عباس	۳۴۷	صادقی رودان، قدرت الله
۵۱۹	غلامپور گشوئی، محمد	۳۵۳	صالحی، شیرعلی
۵۲۳	غلامی قلات بالایی، حسن	۳۵۷	صالحی، عبدالله
۵۲۷	فرخی نژاد، اسماعیل	۳۶۱	صالحی، موسی
۵۵۳	فرزادامیر ابراهیمی، فریبرز	۳۷۵	صمیم زاده، منصور
۵۵۹	فلک نازی، موسی	۳۷۹	ضعیفی، عبدالغفور
۵۶۳	قاسم پور، طیب	۳۸۳	طالبی، محمدحسن
۵۷۵	قاسمی تیروری، اصغر	۳۹۳	عابدینی پور قلعه قاضی، یوسف
۵۸۱	قاسمی زاده، مجید	۳۹۷	عاشوری، خوبیار
۸۵۷	قاسمی قلعه قاضی، محمد	۴۰۳	عباس زاده، کاظم

۸۰۹	مریدی، محمد	۵۹۵	قاسمی گوربندی، جمشید
۸۱۳	مریدی زاده، مهران	۵۹۹	قنبری باغستانی، عبدالمجید
۸۱۷	مسعودی، حسین	۶۰۷	قویدل، ناصر
۸۲۹	مسلم زاده، علی	۶۱۱	کاشانی احمدی، احمد
۸۳۳	مسلمی، حسن	۶۲۷	کامرانی کشکویی، حسین
۸۳۷	مسلمی، غلامرضا	۶۳۱	کیابی سربارانی، عبدالله
۸۴۵	مسلمی تازیانی، کاووس	۶۳۵	کریمی، عیسی
۸۵۱	مسیحی ایسینی، عبدالله	۶۵۹	کمالی، عبدالرضا
۸۵۹	مصلحی دهبویی، عبدالرسول	۶۶۳	کلمانی کلوچانی، منصور
۸۶۵	معتضد کیوانی، محمد	۶۷۱	کناری زاده، علی
۸۷۱	معمارزاده، غلام	۶۷۷	کهوری، صادق
۸۷۵	مکاری زاده، غلام	۶۸۳	کهوری، موسی
۸۷۹	ملاح، محمد	۶۸۷	کهوری زیارتی، حسین
۸۸۵	ملایی سیروئی، محمد	۶۹۱	گنجعلی، دارا
۸۹۳	منتظری نخلی، محمد	۶۹۵	لشتغانی پور، حسین
۸۹۹	موسوی پور شهواری، سید عبدالحسین	۶۹۹	لطفی زاده دهباز، هاشم
۹۰۳	موسوی دهبویی، سید اسماعیل	۷۰۳	لقمانی، صفر
۹۰۷	موسی زاده، سعید	۷۰۷	ماهی گیر، کریمدار
۹۱۳	مهیار، ابراهیم	۷۱۵	مجیدی، عبدالرضا
۹۱۷	مینکی، عبدالرضا	۷۲۵	محمدی، ابراهیم
۹۲۱	ناتوان، ابراهیم	۷۳۷	محمدی، جعفر
۹۲۵	ناصری بازیاری، عباس	۷۵۹	محمدی محمدآبادی، چراغ
۹۲۹	ناظری، زنده نوش	۷۶۳	محمودشاهی، عیدی
۹۳۵	ناظری گهکانی، محمدرضا	۷۶۷	محمودی، حمیدرضا
۹۳۹	ناظریان قمی، اصغر	۷۷۹	مریدی، سلیمان
۹۴۷	نجفی، بهرام	۷۸۳	مریدی، عباس
۹۵۳	نجفی، محمد	۷۹۱	مریدی، عبدالرضا

۱۰۰۷	نیلاد، عباس	۹۵۹	نجفی، محمد
۱۰۱۳	وامگیر، علی	۹۶۵	نجمی فینی، احمد
۱۰۱۷	ورزشکاری، محمود	۹۷۱	نظری، حسین
۱۰۲۱	هاشمی پور، یونس	۹۸۱	نکویی، علی
۱۰۳۱	هرمزی، علی	۹۸۷	نوروزی سرجویی، احمد
۱۰۳۷	یزدی یحیی آبادی، حسین	۹۹۷	نوشادی، حسن
۱۰۴۹	تعلیقات	۱۰۰۳	نیکار، محمد



«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید.»

امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۳۲



منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همه چیزهایی که برای اداره امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامه امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعه فداکاریها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

بیانات مقام معظم رهبری، نماز جمعه تهران، آذرماه ۱۳۸۱

پیشگفتار

تاریخ و فرهنگ، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که کشورهای مختلف جهان هنگام تعیین جایگاه خود در جامعه جهانی، به آن استناد کرده و به تناسب تأثیرگذاری در تمدن بشری به آن مباحثات می‌کنند. شکی نیست که کشور ایران، به علت برخورداری از تاریخ کهن و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی، در صف مدعیان این عرصه قرار داشته و آداب، رسوم و فرهنگ این مرز و بوم که سینه به سینه و نسل به نسل در قرون مختلف، به نسل‌های بعدی منتقل شده است، نشانه هویت و مایه مباحثات این ملت می‌باشد.

امروزه نقش اسناد و مدارک، در بازشناسی و تنویر اندیشه بخش‌های مختلف اجتماع، به ویژه کسانی که توفیق لمس و درک فرهنگ و شرایط ویژه دوران تأثیرگذار آن اجتماع را نداشته‌اند، اهمیت فراوانی دارد. این موضوع از چنان اهمیت

روزافزونی برخوردار است که بخش عمده‌ای از تلاش و همت مراکز اسنادی و آرشیوی صرف گردآوری، محافظت، نگهداری و مراقبت از این گنجینه‌های گرانقدر فرهنگی می‌شود.

اهمیت این رویکرد در خصوص اسنادی که از بار فرهنگی و هویتی منحصر به فرد و ویژه‌ای برخوردارند، دو چندان می‌نماید. بدون شک این گونه اسناد می‌توانند ضمن ایفای نقش اطلاع‌رسانی، که خصیصه اصلی این ارزش‌های مکتوب می‌باشد، خود موجب و موجد یک هویت مستقل فکری و فرهنگی و مبلغ یک جریان انسان‌ساز معنوی باشند.

گردآوری، حفظ و قابل دسترس بودن اسناد شهدا و ایثارگران به مثابه حفظ آثار تاریخی و میراث معنوی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، یک رسالت مهم است. حفظ و نگهداری این اسناد سبب خواهد شد تا آیندگان با بهره‌گیری از این گنج عظیم به بازشناسی و درک صحیح از تاریخ دست یابند.

پس از فرایند گردآوری و مستندسازی اسناد و وصایای شهدا و ایثارگران، انتشار اسناد دست اول شهدا جزو اولویت‌های نشر شاهد به شمار می‌رود. به باور اندیشمندان و صاحب‌نظران فرهنگی و اسنادی، فراهم کردن زمینه برای انتشار اسناد فرهنگی، نیاز ضروری مجامع علمی و پژوهشی بوده و اتخاذ شیوه‌های علمی برای پردازش و نشر آثار ایثارگران، به افزایش و توسعه کمی و کیفی انتشار کتاب در سایر زمینه‌ها مدد می‌رساند. توصیه‌های مکرر و مؤکد حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برای پرداختن به اسناد و آثار، به‌ویژه وصایای شهدا نشان‌دهنده جایگاه ویژه این اسناد بوده و ضرورت انتشار آن را بر ما آشکارتر می‌سازد.

این کتاب حاوی ۱۶۰ وصیت‌نامه از وصیت‌نامه‌های شهدای استان هرمزگان

(دفتر دوم) است که حاصل بررسی‌ها و بازنگری‌های کارشناسان و همکاران محترم بنیاد شهید و امور ایثارگران استان هرمزگان و اداره کل اسناد و انتشارات می‌باشد. در اینجا شایسته است که از تلاش و کوشش وافر همکاران محترم در استان به ویژه آقایان: ...، مدیرکل محترم استان و ...، معاون محترم فرهنگی استان و ...، رئیس محترم اداره هنر، اسناد و انتشارات استان و در ستاد مرکز، خانم زهرا شیرکوند و آقایان ابوالحسن صمدی شجاع، شاپور محمد حسن زاده و محمد علیایی مقدم قدردانی شود و نیز از آقای دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ و همکارانشان خانم‌ها مهسا قضاوی و مریم جعفری بیشه که تلاش بی‌وقفه‌ای در تصحیح و تنقیح مجموعه داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

همچنین جا دارد که از رهنمودها و مساعدت‌های کارشناسان و صاحب‌نظران گرانقدر آقایان: حجت الاسلام محمدحسن کاویانی، دکتر محبوب شهبازی، دکتر اکبر اشرفی و سرکار خانم فاطمه زینالی و تمامی کسانی که در به ثمر رساندن این مجموعه ما را یاری رساندند، صمیمانه تقدیر و تشکر نماییم.

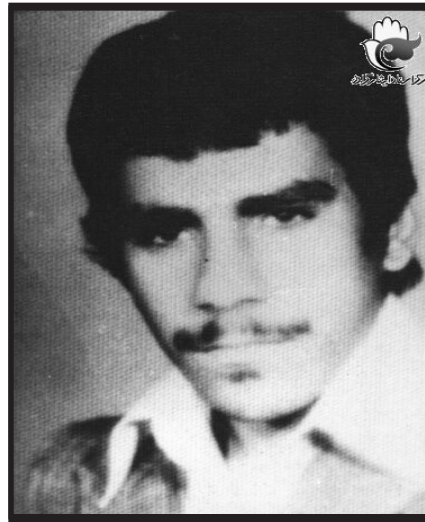
در پایان دست صاحب‌نظران و اندیشمندان عرصه تاریخ و فرهنگ جامعه را برای همکاری، نقد و بررسی صمیمانه می‌فشاریم. امید است این تلاش فرهنگی در شناخت ابعاد ناپیدای شهدای بزرگوار دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، به پژوهشگران، حقیقت‌جویان و آیندگان یاری رساند.

رحیم نریمانی

مدیر مسئول نشر شاهد

زمستان ۱۳۹۸

وہب جمادی پور بندری



نام: وہب
نام خانوادگی: جمادی پور بندری
تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱۰/۱۰
محل تولد: شهرستان بندرعباس
نام پدر: محمد
نام مادر: فاطمہ
تحصیلات: دانش آموز دوم متوسطہ
تاریخ شہادت: ۱۳۶۱/۰۴/۲۳
محل شہادت: کوشک
نحوہ شہادت:
محل دفن: گلزار شہدای زادگاہش

گلچین وصیت نامہ

- ◀ بہ برادران و دوستانم کہ از راہ اسلام منحرف شدن، می خواہم بگویم کہ راہ حق همان راہ امام و خدا است. و از راہی کہ باطل است بازگردند و بہ راہ حق بیوندند.
 - ◀ خواستہ ام این است کہ در مرگم گریہ و زاری نکنید و مرا کنار دیگر شہیدان بخوابانید و ہمیشہ از مرگ در راہ خدا ہیچ ہراسی نداشتہ باشید.
 - ◀ بہ تمام مسئولین می گویم کہ باید طبق دستورات اسلام با این کافران زمان قاطعانہ عمل کنند.
-

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وصیتنامه برادر و هب جمادی پور

من در راه اسلام، انشاءالله هرچه زودتر به جبهه اعزام^۱ خواهم شد و امیدوارم که در این راه که برای اوست موفق و پیروز باشم. و اگر شهید شدم در راه خدا، خواسته‌ام این است که در مرگم گریه و زاری نکنید و مرا^۲ کنار دیگر شهیدان بخوابانید و همیشه از مرگ در راه خدا هیچ هراسی نداشته باشید و از دوستان و برادران خویش می‌خواهم که دیگر خواسته من که همان رفتن راه خدا که همان ابدی و ازلی می‌باشد راه من [را] ادامه بدهند. و به برادران و دوستانم که از راه اسلام منحرف شدن می‌خواهم بگویم که راه حق همان راه امام و خدا است. و از راهی که باطل است بازگردند و به راه حق بپیوندند^۳. چون ما از طرف خدا آمده‌ایم و به سوی خدا می‌رویم. و من از دوستان می‌خواهم که در کارهای بدی که از من دیدن مرا بیخشند. و به کسانی که غیر از راه اسلام می‌روند به تمام مسئولین می‌گویم که باید طبق دستورات اسلام با این کفار^۴ زمان قاطعانه عمل کنند. حتی اگر بهترین دوست و برادرم باشد. و از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که همه مسلمین را به راه راست و خط امام هدایت کند. از پدرم و مادرم خداحافظی می‌کنم و به خدای بزرگ می‌سپارم و امیدوارم که در راه راست موفق و پیروز باشند. از برادران و خواهرانم خداحافظی می‌کنم و پیام من به خواهرانم این است که حجابشان را حفظ کنند و زینب وار در سنگر مدرسه و جامعه بکوشند. مبادا خون من که بر گردن

۱. در اصل: هرچه زودتر به جبهه اعزام انشاءالله.

۲. در اصل: به من.

۳. در اصل: بپیوند.

۴. در اصل: کفار.

تک تک شماست به هدر برود و راه من خدای نکرده ادامه ندهید و از دوستانم خدا حافظی می کنم.

وهب جمادی پور

امضاء

انا لله و انا اليه الرجعون

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه برادر دین جواد
دور

من در راه اسلام هر چه زودتر به جبهه انعام طاعت و انبیا و ائمه خرافه شدم و امید دارم که در گذره برای دوست
موفق و پیروز باشم. و اگر شهید شدم در راه خدا خرافه استم این است که در صورت زنده ماندن و زنده ماندن
و به من نگاه کنید که بجز با نسیه و وصیت هرگز صد در راه خرافه هر اسن نه استم با نسیه
و از دوستان و برادران عزیزم خواهش می کنم که در خرافه استم این است که همان رفتن راه خدا که همان ابدی است
من باشم که من از راه به هند و به برادران و در خرافه استم که از راه اسلام مغرب شدن من خرافه استم بلویم
که به حق همان راه امام و خدا است. و از راه که باطل است باز گردند و به راه حق پیوند
چون نماز طرف خدا شده ایم و به سوی خدا می رویم. و من از دوستان و خرافه استم که در راه خرافه استم
به که از من دیدن منرا ببخشند. و به نسیه خرافه استم که از راه اسلام من رو ندیم تمام
مسئولین من تویم که به یقین دستور است اسلام با این که از زمان قاطعانه عمل کنند.
حتی ای دوست و برادر من باشم.

و خداوند بگذرد و من را با خدا کنم همه مسلمین را چه راه هر است و خرافه استم که نسیه

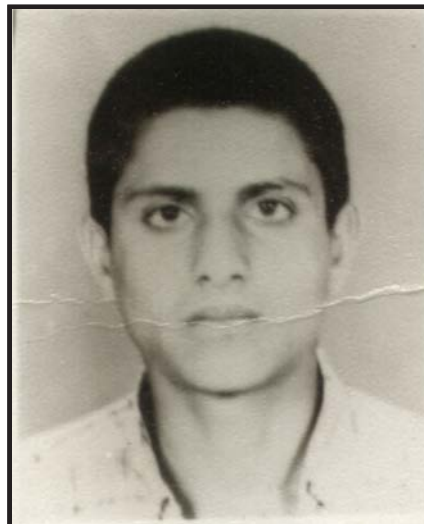
از برادر من و مادرم خدا حافظی همانم و به خدای بزرگ من میروم و امید دارم که در راه راست موفق
و پیروز باشم.

از برادران و خواهران خدا حافظی ما کنم و پیام من به فراوان این است که چه شان را حفظ
کنند و زینب وار در دستر مدرک و قاصده بگویند. مبارک خدای بیرون که در دست
کتاب شاست بهادر و در راه من خرافه استم که از راه نسیه استم که در دست
و از دوستان خدا حافظی منرا ببخشند.



وصیت نامه برادر دین جواد
ان الله اعلم الراجلون

حسین حدیری



نام: حسین

نام خانوادگی: حدیری

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۰۱/۰۱

محل تولد: روستای دهدار از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: علی

نام مادر: زینب

تحصیلات: دانش آموز سوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۰۷

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ تا آخرین قطره خون خود از اسلام و حریم مملکت اسلام دفاع می کنم.
- ◀ باید تمام مردم ستمدیده بر علیه دشمنان خدا بپا خیزند.
- ◀ راه این حقیر را ادامه دهید.

بسم الله الرحمن الرحيم

۶۵/۹/۲۲

با درود فراوان به پیشگاه عالم بشریت و سلام بیکران به رزمندگان پرتوان اسلام وصیت‌نامه خویش را آغاز می‌کنم. اینجانب حسین حیدری، اعزامی از رودان بندرعباس، پشتیبانی خود را اعلام کرده [...] و تا آخرین قطره خون خود از اسلام و حریم مملکت اسلام دفاع می‌کنم؛ و تنها حرف من الله می‌باشد؛ و برای دفاع از دین و میهن، درس و خانواده خود را ترک کرده و به سوی جبهه رهسپار شده؛ پس باید تمام مردم ستم‌دیده بر علیه دشمنان خدا بپا خیزند و بدانند که پیروزی از آن اسلام است.

پدرجان و مادر جان! ما می‌رویم^۲ به سوی حسین تا^۳ راه پرشکوه فرزند فاطمه را ادامه دهیم؛ پس وصیت من به شما این است که راه این حقیر را ادامه دهید و اگر شهید شدم و به حق تعالی پیوستم، دست و پای خود را حنا ببندید؛ زیرا من جوان بودم.

من جوان بودم، رفتم مرا یاد کنی	همه با سوره الحمد مرا شاد کنی
درون سنگرم خمیده مادر	نویسم نامه بهر تو مادر
نویسم نامه‌ای از سوز سینه	به سوی مادر زار شد سینه
بگو مادر سلامت می‌رسانم	دعايم کن نمازهای شبانه
بیا مادر کنون گرم نبردم	که شاید من ز جبهه برنگردم مادر
بیا مادر بشنو تو این پیامم	درون سنگرم شاید نیایم
اگر دیدی تو مادر نو عروسی	تو بنما قاب عکسم دیده بوسی
خداوند! بحق می‌غضار	خمینی عزیزم را نگهدار

۱. «ومی‌کنم» حذف شده است.

۲. در اصل: می‌رفتیم.

۳. در اصل: و.

خوشا مادر مرا بیست ساله کردی
علم از قول من مادر بکن یاد
شهر بصر بغداد باشد وطن من
بهار آمد که من مست بهارم
بیا ای مهدی غایب
عجب آتش زده جالب
ایا مهدی ببین این نوجوانان را
تو یاری بنما این دوست دارانت
ایا ای مهدی بیا از پرده غیبت بیرون
خداوندا! تو یار مهربانی
الها! بحق علی پیشوای بهشت
بحق حسین سرور اولیا

شاعر معاصر شهید حسین حیدری

خدا را شکر این نعمت
به به خواهش به لفتت
خمینی بت شکن باشد
به حلمش چون حسین باشد
ایا ای مهدی غایب
زده آتش عجب جالب
بحق می پیمانه
چرا ریگان تو حیرانی
ایا ریگان تو خود موشی

خمینی رهبر امت
امروز تا صف محشر
به بصری هم سخن باشد
امام ماست این رهبر
خمینی را ببین نایب
بت بتخانه ها یکسر
گذشت روز رضا خانه
ایا لامصب کافر
گاه کویت گهی اردون

سواری گذشته چون [...] ^۴

یادگاری شهید حسین حیدری

۱۶۹

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۵

پادشاه و خراجان به پیشگاه عالمی بنیرت و سلام بی کرانم رزمنده گان بر توان اسلام و محبت نامه خودی را آغاز ما کنم اینجانب حسین عبیدر ابراهیم از مردان بندعباس پیشانی خود را فدای کرده و ما کم و نا آخرین قطره خون خود را از اسلام و حریم مملکت اسلام دفاع ما کم و تنها حدیث حق الهی ما باشد و براسی دفاع از دین و مومن درس و خانواده خود را ترک کرد و به سر حبیبه رفتنیا رفته این باید تمام مردم مستند باشد بر علیه دشمنان خدا بیایند و بدانند که بیرون از آن اسلام است به در جان و مال در جان ما می رفتیم، سر حسین و راه بر سنگله غریزه خامه را ادامه دهیم پس محبت من، شکر این است که راه این حقیر را ادامه دهید و اگر سوره ششم و بتی تعالی میوسر دست و پای خود در این دنیا بیدید زیرا من جوان بودم

من جوان بودم رفتم مرا یاد کن	همه با سوره الحمد مرا بشکاد کنی
دردی سنگین خجسته ما در	فدای نامه بهیتر تو ما در
نوعم نامه من از سوز سینه	سوز جانم زار خودینه
تو ما در سلامت ما رسانم	دعا کنم من نمازهای سببم
بیای ما در لندن گرم نبودم	سوز شایدم ز جبهه زرد بودم ما در
بیای ما در مشکوره این پیامم	درون سنگین بشکاید نیامم
اگر دیوس در جاده زو عمری	تو بنها غایب بکلمه دبه بوس
خدا و نواب حق من مختفار	خجسته عزیزم را نگه دار
خجسته ما در برایت ایسا کردم	م شکور غریبم او مارن کردم

۵۱۱-۶۵۱۲۴-۵

شماره ۱۴۵۱۲۴۰۵
۱۲۵۰۸۲۲

بگویم حسرت زخمت بر بار
که کند عبرت دوزد کفنم

علم از قول من هار بگو بار
سوسر بر بندد با سده وطن من

خداوند از عشق مهر من عوالم
حسین را بین نایب

بهار آه من مست بهلم
بیایں ~~مهر~~ نایب

بت بتخانه ها تکبر
چنان گذر - آه از سر جان

اجیب آتش زده جانم
آیا مهر بین این نوع جانم را

بجق زهر اندر عیانت
آیا مهر بی از پرده غفلت بیرون

تویار میا این دعوت دارنت
آیا مهر بی از پرده غفلت بیرون

ها گویند دست بندگی
که بر او نذر می بار نیست

ند آوند تویار هر بار
الهام بق علی پیشوایست

جگر لوم غایت انبیا

مخ من سرور اولیا

شاعر معاصر شهید حسین حیدری

به به عوامش به لفت

حسین رهبر امت

ند از اسکت این نعت

چو لهر هم بعضی باشد

حسین بت شکن باشد

امروز تا اندیشه مهر

ایا از عهد نایب
بت بتخانه ها تکبر

لهم باست این رهبر
زده آتش این جانم

همسک چون حسن باشد
حسین را بین نایب

آیا که مصیبت نافه
سوار گذرم چو می سرور

حق من میا نه دستار خور ز منا خاد
آیا رنگان تو خند موسی
گاه گویت لهر از خون
دردوزانند احسم شود

یادگار شہید حسین عبدالرسول

بہار آمد کہ من مست بہارم خداوند از عشق مدرس بر خوارم

بیدار مہم غائب • خوشتر از بسین ناپید

عباس حیدری نسب خراجی



نام: عباس

نام خانوادگی: حیدری نسب خراجی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۰۱

محل تولد: روستای خراجی از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: حسین

نام مادر: مولد

تحصیلات: اول راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۵/۱۵

محل شهادت: سرپل ذهاب

نحوه شهادت: اصابت سهوی گلوله

محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ بعد از ما شماها سنگر را پر کنید.
- ◀ قدر این نعمت انقلاب را بدانید.
- ◀ نگذارید خون پاک شهیدان مان پایمال باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

۶۱/۳/۳

وصیت من این است؛ بعد از ما شماها سنگر را پر کنید؛ به فرمان خمینی بت شکن اسلام را یاری دهید^۱ تا این انقلاب پیروز باشد.

وصیت من سرباز اسلام این است؛ قدر این نعمت انقلاب^۲ را بدانید.
سلام بر تمام شهدای اسلام، نگذارید خون پاک شهیدان مان پایمال باشد.
والسلام علیکم ورحمتہ.

عباس حیدری نسب، فرزند حسین، در سال ۱۳۴۰ از خانواده مذهبی در روستای خراجی چشم به جهان گشودم؛ و آنجا به مدرسه رفتم؛ مدرسه ابتدائی که تمام شد، به خدمت مقدس سربازی^۳ رفتم؛ عازم میدان جنگ جبهه میمک شدم.

۱. در اصل: دهی.
۲. در اصل: انقلاب نعمت.
۳. در اصل: سربازی مقدس.

۲۵۴

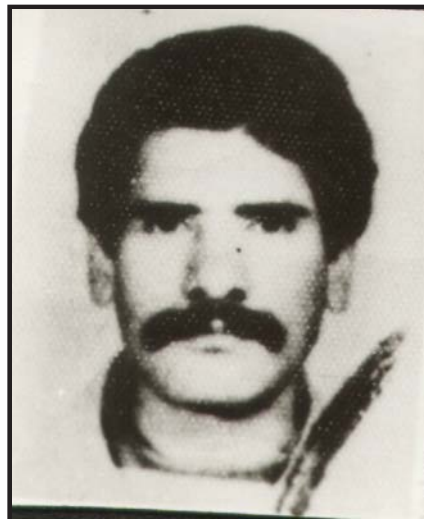
۷۹،۵۱
سید

سید عزیز کو
بسم الله سراب

و صیت من اینی است بعد از ما شماها سنگ را بر
به زمان شینت بختی السلام را بار دره تا این انقلاب
و صیت من سر باز اسلام این است قدر این انقلاب
را بد ایند سلام بزم سعد را ام نگه دره خون یاد نگه را
باید ال باشد والد السلام

عباس حیدری نسب خراجی در سال ۱۳۴۰ از خانواده مزین
در روستای خراجی چشم به جهان گشودم و آنجا به مدرسه
رضتم مدرسه ابتدای خراجی در به خدمت سر بار
مقدم شد رضتم عازم میدان خدیجه میگردم

حسن ذاکری برنطین



نام: حسن

نام خانوادگی: ذاکری برنطین

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۰۱/۰۱

محل تولد: روستای برنطین از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: علی

نام مادر: زهرا

تحصیلات: تا پایان دوره متوسطه در رشته ریاضی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۰۷

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت:

محل دفن: بهشت زهراي زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ قرآن به کسانی که در راه خدا جنگ می کنند، ثمرهٔ سعادت و پیروزی داده است.
- ◀ ما باید به جبهه برویم، که دشمنان خداوند [را] از بین ببریم؛ درخت اسلام را زنده [نگه داریم] و اسلام را پابرجا قرار دهیم.
- ◀ در سخنرانی های خود مردم را به وحدت و یگانگی دعوت کنید.
- ◀ تنها چیزی که خداوند بخشش ندارد، حق مردم است.

بسم الله الرحمن الرحيم

«وصیت‌نامه خصوصی»

حالا وصیت خود را به پدر و مادر شروع می‌کنم، اولاً خدمت شما عزیزان سلام عرض می‌کنم .

پدرجان! از آن جایی که تو پدر مهربان و دلسوزی بوده‌ای خیلی خوشحال بوده، امیدوارم که همه پدرها همینطور مهربان باشند؛ اما افسوس که نتوانستم جبران آن همه زحمات نمایم، شاید من فرزند خوبی برای شما نبوده‌ام، پدرجان! از نصیحت‌هایی^۱ که در طول عمر من برایم کرده‌ای بسیار متشکرم، زیرا نتایج آن راهنمایی‌ها [ی] شما بوده است که به راه خداوند بزرگ هدایت شدم و به راهی که علاقه فراوان داشته‌ام رهنمون شدم.

پدرجان! با از دست دادن من ناراحت نشوی که من شهید شدن در راه خدا [را] افتخار می‌دانم و شما هم باید افتخار بکنی که من به این آرزوی خود رسیده‌ام؛ به هر^۲ صورت نافرمانی‌هایی^۳ در برابر شما کرده‌ام که امیدوارم مرا ببخشید که شک ندارم هیچ پدری و آن‌هم پدری به مهربانی شما راضی نمی‌شود که پسرش در عذاب باشد؛ و از همین جا دست شما را می‌بوسم و از شما التماس دعا دارم و با شما خداحافظی می‌کنم.

حالا مادرجان! زحمات و بی‌خوابی‌های زیادی کشیدی تا مرا به این سن رسانده‌ای تا در دوران پیری آن‌را جبران کنم، مادرجان! از آنجایی که اسلام در خطر بود به جبهه آمدم، در شهادت من ناراحت مباش، با این که می‌دانم مادر نسبت به فرزند خیلی مهربان است ولی

۱. در اصل: نصیحتی‌هایی.

۲. در اصل: بهر.

۳. در اصل: نافرین‌هایی.

مگر آنهایی که در کربلا و در ایران شهید شده‌اند مادر نداشتند؟ چرا نتیجه می‌گیریم جان ما در برابر اسلام ناچیز است و باید خوشحال بشوی که توانستی فرزندی تربیت بکنی که بتواند توفیق شهادت را پیدا بکند و در پایان از شما حلالیت می‌طلبم که امیدوارم [...]^۴ مرا ببخشید زیرا که بهشت زیر پای مادران است^۵ و ان‌شاءالله خداوند به شما صبر جمیل عطا کند که در تمام مصائب بردبار و صبور بوده، خداوند ان‌شاءالله^۶ به شما اجر عطا بکند؛ و دست شما را از همین جا می‌بوسم و التماس دعا دارم؛ خداحافظ.

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ^۷

حالا با برادران، خدمت شما برادران سلام عرض می‌کنم.

برادران عزیز! از آنجایی که شما با من خیلی مهربان بوده‌اید و من چنین برادری برای شما نبوده‌ام و این چند سالی که با هم بوده‌ایم خیلی خوبی‌ها از شما دیده‌ام و فرصتی برای جبران آن‌ها پیدا نکرده‌ام؛ مرا ببخشید، برادران متوجه بودید من علاقه زیادی برای جبهه آمدن داشتم که فرصت پیدا نمی‌کردم، حالا که موفق شدم خیلی خوشحالم و شهادت آرزوی دیرینه^۸ من بود.

برادران! امیدوارم که یار و یاور پدر و مادر و خواهران‌مان باشید که من موفق نشدم؛ و قدر یکدیگر را بدانید و باهم باشید که این دنیا فانی است و از شما حلالیت می‌طلبم امیدوارم که مرا ببخشید از همین جا دست شما برادران می‌بوسم و خداحافظی می‌کنم.

حالا با خواهران عزیزم!^۹ و مهربان [م]، شما خیلی با من مهربان بودید و من هم به شما علاقه داشتم و شما برای من زحمت زیادی کشیده‌اید؛ و نتوانستم زحمات شما را جبران کنم؛ از شما معذرت می‌خواهم.

خواهران مهربان! امیدوارم که در شهادت من صبور بوده باشید؛ همان‌طوری که حضرت زینب (سلام‌الله‌علیه)، در کربلا چقدر مصیبت دید و صبر کرد؛ چرا که شما پیرو آن

۴. «که» حذف شده است.

۵. حدیث منسوب به پیامبر (ص): «الجنة تحت اقدام الامهات، بهشت زیر پای مادران است».

۶. در اصل: اله.

۷. در اصل: بخشی از آیه ۱۵۳، سوره بقره: «همانا خدا با شکیبایان است».

۸. در اصل: دیرینه.

۹. در اصل: عزیزیم.

می‌باشید و از شما حلالیت می‌طلبم؛ امیدوارم که مرا عفو کنید؛ از همین راه دور دست شما را می‌بوسم و با شما خداحافظی می‌کنم.

از دایی عزیزم و فرزنداننش و عمه‌های مهربان و فرزندان‌شان از پسرعموهای مهربان، بالاخره تمام فامیلان و دوستان حلالیت می‌طلبم؛ امیدوارم که مرا ببخشید.

حالا با دوستانم، که دورانی هم‌گردش و هم‌صحبت بودیم و شما دوستان خوبی برای من بوده‌اید، حالا باید دوستان، راه شهیدان را ادامه داد تا به پیروزی رسید؛ حالا دوستان از شما حلالیت می‌طلبم و طلب عفو می‌کنم خداحافظ. (به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی).
(دنباله آن)

و تصمیم به از بین بردن آن درخت پرثمر گرفتند، حالا نوبت^{۱۰} ماست که از خشکاندن آن جلوگیری کنیم، چرا که ما [خودرا]^{۱۱} پیرو آن امام شهید می‌دانیم. بهترین راه زنده نگه داشتن آن [این است که]^{۱۲}، با خون خود می‌توان آن را آبیاری نمود.

چنان که [...] قرآن بکسانی که در راه خدا جنگ می‌کنند، ثمرهٔ سعادت و پیروزی داده است که در قرآن کریم چنین آمده است:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^{۱۴}

خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را به قتل رسانند و یا خود کشته شوند؛ این وعدهٔ قطعی است، و عهدی است که در سه دفتر آسمانی (تورات-انجیل-قرآن) یاد فرموده و از خدا باوفا تر به عهد کیست، ای اهل ایمان! شما به خود در این معامله بشارت دهید، که این معاهده با خدا به حقیقت، سعادت و پیروزی^{۱۵} بزرگی است. پس نتیجه‌گیری می‌کنیم که ما باید به جبهه

۱۰. در اصل: توبه.

۱۱. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «خود را» باشد.

۱۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «این است که» باشد.

۱۳. «در» حذف شده است.

۱۴. آیه ۱۱۱، سوره توبه.

۱۵. در اصل: فیروزی.

برویم، که دشمنان خداوند [را] از بین ببریم؛ درخت اسلام را زنده [نگه‌داریم]^{۱۶} و اسلام را پابرجا قرار دهیم؛ که انگیزه آمدن من همین است. ان‌شاءالله که مورد قبول خداوند بزرگ قرار گیرد.

حالا پیامی برای روحانیت محل دارم، هرچند من کوچک‌تر از آن می‌باشم، آن اینست که درس‌خترانی‌های خود مردم را به وحدت و یگانگی دعوت کنید؛ چرا که پیروزی و موفقیت در سایه وحدت می‌باشد، برعکس اختلاف و دورویی موجب از بین رفتن و هلاکت می‌باشد؛ و مردم هم باید قدر و ارزش روحانیت را بدانند؛ که پرچم‌دار انقلاب، روحانیت بوده است. و دیگر آن که از خانواده‌های محترم، تقاضا دارم که طوری فرزندان خود را تربیت کرده که در حال و آینده ادامه‌دهنده راه شهداء بوده باشند و خلاصه آن که سنگرها خالی نماند^{۱۷} که ان‌شاءالله همیشه در جبهه‌ها و پشت جبهه حضور داشته باشند؛ مبادا خانواده‌هائی پیدا بشوند، که از جبهه رفتن فرزندان‌شان جلوگیری بکنند؛ زیرا که فرزندان آن‌ها از اولاد و اصحاب امام حسین (ع) بالاتر نیستند، که همه در راه اسلام فدا شدند؛ و به این جان‌دادن هم افتخار کردند. و در پایان از امت حزب‌الله و شهیدپرور برنطین حلالیت می‌طلبم، در مدت سال‌هائی که در بین شما بوده‌ام به جزء خوبی و مهربانی، صفا، صمیمیت^{۱۸} چیزی ندیده‌ام، حالا اگر آن‌ها از این حقیر ناراحتی دارند، زیرا که انسان جایزالخطاست، مرا به بزرگی خودتان عفو کنید؛ زیرا که حق الناس خیلی مهم است. اگر نافرمانی^{۱۹} از خداوند کرده باشم، امکان دارد خداوند ببخشد، زیرا که ارحم الراحمین است؛ تنها چیزی که خداوند بخشش ندارد، حق مردم است؛ که به [...] خودشان بستگی دارد؛ حالا پس شما بزرگی بکنید و مرا عفو کنید؛ که ان‌شاءالله خداوند به شما توفیق بدهد.

دعا برای طول عمر امام امت یادتان نرود.

به امید پیروزی لشکریان اسلام بر کفر جهانی و بازشدن راه کربلای حسینی و آزادشدن

۱۶. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «نگه‌داریم» باشد.

۱۷. در اصل: نمی‌ماند.

۱۸. در اصل: صمیمت.

۱۹. در اصل: نافرانی.

۲۰. «آن‌ها» حذف شده است.

سرزمین‌های اسلامی از دست اشغالگران و در همین جا با امت حزب‌الله خداحافظی می‌کنم و طلب مغفرت و التماس دعا دارم. خداحافظ و نگه‌دار شما باد.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيًّا وَ بِعَلِيِّ إِمَامًا وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ تَمَامِي چهارده معصوم شهادت می‌دهم.

وصیت خود را هم‌اکنون که در جبهه حق علیه باطل هست چنین رقم می‌زنم. جوانان عزیز! هم‌اکنون اسلام به وجود شما افتخار آفرینان نیازمند است. بیاید با خدای خویش پیمان ببندید تا آخرین قطره خون که در شریان‌های خویش دارید از دین و میهن‌تان دفاع [کنیم] چرا که اسلام به وسیله خون از اول تا به حال آبیاری شده است. پس اسلام به ماها چشم دوخته است.

... کسانی که می‌گفتید ما در کربلا نبودیم که امام حسین را یاری کنیم^{۲۱}، پس چرا نشسته‌اید، قیام کنید تا نظام ظلم را از بنیاد بکنیم و به ندای هیئات من ذله امام حسین لبیک بگوئید.

در پایان توصیه‌ای^{۲۲} که به امت حزب‌الله برنطین، در راس به روحانیت آنجا [...] ^{۲۳}، به عنوان یک برادر کوچک‌تر از هر که این وصیت‌نامه را می‌خواند و می‌شنود، دارم^{۲۴} این است که روحانیت مردم [را] به وحدت و یگانگی دعوت کنند، زیرا که هم‌اکنون کشور اسلامی ما بیشتر از همه به وحدت نیازمند است.

و در پایان به پدر و مادر، برادران و خواهران، تمام فامیل^{۲۵} و دوستان تقاضا دارم که

۲۱. در اصل: کنید.

۲۲. در اصل: توصیه.

۲۳. «دارم این است که» حذف شده است.

۲۴. در اصل: هستم.

۲۵. در اصل: فامیلیان.

اگر شهید شدم در شهادت و مرگ [من] گریه و زاری نکنید، زیرا که من از صمیم قلب به شهادت علاقه داشتم و شب و روز به امید آن روزشماری می‌کردم و باید انسان صبور باشد.

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبَدُّلًا

برخی از آن مومنان بزرگ مردانی هستند که به همه پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کرده، پس برخی از آن عهد ایستادگی کردند (تا به راه خدا شهید شوند) و برخی به انتظار فیض شهادت مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند. و چنانچه پیامبر گرامی اسلام (ص) در همین مورد چنین می‌فرماید.

مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَتَيْنِ : قَطْرَةُ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

هیچ قطره‌ای در مقیاس حقیقت و در نزد خدا از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست. به این جهت توفیقات ربانی شامل حال اینجانب حسن، شهرت ذاکری، دارای شناسنامه شماره ۳ موالید، صادره از برنطین، فرزند علی، ساکن برنطین می‌باشم، [شد] که بر احدانیت الهی و نبوت جمیع انبیاء و خاتمیت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و ولایت و عصمت ائمه اثنی عشر و حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیهم و بکلیه عقائد اسلامیة و فروعا اقرار نموده.

و بعد درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و پایه‌گذار جمهوری اسلامی که هر چه داریم از آن این رهبر است، زیرا که اگر رهبری به مثل امام خمینی نداشتیم، در ضلالت و گمراهی که ما را فرا گرفته هنوز به سر می‌بردیم که باعث شد رژیم طاغوتی با آن همه تجهیزات از

بین ببرد. البته به اتکای خداوند بزرگ که محبوبیت و دلیل پیروزی آن همین بود. پس ملت شهیدپرور و قهرمان باید از چنین رهبر سرمشق و عبرت بگیرند، یعنی در تمام امور زندگی بیاد خدا باشید که موفقیت در گرو همین است.

پس توصیه‌ای که [به] مردم قهرمان پرور غیور رودان بالاخص مردم برنظین [دارم] این است که در راه و مسیری که امام جلودار آن است بروید و همیشه یار و یاور آن باشید، زیرا که پیروزی اسلام در همین راه می‌باشد. مبادا روزی برسد که کفر نعمت بکنید، یعنی خدای ناکرده از فرمان آن سرپیچی کنید که دیری نکشد که بدبختی و عذاب الهی گریبان‌گیر آن‌ها شود و همان بدبختی که قبلاً در ایران و بر این ملت مستولی بود خدای ناکرده سایه بیفکند پس همیشه باید گوش به فرمان آن رهبر بود همان طوری که تا به حال مطیع بوده‌اید.

حالا یکی از فرامین آن رهبر در مورد جبهه‌ها می‌باشد که فرمودند به جبهه بروید که عزت و شرف ما در گرو همین مبارزات است^{۲۶} که این پیام را از جان و دل پذیرا بوده و بروی چشم بگذاریم و به جبهه‌ها هجوم آورید که رضای خداوند و امام زمان (عج) و نائب آن می‌باشد.

ای ملت قهرمان و شجاع! هدف [...] این بنده حقیر از رفتن به جبهه همین بوده هست. موقعی که پیام امام را شنیدم که فرمودند به جبهه‌ها بروید که امروز اسلام و کفر در مقابل و در برابر هم قرار گرفته‌اند. به بیان دیگر، اگر از رفتن به جبهه خودداری کنید، اسلام شکست خواهد خورد و دستورات قرآن کریم زیر پا گذاشته می‌شود و تکلیف خود را از آنجائی که مقلد امام بودم دانستم که به فرمان امام لبیک بگویم، که با این کار خود توانسته باشیم دشمنان دین را از بین ببریم و شاید گناहانی که انجام داده خداوند از من بگذرد و از انصار خودش قرار دهد که خداوند از بندگانش که به آن روی آورند می‌بخشد، چنانچه در دعای کمیل چنین که: یا سریع‌الرضا یعنی که به زودی از بندگانت خوشنود می‌شوی و پیامرزی کسی را که جز دعا چیزی ندارد، زیرا که هرچه بخواهی می‌کنی. ای که نامش دواست و یادش مایه شفا هست و طاعتش توانگر نیست، به حال کسی که سرمایه‌اش امید و اسلحه‌اش گریه است

۲۶. در اصل: برماست.

۲۷. «رفتن» حذف شده است.

رحم کن. که همانا خداوند بهترین^{۲۸} رحم کنندگان است. و انگیزه‌ای دیگر که باعث رفتن به جبهه شد این بود که همان طوری که در زمان امام حسین(ع) اسلام را در خطر دید که یزید امام(ع) را سر دو راهی یعنی نفوذ بالله یا اینکه تن به ذلت بدهد یا اینکه در این کشته شود. که امام حسین(ع) در جواب فرمودند هیئات من الذله که من هیچ وقت تن به ذلت نخواهم داد و شهید شدن در این راه [...]می‌دهم. که موجب به وجود آمدن صحنه کربلا که به شهادت رسیدن امام و اصحابش شد و درخت اسلام را با خون خود و یارانش آبیاری کرد و آن درخت که کفار می‌خواستند از بین ببرند و آن را بخشکانند دوباره جوانه زد و سبز شد که تا امروزی که ما در آن به سر می‌بریم مانده است و حالا دوباره تاریخ تکرار شد و همان یزیدیان که عبارتند از: آمریکا (شیطان بزرگ) و شوروی(تجاوزگر) با جلوانداختن نوچه خودشان صدام یزید که حتماً اینها همه از وارثان یزید و معاویه می‌باشند.

۲۸. در اصل: بهتر.

۲۹. ناخوانا است.

۵۵، ۹، ۱۰

در همین جا بامت حزب الله خدا حافظ بکنم و طلب مغفرت و القاب و عا دارم، خدا حافظه و نگهه ارسانا دارم

و در سوره الرحمن الرحیم

الا وهبت نایه خفوه می

حالا وصیت فرمایم پدر و مادر شریع بکنم - اولاً خدمت شما عزیزان سلام عرض کنم -
پدر جان از آنجا بود که پدرم بر این بدست زنی بوده از خیلی خرمشال بوده امیدوارم که همه پدرها منظره هرمان باشند
تا انصوس که نترسم جبرک الله فرما تمام انبیا من فرزندان برای شما نموده ام که بدان از یحیی بن که در طول عمر من جرم
نکرده ای بسیار شکرم زیرا اینها را با ما میسازد و دست که همراه خداوند بر آن هدایت کردم و هر راهی که علاقه داران داشته ام
روشنی کردم پدر جان با از دست دادن من ملاحظه نشوی که من شهید شدم در راه خدا انقار می دانم و شامه باید انتظار
بکنی که من و این کار را فرود بدهم - بر صورت آن فرستادمی در برابر خاک کرده ام که امید دارم هر ایستند که منت تمام هیچ
پدری و آنهم پدری که هر با منی شما را نمی گوید پس من در عذاب باشم و از همین حادثه شما می بوسم و از شما انقار دارم
و شما خدا حافظی می کنم.

حالا مادر جان رحمت من خواهرهای زیادی کشیدی اما هر کس این سخن رسانده ای تا در روزگ بر سر آن اجرال کنیم،
مادر جان از آنجا بکنم اسلام و خطر بر به جریه (چندم) در شهادت من ملاحظه مسائلی را در این می دانم مادر دست به فرزندان
عینی هر کس است ولی نگه نگاه کرده در این که همیشه شده اند مادر باشند - چرا نشد که می بوم جان مادر در اسلام
یا چیزی است و باید جو جان نبوی که توانستی فرزندی تو بیت بکنی که بر آن تو حق است و البته در این از شما خلاصیت من طلبم که
امید دارم که هر ایستند زیرا که رحمت زبیر را با او در آن است و ان شاء الله در این به شما می بوسم عطا کند که در تمام مصائب بردبار
و صبور بوده خداوند ان شاء الله شما اجر عطا کند و دست شما را از همین جایی بوسم و القاب و عا دارم - خدا حافظه
ان الله مع الصابرين ۶۶

حالا با برادران - خدمت شما برادران سلام عرض کنم - عزیزان از آنجا که شما با من خیلی هرمان بوده اید من چنین
برادر عزیز شایسته ام و هم این چند سالگی که با هم بوده ام خیلی خرمشال از شما دیده ام و فرقی برای جبران آنها پیدا کرده ام که هر ایستند برادران
مدرج بود من علاقه تر با من برای شما که در آن وقت پیدا می کردم حالا که مرفق هم خیلی خوشام و مسافرت آرزوی دیرینه من کرد - برادران
امید دارم که با برادران برادر و خواهر افغان ایستند که من موقوف شدم - و در گذشته را بگویند و ما هم با این زبان می است و از شما خلاصیت
من طلبم امید دارم که هر ایستند از همین حادثه شما برادران می بوسم و خدا حافظی می کنم.

حالا با خواهران عزیزم و هر کس شما خنجر با من هرمان بودید من هم به شما علاقه داشتم و شما برای من زحمت کشیده اید او نترسم فرما بکنم که اولاً
منم از شما سعادت من فراهم، خواهران هرمان امید دارم که در شما عشق منسوز بوده باشند همانطور که حضرت یحیی بن زینب سلام الله علیهم در کربلا
حقه و بیست و یکم کرد چرا که شما پیران ما باشید و از شما خلاصیت من طلبم، امید دارم که هر ایستند از همین راه در دستهای من بوسم و با شما
خدا حافظی می کنم.

وزدانی عزیزم روزی که در راه هر کس بر جان در فخر زندگان که سیر عمرهای هرمان بالا زره تمام نامیلان و در دستک خلاصیت
من طلبم امید دارم که هر ایستند.

حالا با دوستی که در راهی هم کردیم و هم صحبت کردم در دست کن می برای من بوده اید، حالا باید در آن راه شهیدان را ادامه
داد تا به پیر در آن رسید - حالا در پشت آن از شما خلاصیت من طلبم و طلب عشق منم خدا حافظ (۳) امید بپرزوری اسلام برزوری (۴)

حسن ذاکری

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

(ذوالکمال)

و تقصیر ازین برون آن درخت برتر و منتهی حال آنکه ما مست که از خشکانه آن جلای کنیم چرا که ما بر در
این امام شریف ما اینم... بهترین راه زنده نگه داشتن آن با خون خود میتوان آراستاری نمود.
چنانکه در واک بگناید در راه خدا حقیقت من گشته شده سعادت پرورداری داده است که در آن کریم چنین آمده است.

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لِيُقَاتِلَهُمْ وَيُقَاتِلُوا
وَعَدَّ عَلَيْهِمْ حَقَّ الْوَعْدِ وَالْإِنْجِيلَ وَالْقُرْآنَ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ مَا نُقْبِضُ وَأُولَئِكَ هُمُ
الْعَاقِبُونَ الْعَاقِبُونَ X

خدا جان مال اهل ایمان را بخرید بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد میکنند دشمنان دین را بقتل
رسانند و یا خود کشته شوند این وعده قطعی است، در عهدی است که در سه دفتر آسمانی (قرآن - انجیل - قرآن)
یاد فرموده و از خدا با وفا تر عهد نیست ای اهل ایمان شما هم خود در این معامله بشارت دهید این معامله با خدا
به حقیقت سعادت و پرورداری بزرگ است.

پس نتیجه گیری می کنیم که ما باید به جبهه برویم که دشمنان خداوند را ببریم درخت اسلام را زنده و اسلام را
یا بر جا آوردهیم که انبیا از آن من همین است، انشاء الله که مورد قبول خداوند بزرگوار گردد.

حال ایمان برابر روحانیت عمل در کم هر چند من که جمله از آن میباشم آن است که در منته اینها خود مردم را
به وحدت و یکپارگی دعوت کنید چرا که پروردار و معرفت در سایه وحدت می باشد، هر کس اختلاف و دوری موجب از
بین رفتن و هلاکت می باشد و مردم هم باید قدر و ارزش روحانیت را بدانند که پرچم انقلاب روحانیت بر است
و دیگر آنکه از خانواده ها محترم تقاضا دارم که طرز زندگی خود را درست کرده که در حال و آئینه ادب و اخلاق
راه شهید ای برده باشند و خلاصه آنکه سندها عالی می ماند که انشاء الله در جبهه ها برکت چهره حضور داشته باشد
باشند سبب خانواده ها می باید باشند که چشمه و منبع نورندشان جلایر کنند زیرا که نور از آن است.

ز ولاد و اصحاب امام حسین (ع) بالاتر نیستند که همه در راه اسلام فدا شده اند و این جان را درین صحن امتیاز کردند
و در پایان این از است خراب از راه دست پرورد بونظین حال کت من طلبم به در عدت سالهای که درین وقت بوده ام
به جز و خبری و بر بانی، مناسبت چیزی ندیده ام، حال اگر آنها از این حقیر نا ارحس دارند زیرا که ایشان جان را فضا
ست مرا به نبردی خود مانع عقد کنید، زیرا که حق ان سرخیل مهم است اگر نافرمانی فداوند کرده نامم امکان دارد
خداوند هست زیرا که اگر هم را همین است تنها چیزی بر خداوند بخشیدار حق مردم است که ام آنها خودشان تسلیم دارد
حال این شما بزرگترین است و مرا عقد کنید به انشاء الله که خداوند شما محبت بدهد و دادها را بر طول عمر امامت یا در هر روز
داد به امید پروردگار شریفان اسلام بر کوه های و تار شدن راه رنگ سحرین را از دست سزیمینا بر سلیمان است انشاء الله

بسم الله الرحمن الرحيم
 این وصیت نامه را بنویسید
 نام خانوادگی حسین احمد
 فرزند علی
 تاریخ ۱۳۸۷



بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت بالله و بنا الاسلام بنیام محمد صلی الله علیه و آله و سلم
 بالاحسن و الاحسن اما ما قرآن مجید را در معصوم شهادت می‌دهم
 وصیت خود را می‌کنم که در جبهه حق علیه باطل هست چنانچه من نیز
 در آن عزیزم اکثران اسلام بودم و شما افتخار و توفیق نبیانه است

بیایید با هم فریضه ایمان بپذیریم تا آخرین قطره خون که در شش ما
 خورشید زریه از زمین و زمین های دنیا چرا که اسلام جبهه حق را از آن
 آنگاه در شش است. پس اسلام ما ماها چشم در شش است.

ما که ما گفته ما در کتب خودم که امام حسین را یاد کردیم پس چه گفته اند
 پیام کتب اسلام ظلم را در دنیا بکنیم. و بعد از شهادت من در امام حسین است
 در کتب ایان که می‌گوید است حزب الشیطان در اوس بود و ما خدا و ما و ام است
 که بعد از آن وقت برآمد که جبهه انحراف این وصیت نامه را می‌خواند و در شش
 نیست که روحانی مردم در حدت و ایمانی دعوت کنند زیرا که هم اکثران
 کشنده اسلام ما بیشتر از همه مردم است. بیایید است. در شش

و در ایان به پدید و صفا در برادران و فرزندان تمام خاندان و ما دارم
 که اگر شش شدم در شهادت در شش گریه در کتب و شهادت من از همین علی
 به شهادت علامه دهم و شش در روز جمعه ای که آن روز شهادت من بودم و باید انسان
 مسیور بیاید. «اللهم مع الصابرین» السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
 «انا لله وانا الیه راجعون»

تاریخ ۱۳۸۷
 کتب ایرانیا اصل است
 بهمن پور ایثارگران شهیدان و ایثار
 محل اسناد

بسم الله الرحمن الرحيم
 نام نام خانوادگی: حسن ذاکری
 فرزند علی ... تاریخ: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۷

بسم تعالی
 جمهوری اسلامی ایران

فی صلیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم
 «صلیت نامه محمدی ۹۲»

من الزمینی رجالی منذ قرأها عاهد الله عليه فتم من قفنی تخمه رمنهم یستظن
 رحمة لو تبدوا ... فی آن سزاگت بزرگت مردانی هستند که همه پیمان
 که با خدا بستند کاملاً وفا کرده پس بجز آن که عهد استیادگی کردند از تاراه خدا
 شهید نشده اند و بجزی با انتظار فیض شهادت معاشرت کرده هیچ عهد فروری نکرده اند
 و چنانچه پیامبران اسلام (ص) در همین مورد چنین فرمایند
 ما من قطرة أحب الی الله من قطرة دم فی سبیل الله

هر قطره ای در قیاس حقیقت و در نزد خدا از قطره خون بود که او بر نهد شود شهرت
 به اینجهت در فیض آرزای شامل حال اینهاست حسن شهرت ذاکری دارای شناختنامه
 شماره ۳۳ مرالید صادره از برونطین فرزند علی ساکن برونطین مینیا شهر که در احداثیت الهی
 و نبوت جمیع انبیاء و حاکمیت حضرت محمد بن عبد الله علی الله علیه و آله و ولایت و
 عصمت ائمه اثنی عشر و حضرت باطنه زهرا صلوات الله علیهم در کتب عمده اسلامی درجاً
 آورده اند

و بعد در هر چه بر سر انقلاب اسلامی و پایه گذاری جمهوری اسلامی که هر چه داریم از آن
 این رهبر است که از رهبری مثل امام حسین نداشتیم و در ملاقات و گزافه که مایه آزادی
 هنوز نسوزی بودیم که باعث شد در تمام مناطقی تا آن همه تجهیزات از زمین بود ... البته آنهای
 جدا بود بزرگ که محبت و دلیل پیروزی آن همین بود پس ملت متعهد بود و همزمان
 باید از همین رهبر سرشن و عزیز بگفته، یعنی در تمام احزابی باید خدا با شماست که بوفیت
 در رو همین است

پس تو میله است مردم که با من در غنچه بدان بالاخص مردم برونطین اینست که در آن
 رسیده اند امام جلوه دار آن است بر روی دهنش از تو باور آن با شهید زهرا که پیروز
 اسلام در همین راه بیاید شده ... سارا به زور رسد که در وقت دلتی یعنی خدای تکریم ...

حسن ذاکری

تاریخ: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۷
 مکان: اهواز
 کپی برداری اصل است
 حسن ذاکری

بسم الله

از فرزندان آن سیرت بی نظیر که در پی جبهه جهاد است و خداوند الهی را با تمام آرزوهایش در دهان می‌خورد و خطا در
ایران و در این ملت شریفش بود همان نامه سایه بیگانه است. این هفت باغ در نظر فرشتگان آن رهبر بزرگوار است که
تا ابد با طبع برده‌ایم.

حالا بنی از این آن رهبر در روز جبهه‌ها می‌بناشد که فرزند من جنبه برود که عزت و رزق ما در روز همین
براست که این پیام را از جان و دل پذیرا بوده برود چشم بگذریم در جبهه‌ها هم آرزوی در زمان
خداوند و تمام زمان (لا یحج) و ما شب آن می‌بناشد.

ای ملت قهرمان و شجاع - هدف رفیق این همه حقیقت از رفیق من جنبه همین بود و هست - موقعی که
پیام امام را شنیدیم که فرزند ما جبهه‌ها برود که امروز اسلام و کفر در جهان و در برابر هم قرار گرفته اند.
به جان و دل که از رفیق من جنبه خود این گفتند اسلام کسبست فرهاد فرود و دستورات قرآن کریم زور با
گواشتان می‌شود و تعلق خود را از آسمانی که خطه امام بودم دانستم که زبان امام کسبست بلویم.

که با اختیار خود تر است ایمان دشمنان زمین را از من حرم، و شاید نگاهش که انعام دادن خداوند از
من بگذرد و از انعام خود بیشتر برآید که خداوند از من نامش که آن روزی که در آنجا می‌نشستیم
دعا می‌کنیم چنین که با شیوع الرضا یعنی که فرزند من از من نامش که در آنجا می‌نشستیم و سایر زنی را که
جبهه دعا چیزی نداند. زیرا که هر چه بخوانی هر کس که نامش در او است و یادش مایه شاهدت،
و طاعتش تو را کسبست محال نمی‌کند سرمایه اش امید و استوارش گریه است و هم کن.

که با اختیار خود تر است ایمان دشمنان زمین را از من حرم، و شاید نگاهش که انعام دادن خداوند از
من بگذرد و از انعام خود بیشتر برآید که خداوند از من نامش که آن روزی که در آنجا می‌نشستیم
دعا می‌کنیم چنین که با شیوع الرضا یعنی که فرزند من از من نامش که در آنجا می‌نشستیم و سایر زنی را که
جبهه دعا چیزی نداند. زیرا که هر چه بخوانی هر کس که نامش در او است و یادش مایه شاهدت،
و طاعتش تو را کسبست محال نمی‌کند سرمایه اش امید و استوارش گریه است و هم کن.

و این را می‌داند که با عفت رفیق من جنبه است این بود که هر از طریق روزمان امام حسین (ع) اسلام را در خطر
دید که فرزند امام (ع) را سرور را من صبح نغز و الله یا الله من زلت به هدایایم در این کشته شد و
که امام حسین (ع) در جواب فرزند و راهی است من الله یعنی که من هر وقت من زلت فرهاد داد و سینه
شده که در این راه از زنده شد که در روزی برتری ما هم که موجب برخورد است که من به فرهاد که شاهدت
می‌بیند امام ما عایش شد و در وقت اسلام را با خون خود و باران آسمانی کرد و آن درخت که کفار
می‌خواستند از من ببرند و استوارش که در باری خواهد بود و سینه من که تا امروز که ما در آن سینه بریم
عاشه است و خاله و ناز و تاریخ نگارنده و همان یهودیانی که عبادت کنند از آن اگر یک استیطان بزرگ
دشمن من (ع) خواهد بود. با جلوانا من فرجه خود من عمام نیز که تمام اینها همه که ما در آن فرود و غم
می‌بناشد.

محل انشاء

۱. وصیت نامه را و اصل پاکت مخصوص بنده را در دستجات خود را و قضا بنویسید
۲. وصیت نامه را از تعداد مورد نیاز کاتبان یا مجامع مربوطه خود دریافت نمایند.



۵۰۱۸۰۰

حسن راستین



نام: حسن
نام خانوادگی: راستین
تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۹/۰۹
محل تولد: روستای ناصرآباد از توابع شهرستان رودان
نام پدر: موسی
نام مادر: گران
تحصیلات: دوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۴
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش و گلوله
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ برای بی کسی امام حسین و بخون غلطیدن علی اکبر و قاسم و علی اصغر گریه کنید.
- ◀ بزرگ ترین وصیت من حفظ حجاب است، حتی حجاب توکوبنده تر از خون من است.
- ◀ همیشه گوش به فرمان ولایت فقیه و رهبر کبیر باشید.
- ◀ همان گونه که شعار می دهید «ای شهید راهت ادامه دارد» پس جهت ادامه راه با عمل نیز نشان دهید.
- ◀ ای دوستان! رضای خداوند را می توانید در این راه جلب کنید و با یاری دهنده دین خدا، او را خشنود و راضی گردانید.

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و خانواده‌ها و بازماندگان و خانواده‌های شهدای اسلام.

باری بر حسب وظیفه‌ای که بر عهده‌ام گذاشته شده لازم دانستم که چند کلمه‌ای به عنوان وصیت‌نامه برای شما بازماندگان عزیز بنویسم.

وصیت اول من به پدر و مادر [م] این است که مادر جان! اگر من شهید شدم، بر من گریه و زاری نکنید؛ بلکه برای بی کسی امام حسین و بخون غلطیدن علی اکبر و قاسم و علی اصغر گریه کنید.

مادر جان! اگر من شهید شدم، این بزرگ‌ترین افتخار بود که خداوند نصیب کرده است؛ پس شما هم دین خود را در برابر خدا انجام داده‌اید؛ و در نزد حضرت زینب و فاطمه زهرا روسفید [بوده]^۱ و آینده خوشی را دارید.

دومین وصیت من به برادران و خواهرانم این است، که برادرانم سنگرم را خالی نگذارند و اسلحه بر زمین افتاده‌ام را بردارند و دست از امام و ولایت فقیه بردارند و خواهر [انم]! بزرگ‌ترین وصیت من حفظ حجاب است، حتی حجاب تو کوبنده‌تر از خون من است.

و سومین وصیت من به خانواده‌ام این است، که بیش از ۶ ماه درسوگ من ننشینند^۲ و هر وقت که خواست می‌تواند شوهر اختیار کند.

از همگی طلب عفو و بخشش [...] دارم.^۳

۱. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «بوده» باشد.

۲. در اصل: ننشیند.

۳. «را» حذف شده است.

وصیت چهار [م] من به دوستان و خویشان جوان این است، که تا خون در بدن دارند، دست از انقلاب اسلامی برندارند و جبهه‌ها را همیشه پر نگه‌دارند؛ مبادا جبهه‌ها نیازی داشته باشند و همیشه گوش به فرمان ولایت فقیه و رهبر کبیر باشید.^۴

مادر جان! جبهه مدرسه عشق است و سنگر حمله من، حمله‌ای که تا بحال شیرین‌ترین حمله‌های دامادی بوده و مادر جان! گلوله‌ها نقل‌های شادی و دامادی من [است]؛ پس مادر جان! اگر شهید شدم بدان که به آرزویی که داشتم رسیدم؛ من امانتی در دست شما بودم که دوباره به خودش تحویل دادید؛ پس شما امانت نگه‌دار خوبی بودید و در این امانت خیانت نکردید.

مادرو پدر عزیزم! کوچک‌ترین ناراحتی [...] در دل‌تان راه ندهید؛ بلکه از دیگر دوستان و برادران شهیدم بهتر و دوست‌داشتنی‌تر نبودم؛ پس شما هم فکر پدر و مادرهایی را بکنید که تا بحال چندین فرزند اسیر، مجروح و شهید [...] داده‌اند و حال نوبت به خودشان رسیده است و خود را در اختیار جمهوری اسلامی گذاشته‌اند و در جبهه حضور دارند. در پایان وصیت من این است، که در جغین هر کجا به عنوان بهشت زهرا تعیین شد، دفن نمایید. شاید ره‌گذری بر مزارم سوره حمدی بخواند.

من الله التوفیقین

پاسدار وظیفه حسن راستین

۶۵/۱۰/۳

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۷

۴. در اصل: باشند.

۵. «را» حذف شده است.

۶. «را» حذف شده است.

۷. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

نپندارید آن‌هایی که در راه خدا جهاد می‌کنند و کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌خورند.

بنام خداوند بخشنده مهربان، بارخدا یا! تو را سپاس می‌گویم از این که شایستگی و لیاقت بزرگی را [...] ^۸ نصیب [من] کردی و مرا در این قرن و در این تاریخ بدینا بیاوردی؛ تا این که جزء سربازان مهدی و یاوران امام خمینی و دوستان اباعبدالله‌الحسین قرار بگیرم و از شفاعت امام حسین (ع) بهره‌ای ببرم [...] ^۹.

بارخدا یا! از این که به من توانائی بخشیدی تا در راه خدا و دین خدا و برپا کردن حکومت اسلامی جهاد کنم، سپاس گزارم.

باری بر حسب وظیفه می‌خواهم چند کلمه‌ای بعنوان یادگاری و وصیت‌نامه بنویسم. اولین وصیتم به پدر و مادرم این است که در مرگ من گریه نکنید؛ برای غریبی امام حسین و طفل شیرخوارش علی‌اصغر گریه کنید و شکر خدای را بجای بیاورید که خداوند شما [را] نیز لایق دانسته است، که در این جنگ و جهاد سهمی داشته باشید. دومین وصیتم به برادرانم این است که از این که من نابود شدم شما ناراحت نشوید بلکه باید بیشتر افروخته شوید و در این جهاد شرکت کنید و راهم را ادامه دهید و نگذارید که اسلحه‌ام بر زمین بیفتد و سنگرم خالی بماند.

سومین وصیتم به همگی دوستان نوجوان [این] می‌باشد که از همگی شما دوستانی که در تشییع جنازه من شرکت می‌کنید، همان‌گونه که شعار می‌دهید «ای شهید راهت ادامه دارد» پس جهت ادامه راه با عمل نیز نشان دهید و خون شهیدان را از کفرجهانی صدام بگیرید و دین خدا را بر دیگر کشورها و مردم محروم و مستضعف حاکم سازید. وصیتم به دوستان و آشنایانم این است که هنگامی که می‌خواهید از نزدیکی قیرم

۸ «برایم» حذف شده است.

۹ «وبرده باشم» حذف شده است.

گذر کنید، قدم^{۱۰} رنجه کنید و بر قبرم^{۱۱} سوره حمدی بخوانید و جهت آمرزش گناهانم دعا کنید.

آخرین وصیتم به کلیه برادران، فرماندهان گردان ۴۲۲ یا زهرا این است، با جمع دوستان هروقت که فرصت شد تشریف بیاورند و پدرم و برادران^{۱۲} دیگر سپاه از ایشان پذیرائی ننماید. خانوادگی وصیت می‌نمایم. (محرمانه)

شما خانواده مهربان اگر می‌خواهید بنده از شما رضایت داشته باشم^{۱۳} پس برگفته‌هایم نیز عمل کنید^{۱۴}.

۱- از زمان شهادت تا ۶ ماه بیشتر در سوگ من نشینید و مجاز هستید که عروسی کنید و شوهر اختیار کنید.

۲- اگر^{۱۵} همسایگان و دوستان و خویشان اسباب عروسی را برپا کرده‌اند، این شهادت را به آن‌ها تبریک بگو و بگو که کار آن‌ها به خاطر من به عقب نیفتد.

۳- شما^{۱۶} مجاز هستید، تا زمان ۶ ماه حقوق بنده را دریافت کنید^{۱۷}.

مبلغ ۱۵۰۰ تومان بابت ساعت زهرا مسافری، بدهکاری می‌باشم از تعاون سپاه بگیریید و این مبلغ را بپردازید. هر کجایی که مسئولین صلاحیت [...] دانستند، دفن نمایند.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

۱۰. در اصل: قدمی.
 ۱۱. در اصل: قبورم.
 ۱۲. در اصل: برداران.
 ۱۳. در اصل: شوم.
 ۱۴. در اصل: کن.
 ۱۵. در اصل: دوم.
 ۱۶. در اصل: سوم.
 ۱۷. در اصل: دارید.
 ۱۸. «را» حذف شده است.

بسم رب الشهداء و الصدیقین

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^{۱۹}
 نیندارید آن‌هایی که در راه خدا جهاد می‌کنند و کشته می‌شوند، مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌خورند.

بنام خداوند بخشنده مهربان، بنام خدای محمد پروردگار هر دو عالم، وصیتم را آغاز می‌کنم. امیدوارم، من که با زنده بودنم نتوانستم خدمتی به اسلام و مسلمین بکنم، [صیتم مقدمه‌ای برای پیدا کردن مردم و خدمتی بزرگ برای اسلام و مسلمین باشد. اولین وصیتم به هم‌زمان و هم‌سنگرانم می‌باشد که در دل شب، با عزم پولادین خود، سیاهی شب را می‌شکافند و خود با خدای خود به راز و نیاز می‌نشینند و با خدای خود خلوت می‌کنند و برای پیروزی انقلاب و مسلمین جهان دعا می‌کنند.

وصیتم به کسانی است که با کاروان شب زنده‌داران حرکت می‌کنند یعنی کسانی که در دل شب نماز شب را پیاپی دارند و با صورت گذاشتن بر روی خاک و ریختن اشک، خدای خود را از خود راضی و خشنود می‌کنند؛ از شما کاروان می‌خواهم، که [برای] ما سیاه‌صورتان که کوله باری پر از گناه داریم دعا کنید^{۲۱}.

وصیت دومم به پدر و مادرم این است که پدر و مادر مهربان، [صیتم] مگر آن‌هایی که شهید شدند، پدر و مادر نداشتند، یعنی فقط تنها شما بودید که شهید یا مجروح داده‌اید؟ پس هنگامی [که] ناراحت شدید سری به بهشت زهرا بروید و از مزار شهیدان دیدن کنید؛ با دیدن قبور شهدا دل خود را جلا دهید و با روحیه دادن به مردم دل امام زمان (عج) و نائب برحقش امام خمینی را شاد گردانید، تا خدا هم این قربانی را از شما [صیتم] بپذیرد.

باری پدرجان! از این که در جنگ سهمی داشته‌اید و در جهاد با کفار شریک شده‌اید به خود افتخار بورزید؛ چون که توانسته‌اید این‌گونه فرزندی را تربیت کنید که پیرو امام

۱۹. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲۰. «با نوشتن» حذف شده است.

۲۱. در اصل: کنند.

۲۲. «آیا» حذف شده است.

۲۳. «قبول و» حذف شده است.

[بوده]^{۲۴} و راه امام را پیروی کند، تحویل جامعه داده‌اید، پس خشنود باشید و شکر خدای را بجای آورید.

سومین وصیتم به برادرانم این است که برادر جان! به جبهه تشریف ببرید و اسلحه افتاده‌ام را بگیرید^{۲۵} و سنگرم گرم نگه‌دارید و نگذارید که سنگرم خالی بماند.

وصیت چهارم [...] ^{۲۶} به خواهرانم است که زینب‌وار صبور باشند و رسالتی که به عهده آن‌ها گذاشته شده است [را] به نحو احسن بر دوش بکشند^{۲۷}.

ای جوانانی که در تشییع جنازه من تشریف دارید! وصیتم به همگی شما این است که با شهید شدن من و امثال من و با قرائت شدن وصیتم حرکتی باشد برای بجوش آوردن خون شما تا این که دین خدا را یاری فرمائید.

ای دوستان! رضای خداوند را می‌توانید در این راه جلب کنید و با یاری‌دهنده دین خدا، او را خشنود و راضی گردانید.

در پایان وصیتم باری مبلغ ۱۵۰۰ تومان، مبلغ خریداری ساعت از موسی راستین بدهکار می‌باشم، از حقوق خودم پرداخته شود؛ و مبلغ ۲۰۰ تومان از تعاون سپاه بندرعباس قرض گرفتم، باز از حقوق خودم پرداخت شود و ۲۰۰ تومان از برادر ناصر خسروشاهی کارمند نیروی هوایی همافر می‌باشد؛ در منطقه جفیر از ایشان گرفتم ایشان گفتند که من نمی‌خواهم اما خود قبول نکرده‌ام و این وجه را بپردازید. باری مبلغ ۱۰۰۰ تومان در بانک قرض‌الحسنه و مبلغ ۵۰۰ تومان در بانک کشاورزی می‌باشد.

در پایان از همگی مردمی که در تشییع جنازه‌ام هستند تشکر می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

۲۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «بوده» باشد.

۲۵. در اصل: بگیرید.

۲۶. «به خواهرانم» حذف شده است.

۲۷. در اصل: بکشید.

بسم الله الرحمن الرحیم
 این وصیت نامه را بنویسید
 نام نام خانوادگی حسین راستین
 فرزند سوسرا ... حجج ۱۳۸۵

۵ شهریور
 ۱۳۹۵

تاریخ ۲۳ آذر ۱۳۹۵

فصلت نامه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 یا اسلام در درجه بدر کبر انقلاب اسلام و خاندان الهی را در همه جا
 و خاندان الهی سروران اسلام - با بر سر حب و طغیان که بر عهدام نه آسته
 شده لازم دانستم که چند کلمه به عنوان وصیت نامه برای من بازمانده مان
 عزیزم موسی - ۱ و وصیت اول من به پدر و مادر است که مادر جان اگر من فوت
 شدم بر من توبه و ازای کندید بکنید برای من و برای امام حسین - و غیره (مطالعین علی
 کبر و نام و علم اخیر کرده کنید - مادر جان اگر من فوت شدم این نیز از من اوست
 بود که خداوند نصیب کرده است پس تقاضای من خرد و مادر بر این خدا انجام داده
 و در نزد حضرت زینب و فاطمه زهرا روی سفید و آینه خوبی و دارم و وصیت من
 به برادران و خواهران این است که برادران من سلام را خالی نماندند و احسان بر من
 اقتدار هم برادران و دوست از امام و ولایت فقیه بردارند - و خواهر من زینب و وصیت
 من فقط عجب است حتی حجاب تو کو بنده قرآن خون من است در من و وصیت
 من به خانوادهم اینها است که پیش از صبح ده سوگ من نشیند و هر وقت
 که است من ترانه شکر اختیار کند از من طلب عفو و بخشش برادرم

تعداد کتبی ۴۱ نادره

محل امضاء حسین راستین
 شاهد اول محمد حسن راستین
 شاهد دوم محمد تقی مقین

بسم الله الرحمن الرحیم
تاریخ ۲۳ آذر ۱۳۵۳

دست چهارمین به دست ناخوشی در حیران این است که تا حزن در بین دارند
 دست از انقلاب اسلامی بردارند و جبهه چهارم جبهه پیکار را برانند و با وجود
 بیاری داشته شوند - و همیشه گوش به زنگ ولایت فقیه و رهبر کبریا باشند
 مادر جان - جبهه صد ساله عشق است و سنگ جبهه من - جبهه ار که تا به
 بحال شیرین ترین جبهه های دامادی بوده و مادر جان کلوها نقلهای است دی
 و دامادی من پیر مادر جان اگر بفرستید بدان که به آرزوی که داشتم رسیدم
 من امانت در دست شما بودم که دوباره به خود نش تحویل دادید پس من امانت
 نگه دار خوب بودید و در این امانت خیانت نکردید مادر پیر عزیزم که چگونه
 تا وقتی را در دهان راه ندهید بلکه من از دیگر دوستان و برادران بفرستیدم بهتر و دوست
 داشتنی تر نبودم پس تمام فکر بیدار مادر جان را بکنند که تا بحال چنین فرزندان اسیر هر دو
 و بفرستید داده اند و حال خوبت بخودشان رسیده است و خود را در اختیار چهارم
 اسیر که استه اند و در جبهه حضور دارند در باطن و صمیمیت من این است که در چنین
 هر گاه تغییراتی - بهشت زهرا تعیین شد دهن نماید شاید رهگویی بر مرام سوره حمد بخواند
 محل انشاء حسن آری

۱- وصیت نامه را در اصل پاکت مخصوص بنمایید و مشخصات خود را قلم بویستید
 ۲- وصیت نامه را از تعدادن مورد زنده گان با یکجا مریض خود دریافت نمایند

تذکر

نام و نام خانوادگی: سعید حسینی
 فرزند: سعید ... تاریخ تولد: ۱۳۳۷

بسم الله الرحمن الرحيم
 این وصیت نامه من است که در روز قیامت
 در حق من خوانده شود

وصیت نامه

۷۹/۱۳۳۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تُحْسِنَنَّ الَّذِينَ قَدَّمُوا قُلُوبَهُمْ سَبِيلَ اللَّهِ لِيُحْيَا عِنْدَ رَبِّهِمْ قَوْلًا
 نَسُوا لَدَيْهِ أَوَّلَ نَفْسٍ فِي دَرَاهِمٍ حَتَّىٰ حَيَاتِهِمْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ مَرْدِيَّةً يَلْغَمُونَ لَبًّا
 فَذُرُونِ (قرآن کریم)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام خداوند بزرگوار من است. یا خدا یا تو را سپاس می گویم از آنکه من را
 در وقت بزرگی را بر من نصیب کردی و در این قرن و در این تاریخ دنیا بیادری
 تا آنکه خیر و مبارک از آن مهدی و یار و یار امام حسین و دوستان او با عبد الله الحسین مکرر
 بگویم و از شفقت امام حسین (ع) بخواهم در برده باشم یا خدا یا از آنکه در این
 زمانه بختی دادی و خدا و زمین خفا و پنهان کردی تا حکومت اسلامی جهان را بسازد
 باری بر خدایت و صفیته ما خدایم چه مگر ای عزیزان یاد خاری و وصیت نامه من
 آرزوی وصیت من به پدر و مادرم این است. که در روز قیامت بگویم یا خدا یا از آنکه
 در طاعت و خیر و نیکو ایضا بگویم. و مگر خدای را سپاس می گویم که خداوند سبحان
 لایق دانسته است که در این جنگ و جهاد سهمی داشته باشد و در این
 وصیت من به برادران عزیز است. که از آنکه من را در روز قیامت
 محل اشهاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ تدوین: ۱۳۴۱

فرز نهمان را از خط لنگر همانی صلح بکس بدوین قرار بدین کس را در مردم مهردم و
 مستحق هر کس سازید و وصیت بدوستان و اولاد آستانم این است که هر کس بدین خواهی از
 نزد من قبرم گذر کند - قدسی رنج کند و بر قبرم سوره حمد بخواند و وصیت آمرزش نماید
 در عالم - آفرین وصیت به طبع فرادان فرزند من فرادان و فرادان است با جمیع کس که هر وقت در
 شد کس غیب بیاید و پدرم و برادران را بدین سوره از آستانم بدین کس نماید
 خانوادگی - وصیت مایه مهران

من خانواده مهران را خواهم نده از شما وصیت داشته نسوم میر میر است تمام نیز عمل کن
 از زمان شهادت تا ۳ ماه بعد در سنگ بن نشینید و مجاز هستید که هر کس
 کند و مشورت مرا اختیار کند - دوم اگر کسی با من دوستی و خویشی با اسباب مردم را بر باد دهد
 این مشورت را با آنها تهریک بگو و بگو که کار آنها خطا با خاطر من به عقبت نیست
 سوم - شما مجاز هستید تا زمان و ماه حقوق بنده را دریافت دارید - مبلغ ۱۰ تومان بابت
 زهرامه فرس همکار ما بشم از زمان پناه بگریه و این مبلغ را بر او بده - هر کس با مسقرین صلاحیت را داشته و حق نماید
 محل آستان

۱. وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنماید و شخصت خود را در وقتها بنویسد
 ۲. وصیت نامه را از تعداد مورد نظر گذران پایگاه مربوطه خود دریافت نماید

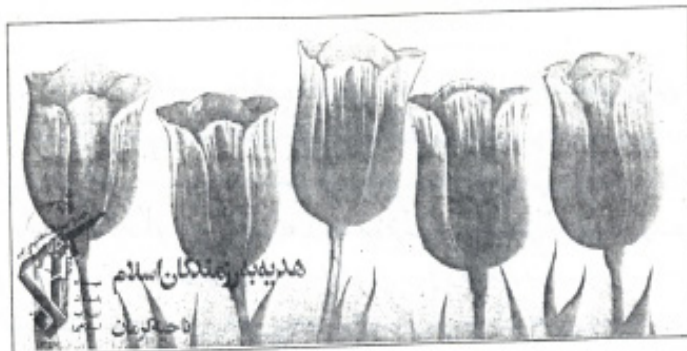


بسم رب الشهداء والصدیقین من را سوزن

و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل اللہ اعماناً لی اهلینا ینزلهم فی ذلک
 میخندید به آنها که در راه خدا کشته شدند مگر خداوند زنده اند و در نزد خداوندی خود روزی محسوب
 بسم اللہ الرحمن الرحیم بنام خداوند بخشنده مهربان منام خدای خود پروردگار مرد و بان
 وصیت با ائمه ازین کم امید دارم من که بازنده بودم نمی خواهم خدایتی به اسلام و مسلمین
 کنم با نوشتن وصیت نامه مرا بر سر ایثار کردن مردم و خدایتی نبردم بر اسلام و
 مسلمین باشد اولین وصیت به همسر زانی و همسر گلنار من باشد که در دل سبب با غم
 بود این خود بسیار می سبب را من سبب غم و خود با خدای خود بر بار و نیازها نشینند
 و با خدای خود خلوت می کنند و برای سیر زنی استغاث و مسلمین همان دعا کنند
 و وصیت به کتات است که با کاروان سبزه داران حرکت می کنند بگویند که در دل سبب
 نماز شب را بیایم معذرت دارم و با همسرت گذشتن بر روی خاک و ریختن اشک خدای
 خود را از خود راز و عشق در ما کند از شما کاروان ما خواهم که ما سیاه صورتان - که کولیا بر
 برای گفته داریم دعا کنید وصیت دوم به پدر و مادر من است که پدر و مادر مهربان و نیکو
 آنجا که برسد بفرستند پدر و مادر ندانستند یعنی فقط آنها تنها بودند که سینه با جرح داده اند
 من همسایه با راحت شده بودم به بهشت زهار برودم و از حصار شده دیدن کنید با دیدن
 قصد شهید اول خود را تصلا دعوی و با روحی دادن به مردم دل امام زمان (عج) و نایب
 در حقش امام خمینی را شاگردانید تا خدام این قرآنی را از شما قبول و بپذیرد با بری پیر
 از اینکه در حقیقت سهم داشته اید و در چهار با کنار شریک شده اید به خود افتخار بودید
 چنانچه که توانستید آنکه نوزده را تربیت کنید که پدر و اشام و راه امام را بروی کند خود
 حایه داده اید بر چشوند با من و شکر خدای را بجای آورید و همین وصیت به سارا زنی این است
 که با در جان به جبهه ترفیع برید و اسلحه افتد دهم را بر گردید و سلمم گرم نگه دارید و نگذارید
 که سنگم خالی باشد و وصیت چهارم به خواهر من است که زینت دار محبوس باشد
 رسالتی که به عهده آن باشد که شده است نحوه احسن برده شود بگوید ای حیوانان که
 در شرف خبازان شرفی دارید و وصیت به همگی من این است که با سینه شده من
 و اسال من و با قرابت سوزن و وصیت هر کس با سینه بر سر محو کردن خون من

۱۱۲۲۱/۸۵-۱۱۲۲۱
صفت چاه

۱۱۲۲۱/۸۵-۱۱۲۲۱



۱۱۲۲۱/۸۵-۱۱۲۲۱

تعالیک درین خدا را با بر فرستاده ای در کتب رضای خداوندی تو اندر ما این راه
 جلد کنند و هر چه در دین خدا او را بخشود و در راهی گردانند در دین و بیعت
 با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خیر است از هر کاری که باشد از حقوق
 خودم بجز آنکه در دین و بیعت تو مان از تقاون بپایند و هر چه در حق تو است
 بر ما حق است و در دین تو مان از هر نامی که در دین تو است هر چه در دین تو است
 هر چه در دین تو است هر چه در دین تو است هر چه در دین تو است هر چه در دین تو است
 در دین تو است هر چه در دین تو است هر چه در دین تو است هر چه در دین تو است
 در دین تو است هر چه در دین تو است هر چه در دین تو است هر چه در دین تو است

احمد رنجبری یوردی



نام: احمد

نام خانوادگی: رنجبری یوردی

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۰۱/۰۱

محل تولد: شهرستان میناب

نام پدر: حسین

نام مادر: ناز خاتون

تحصیلات: چهارم ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۵/۱۶

محل شهادت: فلاویزان

نحوه شهادت:

محل دفن: گلزار شهداء زادگاهش

گلچین وصیت نامه

◀ خداوندا! از این که این سعادت بزرگ را نصیب من کردی که در این جهاد مقدس قدم بگذارم، هر چند که سپاس گزار تو باشم توانای آن را نخواهم داشت، ولی ای ایزد منان! درگاه رحمت تو بیش از آن است که در تفکر من بگنجد.

بسمه تعالی

تاریخ ۶۲/۴/۲۲

۱- وصیت من این است که جسمم را نزدیک مرحوم فاطمه، زخم دفن کنید.
۲- وصیت من این است مال من [را] به ۴ قسمت تقسیم کنید، قسمت اول به ۱ آمنه بدهید، قسمت دوم به بتول بدهید، قسمت سوم به صدیقه بدهید و قسمت چهارم را ۲ صرف مسجد کنید و کسی برای من گریه نکند و بچه هایم باید بدهکاری من [را] هم بدهند^۳ و ۱۲ هزار تومان به برادرم عباس و ۵ هزار تومان به مادرم بدهید.

والسلام

احمد رنجبری

۶۱/۴/۲۲

[وصیت نامه ای دیگر]

بسمه تعالی

تاریخ ۶۲/۵/۱

وصیت نامه احمد رنجبری

ضمن سلام و درود بر محمد (ص) و آلش (ع) که باعث شدند جامعه اسلامی^۴ را از ظلمت و تاریکی نجات دهند؛ و سلام و درود بر مهدی موعود پرچم دار عدالت و برپاکننده

۱. در اصل: برای.

۲. در اصل: برای.

۳. در اصل: بدهید.

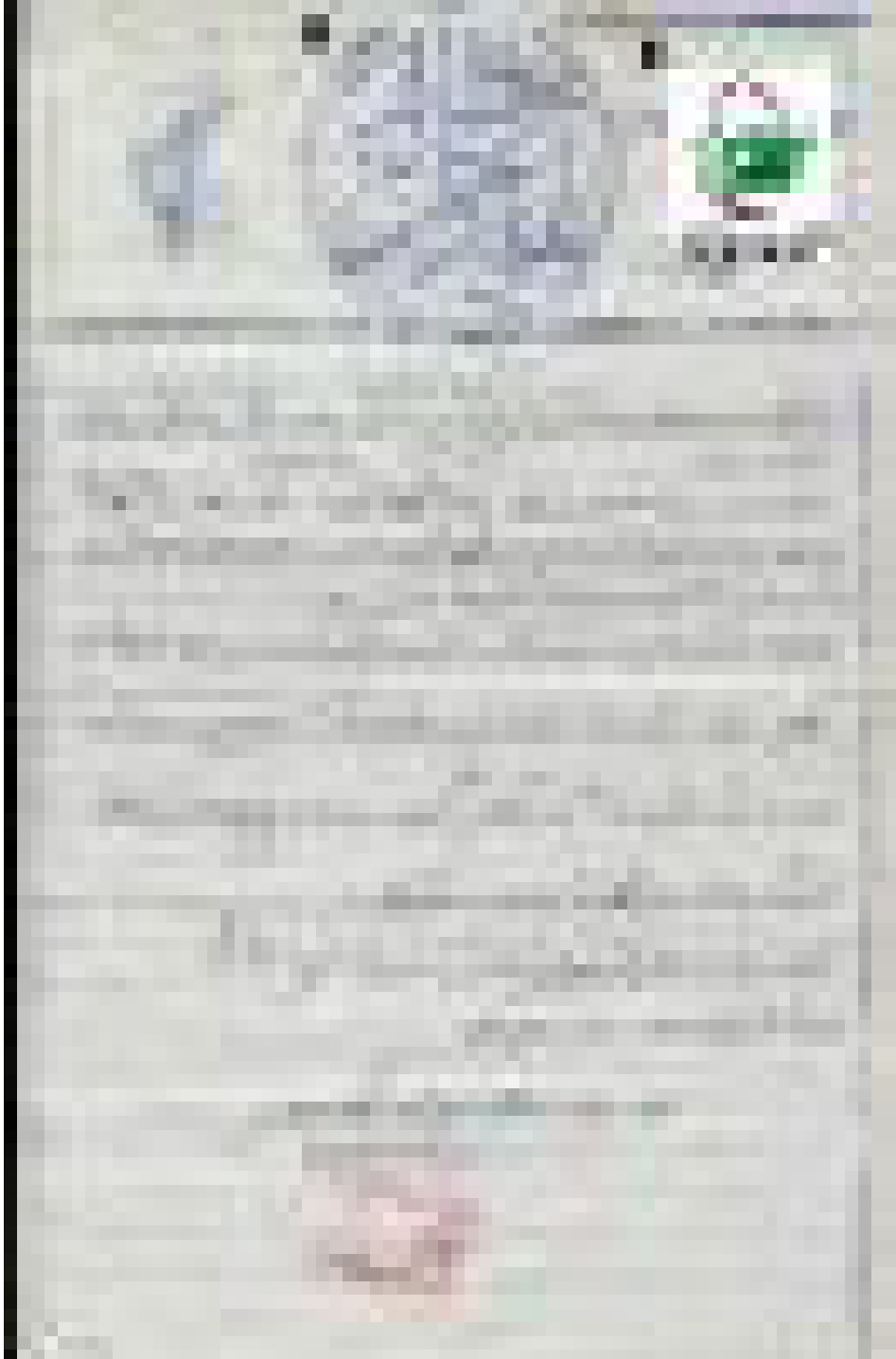
۴. در اصل: آستانی.

قسط و عدل اسلام و سلام و درود بر امام عزیزمان که باعث شد، حرکتی در امت مسلمان ایران بوجود آورد و این ملت را از قید و بند اسارت استکبار جهانی نجات دهد. خداوندا! از این که این سعادت بزرگ را نصیب من کردی که در این جهاد مقدس قدم بگذارم، هر چند که سپاس گزار تو باشم توانای آن را نخواهم داشت، ولی ای ایزد منان! درگاه رحمت تو بیش از آن است که در تفکر من بگنجد؛ به هر حال جای این را دارم که لاقفل شرمندگی خود را در مقابل کرامت اقرار کنم؛ اگر خداوند شهادت را نصیبم کرد جای آن هست که امید به حیات ابدی را داشته باشم، احیاناً اگر شهید شدم مرا در میناب دفن کنید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی رانگهدار.

از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزا.

احمد رنجبری



معووره کش



نام: مسعود

نام خانوادگی: ره گشا

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۰۱/۱۷

محل تولد: روستای جغین شمالی تابعه شهرستان

رودان

نام پدر: هاشم

نام مادر: کلثوم

تحصیلات: سطح یک در حوزه علمیه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۱/۰۲

محل شهادت: کرخه

نحوه شهادت: اصابت گلوله به سینه و پا

محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ✦ خرج سه روز و دیگر را در اسلام مصرف کنید و راضی نیستم که این پول را برایم مصرف کنید.
- ✦ کتاب هایم را به حوزه علمیه میناب هدیه می کنم.
- ✦ ملت بیدار باشید و در مراسم اسلامی شرکت کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

و مرا در مسجد، کنار خانه پسر عمه دفن کنید و خرج سه روز و دیگر را در اسلام مصرف کنید و راضی نیستم که این پول را برایم مصرف کنید.

کتاب‌هایم را به حوزه علمیه میناب هدیه می‌کنم، تفسیرالمیزان و شخصیت‌های اسلامی و کتاب‌های مطهری و خودآموز قرآن (دو جلد) را به عموی حمزه تحویل دهید.

یکماه روزه و یکماه نماز [...] برایم بخوانید.

تمام خویشاوندان^۱ باید بدانند که من امانتی در دست پدر و مادرم بودم که به الله تحویل داده شد و امانت به اهلش داده شد.

ملت بیدار باشید و در مراسم اسلامی شرکت کرده و از اختلافات بپرهیزید و در خط امام باقی باشید و مرگ و آخرت را همیشه بیاد داشته باشید و مواظب باشید که ناگهان به اسلام خیانتی نکرده باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مسعود رهگشایی

امضاء^۲

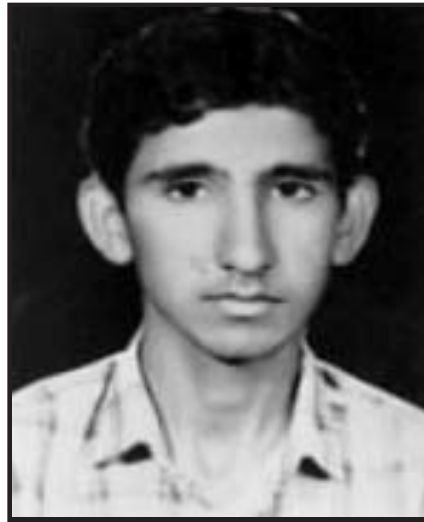
۱. ناخواناست.

۲. در اصل: خویشاوندان.

۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

و مراد مسعود کتبا ره گشا نه به رسم محرم دفن کنید و هر چه بسکه روز و دیگر را در اسلام
 مصرف کنید در این بنام کمر این بول را بر ارم مصرف کنید
 کتاب ۲یم رابع حوزه محمیه سیناب هدیه میکنم - تعین المیزان و شفاهاک اسلامی
 و کتابهای بطهری و خود آ مدر قرآن زود حلال را به محرمی عمره تفویض دهید
 برای محرمی عزت الله له لمرق حقیر
 کتاب روزانه و روحانی کلامه - اما ز قصر حرام میگردید
 تمام خوبت و بدن باید بداند که بن ادانتی در زنت دور و مدارم بودم که به اندک تفویض
 داد، شد و امانت بر احسن داده شد
 بملت بنیدار با بنیدور در مراسم اسلامی شرکت کرده و از اخلاقات این هنرید در
 در خط امام باقی بنید و غمک را آخرت را همیشه بیاد داشته باشد و
 مواظب باشد که ناگهان به اسلام صیانتی نگردد بنیدار
 والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
 مسعود ره گشا

ابراهیم زارع پور



نام: ابراهیم
نام خانوادگی: زارع پور
تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۶/۱۸
محل تولد: روستای کنارو از توابع شهرستان
بندرعباس
نام پدر: غلام
نام مادر: فضا
تحصیلات: دانش آموز اول متوسطه
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۴
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت:
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ شهادت در راه معشوق افتخاری است که نصیب هر کس نمی شود.
- ◀ بر مرگم عزاداری نکنید که عزاداری و گریه و سیاه پوشیدن سزاوار مولایم حسین (ع) است.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

وصیت‌نامه شهید ابراهیم زارع پور

با درود بی‌پایان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با سلام به رزمندگان و شهیدان اسلام. من از اینجا وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم، در زمانی این را می‌نویسم که خون در عروقم بجوش آمده است و خود را در مقابل خدا تنهاترین تنهاها احساس می‌کنم؛ در زمانی این را می‌نویسم که بیش از این به نصرت و یاری او نیازمندم؛ در زمانی این را می‌نویسم که خود را گناه‌کار و او را بخشاینده‌ترین می‌بینم و بالاخره در زمانی این را می‌نویسم که تنها امیدم را او می‌دانم و تنها از او یاری می‌جویم و بس.

بارخدا یا! اگر در ظهور حضرت مهدی (عج) عزیزم بودم، مرا از یاران و اعوانش قرارده، و گرنه بیرونم آر از گورم کفن به خود پیچیده با شمشیر آخته و نیزه برهنه پاسخگویان به نوای آن خواننده بزرگوار در شهر و بادیه.

و اما مادر عزیزم! مرا ببخشای که بسیار اذیت کردم، حلالم کن و برایم دعا کن که بسیار محتاج دعایم. بر مرگم گریه و زاری نکن که مرگ حق است و شهادت در راه معشوق افتخاری است که نصیب هر کس نمی‌شود.

بر مرگم عزاداری نکنید که عزاداری و گریه و سیاه پوشیدن سزاوار مولایم حسین (ع) است که درس شهادت و آزادگی را از آن بزرگوار آموختم و اما بعد از دار دنیا هیچ ندارم خدا را شکر، حدود دو ماه نماز برایم بخوانید و یک‌ماه روزه بگیرید و مرا نیز در مسجد صاحب‌الزمان و در جوار شهدای روستائیان دفن کنید. شاید که بواسطه آنان مورد لطف

خداوند قرار گیرم و آمرزیده شوم.

والسلام



بِسْمِ رَبِّ السَّهْدَا وَالشَّهِيدِينَ

۱۸۰۹۹/۱۲/۶۵

دعوتنامه شهید ابراهیم زارعی پور

۶۱

با درود بر پیامبران - رهبر کبیر انقلاب اسلام و با سلام به رزمندگان در شهیدان اسلام
 من از ایجاب وصیت نامه خود را شروع می‌کنم در زمانی این را می‌نویسم که چون در عورتی به جوش آمده است
 و خود را در مقابل حواستفا ترین مفاد احساس سنگین در زمانی این را می‌نویسم که بیش از این به نصرت و
 یاری او نیاز داریم. در زمانی این را می‌نویسم که خود را تنها نگارم و او را بخشاینده ترین می‌بینم و بالاخره در زمانی
 این را می‌نویسم که تنها امیدم را او می‌بینم و تنها از او یاری می‌جویم و بس با وفا یا اگر در ظهور حضرت احمدی
 و غیرم بودم مرا از یاران و معاونانش قرار دادم و گرنه بیرونم آرد از تو هم گفتن به خود پیچیده با شمشیر آفت و
 نیز در خدمت ایستادگیان به بران آرد خزاننده بزودی در شمشیر ببارید.

و اما ما در عورتی مرا بخشیدان که بسیار از دست مردم حلالم کن و برلم دعا کن که بسیار محتاج دعایم
 هر مردمی که بر من قرار دهنی که ترک من است و شهادت در راه مستحق انتخار است که نصیب هر
 کس که می‌شود بر منم خدا دهن کند که خدا در اولم و گرنه در سیاه پوشیدن سزاوار مولایم حسین است که
 در من شهادت و آرزای با آرزای بزرگ را که منم و اما بعد از دار دنیا فیج نهادم خدا را شکر حدود در راه
 نصرت بر این می‌نویسم که یک ماه و روزی بگذرد و مرا نیز در مسجد صاحب الزمان شاد و در صوار شهیدان در میانان
 در حق که گفتی.

تاریخ شهادت: ۱۴/۱۲/۶۵
 محل شهادت: پاسگاه زرند
 محل دفن: گورستان شهدای گران

قبر زارع تازیانی



نام: قنبر

نام خانوادگی: زارع تازیانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۱/۰۱

محل تولد: روستای تازیان پایین از توابع شهرستان

بندر عباس

نام پدر: ابراهیم

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: چهارم متوسطه در رشته اقتصاد

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۰۷

محل شهادت: درام الرصاص عراق (دریاچه

ماهی)

نحوه شهادت:

محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- < دنیا بداند ملتی که چنین جوانانی از خود گذشته دارد، شکست ناپذیر است.
- < از حق و رسالت انسانی و اسلامی خود دفاع کنید.
- < ما سربازان امام زمان مصمم و با اراده‌ای استوار و ایمانی راسخ در برابر هرگونه توطئه علیه اسلام و در برابر صدام و صدامیان، این دست پروردگان آمریکا ایستادگی می‌کنیم.
- < همگی را به تقوا و ترس از خدا سفارش می‌کنم.
- < همه چیز در دنیا فنا شدنی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْضُوصٌ^۱

خداوند دوست دارد کسانی را که در میدان جهاد در یک صف همانند بنیانی استوار با دشمنان می‌جنگند.

حمد و سپاس پروردگار عالم، خدای بزرگ را می‌گویم که مرا از منجلاب سیاهی‌ها و غفلت‌ها و شهوات و بیهودگی‌ها به درآورد و توفیق مجاهدت و شهادت در راهش را عطا فرمود و در مسیر خودش مرا از دنیای مادی به دنیای معنوی و از زندگی حیوانی به زندگی ملکوتی سوق داد.

باز هم خدایا! من خودم می‌دانم فردی هستم گناه‌کار و روسیاه در پیشگاه تو و نتوانستم شکرگزار نعمت‌هایی که به من دادی باشم؛ خدایا! پروردگارا! می‌دانم که تو رحیم و بخشنده‌ای، توبه این حقیر که از سوز دلم برمی‌خیزد بپذیر.

سلام و صلوات بر پیامبر عظیم‌الشان اسلام محمدبن عبدالله (ص) و اهل بیت معصومش و منجی عالم بشریت حضرت بقیه‌الله الاعظم امام عصر (عج) و رهروان راه او و سلام و درود بر نایب برحقش ابراهیم زمان، امام خمینی و سلام بر شهیدان از صدر اسلام تا کنون و مردم شهیدپرور ایران.

چون این حقیر زیاد علاقه داشتم در جبهه باشم، در این راه کوشش فراوانی می‌کردم تا این که به این دانشگاه خودسازی اعزام شوم، و به هر دریکه می‌زدم آن درب به رویم بسته بود، تا این که روزی دری از درهای رحمت الهی به رویم گشوده شد، تا برای چندمین بار به جبهه بروم و در کنار برادران مؤمن و ایثارگر و آن‌هایی که خداوند برای لشکر اسلام انتخاب

۱. آیه ۴، سوره الصف.

کرده بود، یعنی عاشقان لقاءالله، آنهایی که نورخدا در وجودشان جلوه گر بود بجنگم، هرچند که خود را شایسته سرباز امام زمان بودن نمی دانستم^۲ ولی در نامیدی بسی امید است؛ مثل این که سعادت [...] به این حقیر رو آورده بود تا بتوانم کارکوچکی به اسلام و انقلاب کرده باشم، آنهم با جانم. چون می دانم که در این موقع از زمان اسلام بیشتر به خون نیاز دارد، همانند همه جوانان جان برکف حسین وار جان خود را در طبق اخلاص گذاشته و به اسلام هدیه کردم؛ و من هم می دانم هر وقت پرچمی از دست علمداری بیفتد علمدار دیگری به میدان می آید و علم را بر می گیرد. و دنیا بداند ملتی که چنین جوانانی از خود گذشته دارد، شکست ناپذیر است. جوانانی که به اسلام و امام خود عشق می ورزند و به خاطر معشوق خود (الله) آنقدر بال و پر می زنند تا این که خونشان در راه معشوق بر زمین بریزد و خون همین برادران است که جهان را به لرزه در آورده است. و شما ای دریای بی کران انسانها، ای مسلمین جهان بپا خیزید و با یک دست قرآن و با دست دیگر سلاح بگیرید و از حق و رسالت انسانی و اسلامی خود دفاع کنید و اگر در این راه کشته شوید باز هم پیروز هستید و شما بدانید که خداوند جنگ و مشکلات بنده خود را مورد آزمایش قرار می دهد و حالا ما هم مورد آزمایش خداوند هستیم، شما سعی کنید از این آزمایش سربلند بیرون آیید. ان شاء الله تعالی.

اینجانب به تمامی انسانهای مؤمن سلام می رسانم، و می گویم از جایی که صدای رعد آسای الله اکبر حکم فرماست، و در این جا انسان را به یاد نزول وحی می اندازد و خون بهترین عزیزان در دشت و صحرا شناور است و یادآور کربلای حسینی است و این رزمندگان همانند جنگجویان صدر اسلام در خاک و خون می غلتند و صفحه تاریخ را ورق می زنند و پی در پی شعار لاله الاالله و الله اکبر سرمی دهند و بدین وسیله ملحدان را درس می دهند، که باید چگونه زیست و چگونه مرد، و قدرت ایمان و تکیه برالله [را] که چگونه پیروزی می آورد و چگونه دو ابرقدرت شرق و غرب را به زانو در می آورد [را نشان می دهند]^۴.

۲. در اصل: نیمدانستم.

۳. «را» حذف شده است.

۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «را نشان می دهند» باشد.

شما خواهر و برادر عزیزم! ما سربازان امام زمان مصمم و با اراده‌ای استوار و ایمانی راسخ در برابر هرگونه توطئه علیه اسلام و در برابر صدام و صدامیان، این دست پروردگان آمریکا ایستادگی می‌کنیم تا خونی در بدن داریم و قدرت اسلام را به آن‌ها نشان می‌دهیم تا موقعی که خداوند ما را به فیض شهادت برساند؛ پس خواهران و برادران مؤمن! شما هم همین‌طور باشید. و من در این جا بگویم همان‌طوری که برای امام حسین و فرزندانش گریه می‌کنید و می‌گویید (ای کاش ما در صحرای کربلای بودیم و در رکاب امام (ع) علیه کفرین می‌جنگیدیم و در این راه کشته می‌شدیم). حال هم همان صحرا و همان جنگ علیه کفر است و اسلام فریاد می‌زند و یاری می‌خواهد و این هم برای آزمایش ما و شما مردم است، که چقدر شعار می‌دهیم و از شما مردم می‌خواهم که در این جا ایثار کرده و خود نشان دهید و به ندای اسلام لبیک بگویید و فرزندان‌تان را به جبهه جنگ در هر کجای که اسلام نیاز دارد بفرستید، که چنین صحنه‌هایی تکرار نمی‌شود.

خداوند متعال می‌خواهد بنده خود را مورد آزمایش قرار دهد و من امیدوارم که شما خوب این آزمایش را پس بدهید.

پدر، مادر! تا جایی که اسلام به خون نیاز دارد و باید تمام فرزندان‌تان را به اسلام هدیه کنید و ندای امام زمان را از دل و جان لبیک بگویید و من می‌دانم که شما چنین هستید چرا که تا به حال بوده‌اید.

ملتی که برای اقامه عدل اسلامی و احکام قرآن و کوتاه کردن دست جنایت‌کار آماده قیام شده است، از هیچ چیزی باکی ندارد و تا آخر هم ایستاده است.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام، خدمت پدر بزرگوارم، و مادرگرامی‌ام و برادران عزیز و خواهران مهربانم، و با عرض سلام خدمت بستگانم و آشنایان و دوستانم.

پدرجان! شما باید مانند زین‌العابدین صبور باشید که ان‌شاءالله هستید و من این را در

شما می‌بینم و در برابر هر گونه سختی برای اسلام مبارزه کنید^۵ تا قلب امام زمان از ما راضی باشد؛ و شما مادر جان! اگر چه برایت [...] مشکل است؛ ولی چند روز دنیا با تمام مشکلاتش مبارزه کن، همانند^۶ زینب (ع) و فاطمه زهرا (ع)، شما باید دست پیش خدا دراز کنید و خدا را شکر بگویید^۸ و از خدا بخواهید که این هدیه از شما قبول کند تا در کنار حضرت فاطمه (ع) زهرا رو سفید باشید.

و شما خواهران خوبم! با درسی که از حضرت زینب گرفته‌اید^۹ باید صبور و مقاوم باشید و با لباس رزمتان (حجاب) هم چون حضرت زینب پیام‌رسان خون شهیدان باشید و همگی را به تقوا و ترس از خدا سفارش می‌کنم.

و اما شما برادران عزیزم! می‌دانم که شما وظیفه خود می‌دانید باید راه اسلام و قرآن پیشه کنید. گوش به فرمان امام باشید و ببینید اسلام چه می‌خواهد. همان طوری که اسلام رضای شما را می‌خواهد. در همه زمینه سعی کنید که در چنگ دنیا نیفتید. و دنیا را نخواهید هر^{۱۰} چند که دنیا شما را بخواهد.

همه چیز در دنیا فنا شدنی است و هر چیز مادی در دنیا از شما گرفته شود اندوه‌تان نشود^{۱۱} و سعی کنید به خدا نزدیک‌تر شوید.

و در آخر از همگی طلب بخشش می‌کنم و خداوند به همگی صبر در مشکلات بدهد. هر کسی از اینجانب طلب دارد بپردازد.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

اسلام را در همه جا پیروز گردان.

امضاء^{۱۲} - مورخ ۶۵/۱۰/۲

۵. در اصل: کن.

۶. «تو» حذف شده است.

۷. در اصل: همان طوری.

۸. در اصل: بگوید.

۹. در اصل: گرفته‌ای.

۱۰. در اصل: که.

۱۱. در اصل: شود.

۱۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله

بسم الله

بسم الله الرحمن الرحیم، در وقت بیدار بودم که در خواب دیدم که در راهی می‌روم و در آن راه مردمانی را دیدم که در حال گریه و زاری بودند و می‌گفتند که ای خداوند ما را از این راه نجات بده که ما را از این راه نجات بده که ما را از این راه نجات بده. و در آن راه مردمانی را دیدم که در حال گریه و زاری بودند و می‌گفتند که ای خداوند ما را از این راه نجات بده که ما را از این راه نجات بده که ما را از این راه نجات بده. و در آن راه مردمانی را دیدم که در حال گریه و زاری بودند و می‌گفتند که ای خداوند ما را از این راه نجات بده که ما را از این راه نجات بده که ما را از این راه نجات بده.

خدا یا خدا یا تا انقلاب شهری خمینی را نگه دار

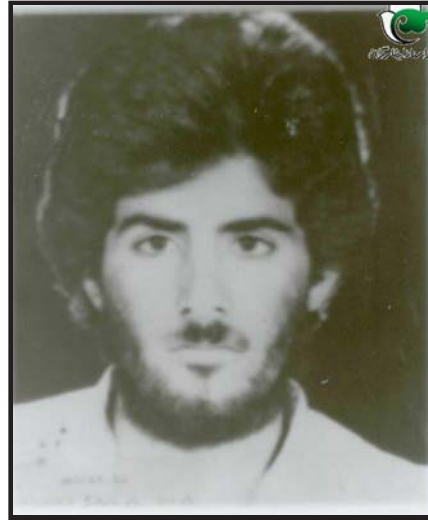
و اسلام را در همه جا پیروز گردان

محل امضاء
۶۲/۱۰/۲

۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنماید و محتات خود را در آنجا بنویسد
 ۲- وصیت نامه را از تعداد مورد زندگی کان پایگاه مربوطه خود دریافت نماید



علی زارع مهرانی



نام: علی

نام خانوادگی: زارع مهرانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۶/۰۶

محل تولد: روستای پاکوه کندر تابعه رودان

نام پدر: حسین

نام مادر: شمس

شغل: راننده جهادسازندگی

تحصیلات: تا سال دوم در نهضت سوادآموزی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۶/۱۷

محل شهادت: جزیره مجنون عراق

نحوه شهادت: موج انفجار شدید گلوله توپ

محل دفن: روستای دهما تون شهرستان

زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ مرگ و قبر و برزخ و صراط و معاد همه برحق است.
- ◀ من از صدر اسلام تاکنون چنین ملتی ندیده‌ام.
- ◀ انسان با مرگ تمام نمی‌شود و همه انسان‌ها باید مزه مرگ را بچشند.
- ◀ جهاد جامه تقوی می‌باشد و شهادت از زندگی و حیات برتر و مقدس‌تر و عظیم‌تر [است].

بسم الله الرحمن الرحيم

فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ^۱ (قرآن کریم)

اول شهادت می‌دهم که خداوند سبحان، یکتا است و شریک و نظیر ندارد. و شهادت می‌دهم که یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر که اول آنها حضرت آدم ابوالبشر و آخر آنها خاتم پیغمبران حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و اله و سلم است و گواهی می‌دهم که امیرالمؤمنین با یازده فرزند معصومش صلوات الله و سلامه علیهم ائمه و خلیفه الله بعد از حضرت ختمی مرتبت می‌باشند و مرگ و قبر و برزخ و صراط و معاد همه برحق است. و اما بعد، در این برهه از زمان که اسلام عزیز در خطر کفر قرار گرفته و من طبق وظیفه شرعی خودم به جبهه آمده‌ام، وصیت‌نامه‌ام را به شرح ذیل شروع می‌کنم.

۱- از پدر بزرگوارم التماس دارم که اگر شهادت نصیبم شد مرا حلال بفرمایند و تقصیرات مرا عفو و دربارهم از خداوند رحیم درخواست بخشایش کنند.

۲- از مادر مهربانم تقاضا دارم که حق مادری خود را به من حلال کرده و رنج‌هایی که برای من از اول رحم تا ولادت تا همه مراحل زندگی با همه صعوبت‌ها متحمل شده‌اند، بر من ببخشند و صبر و تحمل و شکیبائی همه مادران شهیدان پیشه کنند.

۳- از مادر بزرگ مهربانم عاجزانه تقاضای عفو و بخشش می‌نمایم زیرا تمام هستی و راحتی خود را فدای راحتی و تربیت ما کردی. از تو ای مادر فرخنده می‌خواهم که صبر همه خانواده مکرم شهدا را سرمشق قرار داده تا اجر بزرگ از خداوند منان بگیری و از خواهر عزیزم می‌خواهم که صبر خواهران شهدا را پیشه کنید و حقوق خواهریت را بمن ببخشائی و راجع به منزل ابدی در روستای دهماتون کنار مسجد قرار دهند. و از برادران عزیزم تقاضا

۱. بخشی از آیه ۶۴، سوره یوسف: «پس خدا بهترین نگهدارنده است، و اوست مهربانترین مهربانان».

دارم به درس خود ادامه و راه مرا ادامه دهند و دست از یاری رهبر برندارید. و راجع به بدهی‌هایم داخل دفتری مخصوص داخل چمدان آماده کرده‌ام و راجع به یک‌دستگاه موتورایژ که در پاسگاه رودان است نصف آن مال محمد مهرانی است و نصف آن مال من هست که من بخشیده به خود محمد مشهدی غلامحسین مهرانی.

والسلام علی من التبع الهدی

حقیر علی زارع مهرانی

امضاء^۲

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ^۳
و پیکار کنید در راه خدا آنان را که پیکارتان کنند و تجاوز کنند و تجاوز نکنید که خدا دوست ندارد تجاوز کاران را. سوره بقره آیه ۱۹۰
وصیتم را آغاز می‌کنم با نام خدا، خدائی که به من هستی بخشید تا در صراط^۴ مستقیم حرکت کنم. خدائی که ابراهیم را از آتش و موسی را از آب نجات داد و خدایی که برای راهنمایی بشر پیامبرانی فرستاد و آنان نیز در صراط^۵ الله بسوی معشوق خویش شتافتند و با سلام بر امام‌مان خمینی عزیز که کوه‌ها باید از او استواری را و دریاها خروش را از او یاد بگیرند و آن پیری که هنگام گشایش لب بسخن غرب و شرق را در امواج^۶ سخنان خویش گنج می‌کند. سخنانی که از سرشت و اعماق قلب میلیون‌ها انسان بیرون می‌آید و او که بعد از ۱۴ قرن دوباره انقلابی را به سبک انقلاب حسین در روز عاشورا و کربلا بپا کرده و به ندای هل من ناصر ینصرنی^۷ پاسخ مثبت داده و می‌رود تا با رهبری خویش طوفانی که از

۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۳. آیه ۱۹۰، سوره بقره.

۴. در اصل: طراط.

۵. در اصل: طراط.

۶. در اصل: امراج.

۷. در اصل: حسینی.

ایران خروشیدن گرفته کاخ‌های سفید و کرم‌لین را از جا برکند و با سلام بر امت شهیدپرور که امام‌مان می‌گویند من از صدر اسلام تاکنون چنین ملتی ندیده‌ام، ملتی که بهترین هستی خویش و جگرگوشه خویش را هدیه می‌کنند و می‌روند تا تداوم‌بخش و بلکه باید گفت زمینه‌سازان ظهور حضرت حجه بن الحسن و پایان‌بخش ظلم و ستم در گیتی باشند. ملتی که مظلومیت‌شان در هفت تیر و رنگ خون‌شان را در جنوب و غرب و کردستان باید یافت و مردمی که خورشید به نظاره آن‌ها ایستاده است.

ای پدر و ای مادرم! خداوند در قرآن کریم به ما می‌فرماید که انسان با مرگ تمام نمی‌شود و همه انسان‌ها باید مزه مرگ را بچشند و اولیاءالله گفته‌اند که جهاد جامه تقوی می‌باشد و شهادت از زندگی و حیات برتر و مقدس‌تر و عظیم‌تر [است]. و پیام به برادران و خواهرانم اینست که با انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات تقوای خویش را حفظ کنند و پاسدار انقلاب و اسلام باشند. خداوند! مرا به درجه رفیع شهادت در راهت نائل گردان^۸ و چون چشم و جانم و روح و روانم، خمینی بت‌شکن فرموده‌اند که شهید از همه افضل‌تر است، پس ای خدای هستی! مرا در رسیدن به این فیض عظیم یاری ده، خداوند! توفیق شهادت در راه خودت بمن عنایت فرما.

امیدوارم که پدر و مادر و برادران و خواهرانم، مرا بخشیده باشند و اگر توفیق شهادت در راه خداوند تبارک و تعالی به من عنایت شد، مرا در ده‌مان کنار قدم‌گاه دفن کنند و اگر بعد از نوشیدن شربت شهادت اثری از من باقی نماند هیچ ناراحت نباشید که شهیدان در هر حال نزد خداوند تبارک و تعالی روزی می‌خورد و اجرشان بجای خود می‌باشد.

و امام عزیزمان را تنها نگذارید و سلاح جنگی را بر دوش بگیرید و با همراهی سلاح امید به جبهه‌های حق علیه باطل عازم شوید و با مبطلات در جنگ باشید ان‌شاءالله.


وصیت‌نامه حقیر علی مهرانی

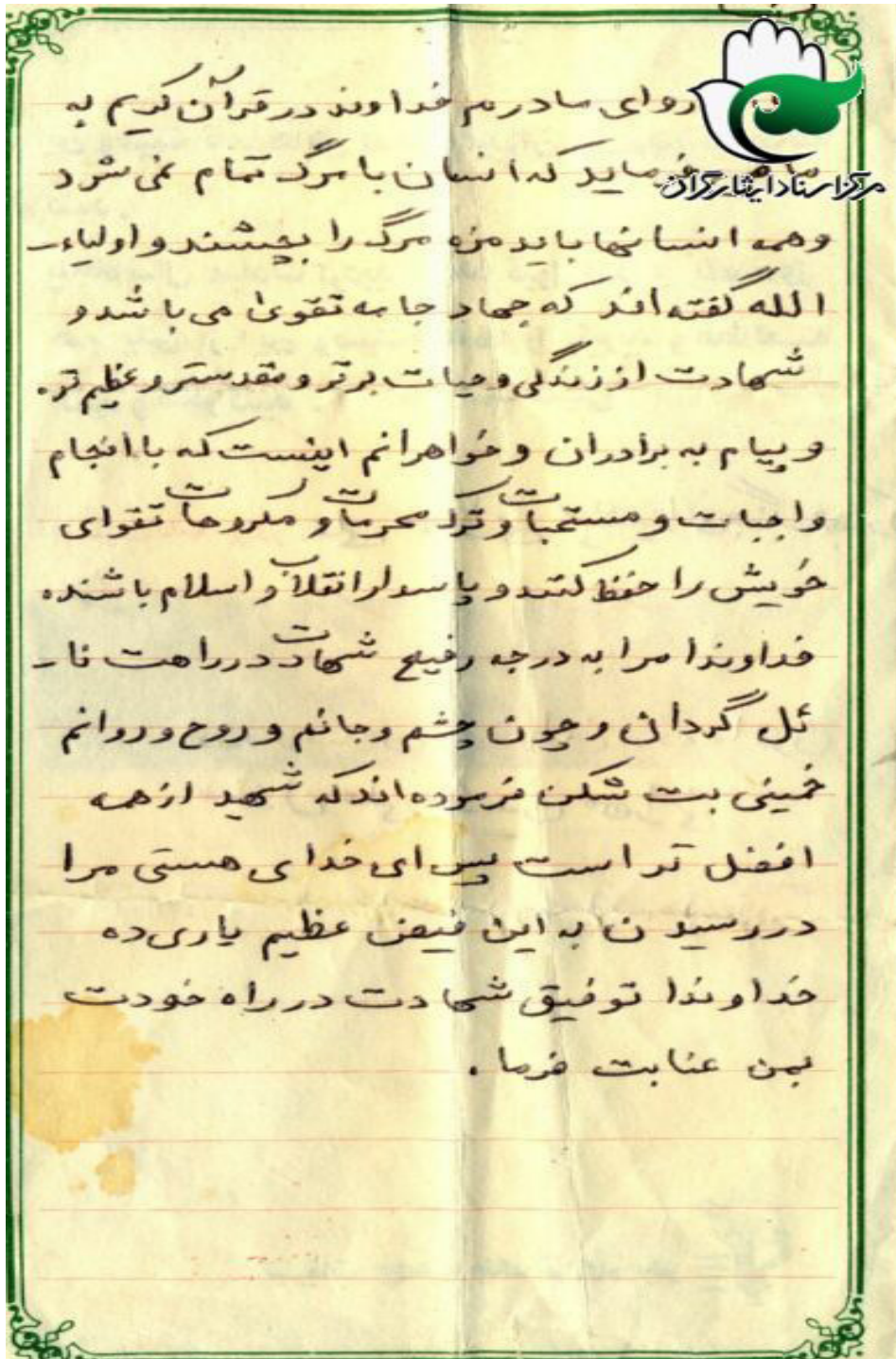
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ

مَرْكَزِ اسناد ایثارگران

وَبِكَارِكُنِهِ دَر رَاهِ خُدا اَنْطَرَا كِه بِيكَارْتَان كَنْدَن
 وَتَجَاوَز نَكُنِنْد كِه خُدا دُوسْت نَدَارَد تَجَاوُز كَارَان
 رَا « سوره بقره آیه ۱۹۰ »
 وَصِيَّتِم رَا اَمَّا زِي كُنَم بِاَنَامِ خُدا ، خُدائي كِه بَه مِن
 هَسْتِي بِخَشِيد تَا دَر صِراطِ مَسْتَقِيم حَرَكْت كَنَم .
 خُدائي كِه اِبْرَاهِيم رَا اَز آتَشِ مَوْسِي رَا اَز
 اَب نِجَات داد وَ خُدائي كِه بَرای رَاهنمائي بَشَر
 بِيَا مَبْرَانِي مُرْسِتاد وَ اَنان نِيَز دَر صِراطِ اللّهِ
 بِيَسْوِي مَعْشُوقِ حُويش نَسافْتَنَد وَ بِاسْلَام
 بَوامانمان غَمِيئِي عَزِيز كِه كُوهما بَايَد اَز او
 اسْتواري رَا وَ دَر ياما خُروش رَا اَز او ياد
 بگيرند وَ اَن بيري كِه هَنگام كَشائيش لَب
 بَسْمِ عَرَبِ وَ شَرْقِ رَا دَلَمَراجِ سَنخَانِ
 حُويش كِيچ م كَنَد . سَفْنايِي كِه اَز سَر شَت
 وَ اَحْماقِ قَلبِ مِيلِيونها اَنسانِ بِيرون


 او که بعد از ۱۱ قرن دو باره انقلاب
 رخ داد اینبار در انقلاب حسین در روز عاشورا
 و کربلا بیا کرده و به ندای هل من ناصر حسینی
 پاسخ مثبت داده و می رود تا با رهبری خود
 پیش طوفانی که از ایران خورشیدین گرفته کانهای
 سفید و کرمین را از جا بر کند و با سلام بر
 امت شهید پرور که امامان می گویند من
 از صد اسلام تا کنون حسین مدتی ندیده ام
 مدتی که بهترین هستی خویش و جگر گوشه
 خویش را دیده می کشد و می روند تا تا دوام
 بخش و بلکه باید گفت زمینه سازان ظهور
 حضرت حجة بن الحسن و بایان بخش ظلم
 و ستم در گیتی باشند مدتی که مظلومیتشان
 در هفت تیر و رنگ خونشان را در جلوب
 و غرب و کردستان باید یافت و مردی
 که خورشید به نظاره آنها ایستاده است

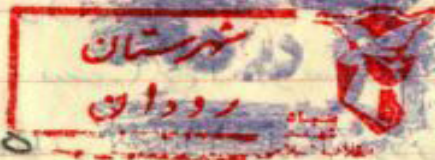




رم له پور و مادر و برادران و خواهرانم
 مرکز اسناد این وزارت را به با شند و اگر توفیق شایسته در
 راه خداوند تبارک و تعالی به من عنایت شد
 مراد در ده مائون کنار قدمگاه دفن کنند
 و اگر بعد از مدتی شربت شهادت اتری
 از من باقی نماند هیچ ناراحت نباشید که
 شهیدان در هر حال نزد خداوند تبارک و
 تعالی روزی می خورد و اجرشان بجای خود
 می باشد.

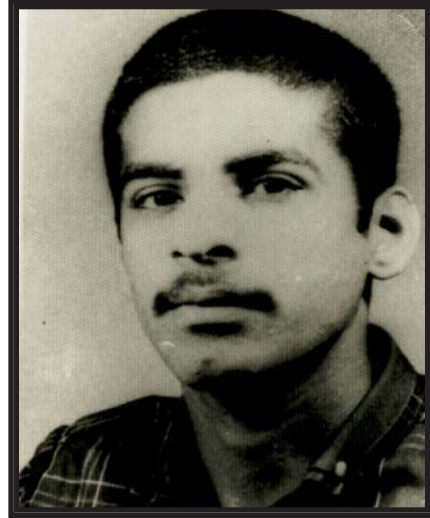
و امام عزیزمان را تنها نگذارید و سلاح جنگی
 را بردوش بگیرید و با همراهی سلاح امید
 به جبهه های حق علیه باطل عازم شوید
 و با مبطلات در جنگ باشید. انشاء الله

وصیت نامه هقیر علی مهرانى



شماره ۱۶۹،۳۶۵۵۵

حسن زارعی



نام: حسن
نام خانوادگی: زارعی
تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۶/۰۴
محل تولد: روستای کُنارجو از توابع شهرستان
میناب
نام پدر: علی
نام مادر: بی گل
تحصیلات: دوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۲/۰۴
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به پهلو
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ بعضی افراد ذکر می کنند که من برای کارت پایان خدمت یا که برای آزادی خودم [...] از یک [...] است اما از راه اصلی خیر من برای دفاع از اسلام و [...] و مکتب و قران [...] و گذشته از این برای نابودی دشمنان اسلام آمدم.
- ◀ من در راه خدا و برای خدای منان در این وادی غربت دارم خدمت به اسلام می کنم.
- ◀ من از امامان خودم سرچشمه گرفتم.

بسم الله الرحمن الرحيم

[...] و همه به سوی او خواهیم رفت.^۳

خدمت پدر بزرگوارم علی حسین زارعی از راه دور و دراز سلام گرم می‌رسانم و امیدوارم که صحت و سلامت و [...] عاقبت بوده باشید و [...] را بخوشی و [...] بگذرانی و هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشید و اگر از راه‌های بسیار دور و دراز جویای احوالات فرزند دور امثال خودتان، حسن زارعی بوده باشید، هم‌اکنون که نوک قلم در تحریر می‌باشد، [در] صحت و سلامت هستم و شب و روز به دعاگوئی وجود عزیز شما مشغول می‌باشم و هیچ‌گونه ناراحتی ندارم، بجز دوری [شما] و با دیدن روی مبارک شما که آن هم امید است دیدارها دیده و تازه گردد بحق محمد و آل طاهرین یا امینی یا کریم.

باری پدرجان! نامه شما که نوشته بودید به دستم رسید البته جواب [...] ارسال کردم بلکه این نامه دیگر می‌باشد، چون دلم واسه شما تنگ شده بود، نامه برای شما ارسال کردم و بخاطر این که کار خدا کسی چه می‌داند شاید آخرین نامه [من] باشد و من شاید شهید شدم و اگر هم شهید شدم از شماها خیلی عذرخواهی می‌کنم، زیرا در طول عمر من شماها خیلی رنج و سختی‌ها دیده‌اید یا تحمل کرده‌اید؛ خواهشمندم مرا بخشید.

پدرجان! اگر من در این عملیات که در پیش داریم، [که در] همین نزدیکی می‌باشد،

۱. ناخواناست.

۲. در اصل: خواهد.

۳. تعبیر شهید مشابه این بخش از آیه ۱۵۶، سوره بقره است: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم».

۴. ناخواناست.

۵. ناخواناست.

۶. ناخواناست.

۷. ناخواناست.

طورم شد یا زخمی یا شهید [...] ^۸[شدم]، فوری ناراحت نباشید، چون خداوند صبوران^۹ [را] خیلی دوست دارد و این هم بدانید [...] ^{۱۰} که خودم آمدم به خدمت به این جامعه بشریت و بخدمت به این جمهوری اسلامی و ضمناً خدمت به دین و ناموس و خلاصه و تا بحال که از شوق و شهامت با مزدوران [...] ^{۱۱} راه حق علیه باطل، هم چون کوهی استوار ایستادم و مقاومت خواهم کرد.

پدرجان! البته من نخواهم چنین حرف‌های را بزنم اما وجدانم^{۱۲} قبول نمی‌کند که نویسم، باید بنویسم تا شماها یا که دیگری بدانید من برای چه آماده [ام] و چه آرزویی دارم، بعضی افراد^{۱۳} ذکر می‌کنند که من برای کارت پایان خدمت یا که برای آزادی خودم [...] ^{۱۴} از یک [...] ^{۱۵} است اما از راه اصلی خیر من برای دفاع از اسلام و [...] ^{۱۶} و مکتب و قران [...] ^{۱۷} و گذشته از این برای نابودی دشمنان اسلام آمدم؛ البته این هم باید بگوئیم که من در راه خدا و برای خدای منان در این وادی غربت دارم خدمت به اسلام می‌کنم و [...] ^{۱۸} دارم برای دشمنان مبارزه می‌کنم.

خوب قبل از این که مزاحم^{۱۹} شما شوم، این هم بگوئیم^{۲۰}، می‌دانم شماها خیلی رنج‌ها و دشواری‌های زیادی کشیده‌اید^{۲۱}، باید مرا ببخشید^{۲۲} و هیچ‌گونه ناراحت نباشید^{۲۳} و نماز شکر

۸ «که» حذف شده است.

۹. در اصل: صبوران.

۱۰. ناخواناست.

۱۱. ناخواناست.

۱۲. در اصل: وژدانم.

۱۳. در اصل: افرادها.

۱۴. ناخواناست.

۱۵. ناخواناست.

۱۶. ناخواناست.

۱۷. ناخواناست.

۱۸. ناخواناست.

۱۹. در اصل: مزاهم.

۲۰. در اصل: بگوئیم.

۲۱. در اصل: کرده‌اید.

۲۲. در اصل: بخشید.

۲۳. در اصل: نباشیم.

بجا آور [...]»^{۲۴} و خوشحال بشوید^{۲۵} که فرزندان در راه اسلام شهید شده است و هم‌چون مادرم که می‌دانم مادر فرزند خود را از جانش عزیزتر می‌داند^{۲۶} اما صبر کنید، شکیباً باشید و از من خواهش این است که با خبر شدن که فرزند شما به لقاء الله پیوست یک پرچم سبزی زن بر در خانه و هر شب جمعه به سر قبرم شمع روشن بنما و هر روز جمعه کمی حنا بر گوشه‌ای از قبرم بمالید، چون که من تنها به آن آرزویم نرسیدم ولی اشکال ندارد^{۲۷} بخاطر این که علی‌اکبر به کامش نرسیده بود، من از امامان خودم سرچشمه گرفتم و به برادران و خواهرانم خیلی سلام می‌رسانم و امیدوارم که شماها صبر کنید و هیچ‌گونه ناراحت نباشید و تمام کارتان در راه خدا و برای رضای خدا [...]»^{۲۸}.

فرزند شما

امضاء^{۲۹}

۶۴/۱۱/۱۳

۲۴. ناخواناست.

۲۵. در اصل: بشویم.

۲۶. در اصل: می‌دانید.

۲۷. در اصل: نیست.

۲۸. ناخواناست.

۲۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نام خدا ۱۳، ۱۱، ۶۹

۶۵/۱۸۱۸۶

مرکز اسناد و کتابخانه ملی

است و هم کسی او خدا هدیه است
 دست و پیر میزدانم همی از کجا از کجا درود را میروم گریه میزنم و لیسروم دست و صد است

و در آن راه بیاید در روزگار جوید از آن فرزند در آن راه که زارعی بوده است
 اکنون که نوری قلم در تحریر است سلامت هم دست در زب دعا گذر و هر دو عزیز را
 مغز من هم در هم گون ناراحتی تمام می شود و در این راه صدای آن که آن هم صد است
 دیوارها دیده و باز که بر جن محمد آل کاظمین تا این تا این که بر سر کافه که نوشته بر سر

بیت رسید البت جویاب نور است لکرم ملک این
 نامه سر به پای خود زلم و اسم که شرف شد بود نام برای آنرا دل
 کرم و بخاطر اسم که خدا کس می داند آن فرزند با کس و من سب
 سینه شدم و از هم سینه شدم از آنها صبر عذر خواهی باشم
 زیاد در طول عمر من سینه ها صبر و صبر دیده ای با صبر
 که با صبر خدا شدم مرا بخندیدید در آن اگر من در این عالم
 در این راه هم صبر نیز کس با صبر در آن راه است
 که در آن راه صبر است صبر است صبر است صبر است
 صبر در صبر است راز و این هم بدانند



لکن خدمت آیدم به خدمت بی این حامد سیرت و محبت م این حمید اسدوم
 و صفا خدمت به دین و ناموس و خدام و با محال که از سئو و شرمت با مفرد
 مرکز اسناد ایثارگران راه حق علم با طر هم چون کوهی اسد را سیدم و مقادست خود هم کم
 بد رفعت البت من خودم چنین حرفه را بزنم اما در دام قبول نم نند که نندم باید
 بنویسم به شما که در کتب یادیند من با بر هم آماده و در در دام بعضی افراد که
 باشند که من برای کسرت با یان خدمت یا که بر آید من خودم که ما دوم از تک را در
 است اما از راه اصلی خیر من با رفیع از اسدوم در دست و مکتب در قرآن که اسدوم
 و نده شسته این برای زنده دستان اسدوم آیدم البت این هم با دیگر سیدم که من در راه خدا
 در بار خدا نشان در این واحد عزبت دام خدمت به اسدوم ما کم و صفا دام بلد دستان
 مبارزه ما کم عزت قبل از اسدوم ما کم اسدوم این هم بگر سیدم ما در این راه صبر و عزم
 در گوارا شد در تحمل کرده ام به در مرا عجزید و هیچ گدنه نارامت بنا سیدم و در ز سر بخوار
 و غوغمال سیدم که فرزندان راه اسدوم سیدید که است و همیوسن ما کم که ما در این راه
 فرزند طور را از سر عزیز تر مردانند اما صبر کنید سیدم با سید و از من خدایه دین را
 که ما صبر سیدم که فرزندان ما کم البت سیدت یک به هم سیدم بر در خانه و هر شب صبر
 به سر سیدم شع روشن به و هر روز صبح که صبر کردیم از فیرم با لید چون که من
 سیدم آن که روزیم نزد سیدم ول اشغال نیت بخاطر اسدوم عملی که به ما کم سیدم سیدم
 من از اما ما خودم سر چشمه گزینتم و به برادران و خدایم اینم صبر سیدم ما سیدم
 دامید دام که ما صبر کنید و هیچ گدنه نارامت بنا سیدم و تمام کار با
 راه خدا و به ما صبر کنید و هیچ گدنه نارامت بنا سیدم و تمام کار با

عباس زارعی



نام: عباس
نام خانوادگی: زارعی
تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۷/۰۱
محل تولد: روستای فخرآباد از توابع میناب
نام پدر: رضا
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
شغل: کارمند شیلات
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴
محل شهادت: در ام الرصاص عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش به پا و قطع دست
محل دفن: بهشت زهراي شهرستان زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ اسلام و قرآن و دین در خطر است.
- ◀ راه حسین (ع) را باید ادامه داد.
- ◀ می دانم که غم از دست [دادن] یک جوان، برای پدر خیلی دردناک است؛ ولی چه باید کرد، راه حسین (ع) را باید ادامه داد.

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام بر امام زمان و نایب برحقش خمینی کبیر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و با درود بر شهیدان بخون خفته کربلای ایران که با نثار خون خود این درخت برومند اسلام را آبیاری کردند و از جان و مال و زن و بچه [...] گذشتند تا این درخت پر ثمر اسلام را نگهداری کنند و با سلام بر تمامی خانواده‌های معظم شهدا و سلام بر ملت شهیدپرور ایران، و سلام بر مادرم، عزیزم و نور چشمم امید است که حالت خوب باشد، مادرم! می‌دانم که غم و اندوه از دست رفتن یک جوان برای یک مادر خیلی کار مشکلی است ولی چکار کنم تا وقتی که اسلام و قرآن و دین در خطر است. خیلی آسان است و هیچی ناراحت نباشید اگر شهید شدم برایم گریه و زاری نکنید والسلام. خداحافظ مادرم. و مادرم! از این که در این مدت ۲۰ سال و اندی برایم زحمت کشیدی خیلی مرا ببخشید و مرا حلال کنید و خداوند ان‌شاءالله^۲ اجرتان بدهد.

[به] همگی سلام می‌رسانم.

عباس زارعی

امضاء^۳

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود بر امام زمان و نایب برحقش خمینی کبیر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی

۱. «خود» حذف شده است.

۲. در اصل: اله.

۳. در اصل: نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

ایران و سلام بر شهیدان بخون خفته کربلای ایران که با خون خود این درخت برومند اسلام را آبیاری کردند و با سلام بر ملت شهیدپرور ایران و رزمندگان اسلام.

خدمت پدر بزرگوارم سلام عرض می‌کنم و امیدوارم که حالت خوب باشد و با [...] خدمت می‌شود. پدرجان! بنده از شما خیلی خیلی راضی هستم و در این مدت ۲۰ سال و اندی از عمرم می‌گذرد برایم خیلی زحمت کشیدی و خیلی از زحمات شما شرمسارم که نتوانستم در این مدت جبران زحمات کنم و از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید و می‌دانم که غم از دست [دادن] یک جوان، برای پدر خیلی دردناک است؛ ولی چه باید کرد، راه حسین (ع) را باید ادامه داد و در آخر از شما و دوستان [...] حلالیت می‌طلبم. امام و رزمندگان را دعا کنید. خداحافظ شما.

عباس زارعی


امضاء^۶

۴. ناخواناست.

۵. ناخواناست.

۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نام و نام خانوادگی: **محمد زارعی**
 فرزند: **مهدیا** تاریخ: **۲۳ شهریور ۱۳۸۲**




بسم الله الرحمن الرحیم
 بسم تعالی

مرکز اسناد ایثارگران

وصیت نامه

۶۵۱۸۲۱۳

با درود و سلام بر پیام زلفک و مابیت بر حقیقت حقیق کبیر
 و بنیادگذار جریحی اسلامی ایران و با درود بر شهیدان بخون
 خفته کربلاکی ایران که با انتشار فری فرادین درخت بوستند
 اسلام را آبیار می کردند و از جان و مال و زن و چهره گذشتند
 تا این درخت پر از اسلام را نگاهداری کنند و با سلام بر کهای
 خانواده های محکم تشفدا و سلام بر ملت تشفید و ایران
 و سلام بر مردم عزیزم و ذری چشم امید است که حالت خوب باشد
 مادرم می داند که من بر اندوه بک از دست رفتن یک جوان برای یک
 خلیع کار مشکلی است ولی چکار کنم تا وقتی که اسلام و قرآن در
 درضا است خیلی آسان است و این ناراحت نباشید هرگز تشفید
 شدم بر این گریه و زاری نکنید و سلام خدا حافظا مادرم. هر مادرم



از اینکه در این صورت ۲۰ سال و اندکی برایم زحمت کشید می خواهم بابتش و همه اعضا
 حلال کنید و خداوندانت ۲۱ ازتان برود همی سلام می کنم

عباس زاری ۶۵۱۸۲۱۳

۱۳۸۲
۱۰۸



مرکز اسناد و انتشارات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و بِنِیَّاتِهِ نَقَدَارِ جَمْعِهِ لِسَلَامِ اِیْرَانِ وَ سَلَامِ رِشْتِیْدَانِ بَیْتِ

خَفَةِ کَرِیْمِ اِیْرَانِ کِه مَآئِیْتِ اَرِیْضِیْنِ اِیْنِ دَفْتَرِ اِیْمَنِ

لِسَلَامِ رَا اَبِیَارِیْ کُورِیْ وَ مَسَلَمِ اِیْرَاقِ دَوْرَه خَیْ عَظِیْمِ شَهِدِ ا

و سَلَامِ رِ مَلِیْتِ اَشْهَدِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ وَ کُورِ مَسَلَمِ اِیْرَانِ

خَیْرَیْ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ سَلَامِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ

لِسَلَامِ اِیْرَانِ کِه مَآئِیْتِ اَرِیْضِیْنِ اِیْنِ دَفْتَرِ اِیْمَنِ

دَوْرَه اِیْرَاقِ اِیْرَانِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ

مِیْ دَوْرَه اِیْرَاقِ اِیْرَانِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ

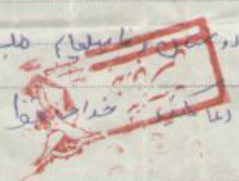
اِیْرَاقِ اِیْرَانِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ

بِکِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ

اِیْرَاقِ اِیْرَانِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ

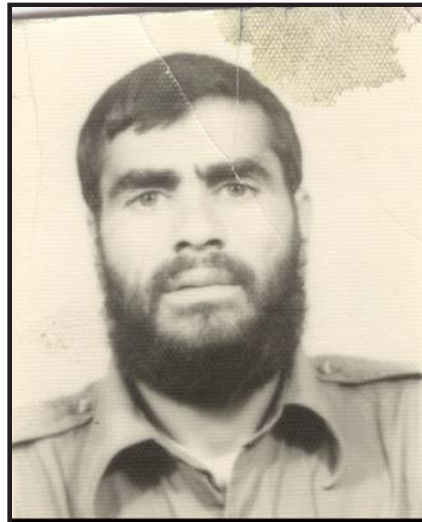
و اِیْرَاقِ اِیْرَانِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ اِیْرَاقِ اِیْرَانِ

عبدالزکی
مجلس اعلیٰ



۱- وصیت نامه راداضل پاکت مخصوص بنده در صفحات خود را قلمبندید
۲- وصیت نامه را از تعاون مورد زنده کلان پایگاه مربوطه خود دریافت نمایید

قیدی زارعی



نام: قیدی

نام خانوادگی: زارعی

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱۰/۰۳

محل تولد: روستای بن در تابعه شهرستان میناب

نام پدر: عباس

نام مادر: خاتون

تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن

تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۲۴

محل شهادت: شرق دجله

نحوه شهادت:

محل دفن: روستای شیوه‌ای از توابع شهرستان

زادگاهش

گلچین وصیت نامه

◀ روحیه خودتان [را]، از دست ندهید و ناراحت نباشید و [به] بچه‌هایم لباس شادی

بپوشانید.

◀ شهید بودن من [را] در راه خدا و اسلام افتخار بدانید.

بسم الله الرحمن الرحيم

بتاریخ ۱۳۵۹/۸/۶

وصیت‌نامه من برادر پاسدار قیدی زارعی

بارضایت خدا و خودم، چند نفر از برادران پاسدار که در بندرعباس خدمت می‌کنیم، ما را اعزام کرده‌اند به جبهه جنگ در غرب کشور. به رضای خدا و رهبری امام خمینی بت‌شکن، برادرم آقای حسن زارعی طبق همین وصیت‌نامه عمل کنید.

۱- روحیه خودتان [را]، از دست ندهید و ناراحت نباشید و [به] بچه‌هایم لباس شادی بپوشانید؛ همیشه خونسرد باشید، شهید بودن من [را] در راه خدا و اسلام افتخار بدانید.

وصیت‌نامه بنده به این شرح است:

۲- بنده مبلغ ۴۰۰۰ تومان، پول از برادر نورمحمد عاشوری بدهکار هستم.

۳- مبلغ ۳۰۰۰ تومان، ازخاله‌ام سکینه بدهکار هستم.

۴- مبلغ ۳۳۰۰ تومان، از پنجشنبه لاپکی زاده با خواهرم خیری بدهکار هستم.

۵- مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان، از حسین آشنائی^۳ بدهکار هستم.

از بابت ماشین بشرطی^۴ که این تعداد سامان ماشین تحویل نماید. ۱- کارت شناسائی

ماشین ۲- سند اصلی ماشین ۳- کارتون^۵ کمک و تایر^۶ زاپاس با رنگ و هواکش و دستگاه

آچار. پس از تحویل دادن این مقدار سامان که نوشته [شده]، می‌توانی مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان

۱. در اصل: یک.

۲. در اصل: بپوشان.

۳. در اصل: عاشنائی.

۴. در اصل: بشرتی.

۵. در اصل: کارت‌دون.

۶. در اصل: طایر.

پول نامبرده را بدهید و مبلغ ۲۵۰۰ تومان از قنبرذاکری ساکن بندرعباس دریافت کنید که این مبلغ مساعده گرفته است. یکی از ماشین‌ها [را] بفروشید و بدهکاری‌ها^۷ را بدهید و مبلغ ۲۰۰ تومان از خاله‌ام کلثوم بدهکار هستم. هر مقداری که بنده طلبکار^۸ هستم، قبض‌های من پیش خانواده‌ام آمنه می‌باشد، از^۹ مردم بگیریید^{۱۰}.

هرماه که می‌باشد بیاید در پاسدارخانه بندرعباس حقوق من را بگیریید^{۱۱} تاریخ ۳۰ برج برای مخارج زن و بچه‌هایم. مهریه خانواده‌ام، اگر خودش بخشید خوب، اگر نبخشید طبق همان کاغذ مهریه پردازید.

برادر حسن! تا اندازه‌ای که خانواده من دلش می‌خواهد که نزد شما باشد و سرپرستی فرزندان خود بکند شما برای آن‌ها آسایش کنید و اگر گفت که می‌روم پیش بستگانم، فرزندانم را بشما می‌سپارم برادر. از موضوع دخترانم، پیوند کردن با فامیل [...] ^{۱۲} اشکال ندارد، با فامیل [...] ^{۱۳} راضی نیستم. برادر حسن! اگر عباس فرزند احمد عاشور پسرعموی زلم آمد، او را زن بدهید. من راضی هستم.

از برادرم محمد زارعی، برادر جان! دختری را به فرزندم عقد کنید، خواهش دارم. برادر حسن، هر جایی که خودمان زمین یا ملک داریم با وارث خودمان تقسیم کنید، از وی حق [است].

همسرمهربانم! از شهید شدن من ناراحت نباشید، گریه نکنید از شهید شدن من. همسرمهربانم! برای پاسداران اسلام دعا کن و فرزندانم لباس شادی بپوشان؛ تا میتوانی برای فرزندان آسایش فراهم کنید. فدای قرآن اسلام، قیدی زارعی. خداحافظ به امید دیدار، برادر پاسدار قیدی زارعی.

بسم [...] ^{۱۴} برادر قیدی زارعی - امضاء^{۱۵}

۷. در اصل: بدهکاری‌ها.

۸. در اصل: طلب‌کار.

۹. در اصل: برای.

۱۰. در اصل: بگیریید.

۱۱. در اصل: بگیریید.

۱۲. ناخواناست.

۱۳. ناخواناست.

۱۴. ناخواناست.

۱۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

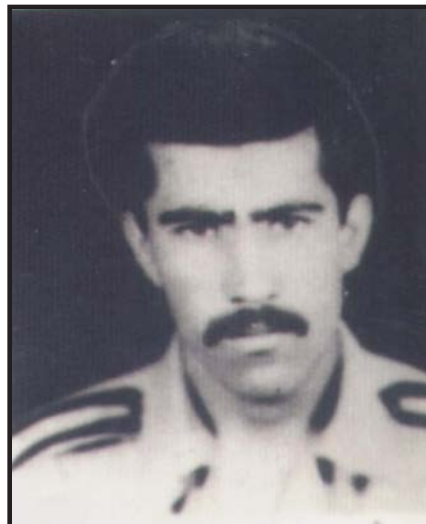
بسمه تعالی بتاریخ ۱۳۵۹/۱۳ بیستم بهمن ماه ۱۳۵۹

وصیت نامه منی برادر یاسر کبیر زارع با رضایت خدای خودم چند نفر از برادران
 سردار کداز بند عباس خدست که کلیم از ما عزیمت کرده اند با جمیع جنگ در مغرب کشور
 به رضایت خدای و رهبری امام خمینی بخت گشایی برادر ام آقا حسن زارع طبع همین
 وصیت نامه عمل کنید و همیشه خودتان از دست ندهید و با رضایت منب سید
 و جمعی از لیبل سادات بیوسمان همیشه خون سرد باشند و فریاد بودن می که در راه خدا
 اسلام افتخار بدانید وصیت نامه منبه به این شرح است ۲ منبه مبلغ ۱۰۰۰۰
 و ۱۰۰۰۰ پول از برادر نورمحمد کشور به کار هستیم ۳ مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان از خاله ام
 سکینه به کار هستیم ۴ مبلغ ۳۳۰۰ تومان از غنچه را یکی ذاکه با خواهرم خیره
 به کار هستیم ۵ مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان از حسین با شناسنامه به کار هستیم که ثابت
 شناسنامه بشرقی که این تعداد سدان شناسنامه تحویل نماید ا کارت شناسنامه
 شناسنامه ۲ سند اصل شناسنامه ۳ کار و ونا گشت و کار زاپه اس و رنگ
 و هواکش و دستگه آبی رسین از تحویل دادن این مقدار سدان که در شناسنامه
 منی مبلغ ۲۰۰۰۰۰ تیرگی پول، برده را بدهید و مبلغ ۲۰۰۰۰ تیرگی از قنبر زارگر
 ساکنی بند عباس در وقت کنید که این مبلغ سدان که گفته است یکی از منی
 سانسها بفرستید و به کارها را بدهید و مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان از خاله ام کلوم به کار
 هر مقدار که منبه طلب کار هستیم قبضه های منی پیش خانواده ام آید و بدهید
 برای مردم بگریه عرماه که با شناسنامه بیاید برادر یاسر رضایت مندری حاصل حقوق
 من را بگریه تاریخ ۳۰ برج برای خارج زنی بچده ایم مهره خانوادگی ام از خودی
 بخشید خوب اگر بخشید طبق همین کاغذ مندری ببرد از پدر برادر منی
 تا اندازه که خود خانواده من در منی خواهد که مندری با شناسنامه و برادر منی
 فرزندان خود کنند که برای آنها آسایش کنید و اگر گفت که منم
 پیش با اسیریم فرزندانم از که منم برادر ۱۰۵۳

از موضوع دخترانم پیوند کردن با فامیل سندرک اشغال ندر در فامیل
 بنام راضی نسبتیم برادر ضی الله عیسی فرزند امیر مشور میر محمدی از غم آمدن
 را از آن بدید می راضی هستیم از برادر امیر محمد زاری برادر ضی الله حضرت
 را به فرزندم مقلد کنید خواهی داریم برادر ضی الله هر چه می شود که از زمین یا ملک
 داریم به وراثت خودمان تقسیم کنید بروی حق
 همسر ما هم از زنده شدن من تا راحت نباشد که با ما باشد از همه سنگین
 از بنا شدن از آن السلام دی کسی و فرزند انهم لیکن سگال بیونتی نامی توانی
 فرزندانت آسایش کنند فدا قرآن السلام کنید زاری
 + فدا حافظه امید دیگر برادر با سدرک زاری

بسم تعالی برادر قیدی زاری

اسحاق زاهدی



نام: اسحاق
نام خانوادگی: زاهدی
تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱۲/۱۲
محل تولد: روستای دهو از توابع شهرستان
میناب
نام پدر: علی
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
شغل: کارگر
تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۴/۲۲
محل شهادت: فکه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: گلزار شهدای زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ در برابر پیشامدها شکینا و صبور باشید.
- ◀ حجاب بهترین زینت زن است.
- ◀ اگر شهید شدم ناراحت نشوید، چون من خود این راه را برگزیده‌ام و می‌خواهم که در راه امام شهید شوم.

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه شهید اسحق زاهدی فرزند علی

در ابتدای سخنم، شهادت بر یگانگی ذات لایزال خداوند است و بعد رسالت محمد بن عبدالله و امامت علی ابن ابی‌طالب که برگزیده‌شدگان از طرف خداوند می‌باشند. اینجانب اسحق زاهدی، فرزند علی، دارای شناسنامه ۱۶۱۹، متولد ۱۳۴۷، روستای دهبو بدینا آمده‌ام.

بنده در خانواده‌ای مؤمن و از پدر و مادری با ایمان و با خدا و وابسته به پرچم انقلاب و رهبر انقلاب اسلامی بدینا آمده‌ام.

وصیت من به پدر و مادر و برادر و خواهرانم که در برابر پیشامدها شکیبنا و صبورا باشید و اهمیت زیادی به دنیا ندهید و بر آنچه که از دست داده‌اید و از بین رفته حسرت و تأسف نخورید و در نماز جمعه شرکت کنید که نماز جمعه خود سلاحي از سوی مؤمنان بر قلب دشمنان اسلام [است]^۲. پدر و مادرم! سفارش من به شما است که برادر و خواهرانم را به حجاب اسلامی توصیه کنید.

به برادر بزرگترم سفارش می‌کنم که بعد از من پدر و برادر کوچک‌مان تنها هستند و آنها را هیچ‌گاه تنها نگذار چون پدرمان پیر است و احتیاج به کمک تو دارد.

و به خواهرانم سفارش می‌کنم که همیشه حجاب اسلامی را رعایت کنید و هیچ‌گاه^۳ تحصیل را فراموش نکنید و درستان را ادامه دهید و حجاب بهترین زینت زن است. و راه حضرت زینب (ع) را ادامه دهید و مانند حضرت زینب که در روز شهادت امام حسین (ع) که

۱. در اصل: صابر.

۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «است» باشد.

۳. در اصل: هیچ‌گاه.

مانند یک شیر زن صبر و پایداری نمود شما را به صبر کردن و پایدار نمودن وصیت می‌کنم. پدر و مادرم! ناراحت نباشید چون شهادت افتخاری است که از خداوند متعال خواهان هستم که شهادت را نصیب^۴ این بنده حقیر خود کند. و بتوانم شما را سرافراز در روز قیامت در مقابل ائمه اطهار دیدار نمایم. و اگر شهید شدم ناراحت نشوید، چون من خود این راه را برگزیده‌ام و می‌خواهم که در راه امام شهید شوم. چون امام دستور جنگ با دشمن را صادر نموده پس من به دستور رهبر خود به جنگ با دشمن می‌شتابم و امیدوارم که در این راه کشته شوم و تا پیروزی نهایی می‌جنگم.

دوستان را هریک سلام برسانید و بگوئید که برای من ناراحت نباشند که من خوشحالم که توانستم در راه رهبرم بجنگم.

خواهرم کنیز! از خواهرزاده کوچکم طیه خوب مواظبت کن و به او بیاموز که دایی‌اش در راه اسلام کشته شده و من خود می‌دانم که کشته می‌شوم و به هم‌سنگران شهیدم خواهم پیوست.

خواهر و برادرانم! از پدر و مادر به خوبی مواظبت کنید و به آنها احترام بگذارید و صله رحم را هیچ‌گاه فراموش نکنید. امیدوارم به بزرگترین آرزویم که همانا نوشیدن شربت شهادت است نائل گردم.

والسلام

اسحاق زاهدی

۴. در اصل: نسیب.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت نامه شهید اسحق زاهدی فرزند علی

در ابتداء سخن تسبیحات برگزیده ذات لایزال خداوند است و بعد رسالت محمدی درین

عبداللہ و امامت علی بن ابیطالب که برگزیده سیدان از طرف خداوند می باشند.

اینجا نبی اسحق زاهدی فرزند علی و ارای شماره ۱۸۱۹ شماره ۱۳۴

دوستانای دهر دنیا آید و ام . بنده در خانوادگی مؤمن و از پدر و مادر با ایمان و

با خدا و وابسته به پرچم انقلاب و رهبر انقلاب اسلامی دنیا آید و وصیت من به

پدر و مادر و برادر و خواهر آنکه در برابر پیشاهنگها شکیبا و صابیر باشند و اهمیت

زیادتی به دنیا ندهید و بر آنچه که از دست داده اید و از بس رفته حسرت و تأسف نخورید

و در نماز جو شرکت کنید و نماز جو خود صلاح از سوی مؤمنان بر تقدیر دشمنان اسلام

پدر و مادر و برادر و خواهر آنرا به حجاب اسلامی توصیه کنید.

و به برادر بزرگترم سفارش می کنم و بعد از من پدر و برادر کوچکتران تنها هستند و آنها را

هیچگاه تنها نگذار چون پدرمان پیر است و احتیاج به کمک تو دارد.

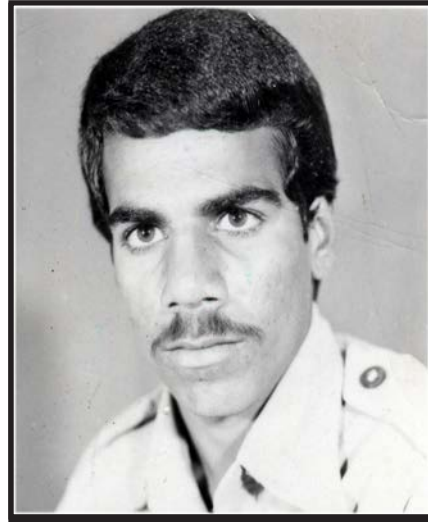
و به خواهرانم سفارش می کنم همیشه حجاب اسلامی را رعایت کنید و هیچ

گاه تحصیل را فراموش نیند و در رستان را امان دهید و عجب بهترین زینت زن است

و راه حضرت زینب (ع) را ادامه دهید و مانند حضرت زینب که در روز شهادت
 امام حسین (ع) که مانند یک شیر زن عبید و پایداری نمود شمار را به هبیر زین و پایداری توان
 وصیت می کنم پدر و مادر مرا امت نباشید چون شهادت افتخاری است
 که از خداوند متعال خواهان هستم که شهادت را نصیب این بنده حقیر خود کند
 و بتوانم شما را سفر از در روز قیامت در مقابل انکه اظهار دیدار نمایم
 و اگر شهید شدم ناراحت نشوید چون من خود این راه را برگزیده ام و من خواهم
 که در راه امام شهید شوم. چون امام دستور جنگ نداشتند و راه را بر نموده
 پس من به دستور رهبر خود به جنگ با دشمن می شتابم و امید دارم که در این
 راه کشته شوم. و تا پیروز می نیایی من جنگم دوستان را فریب نماند و برسانید و
 بگویند که برای من ناراحت نباشند که من خوشحالم که نتوانستم در راه رهبرم جنگم
 خواهم کشته شوم و زاده که میم طیب خوب مواظبت کن و به او بیاموز که هدایای هاشم
 در راه اسلام کشته شده و من خود می دانم که کشته می شوم و به همسران شهیدم خواهم
 خواهر و برادران
 پیوسته از پدر و مادر خوب مواظبت کنید و به آنها احترام بگذارید و صلوات
 را هرگاه فراموش نکنید و امید دارم به فرزندانم که همانا نوشیدن شربت
 شهادت است تا گل گرم و السلام

اسحاق زاهدی

حسن زاهدی درخانه



نام: حسن
نام خانوادگی: زاهدی درخانه
تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۰۷/۰۱
محل تولد: روستای درخانه از توابع شهرستان
میناب
نام پدر: علی
نام مادر: زهرا
تحصیلات: دوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۸/۰۲
محل شهادت: مریوان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ حالا که مرگ برای انسان هست، پس اگر در راه خدا باشد بهتر است.
- ◀ عمل ما وقتی صالح است که ایمان مان قوی باشد و ایمان بر چهارستون است صبر، یقین، عدل، و جهاد.
- ◀ خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ!

با درود بی‌پایان^۲ به امام زمان و نائب برحقش خمینی کبیر و تمام شهیدان گلگون کفن جمهوری اسلامی ایران که با خون خود دین^۳ خود را نسبت به انقلاب خونبار ادا کردند و ما هم باید تداوم راه ایشان را پیش گیریم و این خط سرخ شهادت که حسین سرور آن بوده است، انتخاب کنیم.

خدا نکند در این دوره انسان در بستر بمیرد، حالا که مرگ برای انسان هست، پس اگر در راه خدا باشد بهتر است؛ و اگر دشمن دستم را در جایی و سرم را در جایی و جگرم را در جایی تکه تکه کند، اما یک چیز از من نگرفته است که آن ایمان و ایده من است. خداوند! مرا از لشکریان خود قرار ده، معبود! مرا حالتی به خودم وا مگذار، خداوند! اگر عمری را بغفلت گذرانده‌ام و بیهوده و بی‌هدف بوده و دنبال دنیای فانی بوده‌ام از تقصیرات جاهلانه‌ام بگذر.

خدایا! خودم نمی‌دانم چقدر گناه دارم، خدایا! تو می‌دانی که چقدر گناه دارم، امیدوارم گناهان مرا ببخشی.

خدایا! تنها چیزی که از تو می‌خواهم صبر پدر و فامیل‌های من است [۴] و از پدرم می‌خواهم که اگر من شهید شدم، با روحیه‌ای هم‌چنان قوی بر جنازه من حاضر شود [۵] که خدا از شما راضی شود و مادرم فوت کرده بود و مادرم ندارم و پدرم هم جای پدر و هم

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «همانا ما از ان خداييم و به سوی او بازمی‌گردیم».

۲. در اصل: بی‌بایا.

۳. در اصل: دیم.

۴. ناخواناست.

۵. در اصل: شوی.

۶. «که» حذف شده است.

جای مادر برای من بوده، امیدوارم حلالم کند و از تمام قوم و خویشان و همشهریان طلب حلالیت می‌کنم و هرکاری که من کرده‌ام مرا ببخشید و اگر در حق کسی تعدی کردم، برای رضای خدا، مرا ببخشید.

خدایا^۷ شکر که توانستم به رهبری خمینی بت‌شکن [خود] را به جامعه توحیدی و کشور اسلامی سازش دهم و در جبهه حاضر شوم، [...] برای اسلام عزیز و وطن و کشور اسلامی و از پدر بزرگوارم می‌خواهم که اگر روزی خدا خواست که من به طرف او هجرت کنم و شهید شوم و شما خبر شهادت من را شنیدید، به هیچ وجه ناراحت نشوید و بخود ببالید و افتخار کنید که توانسته‌اید در راه اسلام و قرآن فرزندی را قربانی کنید و پدر عزیزم! همیشه برای امام عزیز این پسر فاطمه زهرا (ع) این پیر جماران خمینی کبیر دعا کنید، بعد از ما که من تنها توصیه‌ام به شما همین است، امیدوارم دائم، عمومیم، عمه‌ام، خاله‌هایم و تمام اقوام و خویشان از من بدی دیده‌اند مرا ببخشند و هم چنین پدر بزرگم و مادر بزرگم^۸ که مرا بزرگ کرده است مرا حلال کند. جمله دیگری که می‌خواهم بنویسم این است که حضرت علی (ع) فرموده است عمل ما وقتی صالح است که ایمان مان قوی باشد و ایمان بر چهارستون است صبر، یقین، عدل، و جهاد^۹، پدر عزیزم! می‌فهمم که ناراحت می‌شوی و طوری گریه نکنی که دشمنان شاد باشند و اگر گریه می‌کنید از شادی گریه کنید، چون خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند و می‌خواهند دشمنان دین را به قتل برسانند و یا خود کشته شوند. این وعده برای خدا قطعی و عهدیست که در سه کتاب آسمانی تورات، انجیل و قرآن یاد فرموده است، پدر بزرگوارم! اگر گاهی بد فرمانی کرده‌ام و وظیفه‌ای که به عهده من گذاشته‌اید عمل نکرده‌ام مرا خیلی حلال کنید^{۱۰} و اگر شهید شدم برای من گریه نکنی برای حسین بن علی (ع) گریه کن که در صحرای گرم کربلا، [با] ۷۲ [تن]^{۱۱} از یارانش شهید شدند.

۷. دراصل: خدا.

۸. «و» حذف شده است.

۹. دراصل: مادرم بزرگم.

۱۰. حدیث منسوب به حضرت علی (ع): «الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ» ایمان بر چهار ستون استوار است صبر و عدالت و یقین و جهاد.

۱۱. دراصل: می‌کنید.

۱۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «تن» باشد.

من الله التوفیق

۶۲/۷/۲۷

خدمت دائی عزیزم، سلام عرض می‌کنم پس از تقدیم سلام امیدوارم حالت خوب باشد و وجود عزیزت از کلیه بلیات ارضی و السمائی محفوظ بماند و در پناه حضرت احدیت و در کل توجهات ولی العصر [...] مصون و محفوظ بماند.

باری دائی عزیزم! اگر [...] احوال خواهرزاده خود حسن زاهدی را خواسته باشید بحمدالله نعمت سلامتی حاصل و برقرار می‌باشد و بنده در شهر کامیاران کردستان هستم و قرار است فردا یعنی ۶۲/۷/۲۸ به خط عازم شویم و سعادت و موفقیت‌تان در زیر سایه خردمندانه رهبر کبیر و بزرگوار [...] خواهان و خواستارم و الحمدالله سالم هستم و جویای سلامتی شما می‌باشم و این وصیت‌نامه من اگر خدا خواست که شهید شوم به سپاه تحویل دهید تا فتوکپی^{۱۶} کند و اگر سالم برگشتم که الحمدالله به حضورتان شرفیاب می‌شوم. بیشتر مزاحم اوقات شریف‌تان نمی‌شوم این وصیت‌نامه فقط مخفیانه در پیش خودت نگه دارید.

والسلام

خواهرزاده حقیرت حسن زاهدی

پدر بزرگم سلام برسان. پدرم مادرم و هم‌چنین خاله‌ام و خاله‌ام و پسر خاله‌ام [...] سلامتی [...] که من ایشان را ندیدم و احمد صادقی، علی صادقی، اکبر، ابراهیم، مهدی، حسن و حسین رنجبر، محمد صادقی، شهریار رنجبر، که باز ایشان را هم ندیدم و حیدر پسر خاله‌ام و خلاصه وقتت را نگیرم تمام قوم و خویشان.

والسلام

حسن زاهدی

مورخه ۶۲/۷/۲۷

۱۳. «و» حذف شده است.

۱۴. ناخواناست.

۱۵. ناخواناست.

۱۶. در اصل: پلوکپی.

۱۷. ناخواناست.

۱۸. «ک» حذف شده است.

(روحیت نامه)

برادری حسن زاهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

اما لا اله الا الله وانا لله راجعون . با درودی بایه امام زمان و نائب رفیق همی کسیر و تمام
 عشقمان مملوک نفس جمهوری اسلامی ایران که با خون خود دیم خود را نسبت به انقلاب خونبار
 ادا کرده اند و ما هم با ید تلاوم راه ایشان را پیشی گیریم و این خط سبز شهادت که همین
 سروران بوده است انتساب کنیم خدا نلند در این دوره انسان در سبتر بیدر حال است
 برای انسان هست پس اگر در راه خدا باشد سبتر است . و اگر دشمن دستم را در جایی و
 سرم را در جایی و حکم را در جایی تکه تکه کند اما یک چیز از من نگرفته است که آن ایمان
 و ابره من است . خداوند مرا از لشکرمان خود قرار ده معبود ما حالتی به خودم برانگیزد او را
 اگر عمری را بغفلت گذرانده ام و سپرده و بی هدف بوده و دنبال دنیای مانی برده ام از تصرفات
 جاهلانم بگذره خدا یا خودم نمی دانم چه در گناه دارم خدا یا ترمی دانی که چه در گناه دارم
 امیدوارم گناهان مرا ببخشی خدا یا تنها چیزی که از ترمی خواهم بگیری روفا بیلای من است
 با و بپریم می خواهم که اگر من شهید بشوم با روحیه ای همچنان قوی بر جنازه من حاضر شوی که
 که خدا از شما را نمی شود و من که مادرم فوت کرده بود و ما را بپریم و بپریم هم جای بپریم
 هم جایی مادر برای من بپریم امیدوارم خلاصم کن تمام قوم و خویشان و همسر یان طلب خلاصت می کنم
 و هر کاری که من کردم مرا ببخشید و اگر در حق کسی تقصیر کردم برای رضای خدا مرا ببخشید خدا شکر که توانستم به رهبری
 همی بچگونگی را به جامعه تهریزی و کشور اسلامی سازش دهم و در حبس حاضر بشوم و برای اسلام عزیز و وطن و کشور
 اسلامی و از بیدریز بگویم می خواهم که اگر روزی خدا خواست که من به طرف او هجرت کنم و شهید بشوم و شما
 خبر شهادت من را شنیدید به هیچ وجه ناراحت نشوید و بخرد بپالید و افتخار کنید که تانسته اید راه اسلام
 و قرآن عزیز را قربانی کنید و بپریم عزیزم همیشه برای امام عزیز این سیر فاطمه زهرا (ع) این سیر همان همی
 کسیر دعا کنید بعد از نماز که من تنها تو میام به شاهین است امیدوارم دانتیم محمودیم همه ام خاله هایم
 و تمام اقوام و خویشان از من بپری دیده اند مرا ببخشید و همچنین بپریم بزرگم و مادر بزرگم که ما بزرگ کرده است

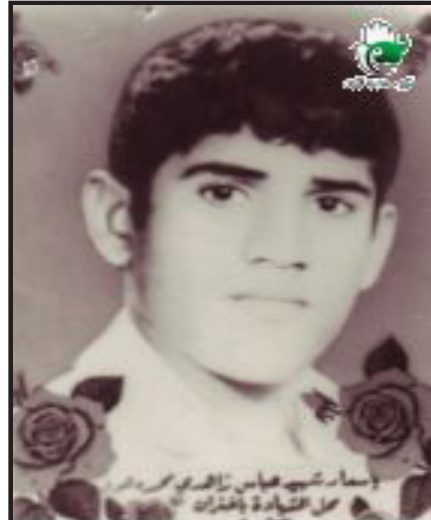
(۲) ۱۴۴

مرا حلال کند بلکه دیگری که می خواهد بنویسم این است که حضرت علی (ع) فرموده است: عمل با برتری
 صالح است که ایمان قوی باشد و ایمان بر غیر استوار است صبر - یقین - عدل - و جواد پیر
 عزیزم می فرمید که ناراحت می شوی و طوری کزب کنی که دشمنان شاد باشند و اگر گریه کنی لذت زشتی
 گریه کنی چون خدا جان و مال اجل ایمن را به بهشت خریداری کرده آنرا در راه خدا جاد می کند
 و می خواهد دشمنان دین را به قتل برسانند و یا خود کشته شوند این وعده برای خدا قلمی و عود نیست
 که در سه کتاب آسمانی تورات - انجیل و قرآن یاد فرموده است بدین ترتیب که اگر گاهی بد مزاجی کردی
 و در طبعه ای که به عهده من گذاشته ام عمل نکرده ام مرا خطی حلال می کنی و اگر شکر کردم برای من گریه
 کنی برای حسین و بن علی گریه کنی که در صحایف کتب مبرک بالا ۷۲ از یارانش شکر شدند
 بنو اله التوفیق مورخه ۲۷، ۷۲، ۷

خدمت دانی عزیزم سلام عرض می کنم پس از تقدیم سلام امیدوارم حالت خوب باشد و وجود عزیزت
 از کلیه بلیات ارضی و آسمانی محفوظ بماند و در پناه حضرت اهدی در کل تو حیا و بی الهی
 مشون و محفوظ بماند باری دانی عزیزم اگر مستی احوال خواهانده خود حسن زاهدی را خواسته باشی
 بجزالد نعمت لسانی حاصل و بقرار میباشی و نیزه دوستی ما را از آن کوهستان هضم و قرار است فردایی
 ۲۸، ۷، ۲۸ به خط اعظم شوم و سعادت و موفقیتتان در زیر سایه خردستانه رهبر کبیر و بزرگوار
 روحان و خواتام در الحمد اله سالم هستم و جوایب لسانی ما میباشی و امید و صمیمانه من از خدا خوا
 که شکر شوم به سایه تحویل دهید تا جلی کوی کند اگر سالم برگردم که الحمد لله به حضورتان توفیق شوم
 بیشتر مزاحم اوقات لذتتان نمی شوم این و صمیمانه فقط مخفیانه در پیش خودت نگه دارم و السلام
 خدا مرزایه حقیقت عن زاهدی

بدرینو کلام بر این مرم مارم و همسین خالرام و خالرام و خالرام و خالرام و میر خالرام خالرام
 سلامتی که من این آن را نه بیم واحد صادر می علی مهدی اکبر ابراهیم مهدی عن و حسین زکریا محمد صدقی
 شکر بار و یکبار با زاریت نا راهمند بیم و جبریر خالرام و خالرامه وقتت را بکنیم تمام قوم و خورشیدان
 والسلام
 عن زاهدی
 مورخه ۲۷، ۷۲، ۷

عباس زاهدی دهبویی



نام: عباس
نام خانوادگی: زاهدی دهبویی
تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۰۷/۰۱
محل تولد: روستای دهو از توابع شهرستان
میناب
نام پدر: محمد
نام مادر: بانو
تحصیلات: دوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۸/۰۵
محل شهادت: مریوان
نحوه شهادت: اصابت گلوله به سینه
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ ای جوانان! مبادا در غفلت بمیرید که علی (ع) در محراب عبادت شهید شد.
- ◀ بدانید ای ابرقدرت‌ها و ای مستکبرین! ملت ایران دیگر زیر بار ذلت شما نخواهد رفت و شما را ریشه کن خواهند کرد.
- ◀ بدین امید که یک‌دیگر را در قیامت پشت سر امام حسین (ع) ملاقات کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱
هرگز نپندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه زندگان جاویدی
هستند که در نزد خدا روزی می‌گیرند.

با سلام و درود به امام زمان منجی انسان‌ها و نائب برحقش امام خمینی و با سلام و
درود بر شهیدان راه حق و حقیقت که تا آخرین قطره خون‌شان برای اسلام و انقلاب اسلامی
جنگیدند.

من بعنوان یک فرد مسلمان و به حکم شرعی و دینی که داشتم، قدم در این راه گذاشتم
و خداوند بزرگ^۲ را شکر می‌کنم که چنین سعادت نصیب من کرد و چنین رهبری در جلو
راهم قرار داد و ذره‌ای نور ایمان در من روشن نمود تا خود و خدای خود را بشناسم. و من با
باری از گناه بسوی خدا رفتم.

خداوندا! مرا ببخش از غیبت‌ها که کردم، از تهمت‌ها که کردم، مرا ببخش که خود را
در این دانشگاه معنویت نتوانستم کاملتر [...] کنم.

خداوندا! مرا بیامرز که هرگاه سخن می‌گفتم و گوینده بودم، شنونده را نادان و خود
را عالم می‌پنداشم.

پدر و مادر! [...] می‌دانم که مرگ من باعث ناراحتی شما می‌شود، چه کنم اسلام در
خطر است. اگر ما در این جنگ شرکت نکنیم و به امام عزیزمان پشت کنیم باعث نابودی
اسلام و انقلاب اسلامی مان می‌شویم و در آن دنیا در صف دوزخیان قرار می‌گیریم. برای من

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. در اصل: بزرگ‌تر.

۳. ناخواناست.

۴. ناخواناست.

گریه نکنید چون شهادت من و رزمندگان باعث به حرکت در آمدن ملت ایران بلکه مسلمین جهان می‌شود. بدانید من در جنگی رفته‌ام که اگر جسمم را ندیدید دلگیر نباشید که بسوی خدا خواهیم رفت همه و شماستید که باید صبر و استقامت داشته باشید همه، زینب که تحمل ۷۲ شهید را نمود و این آزمایش است. من^۵ پیامی به ملت عزیز ایران دارم، ای جوانان! نکنند^۶ در رخت خواب ذلت بمیرید، که حسین (ع) در میدان نبرد شهید شد.

ای جوانان! مبادا در غفلت بمیرید که علی (ع) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر حسین در راه حسین (ع) و با هدف شهید شد. ای مادران! مبادا از رفتن فرزندان تان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب را بدهید که تحمل ۷۲ شهید را نمود.

همه مثل خاندان وهب جوانان مان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را هم تحویل نگیرید زیرا مادر وهب فرمود سری را که در راه خدا داده‌ام پس نمی‌گیرم، حضورتان را در جبهه‌های حق علیه باطل ثابت نگه دارید.

بدانید ای ابرقدرت‌ها و ای مستکبرین! ملت ایران دیگر زیر بار ذلت شما نخواهد رفت و شما را ریشه کن خواهند کرد و پرچم توحید را به اهتزاز در خواهند آورد و عدالت را بر جهان حاکم خواهند کرد.

من از پدر و مادر عزیزم و فامیل‌ها و دوستان عزیز می‌خواهم که ان‌شاءالله مرا ببخشند و برایم آرزوش بخواهند. من از پدر و مادر عزیزم می‌خواهم که من ۳ ماه نماز قضا دارم از شما می‌خواهم برایم بخوانید و اگر نمی‌توانید به کس دیگر واگذار کنید. البته آدم با اطمینان باشد و اگر جسد من را پیدا نکردید و یا چیزی از جسد من باقی نماند زیاد هم دنبال جسد من نگردید اگر جسد من پیدا شد من را به پای مسجد سربغ ببرید، نزدیک قبر شهید احمد اگر جا شد، اگر نشد که هیچ و من راضی نیستم کسانی که نماز نمی‌خوانند و به امام توهین می‌کنند و خدا را شکر نمی‌کنند سر قبر من بیایند.

پدر و مادر بزرگوارم! شاید شنیدن خبر شهادت فرزندان دل‌های پاک‌تان را داغدار و اشک گهر بارتان را بر گونه‌های نورانی تان جاری کند؛ شما را وصیت می‌کنم به مصیبت‌های

۵. در اصل: برای.

۶. در اصل: نکند.

مظلومانه سالار شهیدان (ع) به آن زمانی که یاران عزیزش را یکی یکی غرق در خون دیده، برادرش را با دو دست بریده، جوان ۱۸ ساله‌اش را تا سر شکافته، برادرزاده‌اش را غلطان در خون و گلوی طفل شش ماهه‌اش را عطشان و هدف تیرهای دشمن. واقعاً هیچ مصیبتی در جهان بزرگ از مصیبتی که بر حسین (ع) وارد شد نیست با همه این مصائب کسی هم نبود که به او تسلیت بگوید و سر سلامتی دهد، شما نه به اندازه امام حسین (ع) مصیبت دیده‌اید و نه از او غریب‌تر هستید.

از شما پدر و مادر مهربانم می‌خواهم که در مرگ من بی‌صبری نکنید و بیش از ۳ روز لباس عزا نپوشید و اگر جسد من را آوردند، آن را حتماً ببینید و بخاطر تمام حقوقی که بر این فرزند ناسپاس تان دارید طلب عفو و بخشش می‌کنم. بدین امید که یک‌دیگر را در قیامت پشت سر امام حسین (ع) ملاقات کنیم.

برادران عزیز و خواهران مهربانم! بودن با شما باعث رشد و سعادت من بود و ایمان تان به حضرت امام باعث عزم و شرف این حقیر بود. پیام برادر شهیدتان را به گوش حق جویان جهان برسانید که او عاشق حضرت مهدی (عج) و سرباز جان بر کف حضرت امام خمینی بود. و در آن عشق و این اطاعت به لقاءالله^۷ پیوست و سلامت پدر و مادر عزیزم و خواهران و برادران عزیزم و آشنایان و دوستان عزیز را خواستارم و اگر شهید بحساب آمدم، در آن دنیا شفاعت تان خواهم نمود به امید پیروزی حق بر باطل.
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

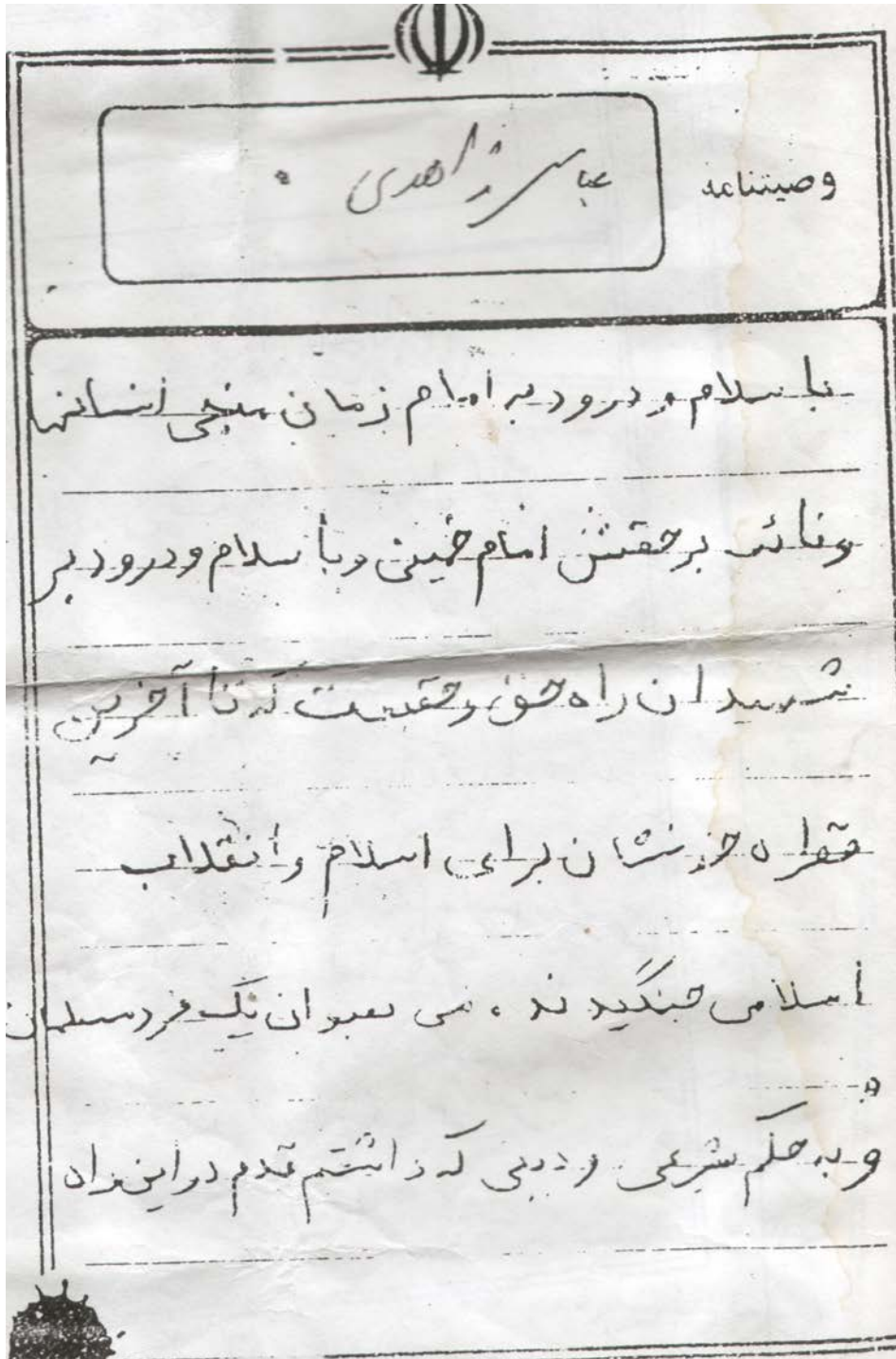
عباس زاهدی

(۱)

وصیتنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تُحِبُّونَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَمْوَالَ اللَّهِ
 وَأَمْوَالَ آبَائِهِمْ بِمَا رَزَقْتَهُمْ
 هُمْ كَرِهَتْهُمَا اللَّهُ فَكُنُوا كَارِهِينَ
 هُمْ كَرِهَتْهُمَا اللَّهُ فَكُنُوا كَارِهِينَ
 هُمْ كَرِهَتْهُمَا اللَّهُ فَكُنُوا كَارِهِينَ



وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الطاهر المني

گذاشتم و خداوند بزرگ را شکر می کنم که چنین
سعادت بی نظیری بر من کرد و چنین رهبری در جلوه راهم
قرار داد و در دای نوریان در من در سخن نمود
تا خود و خدای خود را بشناسم و من با یاری آنگاه
سوی خدا رفتم و خداوند مرا ببیند که غیبتها که کردم از
تبهتها که کردم مرا ببیند که خدا را در این دستگاه
معنویت نشناختم کلام بر زبان می آورم خداوند مرا
بیمرز که هرگاه سخن می گویم رگه برده بودم نشنوده
داندان خود را عالم می بیند استم پدید و عذر می
میدانم که مرگ من بیعت شاد الهی شها می شود و چه کنم
اسلام در ظهور است و اگر مدار این عهد می رفت تکلیف
و بی امام عزیز زمان چیست که بیعت تابردی اسلام

وصیتنامه

حداا حار...
داده اند و عفتای و رضا...
بسم الله

و انقلاب اسلامی مان می شویم و در آن دنیا رهنما
دوستان قرائین که بریم برای من بگردید چون شما
من در زندان است به هر دست در آمدن ملت ایران بگذر
مسلمین جهان می شود و بدانید من در زندانی رفتم ام که ام
چشم را ندیدید و دیگر نباشید که بسوی خدا نخواهد رفت
همه و شما باید صبر و استقامت داشته باشید
زیینت که کربل ۱۲ شهید را بنود و این آنرا میست
بیمان به ملت عزیز ایران ما را می جوینان نکند در وقت
ذلت بپسید که من (ع) در میدان نبرد شهید شده ای
جوینان مبارک در غفلت بپسید که من (ع) در صحرای استبداد
شهید شده مبارک در حال بی تفاوتی بپسید که من (ع) در
دروازه حسین (ع) و با هوش شهید شده ای مبارک



عباس زاهدی

وصیتنامه

از رفتن فرزندان بنام بی بی حبه حبه کبری نیکو نگه دارید
 صحیفه ها بنویسید و اب زینب را بدهید که تکمیل ۷۴
 بشود و اینها را مثل خاندان عویس بنی امیانیان را به
 جبهه های نبرد بفرستید و حتی جد او را هم بگویند که
 زیر امانت و عیب فرموده سری را که در راه خدا داده ام
 پس این کرم خردان را در جبهه های حق علیه باطل
 ثابت نگه دارید، بدانید ای ابرق درتها و ای مستکبرین
 ملت ایران دیگر زیر بار ذلت شما نخواهد رفت و شما را
 ریشه کن خواهند کرد و بر زمین تو حید را بدهوی امام زمان
 و نائب برحقش امام مبینی در سر اسر جهان به اهتزاز در خواهند
 آورد و عدالت را در جهان عالم خواهند کرد.

من از پدر و مادر عزیزم و فامیله ام و دوستان عزیزم و هم

وصیت نامه

که انشاء الله مر ایضا شد و برایم آموزش بخوانند
 من از پدر و مادر و عزیزانم که از خدا بخواهم که من را
 نماز قضا دارم از سر تا من بخواهم برایم بخوانند و اگر من نتوانم
 به کسی بگویم و اگر کسی بگوید البتة آدم با اطمینان باشد که
 حیدر من را پیدا کند و یا چیزی از حد من بماند و یا
 هر دینار حیدر من بگردید اگر چه من پیدا نشدم و یا
 بیایم مسجد سرتیغ بریدند و قبر شهید و اهدا کرد
 شد اگر نشد که هیچ و من را هیچ نیستم کسی که نماز من
 خوانند و با امام توهین من کنند و خدا را دشمن کنند و قبر
 من بیایند و پدر و مادر و برادران من را بکشند و
 نه در آن روز دستان دلهای پادگان را در اغدار و او
 که بر دستان را بر گونشهای نورانیستار حیدر من کند



وصیتنامه

مرا را خواند و مرا خواند و مرا خواند و مرا خواند
حدت می کند

من را اول وصیت می کنم به مصیبت های سفلو خانه سالار
 شهیدان (ع) به آن زمان که یاران عزیزش را با
 بی غرق در خون دیدید برادرش را با بر دست بریده
 یاران ۱۸ ساله اش را تا سر تکافت برادر زاده اش
 را غلطان در خون و آن روز با او ماهه اش با
 عوالتان و هدیه تیرهای دشمن و اقامت اهل مصیبت
 در جهان بزرگ از مصیبتی که بر حسین (ع) وارد شد
 شد با همه این مصائب کسی هم نبود که به او تسلیت
 بگوید و هر سلامتی دهد مشر نه به اندازد امام حسین
 (ع) مصیبت دیدید ای دوست از او عزیزتر هستی
 از شما پدر و مادر و هر یک از ما که در هر گزنی بی همی
 نکند و پیش از سه روز لبلس من از او شود و اگر خدمت

عبارت - لیس



مادر ارجمند و محترم ...
مادر ...

وصیتنامه

و اگر دغدغه آنرا همتاً ببینید و بنا بر تمام حقوقی که در این فرزندان
 نامیاستان دارید طلب عفو و بخشش نکنید بدین
 امید که منکر بگردد و در قیامت بیت امام حسین (ع)
 سلامت کنیم برادران عزیز و خواهران عزیز بدین یادش
 باعث رخصت و سعادت من بود و ایمان جان به حضرت امام باقر
 عروت و شرف این محقر بود پیام برادر شهیدتان را به گوش
 حق بویان جهان برسانید که او عاشق حضرت محمدی (ص) است
 و سر باریان بر کف حضرت امام حسین بود و سر آن عشق و
 این اوقات به لقای الله بیست و سه ساله بود و مادر عزیزم
 و خواهران عزیز در سزیم و آنستایان و دوستان عزیز و اقوام
 و اگر شهید بشم بآدم در آن دنیا شفا عتقان خودم
 شود به امید پیروزی حق بر باطل *ضایعاً لایاتاً انقلابی*

۱۱۷
۶۲/۷/۱۳ عباس زاهدی

احمد زاهری



نام: احمد

نام خانوادگی: زاهری

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۳/۰۲

محل تولد: دهستان سیاهو از توابع شهرستان

بندرعباس

نام پدر: علی

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: اول راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۱۲/۲۱

محل شهادت: مهران

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به قفسه سینه

و صورت

محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ بر همه ما واجب است که از امام عزیزمان پیروی کنیم.
- ◀ وای بر ما که خون این شهیدان و شهیدان زنده و معلولین انقلاب را پایمال کنیم.
- ◀ چه راهی بهتر از این که در راه خدا باشم و بسوی الله بروم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ
يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا^۱

مومنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد در راه خدا کشته گردد یا فاتح گردد او را در بهشت ابدی اجر عظیم دهیم. سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی. سلام بر شهدای راه حق و حقیقت از هابیل تا حسین و از حسین (ع) تا مصطفی خمینی و از مصطفی تا انقلاب اسلامی ایران، بالاخص شهدای به خون خفته جنگ تحمیلی. سلام بر رزمندگان اسلام در جبهه‌های مختلف جهان از ایران تا افغانستان اریتره، فلسطین، فلیپین، و سایر کشورهای مستعضعف و سلام بر شهدای شما، ای امت همیشه در صحنه، شما امت بیدار بودید که با دست‌های خالی ولی مسلح به ایمان توانستید بر تمام جنود شیطانی غلبه کنید و بر همه ما واجب است که از امام عزیزمان پیروی کنیم، چون امام با رهنمودهای خود ملت ایران را زنده کرده و راه اسلام عزیز را به ما مردم خفته و از آخرت گذشته آموخت؛ چه بگوئیم از این انقلاب، انقلابی که شهدای بسیار و معلولین بسیار در برداشته است؛ وای بر ما که خون این شهیدان و شهیدان زنده و معلولین انقلاب را پایمال کنیم؛ و چه بگوئیم که از خودم، من در حدود چهارسال سن دارم^۲ چون که قبل از انقلاب هیچ چیز را نمی‌فهمیدم^۳ و حال که چهارده سال عمر دارم، به اندازه یک کودک چهارساله انقلاب می‌فهمم؛ این راه را با آگاهی کامل انتخاب کردم و چه راهی بهتر از این که در راه خدا

۱. آیه ۷۴، سوره نساء.

۲. در اصل: ندارم.

۳. در اصل: نمی‌فهمم.

باشم و بسوی الله بروم.

پدرجان! مرا ببخش که از شما نافرمانی می کردم. مادرجان! مرا ببخش که از شما نافرمانی می کردم. مادرجان! تو نیز مرا ببخش و مانند کوه استقامت کن و با صبر و پایدار [ی] خود، روح من نیز افسرده نمی شود.

ای اقوام عزیز! مبادا بر شهادتم بگرئید که دشمن شاد می شود؛ بدانید که ان شاء الله من در جوار رحمت حق جای خواهم گرفت.

خدایا! به حدی گناه کردم و از فرمان تو سرپیچی کردم که شرمنده‌ام، مرا از بخشنده‌گان درگاه خود قرار بده.

خدایا! تو به من جان دادی و جانم نیز خواهی گرفت؛ مرا در آن راهی قرار بده که هیچ‌گاه در لحظه‌های دادن، غفلت نخورم.

خدایا! امام‌مان را تا ظهور حضرت مهدی (عج) تعجیل بفرما آمین.

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته. مرا در کنار پدر بزرگم مشهدی قاسم دفن کنید،

تا ملاقات کنم.

بسم رب الشهداء و الصديقين

وصیت نامه برادر شهید احمد ظاهری

فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوه الدینا بالآخره و من یقاتل فی سبیل
الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجرا عظیمًا .

مومنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی را بر آخرت گزیدند جهاد کنند
و هر کس در جهاد در راه خدا کشته گردد یا فاتح گردد او را در بهشت ابدی اجری
عظیم دهیم .

سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی .
سلام بر شهدای راه حق و حقیقت از هابیل تا حسین و از حسین (ع) تا مصطفی
خمینی و از صفای تا انقلاب اسلامی ایران بالاخص شهدای به خون خفته جنگ
تحمیلی . سلام بر رزمندگان اسلام در جبهه های مختلف جهان از ایران تا افغانستان
ارتیره ، فلسطین ، فلیپین ، و سایر کشورهای مستضعف و سلام بر شهدای شمای
امت همیشه در صحنه شما امت بیدار بودید که باد ستای خالی ولی مسلح با
توانستید بر تمام جنود شیطان غلبه کنید و بر همه ما واجب است که از امام عزیزمان
پیروی کنیم چون امام بارهنمودهای خود ملت ایران را زنده کرده و راه اسلام عزیز را
به ما مردم خفته و از آخرت گذشته آموخت چه بگوئیم از این انقلاب ، انقلابی که
شهدای بسیار و معلولین بسیار در برداشته است وای بر ما که خون این شهیدان و
شهیدان زنده و معلولین انقلاب را پایمال نکنیم و چه بگوئیم که از خود من در
حدود چهار سال سن ندارم . چون که قبل از انقلاب همین چیز رانمی فهمیدم
و حال که چهار سال عمردارم به اندازه یک کودک چهار ساله انقلاب میفهمم
این راه با آگاهی کامل انتخاب کردم و چه راهی بهتر از این که در راه خدا باشم و
بسوی الله بروم ، پدر جان مرا بیختر که از شما نافرمانی میکردم ، مادر جان مرا
بیختر که از شما نافرمانی میکردم ، مادر جان تو نیز مرا بیختر و مانند کوه استقامت کن
و با عبور پایدار خود روح من نیز افسرده میشود .

ای اقوام عزیز مبادا بر شهادت تم بگرئید که دشمن شاد میشود .
 بدانید که انشاء الله من در جوار رحمت حق جای خواهم گرفت خدایا
 به حدی گناه کردم و از فرمان تو سرپیچی کردم که شرمنده ام مرا از بخشندگان
 درگاه خود قراریده . خدایا توبه من جان دادی و جانم نیز خواهی -
 گرفت مراد آن راهی قراریده که هیچگاه در لحظه های دادن غفلت نخورم .
 خدایا امامان را تا ظهور حضرت مهدی (عج) تعجیل
 بفرما . آمین . والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته .

مراد رکنارید و بزرگم مشهدی قاسم دفن کنید تا ملاقات کنم .

بهرام زمانی



نام: بهرام

نام خانوادگی: زمانی

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۰۷/۲۰

محل تولد: روستای بیکاه از توابع رودان

نام پدر: علی

نام مادر: زهرا

تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن

شغل: کشاورز

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۵/۰۸

محل شهادت: فلاویزان

نحوه شهادت:

محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ به خانواده هایم و به فرزندانم برسید.
- ◀ دو بوته از لیموها به ملا بدهید تا قرآن بر سر قبرم بخواند.
- ◀ خانه من تا زمانی که زخم شوهر نگرفته، خانه مال خودش، وقتی شوهر کرد بین بچه ها تقسیم کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

با سلام و طول عمر به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با سلام [و] درود به امت شهیدپرور و خانواده‌های^۱ عزیز شهداء و با سلام بر شهیدان به خون خفته کربلاهای ایران از جنوب تا غرب.

سلام برادر عزیزم، عباس زمانی، امیدوارم سلام گرم و صمیمانه مرا که از کربلاهای جنوب ایران نثارت می‌کنم، بپذیری و همیشه در کارهایت موفق باشید؛ چند کلمه با شما صحبتی یا وصیتی دارم. به خانواده‌هایم^۲ و به فرزندانم برسید؛ از پدر و مادرم بخواهید مرا حلال کنند و هم چنین شما مرا ببخشید، هر بدی از ما سرزده ببخشید؛ دو بوته از لیموها به ملا بدهید تا قرآن بر سر قبرم بخواند و بقیه [را] بین بچه‌هایم تقسیم کنید. خانه من تا زمانی که زخم شوهر نگرفته، خانه مال خودش، وقتی شوهر کرد بین بچه‌ها تقسیم کنید. ده هزار تومان پول برای عباس رحیمی بدهید؛ ده هزار تومان هم به بانک بپردازید؛ دفترچه از خانواده‌ام بگیرید و هزار و ششصد تومان از شیرمحمد باستی بگیرید، طلبکارم؛ دوست تومان [از] علی کل محمد بگیرید. هفتصد تومان هم خودت از همسرم بگیر.

بنده خدا

بهرام زمانی

امضاء^۳

۱. در اصل: خانواده‌های.

۲. در اصل: خانوادهايم.

۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۶۲/۴/۲۹

به امید پیروزی مستضعفین بر مستکبرین.

درضمن برادر جان! از بابت زندگیم که در بالای کاغذ نوشته بودم، یک چیزی فراموش

کردم. راستی برادر جان بعد از خرج [...] و بعد از [...] بقیه بین وارث^۶ تقسیم بکنید.

والسلام

۴. ناخواناست.

۵. ناخواناست.

۶. در اصل: وارس.

بسم الله الرحمن الرحیم
 سلام و طوبی و خیر بر همه ی شهیدان و باسلام بر روح پاک و پیران و باسلام بر روح پاک و پیران
 سلام بر همه ی عزیزان و باسلام بر همه ی عزیزان
 امیدوارم سلام گرم و صمیمانه مرا که از کربلا های جنوب ایران بشارت مکنید دیدن می شود
 خدایا کلمه باسما صغیری یا وصیتی دارم به خانواده هایم و عزیزانم بر سید الهی و روح پاک و پیران
 مرا ملاک کند و همه ی منتهی شما مرا بپذیرید هر قدر از ما سرزده بپذیرید
 دوستی از همه ی ما به دلایلی که تا قرآن در کتب و غیره در وقت این بچه ها تقسیم کنید
 خانه من را در این که از من بخواهید که خانه های خود را در وقت این بچه ها تقسیم کنید
 ده هزار تومان پول برای عباس رحیمی بدهید. ده هزار تومان هم به بانه میرداریزید
 دفترچه از خانواده ام بگیرید و هزار اسکناس از سر محمد با نسی بگیر و بطلبکارم
 دوستی تومان علی کلاه حواله بکنید و هفتصد تومان هم خودتان از همدسرم بپذیرید
 بیده خدا - بهرام زمانی

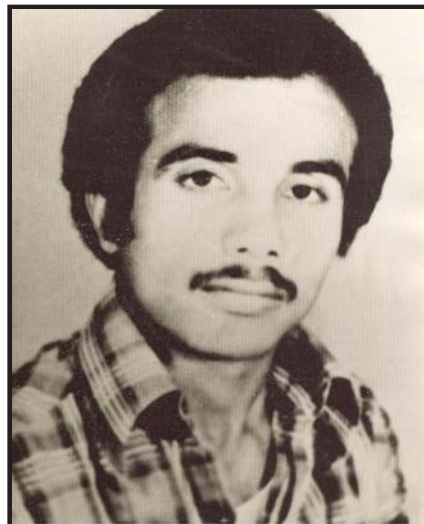
۹۲/۴/۲۹

لا اله الا الله محمد رسول الله

در تمام کارها از بابت زننده بپوشید و در مالاکا فرزند خود را در وقت این بچه ها تقسیم کنید
 راستن برادر خان بعد از نفع بردن از اسلام و بعد از نفع بردن از اسلام تقسیم کنید
 تقسیم کنید
 سلام

شرکت رودان

جعفر زمانی



نام: جعفر

نام خانوادگی: زمانی

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱۰/۱۱

محل تولد: شهرستان خرمشهر

نام پدر: حسن

نام مادر: فضا

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

شغل: کارمند شیلات

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۰

محل شهادت: خرمشهر

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره

محل دفن: روستای بیکاه از توابع شهرستان رودان

گلچین وصیت نامه

- ◀ همیشه دلم می خواست که در جبهه باشم و با بعضی ها بکنم تا ریشه بعضی ها را از پا در بیاورم.
- ◀ از خداوند می خواستم که در راه اسلام شهید شوم و اگر شهید شدم خیلی دلم می خواست که در زادگاهم خونین شهر دفن شوم.

بسمه تعالی

تاریخ ۶۰/۱/۹

وصیت‌نامه خودم، جعفر زمانی.

من از اول انقلاب که کاری نتوانستم برای انقلاب کرده باشم^۱، همیشه دلم می‌خواست که در جبهه باشم^۲ و با بعضی‌ها بجنگم^۳ تا ریشه بعضی‌ها را از پا در بیاورم. از خداوند می‌خواستم که^۴ در راه اسلام شهید شوم^۵ و اگر شهید شدم خیلی دلم می‌خواست که در زادگاهم خونین شهر دفن شوم^۶، ولی چون از خانواده خود دور می‌شوم^۷، مرا به بندرعباس بیاورید و یک‌بار مرا به بهشت زهرا که جایگاه شهیدان است برده و بعد از آن در بیکاه در گورستان کنار پدر دفن کنید؛ و از همسر و مادر می‌خواهم که هیچ‌وقت برای من گریه نکنند، چون که من از امام حسین (ع) و امام حسن (ع) بالاتر نیستم.

زمانی

امضاء^۸

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

۱. در اصل: باشید.
۲. در اصل: باشیم.
۳. در اصل: به جنگم.
۴. در اصل: به.
۵. در اصل: شود.
۶. در اصل: شود.
۷. در اصل: می‌شود.
۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسمه تعالی

به برادر خودم:



چون بنا به دستور رهبر عالی‌قدرمان، جهت جهاد علیه کفار بعثی، به اتفاق برادران بسیجی به جبهه اعزام می‌گردم؛ لذا بنا به این وصیت‌نامه به برادر خودم که دور از او در جبهه می‌باشم، چنانچه به فیض شهادت نایل آمدم، خواستارم که پس از من تمام سرپرستی خانواده‌ام [را] شما برادر کوچکم جواد زمانی عهده‌دار می‌باشید و هرچه داری و اندوخته‌ای در صورت دارا بودن دارم، پس از کفن و دفن خرج فرزندانم گردد.

از حقوق ماهیانه که ماه اول فروردین است ۲۵۰۰ تومان آن را بدهکار هستم و ۱۰۰۰ تومان قسط بانک تجارت هرماه پرداخت شود تا پایان قسط؛ و از ۲۵۰۰ تومان، ۱۰۰۰ تومان برای غلام حسن‌زاده در اداره اوقاف است بدهید و ۱۵۰۰ تومان به علی بناوئی مدیر عامل شرکت تعاونی شیلات است بدهید.

دیگر عرضی نیست جز خداحافظی. برادر! از مادر و برادرم جلیل و خواهرم مریم دوری نکن و سرپرستی آن‌ها را به شما و خداوند می‌سپارم. خداحافظ برادر و مادر و خواهرانم و برادرانم.

۴ راز ۵ بسمه تعالی
 وصیت نام خودم جعفر ریاضی از اول انقلاب که کار می نتوانستم
 برای انقلاب کرده باشم همیشه دلم می خواست که در جبهه باشم و با پیشی ها
 به جنگم تباریسه هستی ها را از یاد دور کنم از خداوندی خواستم به در راه
 اسلام شریک شود و اگر شهید شدم خدیج دلم می خواست که در زادگاه
 خونین شهید دفن شود و من از خاندان خود دور می شوم مرا به بندگی
 بیاورید و یک بار مرا به پیش ازها که ~~چون~~ جایگاه شهیدان است
 بروید و بعد از آن در نگاه در گورستان کنار پدر دفن کنند و از
 همسر و ~~و~~ مادر من فواهم که هیچ وقت برای من گریه نکنند چون که
 من از امام حسین و امام حسن بالاتر نیستم

صدر زمانی ۱۳۸۷، ۱۳۸۶، ۱۳۸۵

۱۹۹۲
شماره
سپه تگانی

۱۴۱۷۸/۴۱-۱۰۱۰۱

به برادر خودم

چون بنادستور رهبر عالیقدرمان جهت جهاد علیه کفار بعضی
به اتفاق برادران بسیجی مجتهد اعزام میگردد لذا بنا بر این و
ناگه برادر خودم که دوران او در جبهه می باشد چنانچه فیض نهاد
تایل آمرضا است رام که یک نفر تمام سرپرست خانواده ام
که جیم بود زمان کمده دارم بشود و هر دو دارائی و اندوخته ای در صوم
دارا بودن دارم برای زکفن و دفن فرزندم از داد حقوق ماه
که اول فور دین است ۵۰۰ تومن آن را به هکله است
و ۱۰۰۰ تومن قسط بابت تجارت ۵۰۰ برداشت شود و ماهی ۱۰۰۰
و ۱۰۰۰ تومن ۱۰۰۰ تومن برای علم حسن زاده در داد
اوقاف است بدهید و ۱۰۰۰ تومن به عمل بنام ولی مدیر عامل
و کت تعاونی شیدات است بدهید دیگر عمر ضعیف
جز خدا حافظی برادر از مادر و برادر ام جلیل و خواهرم مریم
دوری بکن و سرپرست آنها را به شه خداوندین بسیار
خدا حافظی برادر و مادر و خواهرام و برادران

حسن زمانی



نام: حسن
نام خانوادگی: زمانی
تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۰۳/۰۳
محل تولد: روستای بیکاه از توابع شهرستان رودان
نام پدر: حسین
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: دوم نهضت سوادآموزی
شغل: پاسدار
تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۹/۱۷
محل شهادت: بندرعباس
نحوه شهادت: برخورد با پروانه شناور
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ بفرموده امام عزیزمان: مکتبی که شهادت دارد، اسارت ندارد.
- ◀ دنیا فانی است و برای حیات ابدی آخرت را باید گزید و توشه‌ای فراهم آورد.
- ◀ قدر نفس کشیدن را در جمهوری اسلامی بدانید و همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- ◀ سرپیچی از فرامین حضرت امام، گناهی است بزرگ و نابخشودنی.

بسم رب الشهداء و الصدیقین

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ^۱ (قرآن کریم)
گمان نکنید آنان که در راه خدا کشته می‌شوند، مردگانند بلکه زندگانند ولی شما این حقیقت را در نمی‌یابید.

با سلام و درود بر اولیاء خاصه خداوند و بالخصوص یگانه منجی عالم بشریت، حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله و درود بر دوازدهمین برج ولایت و امام حضرت قائم مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه) و سلام بر نایب برحقش بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و فرمانده کل قوا، یگانه مرجع عالم اسلام، عالی‌قدر حضرت امام خمینی و درود بر روان پاک شهداء از صدر اسلام و کربلاهای مکرر تاریخ بویژه شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی در کربلاهای غرب و جنوب کشور اسلامی ایران.

با توجه به تاریخ و عظمت اسلام و شهدای گرانقدری که هستی خود را جهت احیاء و بقای این مکتب مقدس عاشقانه و مخلصانه ارزانی داشته‌اند. و نیز عاشقانه این راه را گزیده‌ام و با تمام وجود دریافته‌ام راهی را که انبیاء و اولیاء و صدیقین و صالحین گزیده‌اند باید ادامه یابد، زیرا ما بحمدالله پیرو مکتبی هستیم که بفرموده امام عزیزمان: مکتبی که شهادت دارد، اسارت ندارد^۲ و در این جمله هر چند از نظر کلمات کوتاه است ولی از نظر محتوا، خدا می‌داند حاوی چه مطالب مهمی است که در آن برای هر کس میسر نیست. بهر حال چنانچه خداوند متعال حقیر را لایق دانست و در زمره مردان خدا قرارداد و به فیض عظیم شهادت نایل شدم، از همسر و فرزندانم می‌خواهم که بشکرانه این توفیق الهی، قدر خود را بدانند

۱. آیه ۱۵۴، سوره بقره.

۲. امام خمینی (ره) فرمود: «مکتبی که شهادت دارد، اسارت ندارد».

و این نعمت بزرگ خداوندی را سپاس گزار باشند و بدانند که دنیا فانی است و برای حیات ابدی آخرت را باید گزید و توشه‌ای فراهم آورد. بهر حال سعی کنید رضایت و خوشنودی خداوند را بدست آورید. مهم‌ترین سفارش حقیر به شما این است که قدر نفس کشیدن را در جمهوری اسلامی بدانید و همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید و این ذخیره بزرگ الهی که خداوند متعال به ملت مسلمان ایران و تمام مسلمین جهان ارزانی داشته، قدر بدانید و تابع فرمایشات حضرت‌شان باشید و به وسوسه‌های شیطانی و مردم ناآگاه و منافقین کوردل و ملحدین از خدا بی‌خبر، اصلاً توجه نکنید. سرپیچی از فرامین حضرت امام، گناهی است بزرگ و نابخشودنی.

همسرم! از شما می‌خواهم فرزندانم را با ایمان و سلحشور بار آورید که پاسدار اسلام باشند.

در خاتمه همه شما را به خدا می‌سپارم و امید است که خداوند ما را از نعمت‌های بی‌کران خویش ناامید نفرماید. و ما را در صراط مستقیم هدایت فرماید. والسلام.

حسن زمانی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۵

اینجانب حسن زمانی، وصیت می‌نمایم اگر^۳ شهادت نصیب^۴ شد، این کتاب به فرزند عزیزم، اکبر زمانی تقدیم و تحویل نمایم^۵، چون آن فرزند من، بی‌نهایت علاقه به درس خواندن^۶ زیاد دارد و من از دیدن نمره‌های او یک کتاب تاریخ انبیاء در نظر گرفته شده و امیدوارم که بعد از من خوب از این کتاب استفاده نماید و به نحو احسن از این کتاب نگهداری کنی.

۳. در اصل: گر.

۴. در اصل: نسیم.

۵. در اصل: نماید.

۶. در اصل: خاندن.

پدر عزیز شما

حسن زمانی

امضاء^۷

۶۵/۱۲/۵

[وصیت نامه ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

[...]^۸ به برادر خودم

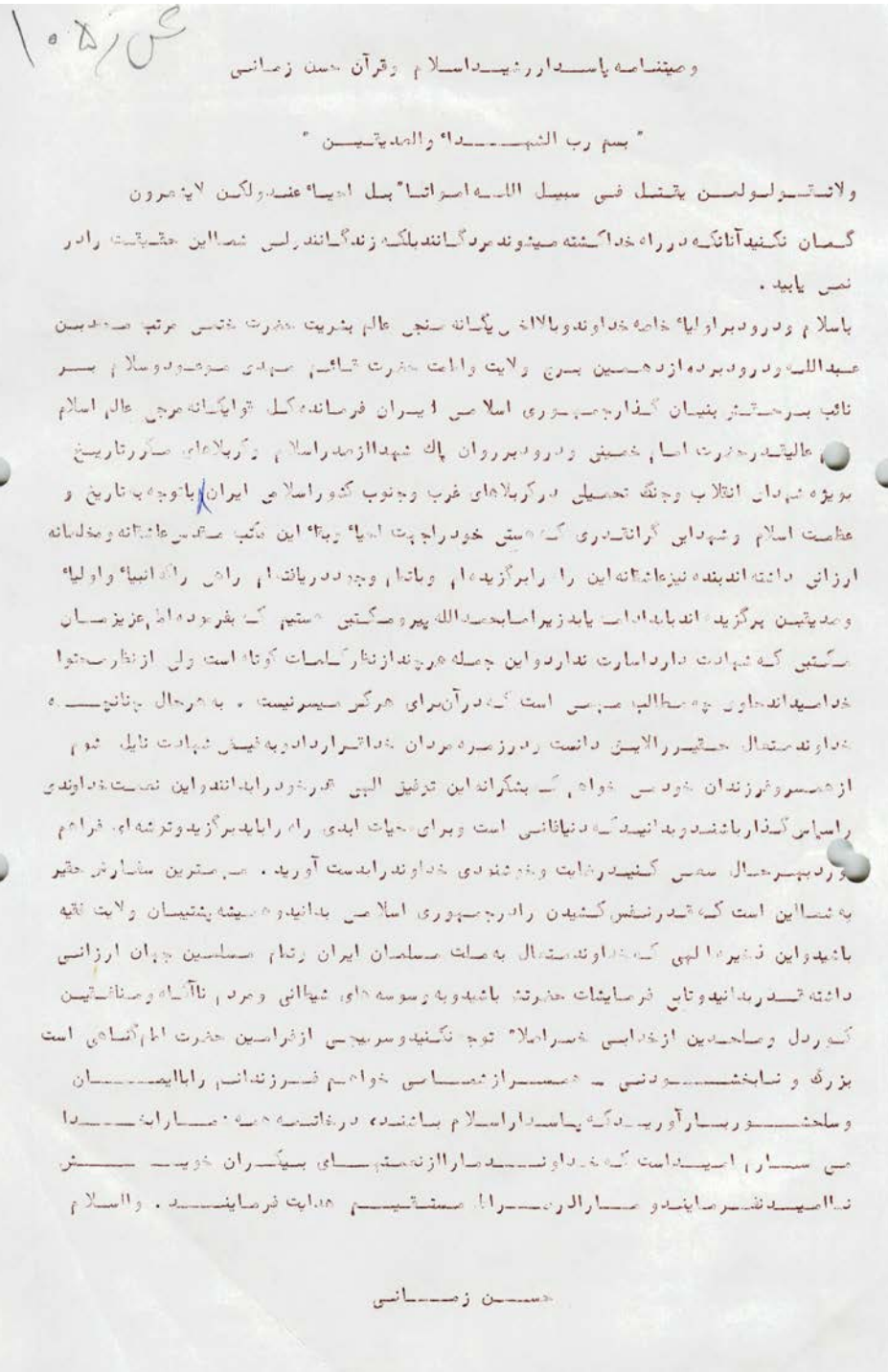
چون بنا [به] دستور رهبر عالی قدرمان جهت جهاد علیه کفار بعثی به اتفاق برادران بسیجی به جبهه اعزام می گردم، لذا بنا [به] این وصیت تا که به برادر خودم که دور از او در جبهه می باشیم، چنانچه به فیض شهادت نایل آمدم، خواستارم که پس از من سرپرستی خانواده ام [را] شما برادر کوچکم جواد زمانی عهده دار می باشید^۹ و هرچه دارائی و اندوخته ای در صورت دارا بودن دارم، پس از کفن و دفن، خرج فرزندانم گردد. از حقوق ماهیانه ام که ماه اول فروردین است ۲۵۰۰ تومان آن را بدهکار است و ۱۰۰۰ تومان قسط بانک^{۱۰} تجارت هرماه پرداخت شود، تا پایان قسط و از ۲۵۰۰ تومان ۱۰۰۰ تومان برای غلام حسن زاده در داخل اوقاف است بدهید و ۱۵۰۰ تومان به علی بناروی مدیرعامل شرکت تعاونی شیلات است، بدهید دیگر عرضی نیست جز خداحافظی، برادر از مادر و برادرم جلیل و خواهرم مریم دوری بکن و سرپرستی آن ها را به شما [و] خداوند می سپارم. خداحافظ برادر و مادر و خواهرم و برادران.

۷. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۸. ناخواناست.

۹. در اصل: می باشد.

۱۰. در اصل: بابک.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
تاریخ ۵/۱۲/۱۳۶۵

اینهاست حسن زمانی وصیت می نمایم
گر شهادت نسیم شد این کتاب به فرزند عزیزم اکبر زمانی
تقدیم و تمویل نماید چون آن فرزند از نظر بنده بی نهایت
علاقه به درس خواندن زیاد داد و من از دیدن نبره های او
یک کتاب تاریخ انبیاء در نظر گرفته شده و امید دارم که بی
ازین خوب از این کتاب استفاده نماید و به همواس
از این کتاب نگهداری کنی پدر عزیزش

حسن زمانی
۱۳۶۵

نسخه دهک
برادر خردم

چون بنادستور رهبر عالیقدرمان جهت جهاد علیه کفار بستی
به اتفاق برادران بسیجی بر جبهه اعزام میگردد لذا بنا بر این وصیت

نامه برادر خردم که دوران او در جبهه میباشیم میان من به فیض شهادت

نایل آمده است ام که یک از من تمام سرپرستی خانواده ام شامل برادر

کوچکم بود زمانیکه در این شهر و هر چه دارائی و اموال من در صورت

دارا بودن دارم که از کفن و دفن فرزندم در دوازده حقوق ماهیانه

کمره اول خورده است ۲۵۰۰ تومان آن را به همکار است

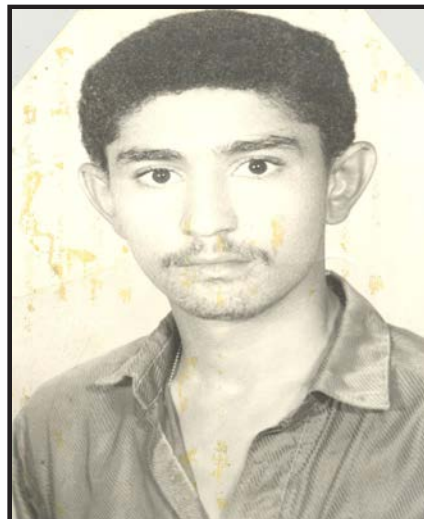
۲۵۰۰ تومان قط با پدر شجارت هر ۵۰۰۰ پرداخت شود تا آن قط

و از ۲۵۰۰ تومان بر این مبلغ حسن زاده در دامن

اوقاف است بوهید و ۲۵۰۰ تومان به علی بنام وکی مدبر عامل

شرکت تعاونی شیلات است بوهید دیگر عمر فرست
طرح خوا حافظی برادر از مادر و برادر ام جلیل و خواهر مریم
دورای بلکن و سرپرستی آنها را به شما خداوند می سپارم
عزرا حافظ برادر و مادر و خواهر ام و برادر را

محمد زمانی



نام: محمد
نام خانوادگی: زمانی
تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۳/۰۱
محل تولد: روستای بیکاه تابعه شهرستان رودان
نام پدر: ابراهیم
نام مادر: کنیز
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۷/۱۸
محل شهادت: آبادان
نحوه شهادت: اصابت گلوله
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ من وصیت می کنم که اگر من شهید شدم هیچ گونه ناراحتی نداشته باشید.
- ◀ من هم می خواهم راه امام حسین را ادامه دهم و جلو دشمن بایستم و نگذارم دشمن وارد خاک اسلامی بشود.
- ◀ وقتی بر سر مزارم می آید با یک دسته گل و لبی پر از خنده بیاید.
- ◀ تنها آرزوی من این بود که من و فاطمه به هم برسیم و زندگی شیرینی را در پیش هم بگذاریم.

بسم رب الشهداء و الصدیقین

وصیت‌نامه پاسدار وظیفه، محمد زمانی، فرزند ابراهیم.

سلام علیکم، با سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و با سلام و درود فراوان به رزمندگان که در جبهه‌ها با دشمن می‌جنگند و با سلام و درود به اسرا و با سلام و درود به شهیدان بخون خفته که جان خود را در راه اسلام فدا کردند و نهال انقلاب را آبیاری کرده‌اند.

پدر و مادر عزیزم! من وصیت می‌کنم که اگر من شهید شدم هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشید. پدر و مادر عزیزم! شما بودید که از کودکی من را^۱ بزرگ کردید تا به سن ۱۸ سالگی رسیدم و موقع سربازیم رسید؛ من به سربازی رفتم تا از اسلام و میهن اسلامی دفاع کنم تا دشمن را از خاک ایران بیرون کنم. ما راهی [را]^۲ که امام حسین (ع) با یارانش رفت می‌رویم. امام حسین (ع) در صحرای کربلا جلو دشمن ایستاد^۳ و نگذاشت دشمن وارد خاک ایران شود. من هم می‌خواهم راه امام حسین را ادامه دهم و جلو دشمن بایستم^۴ و نگذارم دشمن وارد خاک اسلامی بشود.

پدر و مادر عزیزم! از شهید شدن من اصلاً ناراحت نباشید و مبادا که بر سر مزارم گریه کنید. شما باید همان^۵ طوری که اول بودید باشید. فکر کنید که من هنوز متولد نشدم، از خداوند می‌خواهم که همیشه شاد و خندان باشید و وقتی بر سر مزارم می‌آید^۶ با یک دسته گل و لبی پر از خنده بیایید.

۱. در اصل: منو.

۲. در اصل: استاد.

۳. در اصل: بیستم.

۴. در اصل: همون.

۵. در اصل: می‌آید.

از خداوند می‌خواهم که من [را] هم با شهیدان صدر اسلام محشور^۶ کند.
 پدر و مادر عزیزم! حجله دامادیم پر از نور، پر از صفا [باشد]، من در طول عمرم طمع
 نداشتم چنین حجله‌ای نصیب^۷ شود که در آن نورخدا باشد که به مبارک باد من حضرت علی
 (ع)، امام حسین (ع)، علی اکبر و علی اصغر و فاطمه زهرا (ع) بیایند و دست من را بگیرند و
 همراه خودشان ببرند؛ و شب‌های جمعه بر مزارم بیایید و دعای کمیل بخوانید و دعا به جان
 رزمنده‌ها بکنید که اسلحه^۹ من برداشته‌اند و پیش رفتند و دشمن را بیرون کردند و پرچم
 اسلام را در خاک عراق بالا بردند و شعار جنگ، جنگ تا پیروزی را سردادند و دعا به جان
 اسرا که در زندان‌های بغداد هستند بکنید.

پدر و مادر عزیزم! پیام کوچکی بر شما دارم که امیدوارم ناراحت نباشید. از فاطمه
 دختر همسایه‌مان، مادر، نامه‌ای می‌خواهم برای بنویسم که شما با قبول نکردن خود من به
 فاطمه بزرگ‌ترین ناامیدی را در دل من ایجاد کردید.

پدرجان! من حرف شما را قبول دارم که من هنوز به سربازی نرفته بودم ولی پدر عزیز،
 من فاطمه را خیلی دوست داشتم. از نظر اخلاقی از هر نظر که بخواهی، او برای من خیلی
 مهربان بود که اصلاً مهر و محبت او از یادم نمی‌رود. ولی هرکاری می‌کنم که مهر و محبت
 او از یادم برود، نمی‌توانم. شما چه فکری کردید که قبول نکردید؟ حالا من کاری ندارم که
 خداوند نخواست ما را قسمت هم‌دیگر کند. تنها آرزوی من این بود که من و فاطمه به هم
 برسیم و زندگی شیرینی را در پیش هم بگذاریم.

یقینم جامه نامردیست اگر صد سال بمانی مال مایی

خوشا روزی که باهم ما نشستیم تو را می‌خواهم و گرنه یار بسیار
 قلم بر دست و کاغذ ما نوشتیم گلی می‌خواهم و گرنه خار بسیار
 قلم بشکست و کاغذ برهوا شد گلی می‌خواهم که در سایه‌اش نشینم
 مگر خط جدایی ما نوشتیم و گرنه سایه دیوار بسیار.

۶. در اصل: مهشور.

۷. در اصل: نصیبم.

۸. در اصل: من را.

۹. در اصل: اصلحه.

آخرین پیام من این است، اگر شهید شدم بگذارید پدر و مادرم و مادر بزرگم [را]^{۱۰}، صورتم را ببینند^{۱۱} و از این که چند مدتی در پیش آنها نبودم و من را^{۱۲} ندیده بودند، ببینند^{۱۳} تا دل‌شان شاد باشد.

۱۰. «را» حذف شده است.

۱۱. در اصل: ببینند.

۱۲. در اصل: منو.

۱۳. در اصل: ببینند.

۲۲۰۵۳
 بسم الله الرحمن الرحيم
 وصیت نامه پسران و طفولیت زمان
 فرزندان ابراهیم سلام علیهم
 باسلام در روز اول بهر شهر کبیر القلاب
 اسلامی ایران اسم خمینی و باسلام و
 در روز اول بهر روزهگان کرد چیده ها

۷۷۱۹۷۱۲۱۳۱۴
بازشماره و جیبشده و اسلام آوردند بارها
و با اسلام آوردند به امید آن بخیر خفته
که جیل خرد را در راه اسلام فرار دهند
و سال انقلاب را آن بسیار کرده اند
پدر و مادر عزیزم من وصیت کرده ام که اگر
از من بماند همه چیز را بخواهی بدهی

۲۷ مهر ۱۳۶۷ / ۲۱۶۷ / ۱۳۶۷
 با شکر و سپاس از سرکار عالی
 منوچهر کربابازم که در ۱۸ اسفند ۱۳۶۷
 و موقع کربابازم در ۱۸ اسفند ۱۳۶۷
 از اسلام و زمین اسلامی دفاع نمودند
 و از خاک ایران بیرون نرفتند و راهی به
 امام حسین (ع) بیایند و رفتند و در





۷۵ ۸۸ ۹۷ ۱۰۴ ۱۱۱
اسم حسین (ع) در صورتیکه در راه جلودار من
استاد و نگارنده دشمن وارد خاک ابراهیم
شود من هم میخواهم راه اسم حسین را ادامه
دهم و جلودار من بستم و نگارنده دشمن وارد
خاک اسلامی با جرد پدرو صلا بفرستم
از شهید کمال بن اهلالتراحت نباید

حسن
 حیدرآباد بر سر مزارم را یک کتیبه بنویسید که در آن
 کتیبه اولی بفرماید یا سید محمد فخر کتیبه که من هفت روز متواله
 کتیبه دوم از خداوند بخواهم که هر یک از دو خندان را
 یا کتیبه و وقتی بر سر مزارم را یک کتیبه بنویسید که در آن
 اولی بر از خنده بنویسید که از خداوند بخواهم
 که هر یک از دو خندان را بخواهم که هر یک از دو خندان را



طوری

عشق
مرکز اسناد ایثارگران

از صفای در طول عمر طبع ندا شوم و این
عجله ام  نسیم شود که در این نور خداوند
که به مبارک باد این حضرت علی (ع) نام حسین
علی اکبر (ع) امیر مومنان  وفا طبع زهر اراغ
باید و دلت من بگیرند و راه خودت ای پسرند

صفت طبع خودت 



کتابخانه شماره ۱۴۷۱/۱۴۷۱ ش



مرکز اسناد و کتابخانه ملی

فهرست اسامی نویسندگان

نویسندگان به حال زنده هستند که اعلام

روانشانند و پیشرفت دشمن را در اول کردن

در چشم مردم را در خاک اوراق بالا بردند و محار

خفت خفت تا پیر و فرزندان را از یاد میاری
حال آنکه در زندانها سر بغداد است که

~~ما احفظنا و حفظنا~~



مرکز اسناد و کتابخانه ملی

۲۲۰۵۳
از بزرگوارم پیام خودی که بر بنام دارم
که امیدوارم در احوال نیک و شادمانی
دختر هفت ساله بنام سحر با حضور اهل بیت
بزرگوارم که با قبول از ان خود من به نواهد و دست
تا امیدوارم دل من امیدوارم به حال سحر و
تا رفتن و از هر من هفت روزگی که به دست بودم
دل من عزیزترین فاطمه را غمگین داشته از ناله
افغان از فغان که بخوانم او بر من خجسته جان بود اما
عمر و عفت او از بلام نرود دل هر کارم مستحق هر وقت
او از یاد من برود تا آنجا که هر چه کردید که قبول
کردید حال من کار و سلام که در هر روز که
تا هر وقت که در کتابخانه است اما از دل من این
بود که من وفا کنم به هر رسم و ریزش شیرین را در
هم بگذارم

۷۴ ۷۷ ۹۷ ۹۷ ۱۲۱



مرکز استان اهواز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اگر همه سال میان سال ما

و شاد و شکر یک ماه ما شستیم

نور و خرم و گریه ما را بسیار

قلم بردست و کاغذ ما نوشتیم

نگر و خرم و گریه ما را بسیار

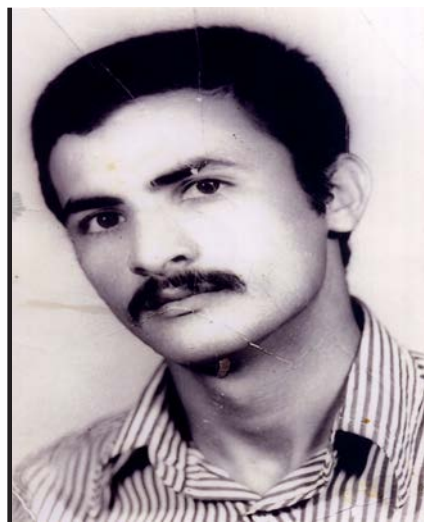
نغمه بیگانه و کانداز هر ما

نگر و خرم و گریه ما را بسیار

مگر خط جان ما نوشتیم

و گریه ما را بسیار

رمضان سالاری



نام: رمضان

نام خانوادگی: سالاری

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱۲/۰۱

محل تولد: روستای قلمویی از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: غلام

نام مادر: سکینه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

شغل: کارگر

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۱/۲۳

محل شهادت: زبیدات عراق

نحوه شهادت:

محل دفن: گلزار شهدای روستای دهبارز رودان

گلچین وصیت نامه

- ◀ شما مسئول هستید که پیام این شهدا را به جامعه برسانید شما زبان گویای اسلام هستید.
- ◀ برادران موقع و مقام رسالت خود را بشناسید و درست انجام دهید؛ خیلی مسئول هستید و اعمال شما و کارهای شما و هدف تان بسیار بزرگ است و بسیار متعالی است.
- ◀ من احساس می کنم که چرا از من سبقت گرفته اند و به خدای خود لبیک گفته اند چون ایمان شان بیشتر بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ^۱
 من به خواست و اراده خداوند تبارک و تعالی و با آگاهی از پایان این راه به مأموریت می‌روم و امیدوارم که بتوانم با نثار خون خودم رضایت خالقم را جلب و به انقلاب عظیم اسلامی تحت رهبری روح خدا بت شکن زمان، امام خمینی کبیر روحی فدا خدمتی نمایم.
 مادر فداکارم! چکنم که با وجود آن همه حقی که به گردنم داری نمی‌توانم همیشه در کنار تو باشم و فریاد سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) را که فرمود: آیا کسی هست مرا یاری دهد^۲ را نشنیده گرفته و از فیض شهادت که فیضی عظیم می‌باشد چشم پوش [ی] کنم و بر همین اساس است که راه پیکار با کفر را برگزیده‌ام.
 برادران عزیزم! امیدوارم که مرا ببخشید و با دشمنان اسلام و قران و امام خمینی در ستیز باشید و مواظب باشید که اینقدر این سرور مسضعفان و یاور قرآن را ناراحت [و] غمگین نکنید.

در این هنگام که وصیت‌نامه‌ام را می‌نویسم بیاد شهدای اسلام بخصوص بهشتی‌ها، رجایی‌ها، و [...] مدنی‌ها می‌باشم و شما مسئولیت پیام ما را دارید، شما مسئول هستید که پیام این شهدا را به جامعه برسانید. شما زبان گویای اسلام هستید. بنابراین وظیفه و رسالت شما سنگین‌تر از ماست ما شهید می‌شویم و می‌رویم اما شما می‌مانید با کوله باری از مسئولیت‌ها، با انبوهی از مصیبت‌ها و دردها و گرفتاری‌ها، برادران موقع و مقام رسالت خود را بشناسید و درست انجام دهید؛ خیلی مسئول هستید و اعمال شما و کارهای شما و هدف‌تان بسیار

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «مپندارید آنها که در راه خدا کشته شده اند مرده اند بلکه زنده اند و نزد خدا روزی دارند».

۲. امام حسین فرمود: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي».

۳. ناخواناست.

بزرگ است و بسیار متعالی است و اگر این راه را صحیح ادامه دهید [...] در انتظار شماست؛ و در ضمن از پدرم خواهش و تمنا دارم که اگر خدای ناخواسته^۵ از بنده رنجش و ناراحتی دیده‌اند به بزرگواری خودشان مرا ببخشند؛ گریه نکن ای مادر عزیزم، که هر قطره اشک تو تیری است بر جگرم، سرت را بلند کن و با صدای بلند بگو ما پیروزیم و ما به مادرانی هم چون شماها افتخار می‌کنیم و وعده خواهیم داد، که شماید در بهشت موعود چون هدیه کردید فرزندان‌تان را در راه خدا پس گریه نکن چون امام بزرگوارمان در سوگ فرزندش اشک نریخته خوشحال و امیدوار باش و پدرجان! اگر من به جبهه رفتم، نه بخاطر انتقام خون برادرانم است بلکه به خاطر رضای خدا می‌باشد و من فقط راه آن‌ها^۶ طی می‌کنم چون وصیت آن‌ها همین بود. شهادت آن‌ها باعث حرکت من شد و نماز شب خواندن شما باعث نزدیکی من با خدا شد و در اصل آن‌ها به من درس ایمان و ایثار و شهادت آموخته‌اند و من احساس می‌کنم که چرا از من سبقت گرفته‌اند و به خدای خود لبیک گفته‌اند چون ایمان‌شان بیشتر بود.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

وصیت‌نامه برادر

رمضان سالاری

امضاء^۸

۶۱/۱۱/۱

شهرستان میناب [...] بخش رودان

۴. ناخواناست.

۵. در اصل: ناخاسته.

۶. در اصل: پدرم.

۷. در اصل: آئی.

۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۹. ناخواناست.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۶۲، ۱۲۶۴

مرکز اسناد ایثارگران

بنی الدین صلواتی سبیل الله امواتا بل انبیاء محمدیم برزخون

من به خواست و اراده خداوند تبارک و تعالی و با آگاهی از پایان این راه

به ساموریت می رود و امیدوارم که بتوانم با نثار خون خودم رخصت خالقتم را بیدم و به انقلاب

عظیم اسلامی تحت رهبری روح خداست شکر زمان امام مصطفی کبیر روحی خدا خدمتی نمایم

مادر فدک نام بیگم که با وجود آن همه حق که به گردنم داری نمی توانم همیشه در کنار تو

باشم و فریاد سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) را که قرمه دایا کسی حسرت

مرا باری دهد رانقشیده گرفته و از فیض شهادت که فیضی عظیم می باشد

چشم پوشی کنم و بر همین اساس است که راه بیگار با کفر را برگزیده ام

برادران بزرگ امروزه که مرا ببینید و با دشمنان اسلام و قرآن و امام خمینی همیشه در سنبل باشید

در مواظبت باشید که اینقدر این سرور مسضعان دیاور قرآن را ناراحت نگیند در این مقام

که وصیت نامه ام را می نویسم بیا در شهرهای اسلام مخصوصاً بیستی هار باری ها

و با هر ها و مدعی های با شتم و تمام مسوولیت پیام ما را دارید شما مسوول هستید که

۶۲، ۱۲۶۴

پیام این شهدا را به جا بیاورید و برسانید شما زبان نویای اسلام هستید بنا برین

دولت و رسالت شما سنگین تر از ما است ما شهید می شویم و می رویم اما شما می مانید

با کوله باری از مسوولیت ها با انبوهی از مصیبتها و درد ها و گرفتاریها برادران موقع و

مقام را خود را بشناسید و درست انجام دهید خدای مسوول هستید و اعمال شما و کارهای شما و

هدفتان بسیار بزرگ است و بسیار متعاقب است و اگر این راه را صحیح ^{ادامه} ~~ببینید~~ دهید اصلاح کنید

۶۲، ۱۲۶۴

۶۲، ۱۲۶۴

در انتظار شماست



۶۴۱۳۲۴۰

مورخه ۱۳۹۱/۱۱/۱۱

و در پی از پیوره خواهشی و تمناه دارم که اگر خدای ناخواسته از بنده بخشش و
 مرکز اسناد ایتنا در گران
 ناراضی دیده اند به بزرگواری خودشان مرا ببخشند و من نکی ای ماری عزیزم که هر قطره
 اشک تو شیرین است بر سینه سوز را ملزومی و ما هدای ملذذ بگو ما پیروز
 ما به مادری همچون شماها افتخار می کنیم و وعده خواهیم داد که شما نیز در محبت موجود
 چون هدیه کردید عزیزان را در راه خدا پس گو به نکی چون امام بزرگوارمان
 در سوگ نرزدش اشک نریخته خود حال امیدوار باشی و پدرم ^{خاک} لگرم به بیسوه
 رستم ^{نه} غافل انتقام خون برادرانم است بلکه به خاطر رضای خداوند و حق
 فقط راه آنها طی می کنم چون ^و صلیت آنها همچون یور شهادت آنها
 با محنت محنت می عد و نماز شب خواندن آنها باعث نزدیکی می با خداوند
 و در اصل آنها به حق درس ایمان و ایثار و شهادت آموخته اند
 و می احساس می کنم که پیرا از حق سبقت گرفته اند
 و به خدای خود لیک گفته اند چون ایمان نشان بیشتر بود

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

و صیت نامه برادر

انقلاب اسلامی ایران
 تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۱
 شهرستان میناب بندوب بخش رودان

علی اکبر سالاری



نام: علی اکبر
نام خانوادگی: سالاری
تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۰۴/۰۴
محل تولد: شهرستان بندرعباس
نام پدر: ایرج
نام مادر: صفیه
تحصیلات: دانش آموز سوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۳/۰۴
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت:
محل دفن: گلزار شهدای زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ قدر خویش را بدانید.
- ◀ بیم به خود راه ندهید زیرا که فرزند شما و دیگران از علی اکبر حسین (ع) و قاسم (ع) برای مادران خویش عزیزتر نیستند.
- ◀ از شما تقاضا دارم در صحنه بودن را حفظ کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

با نام خدای بزرگ و متعال، پدر بزرگوار و مادر مهربان! از شما عاجزانه خواستارم که این بچه فقیر خود را حلال کنید.

پدر بزرگوار و مادر مهربان! از شما عاجزانه تقاضا دارم که قدر خویش را بدانید، قدر مقام و منزلت خویش را و حقی را که پدران و مادران شهدا بر رزمندگان دارند؛ نکند خدای نکرده از این که فرزند شما به جبهه جهت مبارزه با کفر [...] آمده ناراحت شوید و بیم به خود راه^۲ ندهید زیرا که فرزند شما و دیگران از علی اکبر حسین (ع) و قاسم (ع) برای مادران خویش عزیزتر نیستند.

شما دین خود را به اسلام و جمهوری ادا کرده اید و سعادت بزرگی را نصیب خویش [کرده اید] و چه سعادت بزرگی که انسان بتواند فرزندی را تربیت کرده که بتواند با دست خود روانه جنگ کند و آن هم بخاطر احیای دین مبین اسلام [است]، لذا از شما تقاضا دارم در صحنه بودن را حفظ کنید.

شنبه ماه فروردین شصت و شش

۱۳۶۶/۱۲/۲

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

۱. ناخواناست.

۲. در اصل: را.



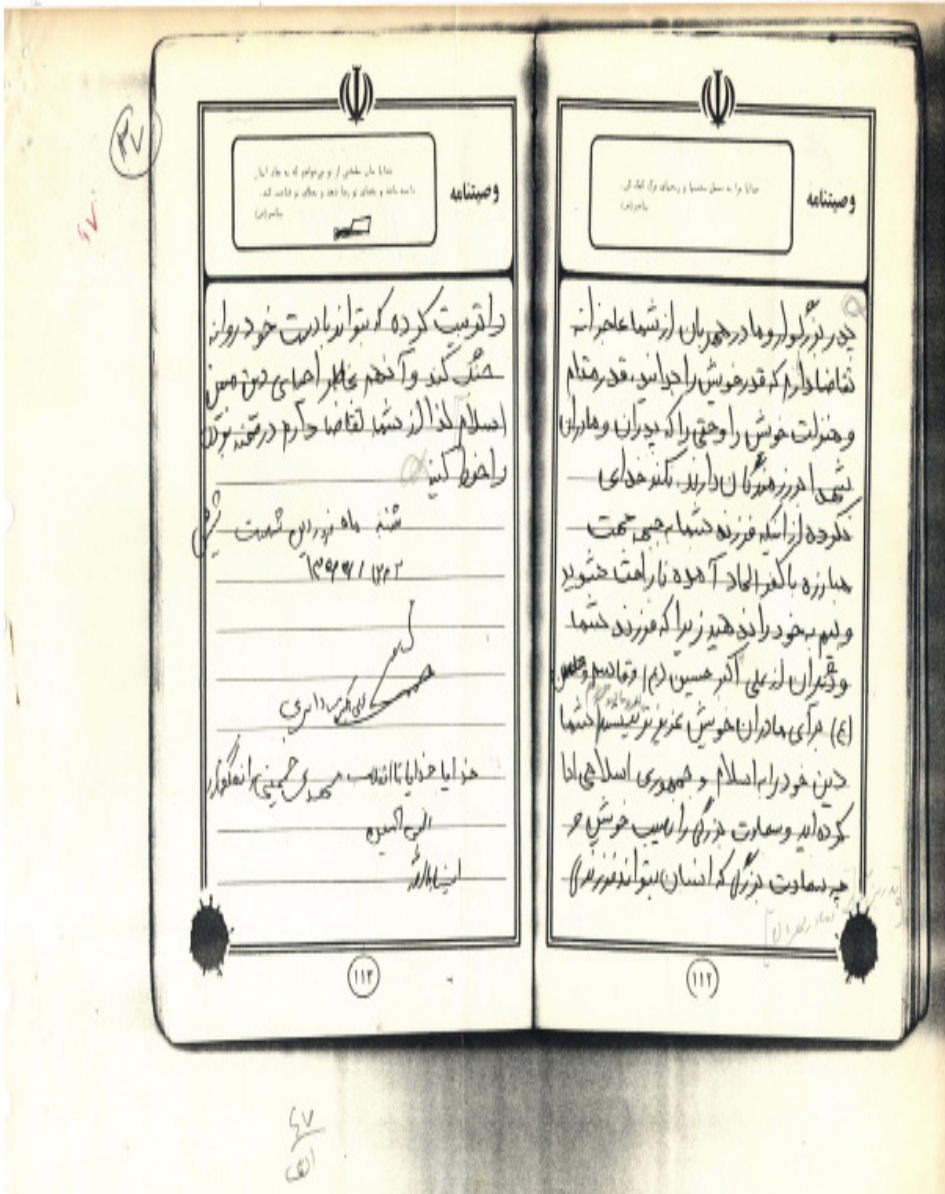
مرکز اسناد و پژوهش های قرآنی



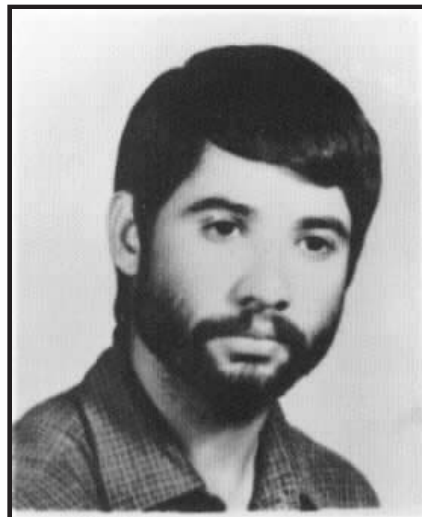
وصیتنامه

ای باران با ولای من تلخ و شیرین، نعمت و نعمت
خوش و ناخوش دنیا جز خوابی گران و غفلت آور نیست
امام حسین (ع)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ای خدایم که خدایم و متعالی در بزرگواری و مهابت
از همه عالم بزرگوارتر هستی که این بیچاره فقیر خود را حلال کنی



غلامحسین سالاری



نام: غلامحسین
نام خانوادگی: سالاری
تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۰۱/۰۱
محل تولد: روستای رگاب از توابع شهرستان
رودان
نام پدر: ابراهیم
نام مادر: بلقیس
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
شغل: کارگر کشتی سازی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۰۷
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت:
محل دفن: اثری از پیکرش به دست نیامد

گلچین وصیت نامه

- ◀ انقلاب ما شعار نه شرقی و نه غربی را اصل سیاست خارجی خود می داند.
- ◀ امیدوارم که با ریختن خونم مورد رحمت خداوند قرار گیرم.
- ◀ ما انسانها در معرض آزمایش خدا هستیم.
- ◀ تنها اداره ای که تاکنون پاک سازی نشده است، کشتی سازی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ^۱

با ایمان و اعتقاد کامل به یگانگی خداوند متعال و معاد روز قیامت و نبوت رسول اکرم حضرت محمد بن عبدالله^۲ (ص) و امامت حضرت علی بن ابی طالب (ع) و یازده فرزندش و اطاعت از امر ولایت فقیه حضرت امام خمینی به مصداق آیه أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ^۳، کفار همیشه در حال توطئه و مبارزه با اسلام عزیز بوده‌اند، بویژه که اکنون ملت ما به رهبری حضرت امام بپا خواستند، تا خود را از زیر سلطه بیگانگان رها نموده که با تشکیل حکومت اسلامی خود سرنوشت خویش را بر عهده گیرند و این برای سلطه‌گرانی که کشورمان را مورد تاراج و چپاول خود قرار داده بودند، بسیار گران و غیر قابل تحمل بود زیرا که از سفره رنگارنگی مثل ایران لقمه‌های لذیذی را تناول نموده بودند و از طرفی انقلاب ما شعار نه شرقی و نه غربی را اصل سیاست خارجی خود می‌داند و به همین منظور با تحریک صدام کافر افلکی این جنگ را بر ما و ملت مظلوم و تازه انقلاب نموده ما تحمیل کردند که بخیال خام خودشان انقلاب ما را به نابودی بکشانند و این‌ها غافل از آنند که ملت ما رهروان راه سرخ حسین بن علی (ع) هستند بویژه جوانان عزیز و پرشور انقلاب‌مان که با ریختن خون خود همچون حسین (ع) مرگ رنگین را با زندگی ننگین ترجیح داده و با اطاعت و پیروی از فرامین رهبری پیامبر گونه امام امت، تا آن‌جا مقاومت نمودند که نه تنها دشمن متجاوزگر را از خاک میهن اسلامی بیرون کردند بلکه چنان سیلی به او (صدام) زدند که اکنون در حال

۱. بخشی از آیه ۱۱۱، سوره توبه: «در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است».

۲. در اصل: اله.

۳. در اصل: آیه ۵۹، سوره النساء: «ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر و اولی الامر از خودتان را».

گیجی و سر در گمی است و اینک در این لحظه حساس و سرنوشت‌سازی که برای پیش آمده است بر ماست که بقول امام سیلی آخر را به دشمن زبون و بزدل بزینم که دیگر از جایش بلند نشود ان‌شاءالله و من هم بنا به وظیفه شرعی خود و اطاعت از فرمان رهبری معظم انقلاب بعنوان یکی از مقلدین ایشان خود را موظف دانستم که در کنار رزمندگان اسلام به انجام وظیفه مشغول شوم امید است که مورد قبول درگاه باری تعالی واقع شود و از خداوند بزرگ عجزانه تقاضای عفو و بخشش دارم زیرا که گناهانم هم‌چون کوهی بر پشتم سنگینی می‌کند و لذا از عموم دوستان طلب مغفرت و آمرزش را از خداوند بخشنده و مهربان دارم و نیز امیدوارم که با ریختن خونم مورد رحمت خداوند قرار گیرم و هم‌چنین از پدر و مادرم جدا تقاضای بخشش و حلالیت دارم زیرا که مادرم برای بزرگ نمودن من خون دل‌ها خورده است و هم‌چنین پدرم رنج‌ها را کشیده است و باید در این ایام کمک حال‌شان می‌بودم و دست‌شان را می‌گرفتم و در کنارشان می‌بودم که متأسفانه روزگار بین ما جدایی افکند و شاید هم از طریقی مورد عقاب الهی قرار گرفتم که از والدینم دور افتادم که نتوانستم به آن‌ها خدمت نمایم. ای داد بیداد که پشیمان آخری سودی ندارد و اکنون دم آخر می‌گویم که ای پدر بزرگوار و ای مادر دلسوزم! شما را بخدای بزرگ و به پهلوی شکسته فاطمه زهرا (س) و به سر بریده حسین و گلوی پاره پاره شده علی اصغر بخون پاکان، قسم‌تان می‌دهم که مرا ببخشید اگر چه نتوانستم حق شماها را بجا بیاورم ولی اگر مرا ببخشید باید تا قیام قیامت آتش سوزان جهنم عذاب الهی را بکشم، راستی پدر و مادر جان! هم‌سرم و بخصوص حنظل و میثم احتیاج به محبت شماها را دارند زیرا که دیگر شما پدر آن‌ها هستید و نوازش و محبت شما می‌تواند تسلی خاطرشان شود.

از همسر عزیزم که در تمام سختی‌ها و گرفتاری‌های من یار و غم‌خوارم بوده و تمام مشکلات مطرح شده را که برای ما بوجود آمده بود، متحمل شده که حتی با نان خشک و شب بی‌شام را به سحر رسانده است و دم بر نیاورده است، تشکر و قدر دانی می‌نمایم و از تو می‌خواهم که مرا ببخشید زیرا که حق بسیاری بر گردن من داشته‌ای که شاید ادا نکرده‌ام و حقوق را رعایت نکرده باشم و اگر همسر لایقی برای تو نبوده‌ام و نتوانسته‌ام که ترا

خوشبخت کنم و در خیلی موارد صبر و تحمل کرده‌اید و می‌دانم که همه‌اش برای رضای خدا بوده است، ان‌شاء الله^۴ امیدوارم که خداوند به شما عوض بدهد و مزد و پاداش صابری‌ن در نزد حق تعالی بسیار ارزنده و پر ارزش است و ما انسان‌ها در معرض آزمایش خدا هستیم و ان‌شاء الله^۵ که از این آزمایش درست و سربلند بیرون بیائیم و شما از این به بعد مسئولیت بسیار سنگین را بر دوش دارید و باید ضمن این که مادر بچه هستید، باید پدرشان هم باشید و موقعی که نصف شب بیدار می‌شوند و درخواست پدر می‌کنند باید برای‌شان پدر باشید، بسیار با محبت و نوازش رفتار کنی که مبادا قلب‌شان آزرده خاطر شود و بشکند که شاید خدا انسان را نبخشد و می‌توانی هر چند مدت یک‌بار آن‌ها را نزد پدر و مادرم ببری که خدا هم از تو خوشنود خواهد شد و سعی کن تا می‌توانی آن‌ها را با آداب و رسوم اسلام تربیت کنی و آن‌ها را تشویق به تحصیل بنما که در آینده بتوانند نیروهای خدمت‌گزاری^۶ برای اسلام باشند و هم‌چنین خود شما هم همانطوری که تاکنون اخلاصی داشته‌ای و اکنون هم که بعنوان خانواده شهید محسوب می‌شوی، نباید نیازهای زرق و برق دنیوی و مادی جلو چشمت جلوه کند زیرا مادیات دنیوی ظاهراً فریبنده و جلب نظر می‌کنند و اما انسان مومن و صبور مشکلات دنیایی را تحمل و سختی‌ها را می‌پذیرد که آسانی آخرت فراهم شود که این اجر^۷ و ثواب عظیمی دارد و شما سعی کنید رابطه با سایر خانواده‌های شهدا برقرار کنید زیرا که دیدار خانواده شهدا هم خودش عبادت است و سعی کن که تو بر مشکلات دنیوی فائق شوی و خود را بساز زیرا که سازندگی خود در سازندگی جامعه تاثیر فراوانی دارد.

- ۱- طلب و بدهی‌های من در صفحه آخر سررسیدنامه (تقویم) سال ۱۳۶۵ یادداشت شده است و بقیه هم در اختیار همسر من باشد و می‌داند و یک سری فاکتورهایی هست که برای انجمن اسلامی خرج کرده‌ام که باید حساب شود و دریافت گردد.
- ۲- همسر من مبالغی وجه از من طلبکار است که خودش می‌داند چقدر است که باید پرداخت گردد.

۴. در اصل: اله.

۵. در اصل: اله.

۶. در اصل: خدمت‌گذاری.

۷. در اصل: عجز.

- ۳- وسایل و ماشین نجاری فروخته شود که همسرم مطلع است و بدهی‌هایم داده شود.
- ۴- همسرم هر آن که بخواهد از نظر بنده مجاز می‌باشد که ازدواج نماید ولی بچه‌هایم را طبق موازین شرعی اسلامی تربیت کند.
- ۵- اگر پدر خواست سهمی از باغ را بمن واگذار کند یک سوم از آن سهم وقف امام شود و ما بقی طبق موازین شرعی انجام شود.
- ۶- یک نفر از دفتر نماینده امام و امام جمعه بندرعباس کتاب‌ها را لیست برداری کند و جهت مطالعه استفاده در اختیار کتابخانه حوزه علمیه بندرعباس قرار گیرد.
- ۷- صورت‌حسابی و وسایلی و کتاب و ... در انجمن اسلامی کارخانه دارم که لیست آن‌ها هم در منزل است و هم بعضی از برادران اطلاع دارند که باید شرکت قیمت آن را پرداخت نماید.
- ۸- در مورد جنازه‌ام بهتر است که در بهشت زهراى بندرعباس دفن شوم و در سردر آن عنوان: شهیدی از انجمن اسلامی کشتی‌سازی خلیج فارس ذکر شود و طلب مغفرت و آمرزش شود از حق تعالی.
- ۹- اسناد و مدارک و پرونده‌هایی در منزل است که در اختیار دفتر نماینده امام و امام جمعه بندرعباس قرار گیرد و زندگی‌نامه‌ام از روی آن‌ها تهیه شود در این پرونده‌ها حقایقی به نسبت یک قطره از دریا که نمایان‌گر جنایت و خیانت عده‌ای که متاسفانه بعنوان نماینده دولت مدیریت یک واحدی را بر عهده می‌گیرند که در حقیقت ضد انقلاب واقعی این‌ها هستند که به برکت خون شهدا بر مسند قدرت نشسته‌اند و تیشه بر ریشه انقلاب می‌زنند و نه تنها حافظ بیت‌المال نیستند بلکه ضایع‌کننده و زیان‌کارانی هستند که هزاران سوء استفاده از موقعیت خود می‌نمایند و خون پاک شهدا را دارند علناً پایمان می‌کنند و یکی از کارهای این‌ها اینست که مخالفت شدید با انجمن‌های اسلامی این نیروهای جوشیده از متن انقلاب و پیرو خط امام می‌نمایند که نمونه بارز آن در کشتی‌سازی بیانگر این حقیقت تلخ و ناگوار است که متاسفانه تاکنون کسی نتوانسته به درد دل‌های انجمن اسلامی توجهی کند و این‌ها با خیال راحت طی چند سال تلاش توانستند انجمن اسلامی این کارخانه را (کشتی‌سازی)

که در شرایط سختی در سال ۶۰ که جو عجیب سیاسی گروهک‌های ملحد با توجه به وضع جغرافیایی این کارخانه بوجود آورده بودند شروع به فعالیت نموده بود، را متلاشی و تعدادی از فعال‌ترین نیروهای آن را اخراج و تضعیف و حتی کتکاری نمایند که دیگر کسی جرأت نکند نامی از انجمن اسلامی ببرد و یا فعالیت‌های اسلامی بنمایند و حتی این‌ها یا به تصرف در آوردن مدارک انجمن اسلامی و نیز مکاتبات محرمانه انجمن را با ارگان‌های انقلابی را افشا نموده‌اند و از مسئولین قضائی و اجرایی عاجزانه به عنوان یک عضو انجمن اسلامی که از بدو تشکیل تاکنون افتخار خدمت‌گذاری را داشته‌ام، تقاضا دارم که شما را به خدا قسم و به خون پاک شهداء قسم می‌دهم که مشکل اساسی کشتی‌سازی را ریشه‌ای بررسی و حل و فصل نمائید و بیش از این نگذارید که نیروهای مومن و متعهد حزب اللهی در این کارخانه سرکوب شوند و خون دل بخورند و کسی هم نباشد که به درد دل‌شان گوش فرا دهد البته مسئولین در استان از وضع کشتی‌سازی مطلع هستند و می‌دانند که تنها اداره‌ای که تاکنون پاکسازی نشده است، کشتی‌سازی است و حتی نیروهای پاکسازی در سطح کشور هم با حقوق‌های کلانی در مسند قدرت نشسته‌اند و بیش از این گنجایش به ذکر نیست و از لابه لای پرونده‌ها خیلی مطالب مشخص می‌شود و امید است که از طریق دفتر نمایندگی امام این موضوعات بررسی و به جاهای مختلف جهت اقدام ارجاع شود. در پایان از عموم کسانی که بطریقی مرا می‌شناسند التماس دعا و طلب مغفرت را دارم و ضمن آرزوی سلامت و طول عمر برای امام عزیزمان و پیروزی نهایی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی و آرزوی توفیق برای عموم خدمت‌گزارانی^۸ که هدف‌شان اسلام است از درگاه خداوند بزرگ مسئلت دارم.

والسلام

غلامحسین سالاری

امضاء^۹

۶۵/۱۰/۳

۸ در اصل: خدمت‌گزارانی.

۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

و ا صل ت ن ا م ه

بسم الله الرحمن الرحيم

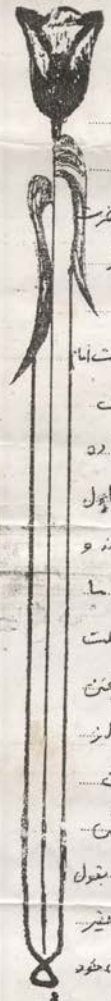
«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بآن لهم الجنة»

یا اجماع و اعتماد کامل به بیگانگی خداوند متعال و معاد روز قیامت و نبوت رسول اکرم حضرت
محمد بن عبدالله (ص) و امامت حضرت علی بن ابیطالب (ع) و یازده فرزندش و اطاعت از
لرولایت فضیه حضرت امام جعفر بن محمدات آیه و اطیو اله و اطیو الرسول و اهلین الامر سلم.

کفار همیشه در حال توطئه و مبارزه با اسلام عزیز بوده اند و نیزه که اکنون ملت ما بر همین حضرت امام
پایه خواستند تا خود را از زیر سلطه بیگانگان رها نموده که با تشکیل حکومت اسلامی و خودسرفروخت
خویش را بر بنده گردند و این برای سلسله گرایی که سوار بر تاج و چو پاد خود قرار داده
بودند بسیار گران و غیر قابل تحمل بود زیرا که از سینه در شکار جنگ مثل ایران فترت را می لرزیدند و تا چنان
نموده بودند و از طرف انقلاب ما شعار شد سرتی که نه برین راه اصل میبارست تا برین خود میدانند و
بمعنی منظور با تحریک هدام کافران فلک این جنگ را بر ما و ولایت مظلوم و تازه انقلاب نمود و ما
تحمیل کردند که جنای امام خودشان انقلاب ما را به نام خود بکشند و اینها تا آنکه ملت
ما در طاعت از سرخ زمین علی (ع) هستند همیشه جوانان عزیز و پسران انقلابیان که با ریختن
خون خود در هیبت حسین (ع) امیر مظلومین را با زندگی ننگین ترجیح داده و با اطاعت و پیروی از
فرامین رهبرین پیامبرگونه ام است تا آجا مقادیرت نمودند که نه تنها دشمن جماعه گروان از خاک
میعین اسلام بیرون کردند بلکه جنات میل به او (ص) زدند که اکنون در حال آس و سیر در آس
است و اینک در این لحظه سخت و سرنوشت ساز یک بران ما پیش آمده است بر ما است که قبول
اسامی میل آ فرمایند دشمن زبون و میزول میزیم که دیگر از جنابش بلند نشود (اشاره الم) و غیر
هم بنا به وظیفه شرعی خود را اطاعت از فریاد رهبری عظیم انقلاب بصوفت یک از عقده بنیادین خود
را هو لغت و استیقام در کتبه و زینندگان اسلام به اتمام وظیفه سفول شوم امید است که مورد قبول
درگاه باری تعالی واقع شود و از خداوند بزرگدعا جزا نه تنها غایت هدف و بخشش مردم نیز بود که گناهان
حسین کوه بر پیشین میزنند و لذا از عدم درستان طلب حضرت و آرزوی من و از جناب خود
آ درک میل کار بند عباس کشش ساری تلفیق ۲۰م ۲۷ - ۲۷م ۲۳ - ۲۷م ۲۴ - ۲۷م ۲۴
تعاون لشکر ۴۱ ناراله
آ درک میل سکونت؛ بند عباس ۳۳ بر من بنارک ساری کشش ساری بولاک ۷
آ درک میل سکونت و الی غیره؛ رودخانه ساری بولاک - محل امضاء

نام نام خانوادگی غلامحسین سالاری
فرزند ابراهیم... پنج شهریور ۱۳۵۴

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم



بسم الله الرحمن الرحیم
ص ۳

بخشند و در میان دارم و نیز امید دارم که با رحمت خودم مورد رحمت خداوند قرار گیرم و همچنین نریزید در مادرم جداگناهای
بخشش و خلالت دارم زیرا که مادرم بران بزرگ بودت من خوف دلها خورده است و همچنین پدرم و عمها را گنیده است و
و با دیدن این ایام تنگ حالشان من بودم و درشتان بران مگر نفع و در گناشتان من بودم که شش ساله روزگار بین ما
جداست افکنده و شاید هم از طریق مورد عتاب الهی قرار گرفته که از والدین دور افتادم که نشوایم به آن نماندیم تمام
این داده پیدا که چندان آفرین سوخت ندارد و اکنون دلم آفرینیکم که آن پدر بزرگواران مادر و سوگم شما را بخوان
بزرگ و بپهلوی شکسته ناطقه زهرا (س) و بر سر بریده حسین و گلشن یاره، یاره شده عمل اصف و مجنون با کان
تسکینت میدهم که مرا ببخشید اگر چه نشوایم حق شما را بجایا دارم و آن اگرها نجشید باید تا نیام تمامت در
آتش سوزان جهنم عذاب الهی را بکشیم بر این پدر و مادر جان هسرم و مخصوص حفظه و پیشه احتیاج به محبت شما دارم
زیرا که دیگر شما پدر تنها هستید و خوارش رحمت شما میتواند تسلی خاطرشان شود.

از هسرم بزرگ که در تمام سختیها و گرفتاریها من یار و هموارم بوده و تمام مشکلات مطرح شده را که برای من بوجود آمده بود
متحمل شده که حق ما نان خشک و شب برین شام را به سحر رسانده است و دم بر نیارده است تشکر و قدر دان من نمایم و
باید تمام محبتی که در این بخشید زیرا که حق بسیار بزرگ است که ان شاء الله که شاید ادا نکرده ام و حقونت را فراموش
نگردم و اگر همدلایق بران تو نبوده ام و نشوایم است که ترا خوبت کنم در غیبت سوار در همرا حمل کرده اید و
میدانم که همایش بران رضای خدا بوده است انشاء الله امید دارم که خداوند شما عوض بدهد و مزد و پاداش صابرین
در نزد حق تعالی بسیار ارزنده برارزش است و ما ان شاء الله در معرض آزارش خدا هستیم و انشاء الله که کنایه آزارش
درست در دل پذیرم بیایم و شما از این بید مسئولیت بسیار سنگین را بر دوش دارید، بایه همین اینکه مادر بچه یا هستید
باید پدرتان هم باشید و موفقی که نصف شب بیدار میشوند و در خوابت پدری گفته باید برایشان پدر ساریند و
بسیار با محبت و نوازش رفتار کنی که بیاد قلبشان آفروده خاطر شود و متکند که شاید خدا انسان را ببخش
و میتوان هر چند دست یکبار آنها را نزد پدر و مادرم برید که خدا هم از تو خوشنود خواهد شد و معنی کن تا میتوان
آنها را با آداب و رسوم اسلام فریبیت کنی و آنها را تشویق به تحمل دنیا که در این دنیا بنوا نند نیزه با من خدمتگاران بران
اسلام باشند و همچنین خود من هم ها نظریه یک تا کنون اخلاص داشته ام و اکنون هم که بعنوان خانوادگی شریف محسوس
میشود نباید نیازهای زرم و برن دینون و مادی جلوه هفت جلوه کند زیرا مادیات دینون مظاهر آفریننده و
جلب نظر است که و اما انسان شومن و هسرم مشکلات دنیا من را تحمل و سختیها من پذیرد که آسایش آخرت

محل امضاء

۱- وصیت نامه را واصل پاكتم مخصوص بنده اید و مشخصات خود را قیماً بنویسید
۲- وصیت نامه را از تعاون امور روزندگان پایگاه مربوطه خود دریافت نمایند.

تذکر

بسم الله الرحمن الرحيم
 نام و نام خانوادگی غلامحسین سالاری
 فرزند ابراهیم... تاریخ ۳۰/۰۳/۱۳۵۷

بسم تعالی
 بزرگواران

فصلت نامه
 ص ۳

غرامت شد که این هجره و ذراب بطریق دارد و محتسبین کند رابط با سایر خانوادگیان نهاد برتره
 کینه نری که دیدار خانوادگی شولاه خودش مبارک است و سخن کن که نور بر شکلات دینوس
 ناشی شون و خود را سمان نری که سازندگی خود در سازندگی جامع تا شیر نری و این دارد...
 ۱- طلب و بدیهانیت در هجره آفرین رسیدن به (ضریب) سال ۱۳۵۵ یا بدینست شده است و
 بنفیه هم در اختیار هجره میباید و میباید و یک سیرن ناکتو بیان هست که بران انجمن املاک خرج
 کرده ام که باید حساب شود و در بیاضت کرده
 ۲- هجره میباید و چه ازین طلبکار است که خودش میداند چند است که باید پرداخت کرده
 ۳- و سایل و ماشین بیان فردخته شود که هجره مطلع است و بدیهن باید داده شود
 ۴- هجره هر آن که بخواند از نظر بنده عبارت میباید که از دایع نماید و من بجهت نام را طبق
 موازین شرعی املاک تربیت کند
 ۵- اگر پدر خواست سخن از باغ را صحت و اگر گذر یکت معلوم ازین سهم وقف امام شود
 و سابقه طبق موازین شرعی انجام شود
 ۶- یکت از دفتر فایزده امام و امام جمع بنده عباس کتاب با اسیب برد این کرده و جهت مطالعه استفاده
 در اختیار کتابخانه حوزه علمیه بنده عیسی قرار گیرد
 ۷- صورت حساب در سایل و کتابت... در انجمن املاک کارخانه دارم که نسبت آنها هم در نزل
 است و هم بعضی از براران اطلاق دارند که باید طرقت قیمت آنها برراختن نماید
 ۸- در مدر و جناب هجره است که در بجهت نری هجره بنده عباس و دهنش معلوم در سر دیر آن
 عنوان: شهیدین از انجمن املاک کشتن سازن خیاب ناریس ذکر شود و طلب سعادت آفرینش شود
 از حق تعالی
 ۹- استاد و مدارک و پرونده باین در نزل است که در اختیار دفتر فایزده امام و امام جمع
 بنده عباس قرار گیرد و نری که نام امام از بران آنها بنفیه شود در این پرونده یا هفتا یعنی به نسبت

تعاون لشکر ۴۱ ناراله

محل امضاء



بسم الله الرحمن الرحیم
ص ۴

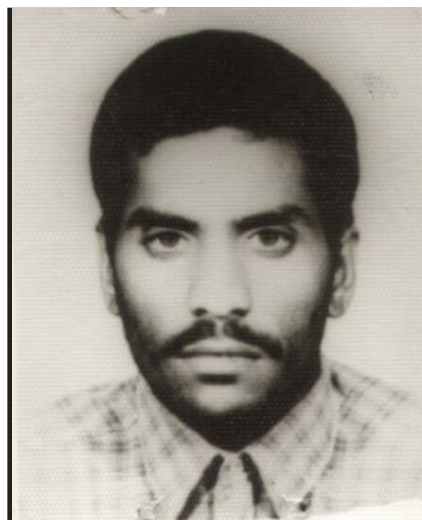
کینه مطره از دنیا که نمایانگر جنایت و خیانت عمده ای که متأسفانه بعنوان غایب در دست مدیریت نیک
و احسان علی مرتضی میگردید در حقیقت همان انقلاب و اقیانوس است که به برکت خون شهید بر مسند قدرت
نشسته اند و تشریح بر رویه انقلاب میزنند و نه تنها جان فدای بیت المال نمیشوند بلکه فواید کثرت و
زیادتی کارکنان هستند که جزایان خود استفاده از موقعیت خود مینمایند و خون پاک شهید را دارند علناً
باید عمل می کنند و یکی از کارهای اینها اینست که مخالفین خود را با اینچنین اسلای این بزرگان جوینده
از بیعت انقلاب و پیرو خط امام و مینمایند که نمونه بارز آن در کشتن سائزین بیانگر این حقیقت تلخ و
ناگوار است که شتاسان تاکنون کشته شده اند به در دلها اینچنین اسلای خود چون گنده اینها با خیال
راحت مل چند سال تلاش در استیلا اینچنین اسلای اینها کارخانه را (کشتن سائزین) که در شرایط
سخت در سال ۵۶ که حجت محیب سیاسی بگریه و فکریان سلجوقی با توجه به وضع جغرافیایی این کارخانه
وجود آورده بودند و شروع به فعالیت نموده بود را استیلا نمودند و تعدادی از فعالان تربیت یافته آنرا
بخراج و تصرف و حجت کفکار نماینده دیگر کسی جرأت نگذاشت از اینچنین اسلای ببرد و با فعالیتها
در این زمینه و حتی اینها با به طرفت آمد و دست استیلا اینچنین اسلای و نیز سکا جات معرکه
اینچنین را با بارگاههای انقلاب را اغشای نموده اند و از مسئولین قضای و اجرایی عا جزایان بعنوان
یک عضو اینچنین اسلای که از بدو فکری تاکنون استخار خود نگذاشته اند اما در قضا همانم که من را چندان
قسم و خون پاک شهیدانم میدهم که شکل اساسی کشتن سائزین را بر شیم این بزرگوار و جل و
فصل نمایند و بیست و نه از اینها نگذارید که نیروهای شوش و معهود حزب الهی در این کارخانه سرکوب
مخوون و خون دل بخورند و کسی هم نیامد که به در و دستان کوشش فرا و عهد البند مسئولین در پستان
از وضع کشتن سائزین مطلع هستند و میدانند که تنها اماره های که تاکنون پاکسازین شده است کشتن سائزین
است و حتی نیروهای پاکسازین در سطح کشور هم با جفوتها کلان بر مسند قدرت نشسته اند
بیست و نه از اینها نگذارید به زکریا است و از اسلای سائزین در دره یا خلیل مطالب شش و سه و دمی است
که از طریق دفتر نمایندگی امام این موضوع است پس روشن و بی جایان مختلف است اما امر از جامع شود
در پایان از مردم کسانی که بطریق مراعتی سائزین است پس روشن و بی جایان مختلف است اما امر از جامع شود
طرح هر سال تمام عزیزان و بزرگان نمایانترند که اسلام بکثره زمان و آرزوی توفیق برای عموم خود نگذارید
هر سال تمام عزیزان و بزرگان نمایانترند که اسلام بکثره زمان و آرزوی توفیق برای عموم خود نگذارید

محل امضاء حضرت
سالاری ۳۳ اردیبهشت

۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنمایید و شخصات خود را در قیام بنویسید
۲- وصیت نامه را از تعاون نور روزندگان پایگاه مربوط خود دریافت نمایید

تذکر

مراد سالاری



نام: مراد

نام خانوادگی: سالاری

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۰۱/۰۱

محل تولد: روستای رودخانه بر از توابع

شهرستان رودان

نام پدر: غلامحسین

نام مادر: سکینه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

شغل: کارگر

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۴

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت:

محل دفن: روستای فاریاب رودخانه شهرستان

رودان

گلچین وصیت نامه

- ◀ تا یک قطره خون در رگ‌های ما هست خواهیم جنگید و از قرآن و دین خود و ناموس و شرف خود یاری خواهیم کرد.
- ◀ ای جوانان! مبادا در غفلت بمیرید که علی (ع) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی تفاوتی که علی اکبر حسین در راه حسین (ع) و با هدف شهید شد.
- ◀ ای جوانان! نباشد که خودتان را اسیر نفس خویش گردانید که بدترین چیز در دنیا و آخرت همین است و راه حل آن خودسازی است.
- ◀ مجبوری آوردن به جبهه‌ها امکان پذیر نیست چون جبهه واقعا دانشگاه خودسازی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام [...] بزرگوار و امید مستضعفان و محرومان جهان حضرت امام خمینی روحی [...] پاک شهدای گرانقدر اسلام و با آرزوی صبر و اجر جهت خانواده‌های معظم شهدای اسلام و با سلام سخن را آغاز می‌کنم.

ای مردم همیشه [در] صحنه جمهوری اسلامی ایران! اول از روی ادب سلام، دوم از روی محبت به شما دارم این پیام مبدا که اهل کوفه باشید و امام عزیز را تنها [...] از شما امت حزب‌الله می‌خواهم که مردهایی باشید و از خواهران و زنهایی باشید زینب‌وار و از امروز روزی است که روز آزمایش هر شخصی است که از دین و قرآن و اسلام پیروی کرد که خدایی تبارک و تعالی از هر شخصی امتحان می‌گیرد.

امروز روزی است هم از قرآن و دین و هم از [...] و هم از ناموس و هم از شرف خود یاری کنم اگر این چند [...] نباشد، که مانند ما هم ننگ است و چنین هم قبول نخواهم کرد تا یک قطره خون در رگ‌های ما هست خواهیم جنگید و از قرآن و دین خود و ناموس و شرف خود یاری خواهیم کرد، مگر جنگ امام حسین برای چه بود و چه هدفی داشت به جز همین بود که از قرآن و دین پایدار باشد، ای به قربانت ای پسر خانه حق که زانو زدی

۱. ناخواناست.

۲. ناخواناست.

۳. ناخواناست.

۴. ناخواناست.

۵. ناخواناست.

۶. در اصل: نخایم.

۷. در اصل: خایم.

۸. در اصل: خایم.

فناپی راه حق [...] صدامی‌هایی بودند که امام خمینی را به شهادت رسانند. ای آنانی که می‌گفتید^۹ ای کاش من در جنگ امام حسین بودم که امام حسین را یاری می‌کردم و من [...]»^{۱۱} به شهادت^{۱۲} می‌رسیدم، بفرمایید امروز روز یاری امام خمینی است، جنگ همان جنگ است و در رحمت خدا هم بر تمام مسلمین باز است [...]»^{۱۳} زیاد وقت عزیزتان [را] نمی‌گیرم.

[...]»^{۱۴} امیدوارم که حالت خوب باشد و از طرف من از تمام ملت [...]»^{۱۵} تشیع جنازه من شرکت کردند ولی من [...]»^{۱۶} ندارم و گمان هم نمی‌کنم هم‌نشین یاران امام حسین باشم و اگر خدا هم چنین سعادت‌ی نصیب^{۱۷} کرد، افتخار می‌کنم شهید^{۱۸} شوم^{۱۹} کجا باشد که به امام حسین سلام کنم و با او بنشینم کجا هست آن سعادت خدایا! شهادت^{۲۰} را نصیب^{۲۱} من بگردان یا امام حسین! دست من را بگیر که از این بیشتر در عشقت نسوزم.

سلام دخترم^{۲۲}، امیدوارم که سلام گرم بابایت را بپذیرید^{۲۳} فاطمه جان! رضایت بدهد^{۲۴} که [...]»^{۲۵} در جلو مسجد وحدت دفن کند؛ خیلی از دختر^{۲۶} عزیزم تشکر می‌کنم خدا نگهدارت باشد [...]»^{۲۷} و دختر باشی که [...]»^{۲۸} را خدمت کنید.

ای مردم! [...]»^{۲۹} باشید من این دخترم را این قدر دوست داشتم که خدا می‌داند و پس

۹. ناخواناست.
۱۰. در اصل: می‌گفتید.
۱۱. ناخواناست.
۱۲. در اصل: شهادت.
۱۳. ناخواناست.
۱۴. ناخواناست.
۱۵. ناخواناست.
۱۶. ناخواناست.
۱۷. در اصل: نصیبم.
۱۸. در اصل: شیهه.
۱۹. در اصل: شویم.
۲۰. در اصل: شهادت.
۲۱. در اصل: نسب.
۲۲. در اصل: دوخترم.
۲۳. در اصل: بپرزید.
۲۴. در اصل: بدهد.
۲۵. ناخواناست.
۲۶. در اصل: دخترم.
۲۷. «که» حذف شده است.
۲۸. ناخواناست.
۲۹. ناخواناست.

از دخترخاله خودم تشکر بی‌نهایت کنم و [از] آن می‌خواهم^{۳۰} که مرا حلال کند؛ مادر سلام امیدوارم که سلام گرم مرا بپذیرید^{۳۱} و اگر بی‌ادبی^{۳۲} کرده بودم، حلالم کنید مرا ببخشید ای برادرزاده‌ام!^{۳۳} سلام بر [....]^{۳۴} دوری و ای دختر عموی خودم! [....]^{۳۵} و یک حرف بدی از من شنیده‌اید مرا حلال کنید. ای عموها و پسرعموها! و ای دخترعموها! اگر از من ناراحتی دیده‌اید مرا حلال کنید و ببخشید.

دایی خودم [....]^{۳۶} سلام امیدوارم سلام گرم مرا قبول کنید و حلال کنید دختر^{۳۷} عموی خودم رقیه [....]^{۳۸} سلام و امیدوارم که سلام آخر مرا قبول و از دوستان عزیزم طلب آمرزش [....]^{۳۹}.

برادر [....]^{۴۰} اجازه دفن من در جلو مسجد وحدت قرار دهید از [....]^{۴۱} و از تمام [....]^{۴۲} و از تمام [....]^{۴۳} و از تمام و امیدوارم سلام گرم من بپذیرید^{۴۴} مرا حلال کنید خیلی متشکرم^{۴۵}. ای گل نو^{۴۶} شکفته من فاطمه جان! ای علاقمند به بابا! دیگر نشین در انتظار بابا. من نمی‌گویم که مرا از قفس آزاد کنید قفسم برده به باغی که دلم را شاد کنید یعنی چه ای مردم راه را باز کنید. برادر جان حسین! فاطمه ام [را] یک دستش را تو بگیر و یک دستش را خواهرم بلقیس

۳۰. در اصل: می‌خواهیم.
 ۳۱. در اصل: بپذیرید.
 ۳۲. در اصل: بی‌ادبی.
 ۳۳. در اصل: برادرزده‌یم.
 ۳۴. ناخواناست.
 ۳۵. ناخواناست.
 ۳۶. ناخواناست.
 ۳۷. در اصل: دوختر.
 ۳۸. ناخواناست.
 ۳۹. ناخواناست.
 ۴۰. ناخواناست.
 ۴۱. ناخواناست.
 ۴۲. ناخواناست.
 ۴۳. ناخواناست.
 ۴۴. در اصل: بپذیرید.
 ۴۵. در اصل: متشکرم.
 ۴۶. در اصل: نوی.

و راهم^{۴۷} را باز کنید تا با فاطمه‌ام خداحافظی کنم^{۴۸} و یک گل به دست او بدهید تا بوی باباش را بشناسد، فاطمه جان! خداحافظی دست [...] را بگیر ولی هر شب جمعه بر سر قبرم بیایید شاید خدا به آبروی تو مرا ببخشد. والسلام

مراد سالاری

امضاء^{۵۰}

۶۵/۱۲/۴

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ^{۵۱} (آل عمران

(۱۶۹)

البته مپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا [...] ^{۵۲}.

یا الله آن کس که تو را شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خان و مان را چه کند.

به نام خداوندی که بالاترین و بی‌انتهاترین اوست و بالاتر از او کسی نیست و شریکی بر او نیست و به درستی که محمد رسول و بنده اوست أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ^{۵۳}.

با سلام و درودی به حضور مقدس حضرت ولی عصر بقیه‌الله الاعظم و با درود و سلام بر نایب برحق او و رهبر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران خمینی کبیر و با سلام و درود به حضور شهدای گلگون کفن جبهه‌های حق علیه باطل و با درود و سلام بر برادر و مادر

۴۷. در اصل: راهیم.

۴۸. در اصل: کن.

۴۹. ناخواناست.

۵۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۵۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۵۲. ناخواناست.

۵۳. آیه ۵۹، سوره نساء: «ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر و اولی الامر از خودتان را».

بزرگوارم، من مراد سالاری تا آخرین قطره خونم در راه الله و به یاری خداوند متعال با دشمنان ستیز می‌[...]^{۵۴} تا پرچم پر افتخار مولایمان حسین بن علی (ع) پایدار بماند. من از برادر و مادر بزرگوارم خیلی عذر می‌خواهم که بی‌اجازه‌شان آمده‌ام، آخر این وظیفه شرعی من بود که به جبهه بیایم چون جبهه به ما احتیاج دارد؛ از مادر گرامیم حلالیت می‌خواهم و از آنها می‌خواهم که به پسری که در راه خدا تقدیم کرده‌اند افتخار کنند و فقط به امام بزرگوار [...]^{۵۵} دعا کنند و امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی را داشته باشند.

مادرجانم! از تو می‌خواهم که مادری [...]^{۵۶}، ای جوانان! نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین (ع) در میدان نبرد شهید شد.

ای جوانان! مبادا در غفلت بمیرید که علی (ع) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی که علی‌اکبر حسین در راه حسین (ع) و با هدف شهید شد.

ای جوانان! نباشد که خودتان را اسیر نفس خویش گردانید که بدترین چیز در دنیا و آخرت همین است و راه حل آن خودسازی است که مجبوری آوردن به جبهه‌ها امکان‌پذیر نیست چون جبهه واقعا دانشگاه خودسازی است. من حقیر از برادران بسیجی می‌خواهم که در کاری که می‌کنند فخر نورزند چون در راه خدا انجام می‌دهند و بدترین چیز مغروریت است و از برادران دیگر که در هیچ‌یک از ارگان‌های انقلابی نیستند، می‌خواهم که حداقل در بسیج شرکت کنند. ای جوانان! به آینده خویش نگرید و به کار خیر روی آورید و در کار خیر از هم‌دیگر سبقت بگیرید؛ من حقیر می‌دانم که مرگ من شهادتی نیست چون در من ایمان و تقوایی وجود ندارد که مرا شهید بخوانند و امیدوارم که شهداء در قیامت مرا شفاعت کنند. از ملت شهیدپرور ایران می‌خواهم که دعا به امام بزرگوارمان خمینی کبیر، رزمندگان جبهه‌های و علمای اسلام را فراموش نکنند.

برادران مومنی که می‌خواهند و می‌توانند به درس‌شان ادامه بدهند تا از آینده‌سازان این مملکت باشند و این کار را جدی بگیرند چون اگر فرد متعهد و متخصص نباشند، مملکت به

۵۴. ناخواناست.

۵۵. ناخواناست.

۵۶. ناخواناست.

سمت وابستگی می‌رود آن‌گاه است که خدای ناکرده اسلام از درون شکست می‌خورد و این زمان، زمانی نیست که آموزش و پرورش مملکت غیراسلامی باشد و در آن نقص پیدا شود، به امید پیروزی رزمندگان اسلام و دست یافتن به قدس عزیز و به امید زیارت قبر مطهر حسین بن علی (ع) و با دعا برای سلامتی امام امت.

با [...] احترام از تمام کسانی که حق در گردن من حقیر دارند [...]»^{۵۸} و به سوره حمد بر سر قبرم بخواند.^{۵۹}

مراد سالاری

امضاء^{۶۰}

۵۷. ناخواناست.

۵۸. ناخواناست.

۵۹. در اصل: بخاند.

۶۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



بسم الله الرحمن الرحيم

۶۵/۱۹۱۱۲

~~نام بزرگوار دایره شهنشاهان و شهیدان جهان حضرت امام حسین (ع)~~
 مرکز اسناد ایثارگران جان پاک شهدای گرفتار اسلام و با آرزوی صبر و اجر سعادت
 خانواده‌های معظم شهدای اسلام و با سلام به وطن را آغاز می‌کنم ای مردم همیشه در صحنه گداز
 اشرفی (عجلان اول از ابرار ادب سلام دوم از ابرار محبت به شما دارم این پیام مبادا که
 اهل کوفه باشند و امام عزیز را تنها بنظر نیسند از آنجا است مژده الهی خواهد رسید که
 مردهای باشند حسین وار و زینب‌های باشند زینب وار امروز روز است که روز آزادی
 و شهنشاه است که از دینی و موافق و اسلام پیروی کرد که خدای تبارک و تعالی ~~و تعالی~~
 استغفار می‌کند امروز روز است هم از آن دینی و هم از کشمیر او هم از خانه‌ها
 و هم از شرف خود یار کند اگر این چند چیز را نباشد که مانند ما هم تنگ است
 و چنین هم قبول نخواهیم کرد تا یک قطره خون در گشای ما هست تا می‌بینیم بی‌دولت
 قرآن و دینی خود و ناموس و شرف خود یار می‌خواهیم که دستگیر اسلام حسین بزرگ
 بر ما بود و چه هوش داشت به خود همین خود که از قرآن و دینی چاییدار جایز می‌باید به قربانیت
 ای سرخانه حق که از اخذ زردی فنایم را، حق و بی‌صدا می‌باید خود بخود که امام حسین
 را به شهادت رساندند ای آفاقی که می‌نویسد که ما گاش می‌در خنک امام حسین بودم
 که امام حسین را یار کنم و منی هم به شهادت من رسیدم بجز خایید امروز روز است
 امام حسین است خنک همان خنک است در رحمت خدا هم بود تمام مسلمانی باز است
 خدای زیاد وقت عزیزت آن فریادیم

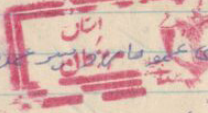
۶۵/۱۹۱۱۲ ۲۹۱۴
۱۱۳



شماره ۱۳۲۱۳۲۱۳۲

درام که حالت خوب داشته و در طرف من از تمام ملت بردمانه بود
 شهدادت

مرکز اسناد این سازمان هم خانه من تزیین کرده ولی من خوشی لطفاً من درام و گمان صبح
 نمی کنم هم نشین یارین امام حسین باغ در آن زمان هم جشن سعادتش خیریم بود
 افتخاری نمی شهید خیریم کجا باشد که به امام حسین درام کنم و با او جشنیم
 کجا هست آن سعادت بخایا شهید است را نسبت منی
 بگویند یا امام حسین دست من بگیر که از این بیشتر در عشقت نسوزم
 سلام در فرزند امیر دام که سلام کنم با بابایت بیوزید فاطمه بان رضایت بدیدید
 که خدایت سواد جمله سعادت و سعادت - در فرزند کند خدای از دخترم محترم مشکوکی کنی
 خدا خیر و خدایت باشد که و دختر باش که بیوات خدمت کند ای مردم که عا
 باشی منی ای دخترم راه ای خود در دست داشتی که خواص دانید و کس
 از دختر خانه خود مشکوکی نهایت کنی و آن ها خواص که موا خدای کند
 مادر سلام امیر دام که سلام کنم بیوزید امیر دام که ای مادر هم باغ در خوب بودم
 موا خدای کند خدایم سلام امیر دام که سلام کنم موا بیوزید ای ای ادا می کرده بودم
 خدایم کند موا بیوزید ای برادر زده سلام بر تمام از راه در ای دختر هم در خدمت افیه و ک
 و یک حرف بنویس از حق شنیدید موا خدای کند ای عمو تمام از راه در دختر عمده ها
 ای کوه از منی ناراحت در جواب موا خدای کند بیوزید دایم خودم داغدار سلام میدوارم
 سلام کنم موا خدای کند خدای کند در خدمت از رقیه ساریم سلام و آینه سلام آخر هم فصل
 در خدمت از راه در





مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۶۵/۱۹۱۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۰

~~بسم الله الرحمن الرحیم من در خطم هیچ دردیست مگر از تمام سالاری و از تمام~~

شکوهی وار که از تمام جوانانی در تمام دوی زانو امید دارم سلام گویم منی بسزای حوا حلال

کسی که منم که ای گل نوب شکوفه من فاطمه جان ای علقه مندی با با دیگر نشین

در انتظار با با که رفتی ز دست تو دیگر نمی بین با با

من نمی گویم که مرا از قضی آرا کنی قضی برده به باغی که در نسیم با

شاد کنی گمش کنی من چه ای مودم راه با باز کنی برادر جان جینی فاطمه ای که دستش

را شو بگوید یک دستش را خدا هم ببلش در لایم با باز کنی تا با فاطمه ام خدا حافظی کنی

و یک گل به دست او بر مید تا بدی با با اش ایستاسد فاطمه جان خدا حافظی
دست مهر را ای

ولی هر شب همه بر سر قبرم بیایید شاید خوابه آید و تو مرا بخشن و درام

مهراسان

قصدت با من باد طایر



مرکز استان برای ترویج زبان فارسی
استان هرمزگان
مدیر مسئول: آقای علی محمد
مدیر: آقای سید محمد



۱۹۱۷، ۶۵

بزرگوار

وصیت نامه - - - - -
برادر - مراد سالاری

فرزند غلامحسین
شهرستان خیزجوب (س)

ولا تحزن الذين قتلوا في سبيل الله... ابرو تا علی احیا و عند ربهم اجر جزون (۲۷ تیران ۱۹۶۹)
 البتة نبدلهم که سیدان راه خوا مرده اند بلکه زنده بهیات ابوی شدند و در نزد خدا مقام خود اهدا بود با او
 آنگاه که تو را شامت جان را چه کند فرزند و بیال و خان و جان را چه کند
 به نام خدا و دردی که بالاترین در استراحت اولی است و ما لا اله الا الله و محمد بن عبد الله
 دستم که محمد رسول و نبی است اطلبوا... و اطلبوا الرسول و اولی الامر منکم .
 با سلام و درود بر حضرت محمد و آل محمد و درود و با درود و سلام بر بنیامین بر حق
 او و بر صبر و بقیا نذارم هر یک اسلام ایران چنین کبیر با سلام و درود بر جنود شهبازی طگون کنن همه ها
 حق علی باطل و با درود و سلام بر پادشاه و مادر بزرگوار من محمد رسول الله تا آفرین عماره خرم در راه او و
 یاری خدا و در مقابل با دشمنان ستمگر هانی تا بر وجه بر افتخار مولا یان حسین بن علی «ع» با بر ایمانند
 من از پادشاه و مادر بزرگوار چنین عذری خواهم که با اجازه شان آمده ام آفرین و طایفه سعید من
 احتیاج دارم از مادر بزرگوار من طلالیت من خواهم و
 خدا تقدیم کرده اند (منشی رنگند و حفظ) امام



بوی دست؟ چه میباید چون جیبه؟ ما
از آنکه می خواهم که به سیر که در راه
اسلامی سیدان (اردگان) به نوندگان
باید از آن انقلاب




سینه
پلنگون
انقلاب
اسلامی

۱۳۵۷



مرکز اسناد و ایثارگران

بزرگو! دعا کنند و امید پروری اسلام بر کن هر چه را داشته باشند مادر جانم از تو می خواهم که مادری
 این جوان ننگ در رخسار تو زلفت بگیرم که حسین (ع) در میدان نبوت شهید شد این جوانان
 بسیار از توست که علم دینی در حجاب عبادت شهید شد و مادر در حال بر تپان که علی اکبر صلی در راه حسین (ع)
 و با هدف شهید شد این جوانان بنا کرد که خودمان را امیر نفس خویش گردانید که به تریل چتر در ریش و آفت حسین است
 و راه حل آن خود ساز است که بجز در آوردن به جبهه ها اسلحه نداشتیم چون جبهه واقعا دشمنان است
 خود ساز است من حقیر از برادران بیعی می خواهم که در کارهای من ننگه خنجر زنی چون در راه خدا انجام می دهند
 در بهترین چیز معذرت است از برادران دیگر که در هیچک از کارهای انقلاب نیتند می خواهم که
 حداقل در هیچ شکرگت نده این جوانان به آینه خویش نگرید و به کار خیر دوی آورید و در کارهای خیر از خود
 نسبت بگیرید من حقیر می دانم که من سزاوار نیست چون دین ایمان و توانی وجود ندارد که ما سید فراهی
 و امید داریم که شما در حمایت مواضع است که از دست سبک پروران می خواهم که صاحب نام بزرگواران
 حتی کبیر و رشیدان جبهه های دین اسلام را فراموش نکنند. برادران مؤمنان من خواهند و می دانند
 به در شان امام به هند تا از آینه سزان این مسکلت باشند و این کار را می یکنند چون اگر از دست خشن
 نباشند مکتب به دست و استیمن می رود نگاه است که خدا می نارد اسلام از دروازه شکست می خورد و این
 زمان زمان نیست که آموزش و پرورش مکتب غیر اسلام نارد و در آن نقش پیدا کند به امید پروری
 روزنگار اسلام و دست یافتن به نور هدایت غیر مکتب حسین بن علی (ع) و با دعا برای سلامتی
 ۱۳۶۱ است

با عقیده مردم بزخام کسانی که حق را در برادران من می بیند دارند
 سینه ها حقیق اسلحه نمالند و مسوره مدبر سر صبح بجایند

ر. ا. س. ا. ا. ا.
 بیگانه

ابراهیم سالاری جغین



نام: ابراهیم

نام خانوادگی: سالاری جغین

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۰۳/۰۲

محل تولد: روستای جغین شمالی از توابع

شهرستان رودان

نام پدر: حسین

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۶/۲۰

محل شهادت: استهبان فارس

نحوه شهادت: سانحه رانندگی و ضربه به کلیه،

سر و پا

محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- < مادر عزیزم! هر وقت مرا یاد کردی صحنه کربلا را در نظر بگیر.
- < پدر بزرگووارم! اگر شهید شدم، خوشحال باشید یک قربانی در راه خدا و اسلام و قرآن و برای آمدن امام زمان (عج) داده‌ای.
- < روز چهلم هر شهید با ارزش است؛ چون که این روز حضرت زینب (س)، از شام آمد کربلا سر قبر برادر و یارانش.
- < به ندای حسین زمان لبیک بگوئید و جبهه و پشت جبهه را خالی نکنید که دشمن خدای ناکرده سوء استفاده کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

درود بر منجی انسان‌ها، حضرت مهدی موعود (ع) و سلام بر نایب برحقش، امام امت و شهدای صدر اسلام و شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی حق علیه باطل و سلام بر امت شهیدپرور ایران و تمامی محرومان جهان.
بارخدا! در این ایام مرا ببخش، خدا از تو طلب آمرزش می‌کنم؛ خدا! نیامرزیده از دنیا مبرم.

وصیت‌نامه:

برادر جان! اسلحه من را به زمین نیندازی، اگر می‌خواهی خدا از تو راضی باشد، راه من را ادامه بده، چه [با] آمدن به جبهه و چه در پشت جبهه.
سفارشم به مادرم این است، مادر بزرگوار! چون زحمت من را زیاد کشیدی و مرا بزرگ کردی و نتوانستم برای تو خدمتی کنم، مرا ببخش و از تو خواهش دارم در مرگ من گریه مکن. مادر عزیزم! هر وقت مرا یاد کردی صحنه کربلا را در نظر بگیر؛ در مرگ من گریه مکن اگر گریه کردی برای شهدای کربلا [گریه]^۲ بکن.
پدر بزرگوارم! اگر شهید شدم، خوشحال باشید یک قربانی در راه خدا و اسلام و قرآن

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «گریه» باشد.

و برای آمدن امام زمان (عج) داده‌ای زیرا که ما^۳ از وارث پیامبر [...] حسین (ع) و یارانش عزیزتر نیستیم، پس ناراحت نباشید^۴ و همیشه شکر خدا را بجای آورید^۵. اگرخواستید^۶ خرجی برای من بدهید، روز چهارم^۸ من خرج بدهید و اگرخواستید^۹ گریه کنید، روز چهارم گریه کنید^{۱۰}، زیرا روز چهارم هر شهید با ارزش است؛ چون که این روز حضرت زینب (س)، از شام آمد کربلا سر قبر برادر و یارانش. ولی سفارش من این است که برایم گریه نکنید^{۱۱} و به جای گریه تا می‌توانید راهم را ادامه دهید و در خدمت اسلام و برای آماده شدن آمدن مهدی موعود (عج) زحمت بکشید.

خواهرانم! اول حجاب خود را حفظ کنید، چون که با حجاب می‌توانید بزرگ‌ترین ضربه را به دشمنان جمهوری اسلامی بزنید و در مرگ من گریه و زاری نکنید، زیرا زینب در مرگ برادر گریه نکرد بلکه راه حسین را ادامه داد و هدف حسین را به یزید و یزیدیان فهماند.

خانواده‌ام! مرا حلال کنید اگر در مدت زندگی بداخلاقی و بدرفتاری کرده‌ام، از شما طلب آمرزش می‌خواهم؛ در تربیت فرزندانم بکوشید و آن‌ها را انسان‌های نمونه تحویل انقلاب بدهید تا راه من را ادامه دهند. سفارش من به مردم روستا، برادران و خواهران! هر بدی از من دیده‌اید مرا ببخشید و از شما طلب آمرزش می‌کنم که به درگاه خداوند برایم دعا کنید و هم‌چنین به ندای حسین زمان لبیک بگوئید و جبهه و پشت جبهه را خالی نکنید که دشمن خدای ناکرده سوء استفاده کند. و هر چه زندگانی دارم، مال زن و بچه‌هایم می‌باشند و کسی حقی ندارد جلو آن‌ها را بگیرد. در ضمن در دعای خود برای امام دعا کنید، برای پیروزی رزمندگان دعا کنید، برای آمرزش من هم دعا کنید.

۳. در اصل: ما که.

۴. ناخواناست.

۵. در اصل: نباشد.

۶. در اصل: آور.

۷. در اصل: خواستی.

۸. در اصل: چهارمین.

۹. در اصل: خواستی.

۱۰. در اصل: کن.

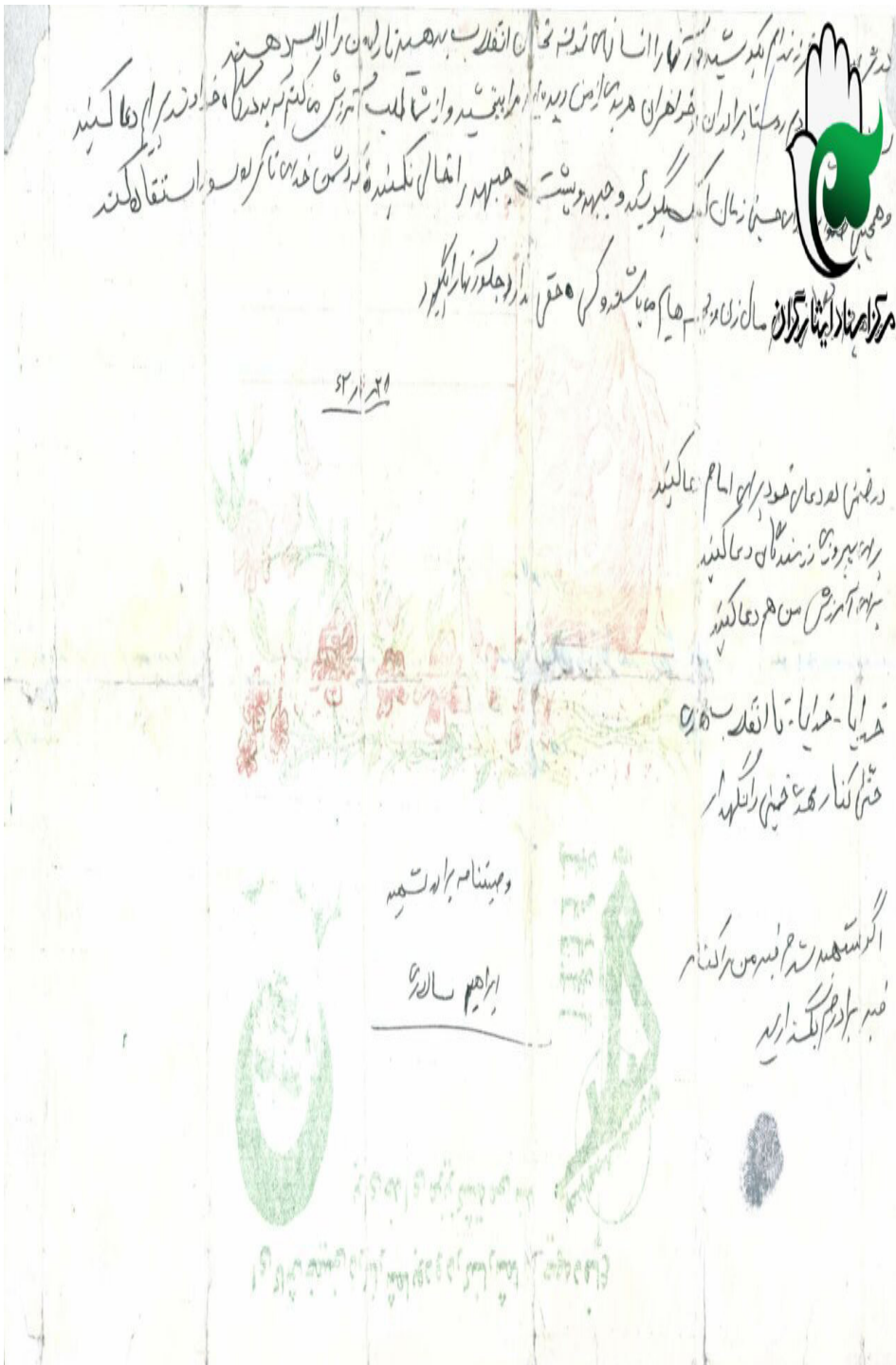
۱۱. در اصل: نکنی.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی خمینی را نگه دار.
اگر شهید شدم قبر من را کنار قبر برادرم بگذارید.

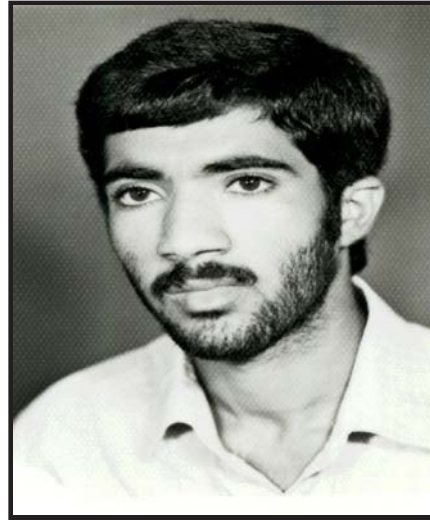
وصیت نامه برادر شهید ابراهیم سالاری

۶۲/۴/۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم
 ۶۲/۱۲/۳۱
 ۶۲/۱۲/۳۱
 در این نشانیها حضرت سرور معبود و مسلم و بنای بر حقش امام حسن و حسنین در مسجد کوفه است
 مرکز داد و ستد ارزگان باطل در این امر سعید پروردگار و امام محمد صالح است یا علی با عدالت امام و اینست خدا از تو طلب است هرگز
 هرگاه نمایی با من زیاده از دنیا ببرم و هبنت خاتم
 برادر جان ایلم من از این دنیا نیستند آنها از تو فراموش خدا از تو فراموش را من برادر ایم به هم کسین به هم کسین و جمی دست به هم
 نهادیم به ما هم ات است چون سایر بزرگان از زلفت امن را زیاد کنی تا ما را از دست تو براندازد و تو را از دست من براندازد
 و از تو خدایم را هم هرگز نماند من مایه زین قدرت و مایه از تو هر که از تو بگریزد و هر که از تو بگریزد
 بر او عسقلان است که من پدید آوردم اگر کسی که شهادت کند و شهادت کند در راه خدا و او را در راه خدا کشته اند
 و در راه خدا کشته اند از طرف پیامبر داد و عیاش و یارانش عزیزتر از منم پس تا رحمت بماند و رحمت شکر خدا را بجا آید اگر
 با خدا را خدای خدای بر منم روز چه بدی منافع را به همید و اگر خدا را خدای کردید روز به هم آید پس برادر زهم هر چه
 با او است هر که این روز حضرت زینب است اگر که در راه خدا برادر و یارانش و هر که با او است هر که با او است
 خان و به جانم هر که نام او این نام را در راه هدیه و در خدمت او در راه خدا کشته اند و هر که با او است هر که با او است
 خواهد از اول باب خدا عطف کند هر که با او است هر که با او است هر که با او است هر که با او است هر که با او است
 زیرا از نسیب در ملک برادر زینب که در راه خدا داد و هدیه عیاشی را به برادر و برادر زینب خدایت
 خدا را هم که در راه خدا کشته اند هر که در راه خدا کشته اند و هر که با او است هر که با او است هر که با او است



محمد سالاری سردری



نام: محمد
نام خانوادگی: سالاری سردری
تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۱/۰۱
محل تولد: روستای سیرمند از توابع شهرستان
حاجی آباد
نام پدر: علی
نام مادر: چمن گل
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
شغل: کارمند شرکت
تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۳/۰۷
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش به سینه
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- من برای رضای خداوند و یاری دادن اسلام و قرآن به جبهه اعزام شدم و هدفی جز الله ندارم.
- با توکل بر خدا از اسلام دفاع کنید که دفاع از اسلام واجب است.
- از شما می خواهم با صبر و استقامت خود مشتی بر دهان یاوه گویان بزنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

یا زهرا

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ

وکارزار کنید تا فتنه‌ای نباشد با دشمنان خدا.

بنام خداوند بخشنده^۱ مهربان که در دنیا بر مومن و کافر رحم می‌کند و در آخرت بر مومن رحم می‌کند.

با سلام و درود فراوان بر منجی عالم بشریت و نایب برحقش امام خمینی و با سلام به ارواح طیبه شهدا و با سلام خدمت خانواده شهدا و امت همیشه بیدار، وصیت نامه اینجانب حقیر، بنده خدا، محمد سالاری.

من برای رضای^۳ خداوند و یاری دادن اسلام و قرآن به جبهه اعزام شدم و هدفی جز الله ندارم. از شما امت حزب الله و شهید پرور می‌خواهم که امام را تنها نگذارید؛ و راه شهیدان اسلام را ادامه دهید و از اسلام دفاع کنید و به منافقین اجازه ندهید که در شهرها تفرقه اندازی کنند؛ با این کار خود مشت^۴ محکمی بر دهان آنها بزنید؛ نگذارید که آنها دلسوز خانواده شهداء باشند؛ با این که کارشان تفرقه اندازی است، از خانواده شهداء طرفداری می‌کنند. به قولی کاسه از آش داغ تر هستند.

از همه شما تقاضا دارم [که] مسجدها را خالی نگذارید، نماز بخوانید، در دعاها شرکت

۱. بخشی از آیه ۱۹۳، سوره بقره.

۲. در اصل: بخشنده.

۳. در اصل: رضایی.

۴. در اصل: مشت.

کنید. با توکل بر خدا از اسلام دفاع کنید که دفاع از اسلام واجب است. وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا^۵ از همه شما می‌خواهم که امام را تنها نگذارید و ثابت کنید که اهل کوفه نیستیم [که] امام تنها بماند. از پدر و مادر عزیز و مهربانم که زحمات زیادی برایم کشیدند^۶، می‌خواهم مرا حلال کنند و در مرگ من زاری و گریه نکنند که دشمنان اسلام شاد بشوند^۷. پدر و مادر عزیز! از شما می‌خواهم که درخانه بخاطر من پارچه سیاه نزنید و عروسی برادرم احمد، عقب نگذارید. از همه شما می‌خواهم که لباس سیاه نپوشید تا دشمنان شاد نشوند.

پدرم! از بچه‌ها خوب نگهداری کن؛ از شما می‌خواهم که مرا در محل دفن کنید و از فرزندم خوب نگهداری کنید. همسر عزیز و مهربانم! امیدوارم مرا حلال کنید و هر بدی دیدی، ببخشد. از شما می‌خواهم با صبر و استقامت خود مشتی بر دهان یاهو گویان بزنی و از فرزندم داود، خوب نگهداری کن. اختیارات دست پدرت می‌باشد [و] هر وقتی می‌خواهید ازدواج کنید، آزاد هستید. بعد از شما سرپرست داود، پدرم می‌باشد و او را خوب تربیت کنید و نماز به او یاد بدهید و نگذارید که ناراحتی بکشد.

از همه قومان و خویشان و همکاران حلالیت می‌طلبم و امیدوارم که مرا حلال کنند. پدر و مادرم و برادرانم! از شما می‌خواهم فقط نگذارید فرزندم ناراحتی بکشد و ناراحت نباشید که اگر کشته شدم چون خداوند فرمود: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**^۸، همه از خدایند و به سوی خدا بازگشت می‌کنند.

خدا یار [و] نگهدار همه شما باشد، خداحافظ.

از عمویم محمدعلی حلالیت می‌طلبم، دعا کنید خدا ما را ببخشد. دیگر عرضی ندارم. همسر عزیز و مهربانم! مرا حلال کن که شما را زیاد ناراحت کردم هرچه بگویم کم گفتم، شما را می‌سپارم دست خدا.

۵. آیه ۳، سوره احزاب: «و بر خدا توکل کن، و همین بس که خداوند حافظ و مدافع (انسان) باشد».

۶. در اصل: مادرم.

۷. در اصل: کشیدن.

۸. در اصل: بشوند.

۹. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره.

فرزند عزیزم [را] می سپارم به خدا و امام حسین.
وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^{۱۰}
رضایم به رضای^{۱۱} خدا.

شهید محمد سالاری

امضاء^{۱۲}

۱۰. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».
۱۱. در اصل: رضایی.
۱۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم
وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ
لِلدِّينِ أَكْبَرُ وَلَا يُبَادِلُهَا دِينًا لَدَيْكُمْ وَلَا تَحِبُّوا
الْأَكْثَرِيَّةَ ۗ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ
وَأَنَّ أَوْلَىٰ لِلدِّينِ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ
وَأَنَّ أَوْلَىٰ لِلدِّينِ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ

وصیت نامه

«یا زهرا»

بسم الله الرحمن الرحيم
وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ
لِلدِّينِ أَكْبَرُ وَلَا يُبَادِلُهَا دِينًا لَدَيْكُمْ وَلَا تَحِبُّوا
الْأَكْثَرِيَّةَ ۗ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ
وَأَنَّ أَوْلَىٰ لِلدِّينِ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ
وَأَنَّ أَوْلَىٰ لِلدِّينِ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ

من برای رفقای خداوند یاری دادین اسلام و قرآن به جبهه
اعزام شدند و هدفی جز به الله ندارم از شما است حزب الله و شهید
به طور خواهم که اسلام با شما نگذارید و راه شهیدان اسلام را
ادامه دهید و از اسلام دفاع کنید و به منافقین اجازه ندهید
که در شهرها تفرقه اندازی کنند با این کار خود مشغول می
گردانند اگر با شما نمانند نگذارید که آنها دشمنان خانواده شهیدان
باشند با اینکه کارشان تفرقه اندازی است از خانواده
شهرها گرفتار می کنند و میگویند به قوی کامه از آتش داغ
هستند
عجب و کس امر فرمندی نیاید شهید - جهاد سازندگی اساتید

بنام تعالی
محمد باقر

بسم الله الرحمن الرحيم
وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ
لِلدِّينِ أَكْبَرُ وَلَا يُبَادِلُهَا دِينًا لَدَيْكُمْ وَلَا تَحِبُّوا
الْأَكْثَرِيَّةَ ۗ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ
وَأَنَّ أَوْلَىٰ لِلدِّينِ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ
وَأَنَّ أَوْلَىٰ لِلدِّينِ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ

از همه شما تقاضا دارم مسجد های خانگی نگذارید نماز بخوانید و در
 دنیا عمل برکت کنید با قبول بر خدا از اسلام دفاع کنید که دفاع
 از اسلام واجب است **دَعْوَةُ اللَّهِ تَكْبَرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَكَنَ الْعَلِيمُ**
 از همه شما می خواهم که امام مانتها نگذارید و ثابت کنید که اهل خوف هستیم
 امام تنها بیاید
 از پیرو مسلمان عزیز و مهربانم که زحمات زیاد را برام کشید من فراموش
 حلال کنید و در صورت جنگ با او گریه نکنید که دشمنان اسلام شما دشمن
 پیرو مسلمان عزیزم از شما می خواهم که در خانه بجا طهر من با رهن سیاه نشینید
 و عروس برادرم احمد و عقب نگذارید از همه شما می خواهم که با من سیاه
 نشینید تا دشمنان شما دشمن شوند پدرم از همه ما خوب نگذارد کسی
 از شما می خواهم که مرا در محل دفن کنید و و از فرزندانم خوب نگذاری
 کسی
 همسر عزیز و مهربانم امیروارم مرا حلال کنید و هر بری دیگری ببخشید
 از شما می خواهم با صبر و استقامت خود مشغول بر دمان یا و دیگر بنیان بزنید
 و از فرزندانم داور خوف نگذارید کسی اختیار دست پدرم
 من پدرم و هر وقتی می خواهم از دواغ کشید آزاد هستید بعد از شما
 سر دست دلود پدرم یا بشو و لولا خوب تربیت کنید و نماز به لویار
 بدهید و نگذارید که ناراحتی بشو

محل ایستاد

۱- وصیت نامه را داخل بیت محضون بنویسید و اسامی خود را در واقع بنویسید
 ۲- وصیت نامه را از تعداد فرزندان یا نگاه مربوطه دریافت نمایند



بسم الله

بزرگواران و عزیزان و همکاران خدایت علی سلم و امیران
که مرا حلال کنند

پدر و مادرم و برادرانم از شما می‌خواهم فقط نذارید فرزندم ناراحت
بکشد و ناراحت نباشد که اگر کشته شدم چون خداوند فرستاده
باشد و ان شاء الله را تا ان شاء الله را چون همه از خدا بترسند و به سر خدا بازگشت کنند

خدا را بزرگواران همه شما با سر خدا حلال است از عمرم هر چه خدایت علی سلم
دادی کشته خدا ما را ببخشید ، دیگر عرض ندارم

همه عزیز و برادرانم مرا حلال کنند که شما از یاد ناراحت کردم هر چه بگویم
که لقمه شما را می‌خورم دست خدا
فرزندم بزرگواران می‌بخارم ، خدا او امام حسین است

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ وَعند ربهم
زندگیز قورق

در مقام به رفقای خدای ، محمد محمدی

مراد سدیدپناه



نام: مراد
نام خانوادگی: سدیدپناه
تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۰۳/۰۹
محل تولد: روستای جغین از توابع شهرستان
رودان
نام پدر: احمد
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۰
محل شهادت: درام الرصاص عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله و ترکش
محل دفن: روستای ده گل کن تابعه شهرستان
زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ به یاری خداوند متعال اعزام به جبهه جنگ می گردم برای انجام فرمان خداوند یکتا، برای سرنگونی کفار در این جنگ.
- ◀ اگر خداوند توفیق شهادت برای این جانب عطا فرمود، سرپرستی خانواده خود را از بالا بدست خدای منان و از پائین به برادرم پنجشنبه سدیدپناه، واگذار می نمایم.
- ◀ از اهالی محترم ده گلکن چه خواهران و چه برادران عاجزانه تقاضا می نمایم که به فرزندان بنده یتیم نگویند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ^۱

اینجانب مراد سدیدپناه، دارنده شناسنامه شماره ۲۵۲، متولد سال ۱۳۳۲، در حین حیات در تاریخ فوق وصیت خویش را می‌نویسم.

بنده در تاریخ یاد شده، به یاری خداوند متعال اعزام به جبهه جنگ می‌گردم برای انجام فرمان خداوند یکتا، برای سرنگونی کفار در این جنگ؛ اگر خداوند توفیق شهادت برای این جانب عطا فرمود، سرپرستی خانواده خود را از بالا بدست خدای منان و از پائین به برادرم پنجشنبه سدیدپناه، واگذار می‌نمایم.

وانگهی بنده یک دفترچه پس‌انداز دارم برای خرجی خانواده و فرزندانم می‌باشد؛ مبلغ ۱۰ هزار تومان. ولی از اهالی محترم ده گلکن چه خواهران و چه برادران عاجزانه تقاضا می‌نمایم که به فرزندان بنده یتیم نگویند؛ زیرا بدرستی که آن‌ها در حق، یتیم نیستند بلکه فرزندانم را به فرزند شهید خطاب نمایند که برای دیگران درسی باشد و تبلیغی باشد و این یک افتخاری است که خداوند به فرزندان شهدا نصیب گردانیده است. والسلام علیکم ورحمه الله^۲ و برکاته.

به امید پیروزی اسلام بر کفار. این چند کلمه جهت یادداشت^۳، قلمی گردید.

برادر مراد سدیدپناه

امضاء^۴

۱. آیه ۱، سوره نصر: «چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد».

۲. در اصل: اله.

۳. در اصل: یادداشت.

۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

شماره
تاریخ ۹/۱/۱۳۹۱
پست



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۶۱۱۱۵۵۲۳
مواد سندید پناه

ایمنا ب مراد سید پناه دارنده ثنا شماره

شماره ۲۵۲ متره سال ۱۳۳۲ در حین حیات در تاریخ وفات و وصیت نامه نیز در این نامه

بقیه در تاریخ یاد شده به یاد خداوند متعال اعظم به جبهه جنگ می گردم برای انجام فرمای
خداوند کلمات بر سر کنگونی گفتم در این جنگ اگر خداوند توفیق شری دست بر آید
ایست فرمود سر بر سر خانواده خود را از بالا خدا ^{خداوند} ^{بیت} نشان و از پایشین برادر

و جنبه سید پناه و آن زمان نام و آن گوی بنده یک دفتر چه پندار دارم بر سر
خرم خانواده و فرزندانم باشد مبلغ ^{از هر دو سال} ^{در این} ^{قرارداد} ^{مطلوب}
چه خواهان و چه برادران عاجزان و تقاضای ما نام که به فرزندان بنده ^{تقسیم} ^{بند} ^{زیر} ^{این}
در حق ^{بیت} ^{بنده} ^{فرزندان} ^{را} ^{به} ^{فرزندان} ^{که} ^{در} ^{حق} ^{است}
باشد و بقیه باقی و این یک افتخار است که خداوند به فرزندان شهیدان
گردانیده است ^{سلام} ^{علیکم} ^و ^{رحمت} ^{الله} ^{بر} ^{کاف} ^{است} ^{به} ^{ایم} ^{پس} ^{در} ^{اسلام} ^{بر} ^{گفتم}

این چند کلمه جهت یادگاری است علمی گردید



برادر مراد سید پناه

حسن سعایی پور سکل



نام: حسن
نام خانوادگی: سعایی پور سکل
تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۰۷/۰۱
محل تولد: روستای سکل از توابع شهرستان
رودان
نام پدر: غلام
نام مادر: فضا
تحصیلات: دوم نهضت سوادآموزی
شغل: کارگر
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۳/۰۶
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله به قلب
محل دفن: در جوار مسجد صاحب الزمان
زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ از شهادت باکی نیست، اولیای ما هم یا شهید شدند یا مسموم شدند یا مقتول شدند.
- ◀ شهادت انتخابی است آگاهانه و شهید گزینش گری است متعهد و مسئول، که گذرگاه شهادت را بر مبنای ویژگی‌ها و نیاز زمان خویش برای رسیدن به هدف الهی خویش بر می‌گیرند.
- ◀ برادرم! به دوستانم بگو که شهادت من یک پیروزی است و پیروزی ما، پیروزی اسلام است و پیروزی اسلام بر همه مبارک باشد.
- ◀ امیدوارم که خداوند پیروزی نهائی را هر چه زودتر نصیب اسلام و مسلمین کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر حسن سقائی

مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ رَسُولِ أَكْرَمِ (ص)

هیچ قطره‌ای در مقیاس حقیقت و در نزد خدا از قطره‌ی خونی که در راه خدا ریخته

شود، بهتر و محبوب‌تر نیست.

از شهادت باکی نیست، اولیای ما هم یا شهید شدند یا مسموم شدند یا مقتول شدند؛

اولیای ما بعضی از آنها در حبس و بعضی از آنها در تبعید بسر بردند؛ برای اسلام هر چه

بدهیم کم داده‌ایم و جان‌های ما لایق نیست.

شهادت انتخابی است آگاهانه و شهید گزینش‌گری است متعهد و مسئول، که گذرگاه

شهادت را بر مبنای ویژگی‌ها و نیاز زمان خویش برای رسیدن به هدف الهی خویش بر

می‌گیرند؛ زیرا که شهید همواره عملش در حرکت تکاملی تاریخ برای رسیدن به الله و

حکومت صالحان و مستضعفان تشکیل می‌گردد.

این بار اسلام برای رسیدن به این مقام احتیاج به ما دارد که بر علیه دشمن بجنگیم و چه

ما را بکشند یا بکشیم پیروز هستیم.

من دیگر نمی‌توانم زنده بمانم و حاکمیت کفار از خدا بی‌خبر را بر سر مردم ملتمان

تحمل کنم و باید به کمک دیگر رزمندگان برای ستیز برخیزم و اسلام را در کشورمان برقرار

کنیم.

وصیتی دارم برای خانواده‌ام که اگر من در راه خدا کشته شدم و شهادت نصیبم شد

برای من گریه و زاری نکنید، چون این راهی که من انتخاب کرده‌ام وظیفه هر مرد مسلمان است. مردن برای همه هست چه خوب است که در این راه باشد.

دویست تومان از موسی زارعی پور قرض کرده‌ام و از شما خواهش دارم بچه‌هایم را شما نگهداری کنید و آن زمین دامنه که دارم برای خانه دو نفر از بچه‌ها بدهید و اگر این خانه [را] می‌توانند هر سه نفر باهم بسازند، اشکال ندارد و برادرم خلیل نخل‌هائی [را] که باهم خریدیم حق فرزندانم را بدهید.

والسلام

حسن سقایی

مورخه ۶۵/۲/۲۳

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۲

من حسن سقایی وصیت‌نامه خود را با نام خدائی که ما را خلق کرده، شروع می‌کنم. اگر سعادت شهادت نصیب شد، این وصیت را به خانواده خودم دارم، که ناراحت نباشید که من شهید شده‌ام، بلکه خوشحال باشید و جشن بگیرید و شربت و شیرینی بدهید که باعث شادی روح من می‌شود.

وصیتی که به مادرم دارم این است که مادر جان! برای من گریه مکن که شهید گریه ندارد؛ مادرم! هروقت که بیاد من افتادی و اگر سر قبر من آمدی و بالای [سر] جسد من آمدی، خواستی گریه بکنی، به ذکر امام حسین (ع) بیا و بیاد علی اکبر و ابوالفضل و بیاد همه شهیدان [باش] و بعد اگر خواستی گریه بکنی برای آن‌ها گریه کن نه بخاطر من و اگر خواستی، من را عفو کن؛ مادر جان! بعد از نماز و دعا از خدا بخواه که من را ببخشد چون من خیلی گناه کرده‌ام و تو ای برادرم! شما به مادرم و خانواده‌ام بگو که برای من گریه نکنند

۲. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».

و از خدا برای آن‌ها صبر بخواه.

برادرم! به دوستانم بگو که شهادت من یک پیروزی است و پیروزی ما، پیروزی اسلام است و پیروزی اسلام بر همه مبارک باشد.

مادرم و خانواده‌ام! شما گوش به حرف‌های منافقین ندهید و به رادیوهای بیگانه گوش نکنید و همیشه بفرامین امام امت گوش فرا دهید.

امیدوارم که خداوند پیروزی نهائی را هرچه زودتر نصیب اسلام و مسلمین کند. ای فرزندانم! اگر من شهید شدم، شما باید راه پدر خود [را]، ادامه دهید و مرا در بهشت زهراى جدید دفن کنید.

امیدوارم که اولین شهید سکل، من باشم؛ و دست از امام برندارید و همیشه بگوئید خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

کشته گشتم من اگر در جبهه‌ای هم سنگرم این پیام از من بیر نزد خمینی رهبرم
امر و فرمان شما را من پذیرفتم زجان سوی جبهه آمدم ای حامی مستضعفان

والسلام



مرکز اسناد و انتشارات
بنیاد فکری



نام خانوادگی حسین سقایی
فرزند محترم تاریخ ۲۲/۲/۱۳۸۶



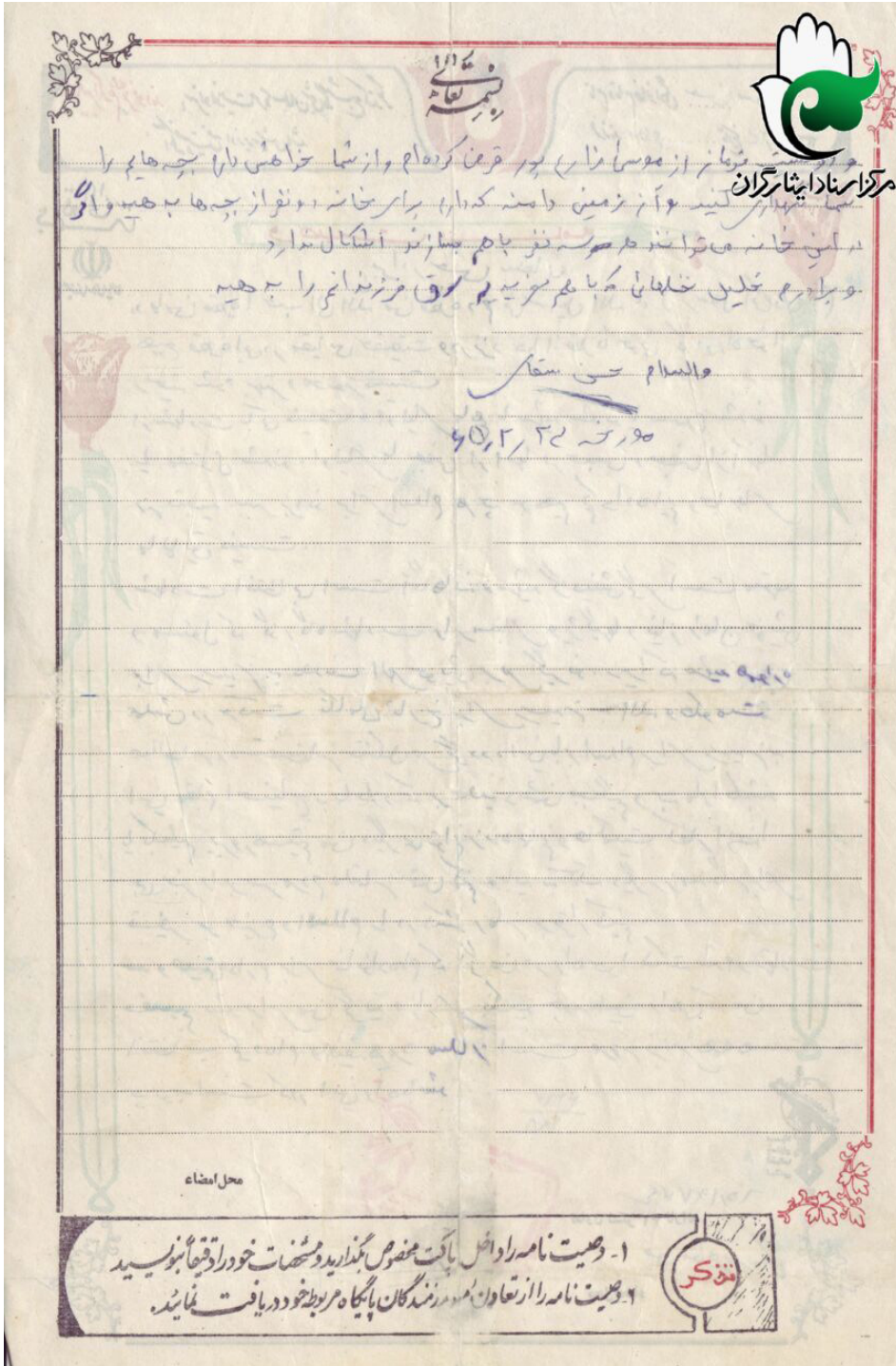
این روز ایزیت مردم مسلمان بی شریک کند
الحمد لله و استغفر له

فصلت نامه

برادر حبی سقایی
«ما بی عقده ا حبه الی الله من عقده دم من سبیل الله» (رسول آرم و صی)
هیچ عقده ای در مقیاسی حقیقت و در نزد خدا از عقده خوبی که در راه خدا
رشته نشود بهتر و محبوبتر نیست
از سگهاست یا کن نیست و اولیا با هم با سینه سگ نه با مسرم سگ نه
یا مقتول شدن و اولیا با بعضی از آنها در حبس و بعضی از آنها
در تبعید بسر بردند برابر اسلام هر چه بودیم کم داده ایم و جانها را
پایا بق نیست.

سگهاست انتظاری است آگاهانه و سرگرد گزینشی گم است معتقد
و مسئول که در نگاه سگهاست راز سبیل و در گلهها و نیاز زمان خوبی
برابر رسیدن به هدف الهی خوبی بر سر گیرند زیرا که سگها همواره
محسوس در حرکت تکاملی تاریخ برابر رسیدن به الله و حکومت
صالحانه و مستوفیانه تشکیل می گردد. این باور اسلام برابر رسیدن به
این مقام احتیاج به ما دارد که بر علیه دشمن بجنگیم و سینه ما را بکشند
یا بکشیم بیرونی هستیم من دیگر نمی توانم نرنده بمانم و خاکست کنار از خدا
بی خبر را بر سر مردم همتا نمی گنم و باید بکند دیگر ز منم خانم برابر
تغیر بر حیزم و اسلام را در کشورمان برقرار کنیم
حد و حیثیتی داریم برابر خانواده ام که اگر من در راه خدا شکست شده و سگهاست
دفعیم سگ برابر من نگرد و برابر بکشند چون این راهی که من
انتخاب کرده ام و طبعه مردم مسلمان است هرگز برابر همه هست
بیتوب است که در این راه با سگ

۴۲۷
۱۸۸
۲۵/۱۹۷۶
تعاون لنگر ۴۱ تاراه
حسن سقایی پور سکل
محل امضاء



بسم الله الرحمن الرحیم

مرکز اسناد ایثارگران

والسلام علی من اتبع الهدی

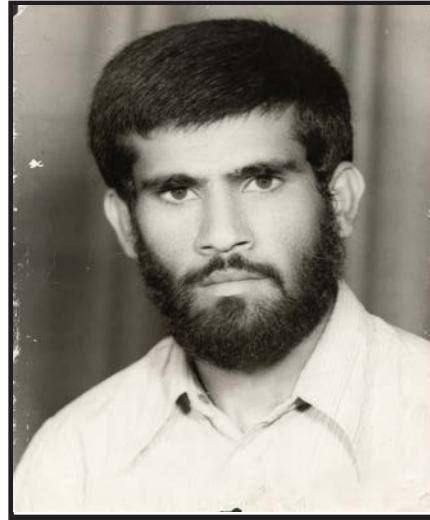
۱۳۵۲، ۲، ۲۲

محل امضاء

۱- وصیت نامه را در اصل بابت مخصوص بندها و مشخصات خود را قیماً بنویسید
۲- وصیت نامه را از تعاون بندها و فرزندان با یکجا مربوط خود دریافت نمایید

تذکر

صمد سلامتی هرمزی



نام: صمد

نام خانوادگی: سلامتی هرمزی

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۰۱/۰۱

محل تولد: جزیره هرمز تابعه شهرستان قشم

نام پدر: علی

نام مادر: زهرا

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۷/۳۰

محل شهادت: مریوان

نحوه شهادت:

محل دفن: تانکون اثری از پیکرش به دست

نیامده است. مزار یادبود او در بهشت زهرا

زادگاهش قرار دارد.

گلچین وصیت نامه

- ◀ مادرم! فقط چند کلمه وصیتی دارم که شاید دیگر برنگردم و اگر لطف خدا شامل حال مان شد و این توفیق [را] پیدا کردم که شهید شوم. مبدا ناراحت باشی و باید خوشحال باشی و شکر خدا را بجا آوری.
- ◀ بفکر بچه هایم باشید؛ که مبدا دچار انحراف گردند، از همین حالا راه اسلام و قرآن و امام حسین [را] بطور صحیح یادشان بدهید.
- ◀ اگر جنازه ام مفقود شد، خوشحال باشید و شکر خدا را بجا آورید و اگر بدست شما رسید هر جا که صلاح دانستید، دفن نمائید.

بسم الله الرحمن الرحيم

يَاكَ نَعْبُدُ وَ يَاكَ نَسْتَعِينُ^۱
يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا^۲
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحَسِينِ^۳

با حمد و ثنای خداوند متعال و با درود بر رسول گرامی اسلام و بر اهل بیت عصمت و طهارت. مادرم! فقط چند کلمه وصیتی دارم که شاید دیگر برنگردم و اگر لطف خدا شامل حال مان شد و این توفیق [را] پیدا کردم که شهید شوم. مبادا ناراحت باشی و باید خوشحال باشی و شکر خدا را بجا آوری؛ و تو ای خواهرم و همسر مهربانم! برای رضا [ی] خدا صبر کنید تا فردای قیامت در پیشگاه حضرت زهرا و حضرت زینب روسفید و سرافراز باشید؛ بفکر بچه‌هایم باشید؛ که مبادا دچار انحراف گردند، از همین حالا راه اسلام و قرآن و امام حسین [را] بطور صحیح یادشان بدهید.

از همه شماها حلالیت می‌طلبم و مرا ببخشید؛ به همه قوم و خویشان توصیه می‌نمایم که مرا ببخشند و برای آمرزش گناهانم دعا کنند.

اگر قرضی دارم، آن را بپردازید؛ و یک‌ماه برایم هرکسی توانست روزه بگیرد و ۲ ماه نماز بخواند؛ و ۱۰۰۰ تومان پول به جبهه بفرستید و ۱۰۰۰ تومان به مسجد بدهید.^۴
راستی اگر جنازه‌ام مفقود شد، خوشحال باشید و شکر خدا را بجا آورید و اگر بدست شما رسید هر جا که صلاح دانستید، دفن نمائید؛ و امام را دعا کنید؛ از امام زمان بخواهید که

۱. آیه ۵، سوره حمد: «پروردگارا! تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم».
۲. بخشی از آیه ۷۳، سوره نساء: «ای کاش من با آنان بودم و به کامیابی بزرگی دست می‌یافتم».
۳. فرازی از زیارت عاشورا: «سلام بر ابا عبدالله حسین (ع)».
۴. در اصل: بدهند.

از خدا بخواهد که مرا قبول نماید.

خدایا بعظمت حسین ما را حسینی بمیران.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

والسلام

صمد سلامتی

۶۲/۷/۲۰

وصیت نامه‌ای که در عملیات والفجر ۳ نوشتم و این وصیت نامه قابل قبول بنده می باشد.

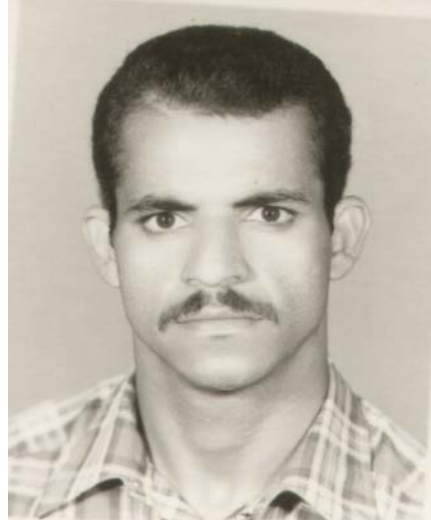
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّبِّ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 اَللّٰهُمَّ زَيِّدْ لِيْ قِيَمًا وَاِيَاكَ تَسْتَقِيْمًا
 يَا لَيْتَنَا لَمَّا مَعَتْ فَوْرًا عَفِيًّا: السلام علیک یا ابا عبد الله الحسین

با حمد و ثنای خداوند متعال و با درود بر رسول گرامی اسلام و بر اهل بیت عصمت و
 الطهارت - ما در صفت فقدها چند کلمه و صیتی دارم که شاید دیگر نبردیم و اگر
 لطف خداست اهل حالمان که و این تو شوق پیدا کردم که هرگز منوم، سبب انوار است
 باشی و باید خوشحال باشی و شکر خدا را بجا آوری. و تو آبی خواهرم و همسر من
 برای رضا خدا صبر کنی و افرادی میامت در همیشه حضرت زهرا و حضرت
 زینب رو عقیده و سزاوار باشی. بگریم با هم با همه که صبار و دچار انحراف
 شدند از همین حالا راه اسلام و قرآنی انجام حسین بفرمایید صبر کنید و در
 زهد شما خدا دلالت می طلبم و مرا ببخشید به همه قوم و خویشان تو صبر
 انجامیم که مرا ببخشند و برای آمرزش گناهانم دعا کنند. اگر قرصی دارم که از
 پروانه زید و کلیمه برایم هرگز تو نیست روز بگیرد و ۴۰ ماه نماز بخوانی
 و ۱۰۰۰ تومان پول به جبهه بفرستی و ۱۰۰ تومان به مسجد بدهند. را می
 اگر چنانچه زهرا م صفت خود شام با همه و شکر خدا را بجا آوری و اگر به دست
 می رسید در جا که صلاح دانستید دشمن شما کنید و دو اقامه را دعا
 کنید. از امام زمان بخواهید که از خدا بخواهد که مرا قبول نماید.

خدا یا بفرست حسین ما را حسین پیران خدا یا خدا یا تا انقلا

محمدی حسینی را نگردد از (سلام و السلام) محمد صد می ۲۰/۷/۲۰
 وصیت نامه ای که در عیالات و الفریه نوشتیم و این وصیت نامه قابل قبول به ۵۰ ساله

قبر سلمانی



نام: قنبر
نام خانوادگی: سلمانی
تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۰۱/۰۱
محل تولد: روستای برنطین تابعه شهرستان رودان
نام پدر: حسن
نام مادر: خدیجه
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۵
محل شهادت: خرمشهر
نحوه شهادت: اصابت ترکش به گردن
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ جای بسی شکر است که توفیق الهی نصیب من شد که بیایم در کربلای خوزستان با دشمنان اسلام و قرآن مبارزه کنم و با این عملم بتو فرزندم راه زندگی کردن را بیاموزم.
- ◀ وقتی بسنی رسیدی که باید وظیفت را انجام بدهی سعی کنی مادرت را از خودت نرنجانی، به خواهرت درس زندگی را بیاموزی و مردانه زندگی کنی همانطور که علی (ع) زندگی می کرد و شجاعانه مبارزه کنی همانطور که سربازان صدر اسلام مبارزه کردند و سرافراز بمیری همانطور که راه روان خط سرخ شهادت کردند که حسین (ص) سالار شهیدانست.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده مهربان

مورخ ۶۱/۲/۱۲

وصیت نامه

اکنون که بیاری خدا عازم^۱ جبهه ها هستم تا با این جسم ناتوانم خدمتی کنم، پیاسداری خون شهیدان از همه خواهران و برادران تقاضا می کنم که به فرمان رهبر کبیر انقلاب حضرت آیت الله خمینی گوش فرا دهند و دستورات و اوامر ایشان را اجرا کنند و در این راه که همان راه خداست هیچ گونه کوتاهی نکنند و اگر مورد قبول درگاه خداوند تبارک و تعالی قرار گرفتیم و شهید شدیم مرا در محل زادگاهم برنطین دفن کنند. همان جایی که در وصیت نامه ای که به پدر و مادرم و اهل محل نوشتم، چون فرصت کم است به همین جا اکتفا می کنم.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

قنبر سلمانی

امضاء^۲

[وصیت نامه ای دیگر]

۱. در اصل: آزم.

۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

این نامه باید بماند تا زمانی که پسرم بزرگ شود.

فرزند دلبندم امید جانم! بقرابت شود بابات، [...] در کنار مادرت آرام بنشستی و من در سنگر جبهه، دور از مادرم هستم؛ پسر عزیزم! من اکنون در سنگری هستم که چند روز پیش عراقی‌ها در این سنگرها بودند با یاری خدا و همت^۴ برادرها [ی] رزمنده عراقی‌ها مجبور شدند، عقب‌نشینی کنند؛ بگذریم فرزندم هنوز این حرف‌ها برای تو زود است آن چیزی که می‌خواهم بگویم این است، فرزندم [...] اکنون که زمانی پیش آمده که بابات به آرزوی زمان طفولیت^۶ خود که جنگ علیه کفر است برسد، جای بسی شکر است که توفیق الهی نصیب^۷ من شد که بیایم^۸ در کربلای خوزستان با دشمنان اسلام و قرآن مبارزه کنم و با این عملم به تو فرزندم راه زندگی کردن را بیاموزم؛ پسرم! قبل از این که ازدواج کنم همیشه به این فکر بودم که اگر ازدواج کنم و خداوند بمن پسری عنایت فرماید با این جامعه کثیف و در زمان این حکومت فاسد پهلوی تکلیفم و تکلیف پسرم چه می‌شود، ولی از آنجائی که لطف خداوند تبارک و تعالی همیشه شامل حال بندگانش هست در این رژیم ازدواج کردم و در این حکومت صاحب پسر شدم پس تا این جا به دو آرزویم رسیدم و اما آرزوی بعدی فرزندم این است که وقتی به سنی رسیدی که باید وظیفه ات^۹ را انجام بدهی سعی کنی مادرت را از خودت نرنجانی، به خواهرت درس زندگی را بیاموزی و مردانه زندگی کنی همان طور که علی (ع) زندگی می‌کرد و شجاعانه مبارزه کنی همان طور که سربازان صدر اسلام مبارزه کردند و سرافراز بمیری همان طور که راه روان خط سرخ شهادت کردند که حسین (ص) سالار شهیدانست.

۳. ناخواناست.

۴. در اصل: حمت.

۵. «که» حذف شده است.

۶. در اصل: طفولیت.

۷. در اصل: نسیب.

۸. در اصل: بیایم.

۹. در اصل: وظیفه.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

پدرت قنبر سلمانی

امضاء^{۱۰}

۶۱/۲/۲۶



مرکز اسناد و ایثارگران اوند بنیاده هرمزبان

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

۵۳
موضوع ۱۲/۲/۹۱

آنکون که بیاری خدا آنم جسدیه ها هتم تا با این جسم نازانم
 خدمت کنم بیاداری خون شهیدان ^{قنبر ۱۶۱۱۶۱۶۶}
 ازها خواهران و برادران تقاضا میکنم که به زمان رهبر کبیر انقلاب
 حضرت آریه الله همین گوش فرادهند و دستورات و اوامر ایشانرا
 اجرا کنند و در این راه که همان راه خداست هیچگونه کوتاهی نکنند
 و اگر مورد قبول درگاه خداوند تبارک و تعالی قرار گرفتیم و شهید شدیم
 برادر محبت خود زادگاهم بر لطفین دفن کنند

همان جا شیده در وصیت نامه آنکه به پیدومادرم و اهل محل نروتم
 چون فرصت کم است به همین جا التماس میکنم

وسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته



قنبر سلمانی

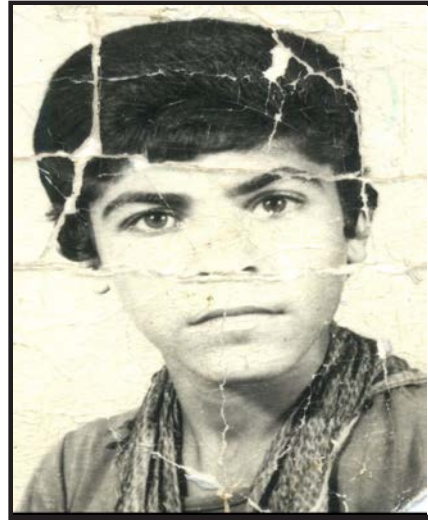


بسم الله الرحمن الرحيم

روز نهم دلبندم امید جهانم بقرائت شود بیانات
 در راه ایثارگران کتار مادت گرام نفسی = ومن در سنگریه دور از مادرم هفتم
 چه غمیزم من اکنون در سنگریه هفتم که چند روزی عراقیها در این سنگرها بودند بیا بر خدا و رحمت برادرهای
 رزمنده عراقیها مجبور شدند عقب نشینی کنند بگذریم روز نهم این حرفها برای توجیحات آن جنوری که ما خواهم
 بگویم این است روز نهم که اکنون که زمان پستی آمده که بیانات با آن روز در زمان طفولیت خود که جنگ
 علیه کوز است برسد جای پس شکر است که توفیق الهی نسبت به ما که بیانیم در کربلا ای خورستان
 با دشمنان اسلام و توکل مبارزه کنیم و با این عمل بتو روز نهم راه زندگی کردن ایسا موزم بپریم قبل از اینکه
 از دواج کنیم همیشه به این فکر بودم که اگر از دواج کنم و خدا او را بمن پیری عنایت فرماید با این جامعه کثیف
 و در زمان این حکومت فاسد بچلوسی تللیفم و تللیف بپریم چاهم شود و آن که بجای آنکه لطف خداوند
 تبارک و تعالی همیشه شامل حال بنده کثیف است در این رژیم از دواج کردم و در این حکومت صاحب پرستم
 پس تا اینجا با دو روز و نیم رسیدیم و اما آن روزی بعد از نهم این است که وقتی سن رسیدیم که باید
 تکلیف را انجام بدهیم سفر کنی مادرت را از خودت رنجانا با خواهرت در سن زندگی را بیاموزی و مردانه زندگی
 کنی همانطور که علی (ع) زندگی کرد و شجاعانه مبارزه کنی همانطور که سر بازان صدر اسلام مبارزه کردند
 و سرانجام بپرسی همانطور که راه روان حفظ سرفراز شهادت کردند که حسین (علیه السلام) سالار شهیدان است

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته ۹۱،۲،۲۹ پدرت قنبر سلمان

غیب‌الله سلیمانی احمدی



نام: غیب‌الله

نام خانوادگی: سلیمانی احمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۰۱/۰۱

محل تولد: روستای قلعه از توابع شهرستان

حاجی آباد

نام پدر: عباس

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: اول راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۱/۲۲

محل شهادت: زبیدات عراق

نحوه شهادت:

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت‌نامه

- < اگر ان شاء الله شهید شدم در گلزار شهدای بندرعباس بخاکم بسپارند.
- < خوشحال باشید که فرزندی و برادری در راه اسلام و قرآن و میهن اسلامی داده‌اید.
- < هدف من به جبهه رفتن فقط برای خدا و استقرار جمهوری اسلامی در سراسر جهان و بیرون آوردن کشورهای اسلامی از زیر سلطه کشورهای بزرگ و جهان‌خواران در جهان و کمک به سربازان امام زمان در خط مقدم جبهه [است].

بسم الله الرحمن الرحيم

۶۱/۱۰/۲۱

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی خمینی بت شکن، با عرض سلام بر شهدای صدر اسلام تا انقلاب خونین ایران و سلام بر ملت شهیدپرور و بازماندگان شهدای انقلاب اسلامی ایران.

من در این جا چند سخنی دارم می نویسم:

- ۱- وصیت می کنم اگر ان شاء الله شهید شدم در گلزار شهدای بندرعباس بخاکم بسپارند.
- ۲- پدر و برادرانم! همان طور که روزی من به جبهه می رفتم خوشحال بودید پس از مرگم امیدوارم همان طور خوشحال باشید که فرزندی و برادری در راه اسلام و قرآن و میهن اسلامی داده اید؛ همیشه قرآن بخوانید؛ در نماز جمعه شرکت کنید و دعای کمیل بخوانید و شرکت نمائید و پیرو خط امام و ولایت فقیه بوده باشید؛ ان شاء الله اگر خواستید گریه کنید فقط برای خدا و [...] نه برای اعتراض جمهوری اسلامی و جنگ تحمیلی.
- ۳- هدف من به جبهه رفتن فقط برای خدا و استقرار جمهوری اسلامی در سراسر جهان و بیرون آوردن کشورهای اسلامی از زیر سلطه کشورهای بزرگ و جهان خواران در جهان و کمک به سربازان امام زمان در خط مقدم جبهه [است]، دیگر عرضی ندارم و شما هم همیشه با ما این دعا را بکنید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفز.

والسلام علیکم و رحمته الله و برکاته

غیب الله سلیمانی - امضاء^۲

۱. ناخواناست.

۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



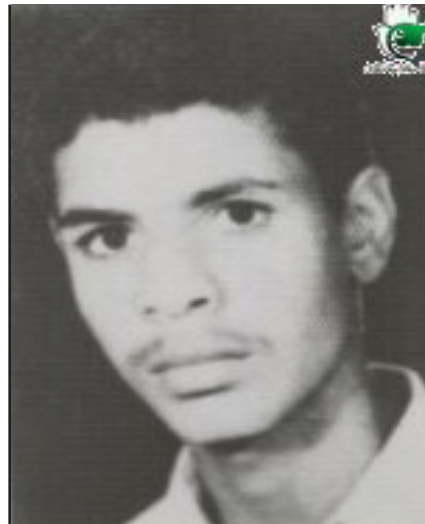
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲۱/۱۰/۹۱

مرکز اسناد آیتامیرزاان
 تا انقلاب خونین ایران و سلام بر ملت شهید پرور و بازماندگان شهدای انقلاب اسلامی ایران
 من در اینجا چند مسئله دارم می نویسم ۱- وصیت منم اگر انشاء الله شهادت من در نبرد شهدای
 نبرد علوی بنامک بسیار نه ۲- پیر و برادرانم همان طور که روزی من به جبهه می رفتم خوشحال بودید
 پس از منم امیدوارم همان طور خوشحال باشم که فرزندی و برادری در راه اسلام و قرآن و
 مسیحین اسلام داده ای همیشه قرآن بخوانید، در نماز جمعه شرکت کنید و دعای کسب بخوانید و شکر کنید
 نماز و پیروی خط امام و ولایت ^{فقیه} بوده باشد انشاء الله الرحمن الرحیم گریه کنید فقط
 برای خدا و خواب نه برای اعتراض جمعی از مسلمانان و صیغ ^{فصلی} ۳- هدف من به جبهه رفتن
 فقط برای خدا و استقرار جمهوری اسلامی در سراسر جهان و بیرون آوردن کشورهای اسلامی از زیر
 سلطه کشورهای بزرگ و جهانواران در جهان و کمک به سربازان امام زمان در خط مقدم جبهه
 دیگر عرض ندارم و شما هم همیشه با ما این دعا را کنید. خدا یا خدا یا تا انقلاب - مهدی خدای را
 نگارید از عمر ما کلاها بر عمر او بیفزاید و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

غیب الله سلیمانی



هوشنگ سهرابی



نام: هوشنگ

نام خانوادگی: سهرابی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱۲/۲۴

محل تولد: روستای دهباز از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: محمد

نام مادر: حکیمه

تحصیلات: دانش آموز دوم متوسطه در رشته

تجربی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۳/۰۶

محل شهادت: فاو عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سروصورت

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ مرا اگر ممکن بود، کنار دوست عزیزم یعقوب ابراهیم نژاد دفن کنید.
- ◀ پدر و مادر عزیزم! در فراغ من غصه نخورید و بی تابی نکنید که دشمن شاد می شود.
- ◀ مادر عزیزم! می دانم می خواستی و آرزو داشتی لباس دامادی بتم پوشانی، این را بدان که لباس دامادی خود را که همان کفن است [...]، پوشیده ام.

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود بر حضرت مهدی (عج) و سلام بر امام امت و خانواده محترم شهداء، حال که به مهمانی خداوند قادر دعوت شده‌ام و به ندای امام حسین (ع) لبیک گفته‌ام و به فرمان امام خمینی به جبهه حق علیه باطل شتافتم و جرعه شیرین شهادت را نوشیده‌ام، جهت خانواده محترم کلامی چند دارم که امیدوارم به این خواسته‌های من جامه عمل بپوشانند. اول از همه مرا اگر ممکن بود، کنار دوست عزیزم یعقوب ابراهیم‌نژاد دفن کنید.

پدر و مادر عزیزم! در فراغ من غصه نخورید و بی‌تابی نکنید که دشمن شاد می‌شود. حال که من به این راه رفته‌ام، با کمال افتخار به این راه قدم برداشته‌ام؛ پس اگر می‌خواهید من راحت باشم به دیگران سفارش کنید که خط آل رسول (ص) که همان راه سرخ شهادت است را ادامه دهند و همان‌طور که قرآن کلام الله فرموده است: جنگ، جنگ تا رفع فتنه از عالم را ادامه دهند.

مادر عزیزم! می‌دانم می‌خواستی و آرزو داشتی لباس دامادی بنم بپوشانی، این را بدان که لباس دامادی خود را که همان کفن است [...]، پوشیده‌ام؛ پس مادرم مرا ناکام مشمارید چون بکامم رسیدم و شربت گوارای شهادت را نوشیدم و افتخار آن را امیدوارم داشته باشم که سرباز آقا امام زمان شده باشم.

از خواهران عزیزم می‌خواهم اگر مرا دوست دارند، هرچه بیشتر به اسلام روی بیاورند و فرزندان‌شان [را] سربازان امام زمان بار بیاورند و دختران‌شان را هم چون زینب کبرا (س) تربیت کنند و از برادران عزیزم می‌خواهم که به تحصیل پردازند تا ان‌شاءالله مملکت ما از

۱. در اصل: جامعه.

۲. «را» حذف شده است.

نظر متخصص به بیگانه بی نیاز گردد.

از همه التماس دعا دارم. فقط از همه خواهش می کنم در سر نمازها و دعاها، دعا
بجان امام عزیز و پیروزی رزمندگان و آزادی اسیران و خبر شادی از مفقودین و شفای
عاجل برای مجروحین و معلولین یادشان نرود و از همه می خواهم که اسلام مظلوم را یاری
کنند.

والسلام علیکم

هوشنگ سهرابی

امضاء^۳

۶۵/۲/۲۳

۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نام خانوادگی: **جویند سهرابی**
 فرزند: **محمد** ... تاریخ: **۲۲ آذر ۱۳۶۵**



این وصیت نامه از سوی **شهید سهرابی** در تاریخ **۲۲ آذر ۱۳۶۵** در شهر **اصفهان** تنظیم گردید.

مرکز اسناد و ایثارگران
 بسم الله الرحمن الرحیم
 جمهوری اسلامی ایران

وصیت نامه

با سلام و درود بر حضرت مهدی (عج) و سلام بر امام است و خاندان
 محترم شهدا حال که به مقامی خداوند قادر دعوت شده‌ام و به نواس
 (امام حسین (ع) است لفته ام و به زبان امام خمینی به حیره حق علی
 باطل شقاقتم و هر چه شیرین شهادت را نوشیده ام جهت
 خدا دارم محترم کلامی عهد دارم که امیدوارم به این خواسته ها
 من جاسعه محل بیوت تنه اول لزه مرا اگر ممکن بود کن دست
 عزیزم یعقوب ابراهیم زوار دفن کنید پدر و مادر عزیزم در فراغ من
 تحضه بخورید و بی تابمان کنید که دشمنان من می شود حال که من به این راه
 رفته ام با کمال افتخار به این راه قدم برداشته ام پس اگر می خواهید
 من راحت باشم به دیگران سفارش کنید که خله آن بول (ص)
 که همان راه سرخ شهادت است را ادامه دهند و هر چه نظر کرد
 قرآن کلام ا... فرموده است جنگ جنگ تار و فتنه از عالم
 را ادامه دهند تا در غم من دامن برخواستنی خواهد بود و استی

تعاون لشکر ۴۱ تارا

محل امضاء



۲۷۲۹
۱۲۱

۶۵۱۲۰۴۸۴

هوشمند سهرابی



مرکز اسناد و انتشارات گران



بسم الله الرحمن الرحيم

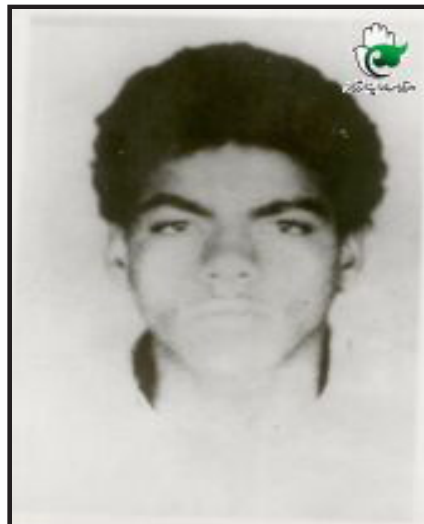
بسم الله الرحمن الرحيم بیستمین سالگرد (این یادمان که لباس دامنش خود را که همان کفن
است را پوشیده ام من می مادرم برانگام مستماری چون کجا هم رسیدم
و شربت کورایم شکر است را نوشیدم و افتخار آن را امیدوارم داشته باشم
که سر بر آقا امام زمان زنده شده به رسم از خواهران عزیزم می خواهم اثر برادری
دارند هر چه بیشتر به اسلام روی بیاورند و فرزندانشان سر به زان امام زمان
بار بیاورند و دخترانشان راه چون زینب کبری (س) تربیت کنند و از برادران
عزیزم می خواهم که به تحصیل بپردازند تا انشا الله... سلطت ما از نظر تخصص به
بیستانی بی نیاز گردد از همه اللهم دعایم فقط از همه خواهری که کم
ند سرنگازها و دعاها دعا بجان امام عزیز و پیروزی روز منتهای آن و آرزوی ایران
و خیرش را از مسعودین و شفای عاجل برار محرابین و معلولین یارشان
شود و از همه می خواهم که اسلام مظلوم را یاری کنند

والسلام علیکم هوشنگ سهرابی

محل امضاء: ۶۵۲۲۳

۱. وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنمایید و مشخصات خود را دقیقاً بنویسید
۲. وصیت نامه را از تعداد مورد نیازمندان یا گماهی مربوطه خود دریافت نمایند.

عبدالله سیادی جغین



نام: عبدالله

نام خانوادگی: سیادی جغین

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۰۷/۰۱

محل تولد: روستای جغین از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: غلامحسین

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: دانش آموز اول راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۴

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت:

محل دفن: روستای جغین شمالی تابعه شهرستان

زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ ای مادرا! خودت بگوی اگر من و دیگران به جبهه نرویم پس چه کسی به جبهه می رود که از دین و قرآن، شرف و ایران گلگون کفن دفاع کند.
- ◀ ای برادرا! اگر شهید شوی، باز هم پیروزی. زیرا حق همیشه پیروز است و باطل نابود است.
- ◀ ای خواهر عزیز! حجاب شما کوبنده تر از خون من است. شما با حجاب خود می توانی ضربه محکمی بر دهان متجاوز بعثی بزنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

درود و سلام خدا و رسول او بر پر افتخار امام و امت شهیدپرور تمام عزیزان رزمنده و پیکارگران شهادت طلب جبهه های فی سبیل الله.

ای پدر و مادر عزیزم! درود خدا بر شما که مرا به جبهه فرستادید. ای پدر و مادر عزیزم! اگر من شهید شدم به همه قوم و اقوام بگوئید گریه نکنید و من که به جبهه رفتم، ای مادر و پدرم! دعا کنید برنگردم. مگر من بهتر از علی اکبر و علی اصغر بودم؟ ای مادر! تو که زحمت خود برای من کشیدی و من را بزرگ کردی من را حلال کن و من را ببخش. من از خداوند و رسول خدا و حضرت زهرا می خواهم که شما و پدرم را اجر بدهد. ای مادر عزیزم! حق داری گریه کنی چون من را از کوچکی شیردادی و بزرگ کردی. ای مادر! خودت بگوی اگر من و دیگران به جبهه برویم پس چه کسی به جبهه می رود که از دین و قرآن، شرف و ایران گلگون کفن دفاع کند. از برادرانم می خواهم که سنگر من خالی نگذارید و سلاح من این تیربار بر زمین نیفتد. ای برادر! اگر شهید شوی، باز هم پیروزی. زیرا حق همیشه پیروز است و باطل نابود است. از همه برادرانم و قوم و خویشان می خواهم که اگر از من بدی دیدند من را ببخشند.

والسلام

برادر عبدالله سیادی

[وصیت نامه ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام بر یگانه منجی عالم بشریت حضرت بقیه الله الاعظم^۱ و نائب برحقش

۱. در اصل: بقیه العظم.

امام خمینی. با درود و سلام بر شهدای کربلا و شهدای صدر اسلام و با درود و سلام بر خانواده معظم شهدای صدر اسلام و درود و سلام بر مجرومین و معلولین جنگ ایران. درود و سلام بر اسیران جندالله ایران، درود و سلام بر رزمندگان جان برکف که درخت اسلام را آبیاری می‌کنند. پدر گرامی! اگر من کوچک‌ترین کاری از شما نافرمانی کردم مرا ببخشید، از من ناراحت نباشید و شب و روز به من دعا کنید که من برنگردم. مگر من از علی‌اکبر و علی‌اصغر و عباس بهتر بودم؟ پدرجان! تو در خانه نشسته‌ای و مرا نمی‌بینی که چگونه شهید می‌شوم ولی امام حسین (ع) روبروی چشمش می‌دید که برادرش عباس دو دست از بدن جدا و به زمین افتاده ولی امام حسین (ع) به بالین سرش رفت و سرش برداشت روی زانو گذاشت. ولی امام حسین (ع) هم صبر و استقامت کرد. پس پدرجان! باید شما هم صبر و استقامت [کنید] و پایدار باشید. خدا شما را اجر بدهد که مرا به جبهه فرستادی تا دفاع از دین، قرآن، شرف میهن خود کنم. پدرجان! ناراحت نباشید که روز قیامت خداوند به شما اجری بدهد. ای مادر گرامی! اگر من شهید شدم ناراحت نباشید و اگر خواستی گریه کنی برای امام حسین (ع) و شهدای کربلا گریه کن و اگر خواستی برای من گریه کنی در روز چهلمین من گریه کن. چون روز چهلمین، حضرت زینب (ع) در روز چهلمین می‌رود کربلا پهلوی قبر شش گوشه برادرش حسین شهید کربلا و سالار شهیدان می‌نشیند و گریه می‌کند. مادر عزیزم! به برادرانم بگوئید که سنگر من را خالی نکنند و اسلحه من بر زمین نگذارند. ای خواهر عزیز حجت! حجاب شما کوبنده‌تر از خون من است. شما با حجاب خود می‌توانی ضربه محکمی بر دهان متجاوز بعثی بزنی.

۱۳۰ تومان پول برای محمود بیگی پوری بدهید و ۴۰ تومان هم به ابراهیم دهقانی بدهید

که من بدهکارم.

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحَسِينِ

وصیت‌نامه برادر پاسدار شهید عبدالله سیادی^۲

درون سنگرم غم دیدار مادر نویسم نامه‌ای بر تو، مادر

نویسم نامه‌ای از سوز سینه
مسلسل، من غریم یاور باش

برای مادر زاده حزینه
بجای مادرم، غم پرور باش

بسم الله الرحمن الرحيم
 ۲۵۰
 نام نام خانوادگی
 نشانی
 تاریخ
 مهر و امضاء
 مهر و امضاء
 مهر و امضاء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وضیعت فائده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در دو مقام خداوند رسول و پروردگار استخار امام و امانت گنجینه میر و قائم خدایان
 رهنده و بیکار گران شهزادوت طلب جبره فاک من سبیل الله
 ال پدر و مادر عزیزم خردم خدا بر شما که مرا در حمیره فرستادید
 ال پدر و مادر عزیزم از من گنجینه گنجینه فرستادید و آنچه ام نو بید
 شریک بکنید و من که به حمیره رتتم ال مادر حمزه بیدارم دعا کن بر
 گروم - گنجه من بهتر از عا البره عا امیر خصم بودم ال مادر خود
 رحمت خود را بر من کشید و من را بزرگ کرد و من را
 خلاق کن و من را پیشش و من از خداوند بده رسول خدا او
 حضرت نوح را من خواهم که شما و پدرم از غیر بدهد
 ال مادر عزیزم حق داور گردید منی چون من را از کجایی
 من را بگردان و بزرگ کرد ال مادر خودت
 محل انشاء

۱۹
 مهر و امضاء



مهر و امضاء

خدمت جلوتر از من و دیگران به چشمه نوری من چه کسی به چشمه
 می رود که از دین و قرآن شرف را بر او گل گلان کنی و نفع کند
 از مراد این من خواهم که ننگ من خالی نگذار و اصلاح من این نیر را
 بر من بنشیند و برادر اگر سر آمد تو را بیاورم پیروز
 زیرا حق چشمه پیروز است و باطل نابود است
 از همه برادران و فقیه و خرد و نشان من خواهم که اگر از من بود
 در دین من را بخت کند؛ و السلام برادر عبدالله همیار

محل امضاء

۱- وصیت نامه را در اوضاع پاکت مخصوص بنویسید و مشخصات خود را در قافیه بنویسید
 و در صورت نیاز از قافیه استفاده کنید. در تمام جاها را در قافیه بنویسید.




۱۳۸۷/۰۴/۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ


شماره ۸۹ / ش

نام و نام خانوادگی: **عبدالله صیادی**
نام پدر: **تاریخ**



این وصیت نامه ایشان را
سپرزاد و پسران بکنند و زنده بمانند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 یا خدا (و وصیت نامه این صیاد را که در روز وفات خود در حضور جمعی از بزرگان
 مازندران و اسلام بزرگان از منج عالم بشریت حضرت معصوم علیه السلام خوانده شد و در حضور
 مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران
 حضور و سلام بر مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران
 در روز وفات بزرگان جهان بکنند و وصیت است که این وصیت نامه را که در حضور
 بزرگان مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران
 و وصیت در روز وفات بزرگان جهان بکنند و وصیت است که این وصیت نامه را که در حضور
 بزرگان مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران
 در روز وفات بزرگان جهان بکنند و وصیت است که این وصیت نامه را که در حضور
 بزرگان مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران
 در روز وفات بزرگان جهان بکنند و وصیت است که این وصیت نامه را که در حضور
 بزرگان مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران



در روز وفات بزرگان جهان بکنند و وصیت است که این وصیت نامه را که در حضور
 بزرگان مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران
 در روز وفات بزرگان جهان بکنند و وصیت است که این وصیت نامه را که در حضور
 بزرگان مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران
 در روز وفات بزرگان جهان بکنند و وصیت است که این وصیت نامه را که در حضور
 بزرگان مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران
 در روز وفات بزرگان جهان بکنند و وصیت است که این وصیت نامه را که در حضور
 بزرگان مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران
 در روز وفات بزرگان جهان بکنند و وصیت است که این وصیت نامه را که در حضور
 بزرگان مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران و مازندران

شهید عبدالله صیادی جغینی

آن روز که در آن روز چهل و پنجمین روز چهل و پنجمین روز
 گریه کنی چون روز چهل و پنجمین روز چهل و پنجمین روز
 کوچه ها و بازارها و قبرستانها را که در آن روز چهل و پنجمین روز
 که در آن روز چهل و پنجمین روز چهل و پنجمین روز
 خالی و خنده اسبابها را که در آن روز چهل و پنجمین روز
 ترانه خوانی من شبها با حجاب خودم میخوانم که در آن روز چهل و پنجمین روز
 بنشیند... آن زمان من را که در آن روز چهل و پنجمین روز
 بر ابراهیم و صفایا هم یاد میدادم که وقتیکه که در آن روز چهل و پنجمین روز
 الفارسی...
 در آن روز چهل و پنجمین روز چهل و پنجمین روز
 در آن روز چهل و پنجمین روز چهل و پنجمین روز

بسم الله الرحمن الرحیم
 در آن روز چهل و پنجمین روز چهل و پنجمین روز
 در آن روز چهل و پنجمین روز چهل و پنجمین روز

مسئله...
 چاه...
 صلوات...
 صلوات لشکر...
 صلوات لشکر...
 صلوات لشکر...

۱- وصیت نامه خرد را در اصل پاکت مخصوص خرد گذاشتند و در آن وقت بنویسید
 ۲- وصیت نامه را از مشاوران امور رزیدگان بانگاه مربوطه خرد دریافت کنید

شهید عبدالله صیادی جفینی

تیمور شاکری



نام: تیمور
نام خانوادگی: شاکری
تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۵/۰۱
محل تولد: روستای فاریاب از توابع شهرستان رودان
نام پدر: محمود
نام مادر: معصومه
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۷/۳۰
محل شهادت: مریوان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ از خواهرانم می خواهم همیشه زینب وار و برادرانم حسین وار و [...] امام را یاری کنند و راه شهیدان را ادامه دهند.
- ◀ تذکرم به برادران و خواهرانم این است، کسی که جمهوری اسلامی و رهبری امام خمینی را قبول ندارد به همراه جنازه من نیاید.
- ◀ اگر پول از طرف سپاه به شما دادند، نصف آن را به مدرسه علمیه امام جعفر صادق بپردازید.

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۱

همه از خدائیم و بسوی او باز می‌گردیم.

من در تاریخ ۶۱/۱/۷ وارد جبهه حق علیه باطل شدم با این امید که بتوانم با یاری خداوند به سهم خود ضربه‌ای بر صدامیان وارد آورم و با سلاح قلب صدامیان را نشانه روم و با خون ناچیز خود درخت اسلام را که بوسیله خون علی اکبرهای زمان پربار شده، پربارتر سازم و نایب امام زمان (عج) خمینی بت‌شکن که بت‌های زمان [...] شاه و ملّی‌گراها و لیبرال‌ها و منافقین را یکی پس از دیگری شکسته و حالا هم نوبت نوکر حلقه بگوش امریکا [...] صدام یزید کافر رسیده که به رهبری امام است و یاری مردم و پشتیبانی الله بزودی [...] آمریکا سرنگون خواهد شد.

از خواهرانم می‌خواهم همیشه زینب‌وار و برادرانم حسین‌وار و [...] امام را یاری کنند و راه شهیدان را ادامه دهند و از پدر عزیزم می‌خواهم که هیچ‌وقت بخاطر من ناراحت نشوند؛ چرا که قرآن می‌گوید: گمان نبرید آن‌ها که در راه خدا کشته شدند، مرده بلکه آن‌ها زنده و در نزد پروردگارشان روزی دارند.^۲

و دیگر تذکرم به برادران و خواهرانم این است، کسی که جمهوری اسلامی و رهبری

امام خمینی را قبول ندارد به همراه جنازه من نیاید.^۳

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره.

۲. ناخواناست.

۳. ناخواناست.

۴. ناخواناست.

۵. ناخواناست.

۶. اشاره به آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».

۷. در اصل: نیابند.

و اگر پول از طرف سپاه به شما دادند، نصف آن را به مدرسه علمیه امام جعفر صادق
بپردازید؛ جهت تعمیر آن مدرسه.

پدرجان! من مقداری پول به این چند نفر بدهکار هستم که وقت نکردم پردازم و
خواهش می‌کنم پول این‌ها را هم بدهید. احمد قنبرعابدینی ۴۰۸ تومان بابت [...]، جواد
کمالی ۴۰۰ تومان، ابراهیم خورشیدی [...] ۲۰۰ تومان.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

تیمور شاکری

۶۱/۲/۱۰

جبهه [...] ۱۱



مركز اسناد ایتها گران

یا سید و راه شهیدان را ادامه دهند و از پیر و محمد عزیزم من خواهم که هیئت

مخاطب من با و اصف بشوند چرا که مرا آن من گوید که برید اگر که در راه خدا

کسب شدند بدون بکرم که باز ندهد و در نزد پیر و دیگر نشان روزی دارنده

و نیز تقدیرم برادران و خواهرام این است کسی که جمهوری اسلام و

رهبری امام خمینی را قبول نه ارازم همراه ایشان من نیامیزم.

و تبدیل از طرف سپاه و نهادند نصف آن را به پدر علیهم السلام جعفر

تیمور شاکری

صادق پیر و زید. جهت تصدیق آن مدرک
۶۲/۱۳/۶۱

جبهه گان من همدارای پول به این چند نفر پیر و همدارای هم هستم و وقت تقدیرم برادران

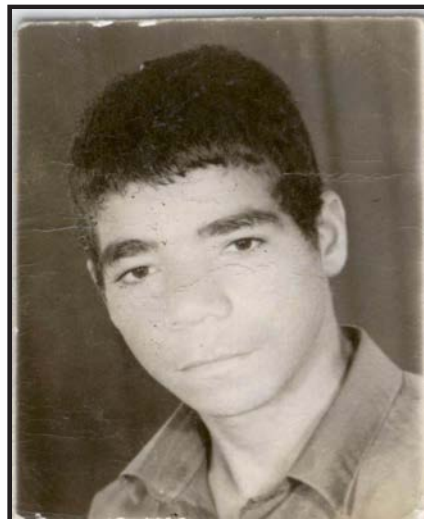
و خدا من کنم پول اسرار امام پیر همدارای احمد صبر علمیش - ۸۱۰ تومان بابت خود

جوهر گان ۵۰۰ تومان - این را هم خود پیر گان پیر سنندک ۲۰۰ تومان
۷۱۲۶۱
۱۶۰

و اسرار علیهم السلام و بکرم و برکاتم ۱۰۰۰ تومان تقدیرم

جبهه گان

موسی شاکری زاده بیکاه



نام: موسی

نام خانوادگی: شاکری زاده بیکاه

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱۱/۰۱

محل تولد: شهرستان رودان

نام پدر: عبدالله

نام مادر: سکینه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۳/۰۴

محل شهادت: پاسگاه زید

نحوه شهادت:

محل دفن: گلزار شهدای روستای دهبازر تابعه

زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ اگر که شهادت نصیب من شد، یک پارچه سرخی بروی تابوت من قرار دهید تا مردم بدانند که من با مرگی سرخ و در رزمگاه حق به شهادت رسیدم.
- ◀ بر هر فردی مسلمان واجب است که به جبهه‌ها بیاید، من این را یک امر [ضروری و واجب می‌دانم].
- ◀ از امت حزب‌الله ایران و منطقه خودمان می‌خواهم، امام را تنها نگذارید؛ مثل مردم کوفه نباشید که امام را تنها گذاشتند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

مپندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند.

خداوند را شکر می‌گوییم که اول زندگی‌ام [را] سعادت و آخر زندگی‌ام [را] شهادت قرارداد (از سخنان حضرت زینب (س)). و خداوند را شکر می‌گوییم که من در صفوف حضرت بقیه‌الاعظم^۲ روحی الفدا [قرار]^۳ گرفتم و پیروز [...] ^۴ به شهادت رسیدم. اگر که شهادت نصیب^۵ من شد، یک پارچه سرخی بروی تابوت من قرار دهید تا مردم بدانند که من با مرگی سرخ و در رزمگاه حق به شهادت رسیدم.

خداوند را شکر می‌گوییم که ما در چنین جنگی قرار گرفتیم و خداوند خواست ما را به چنین سعادت‌ی برساند و به سوی خود ببرد و مردم بدانند که چنین رزمگاه [...] ^۶ برای ما سعادت شد، مردم بدانند که بر هر فردی مسلمان واجب است که به جبهه‌ها بیاید^۷، من این را یک امر [ضروری و واجب می‌دانم]^۸.

مادر روزی که مرا در صندوق^۹ می‌بینید^{۱۰}، فقط یک دست مرا از صندوق بیرون بیاورید

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. در اصل: العظم.

۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «قرار» باشد.

۴. ناخواناست.

۵. در اصل: نسیب.

۶. «را» حذف شده است.

۷. در اصل: بیاند.

۸. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «ضروری و واجب می‌دانم» باشد.

۹. در اصل: صندوق.

۱۰. در اصل: می‌بیند.

تا مردم بفهمند که جز یک کفن چیز بر تن ندارم.

[...] « دانسته‌ام که به جبهه‌های جنگ آمدم و به لقاءالله پیوستم.

مادر و پدرگرامیم! شما شب‌های [و] روزهای بی‌کران زحمت گرانی برای این پسر خود کشیده‌اید.^{۱۲} مادر و پدر! اگر موقعی بدفرمانی کردم یا بالحنی زشت و ناپسند جواب شما را دادم مرا ببخشید. وصیتی که دارم پدر و مادرم! در مرگ این پسر تان هرگز گریه نکنید و لباس سیاه به تن نپوشید و اگر خواستید لباس سیاه [پوشید]^{۱۳} و گریه کنید، اول بخاطر امام حسین و اولاد حسین گریه کنید نه برای من و دیگری. وصیتی که دارم این است، خطاب به خواهران که شما با [...] ^{۱۴} و با جان‌تان مشت محکمی به دهان ابرقدرت‌ها [ی] شرق و غرب بکوبید و همیشه بیاد امام باشید، امام را تنها نگذارید و پشت جبهه را از یادتان نرود و از امت حزب‌الله ایران و منطقه خودمان می‌خواهم، امام را تنها نگذارید؛ مثل مردم کوفه نباشید که امام را تنها گذاشتند و همیشه گوش به فرمان امام باشید و از برادران منطقه خودمان می‌خواهم که سلاح^{۱۵} برادرانی که شهید می‌شوند [را]، وظیفه دارند که بردارند. و اگر من شهید شدم، جسد مرا در کنار محمد فاضلی در بهشت زهرا دهبازر دفن کنید. و سلام خداحافظ شما.

موسی شاگری

امضاء^{۱۶}

۶۷/۲/۱۷

۱۱. ناخواناست.

۱۲. در اصل: کشیدی.

۱۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام «پوشید» می‌باشد.

۱۴. ناخواناست.

۱۵. در اصل: صلاح.

۱۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نام و نام خانوادگی: سید مصطفی شاکری
 فرزند: عبدالله... تاریخ: ۱۳۷۸/۴/۱۷

سرکواریت مرگ مسلمان شیخ کبیر
 انوار و شمع اوزر بر سرش باشد

مرکز احیای ایثارگران
 کتبی
 جمهوری اسلامی

وصیت نامه

۶۲/۹۱۲

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا كَلَّا هُمْ أَعْيُنٌ نَائِمَةٌ لَنْ نُرْزِقُوهُمْ
 مِيزًا رِزْقًا نَسِيًّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْتَبِينَ وَنَجْزِي الْمُجْتَبِينَ وَنَجْزِي الْمُجْتَبِينَ
 زنده اند و فردی بروردگار خویش روشی است خورند

خداوند را شکر می گویم که اول زحمتی ام سعادت و آخر زحمتی ام سعادت قرار داد
 از بیعتان حضرت زینب (س) و خداوند را شکر می گویم که من در صفوف
 حضرت یحییٰ العظیمی روحی را انقدر رفتم و بیرون می خواند به سعادت رسیدم
 اگر که شهادت نصیب من شده بکسی یارحی بیرون می خواند به سعادت رسیدم
 تا مردم بدانند که من با مرگی بیرون و در روزگاری خوش به شهادت رسیدم
 خداوند را شکر می گویم که ما در جنت جنگی قرار گرفتیم و خداوند است
 ما را به جنت سعادت برساند و به سوی خود ببرد مردم جدا نند
 که جنت روزگاری را بر این ما سعادت شد مردم جدا نند که به عرفی
 مسلمان واجب می شود که به جهنم نماند من این را به امر

مادر روزی که مرا در صندوق می بیند فقط یک دست
 مرا از صندوق بیرون بیاورد تا مردم بفهمند که چه خبر است من می بینم تمام
 سید مصطفی شاکری
 ۱۳۷۸/۴/۱۷



تعاون لشکر ۴۱ تاران



مرکز اسناد ایثارگران

داخته ام که به جیبهای جنت آیدم و به لقا الله بیوسم

ویدر گرامی شما شیعیان روزهای حج گران زحمت گرانجی برای

این پیرو دگشوی مادر ویدر اگر موفق به فرمانی کردم یا با لحنی زبانی

و خایسته جویبار ایدام بر اینجانب و صحتی که دارم ویدر و مادرم در هر که این

سیرتان هرگز گریه نکنید و لباس سیاه بپوشید و اگر خواستید لباس

سیاه و کرب لیس اول نماز امام حسین را و لا حسین گریه کنید و برای من و دیگران

و صحتی که دارم این است خطابه فرا سران که شما با متعارفان و با ما بنیان

ست محلی به دهان ابرقدرت و تفرق و غریب بگویند و همیشه بیاد امام

باشید امام را تنها نگذارید و دست جیبها را از یادتان زود و از است

فریب الله ایران و منطقه خودمان می خواهم و امام را تنها نگذارید مثل مردم

که نم نیابند که امام را تنها گذاشته و همیشه گوشتن به فرمان امام بایست

و از برادران منو منطقه خودمان می خواهم که صلاح برادرانی که شیعه می استند

و ضعیف دارند که برادران ما را من شیعه استم حسدم و ادرکنار مسجد فاطمی

در بهشت زهرا دسبار زدن کنند و سلام خدا حافظها میوی است

۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بگذارید و مشخصات خود را درج نمایید
۲- وصیت نامه را از تعاون امور زندگان پایگاه مربوطه خود دریافت نمایید



مهدی شاه پرست



نام: مهدی

نام خانوادگی: شاه پرست

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۰۳/۰۱

محل تولد: شهرستان بندرعباس

نام پدر: احمد

نام مادر: سکینه

تحصیلات: پایان دوره متوسطه در رشته

ریاضی

شغل: در اداره بنادر و کشتی رانی کار می کرد

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۱۷

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت:

محل دفن: گلزار شهدای زادگاهش

گلچین وصیت نامه

◀ پروردگارا! آرزو دارم کاش در رکاب حسین (ع) بودم، چشمانم را به نور جمالش منور گردان.

◀ امیدوارم که خون من راه کربلا را باز کرده باشد.

◀ دعا کنید خدا مرا ببخشد و از فشار قبر محفوظ بدارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

خدایا به نام تو و به راه تو، به یاد تو و برای تو، آغاز می کنم این وصیت نامه را.
خدایا در دم آخر ایمانم را حفظ [کن] و پروردگارا! در آخرین دم امام زمانم را به
بالینم برسان.

پروردگارا! آرزو دارم کاش در رکاب حسین (ع) بودم، چشمانم را به نور جمالش منور
گردان.

بارالها! به من قدرت بده تا انتقام [...] را از کافران بگیرم.

مادر جان! پدر جان! خواهران و برادرانم! امیدوارم که اگر بدی در حق شما کرده ام، مرا
بخشید. مادر جان! آرزو داشتم تو را^۲ مشهد برم ولی [...] امیدوارم که خون من راه کربلا
را باز کرده باشد.

مادر جان! من حدود یک سال نماز قضا و ۳ ماه روزه دارم، اگر ممکن است ادا کنید.
از دوستان و آشنایان [...] بطلبید. خواهران و برادرانم [را] به دلخواه آقا امام زمان
تربیت کنید. دعا کنید خدا مرا ببخشد و از فشار قبر محفوظ بدارد. دعا کنید ظهور آقا امام
زمان نزدیک شود و طول عمر امام زیاد گردد. امیدوارم پدرم نیز مرا ببخشد و جز صابرين
باشد.

مهدی الله پرست

امضاء^۵

۶۵/۹/۳۰

۱. ناخواناست.
۲. در اصل: ترا.
۳. ناخواناست.
۴. ناخواناست.
۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم
 نام و نام خانوادگی مجید کاظمی
 فرزند احمد ... تاریخ ۱۳۶۴/۹/۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 مکتب اهل بیت

فی صلیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم
 حمد و ثناء نام تو در راه تو، به یاد تو در راه تو، عارفی به
 لیس و صفت ماهر و ...

خدا در دین تو هر چه را که در حق تو است
 تمام زلف تو را به باطن رسان
 پروردگار منم و زود در راه منم که در راه تو هستم
 ایستادم و لب تو در جانش من در دل

بار خدایم منم و دردت بده با انتقام بهت را از کار خدایم
 بار خدایم بد جا خود را در دینم امیدوارم که در راه تو کار کنم
 در حق تو
 بار خدایم منم و زود در راه تو منم و در راه تو منم
 امیدوارم که منم و زود در راه تو منم و زود در راه تو منم

بار خدایم منم و در راه تو منم و زود در راه تو منم
 در راه تو منم و زود در راه تو منم و زود در راه تو منم
 زود در راه تو منم و زود در راه تو منم و زود در راه تو منم



تعاون لشکر ۴۱ تاراه

محل امضاء



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند در این راه به درگاه آما را تمام نعمت و رحمت کند
 دعا کند خداوندی در دست رحمت عفو کند
 دعا کند خداوند آما را تمام نعمت و رحمت کند در این راه هر که
 رسید و رسم به رسم بنام خود و غیره سایرین باشد.

محمد علی ابراهیمی

محل امضاء

۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنذارید و مشخصات خود را در قیاب بنویسید
 ۲- وصیت نامه را از تعاون روزنامه‌نگاران پایگاه مربوطه خود دریافت نمایید.

تذکره

حسین شبانی



نام: حسین
نام خانوادگی: شبانی
تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۰۶/۰۴
محل تولد: روستای پشت کوه از توابع شهرستان بندرعباس
نام پدر: موسی
نام مادر: زیور
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۱/۲۲
محل شهادت: شرهانی
نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ برای ادامه تحصیل به شهرستان بندرعباس آمده و به علت نداشتن جا در شهر و بودجه مالی از درس خواندن محروم شدم.
- ◀ مدت یک سال و اندی کارگری نمودم تا این که شهربانی اطلاعیه صادر نمود و داوطلب استخدام خواسته، بنده یکی از داوطلبین بودم.
- ◀ انقلاب ما خیلی موانع در سر راه داشته، به یاری حق همه را از سر راه خود برداشت و پیش رفت و هنوز دارد می رود و خواهد رفت.

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه اینجانب حسین شبانی، فرزند موسی به دارنده شماره شناسنامه ۱۵ صادره از بندرعباس حوزه ده.

اینجانب در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی، دیده به جهان گشودم در روستای پشتکوه از توابع استان هرمزگان.

در ده ما مدرسه نبود، در سن ۱۰ سالگی پدرم مرا به مکتب فرستاد جهت فرا گرفتن قرآن، در سن ۱۱ سالگی قرآن را فرا گرفتم و در سن ۱۳ سالگی در ده مدرسه درست شد به همت مردم آن ده و در همان سال روانه مدرسه شدم، ولی به علت این که سن اینجانب ۱۳ سال بود، معلم قبول نکرد و بعد از اینجانب امتحان به عمل آورد؛ دید که من سواد دارم و می‌توانم بخوانم و بنویسم؛ به همین منظور به کلاس دوم مرا برد و راه به مدرسه باز نمودم و تا کلاس پنجم ابتدائی در ده درس خواندم و برای ادامه تحصیل به شهرستان بندرعباس آمده و به علت نداشتن جا در شهر و بودجه مالی از درس خواندن محروم شدم؛ مدت یک سال و اندی کارگری نمودم تا این که شهربانی اطلاعیه صادر نمود و داوطلب استخدام خواسته، بنده یکی از داوطلبین بودم. زیرا می‌توانستم به بهترین راه، خدمت به این مردم مستضعف بنمایم. همین خدمت پلی بود، به همین خاطر خود را آماده رفتن به آموزشگاه پاسبانی نمودم و در آزمایشات قبول شدم و دوره را به پایان رساندم که انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی اوج گرفت. و بنده در کلاتتری مرکزی خدمت نمودم؛ این جا توانستم این کار بکنم. بدون^۱ این که به کسی از مبارزین^۲ چیزی بگویم یا کاری دیگر بکنم، خود را

۱. در اصل: برای.

۲. در اصل: مباره زین.

از کلانتری مرکز به کلانتری بخش ۲ انتقال دادم، زیرا نمی‌خواستم کسی را آزار بدهم. تا این که انقلاب شکوهمند ما به پیروزی رسید و پس از این که امام بزرگ و رهبر کبیر انقلاب دستور فرمودند که تمام نظامی‌ها به سر خدمت خود [...] ^۳ باز گردند و دوران سازندگی [را] شروع کنند، بنده [خود را در] ^۴ اسرع وقت به کلانتری ۲ معرفی نمودم و مشغول خدمت شدم و انقلاب ما خیلی موانع در سر راه داشته، به یاری حق همه را از سر راه خود برداشت و پیش رفت و هنوز دارد می‌رود و خواهد رفت؛ و در این موقع بود که آمریکای جنایت‌کار، جنگی بوسیله عروسک کوکی خود، صدام، یزید کافر، به ملت مسلمان ما تحمیل کرد که با فتوای امام عزیزمان، که همه را باید تعلیمات نظامی بدهید و همه بسیج بشوید و ارتش بیست میلیونی تشکیل شود. که با دل و جان همه مردم پذیرفته و انجام دادند، مگر تعدادی از منافقین که از خدا بی‌خبر بودند و عده‌ای خدا را قبول نداشتند. و [...] ^۵ به یاری خداوند همه آن‌ها متلاشی شدند و به زباله‌دان تاریخ انداخته شدند.

در مورخه ۶۱/۱۱/۲۸ در اندیمشک باران رحمت الهی ^۶ بارید به طوری که تمام دشت و صحراها را پر آب نمود و گل‌های صحرائی را دل‌نشین کرد.

امیدوارم دل‌های ما [...] ^۷ هر چه زود به زیارت ابا عبدالله الحسین روشن شود؛ به امید حق.

۳. «را» حذف شده است.

۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «خود را در» باشد.

۵. «آن‌ها» حذف شده است.

۶. در اصل: اللّهی.

۷. «را» حذف شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَصِيَّتِ نَامِ اِيثَارَتِ
 حِينِ بِنِي هِر زنده مونی
 به داندۀ اُاره شت ششم ۱۵
 همداره / از بند عبدس هوزره ره
 ایجاب در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی
 دیده به چون شودم در دولت
 شکوه از توابع رتسان هر فیکان
 در ده مامدرسه نبود در رت
 ۱۰ سالگی پدرم را به مکتب فرستاد

ہمت فرا گرفتن قرآن در سن ۱۱
 سالگی قرآن و احقر گرفتیم و در
 سن ۱۳ سالگی در وہ مدرسہ دست
 زبہ ہمت مدرسہ آن کراہ
 و در سن ۱۵ سال روانہ مدرسہ ہند
 ونی بعلت این سن انتہای ۱۳ سال
 بود معلم فنون تکرار و بعد از این
 امتحان عملی کا ورد در کلاس
 سوار دارم و میں توانم بخوانم

و سونوگر به همین منظور به کلاس دوم
 مرا ببر. و راه به مدرسه باز نمود
 و تا کلاس پنجم ابتدایی رده درین قوا
 و بر آرا دارم تحصیل به شکر نیکو
 آموختم و به علت نداشتن چهارده
 و بودیم عالی از درین قوانین
 محروم شدم. مدت تکلیف در آن
 به رگرم نمودم تا این شهر
 از هلالیم صادر نمود و با طلب

استخدام فواید بنده بکراز
 راه وطن بودم ز بیم تو اینهم
 ترین راه خدمت به این مردم
 مستحق بندهم همین خدمت بدلی
 بود به همین خاطر فوراً که مال و عین
 به آموزشگاه را ببا نام تو در آستان
 قبول کنم و دوری را
 با این کار آنکه انقلاب
 شکوهمند اسلام به رهبری امام حسین

ایرج گدشت و بنده در کلاشهر
مکزکرا فرست نمودم اینها تو انستم
رینا که رنگتم بر ابراهیم به لیا از
مبارزه رین منیرا بگویم یا کار
رنگ رنگتم خود از کلاشهر کلاشهر
کلاشهر کلاشهر استقلال طاریم رین
نهر فواشم کلاشهر از بدو هم تا این
انقلاب شلو همیده چه بیقرار
ت رسید و پیر از این امام

نبرتن و زهد کسیر القاداب دلنور
 فرمودند که تمام بنظر مندرج به سرفرازی
 فوراً بازگردند و دوران سرفرازی
 شروع کنند بنده اسرع وقت
 کلمات در محرم و منقول خدمت
 درم و اطلبه صلح موافق در سردار
 ایستاده به یاری حق همه را از سر راه
 آورد بر رایت پریشانی است و همه
 کارها و در و دروازه رفت

و در این موقع بود که در میان من و شما
عذر بوسلم عروسک کوکی بود و تمام
بزرگواران فریب ملت مسلمانان را تحصیل کرد
که با فتوای امام عجز زمان که همه
باید تعلیمات نظامی بدید و هم
سرخ بود و ارتش است میلو و ما تسلی
گود که با دل و جان در خدمت پذیرفتند
انجام مگر تعداد از من فحشی از خدا
بجا خبر بودند و عده خدا را قبول کردند
و آنهایی که خداوند را

مستلکس سؤندوب زوواله ران سا ریح الهم

در عرض ۲۱ ساله در اندک

با این رحمت الهی با رسیدن طوبی نام

دشت و همکاران را پر آب نمود و گلها

همی از آن زار نشین کرد امیدوارم

دلها هم ما را به هر چه زود به زیارت

عظیمت محمد الکریم روشن شود به امید حق

قبر شکوهی

نام: قنبر

نام خانوادگی: شکوهی

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۰۷/۱۰

محل تولد: روستای دره شور از توابع شهرستان

جبرفت

نام پدر: غلامعباس

نام مادر: دُخی

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۰

محل شهادت: عملیات بیت المقدس درام

الرصاص عراق

نحوه شهادت: جاویدالاثر

محل دفن: مزار یاد بود در صحن مسجد امام

صادق (ع) شهرستان بندرعباس



گلچین وصیت نامه

- ◀ همیشه ضربه محکمی در جبهه‌ها به نیروهای رو به زوال صدامی وارد آورید.
- ◀ هر موقع که یاد من افتادید آن لحظه‌هایی که امام حسین (ع) لباس رزم بر تن علی اکبر می پوشید، [را به یاد آورید].
- ◀ نگذارید اسلحه من در بیابان‌های جبهه افتاده باشد و در خاک‌ها بپوسد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ^۱
آنهایی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نیستند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان
روزی می‌خورند.

بنام خدایی که محمد (ص) رسول اوست و او را [وقتی] چند تار عنکبوت تا مرگ
فاصله داشت، از مرگ حتمی نجات داد و بنام خدایی که انسان را از گل خلق کرد و از روح
خود درون آن دمید، نسیم حیات در پیکر او وزید و او را بشری کامل در روی زمین گرداند.
بنام خدایی که ابراهیم را در قلب کوهی از آتش محفوظ نگاه داشت و کارد را از
بریدن گلوی اسمائیل منع کرد و قوچ^۲ قربانی فرستاد و بنام خدایی که یوسف را از قصر چاه
به مقام عظیم پیامبری رساند و بنام خدائی که موسی و پیروانش را از دریا نجات داد و فرعون
و فرعونیان را غرق دریا کرد و بنام خدائی که این جریان و نعمت‌های فراوان را برای آسایش
بشر آفرید و بنام خدائی که در راه او با ستمگران پیکار می‌کنیم و جان خود را فدا می‌کنیم و
کشته شدن را در راه خدا شهادت می‌دانیم.

باشید و همیشه ضربه محکمی در جبهه‌ها به نیروهای رو به زوال صدامی وارد آورید.
و پیامم به پدر و مادرم این است که بعد از شهادت من برایم گریه نکنید و هر موقع که
یاد من افتادید آن لحظه‌هایی که امام حسین (ع) لباس رزم بر تن علی‌اکبر می‌پوشید، [را به
یاد آورید]^۳ و بعد از سالار شهیدان و پیروانش، یادی از من هم نکنید و پدرجان! امید عفو و
بخشش فراوان از شما دارم چون مرا با دست‌های پینه بسته و قد خمیده بزرگ کرده و به این

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. در اصل: غوچ.

۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «را به یاد آورید» باشد.

سن رسانده و زحمت فراوان کشیده‌اید و در راه اسلام داده‌اید و مادر جان! شما هم شب‌های سرد زمستان مرا در دامن خود پروریدید و زحمت‌های بسیار برای من کشیدید؛ امید بخشش دارم و مادر جان! خواهش از شما دارم که از کلیه خواهرانم و خانواده‌ام برای من حلالیت بطلبید و سختم به خواهرانم، باید زینب‌وار باشید و اخلاق زینب داشته باشید و برای من گریه نکنید و سفارشم به برادرانم، برادران! همان‌طور که تا قبل از شهادت من در حفظ جمهوری اسلامی کوشا بودید از حالا به دور هم کوشا باشید و امام را تنها نگذارید و نگذارید اسلحه من در بیابان‌های جبهه افتاده باشد و در خاک‌ها پیوسد و برای من ناراحت نباشید و افتخار کنید که چنین سعادت نصیب^۴ برادرتان شده و آخرین سفارشم به پدر و مادر و برادران و خواهرانم و خانواده‌ام برای من ناراحت نباشید و هر کس از اقوام که مشتاق دیدار جسد من است، مانع نشوید که خداوند اجر^۵ بیشتری به شما می‌بخشد و از کلیه همسایگان و آشنایان برایم حلالیت بطلبید و پدر جان! شما نذر کردید که بعد از اتمام خدمت سربازی من با هم به زیارت حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) برویم ولی پدر جان! شهادت نصیب من شد و شما می‌توانید در عوض من، فرزندم عباس را با خود ببرید.

والسلام

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

الهی آمین یا رب.

۴. در اصل: نسیب.

۵. در اصل: عجر.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 وَلَا حَسْبُنَا الذِّنُّ قَلْبُو فِی شَیْءٍ اَللّٰهُ اَمْرًا تَابِلًا لِّمَا عِنْدَ رَبِّنَا
 اَنزَلْتُمْ دَرَادِیْهِمْ اَكْتَفَمُ هَلْ هُوَ مَرْدُةٌ یَسْتَعِیْنُ بَلَدًا زَبَدَانًا وَتَرْدِیْهِمْ رُكُوعًا
 فِی خُفُوْنِهِمْ اِنَّمَا خَدَا بِنَامِ خَدَائِكُمْ عَمْرٍ وَصِیْةٌ رَسُوْلٍ اَوْصِیْتُ وَاوْرَاجِیْزًا رَعْلَیْهِمْ تَاكْرُبُ
 فَاَصْلُهُ دَاوَسْتُ اَزْمَرُكَ حَتْمِیْ نَجَاتٍ دَادَ وَبِنَامِ خَدَائِكُمْ اِنْسَانٍ رَا اَزْكَلْ خَلْقٍ كَرَمٌ وَاَزْرُوْیْ
 خُودِیْ رِیْوَانِ اَنْ دَمِیْرُ نَسِیْمِ حَیَاتٍ دَرِیْ كَرَامٍ وَاَزْرُوْیْ وَاوْرَ اَسْبَرِیْ كَاغَلِ دَرِیْ رِیْوَانِ
 كَرْدَانِ بِنَامِ خَدَائِكُمْ اِبْرَاهِیْمَ رَا دَرِ تَلَبِّ كُوهِیْ اَز اَسْمِیْ مَحْفُوْظًا نَاگَه دَا سَتِ . وَا كَا رِیْ
 اَز بَرِیْدِیْنِ كَلْمَهٗ اِسْمَائِیْلَ مَنَعُ كَرْدَ وَاغُوْجِ قَرِیْبَانِیْ فَرَسْتَادَ وَبِنَامِ خَدَائِكُمْ یُوْسُفَ رَا
 فَرَحِیْ جَاهِبِ مَقَامِ عَظِیْمِ یَا سَبْرِیْ رَسَاوَرِ وَبِنَامِ خَدَائِكُمْ مَوْصِیْ وَیُوْسُفَ اَشْرَفِ رَا اَزْ دَرِیْ مَخَادِ
 سِدَادِ وَفَرَعُوْنِ وَفَرَعُوْنِیَالِ رَا غَرَقَ دَرِیَا كَرْدَ وَبِنَامِ خَدَائِكُمْ اِسْرَافِیْلَ وَنَهْمَتَا یِ
 فَرَاوَالِ رَا اِبْرَاہِیْمَ اَسْمَائِیْلَ سَبْرَ اَزْمَرِ وَبِنَامِ خَدَائِكُمْ دَرِیْ رَا هِ اَوْ مَا سَمْعَالِ یَسِیْكُ
 مِی كُنِیْمُ وَجِهَانَ خُودِ رَا خُودِیْ كُنِیْمُ وَكُنِیْمُ رُكُوعًا رَا دَرِیْ رَا هِ خَدَا شَرِیْفَاتِ مِی دَانِیْمُ



مركز اسناد و کتابخانه ملی
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی
 جمهوری اسلامی ایران

صفحه ۱

باشید همیشه ضرب محکم در جبهه های نیروهای روبرو و در آل صدامی وارد آوری
 و پیام به پدر و مادرم این است که بعد از مرگ من برام گریه نکنید و هر
 موقع که یاد من افتادید آن لحظه های که امام حسین لبایین رزم برین علی اکبر
 می پوشید و او را روانه میدان می کردید باه اسام و قرآن می کردید یاد داشته
 باشید و بعد از سالار شهیدان و سید وانش یادای از من هم بکنید و پدر جان
 امیر غفور و بخش فراوان از شما دارم چون براباد ستمهای بینم بسته و قد شمشیر
 بزرگ کرده و بر این سخن رسانده و زخم فراوان کشیده ام و در راه اسام
 داده اند و ما در حال سگ هم شبها سرد زمستان این مراد در دامن خود پیروزید
 و زخمها بسیار برای من کشیده ام بخش دارم و مادر جان خواهش از من
 دارم که از کلمه خواهرانم و خانواده ام برای من حمایت بطلبید و تخم به
 خواهرانم، باید و زنب و اربا بشید و اخلاق حضرت زینب داشته باشید و اربا



صفحه ۵

من گریه نکنید و سفارش هم به برادرانم برادران (هائیکه) که تا قبل از ما در دست من در حقیقت
 جمهوری اصلاحی کوشیدید در احوال ما بعد از او شتابانید و امام را تنها نگذارید و نگذارید
 استیضاح من در بیانهاش همیشه اقتاده نماند و در حالها بود و برام من ناراحت
 نباشید و اتفاقاً کنید که جنین سعادت من سرگشته برادرانان شده و آخرین سفارش من
 پدر و مادر و برادران و خواهرانم و خوانواده ام برای من ناراحت نباشید و هر کس
 از اقوام که مستحق دیدار حسد من است مانع نشود که خداوند بجز پیشتر
 و اینکه همه شما را و از شما را برام حالیت بطلبید
 بهرگاه بخیر و دید جان کسی نذر کردید که بعد از اتمام خدمت سربازی من
 با هم به زیارت حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) بروم و در آن حال شهادت نصیب
 من شود و کامی خواهم بود و عرض من به مرزبانان را با خود ببرید و السلام
 (خدا یا خدا یا تا انقلاب ویدر جنین انظرید) اللهم من یارب ارض

همت الله شمساى



نام: همت الله
نام خانوادگی: شمساى
تاریخ تولد: ۱۳۱۵/۱۰/۲۶
محل تولد: روستای گهکیم تابعه شهرستان حاجی آباد
نام پدر: درویش
نام مادر: جان جان
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۱۰/۰۳
محل شهادت: محور آبادان - ماهشهر
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به پهلو
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ از آغاز انقلاب همیشه بفکر و در صدد بودم که چگونه دین خود را به این مملکت اسلامی ادا کنم.
- ◀ امیدوارم که به همین زودی لشکر اسلام بر کفر غلبه نموده و نیست و نابود شود.

بنام خدای جان دهنده و جان گیرنده

وصیت خود را بشرح زیر آغاز می کنم:

- ۱- از آغاز انقلاب همیشه ب فکر و در صدد بودم که چگونه دین خود را به این مملکت اسلامی ادا کنم تا این که سعادت نصیب شد و توفیق حاصل کردم که در جبهه حق و باطل شرکت کنم و جان ناقابل خود را در راه احیای جمهوری اسلامی ایران فدا کنم و امیدوارم که به همین زودی لشکر اسلام بر کفر غلبه نموده و نیست و نابود شود.^۱
- ۲- تا این جایی که بخاطر دارم از کسی طلب کار نیستم و بدهکاری هم ندارم.
- ۳- در صورتی که در این نبرد شهید شدم از متصدیان مربوطه تمنا می شود که جنازه ام را به خانواده ام در بندرعباس به نشانی تلفن ۵۸۳۶ حمل نمایند.
- ۴- دارای یک پسر و شش دختر هستم البته تکلیف پسر که مشخص [است] و خود بایستی از خواهرش سرپرستی نماید و برای شوهر دادن دختران با توافق مادرم و مادر خودشان و برادرانم انجام گردد و البته سعی کنید^۲ در خانه شوهر سعادت داشته باشند.
- ۵- بعد از من عیالم مختار و آزاد می باشد که شوهر کند و با این که در بالای سر فرزندانش زندگی [...] البته این تصمیم با خودش می باشد و کسی مانع او [نباید]^۴ بشود؛ همگی [شما]^۵ فرزندان و بستگان را بخدا می سپارم و این وصیت نامه در سنگر نوشته و معتبر می باشد.

استوار یکم همت الله شمسایی

۵۹/۹/۲۱ مطابق با چهارم صفر ۴۰۱

۱. در اصل: نمائید.

۲. در اصل: نمائید.

۳. ناخواناست.

۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «نباید» باشد.

۵. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «شما» باشد.

۲۰۶

اصل در دستنامه شهزاده همت الله ششمی

بنام خدایا دهند و جان نهند

۶۰۷۷ ۴۹



و صیت خود را بسج ز سر آغاز بکنم

۱- از آغاز انقلاب همیشه بنگر و در صدر بودم و چگونه دین خود را به این مملکت

اسلامی ادا کنم، آنقدر سعادت نصیب شد و توفیق حاصل کردم که در عرصه حق

و باطل شرکت کنم و جان ناقابل خود را در راه اصیای جمهوری اسلامی ایران ادا کنم

و امیدوارم که همین زود در لنگر اسلام بر کفر غلبه نموده و شیطان را نابود نمایند

۲- تا اینجای که خاطر دارم از کس کلبه کار نیستیم و بدین کار هم نپردازم

۳- در صورتیکه در این شهر میسر شد از مقصد با مرز طبق تمنا میشود که جبار امام را بجا نماند

در بندر عباس به نشانی تلفن ۵۸۳۶ محل نماند

۴- در این باره سر و شش دفتر محترم البته تکلیف بر شخص خود را با سستی از خدای تعالی

سرسپهر تمام نماید و برابر شکر دارد و در همان با تراضی مادرم و مادر خود است و برابر این انجام

کرد و البته نمی نماند در خانه شکر سعادت داشته باشند

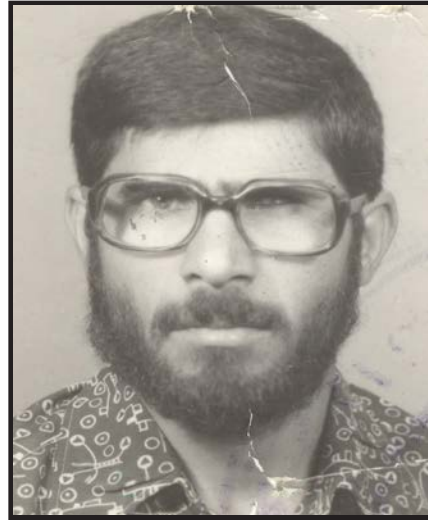
۵- بعد از من عمالم مختار را از بیابان شکر کمتر در اینک در بالای سر فرزندانم نیز در

البته این تصمیم با خودت میباید و کسی مانع او نبود - همین فرزندان و بستگان ما بخدا

میدانم و این بر صمیمیت در سینه نوست و معسیر میباید (استوار یک صحت است) ۲۱-۹-۵۹ بکتابخانه شماره ۱۴۰



حسین شهابی



نام: حسین

نام خانوادگی: شهابی

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱۲/۰۱

محل تولد: روستای سراح از توابع شهرستان

حاجی آباد

نام پدر: علی

نام مادر: شهربانو

تحصیلات: سال دوم در نهضت سوادآموزی

شغل: کارمند اداره برق

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۴

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت:

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- < اینجانب برای رضای خدا و برای یاری رساندن به اسلام به جبهه اعزام شدم و هدفی جزء الله ندارم.
- < اکنون که دین خدا مورد حمله کافران قرار گرفته، دفاع از اسلام و قرآن بر ما واجب است.
- < اگر من شهید شدم شیون نکنید، زیرا از این شیون‌ها دشمنان ما شاد می‌شوند.
- < اکنون وظیفه سنگین‌تر بر عهده ما است و آن دفاع از اسلام [است] و بر همه واجب است.

بسم الله الرحمن الرحيم

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً كَارِزًا كُنَيْدًا بِدُشْمَانِ خَدَا تَا فِتْنَهَاي نَبَا شَد.
بنام خداوند بخشنده مهربان که در دنیا بر مؤمن [و] کافر رحم می‌کند و در آخرت بر مؤمن رحم می‌کند.

با سلام و درود بر منجی عالم بشریت امام زمان و با سلام بر نایب برحقش امام خمینی و با درود به ارواح طیبه شهدا و سپاس خدای را که این توفیق نصیب این حقیر نمود تا دین خود را بخدای خویش ادا [کنم] و بندای رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران لیبک گویم. اینجانب برای رضای^۱ خدا و برای یاری رساندن به اسلام به جبهه اعزام شدم و هدفی جزء الله ندارم.

از شما امت حزب الله تقاضا دارم امام را تنها نگذارید و همیشه یار امام خمینی باشید و او را دعا کنید و از شما امت شهید پرور تقاضا دارم پشت جبهه را خالی نگذارید، با این کار خود مشت^۲ محکمی به دهان ستمگران و منافقین کوردل بزنید.

از همه خواهران تقاضا دارم حجاب خود حفظ کنند که حجاب شما کوبنده تر از خون من است. از شما خانواده محترم و مهربان تقاضا دارم که با صبر و استقامت خود مشت^۲ بر دهان منافقین و صدام بزنید و با گریه و زاری خود دشمنان را خوشحال نکنید و از شما می‌خواهم که از بچه‌ها خوب نگهداری کنید، هم پدر و مادر خوبی باشید و به فرزندان من بگویید که پدرتان در راه اسلام رفته و ناراحت نباشید و هر وقتی آن‌ها بزرگ شدند، اگر

۱. در اصل: رضایی.

۲. در اصل: مشت.

۳. در اصل: شدن.

جنگ^۴ حق علیه باطل رخ داد، آن‌ها بروند از اسلام دفاع کنند. همسر عزیز و مهربانم، می‌توانید بعد از من ازدواج کنید و بخاطر من خود را بی‌سرپرست نگذارید و تا شوهر نکردی سرپرست بچه‌ها هستی، بعد برادر افروز شهابی، سرپرست بچه‌هایم است.

محل دفن من به نظر برادرانم و خواهرم و همسر من باشد. از همه شما می‌خواهم که مرا حلال کنید و هر بدی دیدید، ببخشید؛ مبلغ چهار هزار تومان به غلامحسین جهانشاهی بدهکار هستم آن را پردازید؛ از حقوقم و پولی که از قرض‌الحسنه محل کارم می‌خواهم بگیری؛ مبلغ ۵۰۰ تومان از محمد جعفری می‌خواهم، بگیری.

پسر جواد شهابی، از شما می‌خواهم از مادرت و برادران و خواهرانت^۵ خوب نگهداری کنید و درس خوب بخوانید که آینده دست شما عزیزان است. از شما می‌خواهم که خواهرانت [را] با کسی بگذارید ازدواج کنند^۶ که مسلمان، نمازخوان و با ایمان باشد. و احساس بی‌پدري نکنید که خدا با شماست. پروا و آمنه دخترها [ی] عزیزم، شما فرزندان من با خواندن درس خود و رفع نیازها [ی] مملکت و رعایت کردن حجاب خود مشت^۷ محکمی بر دهان یاوه‌گویان^۸ بکوید. از مادر و برادرت جواد پیروی کنید. محسن عزیزم وقتی بزرگ شدی راه پدرت [را] ادامه بده و یک فرد مفیدی برای این جامعه اسلامی باشید.

حسین شهابی

امضاء^۹

۶۵/۱۲/۲

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

۴. در اصل: جنگی.
۵. در اصل: خواهرت.
۶. در اصل: کند.
۷. در اصل: مشتی.
۸. در اصل: گویند.
۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ^{۱۰}

بدرستی خدا دوست می‌دارد آنان که در راه خدا کارزار کنند در راهش صف زده گویا ایشانند بنایی استوار ساخته شده.

پدر عزیز و مادر بزرگوارم! که هم‌چنان کوه استوار هستید، توجه به وصیت‌نامه من داشته باشید. اکنون که دین خدا مورد حمله کافران قرار گرفته، دفاع از اسلام و قرآن بر ما واجب است؛ شاید خدا این توفیق [را] نصیب ما کند^{۱۱} که دشمنانش به دست پرتوان ما مجازات شوند؛ چنان‌چه ما در این راه شهید شویم، باز هم توفیق است که دین خدا را یاری کردیم؛ و از شما می‌خواهم در مرگ من زاری نکنید تا دشمنان خدا شاد نشوند.

پدر و مادرم! چون برادرانم و خواهرم در بندرعباس هستند، محل دفن در بندرعباس باشد. سرپرستی بچه‌هایم تا وقتی ازدواج نکرده، [برعهده‌ی]^{۱۲} خودش می‌باشد و بعد برادرم افروز. و درباره سرپرستی بچه‌هایم بعد از من ناراحتی پیش نیاید^{۱۳} و ارتباط شما با خانواده من قطع نشود.

این چند کلمه تذکر بر شما پدر و مادرم، پدر و مادر عزیز در مرگ [من] ناراحت نباشید و شهید در راه خدا افتخاری بزرگ است؛ و اگر می‌خواهید گریه کنید، به یاد امام حسین و اسیری حضرت زینب گریه کنید.

از پدر و مادرم بخصوص که زحمات فراوانی برای من کشیدند^{۱۴}، حلالیت می‌طلبم و دعا کنید تا خدا ما را ببخشد و دین اسلام را نصرت عنایت بفرماید و به امام امت طول عمر کرامت بفرماید و به رزمندگان اسلام پیروزی عنایت کند و زیارت کربلا نصیب شما و همه خانواده‌ها [ی] شهدا کند.

به تمام قومان و خویشان وصیت می‌کنم که دین خدا را یاری کنید و یار اسلام باشید

۱۰. آیه ۴، سوره الصف.

۱۱. در اصل: کنند.

۱۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام «برعهده‌ی»

۱۳. در اصل: بیاید.

۱۴. در اصل: کشید.

و امام را تنها نگذارید و راه شهیدان اسلام [را] ادامه دهید؛ ناراحت نباشید، خدا با ماست. با توکل بر خدا از اسلام دفاع کنید.

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ^{۱۵} در ضمن مراسم سه و هفت در منزل خودم برپا کنید.

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^{۱۶}

از برادرانم تقاضا دارم مرا حلال کنند و از خواهرم می‌خواهم با صبر و استقامت یاری دهنده^{۱۷} اسلام باشد^{۱۸}.

حسین شهابی

امضاء^{۱۹}

۶۵/۱۲/۲

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت‌نامه حسین شهابی

خانواده عزیزم، دست از امام امت برندارید که اگر دست برداشتید^{۲۰}، [...] شیاطین خواهید شد؛ در برابر مشکلات چون کوه استوار باشید، در برابر هرگونه مصیبتی^{۲۱} که پیش آید، صبور^{۲۲} باشید و از کمک به جبهه‌ها خودداری ننمایید؛ در مراسم‌ها [...] شرکت کنید و خط امام را همین‌طور که تا حالا دنبال کردید دنبال کنید که پیروزید. خدای ناکرده گول

۱۵. بخشی از آیه ۳، سوره طلاق: «و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است.»

۱۶. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

۱۷. در اصل: یاری دهند.

۱۸. در اصل: باشید.

۱۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۲۰. در اصل: برداشتی.

۲۱. ناخواناست.

۲۲. در اصل: مسیبتی.

۲۳. در اصل: صبور.

۲۴. «را» حذف شده است.

توطئه^{۲۵} منافقان [را] نخورید که این‌ها نوکر امریکا هستند.

اگر من شهید شدم، شیون نکنید، زیرا از این شیون‌ها دشمنان ما شاد می‌شوند [...]»^{۲۶}
از من، خودت هم پدر و هم مادر برای بچه‌ها می‌باشید؛ همسر مهربانم! تو خود می‌دانی^{۲۷}
مسئولیت^{۲۸} دو نفر [را] به عهد داری، باید تحمل بیشتری داشته باشی.

چند کلمه به فرزندانم، فرزندان عزیزم! درستان را خوب بخوانید که کشور ما در آینده
بشما نیاز دارد؛ مادران را اذیت^{۲۹} نکنید، بحرفهایش گوش دهید و سعی^{۳۰} کنید در آینده
خدمت‌گزار خوبی برای جمهوری اسلامی باشید؛ خداوند شما توفیق بدهد.

وصیت به پدر و مادر، پدر و مادر مهربانم! هم‌اکنون که روانه جبهه‌ی حق علیه^{۳۱} باطل
می‌باشم، از دور سلام عرض می‌کنم، خیلی عذر^{۳۲} می‌خواهم که [نشد]^{۳۳} این سلام [را] از
نزدیک عرض کنم؛ اگر شهید شدم که چه افتخاری، اگر برگشتم خدمت حضورتان می‌رسم
و از نزدیک دیدارمان تازه می‌شود؛ اگر شهید شدم در مرگم صبر داشته باشید و خانواده‌های
شهدای دیگر را بیادتان آورید تا من کوچک به نظرتان آیم.

السلام علیکم و رحمت‌الله

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت دختران^{۳۴} عزیزم پروا و آمنه، دعای فراوان می‌رسانم، امیدوارم سالم و تندرست
باشید و همیشه اوقات در کمال خوشحالی زندگی کنید و در پناه^{۳۵} خداوند بزرگ به شادی

۲۵. در اصل: توتعه.

۲۶. ناخواناست.

۲۷. در اصل: می‌داید.

۲۸. در اصل: مسعولیت.

۲۹. در اصل: عزیت.

۳۰. در اصل: سیع.

۳۱. در اصل: علیج.

۳۲. در اصل: عضر.

۳۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «نشد» باشد.

۳۴. در اصل: دوختران.

۳۵. در اصل: پهنا.

و شادکامی زندگی کنید.

دختران^{۳۶} عزیز! امیدوارم ناراحتی نداشته باشید و از این که برایم نامه نوشتید خیلی خوشحال شدم که یادی از پدر^{۳۷} خودتان کردید، امیدوارم بچه‌های خوبی در خانه باشید و خوب درس بخوانید و در خانه از مادران اطاعت کنید و احترام مادر خود بگیرید و از برادرت محسن خوب مواظبت کنید و نگذارید که ناراحت شود.

خدمت همسر عزیزم سلام عرض می‌کنم، امیدوارم که سالم و تندرست باشید و در پناه^{۳۸} خداوند بزرگ به شادی و شادکامی زندگی کنید و ناراحتی نداشته باشید و در خانه از بچه‌ها خوب نگهداری کنید و از شما خواهش می‌کنم که از طرف من نگران نباشید که خداوند با شماست که ان شاء الله با پیروزی و خوشحالی برمی‌گردم.

رزمندگان اسلام را دعا کنید. خدمت علی [...] ^{۳۹} با خانواده سلام می‌رسانم، خدمت عیسی [...] ^{۴۰} با خانواده سلام می‌رسانم، عباس [...] ^{۴۱} با خانواده سلام می‌رسانم، محمد جهانگیر با خانواده سلام می‌رسانم، حسین شهبازی با خانواده سلام می‌رسانم، غلام شهبازی با خانواده سلام می‌رسانم، [...] ^{۴۲} سلام می‌رسانم، خدمت اردشیر دهقانی با خانواده سلام می‌رسانم، عبدالرضا با خانواده سلام می‌رسانم، الحق حیدری با خانواده سلام می‌رسانم، اسماعیل [...] ^{۴۳} با خانواده سلام می‌رسانم، مادر محمد الحق سلام می‌رسانم، از [...] ^{۴۴} من به همه دوستان سلام برسانید.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

۳۶. در اصل: دوختران.

۳۷. در اصل: پدرت.

۳۸. در اصل: پنهان.

۳۹. ناخواناست.

۴۰. ناخواناست.

۴۱. ناخواناست.

۴۲. ناخواناست.

۴۳. ناخواناست.

۴۴. ناخواناست.

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت فرزند عزیز و مهربانم جواد شهابی، قربانت گردم امیدوارم که سالم و تندرست باشید و در پناه^{۴۵} خداوند بزرگ به شادی و شادکامی زندگی کنید و در زندگی هیچ‌گونه ناراحتی و غمی نداشته باشید.

فرزند عزیز! از خداوند می‌خواهم که [به] یک یک شما بی‌الم و خوشحال [باشی] و هیچ کسالتی نداشته باشی، فرزند عزیزم! اگر از راه لطف و رحمت جویای احوال اینجانب پدر خودت، حسین شهابی خواسته باشید، الحمدالله سالم و تندرست هستم و هیچ‌گونه ناراحتی ندارم، بجز دوری از دیدار شما فرزندان عزیز و مهربانم که امیدوارم به زودی دیدارها تازه گردد؛ [...] عزیزم نامه‌ی شما به دستم رسید و خیلی خوشحال شدم که نامه برای ما نوشتی و از این که درس هایت [را] خوب می‌خوانید خیلی خوشحال شدم و امیدوارم که همیشه سالم و بعد خوب درس بخوانید و شاگرد اول بشوید.

فرزند عزیزم! خواهش می‌کنم در خانه با مادر و خواهرت خوب رفتار کن^{۴۷}، [...] ^{۴۸} گوش به فرمان مادرت باش^{۴۹} و از برادرت محسن مواظبت کن تا ناراحت نشود. همسر! سلام فراوان می‌رسانم و امیدوارم که ناراحتی نداشته باشید و از بچه‌هایت خوب نگهداری کنید و از بچه‌ها بخواهید خوب درس بخوانند و فرزندانم^{۵۰} پروا و آمنه دعا می‌رسانم، محسن دیده بوسم، خدمت مادر^{۵۱} عزیزم سلام فراوان می‌رسانم، خدمت برادر عزیزم عبدالله شهابی با اهل منزل سلام و دعایی فراوان می‌رسانم، خدمت برادرم ابراهیم با خانواده سلام می‌رسانم، اسماعیل [...] ^{۵۲} سلام می‌رسانم، با خانواده عباس [...] ^{۵۳} با خانواده

۴۵. در اصل: پهنا.

۴۶. ناخواناست.

۴۷. در اصل: کند.

۴۸. «به» حذف شده است.

۴۹. در اصل: باشد.

۵۰. در اصل: فرزند.

۵۱. در اصل: مادرم.

۵۲. ناخواناست.

۵۳. ناخواناست.

سلام می‌رسانم، خدمت عیسی [...] ^{۵۴} با اهل منزل سلام می‌رسانم، خدمت محمد جهانگیری با اهل منزل سلام می‌رسانم، خدمت [...] ^{۵۵} جهانگیری با اهل منزل سلام می‌رسانم، خدمت اردشیر دهقانی با اهل منزل سلام می‌رسانم، عبدالرضا دهقانی با اهل منزل سلام می‌رسانم، خدمت علی منصوری با اهل منزل سلام می‌رسانم.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت فرزند [...] ^{۵۶} مهربانم جواد شهابی سلام و دعایی فراوان می‌رسانم و امیدوارم که در زندگی هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشید و همه شما سالم و تندرست باشید و همیشه اوقات در پناه ^{۵۷} امام زمان (ع) تعالی فرجه شریف به شادی و شادکامی زندگی کنید و خوب درس بخوانید و در خانه از مادرت اطاعت کنید و بچه‌ای خوب باشید، باری اگر از راه لطف و رحمت جویای احوال اینجانب پدرت خواسته باشید، الحمدلله سالم و تندرست هستم و الحمدلله هیچ‌گونه ناراحتی ندارم. فرزند جان! فقط ناراحتی دوری از شما [است] که امیدوارم به زودی دیدارها تازه گردد. آمین یا رب العالمین.

فرزند عزیز! اکنون وظیفه سنگین‌تر برعهده ما است و آن دفاع از اسلام [است] و بر همه واجب است، که اکنون مشغول خدمت به اسلام هستم و امیدوارم شما هم فرد با ایمانی و با تقوا باشید. فرزند عزیز! درباره بیماری خودت نوشته بودید، من فقط دعاگوی شما هستم و نمی‌توانم بیایم و شما را بدست خدا می‌سپارم، ان شاء الله ^{۵۸} ناراحت نباشید، خدا شما را شفا می‌دهد. خواهرت نوشته بود که جواد اذیت می‌کند در خانه شما بجای من هستید و نباید اذیت و آزار مادر و خواهرت کنید و اگر مرا دوست دارید باید یک بچه خوب و باتربیتی باشید؛ یک بچه نمونه که امیدوارم دیگر تکرار نشود و از خواهرانت و برادرت

۵۴. ناخواناست.

۵۵. ناخواناست.

۵۶. «و» حذف شده است.

۵۷. در اصل: پهنای.

۵۸. در اصل: اله.

محسن خوب نگهداری کنید و به محسن [...] ^{۵۹} بگویید که پدرت می‌آید. خدمت مادرت سلام فراوان می‌رسانم، خدمت دخترم ^{۶۰} پروا و آمنه سلام و دعا می‌رسانم، محسن عزیزم دیده بوسم، خلاصه مواظب محسن باشید، ناراحتی نکشد. هر کس سراغ من گرفت سلام می‌رسانم خدمت پدر و مادرم سلام فراوان می‌رسانم.

۵۹. «به» حذف شده است.

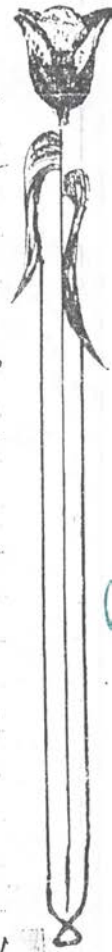
۶۰. در اصل: دوخترم.

بسم الله الرحمن الرحيم
 بنام ایزدگرم فرمودند بنزوانیت مرد مسلمان شیخ کز کفر
 ایزد عزیزت اوزیر برش باشد

نام خانوادگی حسین شهای
 فرزند تاریخ ۱۳۷۶



وضیفت نامه



بسم الله الرحمن الرحيم
 «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ»
 «کارزار کنید با دشمنان خدا تا فتنه نباشد»
 بنام خداوند بخشنده مهربان که در دنیا بر مؤمن کافر رحم می کند و در
 آخرت بر مؤمن رحم میکند
 باسلام و درود بر منجی معد عالم بشریت امام زین العابدین و باسلام
 بر نیایب بر حقش امام خمینی و با درود به ارواح طیب شهید
 و سیاسی خدای ما که این توفیق نصیب این حقیر نمود تا در خور
 این مجرای غمگین ادا و بندای رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران
 کبیر گویم اینها نب برای رفقای خدا و برای
 یاری رساندن به اسلام به حیث اعزام شدم و هدفی جز
 الله ندارم لاشا است حزب الله تقاضا دارم امام را تنها نگذارید
 همیشه یار امام خمینی باشید و او را دعا کنید و از شما است
 شهید پرور تقاضا دارم جهت عیبه را خالی نگذارید با این باز خود
 منتهی حکمی به دهان ستمگران و سافلین که در دل بزرگوار
 از همه خواهران تقاضا دارم عیاب خود حفظ کنند که
 عیاب شما گویند تر از خون من است

شماره نشریه ۴۱ آرايه



از شما خانواده محترم و مهربان تقاضا دارم که با مهربانی و استقامت

خوردنی بردمان منافقین و مدام بزرگوار با کوشش و زاری خود
دشمنان را غرضمان تکبیر و از شما می خواهم که از آنچه ما خوب
نگه داریم بگذریم و مادام که با ما بودیم با ما بودید و ما را از آن
که پدرتان در راه اسلام رفتی و ناراحت نباشید و هر وقت
آنها بر گردن آمدند اگر عیبی حق علیه باطل مرفذ از آنها بروند از
اسلام دفاع کنید هرگز من و مردانم نمی توانیم بعد از من از دفاع
کنیم و بخاطر من هرگز خود را بی سرپرست نگذارید

و تا دشوهر نکردی سرپرست بچه ها هستی بعد برادر افروز شما می
سرپرست بچه هایم است فعل دهن سرچ به نظر برادرانم و خواهرم
و هر دو من با خود از همه شما می خواهم که مرا حلال کنید و هر
بسی در برید بپخشید مبلغ چهار هزار تومان به غلام محمد
بدهکار هستم آن را با برادر یا از حقوقم و پولی که از وقتی که من عمل
نمایم من خواهم بگیرم ما مبلغ بیست و دو هزار تومان از محمد هفتم می خواهم
بگیریم.

پسرم خود شما می از شما می خواهم از عمارت و برادران و خواهرات خوب
نگه دارید و درس خوب بخوانید که آنقدر دست شما عزیزان است
از شما می خواهم که خواهرات با کسی بگذارید از دواج کند که مسلمان ناز خوان
و با این که با ما بود و اساسی بی پدری نکنید که خدا با شماست
پروا داشته و فراموش نکنید شما عزیزان من با خواندن درس خود در رفع
نیازها مملکت و رعایت کردن عواید خود مشغول میگردم هر دو مال
یا و ه کوشید بگویند از مادر و برادرت جدا پیوسته کنسیر محسن عزیزم
وقتی بزرگ شد زان پیرت اراده بده و بگو فرد سفیر برای این عمل است

۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنویسید و مشخصات خود را قیفا بنویسید
۲- وصیت نامه را از تعداد مورد نیازندگان پایگاه مربوطه خود دریافت نمایید



بسم الله الرحمن الرحيم
 نام و نام خانوادگی: حسین شهابی
 فرزند: علی ... پنج ... ۱۳۸۰

بسمه تعالی
 مجله شهابی

وصیت نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَجْمَعًا وَيُطَهِّرَ الْبَلَدَ
 پرستی خدا دوست میبارد آسمان که در راه خدا کلمه را بگردد
 راهی صف زده گریا داشته باشم استوار ساختن شود

پر عزیز و مادر بزرگوارم که همچنان که استوار هستید قریب
 به وصیت نامه من داشته باشید اکنون که در این مورد عهد
 ما قرآن قرار گرفته دفاع از اسلام و قرآن بر ما واجب است
 شمار خدا این توفیق نصیب ما کند که دشمنان را دست
 بر قرآن ما مجازات دهند چنانچه مادر این راه شهید شوم
 باز هم توفیق است که در این خدا را یاری کردیم و از شما خواه
 در مرگ من زاری نکنید تا دشمنان را شاد کند نسوزند
 پر و مادرم چوله برادرانم و خواهرم در بنزیر عباس هستند
 محل دفن در بنزیر عباس باشد
 سر پرستی بچه هایم تافوقی از دوایج نکرده خورشید

ما باشد و بعد برادرم افروز و در باره سر پرستی بچه هایم بعد
 از من ناراحتی پیش نیاید و ارتباط شما با خانواده من
 قطع نشود این چند کلمه تذکر بر شما پررو مادرم

پر و مادرم عزیز در مرگ ناراحت نباشید و شهید در خدا
 افتخاری بزرگ است

تعداد کلمات: ۴۱
 محل امضاء



و اگر می‌خواهم گریه کنید به یاد امام حسین و اسیر حضرت
 زینب گریه کنید
 از پدر و مادرم بچشمین که زحمات فراوان بر ما کرده‌اند
 خلاصت می‌طلبم و دعا کنید تا خدا ما را ببخورد و دین اسلام را نصرت
 نیاید بفرمانیر و به امام است قول عمر کر است بفرمانیر
 و به زینب کالی اسلام پیروز نیاید کند و زیارت کربلا نصیب
 شما و همه خانواده‌ها شهدا کند

به تمام قومان و فرماندهان وصیت می‌کنم که دین خدا را یاری کنید
 و یار اسلام باشید و امام را ترک نگذارید و راه شهدان
 اسلام ادامه دهید تا راهت نیابید خدا با ما است با قول بر خدا
 اسلام دفاع کنید
 در ضمن فتوح علی علم الله عهد حسین
 در ضمن مراسم و هفت و مرتل خودم بر پا کنید

﴿وَمَا كَيْسِبِ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالًا نَبَلًا أَهْلًا بِمَنْدَرِهِمْ
 كَرِيمًا﴾

از برادرانم تقاضا دارم مرا احلال کنند و از خواهرم می‌خواهم با من
 و اشتقامت یاری دهند اسلام با شما

۲، ۱۲، ۹۵ حسرتی است

محل امضاء

۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنویسید و مشخصات خود را دقیقاً بنویسید
 ۲- وصیت نامه را از تعداد مورد نیازندگان پایگاه مربوطه خود دریافت نمایید



بسم الله بن الحسن الرضی عنه
 وصیعتنامه حسین شهبان
 خانوارده عزیزم ترا دستم از انعام
 امست بر شرا در که اگر لاسحت
 بر دانستن نعم شایطین خواهی
 در بر ابر مشکلات چون کوه
 ایستوار باشی در برابر ضرر و نفع
 که پیش آید سوز باشی و از نگرانی

چند کلمه به فرزندانم
 فرزندان عزیزم در ستان
 را خوب بخوانید که کفرها
 در آینه بشما نشان داد
 بکار و نشان عمرتت تکثیر
 بجز فحاشی و نیش و دین
 مستطیع لیس از آمیزش
 کلمات و کلمه و لیس از آ

خود را در راه خدا فدا کن	اگر من شهید شوم شیرین است
به جبهه ها خط و طایفه بنویسید	نکسیر از آنجا از این شهیدها
در مراسم و ایام شکرگفتن کثیر	از دشمنان ما سلام بفرستید
و خط امام را همین طور	من خود دست پرر و با هم مادر
که تا حال دنیا برده اند	بر آن کس که به این با شیری
کثیر که پس وزیر خدای نام کرده	همه روز با نام تو خود من را پیر
توفیق متفاوتان بنظر پیر که اینها	مسئولیت دو نفر و خود را در آن
نور با مرگ است بیشتر	باید تحمل بیشتر داشته باشی

وصیت به پسر مادر	افتخار من اگر بر تشنگی حرمت
پسر و مادر مهر با نام	حضران شان هر رسد و از آن دیگر
که و آنه جبهه هر حرف علیح باطل	در پیر زمان تازه هر سرور
هر باشم از دور اسلام عرض	اگر شایسته شوم در هر کس
هر کس خیل حضرت من خواهم که	صبر داشته باشی و در آنجا
این اسلام را هرگز دیکه عرض	خود را شهیدان دیگر را بیادشان
کنم اگر شهید شوم که آنچه	آور پسر نام من کوچک به نظرشان
پیشانی تشنگی از تشنگی دوست	آیم اسلام علیکم بر حمت الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۱۰، ۶۵

فرزند عزیزم و مهر بانم جواد شهبازی و بیات کردم اُمیدوارم که
 سالم و تندرست باشد و در دنیا بخواند بزرگ بشود و شکرش از من
 کند و در نزد منی صیغی که ناراحتی و غم نداشته باشد
 فرزند عزیزم از خواندنم بخواهم که هیچ وقت بیاید شما با من خوشی و هیچ کس
 تداوت بداید فرزند عزیزم بگو از راه لطف مرحمت جریالی احوال
 اینها را بدید پر خورده است همین شهر این فرستاده باشد الحمد لله سالم
 و تندرست است و هیچ کس ناراحتی ندارم بجز دوری از
 دیار شما فرزندان عزیزم و مهر بانم که اُمیدوارم به زودی دیدارمان شود
 باری عزیزم تا چه شما بزرگ بشوید و فیصله خوشگوار شوم که با ما برار
 با نوستی و از آنکه درس هدایت خوب می خوانید خدای خوشدل شوم
 و اُمیدوارم که هر چه سالم و بیوف خوب درس بخوانید و شاکر اول
 بیاید فرزند عزیزم خواهش میکنم در خانق با ما در و غرا هر وقت خوب
 رفتار کنی به گوش به فرمان مدارت باشد و از برادرت من
 مراقبت کن تا ناراحت نشود هر چه سلام و احوال من بخانی
 و اُمیدوارم که ناراحتی نداشته باشد و از بی هدایت خوب دلگیری بشود
 و از بیم ما بخواند خوب درس بخواند و فرزند پروا و آینه دعا بخانی
 محسن دهره بگویم فرستادم عزیزم سلام و احوال من بخانی
 فرست برادر عزیزم عبدالحمید شهبازی با اهل منزل سلام و دعای و احوال
 من بخانی خوبت برادرم ابراهیم با خانوادة سلام بخانی
 ابا علی با سلام بخانی با خانوادة نجاسی با سره با خانوادة سلام
 بخانی محسن فرست عین مطهری با اهل منزل سلام بخانی
 فرست محمد باقر با اهل منزل سلام بخانی فرست غنچه محمد باقر
 با اهل منزل سلام بخانی فرست لرد و شیر دهقان با اهل منزل
 سلام بخانی عبدالرحمن دهقان با اهل منزل سلام بخانی
 فرست علی خلیفه با اهل منزل سلام بخانی

تاریخ ۱۳۲۵، ۶۵

بسم الله الرحمن الرحيم

خبرست فرزند و صبر بدانم جوادها بر سلام و دعای و اولاد ما را
 و امیدوارم که در زندگی هیچ گونه ناراحتی نداشته باشید و همه
 دنیا سالم و تندرست باشید و همین اوقات در پهنای امام زمان
 (عج)، تقاضای خیر و شرف با شادمانی و شادمانی کنیم و خوب
 درین بختها و در خانه ایملاد است ایملاد است کنیم و بچهای
 خوب باشد باره اگر از راه لطف مرحمت جواد احوال اینی است
 بدست غوارت باشد الحمد لله سالم و تندرست هستیم و الحمد لله
 هیچ گونه ناراحتی ندارم و زندگی جان فقط و ناراحتی ندارم از شما
 که امیدوارم به زودی دیدارها تا هرگز در آسین یارب العالمین
 فرزند عزیز التوفیق و لطف منکرین تر بر محمد، عانت و آن دعا
 از سلام و بر همه و اعیان است که التوفیق منقول فرست
 به اسلام هستیم و امیدوارم شما هم فرد با ایمان و با تقوی
 و فرزندان در باره بیماری که فوت فرشته بودید من فقط دعا گوین
 شما هم و منی قرآنیم و شما بدست غایتی سلام است و الحمد
 ناراحت نباشید خواه شما را تمام دهه غایتی فرشته بود که جواد
 از دست ما کثیر در خانه شما بخار من هستم و نباید از دست و آنرا
 مادر و خواهرت کنیم و اگر مراد دوست داریم باید یک بچه
 خوب و با تربیتی باشد بچه خوبی که امیدوارم دیگر تکلیف
 شود و از خواهرانت و برادرت محسن خوب تکلیف آری
 کند و با محسن به فکرید که بزرگتر ما است دوست ما در سلام
 و اولاد ما را هم غرضت تو فرست بر او آخه سلام و دعا میزنم
 محسن عزیزم دیده درکم حلاله مراد محسن باشد ناراحتی تکلیف
 هر کس سرای من گرفت سلام میزنم دوست بزرگ و مادرم سلام
 فرادان مهرمان

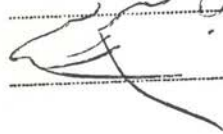
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۵۷/۱/۲۵

حضرت همدرد عزیزم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 در گذرد اسم اعظم الهی است و در گذرد نامی که در گذشت با همه سعادت و شادمانی
 و وفور زینت آن عزیز را که خداوند تعالی فرموده و خوانستادم بینه تمام خوبیست
 و همواره نیز کرد عالی محترم آن عزیز را بیستم تذکره از طرف من بنام خود
 سلامت هستم فرزندان که با شما خواد محسن در پیوند دهنده بودم
 حضرت مادر همدرد اسم سلام می برانم آنکه محترم نبی بود و در تمام سلام می برانم
 علی نبی بود سلام می برانم لیلین و اعظم و عظیم و زینت دهنده بودم
 عبداللہ بن عباس و ابراهیم و باقی با شما خوانند سلام می برانم
 عیسی مؤمنان و خوانند سلام می برانم علی بن عبدالمطلب و خوانند سلام می برانم
 عیسی با همه با شما خوانند سلام می برانم محمد بن عبدالمطلب و خوانند سلام می برانم
 مادر فریاد سلام می برانم ضحیٰ بن یوسف بن هاشم بن عبدمنظور و خوانند سلام می برانم
 از طرف بنده کلمه فاعیل و دوستی سلام و دعا می برانم
 برادر و قاسم فرزند حضرت همدرد و عاصم برانم
 خدا با ما و همه کارها در حق من فقر و تنگدستی فرزندم را برطرف کند

لکهنه در راهی که حسین بر پای مسرت



بختیار شهریاری کوتک

نام: بختیار

نام خانوادگی: شهریاری کوتک

تاریخ تولد: ۱۳۱۵/۰۴/۰۲

محل تولد: روستای کوتک تابعه شهرستان

کهنوج

نام پدر: علی

نام مادر: مریم

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

شغل: کارگر شرکت نفت

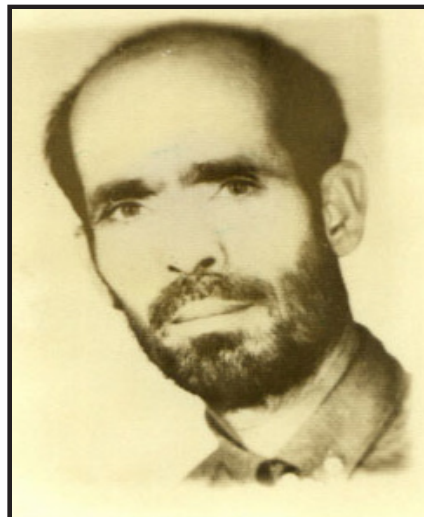
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱۱/۲۳

محل شهادت: بمباران هوایی پالایشگاه نفت

آبادان

نحوه شهادت: اصابت ترکش بمب به گردن و پا

محل دفن: گلزار شهدای همان شهرستان



گلچین وصیت نامه

◀ آنچه سهم من باشد دائم نیز [که] پدر عیالم محسوب می شود، بنام مشهدی مراد کربلایی رمضان شهریاری است، وکیل خود قرار دادم که برای آن کوشا باشد تا آمدن خودم و کسی دیگر حق دخالت ندارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

۶۰/۸/۳

اینجانب بختیار شهریاری که در آبادان مشغول انجام وظیفه و کمک به برادران ارتش و سپاه پاسداران^۱ می باشم، [۲] در چاه [۳] که عضو آن [۴] هست و چاه نیم عمیق است آن چه سهم من باشد دائم نیز [که] پدر عیالم محسوب می شود، بنام مشهدی مراد کربلایی^۵ رمضان شهریاری است، و کیل خود قرار دادم که برای آن کوشا باشد تا آمدن خودم و کسی دیگر حق دخالت ندارد.

[۶] بختیاری

امضاء^۷

۱. در اصل: پاسدا.
۲. ناخواناست.
۳. ناخواناست.
۴. ناخواناست.
۵. در اصل: کربلا.
۶. ناخواناست.
۷. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

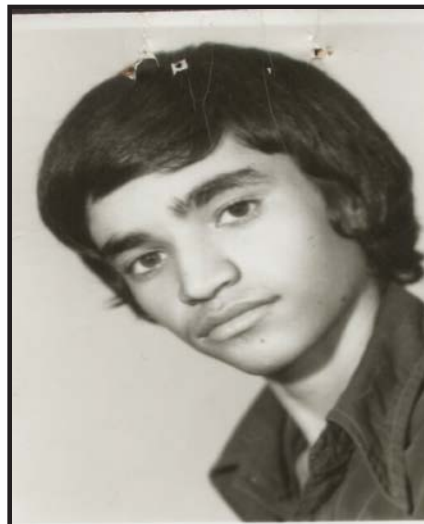
۳ / ۸ / ۶۰

اینجانب مجتبیار شهریاری که در آبادان مشغول
انجام وظیفه وکالت بهرادران ارشد و سپاه پاسا
مباشتم زمینکه در چاه ه اول که عضو آن هیئت
هست و چاه نیم عمیق است و آن نیمی سهم من باشد و آن نیم
نیز پدر عمالم محسوب میشود تمام مشردکا مراد کرا
رمضان شهریاری است وکیل نمود فرار دادم که بر
آن کو شایب باشد اما مراد فرود و کسی دیگر حق
د قائلت ندارد

امست

شهریاری

حمید شیخی فینی



نام: حمید

نام خانوادگی: شیخی فینی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۱/۰۱

محل تولد: شهرستان بندرعباس

نام پدر: علی

نام مادر: مریم

تحصیلات: پایان دوره متوسطه در رشته اقتصاد

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۲۷

محل شهادت: طلائیه

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر

محل دفن: گلزار شهدای زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ خدایا! به ما توفیق بده که در راه تو به همراه ولی تو کشته شوم و به فیض شهادت نائل گردم.
- ◀ خانواده گرامیم می داند که شهادت یک زندگی دوباره است که انسان در جهان دیگر شروع می کند، پس می دانم که خودتان به فلسفه اصلی شهادت آگاه هستید.
- ◀ در آخر از کلیه دوستانم در سطح شهر بندرعباس خواستارم که با گروه های ضد جمهوری اسلامی مبارزه کرده و آنها را سرکوب کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا... وَقْتًا فِي سَبِيلِكَ فَوْقَ لَنَا^۱

خدایا به ما توفیق بده که در راه تو به همراه ولی تو کشته شوم^۲ و به فیض شهادت نائل گردم.

شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع، این شهدا هستند که به پیکر اجتماع خاصه در رگ‌های اجتماعی که دچار کم خونی هستند، خون جدید وارد می‌کنند و از این راه خون خودش را در اجتماع جاوید می‌کند؛ یعنی خون جاوید در اجتماع بوجود می‌آورد. من چندان وصیتی ندارم ولی چون دانستم که یک مسلمان باید وصیت‌نامه داشته باشد، وصیت‌نامه نوشتم.

پدر، مادر، برادرانم، خواهرم! اگر من [در] این عملیات جدید به شهادت رسیدم، صبور باشید و گریه نکنید و اگر گریه می‌کنید برای پهلوی شکسته حضرت زهرا (س) و اسیری حضرت زینب گریه کنید و خانواده گرامیم می‌داند که شهادت یک زندگی دوباره است که انسان در جهان دیگر شروع می‌کند، پس می‌دانم که خودتان به فلسفه اصلی شهادت آگاه هستید چون که اگر این فرزند اسلام شهید شدم، شما دومین فرزند خود را برای اسلام قربانی می‌کنید و آگاه هستید و در آخر از کلیه دوستانم در سطح شهر بندرعباس خواستارم که با گروه‌های ضد جمهوری اسلامی مبارزه کرده و آن‌ها را سرکوب کنند و ان شاء الله ما هم در جبهه‌ها این دشمن خدا و اسلام (صدام) را نابود خواهیم کرد و کربلا را از دست این کافران

۱. فرازی از دعای عالیہ المضامین: «ای خدا! ما را به رحمت در صف صالحان داخل گردان و در بهشت علین مقام بلند بخش و به کاسه‌ی آب گوارا از چشمه‌ی سلسبیل سیراب گردان و با حورالعین هم صحبت ساز و از پسران ابدی بهشت که مانند در و لؤلؤ در صدف‌اند خدمت گزار ساز و از میوه‌های بهشتی و مرغ بریان آن روزی ما گردان و از لباس سندس و پرنیان و استبرق به ما پوشان و به ثواب شب قدر و ثواب حج بیت الحرام و شهادت در راهت موفق بدار».

۲. در اصل: شویم.

به در خواهیم آورد و در آخر راجع به دفن اینجانب، اگر چیزی از جنازه من به دست شما رسید، با اجازه ولی من در هر کجا که ایشان خواستند دفن نماید و اگر مقدور است مرا در کنار مزار برادرم شهید غلامعباس دفن کنید که واقع در گلزار شهدای بندرعباس است. از همه دوستان خانواده و ملت قهرمان و شهیدپرور ایران بخصوص بندرعباس التماس دعا دارم.

به امید زیارت کربلا.

سرباز اسلام و پاسدار قرآن حمید شیخی

امضاء^۳

۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

خدا، ضلایه و تقدیب محمد خیر الله علیه



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این وصیت نامه ایثارگر حسین بنان (شهید) می نویسد که در کتبی پنجاه سال مبارزه کرده است

تاریخ وصیت نامه ۲۲/۴/۱۳۴۳
محل دارخوین

وینده

وصیت نامه ایثارگر علی محمد شیری فرزند... علی... شهرستان... بندر عباس

اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا... وقتك سيترك مع وكتب فوق لنا
 مدايا به ما توفيق لله في در راه تو به همداه و في تركشقه شوم و به نيف شمانت ناسن كورم. مهادت
 قدرش حق است تا بیکر افواج، این شهدا هستند که در سیکرا جمع خاصه در رکهای ایثار و شجاعت و در کرم
 حلقی هستند چون چمن و بار می کنند و از این راه خون خود را تا در آخر حیات جاری
 می کنند. یعنی حلقی جا و دیوار این جمع بر خود می آورند.
 بن خندان در صبی خوارم و فی حین دانستم که یک سالان باین وصیت نامه دانسته اند و همیشه در تیم
 پدر، مادر، برادرانم، فرزندانم این عملیات جدید به شهادت رسیدم و بعد با شنیدن و شکر می کنید
 و اگر گریه می کنید برای بیگونی شکسته حضرت زهرا بن و اسیری حضرت زینب گریه کنید
 و خاندان گرامی می دانند که شهادت یک زندگی فدا شده است نه آسنان در جهان و کبر شروع می کند
 پس می دانم که خود قاتل به فلسفه اصلی شهادت آگاه هستید هر چند برای خود اسلام سفید شدیم
 شما رو بین فرزند خود را برای اسلام قربانی کنید و آگاه هستید و در آخر از کتبی جمع ما در مطیع
 بشود و بندر عباس خواستارم که با کرم و حمای خدای جمهوری اسلامی مبارزه کردن و آفتاب اسلام کنگر و
 ان شاء الله در ماه در همه ما این دشمن خدا و اسلام (دشمن) را خنجر خلاص کرد و کردید از دست این
 کما خواتم بند خواهیم آورد و در آخر راجع به دفن اینها فی - اگر چیزی از جنازه من به دست شما رسید
 یا اجازت من در هر کجا که ایشان خواستند دفن نمایند و اگر مقدور است مواد کفن را مزار
 در آرام شنیدند و لباس دفن کنید و قطع در گذار شهیدای بندر عباس است از همه دوستان
 خانواده و ملت خیر و ان در شهید پرور ایران بخدمت من بند عباس



التمس دعا دارم به امید نظرت کریمه
سودا ز اسلام و باستان و کوران
محمد شیری



محمد صابری



نام: محمد
نام خانوادگی: صابری
تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۰۸/۰۴
محل تولد: روستای لشتگان از توابع شهرستان
بندر خمیر
نام پدر: حسن
نام مادر: مریم
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۳/۰۶
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش به پا و پهلو
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ خدایا! شکر گذارت هستم که توفیق یافتم در این زمان که دشمنان اسلام همه بر علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه چینی می کنند، بر قلب آنها بتازم.
- ◀ شما که دم از اسلام می زنید، چرا بیاری اسلام نمی شتابید؟ حالا اسلام در خطر است، برخیزید و این فرصت [را] از دست ندهید تا دیر نشده.
- ◀ راستی فرزندی در راه هست اگر دختر شد، معصومه و اگر پسر شد، ابراهیم بردارید.

بسمه تعالی

وصیت‌نامه اینجانب محمد صابری که در تاریخ ۶۵/۱/۱۴ نوشته‌ام.

بنام خداوند مهربان که به ما این توفیق مرحمت فرمود که تا بتوانیم با تصمیم خود و به فرمان رهبرم امام خمینی این فرصت [...] پیش آمد، خدایا شکر گذارت هستم که توفیق یافتم در این زمان که دشمنان اسلام همه بر علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه^۲ چینی می‌کنند، بر قلب آن‌ها بتازم^۳ و بیاری [و] لطف خدا با پیروزی اسلام بر علیه کافران بعثی^۴ عراق به پیروزی نهائی برسانیم ان شاء الله^۵ و در ضمن به آن‌ها که فرصت پیش آمده است چند تذکر می‌دهم، یک، [...] شما که دم از اسلام می‌زنید، چرا بیاری اسلام نمی‌شتابید؟ حالا اسلام در خطر است، بر خیزید و این فرصت [را] از دست ندهید تا دیر نشده، مثل اهل کوفه بی‌وفا نباشید؛ بیاری حسین زمان خود بشتابید. دوستان و برادران و تمام مسلمانان! این [را] حقیقت می‌گویم، ندای رهبرم را شنیدم چنان از خود پرسیدم تا کی می‌توانی بمانی و به شعار اکتفا کنی و بعد از پیام امام با تنی چند از برادرانم مشورت کردیم باهم عازم^۶ جبهه بشویم و امیدوارم که شما هم همین تصمیم [را] بگیرید. در پایان می‌خواهم اگر خدا نصیب کرد که به شهادت رسیدم مرا به این روستای لشتگان بیارند در آن مکان که شهدا هستند، مرا دفن نمایند و اگر مراسمی

۱. ابتدای وصیت در دسترس نیست.

۲. در اصل: توطئه.

۳. در اصل: بتازیم.

۴. در اصل: بعسی.

۵. در اصل: این شاء الله.

۶. «اگر» حذف شده است.

۷. در اصل: عاضم.

برایم گرفتند، در مراسم دعای کمیل و [...] این وصیت‌نامه را قرائت بکنند.^۹
و در پایان از خداوند طول عمر برای رهبرم و پیروزی را به رزمندگان و شفا به مجروحان
[و] صبر و استقامت برای خانواده شهدا و اسرا و معلولین و فرج امام زمان (ع)، [را خواهانم].^{۱۰}
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

محمد صابری

امضاء^{۱۱}

۶۵/۱/۱۴

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسمه تعالی

وصیت‌نامه اینجانب محمد صابری، فرزند حسن که در تاریخ ۶۵/۱/۱۵ این وصیت
می‌نویسم از^{۱۲} صحت و سلامت کامل برخوردارم.
اینجانب برادرم حسین صابری را بعد حیاتم و کیل خود می‌نمایم^{۱۳} که به سرپرستی
بچه‌هایم و برای رسیدگی بدهکاریم و تمام امورات کفن دهنم و اموالم او [...] با اختیار
خودش هست. من بدهکار هستم و ماشین به نرخ^{۱۵} روز بفروش برساند؛ و قرض‌هایم را
پرداخت نماید و قرض‌ها تمام در دفتر نوشتم و طبق نوشته‌ها یک یک از بدهکاریم داده شود.
بدین وسیله به عرض برسانم، و سائل منزل و تمام [...] و سائل مصرفی [...] در اختیار
بچه‌هایم باشد، فرزندانم همگی به پهلوی مادرشان در منزل خودم زندگی کنند و هیچ اجباری

۸. ناخواناست.

۹. در اصل: بکند.

۱۰. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «را خواهانم» باشد.

۱۱. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۱۲. در اصل: در عین.

۱۳. در اصل: می‌نمایم.

۱۴. «را» حذف شده است.

۱۵. در اصل: نخر.

۱۶. «به» حذف شده است.

۱۷. «هست» حذف شده است.

برای کوچ به جای دیگری نداشته باشند^{۱۸}.
و در پایان از آن برادرم تشکر می‌نمایم؛ راستی فرزندی در راه هست اگر دختر شد،
معصومه و اگر پسر شد، ابراهیم بردارید اسمش.

محمد صابری

امضاء^{۱۹}

۱۳۶۵/۱/۱۵

۱۸. در اصل: باشد.
۱۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسمی سعادی

۳۹۵
 در این اهل خوفی این وقتا بنامید بیاری حمدی در زمان ظهور
 و استقامت در استقامت و برادران و عیان و سلیمان ثابت در این حقیقت مکتوب
 ندای رهبر را بشکوه چنان از آن خود ~~بر میزنم~~ بر میزنم تا کسی سبطان
 بجای او با شهادت و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت
 تا به خود میزنم که با هم عاظم صیقلی بسویکم و امیدوارم که تمام صفت
 تصحیح کردید در این میان من میگویم که این خدا نصیب کرد که بی نهایت
 همه را بر این بر میآورد و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت
 مرادین نماز ~~و شهادت~~ و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت
 که در این میان همه با شهادت و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت
 خود را با این اهل خوفی این وقتا بنامید بیاری حمدی در زمان ظهور
 به سوره هان صبر استقامت برای خلق داده است با هم اسرا و معلولین و فرزندان
 خدا با خدا تا انقلاب مهمل را که در این میان همه با شهادت و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت و شهادت
 (۴-۶)

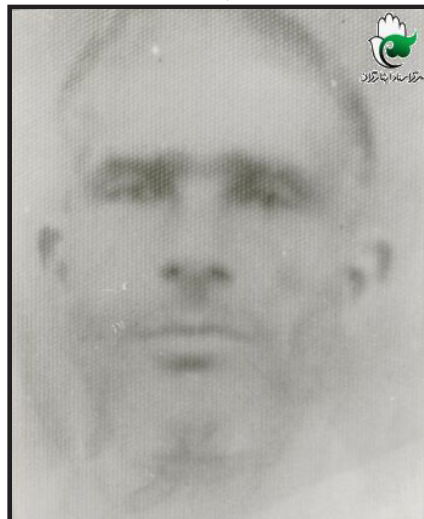
بسمه تعالی

وصیت نامه اینجانب محمد صابری فرزند حسن که در تاریخ ۱۵/۱/۵۵ این وصیت عمل کردم در عین صحت و سلامت کامل بر خود دارم

اینجانب بر ادرم حسین صابری را بعد صیام اولی خود می نامم که به سرپرستی بچه هایم و براساس رسیدگی به کارهایم و تمام اموات کفن و دفن و اموال خود را با اختیار خود من است من به کارهایم و مالیاتین به نذر روز بفرودش برساند و قرضهایم را بپرداخت نماید و قرضها تمام در ذممت نوشته و طبق نوشته ها یک یک از بدهکاریم داده شود بدین وسیله بجز من برسانم وراثت منزل و تمام به وراثت مصرفی هست در اختیار بچه هایم باشد فرزند نامی هگلی به پهلوی مادرشان در منزل خودم زندگی کند و هیچ اجباری براسا کوچ به جاس دیگری نداشته باشد

۴۵۱۲۱۹۷۲

غلام صابری زاده دهباززی



نام: غلام
نام خانوادگی: صابری زاده دهباززی
تاریخ تولد: ۱۳۱۱/۰۴/۰۲
محل تولد: روستای دهبازز از توابع شهرستان
رودان
نام پدر: محمد
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: دوم ابتدایی
شغل: کارگر
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۲
محل شهادت: خرمشهر
نحوه شهادت: اصابت ترکش به سروصورت
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ ان شاء الله قصد جهاد فی سبیل الله را دارم.
- ◀ به تمامی مردم انقلابی وصیت می کنم که این انقلاب شکوهمند اسلامی را حفظ فرمایند.
- ◀ جسد اینجانب را به رودان بیاورند و هدف از این کار فقط برای این است که بقیه برادران راه ما که حق است [را] ادامه دهند.

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب و تمامی شهدای گلگون کفن که در راه اسلام و قرآن به شرف شهادت نایل گشته‌اند.

من غلام صابری فرزند محمد که عازم جبهه جنگ می‌باشم و ان شاء الله قصد جهاد فی سبیل الله را دارم، به تمامی مردم انقلابی وصیت می‌کنم که این انقلاب شکوهمند اسلامی را حفظ فرمایند و نگذارند عده‌ای این انقلاب را به تباهی بکشند؛ خانه مسکونی اینجانب واقع در بالاشهر وقف مسجد ولی عصر (عج) بالاشهر می‌باشد؛ خرج اینجانب از فروش همین خانه تأمین گردد؛ اراضی مسکونی مع یک درب دکان نیمه تمام متعلق است به برادرزاده‌ام محمد صابری مقدم، اراضی مذکور جنب مدرسه ستار می‌باشد؛ اراضی فوق‌الذکر زیربنای یک درب دکان از وسط به محمدحسین ناصری تعلق دارد و به ایشان تحویل دهید؛ اراضی جنب فلکه امام الخمینی روبروی حمام قدیمی به حجت صابری مقدم (برادرزاده‌ام) بخشیدم؛ بدهی اینجانب به حاج محسن رحیمی احمد صابری مقدم پرداخت نماید؛ مبلغ پانصد و دو تومان به کربلایی حسین واحدی بدهکار می‌باشم برادرم احمد صابری پرداخت نماید، مبلغ ۳۰ تومان [...] الله محسنی، مبلغ ۱۰ ده تومان خواجه وهب نجفی، مبلغ ۵۰ ریال محمد کربلایی علی بدهکار می‌باشم و برادرم احمد صابری مأمور پرداخت می‌باشد؛ ضمناً کلیه اثاثه موجود در خانه اینجانب مع سیمان و بلوک، شن، سنگ همه و همه به برادرم احمد صابری بخشیده‌ام؛ جسد اینجانب را به رودان بیاورند و هدف از این کار فقط برای این است که بقیه برادران راه ما که حق است [را] ادامه دهند.

به امید پیروزی حق بر باطل

غلام صابری

عباس صادقی



نام: عباس

نام خانوادگی: صادقی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۱/۰۱

محل تولد: روستای دمشهر از توابع شهرستان

میناب

نام پدر: علی

نام مادر: سکینه

تحصیلات: دانش آموز دوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۱/۲۳

محل شهادت: زبیدات عراق

محل دفن: روستای دمشهر از توابع شهرستان

میناب

گلچین وصیت نامه

- ◀ مرگ، پایان زندگی هر انسان است چه مومن و چه غیر مومن. مرگ انسان را دنبال می کند؛ هر جایی که باشی چه در بستر و چه در جاهای دیگر و چه بهتر است که انسان در راه خدا کشته شود.
- ◀ مادر! در اشک بار من گریه مکن؛ چون که امام در سوگ فرزند خود اشک نریخت و مثل حضرت زینب (س) باش چون که حضرت زینب (س)، طفلان حسین (ع) و حسین (ع) را در آخرین لحظه ی شهادت حسین (ع) میدید و استوار و پایداری خود را حفظ می کرد و منافقان روزگار خود را به جایی کشاند، که خدا می خواست.

بسم الله الرحمن الرحيم

دروود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و درود بر رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل و سلام بر شهیدان انقلاب.

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا^۱

و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۲

ما از او آمده‌ایم و بازگشت‌مان به سوی اوست.

برادر عباس صادقی، در سال ۱۳۴۷ بدنیآ آمد و با شماره شناسنامه ۳ موالید [...] در ۶ سالگی پا به دبستان گذاشت و بعد از پنج سال [تحصیل]^۴ در ابتدائی پا به مدرسه راهنمائی گذاشت و دو سال در راهنمائی [درس خواند سپس]^۵ به جبهه حق علیه باطل رفت و بدست بعثیان بشهادت رسید.

مادر جان! از شهید شدن من ناراحت مباش، بلکه دل‌خوش و با روحی شاد و دلی پاک باش. [...]^۶ راستی مادرم! وقتی که خبر شهید شدن من [را] آوردند یک پرچم سبزی بالای در حیاط نصب کن. مرگ، پایان زندگی هر انسان است چه مومن و چه غیر مومن. [...]^۷ مرگ انسان را دنبال می‌کند. هر جائی که باشی چه در بستر و چه در جاهای دیگر و چه بهتر است که

۱. بخشی از آیه ۱۰۳، سوره آل عمران.

۲. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره.

۳. «و» حذف شده است.

۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «تحصیل» باشد.

۵. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «درس خواند سپس» باشد.

۶. «و» حذف شده است.

۷. «و» حذف شده است.

انسان در راه خدا کشته شود. [...] ^۸مادر جان! این هدیه‌ی ناقابل خودت را در راه خدا قربانی کن. مادر در اشک بار من، گریه مکن چون که امام در سوگ ^۹فرزند خود اشک نریخت و مثل حضرت زینب (س) باش؛ چون که حضرت زینب (س) طفلان حسین (ع) و حسین (ع) را در آخرین لحظه‌های شهادت حسین می‌دید [و] استوار و پایداری خود را حفظ می‌کرد و منافقان روزگار خود را به جایی کشاند که خدا می‌خواست. مادر جان! برای من گریه نکن که [اگر] منافقان بدانند خوشحال می‌شوند و دلشان از گریه کردن تو شاد [...] ^{۱۰}می‌شود. مادر جان! [اگر من شهید شدم] شب‌های جمعه بر سر مزار ^{۱۱}من بیا و چند لحظه‌ای با من بنشین و یک سوره‌ای هم برای من بخوان.

کسی که بخدا متمسک است از هیچ چیز نمی‌ترسد برای این که آخرش این است که انسان را ^{۱۲}بکشند آخرش شهادت است و این ترسی ندارد. (امام خمینی)

الدعا افضل من قرائة القرآن

دعا برتر از قرائت قرآن است.

خدا حافظ

امضاء ^{۱۳}

۸ «و» حذف شده است.

۹ در اصل: سوگ.

۱۰ «و خوشحال» حذف شده است.

۱۱ در اصل: مزارم.

۱۲ در اصل: انسانرا.

۱۳ نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

درود بسیار بر کبیر انقلاب اسلامی و درود بر زین العابدین اسلام درجه های حق علی باطل را

سلام بر شهیدان انقلاب

«وَأَمْسُرْ نَبِيْلَ اللَّهِ جَمِيْعًا وَلَا تَفْرُقْ»
«هر شهیدان پیوسته الهی چنگ زنیور بر آلود نشوید»



«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ»
«ما از او آید و ما به او بازگشتیمان به سوی اوست»

برادر عباس ما در سال ۱۳۶۷ یونیا آمد و با شما رهشاسنامه تمام بود و در یاسگالی پا به دستان گذاشت و بعد از پنج سال در ایتوانی پا به موزه را منهای گذاشت و در راه منهای پیوسته حق علی باطل رفت و سلطه یوسف بهشتیان به جهالت رسید

ما در جهان از سبب شدن سون با رعایت عیاش بیکه و نفوس و باروحی شاد و دلگه با حسن و راسته ما درم هویت که خیر شویم من آفریند یک بر جسم سبزی با لایحه در حیات قضیت کنی هرگز پایانه زندگی هر انسان است چه معیوس و چه غیر معیوس و رتبه انسان را دنبال میکنی هر چای که پاشی چه در بیست و چه در چاههای دیگر و چه بهتر است که انسان در راه شکر شکر شود و ما در جهان این مدینه تا حال خودت را در راه خدا قربانی کنی ما در ارتش با زمین گریه کوه بود و تمام در سبب و سبب سوز که فرزند خود مرا شک تر میت و مثل زمین است با من چون در زمین طفلان حسین و حسین ما در آخرین لحظه های شهادت حسین میدیدم طاعت و با برادر خود را حفظ کرد و مناسک آن روز را از خود را به چایه کشا نو که خدا میخواهد است ما در جهان هر برای من گریه کنی که منقلب این جوانان شویم حال بشوید و در دنیا از گریه و سینه چاک شود و خوشحال میشود ما در جهان شبهای جمعه اگر شویم بر سر هزار من بیتا و چند لحظه ما را پس بقیه وقت به سوره های هر برای من شوالیه

کسی که بنواستد است از هیچ چیز نمی ترسد برای ایند! آخرش این است که انسان از کله بشو

آخرش شهادت است و این ترس ندارد «اعلموا حقیقته»

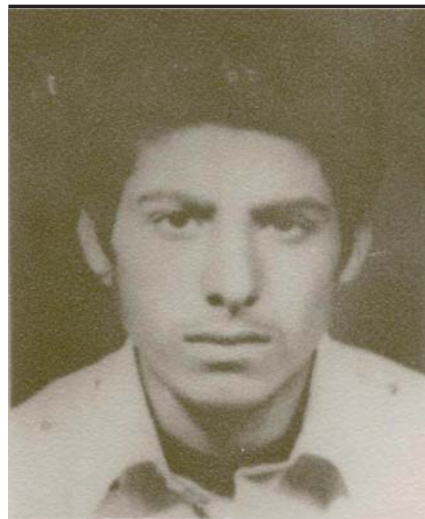
الدعاء افضل من قراءة القرآن

«دعا بهتر از قرائت قرآن است»

خدا حافظ

Handwritten signature and flourish

محمد صادقی



نام: مجید

نام خانوادگی: صادقی

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۰۵/۰۵

محل تولد: روستای زیارتعلی از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: غلام

نام مادر: زیبا

تحصیلات: دانش آموز دوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۵/۱۶

محل شهادت: قلاویزان

محل دفن: صحن مسجد طالقانی روستای زیارتعلی

از توابع شهرستان رودان

گلچین وصیت نامه

◀ برادران و خواهران عزیزم! توصیه من به شما این است که، شکر گزار این نهضت الهی باشید و قدر آن نعمت الهی امام خمینی (ره) را بدانید.

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب و با سلام و درود به شهیدان راه حق و حقیقت و با سلام و درود به ملت شهیدپرور و همیشه در صحنه ایران و با سلام و درود به همشهری‌های عزیز و سلام بر امام امت که رهبری چون پیامبر است برای این ملت. سلام بر پدر و مادر عزیزم! که فرزندی را به این سن رساندند و روانهٔ جبهه ساختند.^۱

برادران عزیزم! سعی کنید هرچه زودتر به یاری رزمندگان در جبهه‌ها بشتابید.

پدر بزرگوارم! باید مرا ببخشید چون سرپیچی من از فرمان شما زیاد بود. چون راهی که رفته‌ام وقتی به آرزویم رسیدم آسوده و راحت می‌شوم^۲ و پدر بزرگوارم! از این که مرا به [این] سن، رسانده‌اید متشکرم، اجرتان با خدا باد.

مادر عزیزم! از این که زحمتهای فراوانی را برای من متحمل شده‌اید تشکر می‌کنم اجر شما نیز با خدای توانا.

برادران و خواهران عزیزم! توصیه من [به] شما این است که شکرگزار این نهضت الهی باشید و قدر آن نعمت الهی^۳ امام [خمينی] (ره)^۴ را بدانید.

برادران عزیزم! این راهی را که رفته‌ام هر چند هر روز آرزویم شهادت است اگر پیروز شدیم که به جای خود و اگر به آرزویم رسیدم [و شهید شدم]^۵ شما باید راهم را ادامه دهید. و آن چنان، مشت محکمی بر دهان این منافقین بزنید؛ که دیگر با ملت طرف نشوند.

۱. در اصل: روان.

۲. در اصل: کردند.

۳. در اصل: باشم.

۴. از لحاظ دستوری بهتر است نعمت الهی قبل از فعل باشد.

۵. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «خمينی (ره)» باشد.

۶. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «و شهید شدم» باشد.

پدر و مادرم و خواهران و برادران! امیدوارم مراحل کنید. از طرف من از تمامی اهالی رودخانه حالیت بطلبید و مادر بزرگ از تو می‌خواهم که برایم گریه نکنی و از این که من شهید شدم؛ هدفت را رها نکنی و استوار و مقاوم باشی.

امضاء^۷



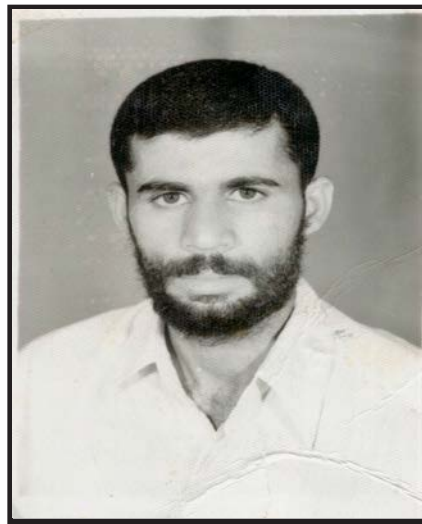
سلام و درود به روبر کبیر انقلاب و با سلام و درود به شهیدان راجع
 و عقیدت و با سلام و درود به ملت شهید پرور و همیشه در صحنه ایران
 و با سلام و درود به شهریار عزیزم سلام بر امام امت که روبر چون
 پیامبر است بر این ملت. سلام بر پدر و مادر عزیزم که فرزندان را به
 این سن رسانیدند و روان جبهه ساختند. برادران عزیزم که بنده حریجه
 زودتر به یار رزمندگان در جبهه مابقتابید. بدر زبرگوارم چون رام
 که رفتام. وقتش به آرزویم رسیدم و آسوده و راحت باشم. و بدر زبرگوارم
 از اینکه مرا به این سن رسانده اید تشکرم اجرتان با فدا باره مادر عزیزم
 از اینکه زحمتهای فراوانش را بر من متحمل شده اید تشکر و مدتی اجرتان
 نیز با فدا تواناء برادران و خواهران عزیزم تو سینه من به لا این ملت که شکر
 گزار ایند نعمت الهی بپذیرید و مدد آن را بدانید آن نعمت الهی امام عزیزم

برادران عزیزم این را من که رفته ام سرخود پیروزی آرزویم نهادت است
 اگر پیروزی شوم که بجای خود و اگر نه آرزویم سیرم بها باید را من را ادا می
 و آن نشان هست محکم بردمان این منافقین بزنی که دیگر با ملت طرف
 نشوند پدر و مادر و برادران و خواهران امیاطم مرا احلال کنیز از طرف
 من از تمام اموال خود خانه خلاصه میطلبم و مادر بزرگ از تو میخوام
 که برایم گریه نکن و از اینکه من شهید شوم مددت را رها نکنی و منتوا و

مقاوم باشی


غلام حسین
 آدرس بندر بیلخنی خیابان برق کله منتظر آبار پلاک ۱۱ منزل ۱۱

محمد صادقی



نام: محمد

نام خانوادگی: صادقی

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱۰/۰۱

محل تولد: روستای کهنان از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: عزیز

نام مادر: دختی

تحصیلات: بی سواد

شغل: کشاورز

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۵/۰۵

محل شهادت: روستای جغین رودان

محل دفن: روستای کهنان از توابع شهرستان

رودان

گلچین وصیت نامه

◀ از خواهران و برادرانم می خواهم وحدت و همبستگی خود را حفظ کنند و همیشه

گوش به ندای امام دهند و مو به مو فرمان امام را اجرا کنند.

◀ از خانم ها و دختران می خواهم با حجاب و تقوای خودشان اسلام عزیز را یاری کنند.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

با سلام و درود پیشگاه ولی عصر(عج)، امام زمان و منجی عالم بشریت، امام خمینی (ره) با نام خدا، وصیت‌نامه‌ام را شروع می‌کنم.

در این اسرع زمانی که [...] زندگی می‌کنم که همان طلوع فجر است. وظیفه‌ی من می‌باشد [که] به ندای حسین (ع) زمانم باید لبیک بگویم و به یاری خدا [و] با عنایت [از] بقیه‌الله الاعظم^۱ رهسپار جبهه‌ی حق علیه باطل شوم^۲. اگر خدای بزرگ شهادت را نصیبم کرد؛ در کنار قبر برادر عزیزم علی صادقی دفنم کنید.

از خواهران و برادرانم می‌خواهم وحدت [...] و هم‌بستگی خود را حفظ کنند و همیشه گوش به ندای امام دهند^۳ و مو به مو فرمان امام [را] اجرا کنند و از خانم [ها] و دختران می‌خواهم با حجاب [...] و تقوای خودشان اسلام عزیز را یاری کنند. و از پدر و مادرم می‌خواهم با صبر خودشان و دعا به امام [...] نباشند.

اگر باشد قرار آخر بمیرم نمی‌خواهم که در بستر بمیرم

می‌خواهم که در فصل جوانی میان جبهه و سنگر بمیرم

۳۵۰۰ تومان بدهکار پدرم هستم.

۱. «بعداً» حذف شده است.

۲. در اصل: می‌باشم.

۳. در اصل: معظم.

۴. «خود» حذف شده است.

۵. در اصل: داده باشند.

۶. «خودشان» حذف شده است.

۷. ناخوانا است.

۳۰۰۰ تومان بدهکار مشهدی حسین دامادم هستم.

۱۰۰۰۰ تومان از مادر همسرم [گرفتم].^۸

+والسلام

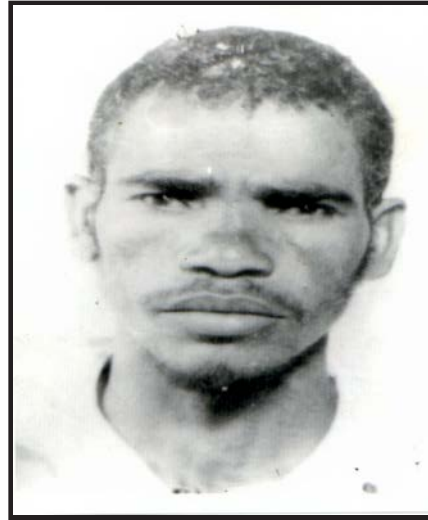
امضاء^۹

۸. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «گرفتم» باشد.

۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم
 با سلام و درود بر پیکار و بی عصای امام زین العابدین و سنی عالم شریف امام حسین
 با نام خدا وصیت نامه ام را شروع می کنم در این تاریخ که بعد از جنگ و کربلا
 که همان طلوع فجر است و طغیان من با آنکه بنده ام حسین زانم با یه کلبه
 گدوم و بیار خود را به عتبات ابر بخت الله اعلم بهیار جبهه حق علیه باطل است
 اگر در این دنیا که تجارت را می بینم که مکتب رفیقیدار عزیزم علی صادقی دقتم
 کند و از فدا ابرار و شهیدان من خواهم عودت خود و هستی فدا را صفا کند
 همیشه که نشیمن با امام داده باشند و صوبه مرفه آن امام اجرا کنند
 و از خانم و دختران من فدا با حجاب فدا و تقوی خودشان ایام
 غمخیزان را کشته و از پدر و مادر من فدا با همه فرزند خودی به امام
 فدا نباشند
 اگر باشد قرار آخر بیوم 4 من فدا که در بستی بیوم
 می فدا که در فصل جوانی + میان جبهه و شکر بیوم
 ۳۰ لغت بدما بیوم مسم
 ۳۰ لغت بدما بیوم حسین زانم مسم

محمد صادقی راه بهمنی



نام: محمد

نام خانوادگی: صادقی راه بهمنی

تاریخ تولد: ۱۳۲۵/۰۸/۰۹

محل تولد: شهرستان میناب

نام پدر: ابراهیم

نام مادر: خدیجه

تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن

شغل: کارگر

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۲/۲۴

محل شهادت: فاو عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: روستای بهمنی تابعه شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

- ◀ امیدوارم اگر سلاح از دست من زمین افتاد فوری بردارید؛ یعنی امام را تنها نگذارید.
- ◀ شما که خانواده شهید می شوید، باید نمونه باشید، با حجاب تان باید [به] دیگران درس بدهید.

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۱

ما از او آمده‌ایم و بازگشت‌مان به سوی اوست.

فرازهایی از وصیت اینجانب محمد صادقی [فرزند]^۲ ابراهیم. با حواس جمع و توکل بر خدا و امید پیروزی، عرض می‌کنم؛ اگر خدا براتم کرد [و] شهادت که یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است [را نصیبم کرد]^۳ لازم دانستم به عنوان تذکر، چند جمله را ذکر کنم اول [خدمت]^۴ پدرم، مادرم، همسرم، دخترانم، پسرانم، دوست و رفقایم^۵ سلام عرض می‌کنم، امیدوارم اگر سلاح [از] دست من [...] زمین افتاد فوری بردارید^۶؛ یعنی امام [را] تنها نگذارید.

وظیفه‌ای که برای همسرم تذکر می‌دهم، بچه‌هایت [را] دین دار [و] باحجاب بار بیاور^۷؛ یک وقت نباشد که خرجی کم آوردی^۸، یقه مسئولین [را] بگیری [و] بگویی^۹ که خرجی بچه‌ها [را] باید بدهی، خودشان می‌آورند. جز شکر خدا [به جا آوردن]^{۱۰}، شما که خانواده

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره.

۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «فرزند» باشد.

۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «را نصیبم کرد» باشد.

۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «خدمت» باشد.

۵. در اصل: رفقایم.

۶. «است» حذف شده است.

۷. در اصل: بردارید.

۸. در اصل: بیاورید.

۹. در اصل: کردی.

۱۰. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «و بگویی» باشد.

۱۱. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «به جا آوردن» باشد.

شهید می شوید، باید نمونه باشید، با حجاب تان باید [به] دیگران [...] درس بدهید. و بعداً^{۱۳} یک وقت توی صف خوار و بار نایستید و توقع نداشته باشید که [چون] ما خانواده‌ی شهدا هستیم باید زودتر [به ما] بدهید. و اگر شهادت نصیبم شد، من را پهلوی برادر شهیدمان، علی صادقی دفن کنید، و قبرم از همه قبر شهدا پایین تر باشد و [...] نمی خواهد فقط از سه روز تا [...] می گیرید فقط قرآن باشد و باعث زحمت دیگران نباشد و موقع خوابیدن مسلمانان [...] و [...] عجله چیزی نمی خواهم؛ خلاصه مراسم عزاداری بنده خیلی کم تر از آن جوانی که به شهادت می رسد باشد و از برادران بسیجی بهشتی می خواهم که [...] یاری کنند و هدف خود [را] حفظ کنند.

۱۲. «را» حذف شده است.

۱۳. در اصل: بعد.

۱۴. ناخواناست.

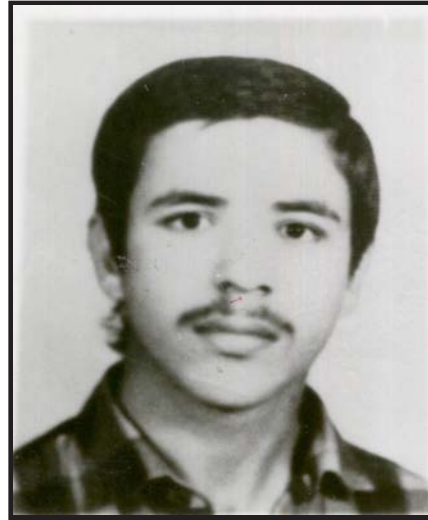
۱۵. ناخواناست.

۱۶. ناخواناست.

۱۷. ناخواناست.

۱۸. ناخواناست.

قدرت الله صادقی رودان



نام: قدرت الله
نام خانوادگی: صادقی رودان
تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۴/۰۱
محل تولد: شهرستان رودان
نام پدر: مرتضی
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: چهارم متوسطه
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۱۹
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر و پا
محل دفن: روستای بیکاه از توابع شهرستان

گلچین وصیت نامه

- ◀ ای امت شهیدپرور و غیور! بدانید که شما بنده خدائید، پس از فرمان خدا سرباز نزنید.
- ◀ به استقامت و استواری در دین خدا سفارش تان می کنم که تنها رمز موفقیت در دو عالم است.
- ◀ به شما ای خواهران حزب الله! از شما می خواهم که حجاب تان را رعایت کنید.
- ◀ خواسته اصلی من این است که امام را تنها نگذارید و مثل مردم کوفه عمل نکنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۵/۰۸/۱۸

ما برای کشته شدن حاضریم و با خدای خود عهد نموده‌ایم که دنباله‌رو امام خود، سیدالشهدا باشیم. (امام خمینی)

در این لحظه که قلم را بدست گرفته و مطالب را بنام وصیت‌نامه^۱ می‌نویسم به هیچ‌عنوان اطمینان ندارم که شهید شوم. خداوندا!^۲ رحمتی کن که آن‌چنان که تو دوست داری بمیرم و در لحظه مرگ، قلبم مالا مال از عشق تو باشد، کلیه غم‌ها و غل [...]^۳ و زنجیرها را به دور ریخته باشم که جز تو به هیچ‌کس و هیچ‌چیز امید ندارم، پروردگارا! تو خود می‌دانی که چه سالیان درازی، [...]^۴ [اطرافیان]^۵ از من ستایش‌ها کردند ولی من ذره‌ای از آن ستایش‌ها را در خود نداشتم و چه بسیار رخ داده است که خود را بیش از آن‌چه که هستم نشان داده‌ام. مرا ببخش، که چه بسیار تهمت، غیبت و افترا از زبانم به بیرون جسته است و چه بسیار سخنان گزاف و بیهوده گفته‌ام. مادر همیشه قهرمانم! که همواره زندگانیت را در رنج گذراندی تا فرزندان را آن‌طور تربیت کنی و فدای اسلام عزیز نمایی، از تو تقاضا دارم در سوگ من اگرچه بسی برایت مشکل است، صبر نمایی و چون همیشه که بر من نمی‌خروشیدی این بار هم بر گورم صبور باشی؛ مگر خون من گناهکار، سرخ‌تر از خون هزاران هزار، جوان بی‌گناه و معصوم است و تو ای پدر بزرگوارم! همان‌طور که در بزرگ کردن من رنج‌ها و دردهای بسیار را متحمل شده‌ای و همواره کوشیدی تا وسایل راحتی مرا فراهم آوری و بخاطر فرزندان

۱. در اصل: وصینامه.

۲. در اصل: خداوند.

۳. «ها» حذف شده است.

۴. «که» حذف شده است.

۵. افتادگی دارد ولی از ساق کلام باید «اطرافیان» باشد.

کمرت را خم^۶، کرده‌ای؛ این بار هم در مرگم چون کوه استوار باش و هرگز با کمر خمیده‌ات خم به ابرو نیاور^۷ و شما ای امت شهیدپرور و غیور! بدانید که شما بنده خدائید پس از فرمان خدا سر^۸ باز نزنید. دوستان خوبم! خرمی خوبم! ای که از صمیم قلب تو را دوست دارم و براستی^۹ تو برادر واقعی من بوده‌ای. سال‌ها در این دنیا با شما بوده‌ام، حق بزرگی برگردن من دارید شاید یک برادر خوبی برای شما نبودم و اما بزرگواری شما را در تمام مراحل دیده‌ام لذا از همه شما حالیت می‌طلبم و به استقامت و استواری در دین خدا سفارش‌تان می‌کنم که تنها رمز موفقیت در دو عالم است و از شما می‌خواهم که ادامه دهنده راه شهیدان باشید و اسلحه افتاده مرا حتما بدست بگیرید^{۱۰} و از شما می‌خواهم که جلوی فرزندان خودتان را نگیرید تا [به جبهه جنگ]^{۱۱} بروند و ان‌شاءالله این جنگ را تمام کنند و از شما می‌خواهم که امام را تنها نگذارید. خواسته اصلی من این است که امام را تنها نگذارید و مثل مردم کوفه عمل نکنید. و به شما ای خواهران حزب الله! از شما می‌خواهم که حجاب‌تان را رعایت کنید و جلوی شوهران‌تان را نگیرید تا به جبهه بروند. بار دیگر مادرم! اگر بیاد من خواستی گریه کنی بیاد مظلوم کربلا، حسین (ع) گریه کن و دعا کن که مرا ببخشد و این یک امتحان الهی است. و مرا در بهشت زهرا بیکاه دفن کنید و موقع دفن من دعای فرج آقا امام زمان را بخوانید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

منتظری نستوه برای نصر اسلام محافظت بفرما.

رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما.

۱۳۶۵/۰۸/۱۸

قدرت الله صادقی

امضا^{۱۲}

۶. در اصل: هم.

۷. در اصل: نیاوری.

۸. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «سر» باشد.

۹. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «راستی» باشد.

۱۰. در اصل: خواهید گرفت.

۱۱. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «به جبهه جنگ» باشد.

۱۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نام خانوادگی در صورت عدم صحتی
فرزند مرحول... تاریخ ۱۸/۸/۳۶

دینداز، فرزاد، پسران و نیت مرگ مسلمان شیخ محمدج کزگر
مکتوبه وصیت نامه اوزیر برش بند



۱۳۶۱/۲۲/۶۵

وصیت نامه

مرکز اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



بسم الله الرحمن الرحيم
 ما برای آفتبه ششون حاضریم و با خدای خود عهد نموده ایم که
 دنیا را بر ما هم خود بسند الشهدا یا نعیم را نام حینا
 دستان لحظه که علم را بدست گرفته و مطالب را بنام و دنیا را می بخوریم
 به هیچ عنوان اهلینان نداریم که دستهای شوم خداوند رحیم حینا
 که آن پنهان که تو دوست داری به سریم و در لحظه برگ قدم مالامال
 از عشق تو باشند کلمه مکنها و علیها و ربیرها را بدوردین
 بادیم که جز توبه و بیخ نسی و هیچ چیز اسید نداریم پروردگارا
 تو خود می دانی که چه سالفان داری که از من سستاشها کرد روی
 صافه ای از آن سستاشها را در خود ندانستم و چه بسیار روح
 داده است که خود را بیستی از آنچه که بدستم نشان داده ام صرا
 بدشمن که به بیار بخت حینت و افترا از زمانخ به بیرون
 حینت است و چه بسیار سخنان کراف و بهوده گفته ام
 ما در همیشه قهرمانیم که همواره ز درگاهت را در دینخ در از برای
 تا فرز درایت را آنطور تربیت کنی و فدای اسلام عمر بر منجانی
 از تو قضاها دارم در دستور من اگر چه بسی برایت مشغل است
 مسر نهایی و چون هیچ همیشه که در من نه خرو و تیری این با
 هم برگورم مسر را بهی مگر چون من گناهکار مسر خراز
 خون هزاران هزار جوان بیگناه و معصوم است



تعاون لشکر ۴۱ ناراه

محل امضاء



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

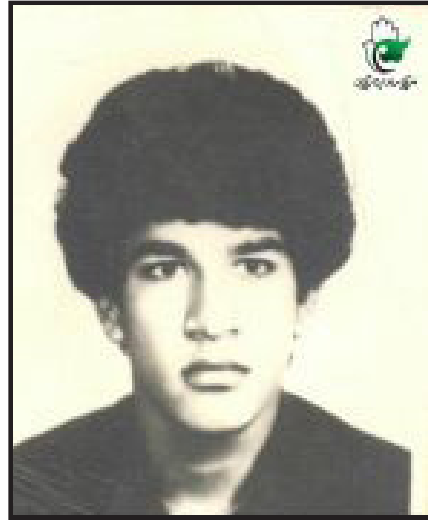
بدری که گوارم همه فلز که در بزرگ کردن من دینها و دردهای
 مرکز استان ایثارگران من خنده ای و عوارض کوششهای تا و مسایل را حتی مرا فراهم آوردی
 و من هر فرزندانم که کمر خسته را هم کرده ای ایستار هم در سرم
 چون کوه استوار باش و هرگز با کمر منزه ات هم به ابرو و بناوری و سنا ای
 ایستاده ای در روز و عینور بر اینده سنا دیده خدا کند پس از زمان خدا
 باز برینر،
 دوستان خودم هر می خورم ای که از همیم قلب تو داد و سست دارم و در دلت
 تو برادر واقعی من بودی مسالفا ملایم دنیا با سنا بوده ام حق جزئی بر تو
 من دارم سنا در قلب برادر خوبی برای سنا خورم و اما بزبانی سنا را در
 تمام مراحل دیده ام لذا از همه سنا عدالت می طلبم و به استقامت و استواری
 در دین خدا استوار باشان می کنم که سنا را من موصیت در دعایم است و باز
 سنا می خواهم که اداسه دشمنه راه سنا در ان با سنا و اسلحه افتاده سنا
 در سست خواهد بود گرفت و از سنا می خواهم که جلوی فرزندان خود را در برابر
 تا در روز انشا الله این سنا را تمام که تو از سنا می خواهم که امام را سنا گذاری
 خواسته اصلی من این است که امام را سنا گذاری در و سنا سر دم خوف عمل بلند
 و به سنا ای خواهد بود که حزب الله از سنا می خواهم که سنا حفاظت ان را رعایت کنی
 و جلوی دشمنان سنا را بگیری تا به همه در روز
 ما دیگر ما در آن آبرو بیاد من خواستش که سنا بیاد مظلوم کر با حسرت
 گریه کن و دعا کن که مرا ببخشند و این قلب امتحان الهی است
 و مرا در بهشت زهار تنگاه دفن کنی و موقع دفن من دعای
 فرج آقا امام زمان را بخوانی و سنا می خواهم که سنا
 خدا را خدایا تا انقلاب مهدی همین راه و سنا
 منتظری دستوره برای نصر اسلام سنا می خواهم
 در سنگان اسلام نصرت عطا فرما

قدرت الله صدقی
 محل امضاء
 ۱۸/۱/۴۵

تذکر

۱. وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنذارید و مشخصات خود را دقیقاً بنویسید
 ۲. وصیت نامه را از تعداد مورد نظرندگان با نگاه مربوطه خود دریافت نمایید.

شیرعلی صالحی



نام: شیرعلی
نام خانوادگی: صالحی
تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۱/۰۱
محل تولد: روستای بیکاه از توابع شهرستان
رودان
نام پدر: علی
نام مادر: کلثوم
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۵/۱۰
محل شهادت: هورالعظیم
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: گلزار شهدای روستای بیکاه شهرستان
رودان

گلچین وصیت نامه

- ◀ ای امت مسلمان ایران! هرگز جبهه‌ها را ترک نکنید و برای نجات اسلام و آزادی قدس و کربلا به جبهه‌ها هجوم ببرید و دشمن را سرکوب کنید.
- ◀ ای پدر گرامی! با آن دست پینه بسته، کشاورزی خود را ادامه بده که هر دانه گندم مثل بمبی است که بر سر آمریکا می‌ریزد.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

با سلام و درود به امام امت، خمینی بت‌شکن و با سلام به همه شهیدان اسلام که با خون خود این انقلاب را آبیاری کرده‌اند می‌خواهم وصیت خود^۱ را شروع کنم^۲. اینجانب شیرعلی صالحی، که برای دفاع از اسلام و نجات محرومین به جبهه حق علیه باطل آمده‌ام وصیت می‌کنم که ای امت مسلمان ایران! هرگز جبهه‌ها را ترک نکنید و برای نجات اسلام و آزادی قدس و کربلا به جبهه‌ها هجوم ببرید^۳ و دشمن را سرکوب کنید و سلام مرا به امام خمینی برسانید و شما امت مسلمان ایران! تا می‌توانید امام را دعا کنید و ای پدر و مادر! در تشییع جنازه من هرگز گریه نکنید و اشک نریزید و [به] خواهرانم و برادرانم بگوئید که در [مزارم]^۴ اشک نریزند^۵ و ای پدر گرامی! با آن دست پینه [بسته]^۶، کشاورزی خود را ادامه بده که هر دانه گندم مثل بمبی است که بر سر^۷ آمریکا می‌ریزد^۸. راستی مادر عزیزم! هنگام عروسی من زمانی خواهد بود که در کنار مزارم صدای الله اکبر خمینی رهبر و یا مهدی (عج) و یا حسین (ع) یا حسین (ع) شنیده شود و هنگامی که مرا دفن می‌کنید^۳ بار بگوئید یا محمد (ص) و مرا در بهشت زهرا بیکاه دفن کنید.

۱. در اصل: خودم.

۲. در اصل: می‌کنم.

۳. در اصل: برید.

۴. در اصل: مزارم.

۵. در اصل: نریزید.

۶. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «بسته» باشد.

۷. در اصل: اثر.

۸. در اصل: می‌ریزند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دهن مادر عزیزم حضرت ام عروسی من زمانی وفا دهد که در کنار منم
 عدای الله الکریم محمد زهرا و یا مهدی و یا حسینی یا حسین بشیعه رود
 و هنگامی که مرا دفن میکنند یا بارگرددند یا محمد (ص)
 و مواضع در بهشت زهرا نگاه دفن کنند

محل اسناد
بر اساس سند شماره ۱۰۰۰

۱. وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنویسید و صفحات خود را دقیقاً بنویسید
 ۲. وصیت نامه را از تعاون امور رزندگان پایگاه مربوطه خود دریافت نمایند



عبداللہ صالحی



نام: عبداللہ
نام خانوادگی: صالحی
تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۳/۰۱
محل تولد: روستای بیکاه از توابع شهرستان
رودان
نام پدر: علی
نام مادر: آمنه
تحصیلات: اول راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۵/۰۸
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: روستای بیکاه شهرستان رودان

گلچین وصیت نامه

- ◀ من وصیتی که دارم به این مردم همیشه در صحنه، این است که تا آخرین قطره خون بجنگند و حق خود را از این صدامیان کافر، بگیرند.
- ◀ کسانی که در پشت جبهه هستند با فرستادن هدیه چه از نظر نقدی و چه فرستادن کالا کمک کنند تا روح شهیدان شاد شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۵/۰۲/۰۳

با سلام [و] درود به پیامبرگرامی و رزمندگان اسلام و هم‌چنین شهدای عزیزالشأن و با درود بر مهدی (عج) و نائب برحقش امام خمینی (ره). هم‌چنان که کشورما، در حال جنگ [...] است^۱ [...] ما باید سرنوشت جنگ را تعیین کنیم. و [من]^۲ به سهم خود به جنگ آمده‌ام تا کار خود را انجام بدهم و هیچ حقی [بر] گردنم نباشد و هم‌چنین به ندای امام لبیک گفتم^۴ و به جنگ با صدام و [...] برخواستم. و من وصیتی که دارم به این مردم همیشه در صحنه، این است که تا آخرین قطره^۶ خون بجنگند و حق خود را از این، صدامیان کافر بگیرند و یا کسانی که در پشت جبهه هستند با فرستادن هدیه چه از نظر نقدی و چه فرستادن کالا^۷ کمک کنند تا روح شهیدان شاد شود. و [...] وصیتی که با خانواده خود دارم، راه من را ادامه دهند یعنی اگر به جبهه نمی‌توانند بروند چه از نظر فرستادن کالا^۹ و نقدی کمک کنند. و مقداری پول که ۵۰ تومان [...] می‌باشد به عیسی داوری بدهید تا حقی در گردنم نباشد. و وصیت من این است که برای پسر ناکام خود گریه نکنید بلکه خوشحال باشید که پسر خود را در راه خدا داده‌اید. بلکه امام حسین (ع) مرا خواست که در این راه شهید شوم. و وصیت من این است که اگر شهید شدم کنار^{۱۱} مزار علی زمانی پور، دفنم بکنید که من راه او را ادامه دادم.

عبدالله صالحی - امضاء^{۱۲} - ۱۳۶۵/۰۲/۰۳

۱. «جنگ» حذف شده است.
۲. «و» حذف شده است.
۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «من» باشد.
۴. در اصل: گفتیم.
۵. ناخواناست.
۶. در اصل: قطر.
۷. در اصل: جنسی.
۸. «من» حذف شده است.
۹. در اصل: جنسی.
۱۰. «نیز» حذف شده است.
۱۱. در اصل: پهلوی.
۱۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نام و نام خانوادگی عبدالحق
 فرزند... محل... تاریخ ۱۳۵۶/۲/۲۳

روزگار است و روزی از روزگار بیرون نماند
 و روزی از روزگار بیرون نماند



وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم
 به سلام درود به پادشاه عالمی و روزگار گران اسلام و صفین
 ستمی عذیر است و با درود بر پادشاه عالمی و نائب بر حق
 امام حسین و معجزان که کشته شدند در حال جنگ است و ما را
 سوختند و ما را کشتند و ما را کشتند و ما را کشتند
 تا کار خود را انجام دادیم و هیچ حقی در گذردیم نماند و صفین
 به نای امام کبیر کشته شد و با کشته شد و کافران بر ما
 و ما و صفی تا دارم به این مردم همیشه در صف است
 تا ما آخرت خود را بماند و ما را کشتند و ما را کشتند
 کافر بگردد و بکشتنی که در نیت همه مستحق جان است
 مدعی که او زعفران و صفی و صفی که کشته شد و ما را کشتند



تعاون لشکر ۴۱ تاراه

محل امضاء



بسم الله الرحمن الرحیم

و بعد و منی که با خانواده خود در امانت دارم و از آنجا که من می خواهم
در این دنیا هر چه در توانم بکنم و در آخرت هم در راه خدا بمانم و مقارن کربل
آنست که این دنیا را بگذارم و به عیال خود (ولی) بمانم تا آنجا که خداوند بخواهد

والله اعلم

و وصیت من این است که به پسران خود که در کربلا و کربلای معلی (با سینه) بر خود وارد آمدند
و اولاد بر من که وصیت کرده ام در این راه شهادت و شرف و وصیت من این است که آن وصیت

مستخرج به شرح و توضیح از این وصیت است که در راه خود وارد آمدند و ادع

و سلام

عبدالله

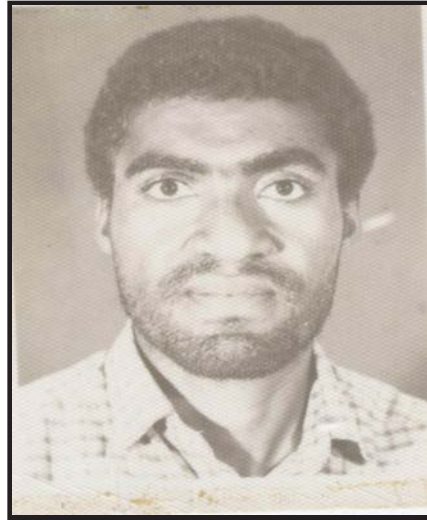
محل امضاء

۱- وصیت نامه را در اصل بابت مخصوص بنویسید و مشخصات خود را در آنجا بنویسید
۲- وصیت نامه را از معاونان مورد اعتماد و مورد اعتمادان بپایان هر روز خود دریافت نمایند

تذکر

۱۹۵۲۲۳

موسی صالحی



نام: موسی

نام خانوادگی: صالحی

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۰۱/۰۱

محل تولد: روستای سکل از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: حسین

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۵/۰۸

محل شهادت: قلاویزان

نحوه شهادت: توسط نیروهای عراقی

محل دفن: روستای بیکاه تابعه شهرستان رودان

گلچین وصیت نامه

◀ درود من به شما ای ادامه دهندگان راه شهداء، بیدار باشید، به هوش باشید، ایثار و اخلاص داشته باشید تقوا را پیشه کنید؛ که امروز روز امتحان یوم الحساب فرا رسیده سعی کنید از حالت عجزلانه، بیرون آئید و از لجن زارهای کثیف مادی، خودتان را به در آورید و به یاد روزهایی بیفتیم که امام حسین (ع) با کفار چگونه جنگیده، در آن زمان چه کسانی بودند؟ ما هم باید ادامه دهنده راه امام حسین (ع) باشیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۶۲/۰۱/۲۵

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۱

آن‌ها که هر گاه مصیبتی به آن‌ها رسد می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم.

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ^۲

و کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نخوانید بلکه زنده‌اند.

با درود فراوان خدا بر رهبر کبیر، این پیر جماران و درود فراوان بر روان پاک شهیدان گلگون کفن، بخصوص شهدایی که خون پاک خود را نثار جمهوری اسلامی کرده‌اند و از خود شجاعانه ایثارگری نشان داده‌اند و مانند شیر در میان لشکر کفر به ستیز و نبرد برخاسته و آن‌ها را چون برگ‌های خزان از پای درآورده‌اند. و درود من به شما ای ادامه‌دهندگان راه شهداء، بیدار باشید، به هوش باشید، ایثار و اخلاص داشته باشید، تقوا را پیشه کنید که امروز روز امتحان یوم الحساب فرا رسیده سعی کنید از حالت عجز لانه بیرون آئید و از لجن زارهای کثیف مادی، خودتان را به در آورید و به یاد روزهایی بیفتیم که امام حسین (ع) با کفار چگونه جنگیده، در آن زمان چه کسانی^۳ بودند؟^۴ ما هم باید ادامه‌دهنده راه امام حسین (ع) باشیم. شما ای والدین و ای برادران و خواهرانم! در فکر من نباشید در فکر اسلام باشید. شما در راه اسلام چیزی نداده‌اید. آن امام حسین (ع) بود که غریبانه در سرزمین کربلا در راه اسلام

۱. آیه ۱۵۶، سوره بقره.

۲. بخشی از آیه ۱۵۴، سوره بقره: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نخوانید بلکه زنده اند ولی شما نمیدانید.»

۳. در اصل: کی.

۴. در اصل: بود.

از جان و مال و خانواده [خود] گذشته و یاران خود را از دست داده، لذا شما دیگر چگونه می‌خواهید ناراحت من باشید. می‌دانم پدر بزرگوارم و ای مادر مهربانم! که مرا از کودکی در آغوش گرم‌تان پرورانده‌اید و شب و روز در رنج و زحمت بوده‌اید بخصوص تو ای مادرم! که شب‌ها را در کنار^۵ گهواره‌ام به بیداری گذرانیدی، دلت می‌سوزد اما نه مادر جان! من یک امانتی از خداوند بودم در نزد شما و هرکسی که امانتی را تحویل می‌گیرد، باید روزی آن را پس دهد. لذا شما هم افتخار داشته باشید که توانستید امانت خدا را بخودش بازگردانید. این برای‌تان بزرگ‌ترین سعادت است. و نیز از خدای خود بخواهید که این قربانی ناقابل‌تان، را در درگاه حقیقش بپذیرد و در صف یاران امام حسین (ع) قرار دهد. من از شما والدینم و برادرانم و خواهرانم می‌خواهم که چون نتوانستم در قبال شما خدمت گزار^۶ خوبی باشم از همگی شماها امید بخشش [...] دارم. و هم‌چنین تو ای همسر گرامیم! نتوانستم در قبال تو وفادار باشم؛ و با این مدت کوتاه نهایت گذاشتم [تو] نیز مرا ببخش^۷ و حلالم کن و از تو می‌خواهم اگر یادگاری از من باقی‌ماند، هم‌چون زینب کربلا از آن نگهداری کن^۸ و راه خدا و خط اسلام را به آن نشان بده^۹. مبدا که از تربیت آن غفلت داشته باشی. از دعا کردن به رزمندگان اسلام کوتاهی نفرمائید.

برحمتک یا ارحم الراحمین.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسمه تعالی

به نام خدا و به نام یاری‌دهنده مستضعفان جهان و به یاری رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و تمام جهان و درود بر رزمندگان پرتوان و غیور جبهه‌های حق علیه باطل و با درود بر

۵. در اصل: پهلوی.

۶. در اصل: خدمت‌گذار.

۷. «را» حذف شده است.

۸. در اصل: ببخشی.

۹. در اصل: می‌کنی.

۱۰. در اصل: می‌دهی.

پدران شهیدان و به مادران و همسران شهیدان که امیدوارم به آبروی حجت ابن‌العسگری (ع)، خدا رزمندگان را به پیروزی نهایی نائل گرداند^{۱۱} و در این جا با اجازه‌ی شما نامه‌ام [را] آغاز می‌کنم. خدمت پدر و مادر عزیز و مهربانم که از جان عزیزترند^{۱۲} سلام، ضمن عرض سلام و احوال‌پرسی، از^{۱۳} پیشگاه خدای تبارک و تعالی خوشحالی و تندرستی شما را خواهانم و [...] این سلام گرم و صمیمانه‌ام که از ته قلب آکنده از مهر و محبتم [است] [...] به شما [...] عرض می‌دارم [امیدوارم]^{۱۴} پذیرا باشید. چنانچه اگر پرسان احوالم بشوید، بحمدالله تاکنون نعمت سلامتی برقرار است و غمی در پیش نیست جز دوری دیدارتان که امیدوارم سلامت باشید. پدر و مادر مهربان خودم! از خدماتی که از اول تا حالا برای من انجام داده‌اید خیلی شرمندهام که نتوانسته‌ام تاکنون زحمات‌تان را جبران کنم. البته به علاقه‌ی پدر و مادری که نسبت به این فرزند حقیر خودتان، دارید مرا ببخشید؛ از نافرمانی‌هایی که نسبت به شما کردم، عفو فرمایید و مرا از دل و جان دعا و حلال کنید و از خدا بخواهید که صبر و حوصله و پایداری در کارهایی که مورد رضای خداست موفق باشم.

چون اگر پدر و مادر از دل و جان دعا کنند دعای‌شان مستجاب می‌شود چون اگر خدا بخواهد به همین زودی می‌خواهیم عازم [...] جبهه بشویم و همیشه در پایان نمازتان دعا کنید و از خدا بخواهید نعمت شهادت نصیب‌مان بشود بحق محمد و آل طاهرین؛ البته که [...] چنین قابلیتی در ما^{۱۵} نیست که در راه خدا شهید بشویم اما شما دعا کنید. پدر و مادرم! درست یادم هست که از فرمان‌های‌تان^{۱۶} سرپیچی کردم^{۱۷} و خیلی

۱۱. در اصل: گردند.

۱۲. در اصل: عزیزترند.

۱۳. در اصل: شما را.

۱۴. «امیدوارم که» حذف شده است.

۱۵. «که» حذف شده است.

۱۶. «دارم برای‌تان» حذف شده است.

۱۷. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «امیدوارم» باشد.

۱۸. «به» حذف شده است.

۱۹. «ما» حذف شده است.

۲۰. در اصل: درمان.

۲۱. در اصل: فرمان‌هایت.

۲۲. در اصل: اجرا نکردم.

پشیمانم، چه کنم؛ مگر [اینکه] مرا^{۲۳} ببخشی. مادر جان! در خیلی جاها به یاد دارم که شما را ناراحت کردم امیدوارم مرا ببخشید و شیرت را حلالم کنی؛ مادر جان! خواهشم را رد نکن. پدر و مادر عزیزم! عرضی ندارم و از طرف من برادرم ایوب و خواهرم مریم [را] روبروسی نمایید مادر جان! از راه دور با شما خداحافظی می‌کنم و دستت را می‌بوسم. پدر جان! از راه دور دست شما را می‌بوسم و [از] شما [...] ^{۲۴} خداحافظی می‌کنم. برادر جان ابراهیم! از این که موفق نشدم [...] ^{۲۵} در عروسی تو حاضر^{۲۶} باشم و خدمتی در این راه برای شما کرده باشم مرا ببخش^{۲۷} و برادر جان از دور با شما خداحافظی می‌کنم و هم‌چنین^{۲۸} برادرم یونس از شما می‌خواهم که از تقصیرات کوچک و بزرگم گذشت بکنی و مرا ببخشی و از دور با شما خداحافظی می‌کنم؛ و هم‌چنین^{۲۹} خاله‌هایم و خواهرم عصمت و تمام اقوام از راه دور با شما خداحافظی می‌کنم. هم‌چنین^{۳۰} همسر عزیز خودم! آسیه باستانی! ضمن احوال‌پرسی شما امیدوارم هیچ‌گونه ناراحتی از طرف من حاصل نکنی و چنانچه اگر [از] حالم پرسان شوی تاکنون سالم و تندرست هستم و هیچ ناراحتی در پیش نیست امیدوارم که شما هم [ناراحتی] نداشته باشید و در این جا از شما می‌خواهم که ناراحتی‌هایی که از دست من دیده‌ای و کمبودهایی [که] در زندگی مان بوده یا نبوده از دل و جان ببخشی و از راه دور با شما یعنی همسر خودم، خداحافظی می‌کنم و تا می‌توانی دعا کن و از خدا بخواه که نعمت شهادت نصیب مان گردد. در این جا با اجازه‌ی پدر و مادر مهربانم، نامه‌ام را به پایان می‌رسانم از طرف من از خواهرم شمس‌ی بخواهید [...] ^{۳۱} ناراحتی‌هایی که از من دیده است مرا ببخشد و از راه دور با [...] ^{۳۲} خواهر خودم خداحافظی می‌کنم.

خدانگهدار شما باشد.

و من الله توفیق - ۱۳۶۲/۰۱/۲۵

۲۳. در اصل: حرکت.

۲۴. «را» حذف شده است.

۲۵. «که» حذف شده است.

۲۶. در اصل: خاطر.

۲۷. در اصل: می‌بخشی.

۲۸. در اصل: هم‌چون.

۲۹. در اصل: هم‌چون.

۳۰. در اصل: هم‌چون.

۳۱. «که» حذف شده است.

۳۲. «آن» حذف شده است.

چیزی نداده دیدن امام حسین بود که غریبا نه در سرزمین کربلا در راه اسلام از جانب
 مخالفان و مخالفان گذشته و یاران خود را درست داده لذا آنها دیگر چنگد نه میخواهند ناراحت
 من باشند. میدانم پدر بزرگوارم ولی مادر مهربانم مرا لنگردی و با غمها در میان
 پیروزانید و شب و روز در رنج و رحمت بولیدید مخصوصی تو ای مادرم که شبها را در پهلوی
 تمواره ام به بیداری گذرانیدی دلت سید زانو نه مادر جان من یک امانتی را
 خداوند بگویم در نزد خدا هر کس امانتی را تحویل میگیرد باید روزی آن را پس دهد لذا
 شما هم امانت داشته باشید که توانستید امانت خدا را بخودش بازگردانید
 بی برایتان بزرگتری سعادت دست و نیز از خدای خود بخواهید که این قربانان ما با بلایان
 را در دستگاه حقیقی بپذیرد و در صف یاران امام حسین قرار دهد من از شما والدینم
 و برادرانم و خواهرانم میخواهم که چون نتوانستم در قبال شما خدمت گذار خوبی باشم
 از همتی شما با امید بخشی را دارم و همچنین توای همسر گرامیم نتوانستم
 در قبال تو وفادار باشم و با این مدت کوتاه تنهایی گذارتم نیز مرا بصحیح و حلاله
 لئی و لذت میخواهم اگر آگاهی از من باقیمانده همچون زینب کبری را از آن نگهداری میکنی
 راه و خط اسلام را به آن نشان من دهی مبارک که از تربیت آن هفت داشته
 باشی از دعا کردن به رزندگان اسلام کوتاه نمائید بر حرکت بالرحم و الرحیم

خدا یا خدایا انقلاب بود خیمی را نمودار



بِسْمِ تَعَالَى

مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

در سلام ایران و تمام جهان و در روز رزمندگان پروردان و عبود جبهه های حق علیه

باطل و بارزیدیدان شهیدان و به مادران و همسران شهیدان که امیدوارم

به آبروی حجت این لشکری خدا رزمندگان بدیدارهای نهانی نائل گردید و در این

با اجازه و تمنا نامم را آغازم خدمت پروردگار عزیزم را که از جان خود گذرانند

سهم ضمن عرض سلام و احترامات به شما از پیشگاه خدای تبارک و تعالی


خدمتای و کندرتی شما را خواهم و امیدوارم که این سلام گرم و صمیمانه ام از ته قلب

آکنده از مهر و محبت که به شما دارم برایتان عرضه می دارم پذیرا باشید

چنانچه اگر برسان (خواهم شود) بخدمت ما کفایت نعمت سلامتی برقرار است

دعای در پیش نیست خنده روی ز باران که امیدوارم سلامت باشد

۶۲/۱۵۲۶۳


 مرکز اسناد ایتام کرمان

مادر مهربان خودم از خدایت که اول تا اتمام دلت را بدیده ام (من خدای خسته
 ام که نشسته ام تا کنون در همان چران کم البته که به علاقه پدر و مادری
 نسبت بد این فرزند حقیر خودتان دارید مرا بخسید و از نامهایها که
 نسبت به شما کردم عفو فرمائید و مرا از دل و جان دعا و خدای
 کنید و از خدا بخواهید که صبر و در سلسله و پایداری در کارهای که مورد
 رضای خداست موفق باشم چون که پدر و مادر از دل و جان دعا کنند
 دعایهای مستجاب می شود چون اگر خدا بخواهد من و اولادم به طیبی زودی
 عازم به جبهه شوم و همیشه در یادان ما زمان دعا کنید و از خدا بخواهید
 که نعمت شهادت نصیبان شود حتی محمد و آل طاهرین البته که ما هم پیوسته
 قابلیت در زمان نیست که در راه خدا شهید شوم اما خدا دعا کنید



مرکز اسناد ایثارگران

بدرستی در دست یادم هست که از فرمانهای اجرایی نگردم و چنین بیایم
 چه کنم مگر حرکت بیخیم ما در جان در جنبهها به یاد دارم که شما
 ناراحت کردم امید دارم مرا ببخش و مشیت را خدایم تنها ما در جان خواهیم
 را رد نکنید و ما در عزیمت عرفی ندادم و از طرف من بر اسم ایوب و خولهم
 بریم و به یمنی ما لید ما در جان در راه دور با خدا حافظی کنیم و در جان از راه دور
 دستت را میبوسم و شما را خدا حافظی میکنم بنام رسول الله صلی الله علیه و آله
 نسیم که در عهد من تو خاطر بایم و دوستی در افواه برای شما کرده بایم
 و این بخیر و برادر جان از دور با شما خدا حافظی میکنم و همچون بر اسم یونس
 از شما خواهیم که از قیامت کوچک و بزرگ گذشت بکنی و مرا ببخش و از دور با شما
 خدا حافظی کنیم و همچون خاله هانم و خواهرم عفت و تمام احوال از راه دور بکنی
 خدا حافظی کنیم

تاریخ ۲۵/۱/۶۲



مرکز اسناد ایتاگران

همچون همسر عزیز خودم آسمیه باستان فاضله احرارپورس

تو امیدوارم که هیچ گونه ناراحتی از طرف من حاصل نگردد و چنانچه اگر

حالم پریشان شودی تاکنون سالم و قند دست هستم و هیچ ناراحتی در پیش

سنت امیدوارم که شما هم نه استیغاباید و در اینجا از شما می خواهم که

ناراحتی به که از دست من دیده ای و کبوترها را که در زندگای امان بوده یا نبوده

از یاد جان بیخوش و از راه دور با شما یعنی همسر خودم خدا حافظ می گویم

و تا هر گز دکانی و از حد بخواه که نعمت شهادت نصیب ما نگردد.

در اینجا با اجاره دیده مادر مریم نامیده ام را به بیان می کنم از طرف من

از خواهرم شمس بخوانید که ناراحتی که از من از بیرون است مرا بختد و از راه دور

با آن خواهر خودم خدا حافظ می گویم تا هر گز دکانی نباشد.

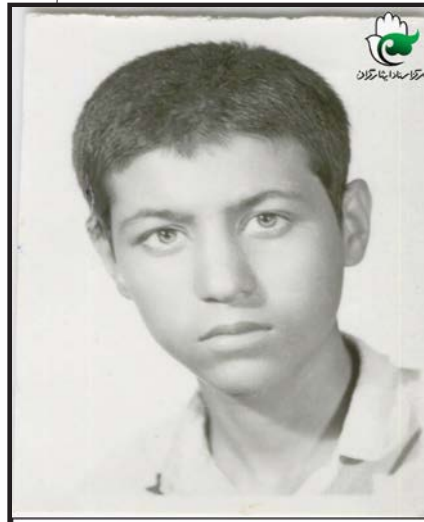


من توفیق





منصور صمیم زاوه



نام: منصور
نام خانوادگی: صمیم زاده
تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۱/۲۷
محل تولد: شهرستان بندرعباس
نام پدر: علی
نام مادر: مهین
تحصیلات: سوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۴/۲۳
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت گلوله به سینه
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

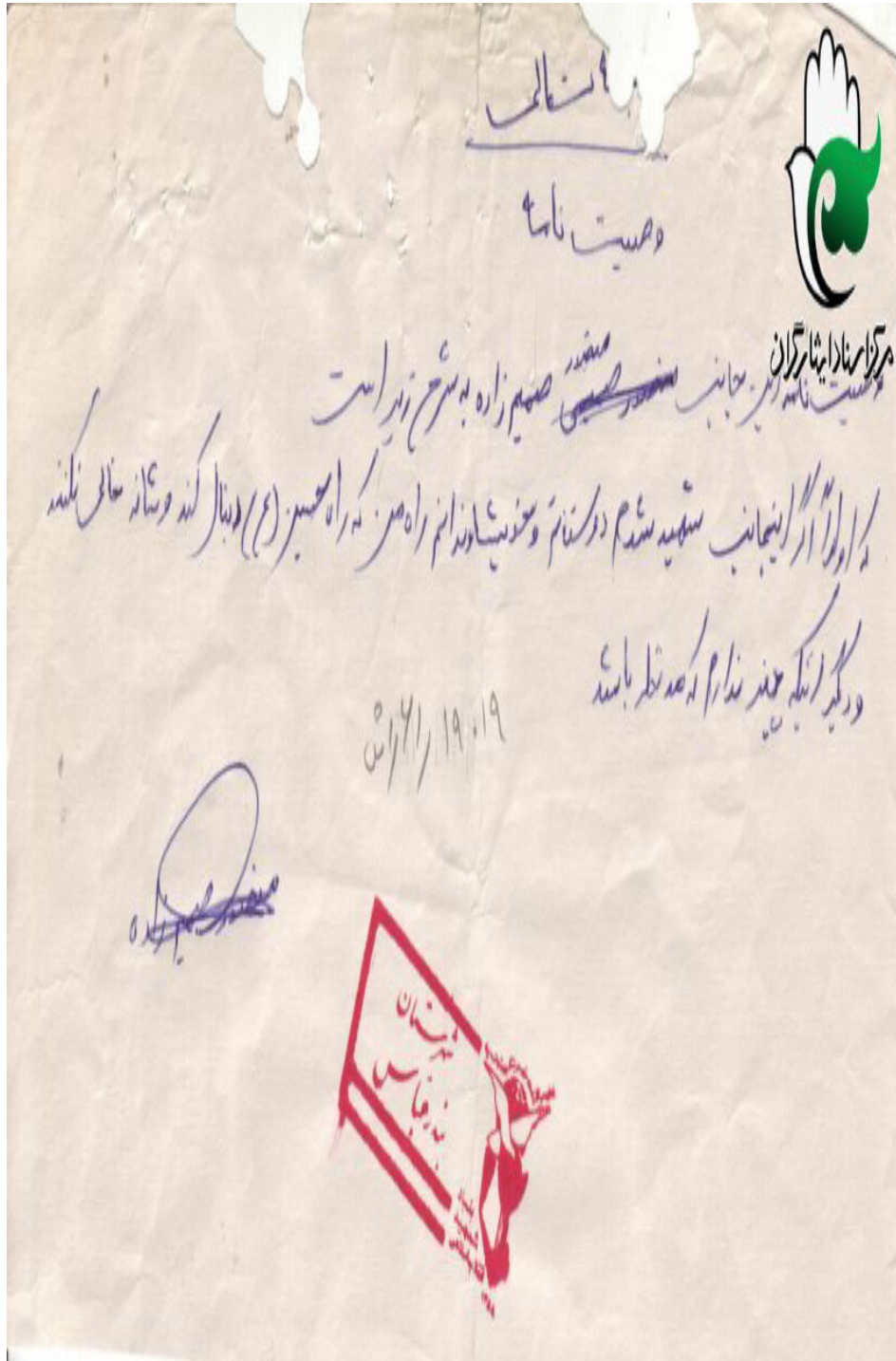
◀ اگر اینجانب شهید شدم دوستانم و خویشاوندانم، راه من را که راه امام حسین (ع) است
دنیال کنند و شانه خالی نکنند.

بسمه تعالی

وصیت نامه اینجانب منصور صمیم زاده به شرح زیر است.
که اولاً اگر اینجانب شهید شدم دوستانم و خویشاوندانم راه من [را] که راه امام حسین
(ع) [است] دنبال کنند و شانه خالی نکنند. و دیگر این که چیزی ندارم که مد نظر باشد.

منصور صمیم زاده

امضاء^۱



عبدالغفور ضعیفی



نام: عبدالغفور
نام خانوادگی: ضعیفی
تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۱/۰۶
محل تولد: شهرستان بندرعباس
نام پدر: قنبر
نام مادر: عزیزه
تحصیلات: سوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۵/۱۸
محل شهادت: قلاویزان
نحوه شهادت: نیروهای عراقی
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ همواره راه شهدا را ادامه دهید، [و] از حالت بی تفاوتی به در آید که در فردای قیامت بی جواب نمائیم.
- ◀ همواره پشتیبان ولایت فقیه باشید و امام را تنها نگذارید؛ امام خمینی (ره) را دعا کنید زیرا او به گردن ما حق زیادی دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

ملتی که شهادت دارد، اسارت ندارد. (امام خمینی)

وصیتم را با نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با سلام به پیشگاه یگانه منجی عالم^۱ بشریت حضرت مهدی و با درود بر نائب کبیرش روح خدا، خمینی آغاز می‌کنم البته این حقیر در خود لیاقت وصیتی نمی‌بینم و تنها به عنوان یک مسئولیت الهی^۲ [...] انجام می‌دهم. از مادر گرامیم می‌خواهم که اگر در راه خدا کشته شدم از مرگ من نگرید؛ زیرا همان‌طور که خداوند می‌فرماید کشته‌شدگان در راه الله مرده نیستند و زنده‌اند و نزد خودش روزی می‌خورند^۳. همه دوستان باید مرا حلال کنند؛ وصیتم به شما عزیزان این است که همواره راه شهدا را ادامه دهید، [و] از حالت بی‌تفاوتی به در آید که در فردای قیامت بی‌جواب نمایم. همواره پشتیبان ولایت فقیه باشید و امام را تنها نگذارید؛ دیگر چیزی به خاطر نمی‌آید امام خمینی را دعا کنید، زیرا او به گردن ما حق زیادی دارد.

خدا حافظ

والسلام علی من اتبع الهدی

الحقیر عبدالغفور ضعیفی

۱۳۶۲/۰۴/۰۴

امضاء^۴

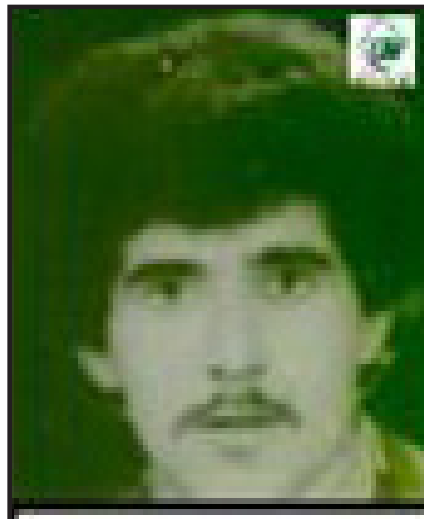
۱. در اصل: الم.

۲. «است که» حذف شده است.

۳. اشاره به آیه ۱۶۹، آل عمران: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»: هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارش روزی داده می‌شوند.

۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

محمد حسن طالبی



نام: محمد حسن

نام خانوادگی: طالبی

تاریخ تولد: //

محل تولد:

نام پدر:

نام مادر:

تحصیلات:

تاریخ شهادت: //

محل شهادت:

نحوه شهادت:

محل دفن:

گلچین وصیت نامه

- ◀ هم‌چنان کوهی استوار و محکم باشید، تا این‌که بتوانید با این اراده قوی و ایمان‌تان دشمن را نابود سازید چون، با شهید شدن امسال ما هزاران نفر از جامعه ما بیدار خواهد شد و باعث سرفرازی شماست.
- ◀ در زندگی زیاد به مادیات فکر نکنند چون ارزش آخرت بیش‌تر از ارزش مادیات است و با همسایه‌های‌تان خوب باشید مثل برادر، خواهر و در مقابل بدی دیگران نیکی کنید.
- ◀ ما همه پاسداران در راه خدا قدم برداشتیم، که قرآن را حفظ کنیم و در راه قرآن شهید شویم.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

۷۹/۰۷/۲۷

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد

پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ^۲

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ^۳

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ^۴

بدان که مرگ حیات‌بخش است؛ مرگ آخر زندگی نیست، بلکه تبدیل صورت

زندگی است، از زندگی آمیخته به بلا، به زندگی طیبه، بی‌خوف و حزن و در این تبدیل

که به عقیده‌ی حکمای اسلامی خلع و لباس است؛ آن حقیقت و محتوای «من»، که می‌گویی

دست من، پای من، اعضای من، جوارح من و حتی فکر و اندیشه‌ی من، آن لباس خود را

که کالبد نفس دنیائی است از «من» می‌داند و لباس بهتری می‌پوشد و زندگی بهتری می‌یابد.

من ملک بودم و فردوس برین جایم بود آدم آورد در این دیر خراب آبادم^۵

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. بخشی از آیه ۳۴ اعراف: «هنگامی که سرآمد آن‌ها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند و نه بر آن پیشی می‌گیرند».

۳. بخشی از آیه ۱۸۵ آل عمران: «هر کسی مرگ را می‌چشد؛ و شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت؛ آن‌ها که از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد شوند نجات یافته و رستگار شده‌اند و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست».

۴. آیه ۲۶ الرحمن: «هر چه بر [زمین] است فانی شونده است».

۵. شعر از حافظ است.

سلام بر مهدی (عج) خدمت پدر، مادر، همسر، برادر و خواهر سلام [عرض می‌کنم]^۶. سلام بر همه‌ی شما عزیزان خوب و باوفای من، خواستم با شما عزیزان چند کلمه‌ای صحبت کنم؛ هم اکنون در زمین کربلای حسین (ع) هستیم [و] علی‌اکبروار در برابر لشکر کفار هستیم. پدر و مادر عزیزم و همسر! به یاد شما هستم. اگر خداوند [...] این افتخار را نصیب کرد^۷ [و] شهید شدم از شما در مرحله‌ی اول خواهش می‌کنم، هم‌چنان کوهی استوار و محکم باشید تا این که بتوانید با این اراده قوی و ایمان‌تان دشمن را نابود سازید چون با شهید شدن امسال ما هزاران نفر از جامعه ما بیدار خواهد شد و باعث سرافرازی شماست و شما هم باید از خود ایثار و از خودگذشتگی نشان دهید. همسر فاطمه! مخصوصاً از تو یکی خیلی انتظار دارم باید آن‌قدر روحیه و ایمان به خرج دهی که خدا برایت پاداش بزرگ نصیب کند. باور کن حقیقت خیلی روشن است و تو باید حقیقت را زود درک کنی، بعد از من صبر کنی تا به خدا نزدیک شوی همان‌طور^۸ که موقع اعزام^۹ به جبهه همه چیز را [برایت]^{۱۰} شرح دادم عمل کنی؛ زود به من که یک شهید هستم می‌رسی. از خداوند می‌خواهم که بعد از من نگهدارت باشد مثل زینب کبری (س) باش^{۱۱} به عقاید دینی و مکتبی اسلام مو به مو اجرا کن^{۱۲} شب و روز دعا کن^{۱۳} و هر وقت که بیکار بودی نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب، عشا، قضا برایم به جا آور^{۱۴}. همین‌طور^{۱۵} از پدر و مادرم می‌خواهم [که برایم نماز قضا به جای آورند]^{۱۶}. همسر! بحث وصیت را فراموش نکن؛ تو بعد از من هم‌چنان همانا باش که می‌خواهم، به این حرف‌ها که گفتم زیاد فکر کن. [به] پدرم سفارش می‌کنم که [تو را]^{۱۷}

۶. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «عرض می‌کنم» باشد.

۷. «به ما» حذف شده است.

۸. در اصل: شد.

۹. در اصل: همان‌جور.

۱۰. در اصل: عزام.

۱۱. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «برایت» باشد.

۱۲. در اصل: باشی.

۱۳. در اصل: کنی.

۱۴. در اصل: کنی.

۱۵. در اصل: به‌جا آوری.

۱۶. در اصل: همین‌جور.

۱۷. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «که برایم نماز قضا به جای آورند» باشد.

۱۸. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «تورا» باشد.

زود زود به خانه مادرت ببرد تا از تنهایی به در آیی، پدرم! امیدوارم همه‌ی گفته‌ها را مو به مو انجام دهی و آن اساس‌هایی که من از پادگان آوردم، آن‌ها را هم بفروشی [و] همه‌شان را به جنگ‌زدگان بدهی ضمناً حقوقم را که گرفتی در حدود پنج هزار تومان برای خانه‌ی خدا خرج کن و همین‌طور ماشین را هم بفروشید^{۱۹} و پولش هر چقدر شد به مقدار هفت هزار تومان، در راه صاحب‌الزمان (عج) و با بقیه‌ی پول از همسرم نگهداری کنید.^{۲۰} شاید از فرهنگ هم حقوق بدهند که کفایت می‌کند به هر حال فاطمه را مثل دختر خودتان مواظبت کنید^{۲۱} یک دفترچه قرض الحسنه^{۲۲} در بانک قار پور آباد است در حدود دو هزار و پانصد تومان پول آن هم مال همسرم است که هر وقت دلش خواست می‌تواند بگیرد. پدر جان! این‌ها [بی] را گفتم که برای رضای خدا انجام بده. پدر جان! امیدوارم که گذشته‌ام را و زحمت‌های بچگی را که برایم کشیدی، برای رضای خدا ببخشی. مادر جان! ازت می‌خواهم شیری که بهم دادی و اشتباهاتی که [....]^{۲۳} از من رخ داده بود به خاطر خدا ببخشی و حلالم کنی. با بخشیدن شما نوری تازه بر مزارم خواهد داشت. برادرم [....]^{۲۴} [....]^{۲۵} و علی جان! شما به تنهایی هر کدام که [از] من [بدی]^{۲۶} دیده و یا رنجیده بودید^{۲۷} حلالم کنید و منصور را هم هر روز عوض من ببوسیدش^{۲۸} و خواهرم فاطمه جان! قربانت شوم من خوبی‌ها [ی] تو را فراموش نمی‌کنم و امیدوارم تو لااقل بدی‌های^{۲۹} مرا ببخشی و مرا^{۳۰} حلال کنی و خواهرم معصومه! از تو [می‌خواهم که از [بدی‌های]^{۳۱} من درگذری^{۳۲} و خوبی‌ها را به جای آن‌ها بگذاری^{۳۳}

۱۹. در اصل: می‌فروشی.

۲۰. در اصل: می‌کنی.

۲۱. در اصل: کن.

۲۲. در اصل: قرض‌الحسن.

۲۳. «در» حذف شده است.

۲۴. ناخواناست.

۲۵. «جان» حذف شده است.

۲۶. در اصل: بعدی.

۲۷. در اصل: بودی.

۲۸. در اصل: ببوسیش.

۲۹. در اصل: بعدی‌های.

۳۰. در اصل: منو.

۳۱. در اصل: بعدی‌های.

۳۲. در اصل: درگذرد.

۳۳. در اصل: بگذارد.

و خواهرانم صغرا و خدیجه [از] شما^{۳۴} [...] می‌خواهم من را حلال کنید و همه‌ی شما را از راه دور می‌بوسم امیدوارم که به درس‌تان ادامه^{۳۶} دهید. پدرجان و مادرجان! به همه‌ی فامیل و دوستان سلام برسانید و بگویید هر بدی از من^{۳۷} دیدن حلال کنند. از خانواده بابا و مشهدی نه‌نه بخواهید^{۳۸} که همگی مرا ببخشند^{۳۹} و بدی و خوبی را حلال کنند. مادرجان! بابا را به جای^{۴۰} من بیوس، بگو جای همه‌تان کربلا را زیارت می‌کنم و به همه‌ی آن‌ها^{۴۱} بگو تا انقلاب مهدی از این انقلاب و رهبرش امام خمینی خوب پشتیبانی کنند و در زندگی زیاد [به] مادیات^{۴۲} فکر نکنند چون ارزش آخرت بیش‌تر از ارزش مادیات است و با همسایه‌های‌تان^{۴۳} خوب باشید^{۴۴} مثل برادر خواهر و در مقابل بدی دیگران نیکی کنید، چون پاداش خوبی دارد. امیدوارم که خانواده‌ام و بقیه‌ی اقوام این راه را ادامه^{۴۵} دهند این راه راهی بود که پیامبران و امامان برای مسلمانان^{۴۶} انتخاب کردند؛ امیدوارم که همه‌ی شما^{۴۸} مکتبی واقعی شوید این راه را که من انتخاب کردم واقعیت بزرگی دارد. برای شما بازماندگان محترم، ما همه پاسداران در راه خدا قدم برداشتیم، که قرآن را حفظ کنیم و در راه قرآن شهید شویم همین چند کلمه [...] شما صحبت کردم به خاطر خدا عمل کنید.^{۴۹}

فاطمه همسرم! ازت می‌خواهم [...] ^{۵۰} [به خاطر این] ^{۵۱} چند مدت که در خانه نبودم و

۳۴. در اصل: یک و یک.

۳۵. «از» حذف شده است.

۳۶. در اصل: اعدامه.

۳۷. در اصل: ما.

۳۸. در اصل: بخواهین.

۳۹. در اصل: ببخشین.

۴۰. در اصل: از عوض.

۴۱. در اصل: همه‌شان.

۴۲. در اصل: پول و پله.

۴۳. در اصل: همسایه‌ی‌تان.

۴۴. در اصل: باشین.

۴۵. در اصل: اعدامه.

۴۶. در اصل: مسلمان.

۴۷. در اصل: ببخشین.

۴۸. در اصل: کردن.

۴۹. ناخواناست.

۵۰. «که» حذف شده است.

۵۱. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «به خاطر این» باشد.

[...] ^{۵۲}بدی [هایی] که از من سر زده مرا ببخشی [و] حلال کنی. فاطمه جان! مثل فاطمه زهرا (س) خودت را حفظ کن و ایمانت را قوی کن و مرا از یاد نبر و همیشه سر نماز مرا دعا کن و برایم گریه و زاری نکن، شجاع باش تا همه [ی] فرشته‌های آسمان بهت آفرین [بگویند] ^{۵۳} همیشه از خدا کمک بگیر. همه شما را بخدا می‌سپارم و دعای خیر برای تان می‌کنم ضمناً شعار مرگ بر آمریکا را فراموش نکنید.

یک وصیت دیگر یادتان باشد که [مرا] ^{۵۴} باید کنار پسر عمویم رضا دفن کنید و در بقیه‌ی کارهایم پدرجان! هر کار [که] ^{۵۵} خودت [صلاح می‌دانی] ^{۵۶} انجام بده. ما روسفید [هستیم] دشمن روسیاه است.

الله اکبر

فرمانده ما صاحب‌الزمان

درود بر خمینی

سلام بر شهیدان

درود بر رزمندگان

مرگ بر آمریکا و منافقین داخلی و خارجی

خدایا خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

به کوری چشم دشمنان، اسلام پیروز

شهیدان زنده‌اند، الله اکبر به خون [آغشته‌اند] ^{۵۷}، الله اکبر.

امضاء ^{۵۸}

۷۹/۰۷/۲۷

۵۲. «هر» حذف شده است.

۵۳. در اصل: کنند.

۵۴. در اصل: منو.

۵۵. در اصل: شد.

۵۶. در اصل: می‌توانی.

۵۷. در اصل: آغشته‌ان.

۵۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نسیم طاهره منوچهرها از توبیخی خلی انظار دارم باید آنقدر روحیه و ایمان به خرج دهی که خواب برایت
 با داس نبرگ نصیب کنی باور کن حقیقت خلی روشن است و تو باید حقیقت را زود درک کنی
 بعد از من صبر کنی تا به جنت نزدیک شوی همان جور که سوخته تمام به جهنم برایت همه چیز اسیر دارم
 عمل کنی زود بگویم که یک شهید هستیم می روی از خدا و بدی خواهد کم نه بعد از من نگهدارت باشد مثل زینب
 کبری باشی با عقاید دینی و مکتبی اسلام موافق خواهی آمد کنی سب و روزی عافیتی و هر وقت که بیکار بودی
 نماز جمعیت و غیره و سوره شاک بر اسم قضایا بیاوری و همچنین از پدر و مادر کی خواهد کم همسرت
 وصیت را فراموش نکنی تو بعد از من همچنان هانا باشی می خواهد کم به این عرضها که گفته زیاد نظر کن پدرم
 سفارش می کنم که زود در جنت مادرت ببرد تا از دنیا بی بر آید پدر جان امید دارم که همه گفتهها را موافق
 دهی و آن اس سندی که من از یاد کنی آوردی آنها را هم بخونی همان را به یک زود باید زود
 و همنا حقوقم را که گرفتی در حدود پنج هزار تومان برای خانه خود خرج کن و همچنین ماسین را هم می فروشی
 و پولش در صندوق سند به مقدار هفت هزار تومان در راه صاحب الزمان اجلایه خرج کنی و باقیه
 پول هم از همسرت نگه داری می کنی تا بواز فرزند همه حقوق بدینند که لغایت می کند به بعد حال فاطمه را مثل
 در صورتی که آن مواهبت کنی یک دفتر حق تعالی در بانک قاریو را با است در حدود دوهزار و پانصد تومان
 در آن آنهم مال همسرت است که هر وقت دلش خواهد است می تواند بگیرد پدر جان اینها را که گفته برای فرزند
 ما اینهم بده پدر جان امید دارم که نداشتیم را و رحمت های بیچی را که برایم کشیدی برای رضای خود انجام
 ما در جان ازت می خواهم که سیدی که بهم دادی و استیفا کنی که در از من تو خر داده بودی بجز
 و حال کنی بی نظیر خود را بخشدن شما زوری تازه بر من دارم خواهد است برادرم

۹۱

شعبه محمد حسن طالبی

صفت جان و علی جان شما به تنهایی که بخدا قسم بعدی (مخلص) دیده و یا از علی محمد
بودی جلالت کند و تصور را هم عوضی من هر روز بر سرین و خواهرم فاطمه جان قربانت شوم
هر چیزی ما تو را فراموش نمیکنیم و امیدوارم که اول بعدیهای مرا یعنی منوچهر آل انبی
و خواهرم محسنه می خواهی که از بعدیهای من در گذرد و خدایا اینها بگذارد و خواهرم
مختار و ندیچه بکشد از زمان می خواهی جلالت کند و همه شمار از راه دوری بوسم امیدوارم که
به درسی کم تا آن اعدا که دیگر پدر جان و مادر جان به همه فاضل و درستان سلام بر سرین بگویند
هر صبری از یادیدن جلالت کند از شما نوا ده با ما و شهدی نماند نیوا همین که همگی مرا بخش
و جلالت کند بعدی و خوبی را ما در جان بابا را از عوضی من بچوس بدیهای همان که پلار
زادگی کنم و همان بگو انقلاب شهدی این انقلاب و بر سرین اما نمیمیش خوب
بسیاری کند و در زندگی زیاد پول و بلیط کند چون از زنی آخرت بیشتر از زنی مادری است
و ایضا ایستادن همیشه خوب باشن مثل برادر خود آمد و در مقابل بعدی دیگر آن کانیلی کند چون
پاداشی خوب دارد امیدوارم که خانواده ام و بقیه اقوام اینی راه را ادامه دهند این راه را می
بود که با همسگن و اما ما ان ما برای سلمان انتخاب کردن امیدوارم که همان صفتی واقعی شود
این راه را که من انتخاب کردم واقعیت نبرای دارد برای شما بازماندگان محمد مایه پاداران
در راه خدا قدم برداشتم که قرآن را حفظ کنیم و در راه قرآن سر رسید سویم همین خدایا که بوباشم
صحت کردم فاطمه خدا بکند

ما همه همسنگر ازت می خوانیم که خیزند در جهان بودم و مگر بوسی از ام سر زده مرا بختی مرا المانی
 طایفه جان مثل فاطمه زهرا خودت را حفظ کن و ایمانت را قوی کن و مرا از یاد نبرد و همیشه
 مرا سر نماز دعا کن و بر ایام گریه روزاری کن شجاع باش تا همه فرشته های آسمان بهت سگند
 همیشه از خدا کمک بگیر همه شما را بخدا می سپارم و دعای خیر بر کتبان می کنم ضمناً نماز شکر
 بر امریکا را فراموش نکنید

یک وصیت دیگر حاجت آن باشد که منوچهر حسین سپهر محمدیم رضا یافق کتند در رقیه
 کا رفاه بدو جان هر کار زنده خودت می توانی اینی بویه ما و سفید دشمنی رو سیاه است
 الله اکبر فرمانده ما صاحب الزمان

دوره بر خینی - سلام بر شهیدان

دوره بر زندگان

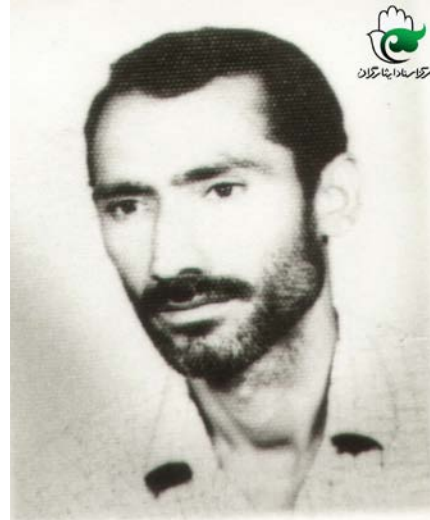
شکر بر امریکا - و منافقین داخل و خارجا

خدا یا خدایا خدایا یا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

یا کوری چشم دشمنان اسلام پیروز

شهیدان زنده باد الله اکبر بخون آغشته ان الله اکبر

یوسف عابدینی پور قلعه قاضی



نام: یوسف

نام خانوادگی: عابدینی پور قلعه قاضی

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۰۲/۲۸

محل تولد: قلعه قاضی تابعه شهرستان بندرعباس

نام پدر: محمد

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

شغل: ملوان اداره بنادر و کشتیرانی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۹/۰۳

محل شهادت: اسلکه بندر امام خمینی

نحوه شهادت: بمباران هوایی

محل دفن: گلزار شهدای قلعه قاضی تابعه

شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ آنچه از دارایی [...] دارم از خانه و وسایل آن بین فرزندان هر یک به سهمیه [...] در شرع اسلام گفته اند تقسیم شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود فراوان بر شهیدان از صدر اسلام تاکنون.
[...]^۱ با عقل کامل در مقام وصیت برآمد اینجانب یوسف عابدینی پور در مورخ
۱۳۶۵/۰۷/۱۴ حاضر گردید.

آنچه از دارایی [...] دارم از خانه و وسایل آن بین فرزندان هر یک به سهمیه [...] در
شرع اسلام گفته‌اند تقسیم شود و بین فرزندانم فرقی نباشد و همسرم به سهمیه‌ای که به شرع
مقدس اسلام می‌برد [سهم داشته باشد]^۲. [...] همسرم و پدر و مادرم! [...] و [...] بچه‌هایم
[در کنار هم]^۳ زندگی کنند و همسرم نسبت به بچه‌ها و پدر و مادرم مهربانی کند و [آن‌ها]^۴
هم‌چنین^۵ [نسبت به همسرم مهربانی کنند]^۶. [...] [من] بدهی ندارم مگر مبلغ ۹۸۴۰۰
تومان که از بانک کشاورزی گرفته‌ام و آن ثلثی سهم خودم می‌باشد می‌تواند خرج کفن و
دفن نمایند.

والسلام - ۱۳۶۵/۰۷/۱۴

یوسف عابدینی پور - امضاء^{۱۳}

۱. «حاضر گردید» حذف شده است.

۲. «که» حذف شده است.

۳. ناخواناست.

۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «سهم داشته باشد» باشد.

۵. «و» حذف شده است.

۶. «در کنار هم» حذف شده است.

۷. «پهلوی» حذف شده است.

۸. «در کنار هم» اضافه شده.

۹. در اصل: ایشان.

۱۰. در اصل: هم‌چنان.

۱۱. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «نسبت به همسرم مهربانی کنند» باشد.

۱۲. «و» حذف شده است.

۱۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۴

شنبه

Saturday	۶ خرداد	۱۹ جمادی الثانی
27 MAY 1978	شاهنشاهی ۲۵۳۷	۱۳۹۸
5	۳	۶

- Am. ساعت
- 7 ۷ بسم الله الرحمن الرحيم
 - 8 ۸ ما روذ فرادان نه شهیدان شهیدان شهیدان
 - 9 ۹ تالکون
 - 10 ۱۰ حاضر لیدر با عقد کامه در مقام وصیت
 - 11 ۱۱ برآمد انبیا نبی یونس عابدینی پور
 - 12 ۱۲ در صورت عدم اراده
 - 13 ۱۳ آنچه از اولیائی که در مقام از حد و سایر
 - 14 ۱۴ از و غیره فرزندان هر یک به سهم الارث
 - 15 ۱۵ در شمع اسلام گفته اند تقسیم شود
 - 16 ۱۶ و بین فرزندانم فرقی نباشد و هر چه
 - 17 ۱۷ به سهم الارث که در شمع مقدس اسلام
 - 18 ۱۸ من بزرگوارم و بزرگوارم در تمام دنیا
 - 19 ۱۹ و بزرگوارم بچه هایم فرزندانم که در هر چه
 - 20 ۲۰ نسبت به بچه هایم و بزرگوارم در هر چه
 - 21 ۲۱ کند و اینان هم هیچان

لاہور

بیشنبہ

28 MAY 1978	۷ خرداد شاهنشاهی ۲۵۳۷	۲۰ جمادی الثانی ۱۳۹۸
5	۳	۶

ولادت حضرت فاطمہ علیہا سلام

Am. ساعت

۷ ۷ بیرون شہر روم مگر منہلج ۱۱۰۰۰ و تیرہ سال

۸ ۸ کہ در زمانت کشتا و نزل کترقصہ ام

۹ ۹ و آن تلمیذ سہولت خیرام مر با شد

۱۰ ۱۰ شجر می توانند قرح لفظ و لفظ ہما

۱۱ ۱۱

۱۲ ۱۲ والسلام

۱۳ ۱۳

۱۴ ۱۴ ~~بیشنبہ ۱۴ خرداد ۱۳۹۸~~

۱۵ ۱۵

۱۶ ۱۶

۱۷ ۱۷

۱۸ ۱۸

۱۹ ۱۹

۲۰ ۲۰

۲۱ ۲۱

۵۱۲-۶۵۱۲۶۹۵۷

خوبیار عاشوری



نام: خوبیار

نام خانوادگی: عاشوری

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۰۱/۰۱

محل تولد: روستای دمک از توابع شهرستان

میناب

نام پدر: مهدی

نام مادر: سکینه

تحصیلات: دوم ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۳/۳۰

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش به دست و سینه

محل دفن: روستای هشتبندی تابعه شهرستان

میناب

گلچین وصیت نامه

- < تابع فرمان امام باشید؛ که اطاعت از فرمان امام اطاعت از فرمان خداوند است.
- < جنگ را ادامه دهید، که جنگ مایه عزت ماست و چشم همه محرومان دنیا به این جنگ است.
- < وحدت را حفظ نمائید، که مایه پیشرفت اسلام است.
- < همگی اقوام و خویشان را دعوت می کنم که جبهه ها را خالی نگذارند، که رضایت خداوند در یاری کردن دین خداست.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۶/۰۱/۲۰

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي

جَنَّتِي^۱

خدایا! چه شیرین است که در محضر دوست [...] و به مهمانی حضرت حق رفتن. خدایا! آن لحظات جان دادن، سیمای ائمه اطهار را به من نشان که روی دوست دیدن و رفتن چه زیباست. خدایا! تو خود می‌دانی که من بخاطر رضای تو رفتم و بخاطر این که سلامت، مظلوم بود و من برای مظلومی دین تو رفتم؛ لذا بدین شرح وصیت خود را مکتوب می‌دارم.

۱- تابع فرمان امام باشید که اطاعت از فرمان امام اطاعت از فرمان خداوند است. ۲- جنگ را ادامه دهید که جنگ مایه عزت ماست و چشم همه محرومان دنیا به این جنگ است. ۳- وحدت را حفظ نمایید، که مایه پیشرفت اسلام است. مادرم! سلام از این که گاهی مواقع نسبت به شما بی‌احترامی کردم طلب بخشش می‌کنم و از شما می‌خواهم که بعد از شهادت صبر کنید و گریه و ناله نکنید و هر وقت خواستید گریه [کنید]^۳ برای شهدای مفقودالجسد گریه [کنید]^۴، اما همسر! از شما طلب حلالیت می‌کنم و از این که در زندگی با من همراه بوده‌ای خیلی راضی هستم و [...] صبر [پیشه]^۵ کنید و ان شاء الله هم‌نشین با فاطمه زهراء (س) باشید و هر کس از من بدی دیده است باید به بزرگواری خودش ببخشد و هر کس طلب یا این که

۱. آیه ۲۷-۳۰، سوره فجر: «ای نفس مطمئنه خوشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد و در میان بندگان من در آی

و در بهشت من داخل شو».

۲. «رفتن» حذف شده است.

۳. در اصل: کنی.

۴. در اصل: کنی.

۵. «ان شاء الله» حذف شده است.

۶. در اصل: باید.

قرضی دارد از خانوادهام مطالبه کند و همگی اقوام و خویشان را دعوت می‌کنم که جبهه‌ها را خالی نگذارند، که رضایت خداوند در یاری کردن دین خداست. در پایان از همگی شما خداحافظی می‌کنم.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

خویبار عاشوری

۱۳۶۶/۱۰/۲۰

امضاء ۲

۱۵۲

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَا رَفَعْتُ فِي عِبَادِي وَادْفَعْتُ إِلَيْهِمْ

هدایا هم بشیرین است که در محضر دوست رفتن و به صفا حضرت
حق رفتن. خدا را آن خطات جان دادن و به سماوات اتم اظهار
را به من بشیران که روی دوست دیدن و رفتن هم زیباست هدایا
هو تو خود میدانی که من بخاطر زهرا تو رفتی و بخاطر اینک سلامت
مطلوب بود و من برای مطلوب تو رفتم. لذا بدین شرح وصیت خود را
مکتوب می دارم. از تابع فرمان امام باشم تا اطاعت از فرمان امام
اطاعت از فرموده خداوند است. بدین جهت را ادامه دهی که من
سجده مایه عزت با است و چشم هم عموماً دنیا به این است (است به معرفت را
مستطمانه که ما به سیرت اسلام است. ما در اسلام از این گاهی
مواقع نسبت به شما ای احترام کردم طلب بخشش می کنم و از شما می خواهم
که بعد از شهادت من به برکتی و درم و ناله نماند و هر وقت خواستید گریه
کنی برای شهیدان مفعول الجسد کرم کنی - اما همسر از شما
طلب غلالت می کنم و از این جهت از شما می خواهم که هر چه بود ای
مطلبی ما را می قسمم و انشاء الله بهر با برکتی و انشاء الله همش
با ناظم زهرا با سیر

تعاون لشکر ۴۱ تاراه

محل امضاء

و هر کس از من بپرسد بگو که این است یا در هر کس از من بپرسد
 و هر کس طلب یا انتفاعی در حق من دارد از خانواده ام مطالبه کند
 و هر کس از من و فرزند من را دعوت کند که در هیچ یک از اینها شرکت نکنم
 که رضایت خداوند در این مورد است
 درین باره از هر کس که در این باره فتنه کند یا فتنه کند
 خدای تعالی او را لعنت کند
 خویبار آشتور
 ۱۳۰۱/۱۲/۲۰

۸۸۸۸۸۸۸۸
 ۸۸۸۸۸۸۸۸
 ۸۸۸۸۸۸۸۸

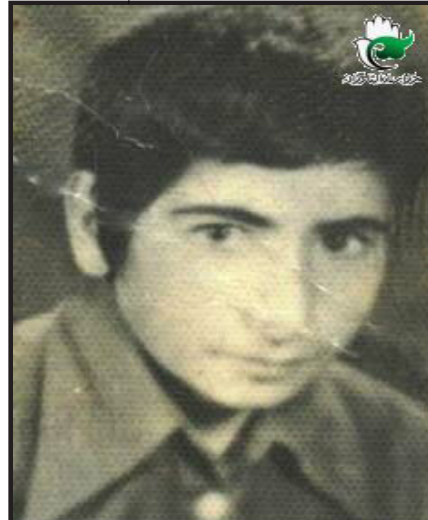
محل امضاء

۱- وصیت نامه را در اصل بابت مخصوص بنمایید و مشخصات خود را دقیقاً بنویسید
 ۲- وصیت نامه را از تعاون امور روزگار، کلاه، انگشتر، عینک، خود را در

کادو

۱۱۰۹۱۲۳۴۵

کاظم عباس زاوه



نام: کاظم
نام خانوادگی: عباس زاوه
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۲/۰۱
محل تولد: شهرستان حاجی آباد
نام پدر: احمد علی
نام مادر: زیور
تحصیلات: دانش آموز سوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۰
محل شهادت: ام الرصاص عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان حاجی آباد

گلچین وصیت نامه

- ◀ از انقلاب اسلامی با جان و دل مواظبت کنید حتی اگر لازم بود از جان مایه بگذارید.
- ◀ از سنگرهای مدرسه بخوبی مواظبت کنید و نگذارید که منافقین در آن رخنه کنند.

بسمه تعالی

۱۳۶۱/۰۱/۱۲

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۱

ما از او آمده‌ایم و بازگشت‌مان به سوی اوست.

اکنون که آمریکا توسط عراق جنگ را شروع کرده است، ما هم به ندای امام خمینی لبیک می‌گوییم و با ندای الله‌اکبر به سوی جبهه‌های ایران که اکنون در تصرف عراق است می‌شتاییم و می‌کشیم و نابود می‌کنیم؛ تا زمانی که کشته شویم. وصیت من به تو ای برادر! از انقلاب اسلامی با جان و دل مواظبت کن حتی اگر [لازم بود]^۲ [...] از جان مایه بگذاری. وصیت من به تو ای برادر! از سنگرهای مدرسه بخوبی مواظبت بکن و نگذار که منافقین در آن رخنه کنند. وصیت من به تو ای پدر و مادر! بعد از شهادت من اشک نریزید^۴ و شیرینی بگیریده^۵ و در بین مردم پخش کنید^۶، که روحیه مردم قوی شود و راه تداوم‌بخش را ادامه دهند. در پایان از تمام مردم برای من حلالیت^۷ بگیرید.

کاظم عباس‌زاده

امضاء^۸

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره.
۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «لازم بود» باشد.
۳. «که» حذف شده است.
۴. در اصل: نریز.
۵. در اصل: بگیریده.
۶. در اصل: کنید.
۷. در اصل: حلالی.
۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



مرکز اسناد و آثار گران

بسمه ذی الی
انا لله وانا الیه راجعون

تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۱۳

ما از آنیم و به سوی آن باز میگردیم - ۱۳۹۳، ۶۱ - ۱۳۸۱

آنقدر که امروزه به توسط محققان و کاتبان کثیری که در این راه کوشیده اند ما هم به ندرت امام

خسرو لیبید می گویم ریاضی ^{الله} البر ^{الله} جبهه مباران که اکنون در

فقط عراق است و مشتاقان و محبتیان ما هم ریاضی که کشته شدیم

وصیت من به توای برادر: از انقلاب اسلام و ایالات و دل مواظبت متنی اگر

و استی که از جان ما به نگذاری

وصیت من به توای برادر از سنگرها و سجدی مواظبت میکنی و نذار

که منافعی در آن رخسار کنند

وصیت من به توای پدر و مادری: بعد از شهادت من اشک نریز و سر منی

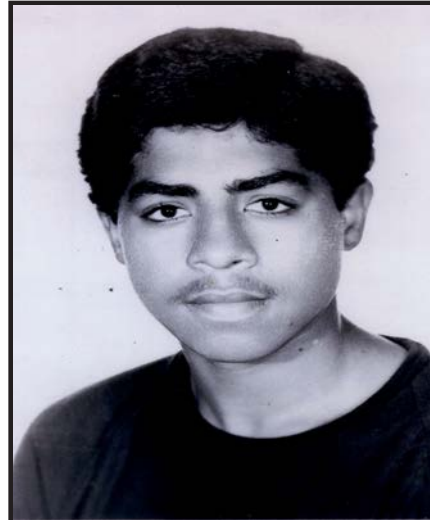
نگه دار بین مردم پیش کن که روای مردمی مسو در راه تدارک احسن را از

در جایات تمام مردم برای من حوالی بگیرد



کاظم عباس زاده

علی عباسی دوشمیری



نام: علی
نام خانوادگی: عباسی دوشمیری
تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۳/۰۱
محل تولد: روستای دهبارز از توابع شهرستان
رودان
نام پدر: محمد
نام مادر: ماهرخ
تحصیلات: سوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: زادگاهش روستای دهبارز

گلچین وصیت نامه

- ◀ شما باید پیام رسان خون شهدا باشید و بدانید تمام این توطئه‌ها که ابرقدرت‌ها می‌کنند، برای از بین بردن این راه و اسلام است.
- ◀ شما باید نگذارید این ظالمان کوچک‌ترین ضربه‌ای به این انقلاب وارد کنند. آگاه باشید آن‌ها هیچ‌وقت ساکت نمی‌نشینند، هم‌چنان در فکر توطئه‌های تازه‌تر هستند. از روحانیت مبارز و متعهد پیروی کنید و حامی آنان باشید که آنان ادامه‌دهندگان خط انبیاء هستند.
- ◀ ما همیشه از داخل و از منافقان ضربه خورده‌ایم، مواظب این شیطان صفتان باشید و گول آن‌ها را نخورید. همیشه گوش به فرمان امام امت باشید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ^۱

کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جان‌شان به جهاد پرداخته‌اند
نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند.

پدر و مادر عزیزم! امیدوارم از شهادت من ناراحت نشوید زیرا که در آیه هم آمده
است، شهید والاترین مقام را دارد. این راهی است که همه شما باید آن را ادامه بدهید و
بدانید بهترین راه سعادت من است. من این را با آگاهی کامل برگزیدم و برای حفظ دین
خدا قدم بدین راه نهادم. شما باید پیام‌رسان خون شهدا باشید و بدانید تمام این توطئه‌ها
که ابرقدرت‌ها می‌کنند، برای از بین بردن این راه و اسلام است. و شما باید نگذارید این
ظالمان کوچک‌ترین ضربه‌ای به این انقلاب وارد کنند. آگاه باشید آن‌ها هیچ‌وقت ساکت
نمی‌نشینند، هم‌چنان در فکر توطئه‌های تازه‌تر هستند. از روحانیت مبارز و متعهد پیروی کنید
و حامی آنان باشید که آنان ادامه‌دهندگان خط انبیاء هستند. ما همیشه از داخل و از منافقان
ضربه خورده‌ایم، مواظب این شیطان صفتان باشید و گول آن‌ها را نخورید. همیشه گوش به
فرمان امام امت باشید و فقط فرمان او را اطاعت کنید. در آخر از همه‌ی خانواده می‌خواهم
اگر از من بدی دیدند مرا ببخشند و از شهادت من راضی باشند. دیگر عرضی ندارم.

والسلام

تاریخ ۶۵/۱۰/۲

و هیبت نام برادر علی عباسی دوشهری



"ان اللین آمنوا و ما حردوا و ما حردوا فنی بسین... باولهم و انفسهم انظم ارجب
 عند الله اولئك هم الفائزون"
 لا یدرتی که آنان که ایمان آوردند و همدت گزیدند در راه خواجهها در نزد و الا لایزین خام ایبر
 نذر خداوند در نزد آنها مستند بشماران!

بدر دمار عزیزم اسیرم از شهادت من با اجمیت تصویر زکریا که در آن کلمه آمده است که
 و الا لایزین تمام را در این راه است که هر که باشد آن را از این راه و بداند که این راه
 سعادت همین است من این را با کلامی کامل برگزیدم در این خطه و من
 خدا قدم بر این راه نهادم و نه با آمد پیام رسان خون شهید با شهادت و به این راه
 این تو که ما که بر قدرتها می کنند بر این زمین بر این راه و این راه است و چرا
 باید ننگ بر این کلمات که می کنند من فخر به آن است و این کلمه است که ما
 آنها مع وقت سکت فضا نشیند همچنان در دفتر فخره ما تا زنده می ماند
 از روحانیت مبارزه و شهید بیدار می کند و ما تا آن با شهادت آنانی او را در افروزگان
 خواستنیاء هستند با اجمیت از کف فخره خوردیم و از سلفان،
 موافق این شیطان همچنان باشند و کول آنها را بخوردیم و گوییم
 فریاد امام است با شهادت فریاد او را با شهادت که در آخر آن
 خانواده می خوانم آنرا از من بدینا دیدن می بیند و از شهادت من
 بر ضمایا هستند و هر که ضمایا ندانم

اینجا اصل تصویر



۲، ۱۰، ۵



کتابخانه عمومی

یوسف عباسی دوشهری

نام: یوسف

نام خانوادگی: عباسی دوشهری

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱۲/۲۹

محل تولد: روستای نوبند از توابع شهرستان

میناب

نام پدر: عباس

نام مادر: محفوظه

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۴/۲۲

محل شهادت: فکه

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: روستای نوبند شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

- دنبال‌رو شهدا و امام باشند و امام را یاری کنید.
- وصیت می‌کنم به تقوا، پرهیز از گناه، عفت، پاکدامنی، مودت، دوستی باهم، امر حجاب، اقامه نماز در اول وقت و سایر واجبات شرعی.

بسم الله الرحمن الرحيم

شیطان بزرگ [...] ^۱ داخلی آن بدانند اسلام تاکنون با همین خون‌های پاک و مقدس آبیاری شده.

بر حسب وظیفه شرعی که بر عهده‌ی هر فرد مسلم و مومن و مسلمه و مومنه است [...] ^۲ باید قبل از مرگ وصیت کند، این چند جمله را از این بنده عاصی و محتاط به رحمت خالق عالم من باب وصیت در این ورقه ذکر می‌کنم. در حالت صحت و سلامت بدن و عقل سفارش می‌نمایم، به برادران و خواهرانم و پدر و مادر خوبم که دنباله‌رو شهدا و امام باشند و امام را یاری کنند^۳ و شما ای خواهرانم! که می‌دانم بعد از من سیه پوش خواهید بود [...] ^۴ باید زینب‌وار باشید و صبر و تحمل داشته باشید و وصیت می‌کنم به تقوا^۵ و پرهیز از گناه و عفت و پاکدامنی و مودت و دوستی باهم، و حفظ کردن [...] ^۶ آن‌ها، امر حجاب [...] ^۷ و اقامه نماز در اول وقت^۸ و سایر واجبات شرعی^۹، و شما ای برادرانم! امیدوارم در درس و کلاس موفق بوده باشید و برای من نگران نباشید و شما ای پدر و مادر مهربانم! می‌دانم که چقدر برایم زحمت کشیده‌اید، برایم دعا [کنید]^{۱۰} و مرا حلال نمایید، چون نتوانستم آن‌طوری که باید به

۱. ناخواناست.

۲. «که» حذف شده است.

۳. در اصل: کنند.

۴. «شما» حذف شده است.

۵. در اصل: تقوی.

۶. ناخواناست.

۷. «را» حذف شده است.

۸. در اصل: اوقات خود.

۹. در اصل: شرعیه.

۱۰. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «کنید» باشد.

شما خدمت کنم، خدمت نمایم؛ پس مرا حلال نماید و مبادا گریه و زاری کنید، مثل
مادر علی اکبر صبر و تحمل داشته باشید^۲ چون ما راه خود را یافته‌ایم و مدفن اینجانب را در
بهشت زهرای نوبند قرار دهید.

۱. در اصل: نمایم.

۲. در اصل: باشی.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وصیت نامه شهید یوسف حبیبی

لا سیفان بزرگ و یاک داخل آن بدانند اسلام تا کنون با
هین خونیهای پاک و مقدس آبیاری شده

بر حسب وظیفه شریعه که به عهد هر فرد مسلم و مومن و صلح و صلوات است

که باید قبل از مرگ وصیت کند این چند جمله را در این بنده عامی و محتاج به

رحمت خالق عالم من باب وصیت در این ورقه ذکر می کنم ، در حالت صحت و سلامت

بدن و عقل و عاقل من تمامیم به برادران و خواهرانم دید و مادر خودم که دنیا را برودند او

رسمه یا منته و رسمه را یاری کند شما را خواهرانم که من بعد از من بی یوش

خواهید بود شما باید زینب و اربابیده و عبیر و تحمل داشته باشید و وصیت من

به تقوی و پرهیز از گناه و عفت و پاکدامنی و صود و دوستی با هم ، حفظ کردن

ناموسها آنها امر حجاب را و اقامه نماز در اوقات خود و سایر واجبات شرعی و

شما را برادرانم امیدوارم در درس و کلاس موفق بوده باشید و برادرانم نگران نباشید شما

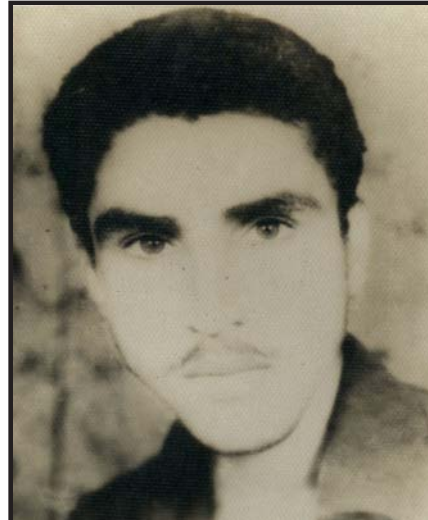
ارید و مادر مهربانم من دانم که چقدر بر این زحمت کشیده اید برایم دعا و مراحل تساهل

چون تلو استم آنطور که باید به شما خدمت کنم عهد ننمایم من مراحل تساهل تساهل

که به و وای نماید مثل مادر علی البر صبر و تحمل داشته باشی چون ما راه خود را یافته

و مدفن این جانب را در بهشت زهرا می نویسد و ارادید

اسماعیل عبدالصمدی فرخی



نام: اسماعیل

نام خانوادگی: عبدالصمدی فرخی

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱۰/۰۳

محل تولد: شهرستان میناب

نام پدر: عباس

نام مادر: زبیده

تحصیلات: سوم راهنمایی

شغل: کارمند جهادسازندگی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۱۹

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت:

محل دفن: شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

- ◀ هرگز سلاح مبارزه و پیکار با دشمن اسلام را در هیچ زمان و مکانی بر زمین نگذارید.
- ◀ به پایگاه‌های مقاومت بسیج اهمیت دهید و آن‌ها را تقویت نمایید، فعالانه خدمت کنید و انتقادها را به صاحبانش با کمال صراحت بگویید.
- ◀ همواره مقلد راستین برای رهبر باشید و بدانید که رهبر فرموده ما مکلفیم از این جمهوری دفاع کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

با نام الله و یاد الله و رضای حضرت حق چند کلمه‌ای به عنوان وصیت و نصیحت نگارش می‌نمایم. اینجانب اسماعیل عبدالصمدی فرزند عباس متولد [...] سال ۱۳۴۳ هجری شمسی و دارنده شناسنامه به شماره ۶۳ گواهی می‌دهم به یکتایی معبودم که آفریدگار هر دو جهان است و هم‌چنین به فرستادگان حضرتش از آدم تا حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) و اقرار می‌کنم به امامت امام علی (ع) داماد و پسر عمو^۱ نبی اکرم و یازده تن از فرزندان حضرتش و هم‌چنین شهادت می‌دهم به روز باز پسین و سوال جواب قبر، بهشت و جهنم.

خدایا! من معتقدم به همه اصول و فروعی که توسط فرستاده خود حضرت محمد بن عبدالله بر بندگانت [نازل کردی]^۲ هستم، لیکن نفس اماره [را] اسیر خودم کرده بودم^۳ و نافرمانی زیاد کرده‌ام^۴ [و] نتوانستم بنده خوبی برایت باشم [و] [...] آن‌گونه که هدف از آفرینش [...] بودم^۵ که همانا که همانا اطاعت و عبادت محض درگاه توست غافل باشم پس خدایا! بر ما به فضل خود نگر و به عدلت مواخذه نکن، خدایا! تو از درگاه کرم‌ت نعمات فراوانی نصیبم کردی، جوانیم را در سایه‌ی رهبری عظیم و عزیز که از اولیای خاصه‌ی توست قرار دادی در خانواده‌ی مسلمان و معتقد به ولایت مولای متقیان و در کشوری که مبنی حکومتش، احکامت است قرارم دادی با عده‌ی زیادی از بندگان مخلص‌ت توفیق دوستی

۱. «به» حذف شده است.

۲. در اصل: پسر عمه.

۳. در اصل: بودی.

۴. در اصل: کرده بود.

۵. در اصل: کردم.

۶. «نتوانستم» حذف شده است.

۷. ناخواناست.

برایم عطا کردی توفیق جهاد در راهت که از عظیم‌ترین توفیقات است برایم عنایت فرمودی ولی حقیر، لایق و قادر به شکرگزاری تو نبودم. خدایا! اعتراف می‌کنم بنده‌ای گناهکار و عاصی بودم و جز امید به کرم تو چیزی در دست ندارم. من برای دوستانم و شرکت کنندگان در مراسمات شهادتم عرض می‌کنم [که] اعلام نمایم آن‌هایی که اعتقاد به ولایت حق، ولی فقیه، حقانیت جمهوری اسلامی در سیاست داخلی و خارجی خود بخصوص در این دفاع مقدس ندارند و هم‌چنین کسانی که بی‌تفاوت در مورد جنگ و سرنوشت مسلمین می‌باشند هرگز رضایت ندارم در تشییع جنازه‌ام و یا در مراسم فاتحه خوانیم شرکت کرده باشند حتی اگر از نزدیک‌ترین افرادم باشند.^۸

به دوستانم سفارش می‌کنم هرگز سلاح مبارزه و پیکار با دشمن اسلام را در هیچ زمان و مکانی بر زمین نگذارند.^۹ به پایگاه‌های مقاومت بسیج اهمیت دهید و آن‌ها را تقویت نمایید، فعالانه خدمت کنید و انتقادهای را به صاحبانش با کمال صراحت^{۱۰} بگویید. همواره مقلد راستین برای رهبر باشید و بدانید که رهبر فرموده ما مکلفیم از این جمهوری دفاع کنیم. هر کجا به یاد من مجلس گرفتید از دوستان والا مقام شهیدم، بخصوص شهیدان جاوید مذکور: عمرانی عزیز، استاد مجید نعیمی پور، استاد علم و عرفان، شهید عبدالرضا مریدی، حسین الله پرست، که به حق، الله پرست بود، شهید حسین بازدار، اصغر موسی زاده، عبدالرضا مجیدی، عبدالرسول مصلحی، [...] ^{۱۱} قاسمی، احمد صادقی و مضفر محمودی یاد آورید و یاد آور خاطرات [...] ^{۱۲} آن‌ها باشید. از دوستان عزیزم که در قید حیات هستند بخصوص دوستان [...] ^{۱۳} [...] ^{۱۴} شاگردان مکتب صادقی (ع) حلالیت می‌طلبم و از همه می‌خواهم برای آمرزشم دعا کنند و از پدر گرامیم که زحمتهای زیادی برایم کشیده است^{۱۵}، کمال تشکر را دارم

۸. در اصل: باشد.

۹. در اصل: نگذارید.

۱۰. در اصل: سراجت.

۱۱. ناخواناست.

۱۲. ناخواناست.

۱۳. ناخواناست.

۱۴. «به خصوص» حذف شده است.

۱۵. در اصل: کشیده‌اند.

و از حضورش حلالیت می‌طلبم و امیدوارم در مرگم صبوری پیشه کند^{۱۶} و به رضای حق راضی باشد. از مادر مهربانم، که او را بسیار زحمت کش و متقی می‌دانم حلالیت طلبیده و از او خواهش‌مندم در مرگم کاری نکند که برای یک لحظه دل دشمنان دین خدا از زاری او شاد و اولیاءالله دل گرفته شوند؛ هر مادری در غم فرزندش متأثر می‌گردد لیکن برای رضای حق باید صبوری پیشه نمود. از خواهرانم می‌خواهم زینت خونم باشند، مبدا در جمعیت صدای گریه را بلند کنند که موجب کاهش اجر و نمودشان گردد.

از خداوند تبارک صبر و اجر برای همه‌ی شما خواستارم.

حتماً مقدار یک ماه روزه‌ی قضا برگردنم دارم [آن را به جا آورید]^{۱۷}.

و هم‌چنین مقدار پنج هزار ریال به [....]^{۱۸} حسین اشکو، پشتیبانی جنگ استان [بدهکارم]. مقدار پنج هزار ریال به برادرم مرتضی و حقوق یک روز [....]^{۱۹} دلیل رسان بدهکارم از برادرانم حلالیت طلبیده و به برادرم اردشیر عرض می‌کنم تحت هیچ شرایطی کسب علم و تحصیل را رها نکند^{۲۰} ضمناً دوست داشتم برادرم طلبه شود و اختیار را به عهده‌ی خود او می‌گذارم.

والسلام عاقبه‌المتقین

حقیر اسماعیل عبدالصمدی

امضاء^{۲۱}

۶۵/۱۲/۰۴

۱۶. در اصل: پیشه کنید.

۱۷. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «آن را به جا آورید» باشد.

۱۸. ناخواناست.

۱۹. ناخواناست.

۲۰. در اصل: مکن.

۲۱. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

علی عبدلی زاده



نام: علی

نام خانوادگی: عبدلی زاده

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۰۴/۲۷

محل تولد: روستای خورگو از توابع بندرعباس

نام پدر: غلام

نام مادر: راضیه

تحصیلات: دانشجوی دوره کارشناسی در رشته

عمران

شغل: معلم

تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۱۱/۱۸

محل شهادت: بندرعباس

نحوه شهادت: مورد سوء قصد گروه‌های ضدانقلاب

محل دفن: گلزار شهدای بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ مادر جان! از صمیم قلب راضی باش و چنین فکر کن که همه جوان دارند و همه دل‌بند دارند و تنها علی تو نیست. درست است که ناراحت می‌شوی ولی بد به دلت راه نده، خوشحال باش که فرزندت را تقدیم این انقلاب حسینی می‌کنی.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

۱۳۶۰/۰۸/۱۸

نمی دانم از کجا شروع کنم و چه بنویسم فقط می دانم که هیچ کس نمی تواند مانع رفتن من به جبهه^۱ بشود به غیر از^۲ خدا، مادرجان! فقط این خواهش [را] دارم که افتخار کن فرزندت را روانه کربلای ایران می کنی. مادرجان! از صمیم قلب راضی باش و چنین فکر کن که همه جوان دارند و همه دلبنده دارند و تنها علی تو نیست. درست است که ناراحت می شوی ولی [بد]^۳ به دلت راه نده، خوشحال باش که فرزندت را تقدیم این انقلاب حسینی می کنی. مادرجان! شیون مکن، گریه مکن، زاری مکن، شب های جمعه بر سر مزارم بیا. همان حرف هایی که قبلا برایت گفته بودم [را] بیاد داشته باش و اما تمام کارهایی [...] در [...] انجام می دادم خواست تو و خدای تو بود. مادر جان! اصلا گریه نکن ان شاء الله حلالم کرده ای و شیرت را نیز حلالم کن. مادر عزیزم! اگر پولی داشته باشم بگیر و به^۴ زیارت خانه خدا و زیارت کربلا حسین (ع) برو و برایم دعا کن که رفتن من در این راه خواست خدا باشد و خدا هم قبول کند و جزء شهدای اسلام باشم.

قربانت علی

۱. در اصل: باشد.

۲. در اصل: فقط.

۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «بد» باشد.

۴. ناخواناست.

۵. ناخواناست.

۶. در اصل: برای.



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۶۰/۱۹۳۹

بسم الله الرحمن الرحيم و الصالحين و الامه القميين ۳۰/۱۲/۱۸

خداوند منم که شروع کنم و چه نیکم فقط می دانم که هیچ کس نمی تواند مرا از حق من بجهتد بجز خداوند
 مهربان فقط این خداوندی دارم که استغاثه کن فرزندت را و طاعت کرده ام ایران سما لایح
 با رحمت از عظیم قلب و این به بر و چنین نگرین که هر جوان دارنده و عد و صلح در اندیشه
 کسیت در دست است و ناراحتی کشوری و بی بدلت راه ندهی خوشی لب لبم که فرزندت
 را تقدیم این آفتاب حسنی میکنم . با ايمان .
 رسیده من مکتب با کرب و عجز . زار مکتب . مکتب عجز و کربم از مکتب . مکتب عجز و کربم
 که قبله بر لب گفتن بودم بیاد دارم و اما تمام کارهای که در خون انجام
 سید آدم خواستند و خداوند تو بود مایه جان اهل کرب و عجز
 رفت و آمد از اهل کرب و عجز و کربم از کرب و عجز .

مادر عزیزم ابیول دالتم و هم بگردد و این زیارت خانه خدا فرزندت کرده ام
 برو و بیایم و ما که رفتن من در این کرب و عجز است خدا به کرب و عجز
 هم قبول کن و عجز و کربم از کرب و عجز .

قرابت علی
۳۰/۱۲/۱۸



خلیل عجم قشمی



نام: خلیل

نام خانوادگی: عجم قشمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۰۸/۰۴

محل تولد: جزیره قشم

نام پدر: حسن

نام مادر: زهرا

تحصیلات: دانش آموز دوم متوسطه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۷

محل شهادت: تنگه جزابه

نحوه شهادت: اصابت گلوله

محل دفن: جزیره قشم

گلچین وصیت نامه

◀ اگر می خواهید انقلاب مان محفوظ شده و یاد شهیدان گلگون کفن مان زنده بماند، فقط پشت سر امام و روحانیت مبارز حرکت کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ^۱ (توبه ۴۱)

حمد و سپاس ذات اقدس ملکوتی را، که به چنین راهی هدایت‌مان کرد و از بودن و ماندن و گنبدیدن به سوی شدن و رفتن و تراویدن رهنمای‌مان شد، شکر بی‌کران ایزد منان را که پیام آوری چون حضرت محمد (ص) فرستاد تا راه هدایت را به جوامع بشری نشان دهد و رسولی باشد تا آنچه او ارسال می‌دارد بر انسان‌ها تلاوت کند و روح آن‌ها را از خموشی و خمودی به درآورد و متوجه خدا کند و درود بی‌پایان به رحمت خدا در زمین مهدی موعود (عج) اروحنااله الفداء که وجود مقدسش لطفی است بی‌انتهای در نهایت سلام بر سلاله پاک بقیه‌الله الاعظم خمینی عزیز.

سلام گرم من به مادر و پدرم^۲ و برادران و خواهرانم و تمام دوستانم، حال فرصتی پیش آمده تا به یاری خداوند متعال به جبهه‌های حق علیه باطل بروم و از سربازان امام حسین (ع) باشم زیرا سیدالشهداء نیز برای احیاء دین مبین اسلام قیام کرد و ما هم بفرمان رهبر عزیزمان امام خمینی (ره) برای احیاء دین اسلام قیام می‌کنیم. اگر می‌خواهید انقلاب‌مان محفوظ شده و یاد شهیدان گلگون کفن‌مان زنده بماند، فقط پشت سر امام و روحانیت مبارز حرکت کنید. اکنون سخنی کوتاه با مادر مهربانم، مادر جان! اگر خداوند شهادت نصیبم کرد از تو می‌خواهم گریه و زاری نکنی و شاد [باشی] و افتخار کنی که فرزندت جان‌ناقبال

۱. آیه ۴۱، سوره توبه: «سبکبار و گران‌بار بسیج شوید و با مال و جان‌تان در راه خدا جهاد کنید اگر بدانید این برای شما بهتر است.

۲. در اصل: برادرم.

خود را به خدا عاریه داده و هر وقت می خواستی گریه کنی به یاد شهدای کربلای حسین
(ع) باش.

والسلام علی من اتبع الهداء

۶۱/۱/۲۰

خلیل عجم

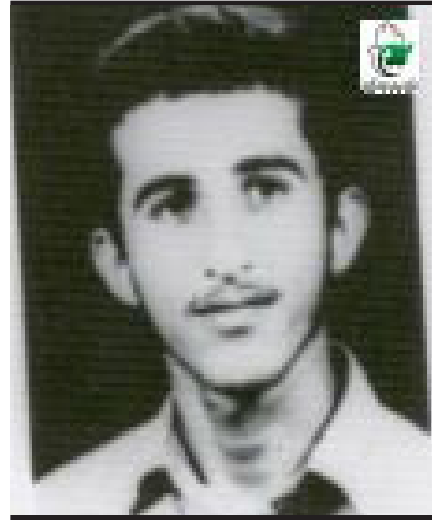
۲۶۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(۴۲)

انفروا هنا و تقاتلوا و جاهدوا ابا اموالکم و انفسکم فی سبیل الله و اذکم غیرکم ان کنتم تعلمون
 (۴۲) فردوسیاس عزات اقدس ملکوئی را که به حسین راهی همدان کرد و از بودن
 و ماندن و گنبدین به سوی لندن و رفتن و تیرا و بدین به همدان سده شکر بگزاران
 از شدت آن را که پیام آوری چون مهر زلفش بود تا راه هدایت را به جوامع بشری
 نشان دهد و رسولی با سینه تا آنچه او ارسال میدارد بر انسانها تلاوت کند و روح آنرا
 از نفوس و نمودی بدر آورد و سوره هدایت که در ودی با بیان به رحمت خدا در زمین
 مهدی موعود دعج م ارجو احسانه الفراه که وجود مقدس لطفی است این اثر را و
 در تکوین سلام بر سلاله پاک بعینه الله اعظم همین عزیز
 سلام گرم من به مادر و پدرم و بزرگان و خدایانم و تمام دوستانم و حال قدیمی پس
 آمدن تلمه یاری خداوند متعال به جبهه تقاضای علم باطل بروم و از سر بازن امام حسین
 با اسم زین العابدین و نیز برای اعیان دین بسلام قیام کرد و ما هم بفرمان
 رسید عزیز مال امام فتنی بزرگی اعیان دین بسلام قیام می کنیم اگر می خواهد
 انقلابمان محفوظ شده و یاد سرسپندان کلان کفیان زنده بماند، فقط است سر امام و
 روحانیت مبارز هر کس که گناه با مادر و پدرمان مادر جان اگر خداوند سزا داد
 نصیب کردی از تو می اهم گرم و زاری فتنی و مساجد و اعیان دین که فرزندان ناقابل خود را

امید عزت زاده



نام: امید
نام خانوادگی: عزت زاده
تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۰۵/۳۰
محل تولد: شهرستان شیراز
نام پدر: اسماعیل
نام مادر: مریم
تحصیلات: اول متوسطه
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۳
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت:
محل دفن: شهرستان بندرلنگه

گلچین وصیت نامه

- ◀ از شما می خواهم که ادامه دهنده ی راه شهیدان باشید و به گفته های امام بزرگ گوش فرا دهید.
- ◀ در مرگ پر افتخار من گریه و حتی ناله نکنید بلکه من نمی بینم مردن را جز سعادت که چه بگویم این مردن هم نیست بلکه شهادت است و اگر حرف مرا قبول کنید شهید یعنی شاهد و ناظر بر کارهای شما و دیگران. ضمناً خواهشی که از شما دارم به حرف منافقین گوش ندهید.

بسم الله الرحمن الرحيم

از شما می‌خواهم که ادامه دهنده‌ی راه شهیدان باشید و به گفته‌های امام بزرگ گوش
فرا دهید.

ما در ره عشق نقص پیمان نکنیم گو جان طلبد دریغ از جان نکنیم
دنیا اگر از یزید لبریز شود ما پشت به سالار شهیدان نکنیم

با درود و سلام فراوان به پیشگاه صاحب‌الزمان حضرت مهدی (عج) منجی انسان‌ها. با
سلام و درود بر نایب بر حقش امام خمینی (ره) و سلام و درود بر تمام شهیدان صدر اسلام تا
کربلای ایران و درود بر رزمندگان اسلام و سلام بر مفقودین و اسرا و سلام به امت شهیدپرور.
مادر و پدر معزز و گرامی! اجر شما از من هم فکر کنم بیشتر باشد و به شما وصیت
می‌کنم که در مرگ پر افتخار من گریه و حتی ناله نکنید^۱ زیرا^۲ من نمی‌بینم مردن را جز
سعادت، که چه بگویم این مردن هم نیست بلکه شهادت است و اگر حرف مرا قبول کنید
شهید یعنی شاهد و ناظر بر کارهای شما و دیگران. و ای مادر! اگر چیزی از جنازه‌ام باقی نماند
و یا جنازه‌ام پیدا نشد بیشتر خوشحال باشید و به مردم نقل و شیرینی بدهید که آن روز، روز
پیروزی کامل من و روز مرگ دشمن است ضمناً خواهشی که از شما دارم به حرف مردم و
منافقین گوش ندهید. ای^۳ مردم! ای امت حزب‌الله! ای امت رسول‌الله! ای امتی که پیروز روح
الله هستید من احساس حقارت می‌کنم که شما مردم، اگر جنازه‌ام کامل باشد یک تن سنگین
پاره پاره بیش از ۵۰ کیلو روی دست‌های مبارک‌تان حمل شود^۴. ای کسانی که ناراحت

۱. در اصل: نکنی.

۲. در اصل: بلکه.

۳. در اصل: با.

۴. در اصل: شوم.

هستید خوشحال باشید که امروز، روز ازدواج من است^۵ نه روز مرگم. با برادرانم و خواهر کوچکم، بنام خداوندی که دشمنان اسلام را از احمقها انتخاب کرد

برادرانم! از شما می خواهم که اسلحه به زمین افتاده من را بردارید^۶ اگر هنوز کوچک هستید با درس خواندن مشت محکمی به دهان ابرقدرت ها بزنید و می خواهم که فردای آینده سربازان خوبی برای حضرت مهدی (عج) باشید و سلاح برادران تان و دیگر شهیدان [را] بردارید^۷ تا جواب گوی خون هزاران شهید باشید^۸ و به خواهرم که هنوز کوچک است می گویم تا بعد از من، پدر و مادرم به او بگویند و او را درست تربیت کنند تا در جامعه دختری نمونه به عنوان خواهر دو شهید باشد و دختر خوبی برای بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه الزهرا (س) باشد.

و [پیام من]^۹ به دوستان و آشنایانم این است که در مرگ من ناله و زاری نکنند و به پدر و مادرم دل گرمی بدهند و قوت قلبی برای آنان باشند و از پدر و مادرم و همه ی دوستان و آشنایانم می خواهم که این دعای همیشگی را فراموش نکنند. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگه دار. آمین یا رب العالمین.

امضاء^{۱۰}

امید عزت زاده

۵. در اصل: منست.

۶. در اصل: بردارند.

۷. در اصل: بردارند.

۸. در اصل: باشند.

۹. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «پیام من» باشد.

۱۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



وصیت نامه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از شما بی خودم که ادای دهنده را به شهیدان باشد و به گفته های
 در امام بزرگ گویشی فرمادهید
 سادز ره عشق تقصی بیمان نکینم
 کوهبان طلبید در بیخ کز جان نکینم
 دنیا لکر از یزدی لبو میر شود

مانیست به سالار شهیدان نکینم
 با درود و سلام فرادان به پیشگاه صاحب الزمان حضرت مهدی (عج)
 متبجی کفایت و باسلام و درود بر نائب بر حقش امام حسین (ع) و درود
 بر تمام شهیدان و در سلام تا کربلا ای ایوانست و درود بر رزمندگان اسلام
 و سلام بر مقتودین و اسرا و سلام به است شهید بزرگ
 مادر و پیران عزیز و گرامی، لاجرم شما از منم، تا کنون بیشتر با شما و با شما
 وصیت میکنم که در مرگ بی افتخارین گوی و حتی ناله نکینم،
 بلکه من نمی بینم سورت را چیزی جز سعادت که چه بگویم
 این سورت هم نیست بلکه شهادت است و اگر خوف در قبول
 کنید شهید یعنی شاهد و تاظر بر کارهای شما و دیگران.

وای با خدایا که چیزی از جنازه ام باقی نماند و یا جنازه ام
 پیدا نشود. بیشتر خوشحال باشید و بگویم نقل و شرفینی بدیدید
 که کت زوز، زوز بیروزی کامل می در روز مرگ دشمن است
 غمنا حوا هستی که کز شما دارم به حرف مردم و منافع فقیر گویش
 بدهید

ای مردم ای است حزب الله ای است رسول الله ای
 استی که پیرو روح الله است پس احساس حقارت
 می کنم که شما مردم اگر جنازه ام کامل باشد یک تن بستن
 محل اشاه
 وصیت نامه (سید مرتضی شایسته)

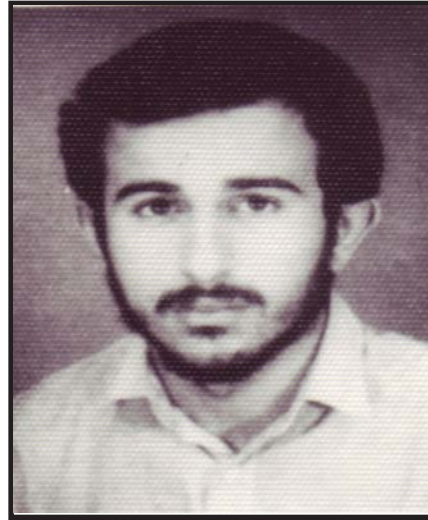


بازره با زره بیستی که لیل روی امشهای مبارکشان چهل روز
 ایفای کسالی که ناراحت هستید خوشحال باشید که امروز روز زرد و پنج
 شنبه است امروز هم که
 با زره با زره و خولک کویلم بنام خداوندی که دشمنان اسلام را از احمقها
 استغناء بگرداند
 برادرانم که ز ستمی خورده ام که اسلحه به زمین افتاده من را بردارند و اگر هنوز
 کویلم هستید با درس خواندن بنیت محلی به دهان لبر قدرتها بزیستد
 و تیغ خولکم به نردای ایند سربازان خوبی برای حضرت مهدی (عج) باشد
 و تلاح برادران تلاح و دیگر شهیدان بردارند تا جوکب کوی خون هزاران شهید باشد
 و بیغوا هم که هنوز کویلم است می گویم تا بعد از من پدر و مادرم به ادبگویند
 و او را در سنت تربیت کنند تا در جبهه دشمن نمونه به عنوان خولک و شهید
 باشند و در دفتر خوبی برای بانوی بزرگ اسلام حضرت زهرا (ع) باشند
 به دوستان و کشتنایانم که راست که در مکتب روح تاله وزاری میکنند و با
 پدر و مادرم دلگرمی بدهند و توفیق تبلیغ برای انان باشد و کز پدر و مادرم
 هر دوستان و کشتنایانم خولکم کی بر عانی همیشه کی را فراموش نکنند
 خدا یا خدا یا تا انقلاب مهدی (عج) همیشه
 بر آنکو در
 امین یارب العالمین

امید عزت زاده
 محل انشاء

۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنمایید و مشخصات خود را در قیما بنویسید
 ۲- وصیت نامه را از تعاون آموز روزندگان پایگاه مربوطه خود دریافت نمایند

هوشنگ عزت زاده



نام: هوشنگ

نام خانوادگی: عزت زاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۶/۱۵

محل تولد: شهرستان بندرلنگه

نام پدر: اسماعیل

نام مادر: مریم

تحصیلات: سوم متوسطه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۳/۰۵

محل شهادت: فاو عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سینه

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرلنگه

گلچین وصیت نامه

- ◀ حسین زمان را یاری کنید و مردانه به سوی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل هجوم برید و شرک جهانی را از سر ایران اسلامی بر طرف سازید و با حضور فعال در صحنه انقلاب اسلامی از جمله بسیج مستضعفین ادامه‌دهنده راه من و امثال من باشید.
- ◀ گوش به حرف‌های ضد انقلاب نکنید که این‌ها برای آمریکا مزدوری می‌کنند.
- ◀ پشتیبان امام باشید مثل مردم کوفه نباشید و امام را تنها نگذارید. در دعای کمیل و نماز جمعه شرکت کنید، زیرا که شرکت کردن در این گونه مراسمات مشیت محکمی است بر دهان ضد انقلاب‌ها.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۰/۰۲/۲۳

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱
هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

سلام علیکم

با سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی (ره) و با درود بر رزمندگان مبارز در جبهه‌های حق علیه باطل وصیت‌نامه‌ام را شروع می‌کنم.

مادر عزیز، برادران گرامی و پدر مهربان^۲ و دلسوزم! من برای اولین بار هست که در^۳ دانشگاهی که درسش ایثار می‌باشد شرکت کرده‌ام؛ اما در این دانشگاه قبول نشدم^۴، چون خداوند گلچین می‌کند و خوبان را می‌برد [...]^۵ [اما] شهادت نصیب من نشده. برای آخرین بار [می‌روم]^۶ تا شاید با ریختن قطرات خونم، درخت اسلام و انقلاب را آبیاری کنم چون همه ما مثل آیه **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**^۷ هستیم روزی بسوی خدا باز خواهیم گشت. مادر عزیزم و پدر بزرگوارم و برادران دلسوخته‌ام! من عاشقانه به سوی جبهه رفتم زیرا بدنم طاقت سوختن در آتش جهنم را نداشت^۸ چرا که شیعه دل‌باخته و پیرو سرور شهیدان حسین بن علی

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. در اصل: مهربانم.

۳. در اصل: به.

۴. در اصل: رفوزه شده‌ام.

۵. «و» حذف شده است.

۶. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «می‌روم» باشد.

۷. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «ما از او آمده‌ایم و باز گشت‌مان به سوی اوست».

۸. در اصل: ندارد.

(ع) هستم و اما وصیتم به تو ای مادر و ای پدر! این است که در مرگ من ناراحت نباشید زیرا که خداوند خود فرزندی به شما می‌دهد و خودش هم از شما می‌گیرد. در سوگ من اشک مریزید زیرا که منافقین از اشک ریختن شما شادمان می‌شوند و از خدای تبارک و تعالی بخواهید که گناهانم را ببخشد.

خرم آن روز که از این منزل زیبا بروم راحت جان طلبم و از پی جانان بروم

خرم آن روز که زین منزل ویران بروم راحت جان طلبم و از پی جانان بروم

لذا به همه بستگان و دوستان و مردم توصیه می‌کنم اگر می‌خواهید پیش شهدا در قیامت روسفید باشید، حسین زمان را یاری کنید و مردانه به سوی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل هجوم برید و شرک جهانی را از سر ایران اسلامی بر طرف سازید و با حضور فعال در صحنه انقلاب اسلامی از جمله بسیج مستضعفین ادامه‌دهنده راه من و امثال من باشید و نگذارید سلاح شهیدان اسلام بر زمین بیفتد. و اما وصیتم به برادرانم، اسلحه بر زمین افتاده‌ام را بر دست بگیرید و راه مرا ادامه دهید. گوش به حرف‌های ضد انقلاب نکنید که این‌ها برای آمریکا مزدوری می‌کنند پشتیبان امام باشید. مثل مردم کوفه نباشید و امام را تنها نگذارید در دعای کمیل و نماز جمعه شرکت کنید زیرا که شرکت کردن در این گونه مراسمات مشتمل محکمی است بر دهان ضد انقلاب‌ها، و از طرف من دعا عفو و بخشش کنید زیرا که من خیلی گناه کارم و این دعا را یادتان نرود که خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

هوشنگ عزت‌زاده

امضاء^۹

۶۵/۰۲/۲۳

۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

نام نام خانوادگی: **محمد علی محمدی** / تاریخ: **۱۳۶۱، ۲۲**

موضوع: **وصیت نامه**

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

خوبترين روزی می برند

سلام علیکم

با سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلام ایران امام خمینی و جان دود برونستان

صبار و در جبهه های نبرد حق علیه باطل

وصیت نامه ام در اینجایم که

ما که عجز نریداد را داریم و در وجود ما هم ردلسوزم من برای اولین بار هستم که به دانشکده های که در سبب ایثار ما باشند. دستورات کرده ام احاد این دانشکده و فرزند سکه ام چون خداوند گلچین من کند و هوایان را من برد و نهاده است در سبب من نیشن. در میان آخوین بار تا شادمانی و ریختن قطرات خونم در خست اسلام و انقلاب و آبیاری کنم چون همه به سبب آیه انا لله وانا الیه راجعون هستیم روزی بیکی خدا با وجود هم گشت. مادر عزیزه و پسر بزرگوار او برادر را در سوخته ام من عاشقانم بسوسوی چهره رفتم. زیرا بدین طاعت سوختن در آتش جوینم را بخوارید چرا که بیسعه دلباخته و بیروز سوخته ام حسین بن علی رعاهتم و ایا و هیتیم به بنوا که نادری و خود را سوخته است که در سوخته من ناراحت بنایند زیرا که خداوند خودی خودی را به تمام و در خودی هم از شما که بود در سوخته من استک سوخته ام زیرا که ما همین که از استک ریختن شما ساراله ما سوخته و از همه نبارک و

تعالی میوه اهدید که گناهانم را ببخشید

خدمت آن روز که بن منزل دیدن بدوم

راحت جان طلبم و لرزی جانان بدم

تاریخ: **۴۱ تاراه**

رامسید جان مالدوم و همزی جانان بدم

محل امضاء

اسمان
محمد علی محمدی

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۷

ادامه بستان زد و ستان و مردم خودی ص کنه اکرسی خواهی پیش نگهدار و فایده
 در پیشین بارستی حسین زمان و ایاری که در دورانی بسوی جبهه های نول حق علیه باطل
 هجوم برید و نیکو جوانی را از راه اسلام بر طرف و نازید و با ^{حقوق} فعال در صحنه
 انقلاب اسلام از جمله وسیع صیغه فین ادا و دهنده راه عن و امثال من باشد و نیکو از
 سلاح برگیران اسلام بر زمین بیفتد.

و رتا و هوشم به برادران هو اسلی بر زمین افتاده اند و در دست نیکو و راه و راه ادامه دهد
 گویند به جوفای خدا انقلاب تلخی که اینها برادر آموختن و در راه نیکو و نیکو با این
 شکل مردم گویند و اینها را با هم و نیکو از در راه نیکو و نیکو است که نیکو و نیکو
 کوزه در اینگونه هر سه است صحت صحت است برده) همه انقلابها و از طرف عن دعا عفو و نیکو
 کیند زیرا که من خلیل گفته کلام در این دعا را یاد تمام شود که

خدا یا - خدا یا تا انقلاب صحرای جهنم را آشکار

هوشنگ / عزت زاده
 ۴۰۲ / ۲۳

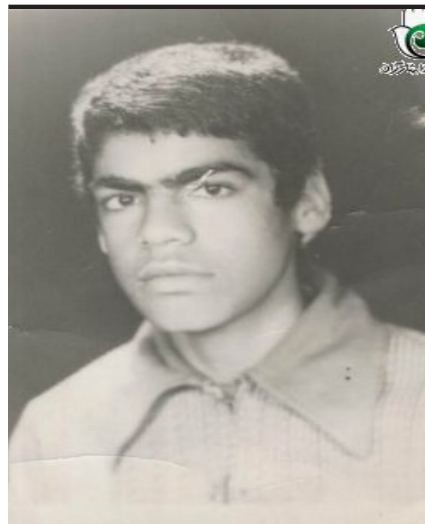
مهرت بر سر است

محل امضاء

۱- وصیت نامه را در اصل بابت مفروض بنماید و مشخصات خود را در قضا بنویسید
 ۲- وصیت نامه را از تعدادن مورد زندهگان پایگاه مربوط خود دریافت نمایند

تذکره

قبر عسکری کووی



نام: قنبر

نام خانوادگی: عسکری کووی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۱/۰۱

محل تولد: روستای کووه از توابع شهرستان

بندرعباس

نام پدر: علی

نام مادر: کنیز

تحصیلات: دانش آموز اول هنرستان

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۷/۳۰

محل شهادت: مریوان

نحوه شهادت: نیروهای عراقی بر اثر اصابت

گلوله خمپاره

محل دفن: روستای کووه شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ ما باید به انقلاب خدمت کنیم و در این لحظه که جنگ است باید صدام و صدامیان را از کشور اسلامی خود بیرون بیندازیم.
- ◀ امام را دعا کنید و برای من گریه نکنید و از طرف من ناراحت نباشید چون خداوند پشتیبان ما می باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب و با سلام به ارواح پاک شهیدان اینک عازم جبهه حق علیه باطل می‌شوم و وصیتم را چنین آغاز می‌کنم:

سلام بر مادرم و برادرم شما باید مرا ببخشید که شما را با خبر^۱ نکردم؛ چون عواطف مادر و فرزندی چنان سخت است که بنده را از جبهه رفتن منع^۲ می‌کرد برای این بود که شما را با خبر^۳ نکردم. ما باید به انقلاب خدمت کنیم و در این لحظه که جنگ است باید صدام و صدامیان را از کشور اسلامی خود بیرون بیندازیم. امام را دعا کنید و برای من گریه نکنید و از طرف من ناراحت نباشید چون خداوند پشتیبان ما می‌باشد و به یاری حق عازم جبهه شدم برادر جان! شما را سلام می‌رسانم، اگر شهید شدم تمام چیزهایی که به بنده تعلق می‌گیرد مال شما می‌باشد ضمناً مواظب دختر کوچولوی خود باشید و او را انقلابی بار بیاورید تا در جامعه فردی مفید باشد و^۴ به انقلاب خدمت کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

قنبر عسکری

۱. در اصل: با اطلاع.
۲. در اصل: ممانعت.
۳. در اصل: با اطلاع.
۴. در اصل: تا.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

باسلام و درود به رهبر کبیر انقلاب و به سلام به ارواح پاک شهیدان اینک که خدمت
 حبیبه حق علیه باطل می‌نوم و می‌نیم را چنین آغاز می‌نم
 سلام بر ما درم و بر اندام نما باید صدا بکشید که ما را با اطلاع نکردم چون عواقب
 ما را در فرزندگی چنان سخت است که بنده را از حبیبه رفتی بماند
 ما کرد برای این بود که ما را با اطلاع نکردم ما باید به انقلاب خدمت کنیم و در
 این لحظه ای که جنگ است باید سلام و صد امین را از کبیر اردام
 خود بیرون بیندازیم. اما ما را دعا کنید و برای من برید تلبیه و از طرف
 من ناراحت بنمایید چون خداوند پشتیبان ما می باشد و به یاری حق
 ما از حبیبه شدیم برادر جان ما را سلام می‌رسانم اگر شهید شدیم تمام
 چیزهایی که به بنده تعلق می‌کرد در حال شما میماند ضمناً عواقب دفتر دولتی
 خود را بنده را از انقلابی بار بیاورید تا در جامعه فردی مفید باشد تا به انقلاب
 خدمت کند

(والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته)

قنبر عدلی

صحت

موسی عسکری



نام: موسی

نام خانوادگی: عسکری

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۰۹/۰۱

محل تولد: روستای دهند از توابع شهرستان

میناب

نام پدر: عبدالله

نام مادر: درویش

تحصیلات: دوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۲۷

محل شهادت: جزیره مجنون عراق

نحوه شهادت: اثر اصابت ترکش خمپاره به سینه

و سر

محل دفن: روستای هشتبندی تابعه شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

◀ اگر چندین بار زنده شوم و کشته شوم باز هم از امام امت که نایب امام زمان است دست بر نمی دارم؛ زیرا که با رهنمودهای پیامبر گونه اش ما را از خواب بیدار نمود و همه را از آن جهنم نجات داد و بر همه ی ما است از این قیامی که، به رهبری قائم بزرگ امام خمینی (ره) انجام گرفته تا آخرین لحظه ی عمرمان دفاع کنیم و چنان مشتی بر دهان یاوه سرایان شرق و غرب بزنیم که تا دنیا دنیاست، چنین غلطی نکنند و کسانی که در رابطه با این انقلاب و جنگ تحمیلی بی تفاوت هستند دست کمی از صدامیان ندارند.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۲/۱۱/۳۰

بنام خداوندی که در دنیا بر مومن و کافر رحم می‌کند و در آخرت بر مومن رحم می‌نماید.

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱
هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

شهادت هدیه ایست گرانبها از جانب خداوند تبارک و تعالی برای بندگان خالص خود که نصیب هر کسی نمی‌شود. انسان باید در راهی سیر کند که سعادتش در آن خط باشد و من سعادت خویش را نمی‌یابم مگر در پیمودن خط خونین سیدالشهدا که راه تمام شهدای انقلاب اسلامی است. جهاد در راه خدا گذاشتن از علائق نفسانی و حسینی‌وار شدن و خمینی گونه شدن است.

الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ وَغَدًا حِسَابٌ وَلَا عَمَلًا^۲

امروز میدان کار و فردا بازار مزد است؛ امروز عمل است بدون حساب و فردا حساب است بدون عمل.

بنده با چشمی بینا و گوش‌شنوا و قلبی مملو از عشق امام به جبهه‌ی حق علیه باطل عزیزت نموده‌ام و اگر لیاقت این را پیدا کردم که در این راه کشته شوم به آرزویم رسیده‌ام و در این راه اگر چندین بار زنده شوم و کشته شوم باز هم از امام امت که نایب امام زمان

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۴۲. امام علی (ع): «أَلَا وَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ وَغَدًا حِسَابٌ وَلَا عَمَلًا: آگاه باشید که امروز هنگام عمل است نه حسابرسی، و فردا روز حسابرسی است نه عمل.»

است دست بر نمی‌دارم؛ زیرا که با رهنمودهای پیامبر گونه‌اش ما را از خواب بیدار نمود و همه را از آن جهنم نجات داد و بر همه‌ی ما است از این قیامی که، به^۳ رهبری قائم بزرگ امام خمینی (ره) انجام گرفته تا آخرین لحظه‌ی عمرمان دفاع کنیم و چنان مشتی بر دهان یاوه سرایان شرق و غرب بزنیم که تا دنیا دنیاست، چنین غلطی نکنند و کسانی که در رابطه با این انقلاب و جنگ تحمیلی بی‌تفاوت هستند دست کمی از صدامیان ندارند؛ و اما شما ای پدر! بدانید و مطمئن باشید من امروز در راه جاودانه‌ای گام نهاده‌ام که انتهای آن ان‌شاءالله حکومت مستضعفین جهان است. بارها پیش، زمزمه نمودم که شما برای من زحمت بسیار کشیده‌اید^۴ و من در آخر نتوانستم زحمات شما را جبران نمایم. در حق شما خیلی کوتاهی نمودم و دین خود را نسبت به شما به طور صحیح ادا نکردم و امید است ان‌شاءالله حلالم کنید و شما ای خواهر فاطمه! امیدوارم که زینب‌وار باشی و اگر در این راه کشته شدم ناراحت مباش و شما را به حجاب سفارش می‌کنم و از مشهدی فاطمه می‌خواهم که در تربیت فرزندانش کوشا باشد و از این که بعضی مواقع من ناراحت می‌شدم و نسبت به شما بد اخلاقی می‌نمودم^۵ مرا ببخشد^۶ و از زحمات شما بسیار تشکر می‌کنم و از شما برادران و خواهرانم می‌خواهم نافرمانی پدر [را] نکنید و درس بخوانید و در پایان از همه‌ی کسانی که از این بنده‌ی حقیر هر گونه ناراحتی دیده‌اند [می‌خواهم که آن‌ها]^۷ نیز به بزرگواری خودشان این حقیر را حلال کنند والسلام همه را به خدا می‌سپارم و اما شما ای همسر محبوبم! از شما تقاضا دارم چنانچه در این، مدت کوتاهی که باهم بودیم اگر ناراحتی از این بنده حقیر دیده‌اید حلالم کنید و اما در رابطه با [...] ^۸مقداری پول در دفترچه هست و بقیه را پدرم تامین می‌کند و در رابطه با مقدار طلایی که در کیف پیش‌تان هست ببرید وزن کنید و هرچه قدر شد به اضافه دوازده مثقالی که قبلاً تعویض نموده‌ایم^۹ و هرچه شد تقسیم بر ۳ بکنید و یک قسمت آن را به خواهرم فاطمه بدهید

۳. در اصل: بر.

۴. در اصل: کشید.

۵. در اصل: نمودم.

۶. در اصل: ببخشی.

۷. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «می‌خواهم که آن‌ها» باشد.

۸. ناخواناست.

۹. در اصل: نمودیم.

والسلام به امید پیروزی و دیدار روز قیامت و شما را به خداوند می سپارم.

والسلام

موسی عسگری



موسی عسکری

وصیتنامه

۱۳۳۲ / ۱۱ / ۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِیْنَامِ خدایوندی که در دنیا بر سر من و کافر
رحم می کند و در آخرت بر من رحم
نمایند.

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهِمْ وَنَحْبِهِمْ
أَنفَرُوا قَالُوا لَا مَنَافِعَ لَنَا
مِنْ آلِهِمْ إِنَّا نَخَافُ أَن يُنَادِيَهُمْ
الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ يَأْتِيهِمْ
الْمَلَائِكَةُ وَهُمْ يُسَبِّحُونَ
مِنْ ثَمَرَاتِهِمْ طَائِفَةٌ لَمْ يُصِيبْ
هُمُ الْمَوْتُ وَالْجُنُودُ لَمْ يَمْسَسْهُمْ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و در نزد خدا منتمم خواهند بود.

شهادت خدای است که اینها از جانب

خداوند تبارک و تعالی برای بندگانش

وصیت نامه

خالص خورد که نصیب هر کس نمی شود

انسان باید در راه سیر کند که سعادتش

در آن خواهد بود و این سعادت خردش

را نمی یابم مگر در پی بردن خط خردش

سیرا لشهره ای که همه تمام شهرهای انقلاب

اسلامی است چرا در راه خردش



وصیت‌نامه
...
...

وصیت‌نامه

دندنه با چستی بینا و گویشی سنو او قلبی

مملو از عشق امام به جبهه حق علیه باطل

عزیمت نمودم و اگر لیاقت این را پیدا کرده

که در این راه کشته شوم به آرزویم رسیده‌ام

و در این راه اگر چندی با زنده شوم و کشته نشوم

ما ز هم از امام امت که نایب امام زمان است

دست بر من دارم زیرا که بار هفتاد و هفتاد



وصیتنامه

بیامبرگونه ای ما را از خواب دیوار نمود
 و خیمه را از آن جحیم فجات داد و بر همه ما
 است از این قیامی که بر رهبری قائم
 بزرگ امام حسین انجام گرفت تا آخرین
 لحظه عمرمان دفاع کنیم و چنان مشق بردیم
 یاوه سرایان شرق و غرب بر زمین که تا دیار دنیا
 در چنین غلطی ننگند و کسانی که در رابطه با این

وصیتنامه

انقلاب و جنگ تحمیلی بی تفاوت هستند

دست کنی از صدایان ندارند و اما شما

ای پدر بوا ایند و بطن با شید من امروز در راه

جاودانه ای گام نهاده ام که انتهای آن است

حکومت مستضعفین جهان است بارها پیش

زمره مردم که شما برای من زحمت بسیار

کنید و من هم از آخر نفر استم زحمات شما را



وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
والآله الطيبين الطاهرين
أجمعين

جبرائیل نمایم در حق شما خیلی کوتاهی نکرد

و دین خود را نسبت به شما به طور صریح ادا

نکردم و امیر است ان شاء الله جلالم کبیر

و شما ای خواهر امیدوارم که زینب وار باشی

و اگر در این راه گشته شدم ناراحت مباش

بشمار این حجاب سفارش می کنم و از مرده زما

خوام که در تربیت فرزندانش کوتاهی نکرده و از

بنام بعضی مراجع من ناراحت می شدم و نسبت

به من سب می افشاندی نمودم مرا بفرستد روز خوار

(۱)

وصیتنامه

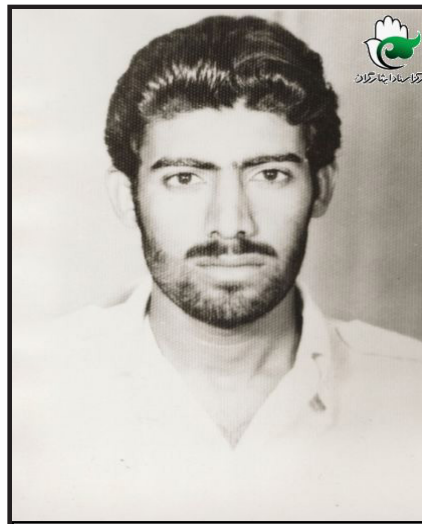
بسم الله الرحمن الرحیم
 شما بسیار نیکو می گنید و از شما برادران و خواهران من می خواهم تا فرمائی پدرت گشته و درسی بخوانی و در بیان از همه کسانی که از این نذره حقیر هرگونه ناراحتی درده اند بزرگواری خود نشان این حقیر حلال کنند و سلام هر ربه خود می سپارم ~~و اما~~ و اما شما ای همه محروم از شما دعا صادر می نمایم در این مدت کوتاهی که با هم بودیم از ناراحتی از این نذره حقیر درده ای حلال گشته و اما را بطور با صبر به مقدار بزرگ در نذره هست و بقیه را بزرگ قاضی می گنید و در را بطور با مقدار طلائی که در ~~در~~ کف پستان هست بزرگ نذره گشته و هر چه قدر شده اضافه دوازده شقالی گشته

قبل از وفاتی سردی (۱۱۷) هر چه گشته ششم بر آن گشته

این را به خواهرم حاجه و سلم نامیده اند

دوماه ~~بعد~~ از ازدواجش گذر گشته بود

ابراهیم عصام زاوه



نام: ابراهیم

نام خانوادگی: عصام زاده

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۰۱/۰۱

محل تولد: در روستای بند نوروز از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: روشن

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

شغل: مستخدم آموزش و پرورش

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۶

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت گلوله به پا، سر و صورت

محل دفن: روستای زیارتعلی تابعه شهرستان رودان

گلچین وصیت نامه

- ◀ خدایا! شهادت در ره خودت را نصیب من گردان که شیرین ترین مرگ هاست.
- ◀ آری بر تابوتم عکس امام بزنید و در کنار آن عکس کوچک من را بزنید تا مردم بدانند که این شهید پیرو و وفادار به ولایت فقیه بوده. بر تابوتم یک جلد قرآن بگذارید تا مردم بدانند که هدفم خدا بوده و قرآن نه چیز دیگر. دست‌هایم را از تابوت بیرون بیاورید به معنی اینکه من چیزی به همراه نبرده‌ام و چشمانم را باز کنید تا مردم بدانند که من این راه را با دید باز انتخاب کرده‌ام.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۵/۱۲/۰۲

وصیت‌نامه خود را بنام خداوند بخشنده مهربان آغاز می‌کنم. با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی مدظله‌العالی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و سلام بر شهیدان صدر اسلام تا شهیدان خونین انقلاب اسلامی ایران.

وصیت بنده [این است که] بعد از من برایم گریه نکنید، [زیرا] در راه خداوند کشته شده‌ام. خداوند ما را آفریده و باید به سویش برگردیم.^۱ بنده مبلغ ۵۰ هزار تومان بدهکاری دارم و یک خانه در بندرعباس دارم. بعد از مرگ من آن را بفروشید^۲ و بدهکاری بنده را پرداخت نمایید^۳ و نصف خانه مال همسر من باشد و آن سهمیه خودش بردارد که حق آن ضایع نشود. و همسر من داند بنده به چه کسی^۴ بدهکاری دارم و لازم نیست اینجا تذکر دهم و محل دفن بنده در رودخانه دژ سفلی روستای بند نوروز، پشت خانه پدرم، حدود ۵۰ متری فاصله داشته باشد.

وصیت بنده [این است که]^۵ بعد از مرگ من، راه مرا ادامه دهید و شب‌های جمعه سر مزارم بیایید و برایم فاتحه بخوانید. و از تمام هم‌ولایتی‌هایم طلب آموزش دارم^۶ و مرا ببخشید

۱. در اصل: این که.

۲. در اصل: بازگشت کنیم.

۳. در اصل: بفروشند.

۴. در اصل: نماید.

۵. در اصل: که.

۶. در اصل: این که.

۷. در اصل: می‌طلبم.

اگر نسبت بشما بدی کرده‌ام. و حق^۸ [این] که کسی [...] سرخانه بنده دعوایی بکند [را] ندارد. امیدوارم بعد از مرگ من هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشید. همسر من باید زینب‌وار باشد [...] تا دیگران از آن سرمشق بگیرند.

بیش از این وصیت نمی‌کنم. خلاصه بعد از من یادی از بنده بکنید. به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر علیه کفر جهانی و زیارت کربلای حسین (ع). حقوقم برای همسر و پدر و مادرم پرداخت کنید. و امام را، این امید محرومان جهان را تنها نگذارید. همسر من! بعد از من بروید به رودخانه و بندرعباس ساکن شوید^{۱۱} [و] در کنار^{۱۲} پدر و مادرم با هم زندگی کنید.

ابراهیم اعصام‌زاده

امضاء^{۱۳}

۱۳۶۵/۱۲/۰۲

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند! مرا به تنها آرزویم که شهادت است برسان، خدایا! شهادت در ره خودت را نصیب من گردان، که شیرین‌ترین مرگ‌هاست. آری بر تابوتم عکس امام بزیند و در کنار آن عکس کوچک من را بزیند تا مردم بدانند که این شهید پیرو و وفادار به ولایت فقیه بوده. بر تابوتم یک جلد قرآن بگذارید تا مردم بدانند که هدفم خدا بوده و قرآن نه چیز دیگر. دست‌هایم را از تابوت بیرون بیاورید به معنی اینکه من چیزی به همراه نبرده‌ام و چشمانم را باز کنید تا مردم بدانند که من این راه را با دید باز انتخاب کرده‌ام. بر جنازه‌ام گریه نکنید و

۸. در اصل: حقی.

۹. «از» حذف شده است.

۱۰. «و» حذف شده است.

۱۱. در اصل: بنشینید.

۱۲. در اصل: پهلوی.

۱۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

اگر گریه می‌کنید صدای تان را بلند نکنید که شهید شدن گریه ندارد، شکست اسلام گریه دارد و به هوش باشید اسلام شکست نخورد که گریه با صدای بلند روح مرا می‌آزارد. برای من لباس سیاه نپوشید که امت اسلام هیچوقت سیاه پوش نمی‌شود و در آخر چند جمله‌ای با برادر، پدر و دوستانم.

نام و نام خانوادگی: ابراهیم عصام زاده
فرزند: برومند... تاریخ: ۱۳۶۶

ایران

هنر لادانیت مرد مسلمان شیخ صریح کزگر
و تیس اوزیر برش باشد

تعالی
مركز اسناد ایشاگران
پستی ۷۰۱۷۱۰

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم وصیت نامه خود را بنام
خداوند بخشنده مهربان آغاز میکنم - با سلام درود بر رهبر کبیر
انقلاب اسلام ایران امام خفیف مد ظله العالی
بنیان گذار جمهور اسلام ایران و سلام بر شهیدان عسکری اسلام
تا شهیدان خویش انقلاب اسلام ایران
وصیت میکنم آنکه بعد از من نزارم گریه نکنند در راه خداوند
گشته اند و من خداوند ما را آفریده و باید بسوزیم با کشت کنیم
بنده مبلغ ^{تکلیف} کارهای ایشان به خاطر دارم و دست خانم بنده عباس
دستم بعد از مرگ من آن را بفرستند و بدقت بنده را به رعایت
تایید و نصف خانم مال هسرم میباشند و آن هسرمه خودم
بردارد که حق آن ضایع نشود و هسرم من درازد بنده به هر که بدقت
دارم و لازم نیست انجا که در هسرم و محل دفن بنده در رودخانه
در مری روستای بنده نزارم و دست خانم بعد از مرگ خود و دست
خانم درازد بنده و دست بنده و دست بعد از مرگ من را در راه
دعای و دست خانم هسرم نزارم و دست بنده و دست خانم بخوانند
و دست خانم هم و دست خانم طلب آمرزش من طلبم و مرا بخشنند اگر دست
بجا بدن کرده ام و حق من است از دست خانم بنده و دعای بنده نزارم
ایه و دست بعد از مرگ من هیچگونه نزارم و دست بنده هسرم باید زینت
و دست بنده و دست که از آن مرستی نگذرد پس از آن وصیت میکنم
خلاصه بعد از من یادگار بنده میکنم با همه بیور زینت آن اسلام بر علیه کورمان
زیارت کردای حسن و حقوقم با هسرم بیور و دستم بر داف گشته
و امام را تنها نگذارید این همه حرم و مان حرممان - هسرم بعد از من
به هر در رود خانم و دست عباس ^{تکلیف} نزارم
بیور دارم با هر نزارم گشته

تعاون لشکر ۴۱ ناراه

عصام زاده
محل امضاء

ایران
هرمزگان
۱۳۶۶

۷۵۱۲۵۴۲۸
ابراهیم عصام زاده

بسم الله الرحمن الرحیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت نامه

خداوند مرا به تنها اورد و منم که شهادت است بر من
خدا یا شهادت در وفات را نصیب من گردان که شیرین ترین برهان است

تویی بر ما بونام منس امام بزیند و در کنار آن عسکری که من را بزیند تا مردم بدانند که

این شهید پیروز و وفادار به ولایت حقین بوده بر ما بونام یک جلد قرآن بلند آید

تا مردم بدانند که هدفم خدا بوده و قرآن سونم به همین دلیل است. دستهایم را از تابوت

بیدون بیامورید تا شهادت من منس اینام من چیزی من همراه همراه ام

و چنانچه مرا باارکنید تا مردم بدانند که من این راه را با اید

با انقیاب کرده ام بر چنانچه ام گویید نکلند و با ابر گویید من گنید هدایت

را بلند نکلند که شهید شدن گویید نکلند. شهادت اسلام گویید دار

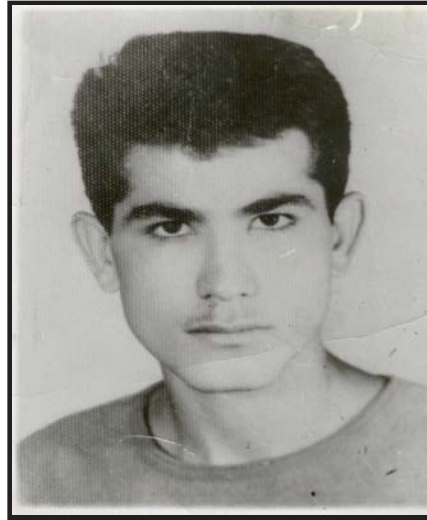
و بهوش با نکلند اسلام شهادت بخورد که گویید با هدایت بلند روح

مرا می آزارد برای من لیک سیاه پیوسته است که امت اسلام

همین وقت سیاه پوش نمی شود و در آخر همید جمله ای با برادر پدر

و در خانم

حمیدرضا علی بیگی بنی



نام: حمیدرضا
نام خانوادگی: علی بیگی بنی
تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۲/۰۳
محل تولد: شهرستان آبادان
نام پدر: ابوالقاسم
نام مادر: گل بناز
تحصیلات: دیپلم
تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۱/۱۸
محل شهادت: دزفول
نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر
محل دفن: روستای دهبازر تابعه شهرستان رودان

گلچین وصیت نامه

- ◀ اگر من به جبهه بروم و دیگری نرود خدا می داند چه بلائی، جنایتکاران شرق و غرب بر سر این کشور اسلامی که تنها امید پا برهنگان جهان است می آورند.
- ◀ همواره مسائل شرعی را انجام داده و بقیه عزیزان را در این مهم تشویق نمائید.
- ◀ از امام عزیز انقلاب اسلامی پشتیبانی کنید و نگذارید توطئه گران شرق و غرب و داخلی شان انقلاب را تضعیف نمایند.+

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه پاسدار اسلام برادر حمیدرضا علی بیگی بنی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ وَلَنُبَلِّغَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ^۱ (قرآن کریم)

ای اهل ایمان در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت پیشه کنید و به ذکر خدا و نماز توسل جوئید که خدا یاور صابرين است. و آن کسی که در راه خدا کشته شد مرده نپدارید بلکه او زنده ابدی است ولیکن همه شما این حقیقت را در نخواهید یافت و البته شما را به سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازمائیم و بشارت، مژده و آسایش از آن سختی‌ها [برای] صابران است. آنان که چون به حادثه سختی و ناگواری دچار شوند صبوری پیشه گرفته و گویند ما به فرمان خدا آمده و به سوی او رجوع خواهیم کرد آن گروهند، مخصوص بدرود و الطاف الهی و رحمت خاص خداوند و آن‌ها به حقیقت هدایت‌یافتگان هستند.

با سلام و درود به منجی عالم بشریت، آقا امام زمان و نائب برحقش خمینی بت‌شکن و با درود به حق‌جویان راه خدا و رزمندگان جبهه حق که مظلومانه در مرزهای میهن اسلامی‌مان خون‌شان زمین را لاله‌گون نموده است. پدر و مادر عزیزم! با توجه به این که

۱. آیات ۱۵۳-۱۵۷، سوره بقره: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از شکیبایی و نماز یاری جوئید زیرا خدا با شکیبایان است (۱۵۳) و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نخوانید بلکه زنده‌اند ولی شما نمی‌دانید (۱۵۴) و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را (۱۵۵) [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم (۱۵۶) بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و راه‌یافتگان [هم] خود ایشانند (۱۵۷)».

می‌دانم جای خالی من در منزل برای شما سخت و غیرقابل تحمل است و همان‌طور که بارها به شما گفته‌ام کشوری که تازه انقلاب کرده و این همه مصیبت دیده، آیا می‌شود انقلاب را بدون پشتوانه گذاشت و همه چیز را به امید خدا رها کرد. خیر این غیرقابل قبول می‌باشد حال اگر من به جبهه نروم و دیگری نرود خدا می‌داند چه بلایی، جنایتکاران شرق و غرب بر سر این کشور اسلامی که تنها امید پاره‌نگان جهان است می‌آورند و با توجه این که اینجانب می‌توانستم در منطقه‌ای به دور از جنگ و درگیری مشغول خدمت شوم ولی وجدانم قبول نمی‌کرد که جبهه را رها کرده و آسوده باشم. سخنی با برادرم علی که برای او احترام خاصی قائل هستم دارم، علی جان! حتماً متوجه این مطلب هستی که پدر و مادرمان چقدر زحمت برای تربیت ما کشیده‌اند که ما راه و خط انبیاء را باور نمایم و از خط انبیاء دور نشویم لذا به آن‌ها احترام بگذار و کارهایی که دارند به نحو احسن انجام بده و خصوصاً نسبت به تربیت مسعود [...] بگذار چون در ایامی است که باید خوب تربیت شود و مسائل شرعی [...] انجام دهد، خواهران عزیزم! سفارش من به شما این است که زینب‌وار استقامت کنید خصوصاً روی مسئله حجاب دقت فراوان نموده و این مسئله را به فرزندان خویش گوش زد نموده. می‌دانم که شما این مسائل را مراعات کرده ولی برای یادآوری قضیه به شما سفارش می‌کنم که حجاب حجاب. و پیام به بستگان و دوستانم سعی کنید همواره مسائل شرعی را انجام داده و بقیه عزیزان را در این مهم تشویق نمایید. از امام عزیز انقلاب اسلامی، پشتیبانی کنید و نگذارید توطئه‌گران شرق و غرب و ایادی داخلی‌شان انقلاب را تضعیف نمایند. و از شما همه عزیزان می‌خواهم برای ظهور آقا امام زمان و سلامتی امام خمینی (ره) و پیروزی رزمندگان اسلام دعا کنید.

والسلام

۶۶/۱۲/۱۰

حمیدرضا علی بیگی

۲. ناخواناست.

۳. «را» حذف شده است.

بسم تعالی

وصیت نامه پاسدار اسلام برادر محترم رضی عنی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَمْواتٌ بَلْ أَمْواتٌ بَلْ لَسْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ وَلَئِنَّمْ لَمِيتًا مِّنكُمْ لَأَقُولُوا بِنِفْوَتِهِمْ إِذَا مَاتُوا بِمِيتَاتِهِمْ يَحْسِبُونَ أَنَّ اللَّهَ مُؤْتٍ بِهِمْ قَالُوا إِنَّمَا نَأْتِيهِ بِمِيتَاتِهِمْ وَإِنَّا لَكَاذِبُونَ أَوْ كُنْتَ عَلَيْهِمْ مُلَواتٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَإِن لَّمْ تَكُنْ لَمْ يَأْتِهِمْ إِلَّا جَسَدٌ مِّنْ غَدِيرٍ مَّاءٍ

اهل اهل ایمان در پیشرفت کار خود صبر و تقاضا مسأله کنید و بر زکر خدا فرما ترس خود از خدا یاد مبرازان است. و آن کسی که در راه خدا کشته شد مرده نیندازد بلکه او زنده ایدرس است و لیکن همیشه این حقیقت را در خود اهدی یافت دالمت شما را به سفتیها چوله ترس و ترسش و تفصیل اسوال و نفوس و کائنات و رعایت نیاز ما نیم و شجارت شو تا ستر از آن سفتیها مبرازان است. آنگاه خود را به جادیت تمس و تا گذران در جادیت خود صبر و شکیبایی و کوفتید با خود فرما کرده و بیوسول و جمع خود را جیم کرد اگر و هندی مخصوص بدو و لطف الهی و رحمت حق خداوند و آنکه به حقیقت هدایت یافتگان هستند با اسلام و درود به منتهی عالم بشریت آقا امام زکریا و نائب رحمتش یعنی نبی اکرم و با درود حق جویان راه خدا و رزق خدا و همه حق که مظلومان در سزهای سیهن اسلامیان خونشان زمین مالک گویند نموده است. پدر و مادر عزیزم با تقوی با آنکه می دانم جای خالی من در سرب بر سر آسمان نیست و غیر قابل تحمل است و همانطور که بارها به شما گفته ام کشوری که تازه انقلاب کرده و این همه نصیب دیده آید می شود اقتدا بسا بدون نیتوانند نداشتند و چیز را به امید خدا برها کرده خیر این غیر قابل قبول میباشد حال اگر سوره به لجه نروم و نری نور خدا می راند هم بدانی جنایت کاران شرق و غرب بر سر این کشور اسلام که تنها اسیر باه به طغان جود است می آورند و چه با نوب این که از جانب می توانم در منطقی بدور از جنت و درگیری مشغول قدرت شما و من و جلالتم قبول می کرد که چه بارها کرده و آسوده باشم.

نفس با برادر من علی که برادر او احترام خاص من است درم - علی جان همه متوجه این مطلب هستی که پدر و مادر من خود زلفت برادر تربیت ما کشیده اند و خود بر تربیت ما زلفت کشیده اند به راه راه و خطا نبرد با روزی نیند و از خطا انبیا دور شویم لذا به آن احترام بگذار و کارهایی که دارند به بخوان اینجام نبرد و خصوصاً نسبت به تربیت مسعود دست بگذار چون در ایامی است که با بدخوب تربیت خود در سزای

شهرها انجام دهد. خلاصه عزیزم نقاشی مرده با این سکه زینت و استقامت کند خسته گردی
 مسجدها در وقت فراوان نموده و این مسجدها به فرزندان خویش گوش زده اند. من دانم که تا این سال با
 مداخلات کرده و با برای یاد آوردن قفس به نقاشی می کشد که حجاب - حجاب . در تمام بهشتگان در تمام

که کند همراه من شری را انجام داد و بعد عزیزان ما در این هم تسلیت کنید از این روز فانیات
 اسلام بیسانی کنید و نگارید. توطئه گران شرق و غرب و این را احیای انقلاب را تصفیه نمایند.
 و از هم عزیزان هم فراهم بران ظهور آقا امام زین و صلاح این است که هر روز فرزندان اسلام را بسازد

والسلام ۱۳۸۱/۱۱/۲۶
 حمیدرضا علی بیگی

جعفر علی حسین زاده مینابی



نام: جعفر

نام خانوادگی: علی حسین زاده مینابی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۲/۰۱

محل تولد: شهرستان میناب

نام پدر: علی

نام مادر: شهری

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۶۶، در ابوغریب

دهلران بر اثر انفجار گلوله آتش‌زا و سوختگی

شدید مجروح و در ۲۳ بهمن ۱۳۶۶ شهید شد.

محل شهادت: بیمارستان فهیمی شیراز

نحوه شهادت: انفجار گلوله آتش‌زا و سوختگی

شدید

محل دفن: شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

◀ اگر من در این خدمت سربازی مقدس شهید شدم هیچ اموالی ندارم بجز یک دختر که آن هم در دست برادرانم [است] اول و آخر خدا [....] بزرگ کنند و دوم عباس و جهانگیر.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۶۵/۰۵/۱۳

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا^۱

چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد و ببینی که مردم دسته دسته در دین خدا در آیند پس
به ستایش پروردگارت نیایش گر باش و از او آمرزش خواه که وی همواره توبه پذیر است.
این است وصیت‌نامه‌ی من:

وصیت‌نامه‌ی اینجانب جعفر علی حسین‌زاده فرزند علی که از تاریخ ۶۵/۰۶/۱۳ ارسال
کردم و به عنوان وصیتم در این نامه ذکر کردم که اگر من در این خدمت سربازی مقدس
شهید شدم هیچ اموالی ندارم بجز یک دختر که آن هم در دست برادرانم [است] اول و آخر
خدا [۱...] بزرگ کنند و دوم عباس و جهانگیر. در ضمن چیزی که دارم یک دستگاه کولر
[۲...] و یک دستگاه تلویزیون رنگی توشیبا ۱۴ اینچ، که مال دخترم می‌باشد اگر چنانچه خانم
[۳...] با دخترش بنشیند در خانه برادرانم و [برای] دخترم [۴...] مادری کند می‌تواند این دو
دستگاه تلویزیون و کولر استفاده کند و اگر خواست که نماند و طلاق بگیرد هیچ [یک] از
این دو دستگاه [۵...] [به او ارث نمی‌رسد] و فقط من وصیتی که کردم [برای] این دو دستگاه

۱. آیات ۱-۳، سوره نصر.

۲. ناخواناست.

۳. ناخواناست.

۴. ناخواناست.

۵. «را» حذف شده است.

۶. «از طرف من که دارم» حذف شده است.

۷. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «به او ارث نمی‌رسد» باشد.

[است] [...] برای دخترم تا زمانی که دختر بزرگ نشده مادرش حق شوهر کردن ندارد و اگر چنانچه شوهر نخواست و خواست که با بچه اش باشد برادرانم می توانند از او نگهداری کنند. این است وصیتم دیگر چیزی ندارم بنویسم.

والسلام

جعفر علی حسین زاده

امضاء^۹

۸ «که دارم» حذف شده است.

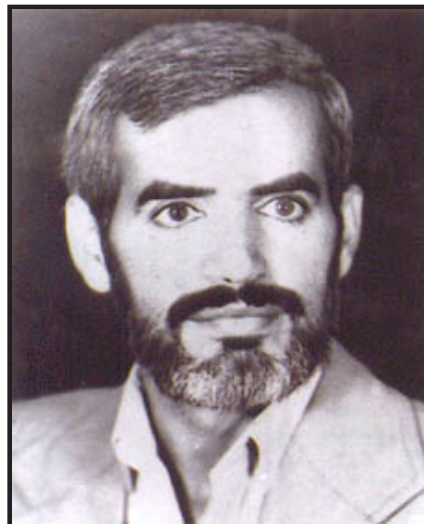
۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۹۵،۶،۱۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَى النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا
 صَبِحَ مَجْدِيكَ وَاسْتَفْرَجَ أَمْرُكَ كَانَ ثَوَابًا أَنْ أَهَكَ بِمَا عَدَا
 و بیروزی تو ایستاد و دیدی که مردم خود و مردم دین خدا را از آتش دوزخ نجات دادند
 و بیروزی تو ایستاد و دیدی که مردم خود و مردم دین خدا را از آتش دوزخ نجات دادند
 که او بسیار توبه نکرده است
 این است وصیت نامه من
 وصیت نامه اشخاص منوچهر حسینی و او فرزندان او که در تاریخ ۱۳۰۷ در ۲۵
 ارجال کرده و بنویس و وصیت در این تاریخ ذکر کردم که اگر من در این خدمت
 در باقی بقدر که بعد از من هیچ اموالی ندارم بجز یک دهقه که از نام

در دست برادرانم اول و آخر فرزند اول بودم و دوم مبارک و چهارم در
 در همین پیشه که دارم و شاه کور مستی بر می آید و شاه کور
 و شاه کور ۱۴ این زمان دفترم من است که اگر خانیچه خانم نشد
 با دفترش نشد در خانه برادرانم و دفترم را صادر می کند و
 در شاه کور چون بولار است و دفترم را صادر می کند و
 بشود و این دو شاه کور طرفین کردار است و در دفترم
 که در این دو شاه کور برای دفترم و تا زمانی که دفترم
 صادر می شود و در دفترم را در دفترم و در دفترم
 که با چیه این باشد و در دفترم را در دفترم
 دفترم را در دفترم و در دفترم

حسین علی یاس



نام: حسین
نام خانوادگی: علی یاس
تاریخ تولد: ۱۳۲۵/۰۹/۲۶
محل تولد: شهرستان آبادان
نام پدر: علی
نام مادر: سکینه
تحصیلات: پایان دوره کارشناسی
شغل: دبیر آموزش و پرورش
تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۵/۰۹
محل شهادت: مکه مکرمه
نحوه شهادت: هنگام شرکت در راهپیمایی برآنت
از مشرکین توسط نیروهای سعودی
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ قبل از هر چیز همه را به تقوای الهی و راه خدا دعوت می کنم.
- ◀ خدایا! کمک کن برای تو و در راه تو و مثل امام حسین (ع) تو کشته شوم آن گونه که محبوبان و عاشقان را می کشید. بمن قدرت پروازی ده که از این اسارت نجات پیدا کرده و برای تو و بسوی تو و با عشق تو، علی گونه و رو به قبله تو کشته شوم.

بسمه تعالی

بنام معشوقی که عاشقان را دوست دارد و آنان را می‌کشد.

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ^۱

و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

قبل از هر چیز همه را به تقوای الهی و راه خدا دعوت می‌کنم و از همگی طلب
حلالیت می‌طلبم. از همگی می‌خواهم برای آمرزش من دعا کنند. مردنی را که عاشقانه
نباشد و مورد رضای معشوق نباشد نمی‌پسندم. خدایا! کمکم کن برای تو و در راه تو و مثل
امام حسین (ع) تو کشته شوم آن‌گونه که محبوبان و عاشقان را می‌کشید. بمن قدرت پروازی
ده که از این اسارت نجات پیدا کرده و برای تو و بسوی تو و با عشق تو، علی‌گونه و رو به قبله
تو کشته شوم. از تو متشکرم که دلی لرزان بمن دادی، دلی که در مقابل عشق تو می‌لرزید
و چشمی که در مقابل عظمت تو همیشه اشک‌بار بود. سپاس فراوان فقط مخصوص توست.

حسین علیاس

صبح جمعه ۶۶/۴/۱۹

۱. بخشی از آیه ۲۰، سوره حدید.

۲

بسم تعالی خواجه نصیر

بنام معبودی که عاشقان را دوست دارد و آنان را می کشد

علی یاس

و ما الحیوة الدنیا الا متاع الفزور
 و زندگی دنیا جز زمانیه فزیب نیست

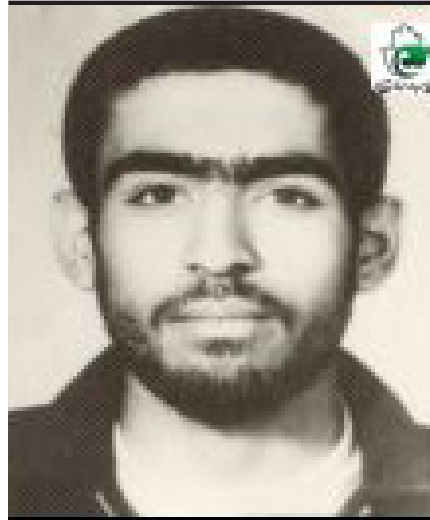
قبل از هر چیز همه را به تقوی الهی و راه خدا دعوت می کنم و از همتی
 طلب خلافت می کنم . از همتی می خواهم برای آرزوی من دعا کنند
 مردنی را که عاشقانه باشد و مورد رضا معبود باشد تا منم
 خدا را بگویم که برای تو و در راه تو و من تو گشته شوم آن گویم
 که محبوبان و عاشقان را می کشی .

ممن قدرت پرور از ده که از این اسارت نجات پیدا کرده
 و برای تو و بسوی تو و با عشق تو علی گونه و رو به قبله تو گشته شوم
 از تو متقدمم که دلی لرزان بمن دادی ، دلی که در مقابل عشق
 تو می لرزید و چشمی که در مقابل عظمت تو بهیچ انگبار نبود
 سپهر فراوان فقط محضوم تو است .

حسین علییر صبح جمع ۱۹/۴/۶۶

۶۶/۱۹۲۹-۱۱

سید ابوالفضل عمرانی



نام: سید ابوالفضل
نام خانوادگی: عمرانی
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۹/۰۱
محل تولد: روستای سلخ تابعه شهرستان قشم
نام پدر: سید حسین
نام مادر: مریم
تحصیلات: دوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۱/۰۵
محل شهادت: دشت عباس
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ ای انسان‌ها و ای مردم ایران! خدا را شکر کنید که امام خمینی (ره) را برای نجات ما فرستاد و ما را از آن رژیم نحس و نجس پهلوی خون‌خوار جنایتکار و پست و عیاش نجات داد.
- ◀ قدر امام را بدانید و همیشه حافظ او باشید و اوامرش را اجرا کنید که این نعمت تا ظهور حضرت مهدی (عج) بر سر شما باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

متن وصیت‌نامه فرزند عزیزم شهید سید ابوالفضل عمرانی که [...] دو ماه بعد از شهادتش در ساک انفرادی وی که از جبهه آورده بودند و به دست من رسید به شرح زیر است. این ورقه وصیت‌نامه من است که بعد از من، از راز درون و درد دل من با شما حرف می‌زند و سخن می‌گوید. به پدر و مادرم می‌گویم که همیشه بیاد خدا باشند و خدا را فراموش نکنند تا خداوند آن‌ها را دوست داشته باشد. خداوند می‌گوید هر انسانی که مرا بخواهد من او را دوست می‌دارم و هرکسی که دوست من باشد من او را عاشق خودم می‌نمایم و هرکس که عاشق من شد او را می‌کشم تا به من واصل شود (روایت از حضرت امام جعفر صادق (ع)).

پدر و مادر! اگر با خدا باشید و خدا را از همه چیز نزدیک‌تر بدانید هر وقت غم بزرگی به شما می‌رسد ناراحت نمی‌شوید و می‌گوئید خدا بزرگ است، ولی اگر انسان امیدش به خدا نباشد زندگی دنیا، در نظرش بزرگ می‌آید. اگر غم بزرگی به او برسد خود را به در دیوار می‌زند و ناراحت می‌شود و ممکن است خود را بکشد که خونش گردن خودش می‌شود.^۱ خلاصه ای انسان‌ها و ای مردم ایران! خدا را شکر کنید^۲ که امام خمینی را برای^۳ نجات ما^۴ فرستاد و ما^۵ را از آن رژیم نحس و نجس پهلوی خون‌خوار جنایتکار و پست و عیاش نجات داد. قدر امام را بدانید و همیشه حافظ او باشید و اوامرش را اجرا کنید که این

۱. «پس از» حذف شده است.

۲. در اصل: می‌گیرد.

۳. در اصل: شکر خدا کنید.

۴. در اصل: به.

۵. در اصل: ما.

۶. در اصل: ما.

نعمت تا ظهور حضرت مهدی (عج) بر سر شما باشد. قدر امام را بدانید، قدر امام را بدانید، قدر امام را بدانید، قدر امام را بدانید. قدر امام را بدانید. الله اکبر خمینی رهبر، الله اکبر خمینی رهبر، خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار. خداحافظ شما، مادر و پدر! تا لب حوض کوثر در حضور علی اکبر.

سیدابوالفضل عمرانی

۶۱/۱/۱

در ساعت دو بعد از نیمه شب مورخ ۶۱/۱/۵ در دشت عباس تنگه رقابیه همراه همزمانش به درجه شهادت نائل می شود و نزد جدش حضرت رسول و ائمه اطهار روی سفید گردید اما پدرش هنوز در دنیا گرفتار است خداوند و حضرت رسول و ائمه اطهار علیه السلام این شهادت را از ما قبول فرماید.

پدرش سید حسین عمرانی

بسم الله الرحمن الرحيم

متن وصیت نامه فرزند عزیزم شهید سید ابوالفضل عمران که بی از دو ماه بعد از شهادت
در ساک انفرادی وی که از جمله آورده بودند دیدت من رسید بترجیح از است
بسم الله الرحمن الرحيم

این ورقه و وصیت نامه من است که بعد از من از روزی که در دل من با شرف می زند و بختی
میکردم به بیرون بیاورم بیکم که همیشه بیاد خدا باشم و خدا را فراموش نکنم تا خداوند آنها را
دوست داشته باشد خداوند بگوید هر آن کسی که مرا بخوابد من او را دوست میدارم و هر آن کسی
که دوست من باشد من او را عاشق خودم می نامم و هر کس که عاشق من شد او را دوستم می نامم
بین و اهل خود دوایت از حضرت امام علی (ع) بیرون بیاورم تا خدا با خدا باشد و خدا را
از همه چیز بزرگتر ندانم هر وقت علم بزرگی بهایر به ناراحت نمی گویم و میگویم
خدا بزرگتر است و اگر آن را امید من به خدا باشد زندگی دنیا در تقابل بزرگ
من است اگر علم بزرگی با و بر سر خود را بدم در دو روز منزه و ناراحت میگویم و چنین است
خود را بگویم که خوش کردن خوش میگردم خلاصه این است آنها و اسی فرودم ایران
شکر خدا کند که امام خمینی را به سخات خدا مان فرستاد و خودمان را از آن روزیم
نخس و بخش اولوی شو بخوار چنانستگار دست و عیاشی سخات طرد قدر را
بدانید و همیشه قافله او باشد و او امیرش را افران کند که این نعمت نا ظهور حضرت
هدیه بیست و هفتاد که قدر امام را بداند قدر امام را بداند قدر امام را بداند الله
اکبر خمینی رهبر الله اکبر خمینی رهبر خدا ما فدای ما انقدر است پدر خمینی را بگذرد
خدا حافظ ما را در سوختن است حوض کوشه در حضور عالی کبر سید ابوالفضل
قال الصادق (ع) (آتمه که جل مولود)

در عت ۲ بعد از نیمه شب که در ۵ اراد در دست عکس کند رفایه همراه هر زانتر در
سخت تا بل معلود و نزدیک حضرت رسول و انکه اظهار روی سفید کردم اقا در شرف
در دنیا که قمار است خداوند و حضرت رسول و انکه (الله اعلم السلام این است بر از قافله
قدیر فرایند به ارس سید حسن عکرم

سید عبدالحسین عمرانی



نام: سید عبدالحسین
نام خانوادگی: عمرانی
تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۰۶/۰۹
محل تولد: شهرستان میناب
نام پدر: سید محمد
نام مادر: کاظمیه
تحصیلات: دیپلم
شغل: معلم
تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۱
محل شهادت: اروندکنار آبادان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

◀ در تشییع جنازه این حقیر و هرگونه مراسمی که جهت این حقیر برگزار می شود افرادی چه اقوام و چه غیر که اولاً شکی درمورد ولایت امام خمینی (ره) دارند و در نتیجه مطیع امرای شان نیستند و ثانیاً جهتی مخالف انقلاب اسلامی دارند به هیچ عنوان و توجیهی راضی نیستم که آن ها شرکت نمایند.

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ حَقُّهُ كَمَا يَسْتَحِقُّهُ حَمْدًا كَثِيرًا^۱

این حقیر سید عبدالحسین عمرانی، فرزند سید محمد دارای شماره شناسنامه ۸۴۳۲ متولد ۱۳۳۵ صادره از میناب، با اعتراف به وحدانیت الله جل جلاله و پیامبران علیهم السلام از آدم (ع) تا خاتم، حضرت محمد (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام (ائمه اثنا عشر) و قرآن مجید و قبر و نکیر و منکر و برزخ و بهشت و جهنم (قیامت، معاد) و با سلام به منجی عالم بشریت مهدی موعود (عج) و نائب برحقش امام خمینی (ره) و قائم مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله و شهدای اسلام از صدر تا کنون و اسیران و مفقودین و جانبازان و...، خانواده محترم و ارجمند آنها و با سلام به امت اسلام. پدر ارجمندم را وصی خود قرار می‌دهم و هم‌چنین برادرم سید عبدالرضا عمرانی با هم‌فکری، در صورتی که قبول نمایند، حجه الاسلام عباس عباسی، بدهکاری‌ها مبلغ بدهکاری به قرض الحسنه (اعم از وام و سه فقره چک) و در آینده بانک مسکن استان هرمزگان معلوم نیست و در صورت دارا بودن حقوق، از اداره ام ان‌شاء الله پرداخت گردد. مبلغ بیست و اندی هزار تومان بدهی به آقای یوسف نیک پوران‌شاء الله پرداخت گردد. مبلغ پانصد تومان (۵۰۰ تومان) به حساب دانش‌سرای تربیت معلم میناب واریز (این که احياناً از بعضی وسایل و... استفاده شخصی نموده‌ام) ۵۰ ریال به برادر غلام زاهدی محمد از روستای دهوکه تصمیم داشتم کرایه‌ای که حساب کرده رد نمایم ولی موفق نشدم (برادر ایشان حسین زاهدی کلاس چهارم دبستان دهو است) رد نمائید.

۱. بخشی از دعای روز سه شنبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ حَقُّهُ كَمَا يَسْتَحِقُّهُ حَمْدًا كَثِيرًا: سپاس از آن خداست و سپاس حق اوست، چنانچه شایسته سپاس فراوان است».

قیمت یک سطل معمولی را به برادر احمد توسلی (مغازه‌اش واقع در بازار) رد نمائید. در کودکی وقت سطلی از ایشان قرضی خرید نمودم پول آن را رد ننموده‌ام. مبالغی خودمانی دستی از برادرم سید عبدالرضا عمرانی (دقیقاً نمی‌دانم شاید حدود دو الی سه هزار تومان باشد) البته هرچه ایشان فرمایند صحیح است؛ و هم‌چنین از پدر ارجمندم احتمالاً به همین میزان ضمن این‌که ایشان طبق تعهدی که دارم در قبال اخذ منزل مسکونی ام ماهانه هزار تومان (ده هزار ریال) تا وقتی که وجود شریف‌شان در حیات است پرداخت نمایم. به هر صورت که صلاح بدانند پرداخت و از بابت منزل، کلیه وسایل منزل (اساسی و غیراساسی) ان‌شاءالله به همسرم تعلق گیرد. ضمناً مسئله شرعی دقیقی نمی‌دانم از بابت این‌که همسرم در طول این مدت زندگی فداکاری‌های بسیاری از جنبه‌های مادی و معنوی (خصوصاً معنوی) داشته‌اند که نمی‌دانم چگونه باید جبران نمایم که ان‌شاءالله دینی به‌گردن نداشته باشم. بالاخره به هر نحو که صلاح می‌دانید همسرم باید کاملاً راضی باشد و تأکید می‌کنم. اولاً اجرشان با خداست ولی به هر نحو که صلاح است با توجه به جنبه‌های اسلامی ایشان را قلباً راضی کنید. ضمناً هرچه مقدور بود مبلغی بعنوان رد مظالم پرداخت بشود. کتاب‌هایی که فعلاً در کتابخانه مسجد رسول اکرم (ص) محله‌مان گذاشتیم و مقدار کتابی که در منزل است خمس آن داده نشده است (البته نمی‌دانم احتیاج هست که خمس پرداخت شود یا خیر) ان‌شاءالله بعد از پرداخت، کتاب‌های موجود در کتابخانه مسجد هدیه آن کتابخانه [بشود] و کتاب‌هایی که اکنون در منزل، در اطاق کوچک است. بعد از پرداخت خمس به کتابخانه‌های مدارس اهدا شود. ضمناً در درون یک ساک دستی کتاب‌های برادر نصرالله بهجتی موجود است و کتاب‌های توفیقیان به ایشان رد نمائید. مقداری پوشه و نوشت‌افزار و خودکار و... در کشوی میز تحریر اطاق کوچک است کلاً مربوط به حزب جمهوری دفتر میناب می‌باشد تحویل دهید. مبلغ هزار تومان (ده هزار ریال) بابت حق عضویت تعویفی حزب تحویل گردد. بابت خرید کتاب از حزب مبلغی بدهکارم. صورت بدهکاری در حزب موجود است پرداخت گردد. بدهی روزنامه حزب تحویل گردد. ضمناً ماهانه هزار و پانصد تومان (پانزده هزار ریال) بابت بدهی پدر در بانک ایرانشهر مشغول پرداخت بودم و ضمناً یک قطعه قالی ماشینی از اداره مربوطه ام

(سهمیه‌ای) طلبکارم. تاکنون پدر از اخذ مبلغ خودداری فرموده‌اند. در صورتی که خانواده (اعم از پدر، مادر، برادران و خواهران و همسر و فرزندان) بتعدادی از آن کتاب‌ها احتیاج دارید [...] ^۲نمایند. این توضیحی از اینجانب می‌باشد عبدالحسین عمرانی. ضمناً چندین کیسه گچ (برادر استاد عبدالرضا در جریان است) به عمه محترم فاطمه بیگم بدهکارم. طلب حلالیت محضر پدر و مادر بزرگوار و ارجمندم، والدین عزیزم قلم یاری نوشتن را ندارد. متأسفانه جز حکایت از کوتاهی‌ها، بی‌احترامی‌ها، ناراحتی‌ها... شرمگینانه چه بنویسم؟ عزیزان در پیشگاه‌تان (مثل زمان کودکی که حتماً یادتان هست وقتی خطایی مرتکب می‌شدم سرم پائین و نفس در سینه و با گردنی کج در برابرتان می‌ایستادم و...) زانوی ادب زده و چاره‌ای جز تقاضای عاجزانه با خضوع و خشوع از انبوه خطاهایم نسبت به شما وجود شریف و عزیز ندارم، شما را به آن احترامی که به چهارده معصوم علیهم السلام تقدیم می‌دارید این فرزند کوچک و بیچاره خود را که بی‌اندازه گنهکار است حلال نمائید. پدر ارجمندم و مادر عزیز و مهربانم! این کوچک فرزند شما واقعاً پا را از حد فراتر گذاشت و آن‌جائی که باید سکوت میکرد، آه، آه فریاد کشید، خدایا! بگیرم که ایشان از راه لطف و کرم عفو فرمایند، چه سان در برابر قرآن در محضرت سربلند کنم؟ واحسرتا! ای خدا پناه بخودت. بارالها! فرمایشات خودت ما را خلق نکردی جز برای بندگی، اما وای بر من عمری گذشت و توفیق بندگی خالصانه‌ات را پیدا نکردم. تو شاهد و ناظر مراحل زندگی سراسرتاریکم بودی، خدایا! امیدم به کرم توست. اما ای امام و آقا و مولای ما حضرت مهدی (عج)! روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا. خجالت زده‌ام از این که شیعه آن‌گونه که باید هیچ! بلکه شیعه [...] ^۳عرف نیز نبودم، حتماً بارها با بسیاری از اعمالم، قلب مبارک شما را به درد آورده‌ام، با شرمساری تمام سر به آستانت می‌سایم و از خدای توفیق این می‌طلبم که این‌بار دیگر این لقلقه زبانم محقق گردد. شاید از شرمساری نجات یابم و شما امام امت حضرت آیه‌الله العظمی امام خمینی روحی فلاک، نور چشم همه مؤمنین، قلب تپنده امت اسلام، امید قاطبه مستضعفین در سراسر گیتی سلاله پاک حضرت خاتم (ص) و ائمه معصوم (ع) و همه پاکان و برگزیدگان

۲. ناخواناست.

۳. ناخواناست.

و اولیاء الله عجیب لطف و مرحبتی باری تعالی به این نسل عنایت فرمود. نعمتی بزرگ، نعمت امامی بزرگوار. خدایا! ما کجا بودیم و به کجا رسیدیم؟ خدایا! جسم مان توان شکر گزار بی نهایت نعمت که از پرتو نورافشانی این خورشید تابناک ولایت [...] و مکان را متأثر و متنعم ساخت که نسل ها بعد باید وجدان نمود، شکر گزار کرد؟ از پیشگاه مقدست ای امام! عذر تقصیرها دارم. از خدای قادر متعال طول عمر با عزت امام عزیز را خواستارم. اما نماینده امام امت در میناب حضرت حجه الاسلام محمدعلی طالب، از شما نیز بخاطر کوتاهی ها و بی احترامی ها و... که نسبت به شما جسارت نموده ام امید عفو دارم و شرمنده ام که نتوانستم، آن گونه که باید در خدمت تان باشم. و شما روحانیون دلسوز و مبارز و محترم حجج اسلام برادران شیخ عباس عباسی، شیخ قنبر درویشی و شیخ محمد هادی غفوری و... از شما نیز عذر خواهی می کنم که آن گونه که باید قدر تان را ندانستم و به وظایفم نسبت به شما کوتاهی نمودم، از محضر تان طلب عفو دارم. اما همسرم! زهرا بیگم مظلوم! زندگی مشترک ما از آغاز تا کنون از چندین جنبه قابل تمایل است. اولاً بعد شخصی خودم و ثانیاً بعد زمانی که نمی دانم چه بنویسم؟ بنویسم متأسفانه! یا بالاخره نتیجه طبیعی هر دو بعد آن، و اهرم فشار آن بر شما وارد میشد (بخواهی نخواهی!) اما بعد شخصی خودم، این که واقعاً این حقیر آن گونه که باید زندگی از دیدگاه اسلام را درک نکرده و حال نیز این باعث ایجاد فشارهایی بر شما بود و انصافاً بر وظایفم عمل ننموده و در عمل کج دار و مریض بودم و اول از خدا و بعد از شما خواستارم که عفو فرمائید ان شاء الله اما بعد دوم، بعد زمانی که خود در جریان هستید، آغاز زندگی ما در دوران پیروزی انقلاب اسلامی مان بود و فراز و نشیب های آن و بهتر بنویسم فراز و نشیب های این بیچاره تا شروع جنگ تحمیلی امپریالیزم شرق و غرب از آستین عروسک کوکی شان صدام لعنتی، و تا کنون. خوب در هر مکتب وظایفی بر ما است و نمی توان بی حرکت نشست. خوب هر حرکتی که باید انجام می گرفت بدور از خانه و خانواده بود و در نتیجه ایجاد مشکلاتی برای شما، در هر صورت این حقیر هم که ما [...] خود ساخته نبودم و حال متأسفانه نیستم که در تمام جنبه ها منظم انجام وظیفه نمایم و این باز هم جای شرمندگی

۴. ناخواناست.

۵. ناخواناست.

برای این حقیر و عذر تقصیر از حضورتان. شما بحمدالله بزرگوارانه تحمل بسیاری از مشکلات نمودید و خداوند در این دنیا و روز بازپسین پاداشی نیکو به شما اعطا فرماید ان شاءالله. نسبت به فرزندانم نیز موارد فوق از جناب این حقیر صدق می‌کند که امیدوارم پدرشان را عفو فرمایند و امیدوارم که خداوند توفیق‌شان دهد که فرزندان خوب و خدمت‌گزاری صدیق به دین و اسلام و مسلمین باشند. به حرمت محمد و آل الطاهرین اما اقوام و خویشان، نسبت به شما نیز وظایفی داشتم که متأسفانه آن‌گونه که اسلام بیان فرموده بود نسبت به شما انجام ندادم و از همگی تان معذرت خواسته و طلب عفو می‌نمایم. نسبت به شما همسایگان، هم محله‌ای‌ها، همشهریان، هم‌استانی‌ها و ایرانی‌ها که امت اسلام و مستضعفین در سراسر گیتی نیز در قبال تان وظایفی اسلامی برایم مشخص فرموده که حتماً باید انجام می‌دادم متأسفانه کوتاه آمدم. ضمناً این حقیر خود را بعنوان یک معلم قالب کرده بودم که متأسفانه رسماً چنین است، قلم می‌خواهد زیاد قلم فرسایی نماید. خصوصاً در این زمینه ولی چه سود (به قول گفته، حال بعد از خرابی بغداد) در هر صورت از این یدک کش (بنام معلم) خدا می‌داند چه خطاها، کوتاهی‌ها، نادانی‌ها، گمراهی‌ها و... سرزده پناه بخدای [...] حیف! که نمی‌توانم و نمی‌شناسم که آن عزیزانی که در کلاس این حقیر بودند و در سال‌هایی مختلف در چه وضعیتی هستند و از ضربه که این حقیر وارد نموده‌ام، آخ! هیچ اطلاعی ندارم. ای کاش می‌شد و مقدور بود که بتوانم جبران نمایم ولی [...] خدا یا! پناه به تو در هر صورت همه آن کسانی که در اثر سوء آموزش این حقیر از کانال اداره آموزش و پرورش به آن‌ها لطمه‌ای وارد شده اولاً قابل بخشش فکر نمی‌کنم باشد زیرا در سرنوشت نسلی مؤثر بوده است ولی در عین حال ناچاراً و تضرعاً از خدای توفیق آن می‌طلبم که مورد عفو همه آن‌ها قرار گیرم ان شاءالله در پایان لازم است متذکر شوم در صورتی که توفیق اجابت دعوت حق را پیدا نمودم، ۱- در تشیع جنازه این حقیر و هرگونه مراسمی که جهت این حقیر برگزار می‌شود افرادی چه اقوام و چه غیر که اولاً شکی در مورد ولایت امام خمینی (ره) دارند و در نتیجه مطیع امر ایشان نیستند و ثانیاً جهتی مخالف انقلاب اسلامی دارند به هیچ عنوان و

۶. ناخواناست.

۷. ناخواناست.

توجهی راضی نیستم که آن‌ها شرکت نمایند. ۲- از خرج سه یا هفت روز، چهار ماه و سال و... کلاً پرهیز شود و در صورتی که بعضی مایل باشند خرجی کنند مبالغ را به جبهه بفرستند. ۳- لازم نیست وصیت‌نامه تکثیر و انتشار داد، بجز مواردی که لازم به رساندن آن پیام به افراد ذیربط باشد. ۴- کلیه وصیت‌نامه‌هایی که تا قبل از این تاریخ نوشته‌ام کلاً کان لم یکن (خارج از اعتبار) می‌باشد. وسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته الحمدلله رب العالمین، اللهم عجل فی فرج مولای صاحب الزمان. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی، تو را به جان مهدی، خمینی را نگه‌دار.

حقیر سراپا تقصیر سیدعبدالحسین عمرانی

اهواز

امضاء^۸

۱۳۶۴/۱۰/۲

خیزد که بگویم (برادر ارشد عبدالهادی در کلاس است) به محمد محمدی هم فاطمه سلم برهانم . "طلب حلالیت"

بر پدر و مادر بر گزارد و از چندم ، و اللیس عزیزم و قلم یارای نشستی را درازد . متاسفانه جز حاکمیت از کتا هیوا می-
 ز هیوا با نا اهنیا ... شکر مکن از چه چیزیم ؟ عزیزان در پیشگاه اهل بیت (علیهم السلام) که در کتب کتب ما در آن حضرت
 و خطاطی مرتب برده ام با لیلی نفس در سینه حبس ربا کرده ام و در آن کتابت استادم و ... زانوی ارب زده و حجاره ای
 ستانهای غایب از ناخبریم و ششوع از آنچه خطاها هم نسبت به شما وجود داشته و عزیزان درم و هم از آن
 ای که در چهارم معلوم علمم السلام تقدیم سید بر این عزیزان در کتب و بیچاره منور که می اندازد که کار است و حلال نماید
 بار چندم و ما در عزیز و هم با هم ای که کوچک فرزند شما واقعا بار از هر فرزند کز است و آنجائی که باید سکوت میکرد آه
 فریاد کنید خدا را که در آن از راه لطف و کرم هم فرستاده و چنان در برابر قرآنی در محفرت بر سر لایه کتم
 عسرتا ای خدا بنیاه نمودت .

اللها طوبی فرما سنیات خوردت ما را خلقت کردی جز برای بندگی ، اما وای بر من که می گذشتی و توفیق بندگی خالصانه را
 از منم . تو سنا هر دو ناظر بر اهل زندگانی سراسر تا علم بودی ، خدا را امیدم به کرم تو است . اما ای امام و آقا و مولای ما که
 مری (رحم) روی و ارواح العالمین از اب مقدر و الفراه و حتی کتوده ام از اسلام کتم که با یاد که هم از آن کتوده و بعضای عرف
 بنورم و حتما با ما آب بسیاری از عالم که قلب مبارک شما را بر در آورده ام با شکر صساری تمام است با تانت میسایم و از جزای
 بین این میطلبم که ایضا در کتب این لقلقه زمانم حقوق کرد و سنا در شکر صساری تمام است با تانت میسایم و از جزای
 ظم ای امام زمین روی و فداک و نور چشم همه ضو صینه ، قلب تسبیح امت اسلام و امید تا طبعه مستقیم در سر است که
 بالذات حضرت خاتم (ص) دائره مطهرت علمم السلام و همه با کان و بر لایه بیکان و اولیا دارم ، بحسب لطف و مروتی
 علی به این دلیل غنایت فرمود ، فهمی بزرگ ، نسبت لطف بزرگوار ، خدا را ما که بگویم و به کتی رسیدیم ؟ اجزای چنان
 لایه سنگر تبار این نایت نعمت کرد که در سیر نور افشانی این جزو بندگی است و ولادت کردن و کمان را تا تکرار
 نسیم سنا است که نسیم با بعد باید و جبران نمود ، سنا که ای کرد که از این کتا مقدس است ای امام که بگویم
 یرم و از جزای تا در مقابل طول عمر عزت امام عزیزم را خراب کردم ، اما تا سینه امام است در نیاب حضرت
 به اسلام و محمدی طلب از سنا نیز فاطمه کتا هیوا و به اجزای ما که نسبت به شما حسرت نموده ام امیر غفورم .
 بنویسند ام که توانستم ام ، آنقدر که باید در خدمتتان باشم و شما روحانیون دلسوز و مبارز و کرم و اسلام
 ایران شیخ عبا عبا کا ، شیخ قنبر در و شیخ و شیخ محمد هادی غفوری و ... از شما نیز عذر خواهی میکنم که آنقدر که باید
 در آن را ندانم و ~~وظایف نسبت به شما که گاهی نمودم و در محفرت طلب عفو دارم .~~

و ما همسوم ، زهرا سلم مظلوم ، زنده کن مستترک ما از آن غلظت تانور از چندین جنبه قابل تحلیل است . اول آنقدر
 متوجه خودم و ثانیاً قدر مانم ، که نمیدانم چه چیزیم ؟ نویسم متاسفانه ای بلا فرقی نسیم طبعی آن در آخر
 متاسفانه آن سرها وارد سنا در (بخواه خواهی) . اما سنا در شیخ خودم ؛ انعم و اعمای این حقیر آنقدر که باید بزرگوار
 سنا که اسلام را درک کرده و حال نیز از این معجزه ای که در طایفه شما بود و انصافاً هر نظامی عمل نموده
 و در عمل کرد و در سرفرو نمودم و اول از جزا و بعد از سنا جزا استام که عنونم فرستادند و در ... ما را اندر دوم
 نقل زمانم ؛ که خود در مقابل هستی ، آغاز زندگانی طرد اولان و هر روزی انقلاب اسلامیان بود و فدا و
 سنیای آن و بهر نویسم فرار و سنیای سنا بیچاره و تا شروع حبس تخمین امیر النیرم شرق و غرب از استی
 عروبت که در آن مبداء لغت و تانور ، خوب در هر مقطع وظایف مرا است و به تیران بکرت نسبت

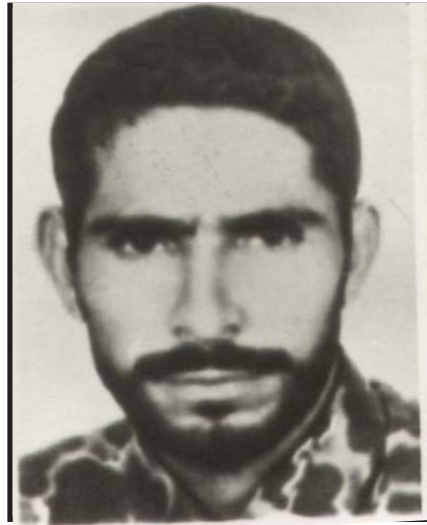
هرگز نمی تواند انجام بگیرد و در این میان در صورتی که برای شما هر صورتی
 هم که باشد خود را خسته بنوردم و حال شما سفت نیستیم که در تمام حین در تنظیم انجام وظیفه
 این نامه هم جای سرزدن برای این حقیر و عذر و تفسیر از حضور شما را و شما بخدا و منکر آنرا
 بسیار از مشکلات بخودید و خداوند در این دنیا و دوزخ را بر من یا و اسبی شکر عطا فرماید این دار
 به فرزند من نیز بخورد فوق از جانب این حقیر صدق می کند که امیدوارم بعد از شما را عفو فرماید و این
 را و در تو موقتاً در حد که فرزند من خوب و خوش شکر از من صدق می کند و در اسلام و مسلمانان باشد
 تا بعد از آنکه این - اما اقوال هم و خوب است نسبت به شما نیز وظایف را داشته که متأسفانه
 که اسلام بیان فرموده بود نسبت به شما انجام ندادم و از هر کسی مال معذرت خود را بطلبید و این
 به شما هیچکس هم بخدا و خدا را در هر حالتی با او این که در امت اسلام و مسلمانان در
 می کشی و نیز در میان وظایف اسلام برای من مشغول فرموده بود که حتماً باید انجام میدادم متأسفانه
 نماندم

این حقیر خود را معذورانه معلم قلب کرده بودم که شما سفت و سها چنین است و قلم عفو از من
 ما این نامه حضور شما در این زمین اولی می نمودم (بقول گفتار و فراموشی لغت) در صورت
 یکیش (بیان معلم) خدا میداند چه خطاها و کوتاهیها ما را در این دنیا و دوزخ و بهر چه (پناه برای
 در عفو و عفو که نمی شود و گفت نامم که آن عزیزانی که در کار این حقیر بودند در سایر
 نماند و چه و می بیند و خداوند از هر چه این نامه را این حقیر بر آنجا وارد کرده ام و آنچه
 من می دانم و معذور بودم که نتوانم همه را نام و اولی و آنگاه بخدا پناه بگویم در صورتی که
 این که در این صورت آموزش این حقیر از کمال اداره امور و هر چه در این باره وارد شده
 قابل غشش فکر میکنم با آنکه در این صورت من این حقیر بوده است و در این حال ناچار
 رعایت اخراجی توفیق آن من طلبم که مورد عفو همه آنرا قرار گیرم این را در میان لازم
 است شد که سوم در صورتی توفیق اجابت دعوت حق باید نمودم - در تفسیر جازبه این حقیر و هر
 می که حجت این حقیر بر سر از سر و افزونی که اولی شکر در مورد ولایت امام فاطمه زهرا که در تفسیر
 است (نیت من و نیت حقیر مخالف انقلاب اسلام دارنده و بیایع عنوان و کتب و هر چه در این باره
 ۲- از خراج که بابت روز، ماه و سال و ... کلام حقیر می شود و در صورتی که بعضی حایل باشند خرج کنند
 ۳- لازم نیست و استغنا هم نکند و این حقیر را با بجز مواردی که لازم برسانند
 ۴- پیام به افراد دیگر باشد - ۴- طلب و استغنا هم نکند که تا این تاریخ نوشته ام و لا کمال کم بکن اخراج
 تمام میبارد و والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

الحمد لله رب العالمین - اللهم تجل فرج صلاهی لهما حب الرضا
 خدا یا خدا یا تا انقلاب مهدی تو را بجا من مهدی محمدی را بگردان
 حقیر را تقصیر سید عبدالحی بن محمد
 ۱۳۴۹
 ۲۰۰۹
 ۲۰۰۹

در جهت نامه در دو نسخه نوشته شد

غلام عوض پور



نام: غلام
نام خانوادگی: عوض پور
تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۰۹/۱۰
محل تولد: روستای سرخا بندرعباس
نام پدر: اکبر
نام مادر: روزی
تحصیلات: پایان دوره ی ابتدایی
شغل: کارمند شرکت نفت
تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۰۶/۱۱
محل شهادت: ارتفاعات الله اکبر سوسنگرد
نحوه شهادت: اصابت گلوله به سر
محل دفن: شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ شما ای امت شهیدپرور ایران! تا آخرین قطره خون خود را در راه پیشرفت تعالیم عالیہ اسلام دریغ مدارید.
- ◀ امت شهیدپرور ایران! همیشه در صحنه باشید که هستی و پشتیبانی بی دریغ خود از ارگانهای انقلابی به ویژه سپاه پاسداران و دادگاههای انقلاب و جهاد سازندگی و دیگر ارگانها بنمائید.

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام درود بر رهبر انقلاب، امام امت خمینی بت شکن و با درود به شهدای اخیر ایران و با درود به رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران. باز هم دست جنایتکار امپریالیسم جهان‌خوار از آستین منافقین ضد خلق بیرون آمد و رئیس جمهور [...] و نخست وزیر محبوب‌مان بشرف شهادت رساندن برادران عزیز! بار دیگر مسئولیت سنگینی بر روی دوش شما محول شده است و شما ای امت شهیدپرور ایران! تا آخرین قطره خون خود را در راه پیشرفت تعالیم عالی‌ه اسلام دریغ مدارید والسلام. برادر ارجمند جناب آقای علی عوض‌پور! سلام، ضمن سلام یک وصیت‌نامه در منزل داخل کمد آهنی طبقه بالا گذاشتم بابت بدهکاری و مابقی پول‌هایم می‌باشد شما به آن وصیت‌نامه عمل کنید و مبلغ ۲۰۰ تومان پول به حسین ذاکری، که در بسیج است بدهید و اگر نشناختی [که به او]^۱ بدهید به برادر دانشمند [بدهید] که [به او] می‌دهد [...]؛^۲ و در ضمن سرپرستی فرزندانم بعهده خود شما است و تا می‌توانید فرزندانم منطقی بار بیاورید و فرزندانم به^۳ منزل خودت بیاور^۴ و خانم شهدی مریم سلام می‌رسانم. ضمن سلام، شما وظیفه دارید بچه‌ها را بچه‌های اسلامی بار بیاورید. و سلام. حضور مبارک والده محترم بانو [...] مشهدی روزی سلام خدمت شما عرض می‌کنم. مادر جان! اگر امکان دارد فرزند حقیرت مورد بخشش قراربده. مادر جان! خداحافظ دیدار ما و شما، قیامت. مادر! منتظر شما می‌باشم. در ضمن محل دفنم بهشت زهرا بندرعباس.

۱. ناخواناست.

۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید که به او باشد.

۳. «برایش» حذف شده است.

۴. در اصل: در.

۵. در اصل: بیاورید.

۶. ناخواناست.

خط نوشتن من در این گوشه کنار

من برفتم خط بماند یادگار
غلام عوض پور

[وصیت نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۰/۰۵/۰۸

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب، امام امت، خمینی بت شکن و رزمندگان اسلام و امت شهید پرور ایران. اینک که راهی جبهه‌های جنگ حق علیه باطل شده‌ام وصیت و سفارشات خود به امت شهید پرور ایران می‌نمایم. ۱- رهبری فقط و فقط^۲ بعهدہ امام امت خمینی کبیر می‌باشد. ۲- امت شهید پرور ایران! همیشه در صحنه باشید که هستی و پشتیبانی بی دریغ خود از ارگان‌های انقلابی به ویژه سپاه پاسداران و دادگاه‌های انقلاب و جهاد سازندگی و دیگر ارگان‌ها بنمائید. تذکرات زیر توجه فرمائید. ۱- بدهکاریم آقای حاج ناصر در گرای سیرجان روبروی مهدیه منزلش می‌باشد؛ مبلغ ۳۰۰۰ تومان. ۲- ابراهیم احترامی مبلغ ۱۰۰۰ تومان. حاج غلام عید دژاگه مبلغ ۱۷۵۰ تومان. ۳- مبلغ پولی که در بانک دارم مبلغ ۱۲۰۰۰ تومان از آقای حسین شهابی می‌باشد، باقی مانده پولی که در بانک است ۸۳۶۰ تومان بردارید به نماینده امام بدهید که خمسی می‌باشد و الباقی پولی که در بانک است از آن فرزندانم است. فرزندانم بعهدہ برادرم علی عوض پور است و محل دفن، بندرعباس، بهشت زهرا نزدیک مقبره شهید مهردادج نمائید.

غلامرضا عوض پور

امضاء^۸

۱۳۶۰/۰۵/۰۸

۷. در اصل: فقد و فقد.

۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



مرکز اسناد و انتشارات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ صِحِّیْتِ نَامَهِ تَارِخِ ۲۰۰۸/۰۸/۱۴

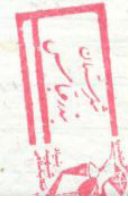
با سلام درود بر رهبر کبر انقلاب امام خمینی بت شکن و رزمندگان اسلام و امت شهید پرور ایران
ایست که راهی چیره های حبیب حق علیه باطل شده ام و صیبت و سفارشات خود به امت شهید
پرور ایران می نامم! رهبری فقد به فقد بعهد امام است یعنی کسی که ۲ است شهید پرور ایران
همیشه مجا که هستی و پستی بانی پدید رخ خود از ارگانهای انتدابی به ویژه صبه با سلطان

و دارگاه های انقلاب مجاهدان زنده گی و دینارگانها بنامید | تزکرات زیر رقم فرمائید

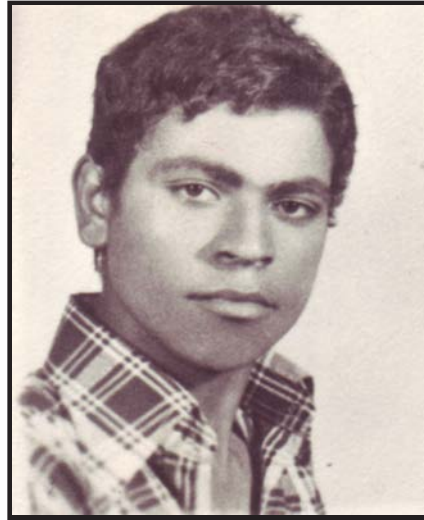
۹۴۴۷

- ۱- بده کایم لا حاج ناصر در گرای سیرجان رو برو کاهیدم زندگیش ۱۰۰۰ تومان
- ۲- ابراهیم احتسای مبلغ ۱۰۰۰ تومان حاج غلام عید در ۱۷۵۰ تومان
- ۳- مبلغ پونی که در بانک دارم مبلغ ۱۲۰۰۰ تومان از آقای حسین شهبازی می باشد
- ۴- باقی مانده چو کاهم در بانک است ۱۴۶۰ تومان بردارم به نام صبه امام برهید که نمی می باشد
- ۵- و الباقی پول که در بانک هست از آن فرزندانم است فرزندانم بعهد به برادرم
عاضی نوراحمد و محل دفن بنبر عباس بهشت زهرا نزدیک صبه ۱۴۶۰ تومان

عوض پور



احمد عوضی



نام: احمد

نام خانوادگی: عوضی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۰۱/۰۱

محل تولد: شهرستان بندرعباس

نام پدر: غلام

نام مادر: حوا

تحصیلات: اول راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۰۵/۰۱

محل شهادت: جزیره مینو

نحوه شهادت: اصابت گلوله

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ هرگز برای من گریه و زاری نکنید و اشک نریزید؛ زیرا تمامی اجر اخروی خود را از بین می‌برید زیرا این راه راهی است که من خودم انتخاب کردم زیرا راه سیدالشهدا و انبیا ما بوده است، مثل ۷۲ تن صحرای دشت کربلا در یک روز به شهادت رسیدند که حضرت زینب (ع) در آن زمان یکه و تنها با یزیدیان در نبرد بود هم اکنون شما نیز گریه و زاری سر ندهید تا بتوانم پیش خدا طلب آمرزش نمایم.
- ◀ پس از مرگ من دستانم را از طابوت بیرون کنید تا مردم بدانند که با خود چیزی به گور نمی‌برم چشمانم را باز بگذارید تا مردم بدانند که کور کورانه کشته نشده‌ام.

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۱

بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و به نام [...] که همتا و مانندی ندارد و در این واپسین شب‌های خرداد سال ۶۰ یعنی ۱۳۶۰/۱۲/۳۰ که حدود ساعت ۳/۵ شب را نشان می‌دهد پس از بازگشت از نگهبانی در کنار همسنگری‌هایم دراز کشیده‌ام، همه در این خواب خوش فرو رفته‌اند اما من در این نیمه شب زیر نور چراغ فانوس کوچکی که سوسو می‌زد دستم را به روی تکه کاغذ سفیدی می‌لرزید مثل پیامبران و سروران دین ما [...] وصیت‌نامه‌ی خود را می‌نوشتم زیرا سرنوشت ما حقیران جنگ معلوم نیست و فقط پروردگار دانا می‌داند که سرنوشت تک تک این برادران چه خواهد شد و آیا قسمت من بنده‌ی ضعیف خدا که این همه در دنیا بد کردم و نتوانستم بنده‌ی شایسته‌ای باشم چه نصیب خواهد شد آیا مرا پذیرش می‌کند یا این که رد خواهیم شد ولی ای خدای کریم و رحیم و دانا و توانا! از تو می‌خواهم و از تو خواهش می‌کنم مرا [...] مثل دیگر برادران عزیزم شهید شیخی و شهیدان دیگر سردار لشکر کربلا محشور بگردانی. من حقیر فرزند غلام که در تاریخ اول خرداد ماه سال ۱۳۴۰ دارای شماره شناسنامه... در خانواده‌ای تهیدست و بی‌چیز متولد شده‌ام و چشم به دنیای زمان خود گذاشتم و به جمعیت زمان خود اضافه گردیدم همان‌طور که گفتم من در سال ۱۳۴۰ به دنیا آمدم و فرزند سوم خانواده هستم و بعد از خودم دو برادر دیگر به نام‌های قنبر و عباس دارم آن دو برادرم موسی و حسین از من بزرگ‌ترند و به خدمت مقدس سربازی

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «ما از او آمده‌ایم و بازگشت‌مان به سوی اوست».

۲. ناخواناست.

۳. «(ص) (ع)» حذف شده است.

۴. «به» حذف شده است.

نیز رفته‌اند و من فرد سوم این خانواده هفت نفری هستم که چهار ماه زودتر از رسیدن نوبت سربازیم به خدمت مقدس رفته‌ام؛ و در حال خدمت به اسلام و قرآن و مملکت خویش می‌باشم که در این وقت شب نشستم وصیت‌های خود را می‌نمایم.

اولاً پدر و مادر عزیزم! که یک عمر زحمت و ضلالت کشیدند تا به این سن [برسم] که بتوانم برای اسلام و میهن خود خدمت کنم. پدر و مادر عزیزم! اگر خدا قسمت کرد و قابل دانست که مرا پیش خود ببرد از شما خواهش می‌کنم هرگز برای من گریه و زاری نکنید و اشک نریزید زیرا تمامی اجر اخروی خود را از بین می‌برید زیرا این راه راهی است که من خودم انتخاب کردم زیرا راه سیدالشهدا و انبیا ما بوده است مثل ۷۲ تن صحرای دشت کربلا در یک روز به شهادت رسیدند که حضرت زینب (س) در آن زمان یکه و تنها با یزیدیان در نبرد بود. هم اکنون شما نیز گریه و زاری سر ندهید تا بتوانم پیش خدا طلب آمرزش نمایم. از شما خواهش می‌کنم بجای گریه و زاری برای من نماز و روزه و اعمال شرعی که نتوانستم انجام دهم انجا دهید و چنانچه خدای نکرده بدهکاری دارم آن را پردازید و از طرف من عذر و بخشش بطلبید. به برادر بزرگترم موسی وصیت می‌کنم که هرگز پدر و مادر را اذیت و آزار ننماید^۵ و به آنها احترام بگذارد^۶ و در پیری دست آنها را بگیرد^۷ و غم‌خوار آنها باشد^۸ و حسین عزیز و عباس شما نیز به نوبه‌ی خودتان به پدر و مادر احترام و ارزش بگذارید^۹ و هرگز آنها را نا راحت نکنید بلکه آنها را در کارها یاری نمایید و هرچیزی که نیاز داشتند برای‌شان تهیه نمایید؛ زیرا اگر احترام به پدر و مادر خود بگذارید احترام به اولیای خدا و پیامبران می‌باشد پس احترام و عزت آنها واجب است و اگر پدر و مادر از ما ناراضی باشند خدا نیز از ما رضایت نخواهد داشت. از برکات خداوند یک باب منزل مسکونی دارم که هرچه پدر و مادر صلاح دانستند با آن بکنند خواه آن را وقف نمایند خواه آن را به برادرانم ببخشند چنانچه به برادرانم بخشیده شد از شما خواهش می‌کنم در حفظ

۵. در اصل: نمائی.
 ۶. در اصل: بگذاری.
 ۷. در اصل: بگیرد.
 ۸. در اصل: باشی.
 ۹. در اصل: قائل گردید.

و نگهداری آن کوشا باشی زیرا من با کار مکانیکی آن را بدست آوردم و تحصیل خود را رها کردم تا استاد^{۱۰} شوم شما نیز سعی کنید چنانچه خدا شهادت در راه خودش را [قسمت من]^{۱۱} کرد راه مرا ادامه دهید و نگذارید موتورسازی من و خط سرخ شهادت نیز از بین برود به دوستان و آشنایان و همشهریان خود نیز این بنده حقیر وصیت می‌نمایم که قدر این انقلاب شکوهمند اسلامی مان را بدانید و امام‌مان را در همه حال دعا و ثنا نمایید. به خانواده‌ی مراد پدر [بگویید]^{۱۲} از این که در این چند سال منزل شما می‌آمدم و به شما زحمت می‌دادم مرا ببخشید و مرا عفو کنید؛ زیرا شاید من لیاقت و شایستگی این که داماد شما باشم نداشتم پس خدا را شکر که دخترتان را به من ندادید زیرا من عاشق و معشوق کس دیگری بودم (خدا) و اگر خدا شهادت در راهش [را] نصیب من کرد خوشنود و خندان باشید و هرگز ماتم نگیرید و لباس سیاه بر تن نکنید و بگذارید خواهرم فاطمه ازدواج نماید و به سر و سامانی برسد از شما خواهش می‌کنم که من را ببخشید تا خداوند متعال مرا به جمع شهدای خود پذیرا باشد. در پایان خواهش می‌کنم پدر و مادر عزیز به خودتان فشار نیاورید و در عزای من لباس سیاه بر تن نکنید، بلکه خوشحال و خندان باشید که پسران در راه خدا شهید شده و بیاد شهدای دشت کربلا باشید که ۷۲ تن در یک‌جا و در یک روز شهید شدند و به لقاءالله پیوستند از این که وصیت‌نامه‌ام بدخط و زیاد و کم نوشته‌ام به بزرگواری خودتان ببخشید و چنانچه اشکالی داشت خودتان رفع نمایید از شما خواهش می‌کنم به شما التماس می‌نمایم پس از مرگ من دست‌انم را از تابوت بیرون کنید تا مردم بدانند که با خود چیزی به گور نمی‌برم بر سرم یخ بگذارید تا به جای خواهری که ندارم بر من بگرید چشمانم را باز بگذارید تا مردم بدانند که کور کورانه کشته نشده‌ام ان‌شاءالله که خدا قسمت کند که من در راه خدا شهید شوم و به جمع دوستان خود پیوندم. ای خدای مهربان و دانا و بر همه چیز آگاه! ناله‌ی این بنده‌ی در بندت را لحظه‌ای گوش کن و مرا به آنچه دوستدارم برسان و در پایان آخرین وصیتم به تمامی دوستان و آشنایان و هموعان خودم و دیگر افراد جامعه، از شما خواهش می‌کنم که

۱۰. در اصل: استادی.

۱۱. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «قسمت من» باشد.

۱۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «بگویید» باشد.

هرگز قلب امام عزیزمان را [به] درد نیاورید و قدر این انقلاب و این رهبر را بدانید و همیشه و در همه حال او را دعا کنید و رزمندگان را از یاد نبرید.
به امید پیروزی رزمندگان اسلام و نابودی صدام و صدامیان و طول عمر امام امت وصیت نامه خود را به اتمام می‌رسانم و نزد برادر عزیزم احمد باستانی می‌گذارم که تقدیم [نماید].

والسلام

احمد عوضی


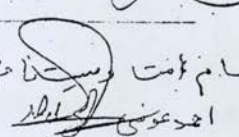
امضاء^{۱۳}

۱۳۶۰/۱۲/۳۰ صبح ۵م

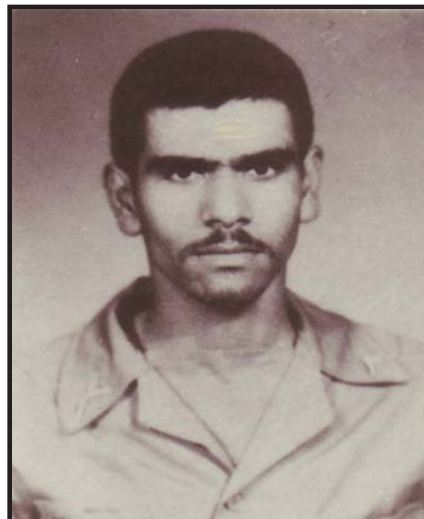
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 انا الله وانا الیه راجعون

سپاس الله بارساد رحمت خون شهیدان و بنام نامتوس که هفتاد و نهمین زار در این واپسین شبها خدا در سن ۳۶
 یعنی ۱۳۳۳ هجری که حدوداً ساعت ۵ راسب انشال بی دهن من از زلزله است از تنهایی در کنار رخصتو حاجم دراز کشیدم
 نیمه در خواب خود فرورفته بودم اما من در این نیمه شب زیر نور چراغ فانوس کوچکی که سوسوی زد دستم را به پروکتور کاغذ
 سفید من لرزیدم مثل پیامه ال و سرور را ندیدم ص ۱۶۶، وصیت نامه خود را می نوشتم زیرا اسر زلزله است با حقیران
 حد معلوم نیست و فقط پروردگار دانای داند که سر نوشت ما تک تک این برادران چه خواهد شد و آیا قسمت
 من نیز ضعیف است که این همه درد دنیا بگذردم و توانستم بنده شایسته ام باشم چه نصیبم خواهد شد آیا برادر بزرگ
 می کند یا اینکه رخصت شد ولی ان خدا را درم و رحیم و دانا و توانا از تویی خواهم و از تو خواهم من کنم مرا به مثل دیگر
 برادران عزیزم شهید سیدم و شهیدان دیگر و سردار لشکر کربلا محمود بگردان من جویو نوزده غلام که در
 تاریخ اول خرداد ماه سن ۱۳۴۰ دارا شماره ۱۳۴۰ در خانواده ام تمید است و بی غیره عقول شده ام و چشم
 پریشانی ز حال خود گذاشتم و به جمعیت زمان خود اضافه نگردیدم همانطور که گفتم من در سال ۱۳۴۰ به دنیا آمدم و نوزده
 سووم من بوده هستم و بعد از خودم دو برادر دیگر به نامهای منیر و عیال دارم آن دو برادر من موسی و حسین آن من بزرگتر
 هستم و به خدمت مقدس سرباز منیر رفته اند و من فرد سوم این خانواده هستم منیر هستم که چهار رصاه زودتر از
 رسیدن نوبت سربازی من به خدمت متدک رفته ام و در حال خدمت به اسلام بدو آن بر مملکت خویش میباشم
 که در این وقت شب شستم وصیت هام خود را می نمایم اولاً به پدر و مادر عزیزم که بی محمد زحمت و فطالت مرا
 کشیدند تا به این سن که بتوانم بران اسلام و معین خود خدمت کنم پروردگار عزیزم انرا خدا قسمت کرد و قابل
 دانست که مرا از پیش شما بهر در شما خواهم من کنم هرگز بدار من تریه و از من نکلید و استک نریزید زیرا تمامی

عجیب آخر خود را از من نمی برد زیرا که این راه نراهی است که من خودم انتخاب کردم زیرا که منیدر سینه را
و انبیا و ما بوده است که مثل ملائکه در میان دست کرد بلکه در یک روز به شهادت رسیدند که زینب (ع) در آن
زمان با بی و تنها با یزید میان در نبرد بود و هم اکنون شما نیز گریه و زاری بر سر نهید تا بتوانم پیش خدا طلب آمرزش نمایم از
شما خواهش می کنم بجای گریه و زاری بر سر من غمزد و روزه و اعمال شریعی که نتوانستم انجام دهم انجام دهید
و چنانچه خداوند بفرماید درم آن را بپردازید از طرف من عذر و بخشش بطلبید به برادر بزرگتر موسی و وصیت
می کنم که هرگز بر روی مادر را از دست و آزار نینمایید و به آنها احترام بگذارید و در پیر دست آنها را بپذیرید و غم خود
آنها با منی و حسین و عزیز علی شما نیز به نوبه خودتان بپذیرید و مادر احترام و از دست قائل گردید هرگز آنها را
ناراحت نکنید بلکه آنها را در کارها یاری نمائید و در چیزی که نیاز داشته باشند برای آن سهم نمایند زیرا اگر احترام به
بزرگوار و مادر خود بگذارید احترام به اولاد خدا و پدیده میان من با شما پس احترام و محبت آنها واجب است
و اگر به روی مادر از ما ناراحتی داشته خدا نیز از ما رفعت نخواهد داشت از بركات خداوند بطلب منزل مستور
دارم که هر چه در دلم در صلح دانسته با آن بکنند، خواه آن را وقت نمایند خواه آن را به برادر پذیرفتند چنانچه
به برادرانم بخشیدند از شما خواهش می کنم در حفظ و نگهداری آن کوشش بکنید زیرا من با کمال میل آن
را بدست آوردم و تحصیل آن ^{خود} را کرده ام تا استاد می شدم شما نیز سعی کنید چنانچه خدا مقصدت من شهادت
در راه خودش قبول کرد راه مرا ادامه دهید و نگذارید سوتور ساز من و خط سیر شهادت نیز از من برود به
دوستان و آشنایان و همسفران خود نیز این سینه حقیر و وصیت من نمایم که گذران انقلاب شکوهمند اسلامی
مان را بدانید و اما معیار را در همه حال دعا و شفا نمائید به خانواده، مراد بود از آنکه در این چند سال منزل شما

بن آدم و شما زحمت می دادم مرا ببخشید و مرا عفو کنید زیرا ساریه من لیت و ساریه من لیت را مادری با من
 ندانستم پس خدا را شکر که دخترتان را به من ندادید ~~چون~~ زیرا من عاشق و محسوس کسی دیگر بودم (خدا) و آنرا
 خدا شهادت در راهش نصیب من کرد خوشنود و خدا را ببخشید یا سید و شکر تمام نگیرید و لایق سیه بر تن نکنید
 و بجز اربیه خواهرم فاطمه از دواج غایب و ب سرو سامانی برسد از منی خواهر من می گفتم که من را ببخشید تا خداوند
 متعال مرا به جمع شهدا خود نهد و مرا با شهدا در میان خواهر من می گفتم پدر و مادر عزیز به خودتان فشار نیاورید و در
 محراب من لایق سیه و بر تن نکنید بلکه خوشحال و خندان باشید به پیرتان در راه خدا شهید شده و بیاد شهدا را
 دست کنید یا سید که تلاش در کجا و در یک روز شهید شدند و بقره الله میروستند از آنکه وصیت نامم
 بد خدا و زیاد و کم نوشته ام خودتان به بزرگواران ببخشید و غیا نفع اشکالی راست خودتان رنج نمانید
 از شما خواهش می کنم به شما التماس می نمایم پس از مرگ من دست نام را از طلبت بیرون کنید تا مردم بدانند
 که ما خود چنین روی گور نمی برم بر سر قبرم غی بگذارد به تا بیجا خواهر من که ندارم بر من بگریه حین نام را باز بگذارد
 تا مردم بدانند که کدر کرده اند نوشته نشده ام انشاء الله که خدا قسمت کند که من در راه خدا شهید شوم و به جمع
 در ستار خود بیوندم این خدای مهربان و دانا و بر همه چیز آگاه ناله این بنده در بندت را الحظه این گوش کن
 مرا به آنچه که دوست دارم برسان در پالی آخرین وصیت به جمعی در ستار و اکشایان و هموعیان خودم و دیگر
 افراد جامعه از من خواهش می کنم بهترین قلب امام عزیزمان را در دنیا و در راه و قدر این انقلاب را این رهبر را
 بدانید و همیشه در همه حال او را دعا کنید و رزمندگان را از یاد نبرید
 بود از عزیزانم  به امید رسیدن روز رزمندگان اسلام و تان در صدام و صد
 احمد باستانی
 می گذارم که تقسیم و موال محمد امامت است و سید خاتم خود را به اتمام می رسانم و نذر
 احمد عیسی  ۱۳۳۰ ر ۲۰ جم ۵۳
 والسلام

حسین عیسی زاده



نام: حسین

نام خانوادگی: عیسی زاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۰۱/۰۱

محل تولد: روستای صلخ از توابع شهرستان قشم

نام پدر: باقر

نام مادر: مریم

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۱/۱۱

محل شهادت: جاده ساوه- رباط کریم

نحوه شهادت: هنگام بازگشت از منطقه در جاده

ساوه- رباط کریم بر اثر سانحه رانندگی و

متلاشی شدن جمجمه

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ راه اسلام را پیش بگیرید و باز هم از خواهران بومی می خواهم که فاطمانه و زینب وار حجاب خود را حفظ کنند تا مشیت محکمی باشد بر دهان شرق و غرب.
- ◀ و از برادران بومی عزیز می خواهم که خدا را فراموش نکنند و رهنمودهای امام را عمل کنند و نماز پنج گانه خود را به جا آورند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

از خداوند بزرگ سلامتی رهبر انقلاب‌مان امام امت، امام خمینی (ره) را خواستارم و همیشه، برادران دعا کنید؛ که امام زنده بماند و اسلام پیروز شود. درود بر شهدا و رزمندگان جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، من حسین عیسی‌زاده فرزند باقر که در سال ۱۳۴۰ در بندر عباس متولد شده‌ام وصیت‌نامه‌ام بدین شرح می‌باشد، من همیشه دوست دارم برادران و خواهران و تمام مسلمین برای اسلام در اندیشه باشند و غیر از اسلام فکر دیگر در سر نداشته باشند. آنچه که مرا وا داشت تا در جبهه نبرد کنم مسئولیت انسانی و مسلمانیم هست و برای دفاع از قرآن، دین و مذهب می‌باشد. من از خانواده‌ام می‌خواهم که راه اسلام را پیش بگیرند و باز هم از خواهران بومی می‌خواهم که فاطمانه و زینب‌وار حجاب خود را حفظ کنند تا مشیت محکمی باشد بر دهان شرق و غرب؛ و از برادران بومی عزیز می‌خواهم که خدا را فراموش نکنند و رهنمودهای امام را عمل کنند و نماز پنج‌گانه خود را به جا آورند و در آخر گفتارم از پدر و مادر گرامی و خواهران و برادران عزیز می‌خواهم که خدا را فراموش نکنند و [...] این راه خدایی که من در پیش دارم [در این راه]^۳

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. «در» حذف شده است.

۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «در این راه» باشد.

اگر شهید شوم [که] راه سعادت و پیروزی اسلام است. درود بر امام خمینی.

مورخه ۱۳۶۱/۱۱/۲۱ تاریخ اعزام به جبهه سومار

والسلام حسین عیسی زاده

مرگ بر صدام کافر

«بِسْمِ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«وَالْحَسْبُ لِلَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

«آنانیکه در راه خدا کشته شده اند مرده میدانند بلکه آنان زنده اند روزی که خدا روزی من خواهد بود»

از خداوند بزرگ سلامتی رهبرانتان ای امام امت منی را خواستارم و همیشه برادران

دعا کنید که امام زنده با تو و اسلام پیروز شود درود بر شما را در روزندگان همه های

بنی دحق علیه باطل من حسین عیسی زاده فرزندان باقر که در سال ۱۳۰۳ در بند عباس

متولد شده ام و وصیت نامه ام بدین شرح است :

من همیشه دوست دارم برادران و خواهران رتنام سلیمان برای اسلام در اندیشه باشند و منی

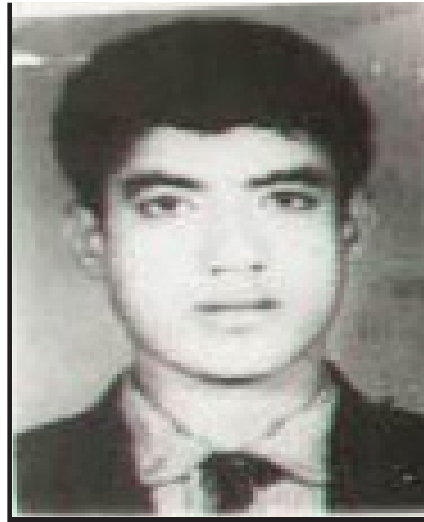
از اسلام فکری دیگر در سر نداشته باشند آنچه مرا و ادانت تا در همه بنی دکم سیرت

انسانی و سلیمان هست و برای دفاع از قرآن دین و مذهب من باشند من از خانواده ام

من خدا هم که راه اسلام را پیش بگیرد و باز هم از خواهران بوی من خواهم که غایبانه

و زینب وار حجاب خود را حفظ کنند تا است مصلی بکشد بر دهان شوق و غربت و از
 برادران بوس نیز خواهم که خدا را فراموش نکنند در رهنمودهای امام را عمل کنند
 نماز پنجگانه خود را بجا آورند و در آخر گفتارم از پدر و مادر گرامی و خواهران و برادران عزیز
 می خواهم که خدا را فراموش نکنند و در این راه خدایم که من در پیش دارم را اگر شریک شوم
 می خواهم راه سعادت و پیروزی اسلام است . درود بر امام خمینی
 مورخه ۱۱/۲۱/۱۳۱۱ تاریخ انحراف بجهت سومبار
 مرتکب بر صدام کافر
 والسلام حسین عینی زاده

عباس غسالی دمشیری



نام: عباس

نام خانوادگی: غسالی دمشیری

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۰۳/۰۵

محل تولد: روستای دمشیر از توابع شهرستان

میناب

نام پدر: حسین

نام مادر: رقیه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

شغل: کارمند اداره پست

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۴/۲۳

محل شهادت: کوشک

نحوه شهادت:

مزار یادبود: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ همیشه در دنیا و آخرت، توکل به خدا و قرآن کنید و دست‌های عاجزتان همیشه پیش خدا دراز باشد و احتیاج به خلق خدا نداشته باشید که خلق نمی‌تواند کاری برای شما انجام دهند.
- ◀ وای به حال شما که خدا و قرآن و رسولان و فرشتگان و امامان خدا، از شما ناراضی باشند شما بیچاره و ذلیل در دنیا و آخرت می‌شوید.
- ◀ همیشه خدا و مرگ و روز قیامت و بهشت و دوزخ [را] بیاد بیاورید و از این‌ها نباید غافل باشید.
- ◀ هر کاری که می‌خواهید بکنید یا به جایی می‌خواهید بروید با اجازه خدا بروید.

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه عباس غسالی به فرزندانش درباره‌ی عبادت خدای یگانه و مهربان چه دختر،

چه پسر.

وصیت‌نامه عباس غسالی:

سپاس خداوند قادر مطلق که به همه چیز احاطه کامل دارد و خدایی به جز خدای یکتا نیست و نخواهد بود و درود خدا بر روان پاک پیغمبران و فرشتگان و امامان و قرآن عظیمش که به رهبری بشر آمده‌اند؛ که آن‌ها را از گمراهی نجات دهند و به نور خدا هدایت کنند. فرزندانم دنیا و مال دنیا به کار شما نمی‌خورد و حریص پول و مال دنیا نباشید و آخر تمام خلاق خواهند مرد و آدم باید همیشه فکر آخرت که زندگی ابدی است [را] کند و اگر صد سال در دنیا زندگی کنید دو روز بیش نیست و آن زندگی آخرت بوسیله‌ی عبادت و خواندن قرآن و کارها خیر و آن هم فقط برای خداوند نه برای مردم. فرزندانم! تا می‌توانید عبادت خدا بجا آورید و همیشه نماز و به خواندن قرآن عظیم مشغول باشید و جان و مال‌تان در راه خدا و قرآن خرج کنید و از شوق دل، اطاعت خدا و قرآن و رسولان و فرشتگان و امامانش اجابت کنید و نماز و قرآن بخوانید و به کارهای خیر که برای خوشنودی خداست پردازید و همیشه در دنیا و آخرت توکل به خدا و قرآن کنید و دست‌های عاجزتان همیشه پیش خدا دراز باشد و احتیاج به خلق خدا نداشته باشید؛ که خلق نمی‌تواند کاری برای شما انجام دهند و در مقابل بزرگی خدا همیشه عاجز و ناتوانند و آن خداست که تمام کارها را انجام می‌دهد و هرگز عاجز نمی‌شود و نخواهد شد و خودتان و کارهایتان در دنیا و آخرت به خدا و قرآن واگذار کنید و هر کاری که می‌خواهید بکنید یا به جایی می‌خواهید بروید با اجازه خدا بروید و همیشه شکر نعمتش که نصیب شما کرده بجا بیاورید و در تمام کارها صبر پیشه کنید و

همیشه به فکر یتیمان و فقیران و کوران و محتاجان باشید و از آن‌ها غافل نباشید و به اندازه دسترس‌تان به آن‌ها کمک کنید که این بهترین ثواب پیش خداست. پیش مردم خار و ذلیل باشید ولی پیش خدا و قرآن و پیغمبران و فرشتگان و امامان عزیز و سر بلند باشید فرزندانم! وای به حال شما که خدا و قرآن و رسولان و فرشتگان و امامان خدا، از شما ناراضی باشند شما بیچاره و ذلیل در دنیا و آخرت می‌شوید و دیگر آن موقع فرزندان من نیستید و نخواهید بود؛ پس به خواست خدا نگذارید که شیطان ملعون و پیروانش از شما خوشنود باشند و مبادا کارهایی که بر خلاف خداست انجام دهید. فرزندانم! همیشه خدا [را] در نظر بگیرید چرا که خدا از رنگ گردن به شما نزدیک‌تر است و همه کارهای^۲ [...] خوب [...] و^۴ [...] بد شما^۵ [را] می‌داند. و همیشه خدا و مرگ و روز قیامت و بهشت و دوزخ [را] بیاد بیاورید و از این‌ها نباید غافل باشید اگر یک‌روز کار کردی مزد می‌گیری اگر کار نکردی مزد نخواهید گرفت پس اگر عبادت خدا و اطاعت از قرآن و رسولان و فرشتگان و امامان خدا کردید^۷، پاداش از خدا دریافت می‌کنید و اگر انجام ندادید پاداش نمی‌گیرید و عاقبت راه، شیطان است که راهی است بسوی دوزخ که بد منزل گاهی است برای بدکاران پس عقل و فکر^۸ و اندیشه [را] به کار ببرید و به سوی خدا بشتابید و همیشه با ادب و معرفت و خوش اخلاق باشید و با همه کس سلام و احوال‌پرسی کنید چه بزرگ و چه کوچک و [...] کسی [را] اذیت نکنید حتی یک مورچه، نباید از شما برنجد؛ و در مقابل بزرگی خدا، خودتان [را] پست و ناچیز بگیرید حتی از یک مورچه‌ی ریز! فرزندانم! غافل از خواندن قرآن و نماز و سایر عبادات و دستورات نباشید و همیشه قرآن ترجمه‌دار بخوانید و معنی آن [را] هم بفهمید و همیشه مطیع و فرمانبردار خدا باشید و کارهای خیر از او بخواهید و همیشه دعا کنید تا خدا به راه راست

۱. در اصل: دیگر.

۲. در اصل: هر کاری.

۳. «چه» حذف شده است.

۴. «باشد» حذف شده است.

۵. «چه» حذف شده است.

۶. در اصل: همه.

۷. در اصل: کردید.

۸. در اصل: فکرت.

۹. «به» حذف شده است.

هدایت‌تان کند و هم‌چنین برای مردم دعای خیر کنید.
اگر صد سال در دنیا بمانی دو روز بیش نیست فکر آخرت کن که تا ابد زنده‌ای
این بود وصیتم به شما فرزندانم که باید گوش کنید و عمل نمایید و همیشه محتاج خدا
باشید. با خدا باشید که خدا با شماست. فرزندانم! همیشه که از خانه می‌خواهید بیرون بروید
به قرآن سجده کنید و به راه‌تان ادامه دهید و وقتی هم که به خانه وارد می‌شوید باز هم به
قرآن سجده کنید.

مورخه ۵۶/۱۱۴/۲۰

عباس غسالی دمشهری

امضاء^{۱۰}

بسم الله الرحمن الرحيم و بصیرت نام عباس غسالی به نیت نداشتن درباره عبادت خدای سبحان و تعالی
 چه هر چه در دفتر بصیرت نام عباس غسالی
 پس خدایوند قادر مطلق که بی همه چیز احاطه کامل دارد و خدای بی چیز خدای بی نیاز نیست و بخواند برود
 و در خدای بی برهان پاک بی غیران در فرشتگان و امامان و در آن عقیقت که بی همه چیز آمده اند که آنرا
 از کفر اهل نجات دهند در نور خدا هدایت کنند فرزند انم دنیا و مال دنیا بی کارشما نمی خورد و در حق
 یونان و مال دنیا نیاید و آخر تمام خلایق خوارند در و آدم! بدیده فکر آخرت که زندگی ابری است کند
 و اگر خدا سال در دنیا زندگی کند در روز بی نیست در آن زندگی آخرت برسد عبادت و خواندن قرآن و
 کارهای خیر و آخرت فقط برای خداوند برای مردم فرزند نام تا می خوانند عبادت خدا بجا بیاید و هر چه نماند
 بخواندن قرآن عظیم شکر باری و حیال هم مال تان در راه خدا و قرآن خرم کنید و از شوق دل المامت
 خدا و قرآن رسولان و فرشتگان و امامان را که جوابت کنند و شما در قرآن بخوانند و بی کارهای خیر برای
 خود بخوانند خداست بی بدیدید و هر چه در دنیا و آخرت از کمال می خدا و قرآن کند در ستای عبادت آن همیشه
 خدا در دنیا و آخرت و در دنیا و آخرت که خلق خدا نماند نیاید که خلق نمیشد اندک کاری برای شما انجام بدهند در مقام بزرگی خدا
 همه عبادت را تا خوانند و قرآن خداست که تمام کارها انجام میدهد و هرگز عبادت غیر خود را و کارها
 تیان در دنیا و آخرت به خدا و قرآن و گذر کند و هر کاری که میزاهد کند این جایی میزاهد برود با اجازه خدا پرورد
 و هر چه شکر نفس که نصیب شما کرده بجا بیاید و در تمام کارها همیشه کند و همیشه بنگر تیان و فقیران و کوران
 متاجار باشد و از آنجا خانی تابید و به اندازه دست است که آنرا کند که این بقدرت و اسب پس خداست
 پیش مردم خار و زلیل باشد و بی پیش خدا و قرآن در پی غیران و فرشتگان و امامان عزیز و صبر کنید
 بیست فرزند نام خدای بی حال شما که خدا و قرآن و رسولان و فرشتگان و امامان خدا از شما ناراضی باشد و دیگر
 بیچاره و زلیل در دنیا و آخرت می شود و دیگر آن موقع فرزند ان من نیستد و بخواند بود پس
 بی خواست خدا ننگد کردید که شما ان ملعون در میدان از شما خوشتر باشد و مبارک کارها می که
 بقیمه آن طرف بخوانند



بر خلاف خداست انجام دهد فرزندان همه خدا در نقد بگیرد چرا که خدا از رنگ گردن بهشتا
 نزدیکتر است و قدرکاری که چه خوب باشد چه بد هم میداند و همه خدا و ملک در روز قیامت
 نیست و در روز بیاید و در زمین هانباید غافل باشید اگر تک روز کار کردی نزد
 میگیری اگر کار نکردی نزد نخواهد گرفت پس اگر عبادت خدا و اطاعت لزر قرآن و
 رسولان و در شکرمان و اطاعت خدا کردید پاداش لزر خدا دریافت کنید و اگر انجام ندادید
 پاداش نمیگیرید و عاقبت راه شیطان است نه راه حق است بیوی دوزخ که بر منزل
 گماهی است برای بدکاران پس عقل و قدرت و اندیشه بکار ببرید و بوی خدا
 بستانید و همه با ادب و با معرفت و قوی اخلاق باشید و با همه کس سلام و احوالپرسی کنید
 چه بزرگ و چه کوچک و بکنی از دست نکند حتی تک مریضی که زاری نماید بفرجید
 و در قیامت بزرگی خدا خودتان است و تا چیزی بگیرد حتی از تک مریضی بفرزندانم

خانم ز غولدن قرآن و نماز و سایر عبادت و در دست خدا نماند و همه قرآن
 ترجمه در خوانند و معنی آنم بفهمند و همه مطیع و فرمانبردار خدا باشند و کارهای خیر را از
 بخوانند و همه دعا کنند تا خدا پناه راست هدایت کند و همچنین بر مردم دعای خیر کنید
 اگر صد سال در دنیا بمانی در روز برش نیست فکر آخرت کن که تا ابد زنده ای
 این برده و همه بیگم فرزندانم که باید گوش کنند و عمل نمایند و همه محتاج خدا باشند



با خدا ایستد که خدا با شماست
 فرزندانم همه گفتنم بخوانند بیرون بروید به قرآن بسجده کنید و پناه تان ادا مدهید و وقتی دم که به خانم
 دارد میرید بایزم به قرآن بسجده کنید
 مورخه ۲۰ آذر ۵۹

محمد غلامپور گشوئیہ



نام: محمد

نام خانوادگی: غلامپور گشوئیہ

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱۰/۲۰

محل تولد: شهرستان خرمشهر

نام پدر: عجم

نام مادر: شکوفه

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۰۳/۲۳

محل شهادت: محور آبادان - ماهشهر

نحوه شهادت: اصابت گلوله توپ

محل دفن: شهرستان آبادان

گلچین وصیت نامه

◀ تا ظلم هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، شکست و پیروزی هست این [را] من نمی گویم این را تاریخ گفته است و می گوید، این را خلق ایران، فلسطین و ویتنام می گویند و تا این تبعیض نژادی ها هست و تا این ظلم هست مبارزه هست.

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند درهم کوبنده ستمگران

این وصیت‌نامه را برای تو مادر مهربانم می‌نویسم و تو را تا آخر عمر دوست می‌دارم؛ و مادر! اگر جهان انگشتی باشد تو نگین آن، هستی و من می‌خواهم بروم آبادان و بجنم و شهید بشوم و خدا [...] راضی نیست که من در این جا باشم و رفقایم در صف اول جبهه. مادر! اگر من مردم بر سر مزارم گریه مکن که گریه تو شادی دشمن است بگذار تا دشمن بداند که شهید شدن برای ما شادی است نه زاری.

مادر! من از تو یک خواهش دارم و این است که معصومه را به محمد بافتی بدهید^۱، کاش می‌دانستید^۲ قلب یک جوان را شکستن چقدر بد است؛ و معصومه اگر می‌خواهی روح من را شاد کنی این^۳ کار را انجام بده^۴ کاش می‌دانستی که محمد بافتی چقدر شکسته شده، رنگش زرد شده و هر روز غصه^۵ می‌خورد. من دوست ندارم و حتی خدای من هم ناراحت می‌شود که دل یک یتیم را بشکنی و او^۶ هنوز جوان است و خیلی آرزو دارد و من هم یک روزی عاشق شدم، عاشق پروانه! ولی قلبم را شکست به من گفت: برو گمشو! تو سیاه هستی و [...] و مادرم اجازه نمی‌دهد که من با یک سیاه عروسی کنم، ولی من می‌دانم که تو [...]»

۱. «را» حذف شده است.

۲. در اصل: بدهین.

۳. در اصل: می‌دانستین.

۴. در اصل: همین.

۵. در اصل: بکن.

۶. در اصل: قصه.

۷. در اصل: اون.

۸. ناخواناست.

۹. «اینطور نیستی و» حذف شده است.

مثل [...] ^{۱۰} سفیدهای خودخواه و نژادپرست نیستی و دیگر این که، به قول مهدی رضایی گل سرخ انقلاب تا ظلم هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، شکست و پیروزی هست ^{۱۱}، ولی شکست از آن امپریالیسم و پیروزی از آن [...] ^{۱۲} این [را] من نمی گویم این را تاریخ گفته است و می گوید، این را خلق ایران فلسطین و ویتنام می گویند ^{۱۳}؛ و تا این تبعیض نژادی‌ها هست و تا این ظلم هست ^{۱۴} مبارزه هست ^{۱۵} و به گفته رسول اکرم (جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ) ^{۱۶} و خدایا! رهبری عالیقدرمان را سلامت نگهدار. پیروز باد جنبش مسلحانه خلق مسلمان ایران، به رهبری امام خمینی (ره)، پیروز باد جنبش خلق مسلمان، به رهبری امام خمینی (ره). مادرم! یک‌ماه دیگر ثلث سوم شروع می‌شود و بیکار می‌شویم دیگر سرت را درد نمی‌آورم. خداحافظ هرگز فراموش نمی‌کن.

وصیت محمد غلامپور

امضاء ^{۱۷}

۱۰. «اون» حذف شده است.

۱۱. در اصل: است.

۱۲. ناخواناست.

۱۳. در اصل: می گوید.

۱۴. در اصل: هست.

۱۵. در اصل: هست.

۱۶. بخشی از آیه ۱۷، سوره اسرا.

۱۷. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



مرکز اسناد ایثارگران

حد احوال

بیت ما دیگر تک نسوم بشویم و بیکار می شویم. دیگر سرت را در دنیای آدم

Handwritten signature

هرگز فراموشش نمی کنم

و همیشه با من است

دانا دادوند در هم آورنده دستنهاد

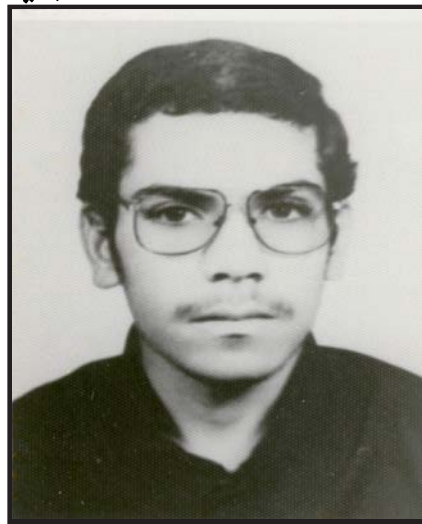


این وصیتنامه را برای تو مادر مهر بان می نویسم و تو را تا آخر عمر دوست دارم و مادر آبرجهانی بلای منی باشی تو نفس آه هستی و موه من خواهم بروم آبادان و ببینم و شهید بشوم و خدا را با منی نیست که من در این جا باشم و رفقایم در صف اول دیده.

مادر گویم مردم بر سر من آرام گریه نکنند که گریه تر نشادی دشمن است بگذار تا دشمن بداند که شهید شدن برای ما شادی است نه زاری

مادر من از تو یک خواهش دارم و این است که معمومه را به حبیبه بیاختی بدین تاش می دانستم قلب یک جوان را شکستنی بقدرد است و معمومه آنکه می خواهی روح مرا شاد کنی همیشه ما را بفرست که تاش می دانستی که مقه با منی چقدر شکست شده رفتن بر رفته و هر روز هفته می خورد من دوست دارم و حتی ذراتی من هم ناراحت می شود که دل یک یتیم را بشکنتی و اولی هندز جوان است و شبی آرزو دارم و من هم یک روزی عاشق شدم عاشق پدانه دلی همی را شکست به من گفت برو کمترین قوت سیاه هستی و فیره و مادر اجازه نمی دهی که من با یک سیاه بروی کنم ولی می دانم که تو انبوری شستی و من اولی سفینه های خود خواه و نرادر است منجی و دیگر اینکه بقول مهدی رحمانی کل سرخ انقلاب تا ظلم است مبارزه هست و تا مبارزه است شکست و پیروزی است و بی شکست از آنکه امیرالیم و پیروزی از آنکه خلقها این من می گویم این را تاریخ گفته است می گوید این را خلق ایران که طسطنین و قیام می گوید و تا این تعیین نرود این ما هست و تا این ظلم است مبارزه است و بقیه رسول آدم با لایق و ذمق باطل و دنیا را رهبر کالقه. باز را سلامت نگه دار پیروز باد دشمنان خلق مسلمان ایران برهبری امام خمینی پیروز باد دشمن خلق مسلمان برهبری امام خمینی

حسن غلامی قلات بالایی



نام: حسن

نام خانوادگی: غلامی قلات بالایی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۴/۰۱

محل تولد: روستای کنارو تابعه شهرستان

بندرعباس

نام پدر: علی

نام مادر: زهرا

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۱/۲۹

محل شهادت: فاو عراق

نحوه شهادت:

محل دفن: روستای کنارو شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ اگر گریه می‌خواهید برای سید الشهداء برای سردار شهیدان حضرت ابا عبدالحسین (ع) باشد.

بسمه تعالی

با سلام بر امام زمان (عج) و نائب برحقش امام خمینی (ره) و قائم مقام رهبری، حضرت آیت الله منتظری و با سلام بر خانواده‌های شهدا، اسرا، مفقودین، [...] و جانبازان. با عرض سلام، خدمت خانواده معظم شهید عبدالرضا مریدی، امیدوارم حال تان خوب باشد و هیچ کسالتی نداشته باشید و اگر از حال این حقیر بخواهی بحمدالله خوب می‌باشم و به دعا [...] مشغولم و هم چنین شهادت [...] برادر عزیزم عبدالرضا را به شما تسلیت [می‌گویم] [...] به خاطر این که چنین جوان حماسه ساز، را از دست داده‌اید و تبریک برای این که توانستید جوانی خوب تربیت کنید و امانتی را که خداوند تبارک و تعالی به دست شما داده بود به خودش بسپارید، جوانی که نماز شبش ترک نمی‌شد. [...] این نباشد که این عزیز را از دست داده [...] اگر گریه می‌خواهید برای سیدالشهدا برای سردار شهیدان حضرت اباعبدالحسین (ع) باشد [...] می‌فرمایید که اگر خواستید برای عزیز از دست رفته‌ای گریه کنید بیاد من باشید. از خداوند متعال برای شما خانواده معظم صبر و اجر اخروی می‌خواهم^۸. والسلام علیکم.

حسن غلامی - امضاء^۹

۱. ناخواناست.

۲. «گویی» حذف شده است.

۳. ناخواناست.

۴. «به خاطر اینکه چنین جوان حماسه ساز تسلیت ما برای همین است» حذف شده است.

۵. ناخواناست.

۶. ناخواناست.

۷. ناخواناست.

۸. در اصل: می‌خواهیم.

۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۳۵	دوشنبه	۳۲
شوال	۱	June
۱۴۰۷	نیر	1987

یادداشت:

Note:

مرکز اسناد ایثارگران

بیا در این روز چهارم سال پس از ما کارنامه معظّم حضرت
 اخبر ما هم

۱۳۸۳

۱۳۸۳

۱۳۸۳

یادداشت روزانه:

شهادت حضرت امام جعفر صادق (ع) - بخاطر

اسماعیل فرخی نژاد



نام: اسماعیل

نام خانوادگی: فرخی نژاد

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱۱/۲۵

محل تولد: شهرستان آبادان

نام پدر: محرم

نام مادر: مرضیه

تحصیلات: دیپلم

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۰

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سر

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان آبادان

گلچین وصیت نامه

- ◀ هر شب قبل از خواب سوره توحید و الواقعة را بخوانید تا برکات خداوندی شامل حال تان گردد، هم در دنیا و هم در آخرت.
- ◀ قرآن را به خوبی فرا گیرید و نمازتان ترک نشود و ان شاء الله همیشه در اول وقت آن را به جا آورید؛ زیرا که امام زمان همیشه نمازش را اول وقت می خواند صبح ها که برای نماز بر می خیزید رو به قبله بایستید و بر امام حسین (ع) و فرزندش و اولادش و اصحابش سلام بدهید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پس از حمد و ستایش خداوند یگانه و درود به رسول فرزانه و سلام بر حسین (ع) و سلام نیز بر اهل بیت نبوت و امامت و نیز سلام و صلوات بر حجت خدا حضرت ولی عصر و عرض سلام پیشگاه قلب تپنده‌ی جهان اسلام خمینی بت شکن زمان و درود و سلام و صلوات بر پیشگاه مقدس تمامی شهیدان راه حق و عدالت و بازماندگان آن عزیزان و تبریک و تهنیت بر تمامی رزمندگان و سلحشوران عزیز اسلام که جان بر کف چون مولای‌شان امام حسین (ع) فریاد بر می‌آورند که هَيْهَاتِ مِنَّا الدَّلَّةُ^۱ و سلام خدمت خانواده گرامی و زحمت کش [و با تقوای] خودم [...] و اول سلام بر پدر و مادر گرامی و مهربان و زحمت کش و دلسوزم، امیدوارم که همیشه با توجهات و الطاف الهی زندگی را بخوبی در راه اهداف عالی اسلام بگذرانید و به لطف الهی ملالی برای‌تان در کار نباشد. پدرم، مادرم! من آن قدر شرمنده‌تان هستم که بخواهم چند کلامی با شما وصیت کنم؛ آخر من هیچ وقت کاری نکردم که باعث رضایت شما باشد. پدر و مادری که شب و روزتان را به خاطر من پیر و کور و علیل شدید. تو پدری که با بیماری چندین ساله‌ات ساختی تا این که مرا به این حد رساندی تو مادری که در طی این مدت جنگ از منزل گاه اصلی خودمان جابه‌جا شدیم چقدر زجر کشیدی اما من گنه‌کار روسیاه قدر ندانستم ولی امیدوارم که خداوند بحق سر مطهر بریده‌ی امام حسین (ع) خودش پاداش این همه زحمات بی‌دریغ شما را بدهد. امیدوارم که خداوند بحق زحمات بی‌دریغ شما پدران و مادران که شب و روز، هم و غم‌تان آماده ساختن فرزندان‌تان برای یاری دادن اسلام است، رزمندگان سلحشور ما را ان‌شاءالله پیروز و موفق بگرداند اکنون

۱. جمله معروف امام حسین (ع) در روز عاشورا: «محال است تنّ به ذلّت دهیم».

۲. «سلام بر خانواده‌ی زحمت‌کش و با تقوای خودم» حذف شده است.

پدرم و مادرم در این شرایط فعلی پیروزی اسلام و مسلمین برایم مهم است نه تنها من، بلکه تمامی رزمندگان مستضعف اسلام و ملت شهیدپرور اسلام. پدرم و مادرم و خواهر و برادرانم! دلم می‌خواهد که اگر لیاقتی [...] من شد و شهید شدم ناراحت نباشید و شیون و ناله و زاری نکنید؛ زیرا که [...] ناراحت شدن [برای شهید] معنی ندارد ولی اگر خواستید گریه کنید که عقده دل‌تان خالی شود، گریه کنید که خداوند این گریه را دوست دارد، اما نه گریه برای از دست دادن من گنهکار [...]، گریه کنید برای مظلومیت امام حسین (ع) و یارانش و اسیرانش در زمان خودش و گریه کنید برای برادران رزمنده‌ای که مظلومانه سرها و دست‌ها و پاهای‌شان از تن جدا شده و گریه کنید برای عزیزانی که شهید شدند، ولی هرگز جنازه‌های‌شان پیدا نشدند و پدران و مادران‌شان [که] هر دم انتظار می‌کشند؛ و گریه کنید برای آن بچه‌های کوچکی که شب‌ها تا نیمه شب دم در خانه می‌نشینند و منتظر آمدن پدر است و گریه کنید برای تمام شهیدان مظلوم حسینی. پس پدرم! مادرم! مرا ببخشید زیرا که من همیشه در کودکی‌ام^۶ در موقع ماه مبارک محرم الحرام با خود می‌گفتم پس من کجا بودم که امام عزیزم در [...] در زمان یزید خائن [...] ولی دیری نگذشت که خداوند به این خواسته قلبی من و خیلی‌های دیگر جواب داد. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و جنگ شروع شد و باز ندای هَلْ مِنْ نَاصِرٍ یَنْصُرُنِیَ^{۱۱} حسین (ع) که^{۱۱} توسط فرزندش روح‌الله بلند شد و خیلی از مشتاقان به او عاشقانه لبیک گفتند [و] به دیدارش شتافتند و من نیز از خداوند می‌خواهم [...] مرا که گنهکاری بیش نیستم، جزء لشکر خودش به حساب آورد و امیدوارم که از سربازان امام حسین (ع) و امام زمان ارواح‌العالمین له‌الفداء باشم. پدر و مادرم و خواهر و برادرانم! امیدوارم که مرا ببخشید من همه‌ی شما دوستان فامیل و اقوام را

۳. ناخواناست.

۴. «شهید برایش» حذف شده است.

۵. «نکنید» حذف شده است.

۶. در اصل: به دست نیامد.

۷. در اصل: کودکی‌هایم.

۸. «آن زمان» حذف شده است.

۹. ناخواناست.

۱۰. جمله معروف امام حسین در روز عاشورا: «آیا کسی هست که مرا یاری کند»؟

۱۱. در اصل: به.

۱۲. «که» حذف شده است.

حلال می‌کنم و امیدوارم که شما نیز مرا حلال کنید. مرا هر جا که خودتان صلاح می‌دانید دفن کنید و در اولویت نظر پدر و مادرم شرط می‌باشد. به مصطفی بگوئید همیشه هوشیار باش و در زندگی با یاد خدای متعال پیش برو همیشه خوب نگاه کن و بین با چه کسانی رفت و آمد داری از مرتضی، سعید، شهریار و فرزانه می‌خواهم که به درس‌شان ادامه دهند. با جدیت و کوشش تمام درس بخوانند تا ان‌شاءالله سربازان و افراد به درد بخوری برای اسلام و مسلمین بشوند. از شما برادران عزیزم می‌خواهم که خواهرمان را ان‌شاءالله اگر خدا بخواهد عروسی کنید و تنها نگذاریدش و نیز مراقب حمیدرضا جان باشید و متحد و صمیمی تا پایان عمرتان [...]»^{۱۳} باشید و به حرف‌های پدر و مادرم گوش کنید و کاری نکنید که آن‌ها از شما برنجند روح من وقتی شاد است که پدر و مادرم شاد باشند و ناراحت است وقتی پدر و مادرم ناراحت باشند. من مقداری پول از جهاد سازندگی طلبکار می‌باشم اگر به آن احتیاج داشتید آن را بگیرید و گرنه آن را صرف جبهه‌ها و سربازان امام حسین (ع) کنید و یا هر طور که خودتان صلاح می‌دانید. در کارهای‌تان یاد خدا را از یاد نبرید و هیچ‌گاه در سخت‌ترین شرایط از خداوند مأیوس نشوید هر شب قبل از خواب سوره توحید و الواقعة را بخوانید تا برکات خداوندی شامل حال‌تان گردد^{۱۴}، هم در دنیا و هم در آخرت. به خانواده‌ام و نیز به عموهایم و فامیلم سفارش می‌کنم که مبادا بین شما جدایی بیافتد که روح مرا آزار می‌دهد حتی اگر جدایی شما برای یک روز هم باشد، به فامیل و برادرانم سفارش می‌کنم که قرآن را به خوبی فرا گیرند و نمازشان ترک نشود و ان‌شاءالله همیشه در اول وقت آن را به جا آورند زیرا که امام زمان همیشه نمازش را اول وقت می‌خواند صبح‌ها که برای نماز بر می‌خیزد رو به قبله بایستید و بر امام حسین (ع) و فرزندش و اولادش و اصحابش سلام بدهید الان موقع اذان مغرب است و مکبر ندای اذان سر می‌دهد تا ساعاتی دیگر به امید خداوند [...]»^{۱۵} با خائنین به حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) و اهل بیت آن‌ها می‌شویم. ۱۰۰۰ تومان به جهاد ستاد و پشتیبانی برای جنگ واریز کنید. من از راه دور دست تو پیرزنی که دانه دانه تخم مرغ‌هایت را

۱۳. «هم‌دیگر را داشته» حذف شده است.

۱۴. در اصل: بگردد.

۱۵. ناخواناست.

جمع می‌کنی و برای من و دیگر برادران می‌فرستی می‌بوسم دست و پای تو [...]»^{۱۶} که مصرانه صبر می‌کنی و سلام و درود و صلوات بر خانواده‌های پر صبر و شهیدان من [...]»^{۱۷} شرمنده‌ی همه‌ی شما هستم و امیدوارم که مرا ببخشید امام را تنها نگذارید پشتیبان انقلاب و امام باشید از برادرم مصطفی معذرت می‌خواهم که برایش نامه ندادم زیرا که وقت نداشتم و از تلگراف‌هایش یکی رسیده تمام دوستان و آشنایان را سلام فراوان برسانید. ضمناً پدر بزرگ و مادر بزرگ را سلام فراوان برسانید. خدا حافظ همه شما باشد. التماس دعای مخصوص [برای] امام [...]»^{۱۸}، امام زمان [و] [...]»^{۱۹} برای پیروزی رزمندگان.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

سلام بر حسین (ع) سلام بر فرزند حسین (ع)

سلام بر اولاد حسین (ع) و سلام بر اصحاب امام حسین (ع)

یا حسین (ع) یا حسین (ع) یا حسین (ع)

ارادتمند شما و همه‌ی مومنین اسماعیل فرخی نژاد

امضاء^{۲۰}

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسمه تعالی

پس از حمد و ستایش خدای یگانه و درود به رسول فرزانه و سلام بر حجت حق آقا امام زمان (عج) و سلام بر رهبر کبیر اسلام امام خمینی و صلوات بر شهیدان گلگون کفن عزیز اسلام و سلام بر رزمندگان پرتوان اسلام و سلام خدمت پدر و مادر بزرگ و خواهر و برادرانم! خود را لایق نوشتن چیزی به عنوان وصیت‌نامه نمی‌دانم ولی چون که یک امر ضروری است و تکلیف است کلامی چند، را می‌نویسم. اول همه از شما پدر و مادرم خیلی

۱۶. ناخواناست.

۱۷. «در روی» حذف شده است.

۱۸. «را دعا کنید» حذف شده است.

۱۹. «را دعا کنید» حذف شده است.

۲۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

تشکر می‌کنم به خاطر این که برای من زحمت کشیدید و مرا به این سن^{۲۱} رساندید که بتوانم در راه خدا پیکار کنم و نیز این قدر مرا تشویق به امور خیر و اوامر در [راه] خدا می‌کردید و امیدوارم که مرا حلال کنید که در نبود من هیچ خلایقی در خانه نباشد. پدر و مادر بزرگوارم! شاید من هیچ وقت فرزند خوبی نبوده باشم برای شما ولی خدا می‌داند همیشه سعی و تلاش بر این بوده است که رضایت شما را که همانا رضایت خداست جلب کنم و مبادا به حرف شیطان گوش کنید که فلانی فرزندش رفت چه گیرش آمد، لطف و احسان خدای منان بیش از این حرف‌هاست. برادرانم مصطفی و خواهرم [...] ^{۲۲} امیدوارم که به همراه عزیزانم مهدیه و مجتبی در پناه خداوند متعال زندگی خوبی را داشته باشید؛ و مصطفی جان، پدر، مادر، خواهر و برادران، [راه] مرا رها مکن و سعی کن که از حال‌شان غفلت نکنی و هم شما و هم مرتضی، سعید، شهریار، فرزانه و حمیدرضا را وصیت می‌کنم تا آنجایی که می‌توانید سعی و کوشش کنید که به دانشگاه بروید و برای [این] کشور اسلامی^{۲۳} خدمت کنید و سعی کنید که دل پدر و مادر را شاد کنید. مادر بزرگ گرامی‌ام، امیدوارم که مرا^{۲۴} حلال کنید و به پدر مادر و خواهر و برادرانم سفارش می‌کنم که مثل همیشه بلکه بیش‌تر به امورات مادر بزرگ توجه کنید و همیشه در کارهای‌تان به خدا توکل کنید و دامن ائمه اطهار را بگیرید که ان‌شاءالله حاجت‌های شما را روا خواهند کرد^{۲۵} از خانواده، عموباران، عمو عباس، عمو خدامراد، عمو [...] ^{۲۶}، عمه فاطمه، بچه‌ها، عمو حسین [...] ^{۲۷}، بچه‌ها، پسر عموها، دختر عمه‌ها و خلاصه تمامی قوم و خویشان التماس دعا دارم و امیدوارم که مرا حلال کنند و سعی کنید که وحدت خودتان را حفظ کنید تا خدا از شما خوشنود باشد در مورد محل دفن من پدر و مادرم و خواهر و برادرانم هر آنچه را تصمیم بگیرید درست است ولی اگر برادرم فرزاد هم شهید شد دوست دارم در کنار ایشان باشم، ولی در اولویت نظر پدر و مادرم شرط است نه نظر

۲۱. در اصل: حد.

۲۲. ناخواناست.

۲۳. در اصل: اسلام.

۲۴. در اصل: ما را.

۲۵. در اصل: خواهد کرد.

۲۶. ناخواناست.

۲۷. ناخواناست.

من از تمامی دوستانم، مرادی، فیروزی فر، مهدوی، ناصر حسینی، فرزاد [...] با خانواده‌های برادران‌شان، حسین علی عالی، یار احمدی، دادعلی پور التماس دعای خیر دارم و امیدوارم که مراحل کنند و برای نشر و توسعه اسلام هم‌چنان ثابت قدم باشند. ضمناً تمامی اموال من را (که البته من چیزی از خود ندارم هر چه است از خداست)، پدرم و مادرم مجازند که در موردشان تصمیم بگیرند. ضمناً مبلغ ۶۰۰ تومان به آقای احمد مرادی بدهکارم که به ایشان بپردازید. مبلغ ۵۰۰ تومان به برادر سید حسین هاشمی عضو سپاه سیرجان بسیج، و ۱۵۰۰ تومان به [...] هاشمی به آدرس حاجی آباد طاشکوییه رودخانه گنگک صندوق پستی گنگک بدهکارم که به آدرس ایشان بزنید؛ و مبلغ ۵۰۰۰ تومان به آدرس آقای جمشید شانه‌ساز تهران، خیابان آزادی، خیابان دکتر معین، کوچه بیات، پلاک ۷ یا ۱۷، منزل شانه‌ساز برسانید. خدا یار و نگهدارتان باد. امیدوارم که در پناه امام زمان زندگی خوش و خرمی داشته باشید.

ارادتمند شما اسماعیل فرخی نژاد

امضا^{۳۰}

۱۳۶۵/۱۰/۱۷

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسمه تعالی

پس از حمد و ستایش خدای یگانه و درود بر رسول فرزانه و سلام بر حجت حق آقا امام زمان الرواحنا له الفدا العالمین و درود و سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی و صلوات بر شهیدان گلگون کفن عزیز اسلام و درود و سلام بر رزمندگان سلحشور و غیرتمند اسلام و سلام خدمت پدر و مادر گرامی و عزیز و متعهد به اسلام و سلام خدمت برادرانم و خواهر بزرگوارم و مادر بزرگ گرامی‌ام اول از همه چیز امیدوارم که مرا حلال کنید، پدر

۲۸. ناخواناست.

۲۹. ناخواناست.

۳۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

جان [...] فرزند را در نامه‌ای که به سمت [...] دادم [و] ذکر کرده‌ام و خدا شاهد است که من کسی را گول نزده‌ام و [دلیل] این که [...] من [...] تصادف کردم به بندر نیامدم [...] این [...] بود که می‌خواستم از نظر معالجه مطمئن باشم و بقول معروف خرج و مخارجی به گردنم نباشد چون که یک دکتر هندی آمد و مرا معاینه می‌کرد و معلوم بود که چیزی نمی‌داند^{۳۸} و به همین دلیل^{۳۹} بود که آن‌جا نیامدم و آمدم اهواز از لشکر معرفی نامه گرفتم و پیش چند تا دکتر متخصص رفتم؛ که به هر حال الحمدلله حالم بهتر شده است و دفعه دومی هم که [به] شما خبر داده‌اند من تصادف کرده‌ام؛ خیر، دفعه دومی وجود نداشته است. ضمناً پدرجان! دیگر به این قضیه فکر نکنید که من از خانواده‌ام بدم می‌آید من در دامن شماها بزرگ شدم و اگر خدمتی هم برای رضای خدا و در راه خدا انجام می‌دهم هم منشا آن خود شما هستید و بخدا قسم که اگر به فرمان امام نبود و نیاز [به] جبهه [رفتن] [...] برای حفظ و حراست از کیان اسلام نبود شما را رها نمی‌کردم. من درک می‌کنم که چه وضعی داریم و من همان‌طور که به شما گفته بودم که از جبهه نمی‌توانم دست بکشم و [...] را می‌روم ولی نه مثل دفعات قبل که مدت‌های زیادی بمانم و بر این اساس هم از آن‌جا حرکت کردم تا وقتی که اینجا رسیدیم، دیدم که تازه اول کار است و بالاجبار ماندم حتی بچه‌ها [...] آمدند و من به خاطر گرفتاری‌ام ترسیدم بیایم و ان‌شاءالله اگر زنده بودیم خدمت می‌رسم و به حضورتان [...] ارادت خواهیم کرد. مصطفی را هم که بهر حال اگر زنده بودم و آمدم تکلیف را با او روشن می‌کنم و به شهریار بگوئید همان‌جا که هست باشد و از جایش تکان نخورد و کمی

۳۱. ناخواناست.

۳۲. ناخواناست.

۳۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «دلیل» باشد.

۳۴. در اصل: آن‌که.

۳۵. «که» حذف شده است.

۳۶. «به» حذف شده است.

۳۷. «دلیل» حذف شده است.

۳۸. در اصل: حالیش نیست.

۳۹. در اصل: بنا به این دلیل.

۴۰. «نبود» حذف شده است.

۴۱. ناخواناست.

۴۲. ناخواناست.

۴۳. ناخواناست.

عاقل تر باشد. [به] مصطفی [...] هم بگویند دیگر همه چیز شده زن و بچه دیگر این که^{۴۵} اگر می‌خواستی بروی من که دو سال پیش گفتم برویم گفتی خیر همین جا می‌مانیم [...] می‌کنیم و کم کم جا به جا می‌شویم و من هم قبول کردم و تا حالا هم به نتایجی رسیده بودم پس تو که این‌طور قصد می‌کنی برو اشکال ندارد اگر همه چیز به زن و بچه‌ات ختم می‌شود، من یکی که روی زن و بچه خط می‌کشم؛ خوب اشکالی ندارد سعید هم همان جا بماند و می‌دانم که شاید خیلی کارها از عمه [...] من بر می‌آید ولی حالا که در موقعیت حساسی قرار گرفته‌ام از شما می‌خواهم به خاطر آن اذیت و آزارهایی که به شماها کرده‌ام مرا حلال کنید و در مرگم صبر داشته باشید و از خدا بخواهید که مرا بیامرزد و گناهانم را ببخشد و همه‌ی برادرانم و خواهرم توصیه می‌کنم که پدر و مادر را رها نکنید و هر کسی بدنبال کار خودش برود و کانون گرم خانواده را از هم نپاشید و تلاش کنید که پدر و مادرمان برای رضای خدا و خوشنودی خدا در رفاه و آسایش [...] پدرجان! ۳۰۰۰ تومان از پول‌های فرزند پیش من است به ایشان برگردانید و ۱۵۰۰ تومان به یکی از برادران بنام محرم هاشمی از توابع رودخانه گنگک حاجی آباد است که یکی از برادران در سپاه سیرجان بنام حیدرآبادی آدرس ایشان را می‌داند به ایشان برگردانید اگر پیدا نشد [...]، کسب تکلیف کنید و حدود ۵۰۰ تومان هم به برادر سید حسن هاشمی بدهکارم به ایشان بدهید و ما بقی امورات من بدست شماست و اگر شهید شدم برای دفن من هر جا که پدر و مادرم تشخیص دادند همان جا دفن کنید. خدمت مادر بزرگم، پدر، مادرم، برادرانم، مصطفی، مرتضی، سعید، شهریار، فرزانه و حمیدرضا سلام می‌رسانم و امیدوارم که مرا حلال کنید خانواده‌ی عمه‌ام و دختر عمه‌هایم و [به] خانواده‌های عمه‌هایم [...] سلام برسانید و بگویند حلال کنید و رابطه را با خانواده‌های فرزند و مرادی قطع نکنید همه‌ی دوستانم را سلام برسانید آقایان بهنام مهدوی، ناصر حسینی،

۴۴. «را» حذف شده است.

۴۵. در اصل: دیگران.

۴۶. ناخواناست.

۴۷. ناخواناست.

۴۸. ناخواناست.

۴۹. ناخواناست.

۵۰. در اصل: باشد.

۵۱. «را» حذف شده است.

فرزاد [...] ^{۵۲}، احمد مرادی، مرتضی یار احدی، بهرام فیروزی فرد، عبدالرضا دادعلی پور، محمد باقر زارعی، حسین علی عالی را هم سلام برسانید و [به] همه [...] ^{۵۳} بگویید [مرا] حلال کنند. پدرجان! حلال کنید التماس دعای خیر. امام را دعا کنید.

ارادتمند همه‌ی شما اسماعیل فرخی نژاد

امضا ^{۵۴}

۱۳۶۵/۰۴/۰۹

۵۲. ناخواناست.

۵۳. «را» حذف شده است.

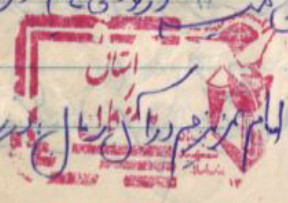
۵۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



مرکز اسناد ایثارگران
 ما هم چند کلامی با شما وصیت کنم. آفرین هر چه وقت مبارک باشد در آن
 باعث رفاهت شما باشد، شما پدر و مادر که شب در روزتان و اینها صراطین پیرو گوید و
 علی بن ابراهیم، تو پدری که با بیماری چندین ساله است سابقه ما آنکه مرا به این پدر رسانیدی
 تو مادر که در این ایام سختی که از تو نگاه اهل خود ما با بیجا می‌کنیم و حقیر و حقیر
 ایمن که کار و سیاه قدر ندانستم و بی امیدوارم که همانند حق سوخته بریده امام حسین (ع)
 خود را یاد آنرا هر چه زخمی زنی شمارید و امید دارم که خداوند حق رحمتش بر رخ شما بر او بار
 به شب در روز هم غمناک آماده حق فرزندتان را بر کن در اهل اسلام است
 در زندان سلکسواران است، الهی پروردگارتون بگرداند، انوار پدرم و مادرم در این اثر ابرو افضل
 پیروز اسلام در سخن با هم گفتیم نه تنها من بلکه تمامی فرزندان مستضعفان
 دولت محمد پرور اسلام، پیروز ما در حق و حلال و بر لاله، دلم نمی‌خواهم که در این دنیا



مرکز استان ایثارگران
 سند و سنجیدگی نام راست نباشد و شیوه نامه وزارت کشور، زیرا که محمد
 برائین نام است سند معنی ندارد و این خبر خواسته شده که در عقده دنبال خالی شود
 که در آنجا جمله بندی در یک بار درست دارد اما نه که برای آن درست دارد این نکته
 نگارنده که به گفته برادر نظارت امام حسین (ع) و بارانش و اسرارش در زمان خودش
 در گذشته بود که برادران و فرزندان که نظارانه می کردند و همواره است از آن چهار نفر در گذشته
 برای آنکه فرزندی در سینه کشند و هرگز چهار نفر است که نسبت ننشاند و در آن و مادرانش
 هر دم انتظاری کشند و دست که بر آن می کشند که در جیبی که سینه با آن کشید دم در خانه
 کشند و منتظر آمدن پدر است و در گذشته تمام سوره آل منظم حسینی
 بر سر مردم مادم برای این که در آن است در آن که هم در سر و سینه مبارک
 هم هم الحرام با خودی گفته پس که با مردم که امام از هم در آن است و در آن زنده خاستن





مرزا یار ایثارگران و کسب نیکوئی که خداوند باین جوانه بلی من و صلی که در جوی آب
 راه افتاد است ایمللی به رهبر امام خمینی به پیروان رسید و جنگ شرعی شد و نیاز
 نداشتن من نامیر سرفروزی حسین به تو عاف از زندگی روح الله بلند شد و ضعیف از دست قاتل بود
 عاشقانه لبیک گفتند به سیدالشهدا منتند و من نیز در جوار خودم هم بر آن گفتم که
 بیس نیستم جز در کسب خودم که حساب آورد و امید دارم که از سر زمان
 (و احسن) در امام زمان (و در حقیقت الفداء العالمین) باشم
 بدو رساندم و خواهر و برادرانم را به جنت رسیدن همه شهادت و کمال تکامل
 و تقوایم را احلال می کنم و امید دارم که شما نیز را احلال کنید مرا هر جا که خودتان
 صلاح میدانید نفس کشید و در اولویت نظر بود و ما درم سر راهی باشم و در بعضی
 بلد نیستم چه بسیار به سرور زندگی با ما خدا را شکر می گویم و هر چه



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
 یاد خدا را از یاد نبرد و هیچگاه همه در محبت برین شکر و الهی
 خداوند ما میسر شود در شب قبل از خواب سوره توحید و الواقعة را بخواند
 تا بگوید خداوند سائل حالش بر مردم در تمام در آخرت به خانواده ام و فرزندان
 محمودیم و فاطمه سحر شریفی که تمام بنیاد این نماز جمعه ای بیانند که روح مرا از لاله
 عمر دهد حق الله رحمتی تمام بر آن یک روز هم باشد به فاطمه و برادران سحر شریف
 و منتم بر آن را بخوبی فرا گیرند و نماز آن ترک نشود و است بر الله همه
 در اهل وقت آن را بجا آورند زیرا که امام زمان (عج) همیشه نماز را اول
 وقت می خواند همیشه به چهار نماز بر می خواند و رو به قبله با بسته و بر کلاه
 و زینت و اولادش را هم بر کلاه سلام بدهد. الا ان موقع اذان مغرب
 است و منکرند از اذان سر می دهد تا تمام نماز به الله بخوانند




مرکز استان شیراز
 کارزار با خاندان حضرت علی و امام حسین و اهل بیت آنجا
 و صلوات بر ائمه اطهار و آل و صحبه و پیغمبر و اهل کتب و اهل بیت
 من از راه دور دست تقدیر زنی که دانه دانه غمخیزان را جمع می کند و برای من و
 لشکر برادران من فرستاده بودم دست و پا که تو یعنی که معجزانه همیشه کن و سلام
 و در روز معلولت بر خانه ام که بر همه شما در روز و همه شما که سر نهاده هم تو
 امیدوارم که بر اینجاست. ام را تنها انداخته است میان افتد بر امام که
 از بر لیس معصوم معذرت می خواهم که بر این معذرت و سر آمده و دست نهاده
 و از تکرار نهاده اش بگریزید و تمام دست نهاده است ایال را سلام از اهل شیراز
 منت پذیرد و بر این صبر را از اهل سلام برساند. خداوند شاهد است
 این همه را که عنده من در راه آمده است. ام را از راه که بر این بود که از راه



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

به عرض می‌رسانم که منزه از غلبه غم و اندوه و غمگینانه
 از این حرف‌هاست برادران من صطفی و خاتم از کس است و در این راه خدمت و مجتهدی در دنیا
 خداوند تعالی زندگی خوبی را داشته باشد و صطفی جان بدو برسد و در هر دو راه و در این راه و
 رحمتی و سعی کن که از حلال غفلت نمانی و هم نماز و رخصی و سعادت را در روز آخرت و سعادت
 را به دست من بیاورم تا آنجا که من در آنجا سعی و کوشش کنم به دانشگاه بروم و برای کشور اسلام
 خدمت کنم و سعی کن که دل بدو برسد و راست دل کند و سعادت بزرگ برای امام استوار کند و
 حلال کند و به بدو برسد و خاتم در این راه سعادت من است و سعادت من است و سعادت من است
 ترجمه کند و هم به درگاه تمام خدا توکل کند و در این اتمه اخبار را بگوید که از آن
 حاجت‌های شما را بر او خواهد کرد و در این راه سعادت من است و سعادت من است و سعادت من است



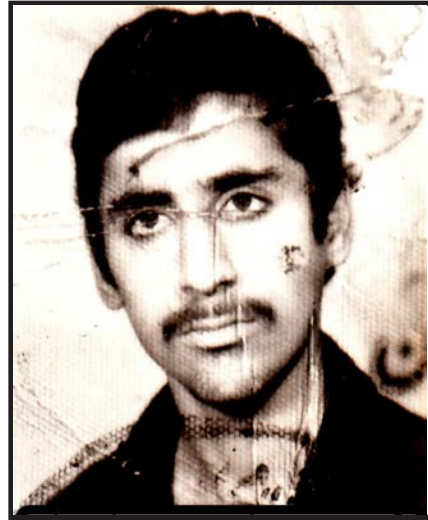

 این قضیه نیز که در این انجمن و انجمن دیگر می آید من در این سال نیز در این انجمن
 هم برای رمای خود در راه خدا انجام میدهم تا اگر خود شماست و می دانم در این انجمن
 و نیز هیچ شکر در این خط و حرکت است که این است که در این انجمن
 که چه وضعی دارد و من هم نظرم بر آنست که از همه نسبت به این
 مردم ولی نه من و نه شما که از همه نسبت به این
 و تنها که اینها را می بینم در این کار است و بالا جبار است و حتی بچه که به حرف آمده و می
 خاطر گرفته و حال آنکه من هم دانستم که از آن گرفته بودم خدمت یکی و نه جعفر که در این است
 خدا هم که در صفتی را که در حال آنکه در این انجمن تللیف را با او در این انجمن
 ها نگاه کردت با این در از جایی که آنان خود را و کهن عالمی که در صفتی که در این است
 چیز شد که در این انجمن است و من هم در این انجمن تللیف را با او در این انجمن



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

در سال ۱۳۵۷ در جریان جنگ تحمیلی در کربلا و حال آنکه به سبب جری برسد بودم پس در
 اینطور تصدیق می نمودم که در این راه چیزی نماند و در این راه من می گزینم و در این خطای
 خدمت اشغال ندارد سیدم هم می بماند و سیدم که شایسته چنین کاری از عهده من برآید ولی حال آنکه
 به سبب خدمت من و اگر کسی از شما سیدم به خاطر آن آیت و اگر اینانی که در سبب من
 مرا احاطه کند و در سبب من سیدم و در عهده من و سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را
 در عهده من و سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را
 از هم نیاید سیدم و سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را
 خبر میزنم و در حال سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را
 ۵۰۰ تومان به سبب من سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را
 می گذارم در این سبب من سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را سیدم را

فربرز فرزاد امير ابراهيمي



نام: فربرز

نام خانوادگی: فرزاد امير ابراهيمي

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۰۴/۰۱

محل تولد: شهرستان حاجی آباد

نام پدر: حسن

نام مادر:

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۵/۱۹

محل شهادت: قلاویزان

نحوه شهادت: توسط نیروهای عراقی

محل دفن: شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ مبادا در بی تفاوتی جان سپارید که علی اصغر حسین (ع) آن طفل شش ماهه در راه خدا و با هدف، شهید شد. مبادا در خواب غفلت باشید و بمیرید که قاسم نو داماد، با دست و پای حنا بسته شهید شد. شما ای خانواده‌ها! چرا از رفتن فرزندان تان به جبهه جلوگیری می کنید. از خانواده وهب درس بگیرید، جوانان تان را به جبهه بفرستید و حتی جسدش را هم تحویل نگیرید. مادر وهب فرزندش را در راه خدا داد، حتی سر فرزندش را تحویل نگرفت و گفت سری را که در راه خدا داده‌ام پس نمی گیرم این چنین دین و مدیونیت خود را نسبت به اسلام ادا کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

ای جوانان غیور مسلمان! مبدا هم‌چون بزدلان دنیاپرست و حیوان صفت که چون چهارپایان کارشان خوردن و خوابیدن و شهوت‌رانی است در رخت‌خواب نکبت [...]^۲ بمیرید. شما از بزرگ پاسدار اسلام، سرور آزادگان، حسین ابن علی (ع) درس بگیرید که چگونه در صحرای کربلا حماسه آفرید و مرگ در راه خدا را بر مرگ با ذلت ترجیح داد. علی (ع) در محراب نماز شهید شد. مبدا در بی‌تفاوتی جان سپارید که علی‌اصغر حسین (ع) آن طفل شش‌ماهه در راه خدا و با هدف، شهید شد. مبدا در خواب غفلت باشید و [...]^۳ بمیرید که قاسم نوداماد، با دست و پای حنا بسته شهید شد. شما ای خانواده‌ها! چرا از رفتن فرزندان‌تان به جبهه جلوگیری می‌کنید. از خانواده وهب درس بگیرید، جوانان‌تان را به جبهه بفرستید و حتی جسدش را هم تحویل نگیرید. مادر وهب فرزندش را در راه خدا داد، حتی سر فرزندش را تحویل نگرفت و گفت سری را که در راه خدا داده‌ام پس نمی‌گیرم، این چنین دین و مدیونیت خود را نسبت به اسلام ادا کنید. برادرانی که می‌خواهید راه شهدا را ادامه دهید، استغفار و دعا را فراموش نکنید که بهترین درمان‌ها برای تسکین دردهاست و همیشه بیاد خدا باشید. بعد از شهادت من خانواده گرامی و عزیزم! عموجان و خواهران عزیز!

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. ناخواناست.


۳. ناخواناست.

هیچ گونه ناراحتی بخود راه ندهید، به مردم شربت و شیرینی بدهید، لباس سیاه نپوشید، شادی کنید، خیال کنید که عروسی برادرتان را برگزار می کنید، مانند کوه محکم و استوار باشید تا چشم دشمنان اسلام کور شود.


من الله التوفیق


فریبرز فرزاد

وصیت نامه اصلی من در بسیج بندرعباس می باشد و مقداری هم در دفترچه در داخل ساکم می باشد. وصیت من را نیز به جا آورید، یک سنگ قبر برای بی بی ام وجیهه بگیرید و رویش بیندازید.



سپاه پاسداران اسلامی
۱۳۷۷





مرکز اسناد ایثارگران و آزاد امیرالrahمن

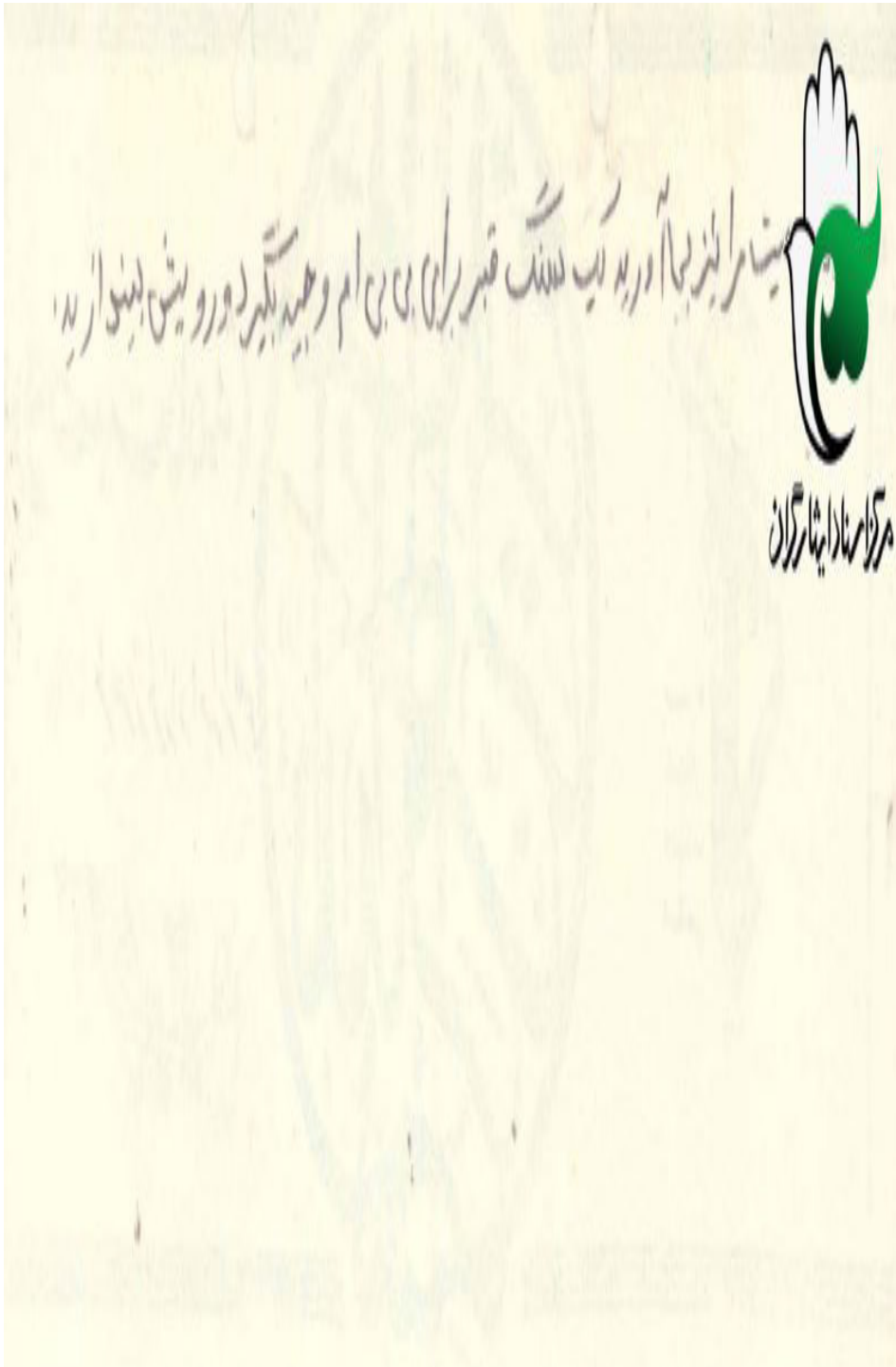
ولاد تحسین الذین فتکو فی حسین الله امران اهل احوال عند ربهم یرزقون
 سینا ریه که در راه خدا کشته می شوند مرده اند بلکه زنده و در نزد خدا روزی میگیرند
 ای جوانان عزیز مسلمان مبارزین بدلان دنیا پوست و حیوان صفت که چون چهار پایان کارشما
 خریدن و خوابیدن و شهوت وانی است در رختن ایانیت و باخفاق میبیزد شما از بزرگ پاسدار
 اسلام سرور آزادگان حسین ابن علی (ع) درس بگیرد که چگونه در صحنی کرد بلا جانسه آفرید و برگ
 در راه خدا را برگ با ذلت ترجیح داد علی (ع) در مصواب نماز شهید شده مبارزین خنایان جا سبازیه
 که علی اصغر حسین آن طلق دشمنش ماء در راه خدا و با هفت شهید شده مبارزین خنایان با شد
 و با خنایان میزد که کاسم بود ما د با دست و پای خنایان شهید شده
 شما ای خانواده ها چرا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلو گیری میکنید از خانواده و هب درین
 بگریزید جوانان ترا به جبهه جز سید و حنی حسد ش را هم نخویسند کبریه مادر و هب فرزندش را
 در راه خدا داد علی سر فرزندش را تحویل نکردت و گفت سر می را که در راه خدا داده ام پس می گیرم
 اینچنین دین و مدیونیت خود را نیست به اسلام ادا نکنید با در آن که میخواند راه شهید را
 ۲ دامه دهید استقامت و دعا را فراموش نکنید که بهترین در مانها برای تسکین درد هاست
 و هب بیاید خدا با شنید بعد از شهادت من خانواده گریه و زاری هم جوان و خواهران عزیز
 هیچگونه ناراحتی بجز در راه ذمه به مردم شربت و شرفین به مید لباس سیاه پوشیده شادی کنید
 خیال کنید که عروسی برادرتان را برگزار می کنید مانند کوه محکم و استوار با ششین تا جعفر
 ۶۶۱۸۵۷۷

دشمن اسلام نورشور
 علی زفرزاد
 من الم حکومتی

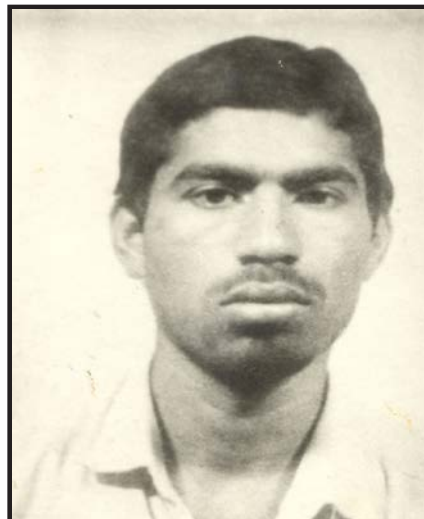
۵۲۹۷
۲۱۶

وصیت نامه اصلی من در سینه بنور عباسی من است که بر مقداری هم در دفتر جبر در اخل
 مساکم با شد

۲/۶۲،۱۸۵۷۷



موسی فلک نازی



نام: موسی

نام خانوادگی: فلک نازی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱۱/۰۱

محل تولد: بخش سندرک از توابع شهرستان

میناب

نام پدر: لطف الله

نام مادر: رقیه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۴

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به سر

محل دفن: روستای آرتگو پایین تابعه شهرستان

میناب

گلچین وصیت نامه

◀ امیدوارم که بعد از من راه مرا ادامه و پیرو واقعی امام امت باشی و همیشه پیامش را پاسخ گو باشی و باز هم تأکید می کنم امام را تنها نگذارید.

بسمه تعالی

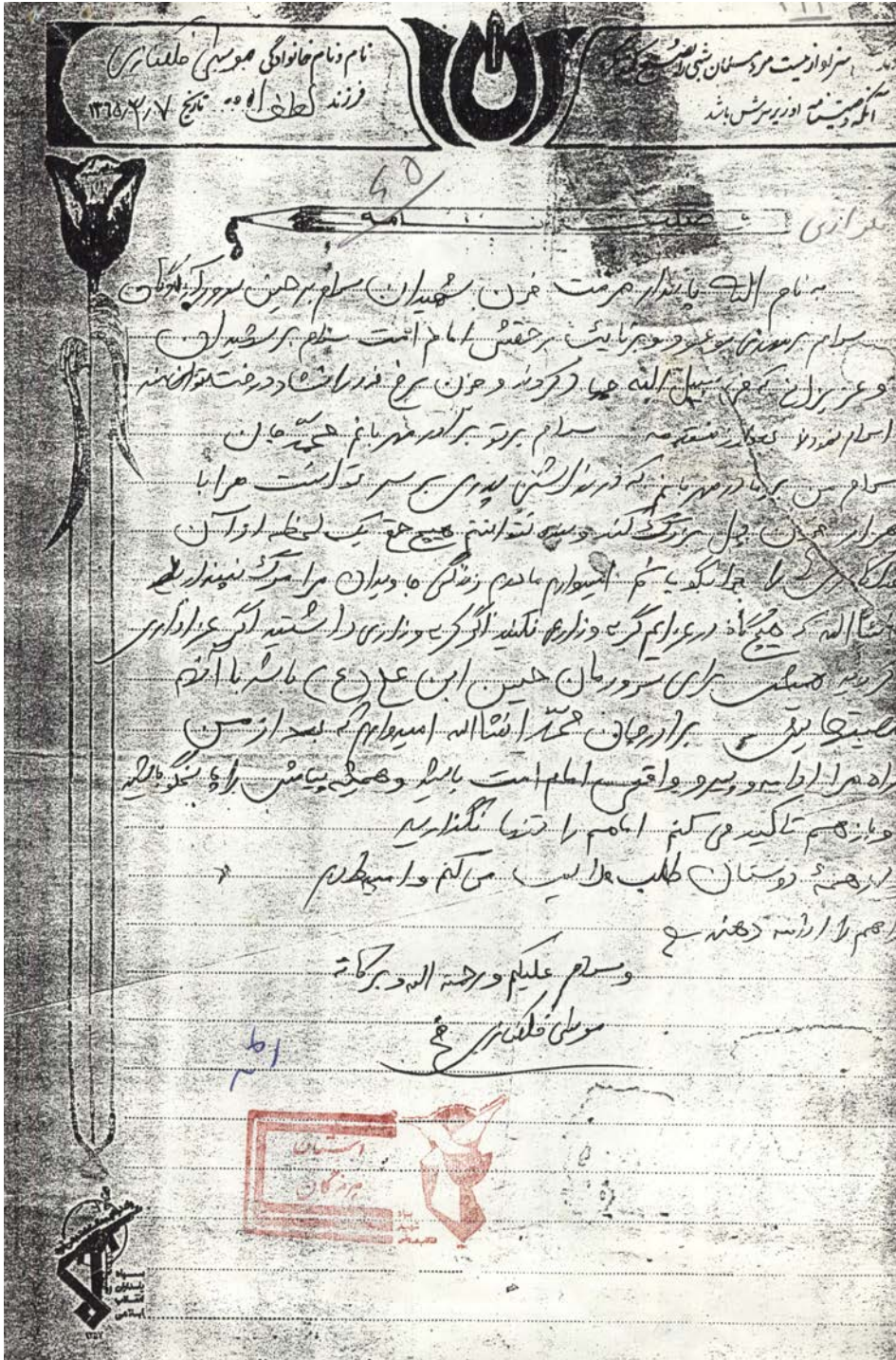
۱۳۶۵/۰۳/۰۷

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان، سلام بر حسین (ع)، سرور آزادگان، سلام بر مهدی موعود و [...] نایب برحقش امام امت، سلام بر شهیدان و عزیزانی که فی سبیل الله جهاد کردند و خون سرخ خود را نثار درخت اسلام نمودند. بعد از مقدمه، سلام بر تو برادر مهربانم محمدجان! سلام من بر مادر مهربانم که با^۲ نداشتن پدرم^۳ [...]،^۴ توانست مرا با هزار خون دل بزرگ کند و بنده نتوانستم هیچ حقی [حتی] یک لحظه از آن فداکاری‌ها را جواب گو باشم. امیدوارم مادرم زندگی جاویدان مرا، مرگ نپندارد. ان شاء الله که [...] در عزایم گریه و زاری نکنید [...] اگر عزاداری کردید، [...] برای سرورمان حسین ابن علی (ع) باشد با [...] همه‌ی مصیبت‌هایش. برادر جان! محمد ان شاء الله امیدوارم که بعد از من راه مرا ادامه و پیرو واقعی امام امت باشی^۵ و همیشه پیامش را پاسخ گو باشی^۶ و باز هم تأکید می‌کنم امام را تنها نگذارید. از همه دوستان طلب حلالیت می‌کنم و امیدوارم راهم را ادامه دهند.

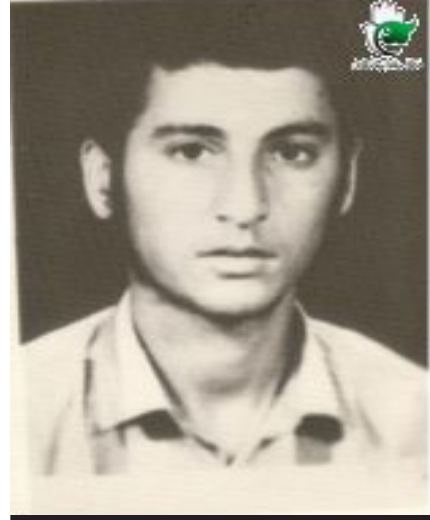
والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته

موسی فلک‌نازی - امضا^{۱۱}

۱. «بر» حذف شده است.
۲. در اصل: در.
۳. در اصل: پدر.
۴. «بر سر» حذف شده است.
۵. «هیچ‌گاه» حذف شده است.
۶. «اگر گریه و زاری داشتید» حذف شده است.
۷. «همش» حذف شده است.
۸. «آن» حذف شده است.
۹. در اصل: باشید.
۱۰. در اصل: باشید.
۱۱. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



طیب قاسم پور



نام: طیب

نام خانوادگی: قاسم پور

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۰۵/۰۱

محل تولد: روستای احشام از توابع شهرستان

پارسیان

نام پدر: حسین

نام مادر: زینب

تحصیلات: سوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۰۷

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت:

محل دفن: روستای احشام شهرستان پارسیان

گلچین وصیت نامه

◀ پیرو امام بودن یعنی گناه نکردن، یعنی معصیت نکردن؛ پیرو امام بودن، همان پیرو امام عصر بودن است؛ و پیرو امام عصر بودن، همان پیرو پیامبر بودن، همان پیرو حق تعالی است. گر پروانه وار به دور شمع وجود امام مان بگردید شاید حق وی را ادا نکرده باشید. و این را بدانید اگر لحظه‌ای، از پیروی این روحانی و روحانیون پیرو این پیر جماران دست بردارید، آن روز روز پیروزی بزرگی، برای تمامی شیاطین کوچک و بزرگ است.

بسم الله الرحمن الرحيم

از شهادت خوشحال باشید و به آسانی از آن استقبال کنید. (امام علی (ع))

[...] خدا وصیت‌نامه‌ام را شروع می‌کنم باری قدم در راهی گذاشته‌ام که فقط هدف خدا و یاری دین خدا می‌باشد و از خدای [...] می‌خواهم که تمام گناهان گذشته‌ام را ببخشد و بدانید برادران و دوستان، راهی که برگزیده‌ام تنها [با] علاقه و عشق [...] به خدا [آن را] پیدا کرده‌ام [و] مرا به این راه سوق داد و دیگر تو ای مادر خوبم! می‌دانم که تو هم مرا عزیزتر از [...] آن‌گاه که مرا [به] یاد می‌آوری از غریبی و مظلومیت حسین (ع) یاد کن تا شاید [...] [از غم و اندوه تو کاسته شود] و مبادا که خدا [...] همگان است و دشمنان اسلام شاد شوند [...] و [...] و اما تو خواهرم! می‌دانم که استوار، مانند کوه [هستی] و هرگز ناراحت نخواهی شد؛ زیرا برادر تو آگاهانه راهش را انتخاب کرد و تو خود همیشه برای من [...] و من از تو می‌خواهم که برادران کوچکم را تربیت اسلامی کنی که ان‌شاءالله در موقع ظهور آقا امام زمان (عج) سربازانی باشند که در رکاب او و خدمت او باشند و تو ای پدرم! [...] با تو [...]

۱. ناخواناست.

۲. ناخواناست.

۳. «که» حذف شده است.

۴. در اصل: شوق.

۵. ناخواناست.

۶. «ناراحت نباشی» حذف شده است.

۷. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «از غم و اندوه تو کاسته شود» باشد.

۸. ناخواناست.

۹. ناخواناست.

۱۰. ناخواناست.

۱۱. ناخواناست.

۱۲. ناخواناست.

۱۳. ناخواناست.

که من تو را چون پدر واقعی خود حساب می کرده‌ام و حال هم از تو می‌خواهم که مادرم و برادرانم و خواهرانم [...] و مبدا گریه کنند و تو ای برادر خوبم! می‌دانم که در قلبت [...] که در قلب من است [...] با برادرات آن‌چنان رفتار کن که هرگز احساس کمبود نکنند. در پایان از همه‌ی دوستان و فامیل و [...] می‌خواهم که مرا حلال کنند. مرا در کنار قبر مرحوم [...] دفن کنند.

والسلام

طیب قاسم پور

این وصیت در تاریخ ۱۳۶۴/۰۱/۲۷ در بسیج تنگه نوشته شده «پایگاه مقاومت شهید رجایی [...]».

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

[...] حفظ اسلام به عمر او بیفزای.

رزمندگان اسلام پیروز بگردان.

[...] نابودشان بگردان.

[...] بر شهیدان درود بر خمینی مرگ بر آمریکا.

شهیدان زنده‌اند الله اکبر، در خون غلطیده‌اند الله اکبر.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

این را به عنوان وصیت و سفارش جهت اینکه دعای خیری برای آخرتم گردد به نزد

۱۴. ناخواناست.

۱۵. ناخواناست.

۱۶. ناخواناست.

۱۷. ناخواناست.

۱۸. ناخواناست.

۱۹. ناخواناست.

۲۰. ناخواناست.

۲۱. ناخواناست.

۲۲. ناخواناست.

عزیزان تسلیم می‌دارم .

يَا رَبِّ بِكَ عَرَفْتُكَ وَ أَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيَّكَ وَ دَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَ لَوْ لَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ لَا رَبَّ لِي غَيْرُكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ^{۲۳}

ای پروردگارم! با تو، تو را شناختم، و تو مرا راهنمایی کردی بر خودت، و فراخواندی به سویت، و اگر تو نبودی راهنمایم، اصلاً آگاه نمی‌شدم. خداوندا! مرا پروردگاری جز تو نیست و نیست معبودی جز تو یگانه‌ای، و شریکی برایت نیست.

ستایش خدایی را که اگر چه بنده‌ای چون من گناه کار، و اگر لایق هیچ‌گونه رحمت و نعمتی نباشد هم چون دگر بندگان، به وی توفیق توبه و رفتن به جبهه‌های حق علیه باطل را می‌دهد. ستایش پروردگاری را که اگر چه در تمامی مشکلات کفران کننده‌اش باشیم، او ما را از درگاه^{۲۴} خویش به قهر نراند، و همواره ما را باز خواند. و حمد و سپاس، الهی را که اگر با او دشمنی هم نمایم، با ما دوستی کند ولی اگر با او دوستی نمایم؛ به این بنده گنه کار و به این مخلوق کوچک و ذلیل و دست پرورده خودش، عشق ورزد، و او را درجات [و] توفیقات بی‌شمار فرماید. خداوندا! با کدامین زبان، با کدامین عمل و با چه اندازه کار نیک^{۲۵}، شکرتم نمایم، که توانسته باشیم ذره‌ای از نعمات تو را شکر نمایم. پروردگارا! به خاطر همین که، نعمت شکرگزاریت را به ما عطا فرمودی چقدر شکر نمایم که پسندیده^{۲۶} باشد [...] این بندگان ضعیف اگر رحمت قبولی به درگاهت، شامل حالشان نشود. پس الها! حال که چنین سفره رحمت [ت] گسترده است، خاضعانه از کلام مقربانت استفاده کرده و می‌گویم: اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ^{۲۸} پروردگارا! ما را به نزد خودت هدایت فرما. و به درگاهت رهنمون باش، و مقام مقربان^{۲۹} عطا بفرما. خدایا! هر چند خیلی گناه کارم، اما به

۲۳. بخشی از دعای ابوحمزه سومالی: «و را به تو شناختم، و تو مرا بر هستی خود راهنمایی فرمودی، و به سوی خود خواندی، و اگر راهنمایی تو نبود، من نمی‌دانستم تو که هستی؟ مرا پروردگاری جز تو نیست، و معبودی جز تو نیست، یگانه و بی‌شریکی.

۲۴. در اصل: در گه.

۲۵. در اصل: کثرت عمل.

۲۶. در اصل: پسندیده.

۲۷. ناخواناست.

۲۸. بخشی از حدیث پیامبر: «اللهم اهدني من عندك و أفض علي من فضلك و انشر علي من رحمتك و أنزل علي من بركاتك: بار الها! مرا خود راهنمایی کن، و از بخشش بی‌کران خود را مرا بهره مند ساز، و سایه رحمت خود را بر سرم بگستران، و برکات خود را بر من فرو بار.

۲۹. در اصل: قربان.

خودت و [...]»^{۳۰} جلالت قسم که [به] جز چشم امید به درگاہت ندارم. الهی! همه را بخصوص این بنده گنه کار محتاج دعا را از جمله هدایت شدگان قرار ده. آمین یا رب العالمین. امت شهید پرور! همواره در خاطرتان باشد کلامی که امامان، آن پیر طریقت و سوخته عشق فرمود که امروز، روز استقامت و جهاد است؛ و در عبارت دیگر همه باید در فرمان این باشد که ما باید فدای اسلام شویم. برادران و خواهران گرامی! اگر پروانه وار به دور شمع وجود امامان بگردید شاید حق وی را ادا نکرده باشید. و این را بدانید اگر لحظه‌ای، از پیروی این روحانی و روحانیون پیرو این پیر جماران دست بردارید، آن روز، روز پیروزی بزرگی برای تمامی شیاطین کوچک و بزرگ است. پس او [و] امرش را به جان پذیرا باشید. و امر امیرش را، این فقیه عالی مقام و عالی قدر، حضرت آیت الله منتظری [...]»^{۳۱}، این دومین شخصیت جهان اسلام و یاران ایشان را به جان پذیرا باشید. بدانید هر که آگاهانه یا ناآگاهانه با ایشان مخالفت نمود، گام جای گام همان شیطان، نهاده و یاد شیطان بزرگ و دوستان و یادش است پیرو امام بودن یعنی گناه نکردن، یعنی معصیت نکردن؛ پیرو امام بودن، همان پیرو امام عصر بودن است؛ و پیرو امام عصر بودن، همان پیرو پیامبر بودن، همان پیرو حق تعالی است. مبادا با کم توجهی مان و با [...]»^{۳۲} رهروی مان، کوچک‌ترین ضربه‌ای به این خط اصیل ولایت فقیه که همان خط انبیاست، وارد شود. که در مقابل تمامی شهیدان و شهید داده‌ها مسئولیم. خداوندا! الهی! تو نیز گواه باش که ما حجت خویش بر این مردم تمام کردیم؛ بر این عزیزان اتمام حجت نمودیم. عزیزان! یک مسلمان، خواستش خواست اسلام است، عشقش، عشق اسلام است؛ کلامش، کلام اسلام است؛ راهش، راه اسلام است؛ فکرش، فکر اسلام است؛ عملش، عمل الهی است؛ قلبش سرشار عشق به لقاء الله است؛ و ان شاء الله بیاید، این گونه خداپرست باشیم، تا پشت تمامی دشمنان را به خاک سیاه نشانیم. سخنی با خانواده، پدر عزیز و مادر و [...]»^{۳۳} بزرگوام، هم‌چنین مادر بزرگ مهربان و دل‌بندم، عزیزانی که از خجالت روی تان

۳۰. «به» حذف شده است.

۳۱. «را» حذف شده است.

۳۲. ناخواناست.

۳۳. ناخواناست.

قدرت [...] با شما را ندارم. به امید این که شما هم بر قاصر بود [...] و بر [روی] اشکالات و ایرادات من قلم عفو بکشید.
دنباله‌ی برگه اول:

ای عزیزان! ای آن‌هایی که درس صبر و استقامت را از اهل بیت (ع) فرا گرفتید! و درس جوان دادن و شهید شدن را از حسین (ع) و زینب (س) آموختید، ای کسانی که مطمئنم پیام خون تمامی شهدا بخصوص خون شهدا [ی] کربلا و حسین (ع) را به گوش جهانیان خواهید رسانید! هر چند که در طول زندگی و [...] [بودن] با شما جزء رنج و زحمت برای تان چیزی نداشتم. هر چند آبرویی پیش تان ندارم، که به آن آبرو قسم تان دهم؛ که خطاهایم را ببخشید اما به کرم حق تعالی شما را قسم می‌دهم، که این حقیر را عفو کنید. پدرم! تو قدرت و توان زیادی داری. تو که از کودکی با زحمت و با مشقت دست و پنجه نرم کرده‌ای. از تو می‌خواهم که تمامی هم و غمت را در راه ترویج اسلام و در راه هر چه سر بلند کردن اسلام عزیز، و در راه پر افتخار کردن اسلام و جمهوری اسلامی [...] و در راه انقلاب اسلامی عزیزمان به کار ببندی^{۳۸}. مادرم! از تو نیز می‌خواهم که با صدای بلند گریه نکنی. اگر قطره‌ای اشک به چشمان عزیزت آمد، همان چشم‌ها که بارها شاهد بودم در داغ ائمه می‌گرید؛ این اشک‌ها را نیز به همان اشک‌ها مبدل ساز؛ برای حسین (ع) تشنه لب گریه کن برای عباس (ع) و [علی] اکبر (ع) و [علی] اصغر (ع) و قاسم (ع) گریه کن. مبادا به خاطر این که امانتی را پس دادی، دل آزرده باشی. پدر و مادر عزیزم! از شما می‌خواهم که، همان‌گونه که اسوه بوده‌اید، در تمامی احوالاتان سرمشق و اسوه باشید. الهی ببندیشید و الهی عمل کنید، و هم‌چنان که تا بحال عمل کرده‌اید و نیز این حقیر را عفو نمایید. و اما سخنی با شما برادران و خواهرانم، اندوهم را چون گلوله‌ای کنید و به طرف فرهنگ پوسیده غرب و شرق پرتاب

۳۴. ناخواناست.

۳۵. ناخواناست.

۳۶. «مدت بسر برن» حذف شده است.

۳۷. «عزیز» حذف شده است.

۳۸. در اصل: بندی.

۳۹. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «علی اکبر» باشد.

۴۰. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «علی اصغر» باشد.

کنید. عزیزان، دوستان و برادرانم! همه بدانید دنیا چون زندان است، بدانید خون شهید جوشان جوشان است، بدانید که عاقبت این ملک، ملک اسلام است، عزیزان پیکان وار بر قلب خصم بتازید؛ و از علم و آگاهی [...]،^{۴۱} تربیت [...]،^{۴۲} از فرزندان خویش، و از همه چیزتان برای حفظ و گسترش اسلام عزیز استفاده نمایید. که همانا شما نیز همانند بقیه‌ی مسئولید. بروید درس شهید دادن را از زینب (س) بیاموزید. بروید درس رنج و سختی^{۴۳} را از [امام] زین العابدین (ع) بیمار بیاموزید. اگر می‌خواهید در سختی‌های روزگار خم به ابروهایتان نیاید، زندگی ائمه را سرمشق خویش قرار دهید. کتاب‌هایم را بین دوستان و خواهران و برادران تقسیم کنید، و هر چیز بدرد بخوری از اموال هست، به نحوی به نفع اسلام استفاده نمایید. البته با اجازه‌ی پدر و مادرم، دیگر عرضی نیست. شما را به خدا می‌سپارم از تمامی شما عزیزان به خصوص، غلامرضا بدیعی التماس دعای عاجزانه دارم ضمناً از تمامی دوستان الخصوص، غلامرضا و آشنایان همچنین^{۴۴} خانواده^{۴۵} مختار بدیعی و خاله‌ام و عمه‌ام و تمام اقوام و خویشان و ... آنان که به نحوی به آن‌ها ستم و ظلمی کرده‌ام یا حق‌شان را تضییع کردم برایم طلب عفو و بخشش نمایید؛ و نیز مقدار ۳۰۰ تومان پول موسی بدیعی از من می‌خواهد و هم‌چون احمد حیدری مقدار ۲۰۰ تومان از من می‌خواهد به او بدهید.

والسلام علیکم و الرحمه الله بر کاته.

طیب قاسم پور

ساعت و روز نوشتن وصیت‌نامه روز ۶۵/۰۸/۱۸ ساعت ۱۰:۵۰ دقیقه.

در آخر دعا به جان امام و رزمندگان.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگه‌دار.

۴۱. «خویش» حذف شده است.

۴۲. «از» حذف شده است.

۴۳. در اصل: سخت.

۴۴. در اصل: هم‌چون.

۴۵. در اصل: خانوار.

امام خمینی

این وصیتنامه ها انبیای راهی ارزاند و بیدار می باشد.

را بغوا و وصیت و سفارش جهت اتیک دعای غمخیزی برای آن حضرت گردید نزد عزیزان (تعلیم مدرسه) .
 در بار عرفتک و انت دلتنی رعایتک و دعوتیج الیک و اولاد انت لم ادر ما انت . اللهم لا رب
 الی غیرک و لا اله الا انت و حمدک لا یغتریک انت . اللهم و فحقا را تحب و تحمهم .
 ای پروردگارم بگو، تو را شنیدم، و تو مرا راهنمایی کردی بخودت، و مرا خواندی بسویت و اگر تو بخواری
 را ضایع اهدا نگاه نمی کنم، خداوند را، هر چه پروردگاری جز تو نیست و نیست هیچی جز تو، گمانی و گمانی بر
 نیست است خدا را، اگر بنده ای چون من که کفر و اگر لایق هیچگونه رحمت و نعمتی بنده هم در کفر
 بی تو توفیق تو، و در حق بی جمع های حق علی باطل را می دهد، ستایش پروردگاری را که آنرا هم در حق
 کفر آن کفره ای با تم او ما را از در کفرش به قدر توانم و هنوز ما را با زحمان، و هر چه است الهی را که با او
 دشمنی هم نماندیم با ما دوست کنه و لی اگر با او دوست باشیم به این بنده گنجه کار و به این مخلوق کوچک و ذلیل
 و درست پروردگارش عسق و زرد او را در جات توفیقات بیستمار فرمایند، خداوند را
 یا خدا امین زیاده، یا کنایه معین و با چنان از کثرت عین شکر نمی رسم که توانست با تم خیره ای
 نجات ترا بشکری نمایم پروردگارا، با خاتم هستی نجات بشکری کنی برای ما عطا فرمودی چه شکر
 نمایم که سینه با شکر و حاشا به بدوای این بندگانه لطف آن رحمت قبولی به درگاهت شامل
 حالش آنست که من الهی حاصل نمی بینم خوارتر هست کرده است خاضعانه از کلام حقربانت استفاده کرده و
 اللهم اهدنی من شکرک، پروردگارا ما را به تر زحورت هدایت فرما و به درگاهت رهنمون باش و حق او جان
 خطاب نما، خدا یا هر چند خلیل گناهکارم اما بخورت و به جلالت قسم که جز حسرت امیر به درگاهت نمانم الهی
 هم را در خصوص این بنده گناهکار رحمتی دعا را از جمله هدایت شکره کانت قرار ده فرما صریح یارب اوت
 اتمت تشبیهل پروردگاری در خاطر ما با شکر کلامی که ما ایمان آن پیوسته است و سوره عسق
 خیر بود که امر تر روز استقامت و به راست و در عبارتی دیگر هم ما باید در فکر ما این باشد که ما باید خدای
 اسلامیم، برادران و خواهران عزیزان را بیوان و لر پرورد سبب وجود اما همان بگردید شاید حق وی
 را ادا کرده باشیم و این را بدایتی آنرا که ای از پروردگاری از این روحانی در روحانی سرور و سرور است
 پروردگاری روز پروردگاری بزرگ پروردگاری نامی شب همین کوچک و بزرگ است پس او امرش را به جان
 نریز با بیله و او امرش را این فقیه عالمقام و عالیقدر حضرت آیت الله مستطاب راه این (موسس)
 شخصیت مهم اسلام و مبارک است از ایشان بجان نریز با بیله، بدایت هر گاه گناهان یا ناگناهان باشد

آن گاه خودم نیز تربیت خودم را از فرزندان خویش و از هم و هم چندان برای حفظ
و گسترش اسلام عزیز استقاده نمائیم که همانا شما نیز ما تم یقیم مسئولیم. بود در درس
شهر خان را از زینب بیا هوز لایه بود در درس هجرت را از زین العابدین به ما بیاموزید
آن مردی خواهد در سطحی های روزگار فهم با پرویشان نیاید ز نرسیم اگر استحقاق خودم و از هم

کتابهای را بین دوستان و خواهران و برادران تقسیم کنیم و هر چه بود در محوری از
اهوالم هستت بفرمایید بنوع اسلام استقاده نمائیم. البته با اجازه پدر و مادرم.

دیگر چیزی نیست شما را بخرا میسپارم از تمام آنچه از آن مخصوص غلامانم بدین آئین
ری می نمایانم دارم. شما که تمام رویتان را مخصوص غلامانم و آئینم و خودتان را غلامان
برین و ضامنم ام و تمام اقوام و خویشان و همه آنانکه بفرمایید به آنجا که من و طلبی کرده ام
یا هجرت را تفسیح کرده ام برایم طلب عفو و بخشش نمائید و نیز هجرت را ... آن تو مانده اول
موان برین از من خواهر و همچنین از همه صبر در هجرت آن تو مانده از من خواهر با و هم

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

محمد تقی میرزا

ساعت روز شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۲۸۵ ساعت ۵:۰۵ ادقی

است.

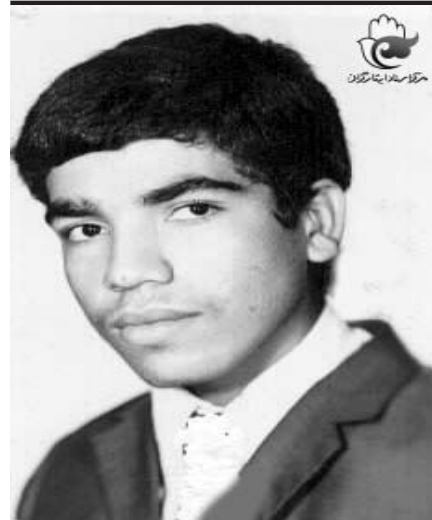
در شهر دعا بخوان اما در زمین دعا

خدا یا خدایا انقلد بفرمایید زین را نگه دار

۱۰

نوشته شد

اصغر قاسمی تیروری



نام: اصغر

نام خانوادگی: قاسمی تیروری

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۱/۰۵

محل تولد: روستای تیروور از توابع شهرستان

میناب

نام پدر: حسن

نام مادر: حبیبه

تحصیلات: دانش آموز چهارم هنرستان

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۱۱/۰۶

محل شهادت: محور اهواز - خرمشهر

نحوه شهادت: سانحه رانندگی و ضربه مغزی

محل دفن: روستای تیروور تابعه شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

◀ هر سو که می نگریم حجله های جوان هایی را می دیدم که مردانه در میدان کارزار به شهادت رسیده بودند، در مجالس که پای می نهادم خانواده های شهدا را می دیدم و در جایی دیگر می دیدم پیرمرد شصت هفتاد ساله با فرزند چهارده ساله خود در کنار هم روانه میدان جنگ حق علیه باطل هستند خجالت می کشیدم در اجتماع ظاهر بشوم و در نزد معبود خویش شرمند بودم و ماندن در خانه برای من ننگ بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با هر کسی ظلم می‌کند پیکار کرده بجنگید تا بفرمان خدا سر نهد (آیه ۹، سوره حجرات)^۱
 هر سو که می‌نگریستم حجله‌های جوان‌هایی را می‌دیدم که مردانه در میدان کارزار به شهادت رسیده بودند، در مجالس که پای می‌نهادم خانواده‌های شهدا را می‌دیدم و در جایی دیگر می‌دیدم پیرمرد شصت هفتاد ساله با فرزند چهارده ساله خود در^۲ کنار هم روانه میدان جنگ حق علیه باطل هستند خجالت می‌کشیدم در اجتماع ظاهر بشوم و در نزد معبود خویش شرمنده بودم و ماندن در خانه برای من ننگ بود.

و حال که این سعادت نصیب من شده که در کنار سایر رزمندگان سهم کوچکی در این جنگ داشته باشم اگر در این راه شهید شدم هر چند که خود می‌دانم چنین لیاقتی ندارم هیچ‌کس ناراحت نباشد، زیرا که من راه خود را که راه سعادت است آگاهانه انتخاب کردم؛ و تو ای مادرم! حق بزرگی بر گردنم داری و زحمات و مشقات زیادی را متحمل شدی تا مرا به این سن رساندی شرمنده‌ام که نتوانستم زحمات شما را جبران کنم و امیدوارم که مرا حلال کنی [...]! مادرم! مگر آرزوی تو این نبود که به کربلا بروی مگر نمی‌خواستی قبر شش گوشه‌ی امام حسین (ع)، را زیارت کنی پس هیچ ناراحت نباش زیرا که فرزند تو، این امانتی که به دست تو بود، به صاحب اصلیش برگرداندی. در راه فتح کربلا جان خویش را

۱. «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ: اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد پس اگر باز گشت میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد.

۲. در اصل: بر.

۳. ناخواناست.

فدا کرده و شما برادرانم مرا حلال کنید از این که در این مدتی که در بین شما بودم نتوانستم برادر خوبی برای شما باشم.

برادرانم! هر چه می‌توانید در مجالس دعای کمیل نماز جمعه و... شرکت فعالانه داشته باشید و در پایان از تمام کسانی که از بنده بدی دیده‌اند طلب عفو دارم. از شما ملت شهیدپرور التماس دعا دارم.

والسلام

اصغر قاسمی

امضاء^۴


و در آخر از ملت شهیدپرور تقاضا دارم [...] ^۵دعا برای سلامتی امت را فراموش نکنید و مانع فرزندان خویش نشوید که به جبهه بیایند. به امید آن که همگی شما نماز جمعه را در کربلا به امامت روح خدا بخوانید.

۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۵. «و» حذف شده است.

وصیت نامه
پژمانده اصغر قاسمی

بسم الله الرحمن الرحیم



باهر کس ظلم میکنند بیکار کرده میکنند تا بر ما خدا سرزند (دوره آفتاب) .
به هر سوزنی که می بینیم همه های جوانی را میدیدیم که سرمانه در دنیا کارزار به شهادت
رسیده بودند . در مجلس که پامی نهادیم خانواده ها که شهدا را میدیدیم عود در حالی دیگر
میدیدیم که پیر مرد شست هفتاد ساله با فرزندان چهارده ساله خود میگفتند بمان
میدان جنگ حق علیه باطل بود هفتاد . خیالت می کردیم در این جنگ ظاهر بنوم
و در نزد خود خوشتر سر زنده بودیم . و مانند در خانه بهر می نشاند بود
و حال که این سعادت نصیب من شده که در کناره روزی در زندگان هم کوچک
در این جنگ داشته باشم . اگر در این راه میباشم هر چیزی که خودی دانم
چنین لایق باشد . هیچکس را دوست نیابم درم آن کسی راه خود را که راه سعادت
آنست . آنگاه انتخاب کرده ام . و تو ای مادر من حق بزرگی بزرگ من داری
در سعادت و شرفات زیاد من را منتظر باشی تا نامه ای این بنام منی



مرکز اسناد و انتشارات

میدانم که تو استم ز سوت هم را چه با کس و امید دارم که سر اجلال کن
 ما هم ، مگر آرزوی تو این بود که به کربلا بروی ، مگر تو خاستی قبر نشین گورم
 ز یاد و صاحب اصلش مگر دانیدی (در راه فتح کربلا جان تو شمر را فدا کرده
 و با برادریم سر اجلال بند از ای که در این سوت که در پی ما بودم تو را قسم برادر خوبی
 برای ما ششم
 کردارم هر چه می توانم در میان کن ، تا ز جبهه و ... شرکت فعالانه داشته باشی
 در پانزدهم از تمام آن که از زنده بمانی دیده اند طلب میفر دارم
 از ما ملت که میفرود آید نامی میادارم

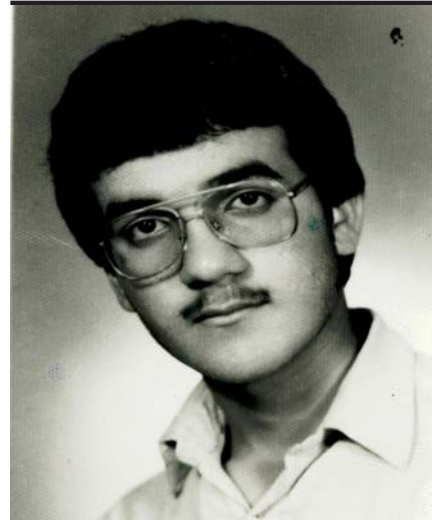
والسلام تاریخ ۵۵
 امین قاسمی

و در آخر ملت میفرود آید نامی میادارم
 در صبح زنده آن میفرود آید نامی میادارم

به امید آنکه همگی با ما ز جبهه را در کربلا به امت روح خدا بخوانند

شماره ۲۱۲۳۱۴۲

مجید قاسمی زاوه



نام: مجید

نام خانوادگی: قاسمی زاوه

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۷/۲۰

محل تولد: شهرستان بندر عباس

نام پدر: عبدالعباس

نام مادر: آمنه

تحصیلات: دانشجوی رشته دامپزشکی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۰۷

محل شهادت: پاسگاه زید عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ مرگ راهی ست که همگان آن را خواهند پیمود همان که به من اجازه داد و حیات بخشید خودش بر اساس آیه مبارکه **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ** خریدار جانم شد من هم با کمال میل این جسم بی مقدار را به او تقدیم کردم و چه نکو معامله ای. امیدوارم که خداوند این جان ناقابل را قبول در گاه خود گرداند.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا^۱

پروردگارم و معبودم خداوند قادری که این بنده‌ی بی‌مقدار را ابتدا معرفت آموخت تا بتوانم با غلبه بر نفس و انجام جهاد اکبر، توفیق حضور در جبهه و همراه شدن با بندگان خاص و برگزیده‌ی خود را داشته باشم. با سلام بر مهدی (عج)، یگانه منجی عالم بشریت و درود بر نائب برحقش امام خمینی (ره) و با یاد شهیدان گلگون کفن و همیشه جاوید انقلاب اسلامی [و] پیروزی نهایی رزمندگان اسلام خدمت پدر، مادر گرامی، برادران، خواهران مهربان و فامیل عزیزم سلام عرض می‌کنم، امید این که بنده حقیر را به سبب قصوراتم عفو کنید و اگر نارضایتی از بنده داشته‌اید به بزرگواری خود حلال نمایید؛ از این که نتوانستم در جمع شما بمانم از من ناراحت نباشید زیرا کاری را جز آن‌چه که عرض حضرت حق بوده است انجام نداده‌ام از بابت من هیچ‌گونه غم و اندوهی را به خود راه ندهید مرگ راهی‌ست که همگان آن را خواهند پیمود همان که به من اجازه داد و حیات بخشید خودش بر اساس آیه مبارکه **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ^۲** خریدار جانم^۳ شد من هم با کمال

۱. بخشی از آیه ۴۳، سوره اعراف: «وَنَرَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنَ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تَتَّكُمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ: وَ هَر كُونه كُينه‌ای را از سینه‌های شان می‌زداییم از زیر [قصرهای] شان نهرها جاری است و می‌گویند ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود و اگر خدا ما را رهبری نمی‌کرد ما خود هدایت نمی‌یافتیم در حقیقت فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند و به آنان ندا داده می‌شود که این همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آن‌چه انجام می‌دادید میراث یافته‌اید».

۲. بخشی از آیه ۱۱۱، سوره توبه: «در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است».

۳. در اصل: جونم.

میل این جسم بی مقدار را به او تقدیم کردم و چه نکو معامله‌ای امیدوارم که خداوند این جان ناقابل را قبول درگاه خود گرداند؛ و اعمال و رفتار شما خانواده‌ی عزیزم را در شهادتم و پس از آن را با انجام آن چه که فرموده است [...] ^۴گردانیده است. از قبیل نماز و روزه و خمس و... که توسط نبی خاتم حضرت محمد (ص) بر ما اقامه شده است باعث شادی روحم گرداند ان شاء الله همانطوری که متذکر شدم این راهی ست که خود انتخاب کرده‌ام و هیچ اجباری در آن نبوده است خدا را شکر می‌گویم از این که ما را بر این صراط مستقیم گرداند. از این که لغزش‌هایی برایم پیش آمد ولی به حول و قوه‌ی الهی مبتلا به آن‌ها نگشتم و نیز خدا را شکر می‌گویم که بنا بر حقانیت دینم و به فرمان امام عزیزم پا در این راه قدم و در جبهه گذاشتم امیدوارم که مسئولیتم و دینم را نسبت به اسلام و ایران اسلامی ادا کرده باشم، تا در عالم دیگر نزد خداوند و ائمه اطهار و شهدا سر به زیر نباشم. در پایان از شما خانواده‌ی عزیز به عنوان آخرین زحمت خواهان آنم که حتی المقدور قضای یک‌ماه روزه برایم بگیریید و نیز درخواست طلب حلالیت از ذی‌الحق و التماس دعا.

خداحافظ و نگهدار شما باد.

مجید قاسم‌زاده

دهکده چوبیده آبادان

امضاء^۵

۱۳۶۵/۰۸/۱۸

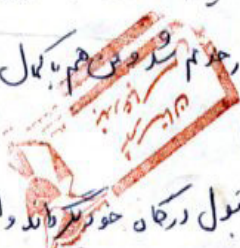
۴. ناخواناست.

۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۶۵،۲۸۳۹۸



بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا
 مركز اسناد و ايثارگران رام و مصورم. خداوند قادر که این بنده را با مقدار را ابتدا معرفت آموخت تا حقوالم
 با تعليم بر نفس و انجا انجهدا ديگر توفيق حضور در چشم و همراه شدن با سيد حسن خاص و ديگر كرنده
 حق در اراشتم انتم را سلام بر مهدی دبیغ ابط ۲ منعی عالم شيرت و درود زيب
 بر حسن امانتيني و با با د سمدان گلگون كنش و همين جا و بنا انقلاب اسلامي و بيروزي
 نظامي و زندگان اسلام. خدمت به روحان و تواني و برادران و خواهران مهربان و فاضل
 عزيزم سلام عرض مي كنم - ايدي كه اين بنده خفي را به سبب قصود ام عند كنند و الا زمانه
 از بنده را شتم ايدم بزركواري خود حلال نمائيد - اراشتم متواضعم در جمع شما بجام ايرانيان
 با شيد زيرگاه دي را چه كنم عرض حضرت حق بوده است اما اندام از بيت من
 كه بگذرد نمم و ايدم را به خود راه ندهد. مرگ راه است كه همچنان از خاهاهني همود جهانم
 به من جان داد و حيات بخشيده خود رس بر اساس ايم خدا كه جان الله استري من المؤمن
 ابد الصم و انفسهم! ان لهم الجنة يا خيرين! و در من هم با بهل ميل اين حرم
 بي مقدار را به او تقدیم كردم و چنين بود جمله امای!
 ابيد دارم كه خداوند اين جان ناقص را قبول در گان خود بگرداند و اعمال و رفتار
 شما خاندان عزيزم را در شمارتم و پس از آن را با انجام انجم به خرفوده است





ببینم گردانیده است از قبل تمام روز و شب و شب که تو سعادتی خاتم حضرت
مرکز ناآرامی و نگرانی هر حال کام شد است باعث بسیاری روحم گرداند انشاء الله، ها فقط بنم

مند گویم این راهی است که حرفه را تمام کرده ام و هیچ اجباری در آن نبوده است
خدا را شکر گویم از اینکه تا این راه را پیمودم گرداند و از اینکه نفسهای پران
پیش آمد و کما به حول و قوه الهی بسطایم انشاء الله و نیز خدا را شکر گویم که تا بنابر

حقانیت و بنم در هر زمان عشق و دوستی را نسبت به اسلام و ایران اسلامی ادا
نمایم و در این راه و قدم رحمت تو باشم امین و استوارم
کردم، هم تا در کام دین تو در خداوند در انتم اطهار و شهدا سر بر ذری بنامم در بیان

از شما که در این عزیزان آخرین رحمت خواهانم که حق الهی و در حقانی

یکماه روزه را برام بگذرد و نیز درخواست طلب حلالیت از ذی الحق و

التماس دعا. خدا حافظ و بگذرد ان شاء الله

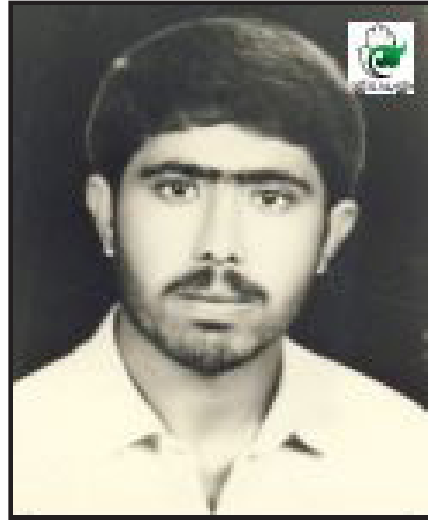
۸

مجید قاسمی زاده
دهلا، جوهنده، ایران

۶۵۱۸۱۱۲



محمد قاسمی قلعه قاضی



نام: محمد

نام خانوادگی: قاسمی قلعه قاضی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۷/۱۱

محل تولد: شهرستان بندرعباس

نام پدر: حسین

نام مادر: زهرا

تحصیلات: دانشجوی دوره کاردانی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۰۷

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت:

محل دفن: گلزار شهدای بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ ای مردم مسلمان و همیشه در صحنه! به حرف‌های امام عمل کنید چون که خیر و سعادت شما در این است.
- ◀ و دعا برای امام یادتان نرود قرآن را بخوانید و نماز را به وقت بخوانید به مستمندان و خانواده‌های شهدا و جانبازان سرکشی کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

باری خداوند رب العالمین توفیق داد که بتوانیم به ندای رهبر کبیر انقلاب اسلامی لبیک گفته و عازم جبهه شویم و شکر خدا را به جای آوریم. پدر و مادرم! از این که نتوانستم خوب شما را با محبت سیراب کنم خیلی مرا ببخشید و سخنی چند با مردم شهید پرور دارم. ای مردم مسلمان و همیشه در صحنه! به حرف‌های امام عمل کنید چون که خیر و سعادت شما در این است و جبهه‌ها را گرم نگه دارید که ان شاء الله پیروزی نزدیک است.

والسلام علیکم و الرحمه و البرکاته.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۵/۸/۱۸

با درود و سپاس به خدای یگانه که هستی را آفرید و مرگ و حیات را آفرید که عده‌ای بتوانند به حقیقت خداوند پی ببرند و خداوند را درک کنند. ملت مسلمان ایران! جنگ را هیچ وقت از یاد نبرید و همیشه به یاد جنگ [باشید] و یاری رزمندگان بشتابید و هیچ وقت دست از این کار نکشید که قرآن می‌فرماید:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ^۱

و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید ولی از اندازه در نگذیرید زیرا

خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

پس با توجه به این آیه قرآنی تا آخرین قطره خونی و آخرین نفسی که در بدن داریم باید بر علیه دشمنان اسلام بجنگیم همان‌طور که شهدا جنگیدند و نباید از ترس مردن دم، بیرون نیاوریم انسان روزی می‌میرید و تنها جنگ باعث مردن نیست و این مردن مرگ با عزت است و به خدا پیوستن است چرا که قرآن می‌فرماید:

وَلَئِنْ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ^۲

و اگر [در راه جهاد] بمیرید یا کشته شوید قطعاً به سوی خدا گردآورده خواهید شد.^۳ من خودم این راه را انتخاب کرده‌ام چرا که تا حدودی این راه را شناخته‌ام و هیچ‌کس مرا مجبور نکرد که این راه را انتخاب کنم^۴ امت مسلمان ایران! همیشه گوش‌یه حرف امام بدهید.^۵

و دعا برای امام یادتان نرود قرآن را بخوانید و نماز را به وقت بخوانید به مستمندان و خانواده‌های شهدا و جانبازان سرکشی کنید.

خدایا! این ملت را که برای تو قیام کرده‌اند پیروزشان بگردان. خدایا! شر دشمنان اسلام را از سر این ملت کوتاه بگردان.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

مرا در بهشت زهرا بندرعباس دفن کنید.

۱۳۶۵/۸/۱۸

امضاء^۶

پدر و مادر و دیگر اقوام و خویشانم و هم‌چنین دوستانم! برای من گریه نکنید و هر وقت خواستید گریه کنید بیاد داشته باشید که مصیبتی بزرگ‌تر از مصیبت اباعبدالله وجود ندارد و همیشه برای اباعبدالله گریه کنید. راه شهدا را ادامه دهید و تا پیروزی کامل به جنگ ادامه

۲. آیه ۱۵۸، سوره آل عمران.

۳. آیه ۱۵۸، سوره آل عمران.

۴. در اصل: برگیرم.

۵. در اصل: باشید.

۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

دهید و همیشه گوش به حرف امام باشید، که راه سعادت راه امام و راه دیگر شهدا پیوستن به خداوند می باشد.

والسلام علیکم

نام زمام خانواده: محمدتاج محمدتاج
فرزند حسین ... تاریخ: ۱۸/۸/۱۳۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم



بسم تعالی
بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم
با درود و سپاس بر خدای بگانه که هستی را آفرید و مرد رحیم را آفرید
که همه ای بتوانند به حقیقت خداوند پی ببرند و خداوند را درک کنند. معصوم
ملت مسلمان ایران جنگ را هیچ وقت از یاد نبرید و همیشه بیاد خست و
بباری زمین گمان بستاید و هیچ وقت دست از این کار نکشید که قرآن میفرماید
(و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعدوا و ان الله لایب
العتین و کافران کفیر در راه خدا با آنان که کافران مکتبند با شما و از
خدا درگذردید بدو رسد خدا دست ندارد از حد درگذردگان را)
من با توجه به این آیه قرآنی تا آخرین قطره خون و آخرین نفسم که در بدن
حارم باید بر علیه دشمنان اسلام بجنگم همانطور که شهدا جنگیدند و نیاید
از ترس مردن در بیرون نیایدیم. این روزی میسرود و تنها جنگ
با حق مردن نیست و این مردن مرگ با عزت است و به خدا میروست
است چرا که قرآن میفرماید

«و لکن منکم اذ قتلتم لالی الله تحسرون و از مردن یا کشته شدن در راه
سوی خدا میروید»

من خود این راه را انتخاب کرده ام چرا که تا حدودی این راه را شناختم
و هیچ کس مرا مجبور نکرد که این راه را برگزیم. است مگر ایران همیشه گرس
به حرف اما با شکی و دعا بر این اما یا قاتل شود قرآن را بخواند و نماز را
وقت بخواند. به مستعدان و خانواده شهدا و جانبازان مرگش کند
خدا یا این ملت را که برای تو قیام کرده اند و پیروزشان بگردان
خدا یا شر دشمنان اسلام و از سر این ملت کوتاه بگردان
خدا یا تا انقلاب مهدی حسین را نهدار

مادر محبت زهرا بندگی و فتح کند



اسامی
در نامه

محل امضاء
۱۸/۸/۱۳۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

پدر و مادر و دیگر اقربا و خویشاوندان و همچنین دوستانم برای من گریه میکنند و هوس
خواستند گریه کنند بیا داشته باشید که معصیت بزرگ از معصیت ابا عبد الله وجود
ندارد و هوس برای ابا عبد الله گریه کنند. راه شهدا را ادامه دهید و تا پیروز
کامل به خب اقامه دهید و هوس گوش بگوش اما آید که راه سعادت
راه اما آید راه دیگر شهدا پیوستن به خداوند میباشد.

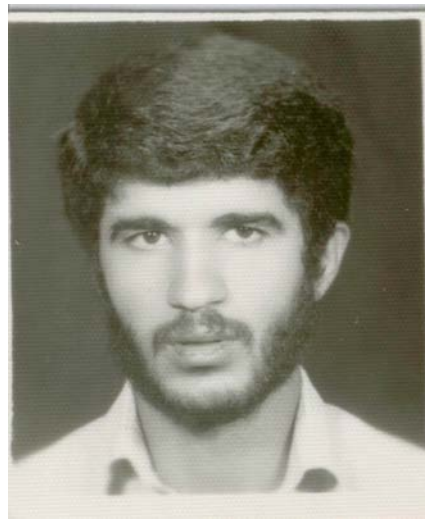
والسلام علیکم

محمد اسماعیل

۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنمایید و مشخصات خود را دقیقاً بنویسید
۲- وصیت نامه را از تعدادن مورد زندگان با نگاه مربوط خود دریافت نمایند.

تذکر

جمشید قاسمی کوربندی



نام: جمشید

نام خانوادگی: قاسمی کوربندی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۴/۱۶

محل تولد: شهرستان آبادان

نام پدر: غلام

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۴/۲۳

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره

محل دفن: شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ در ضمن من به جبهه می‌روم و از خانواده‌ام می‌خواهم که اگر من شهید شدم برای من ناراحت نباشند و سعی کنند که دعاهای خود را زیادتر کنند.

بسمه تعالی

بنام خدای در هم کوبنده ستمگاران

می‌رویم و خواهیم رفت اما به راهی که سرداران اسلام [رفتند] راه جهاد [...]، راهی که رضای خدا در آن است^۲ و رهبرمان خمینی بت‌شکن رهنمایم باشد. خدایا! به ما توفیق ده تا این مأموریت [...] آن‌طور که شاید و باید به پایان رسانیم و جهادگری مومن به اصل نبوت و انقلاب باشیم. خدایا! از عمر ما بکاه و به عمر رهبرمان بیفز. پروردگارا! به ما توفیق ده تا از شر^۴ مستکبرین جهان و بعثیان کافر [نجات پیدا کنیم]^۵ [...] و دست آن‌ها را از [مسلمانان محروم]^۸ و مستضعفین جهان کوتاه کنیم. در ضمن من به جبهه می‌روم و از خانواده‌ام می‌خواهم که اگر من شهید شدم برای من ناراحت نباشند و سعی کنند^۹ که دعا‌های خود را زیادت‌ر کنید و از خدا بخواهید هر چه زودتر ظهور امام مهدی (عج) [را] [...] [برسان و ما را]^{۱۱} رستگار کن^{۱۲} و از تمام خانواده‌ام می‌خواهم مرا ببخشند^{۱۳} و هر بدی

۱. «می‌رویم به» حذف شده است.

۲. در اصل: شد.

۳. ناخواناست.

۴. در اصل: شرح.

۵. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «نجات پیدا کنیم» باشد.

۶. «را از شرح» حذف شده است.

۷. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «دست آن‌ها را از» باشد.

۸. در اصل: محروم مسلمان.

۹. در اصل: کنید.

۱۰. «بر ما» حذف شده است.

۱۱. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «برسان و ما را» باشد.

۱۲. در اصل: کند.

۱۳. در اصل: ببخشید.

و خوبی که از من دیده‌اند^{۱۴} مرا حلال کنند^{۱۵} از طرف من تمام خانواده را سلام برسانید^{۱۶}.
خداحافظ.

تا خون در رگ ماست
خمینی تعالی رهبر ماست
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگه دار.

۱۴. در اصل: دیدید.

۱۵. در اصل: کنید.

۱۶. در اصل: می‌رسانم.

۱۱۱
۱۱۰
۱۰۹

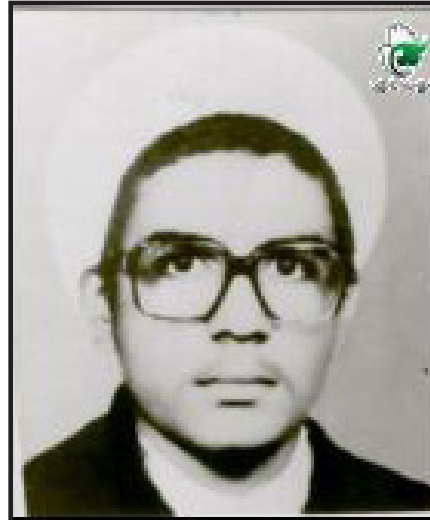
به: خانوادۀ
از: وصیت نامه
موضوع: پیام فدای در هم کوبنده مستکبران

بزرگوارم سید تقی
از: وسیع بیاید و انوار نور عباس

من و خانواده من رفتیم اما بر آنکه سرداران اسلام راه جهاد می رویم راهی که رضای خدا را که
که در هر سالان شریفی است بلکه در نهایت با آنکه خدا را به ما توفیق ده تا این عملی است
و در آنست که تمامه و باید بیاید آن را نیز و جدا دگر می و چون به اهل سنت و انقلاب با آن
و آیا از هر ما که در به هر هر ما در بیفزایم در کار آمد ما توفیق ده - از شرح مسئله در جهان
و بعضی از افراد از شرح معروف مسلمانان مستغنی جهان کوتا کنند در ضمن بود به چه
برای و از خانوادۀ ما من خواهم که اگر من شهید شوم بر آن من ناراحت نباشند و می کنند که
عاشای خود را زیادتر کنند و از خدا بخواهم هر چه زود تر ظهور امام مهدی (عج)
برای ایشان کند و از تمام خانواده من خواهم هر یک بخشد و هر یک در خوبی که از من دیدید برای
عالم کنند از طرف همه تمام خانوادۀ اسلام من بر آنم - خدا حافظ

تا خود را در گرفتار است - چنین تقاضای رسید است
بغلا یا خدا یا تا انقلاب مهدی (عج) چنین است

عبدالمجید قنبری باغستانی



نام: عبدالمجید
نام خانوادگی: قنبری باغستانی
تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۲/۰۱
محل تولد: شهرستان بندرعباس
نام پدر: غلام
نام مادر: سکینه
تحصیلات: دیپلم
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۴/۱۸
محل شهادت: قلاویزان
نحوه شهادت: انفجار مین و اصابت ترکش آن و
قطع دست و پا
محل دفن: گلزار شهدای بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ این همه با خدا لج نکنید، با اسلام لج نکنید با امام لج نکنید با جنگ لج نکنید که اگر خدای با شما لج کرد دیگر همه تان کج می شوید و نه تنها کج و بلکه نیست و نابود می شوید.
- ◀ خط، را خداوند و مهدی (عج) و فاطمه الزهرا (س) شکستند خاکریزها را مهدی (عج) پاک سازی کرد تیرها را فاطمه (س) هدایت می کرد و هدایت [اصلی] با خداوند بود.

بسمه تعالی

شوق دیار حسین و کربلا دارم بسی گفتگو با خامس آل عبا دارم بسی
 این چند کلمه را به معنای آخرین نامه و یا وصیت‌نامه خطاب به خانواده‌ام می‌نویسم،
 حسابم را با خدای خود جدا صاف می‌کنم. ضمن عرض سلام و سلامتی شما را از درگاه
 خداوند متعال و نصرت و پیروزی اسلام مخصوصاً در این عملیات که در پیش داریم هم
 اکنون از آخرین جلسه عملیاتی که در آن برادر قاسم سلیمانی فرمانده دلیر لشکر ثارالله
 صحبت نمود خارج شدیم. در این جلسه همه حرف‌ها از خدا [...] و معنویت [...] و عشق
 [...] و خون [...] امام حسین (ع) بود بدانید و آگاه باشید ای اقوام و خویشان! که حجت
 خدا بر همه ما تمام شده خون این شهدا یقه ما را در صحرای محشر می‌گیرد. ای آنهایی که
 همه‌اش در فکر مال و منال و دنیا هستید! تا دیر نشده به خود آئید نه خدا دارید نه پیغمبر
 نه امام دارید نه ولایت نه نماز دارید نه روزه همانا شما خائن [...] به دین خدا و خون شهدا
 هستید. به شما می‌گویم ای اقوام و خویشان! که بعد از چندین سال گذشت، از رحمت واسعه
 خداوند (انقلاب اسلامی) به خود نیامده‌اید به خود آئید، بدانید که مرگ و زندگی بدست
 خداست نکند یک‌وقت مرگ به سراغ ما بیاید و آنوقت دیر باشد به فکر خودتان باشید
 دیگر بس است مگر چقدر می‌خواهید در این دنیا بمانید. آن از وضع خودتان و این از وضع
 بچه‌هایتان همه چیز را می‌دانم. اگر من ندانم خدا می‌داند و آن بدتر است این همه با خدا لج
 نکنید. با اسلام لج نکنید. با امام لج نکنید. با جنگ لج نکنید، که اگر خدای با شما لج کرد

۱. «بود» حذف شده است.

۲. «بود» حذف شده است.

۳. «بود» حذف شده است.

۴. «بود» حذف شده است.

۵. در اصل: خائنین.

دیگر همه‌تان کج می‌شوید و نه تنها کج و بلکه نیست و نابود می‌شوید. این از ترسیدن^۶ شما [است]. اما از امید بگویم از رحمت خدا بگویم و کرامت خداوند، از تقویت و رحمت او که همه را می‌بخشاید اگر یک‌قدم بسوی خدا بیایید، صد قدم بطرف شما میاید و یقیناً دست شما را می‌گیرد و چه بهتر که زودتر به خود بیاییم و بدرگاه خداوند بشتابید. این نوشتن از ما و عمل کردن از شما. این [را] بعنوان وظیفه نوشتم و گرنه با این کارهای شما هیچ ضرر و نفعی به جانب اسلام و مسلمین نمی‌رسد. در آخر وصی قرار می‌دهم خانواده‌ام را به تقوی الهی و انجام واجبات و ترک محرمات و انجام مستحبات و ترک مکروهات به این ماه مبارک، دوماه برایم روزه قضا بگیرید و یک‌سال نماز و اگر قرض و قروضی داشتم بپردازید شما را به خدا می‌سپارم التماس دعا.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله پاسدار خون شهدا

۱۳۶۴/۱۲/۰۲

با سلام و درود بر پیشگاه مقدس آقا امام زمان (عج) و نایب برحقش امام امت و سلام بر ارواح پاک شهیدان اسلام بالاخص شهیدان عملیات والفجر ۸ سلام بر شهیدان عزیزی که با گذشتن از امواج خروشان رود وحشی اروند و شکستن خط دشمن راه را برای زائران کربلای حسین (ع) باز نمودند و در این راه تنها سرمایه‌ی خود را [که] جان عزیزشان [است] در طبق اخلاص نهادند و تقدیم معشوق‌شان الله تبارک و تعالی نمودند. همه از آن شب سخن می‌گویند شب دیدار مهدی، می‌گویند ما کاری نکردیم^۷ فقط دویدیم و رفتیم جلو، خط را خداوند و مهدی (عج) و فاطمه‌الزهرا (س) شکستند خاکریزها را مهدی (عج) پاک‌سازی کرد تیرها را فاطمه (س) هدایت می‌کرد و هدایت [اصلی] با خداوند بود عملیاتی که دنیا را

۶. در اصل: ترسانیدن.

۷. در اصل: نکردم.

در حیرت برده می‌گویند از یک مانور آسان‌تر بود و فقط همه‌ی این‌ها را از عنایات خداوند و فاطمه زهرا (س) و فرزندش مهدی (عج) بود. رمز نام مبارکه مادر اسلام بود. شب عملیات چشم‌ها از اشک جاری و قلوب از انوار الهی منور [شده] بود. بله بهشت رفتن و زیارت کربلا سختی می‌خواهد، گذشتن از اروند رود می‌خواهد؛ و در این راه اخلاص و ایمان و ایثار، تنها سلاح مبارزه است؛ نه توپ و تانک و آرپی جی و... و حسرت همه این‌ها مال ما بود البته ما اگر به وظیفه خودمان عمل کرده باشیم و پشت جبهه را نگه داشته باشیم نباید حسرت بخوریم و تنها کار ما دعا کردن و سجده شکر به جا آوردن است. ولی می‌دانم که من به شخصه، با گناهان خود خون شهیدان را پایمال کرده‌ام و آمدم تا شاید بتوانم در این سرزمین مقدس از گذشته خود توبه کرده و ادامه‌دهنده خون شهیدان باشم واقعاً این‌جا محل خودسازی و رشد معنوی است. و سلام بر شما خانواده‌ی عزیزم، امیدوارم که حال همگی^۸ شما خوب و سلامت باشد؛ باری خواستم با فرستادن نامه خبر سلامتی خود را به شما برسانم و بگویم که از بابت من نگران نباشید شاید ناراحت باشید از این که آمده‌ام جبهه ولی بدانید که اولاً بنده به حد تکلیف رسیده و در کارهای خود مستقل هستم. ثانیاً بنا بر نظر مدرسه و مسئولین الان وظیفه حکم می‌کرد که برای پر کردن نیروهایی که عملیات کرده‌اند و به مرخصی رفته‌اند^۹ باید به جبهه می‌آمدم و مدرسه ما کلاً به مدت یک‌ماه جهت رفتن به جبهه تعطیل شده و از این تعطیلی نمی‌توان به عنوان رفتن به خانه استفاده کرد و کاری ندارم که چه کسی آمده و چه کسی نیامده الان ما در منطقه‌ای در اهواز هستیم و کاری به صدام نداریم و حال همگی خوب است و با برادران بندرعباس هستیم در تبلیغات برادران حیدری [...]^{۱۰} و [...]^{۱۱} هم هستند که ان‌شاءالله بعد از پایان ماموریت به سر درس و مدرسه بر می‌گردم و از همه شما التماس دعا دارم برای سلامتی امام و رزمندگان دعا کنید و بدانید، تا خداوند قبول نکند کوچک‌ترین صدمه‌ای به کسی نمی‌رسد و درس‌ها را از آن‌جا که خوانده‌ایم ادامه می‌دهیم چون خود

۸. در اصل: یکی.

۹. در اصل: همه یکی.

۱۰. در اصل: می‌روند.

۱۱. ناخواناست.

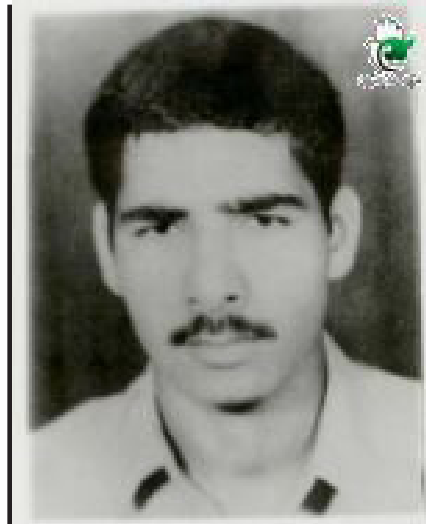
۱۲. ناخواناست.

مدرسه اجازه داده و مدرسه ما هم در این عملیات شریک بوده و برادران روحانی مدرسه در عملیات شرکت داشتند؛ زیاد مزاحم نمی شوم سلام برسانید. التماس دعا.

عبدالمجید قنبری

امضاء ۱۳

ناصر قویدل



نام: ناصر

نام خانوادگی: قویدل

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۶/۳۰

محل تولد: روستای اسلام آباد تابعه شهرستان

رودان

نام پدر: عیسی

نام مادر: آمنه

تحصیلات: دوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۰

محل شهادت: خرمشهر

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: روستای اسلام آباد شهرستان رودان

گلچین وصیت نامه

من از جوانانی که در راه خدا جان شان را فدا کرده اند عزیزتر نیستم شما فکر کنید که این فرزند را در راه خدا به جمهوری اسلامی ایران داده اید.

بسمه تعالی

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا^۱

و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید.

قسم به اشک تو مادر که مرد جنگم چو روز حادثه شد سخت‌تر ز سنگم

سلام بر مهدی صاحب‌الزمان (عج) و بر خمینی روح خدا و بر پدر و مادرم [...] ای خانواده‌ی گرامی! چند کلمه‌ای با شما درد [و] دل می‌کنم. مادر مهربان به شیر پاکت قسمت می‌دهم و به بی‌خوابی‌هایی که کشیدی. امیدوارم که مرا حلال^۲ کنی. من از جوانانی که در راه خدا جان‌شان را فدا کرده‌اند عزیزتر نیستم. شما فکر کنید که این فرزند را در راه خدا به جمهوری اسلامی ایران داده‌اید. پدر بزرگوارم! با زحمتهای زیادی که کشیده‌اید و مرا به این سن رسانده‌اید، امیدوارم این راهی که انتخاب کردم بر خود بیالی^۴ [که] دست پرورده‌ی خود را در راه حسین (ع) قربانی کرده‌اید^۵ و خواهر و برادران! امیدوارم که اگر خدا خواست و من شهید شدم راه مرا ادامه داده تا ظهور امام زمان (عج). دیگر عرضی ندارم. والسلام علیکم و الرحمة الله و برکاته.

امضاء^۶

۱. بخشی از آیه ۱۰۳، سوره آل عمران.

۲. «عرض می‌کنم» حذف شده است.

۳. در اصل: هلال.

۴. در اصل: بیالی.

۵. در اصل: قربانی داده‌اید.

۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



سما تعالی
واعتصم بعین الایمان جمعاً ولا تفرقوا
سما ان الایمان بینه بزئید و تفرق نشوید (قرآن کریم)

وصیعت نامه ناصر قویدل

نام قویدل ۶/۲۴۱۰۹

مرکز اسناد و کتابخانه ملی
قسم اسناد نو مادر که در خطم

چون روز حادثه شد محترم سخنانم ترزنگم

سلام بر مهدی صاحب الزمان (عج) و بر خینی روح خدا و بر پدر و مادر من عرض میکنم ای خانواده گرامی
چند دهه ای با شما در دل می کنم مادر سهریان؟ شیر پاکت قسمتم می دهم و بی خوابی های که کشیده ای
امید دارم که مرا هلال کنی من از جوانانی که در راه خدا جانانشان را فدا کرده اند عزیز تر نیستم شما که بگوئید
که این عزیزان در راه خدا به جمهوری اسلامی داده اند. پدر بزرگوارم از جسمهای زیادی که کشیده اند و مرا
به این سس رسانیدید به امید دارم که این راهی که انبی بگودام بر خود بالیدن کنی دست پرورده خود
را در راه حیون (ع) قربانی داده اند و خواهر و برادران امید دارم که اگر خدا خواست من
بشیر شدم راه مرا ادامه داده تا ظهور امام زمان (عج).

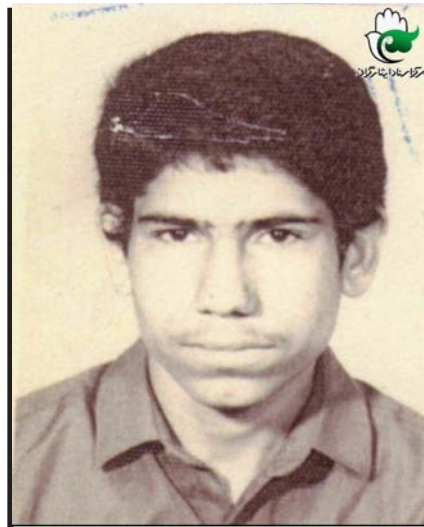
۶/۲۴۱۰۹

دیگر عرضی ندارم.

و سلام علیکم بر همه و بر کائنات



احمد کاشانی احمدی



نام: احمد

نام خانوادگی: کاشانی احمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۷/۳۰

محل تولد: شهرستان حاجی آباد

نام پدر: علی

نام مادر: گلنسا

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۳/۰۶

محل شهادت: بانه

نحوه شهادت: درگیری با نیروهای عراقی بر اثر

اصابت ترکش به پهلو و پا

محل دفن: روستای کاشان تابعه شهرستان

حاجی آباد

گلچین وصیت نامه

- ◀ از خداوند بزرگ طلب مغفرت برایم بکنید که آن جایی که من می‌روم جائی است که هیچ چیز بدردم نمی‌خورد بجز دعا و قرآن خواندن شما، در مزارم.
- ◀ برادران عزیزم! از رفتن من هیچ ناراحت نباشید چون که تنها من نبودم که رفتم بلکه جوان‌هایی خیلی خیلی بالاتر از من بودند که رفتند و بنده آخرین آنها هستم و نمی‌دانم چه طور این سعادت نصیب شد و در این راه پر عظمت حرکت کردم.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۶/۰۱/۱۹

حضور محترم برادر گرامی و ارجمندم سلام ضمن تقدیم سلام خالصانه که از ته قلب به شما می‌رسانم. برادران عزیز! می‌خواهم یک مختصر وصیتی به شما بکنم زیرا^۱ بر هر انسان مسلمان واجب است که وصیت بکند. برادران عزیزم! اولاً از همه تقاضای عفو دارم و مرا ببخشید شاید در طول این زندگی^۲ جایی شده است و یا حرفی گفته که شما از من ناراحت شدید از همه شما بخشش می‌خواهم؛ و برادران عزیز! از خداوند بزرگ طلب مغفرت برایم بکنید که آن جایی که من می‌روم جائی است که هیچ چیز بدردم نمی‌خورد بجز دعا [...]^۳ و قرآن خواندن شما، در مزارم. برادران عزیز! من در این مدت زندگی حق برادری را ادا نکردم امیدوارم که شما مرا ببخشید. برادران! امروز که این نامه برای تان می‌نویسم همان روزی است که عصر می‌خواهم بروم عملیات و این مختصر وصیتی هست که [...]^۴ می‌نویسم اگر [...]^۵ چیزی یا کاری دیگر [...]^۶ از یادم رفت شما خودتان حلال کنید. برادران عزیز! مسئله اول ازدواج من بود که تاکنون هیچ حرفی به شما نگفتم و آن چه که باید به شما می‌گفتم^۷ این است که بنده در ایام عید نوروز برایم میسر نبود و عروسی را برای بعد از ماه مبارک رمضان گذاشتم و از اینکه در ایام عید نوروز نیامدم مرخصی، [زیرا] مرخصی بنده نرسیده بود و بعد از نوروز می‌خواستم بیایم مرخصی یک مسئله پیش آمد و آن مسئله این بود که یک دوره رفتیم

۱. در اصل: چون که.

۲. در اصل زندگی.

۳. «ی شما» حذف شده است.

۴. «هر چه الان در نظرم هست» حذف شده است.

۵. «درباره‌ی» حذف شده است.

۶. «هم» حذف شده است.

۷. در اصل: گفته بودم.

تهران ملاقات و از ملاقات [که] برگشتیم و می‌خواستیم بیایم مرخصی که گفتن عملیات است و باید بمانید و بنده باز ماندم و [باز هم] می‌خواستم بیایم مرخصی که با شما مشورت کنم درباره‌ی ازدواج و این شد که وقت مناسب نبود و خدا^۸ [سعدت دنیوی و اخروی را نصیب بنده کرد و از این دنیای مادی و دنیای فانی رفتم و برادران! از خداوند می‌خواستم که [این سعادت را نصیب من کند و بروم و برادران! [این بنده از روی ناآگاهی [این]]]]^۹ نرفتم^{۱۰} بلکه بنده این راه را راه سعادت دانستم و این جسم بی‌فایده را تقدیم به اسلام کردم و یک چیز دیگر بگویم که بنده در این دنیا کسی بجز خدا و شما برادران نداشتم و خیلی رنج می‌بردم از این که نه پدر و نه مادر داشتم. [این] وقتی [از] مرخصی می‌آمدم [این] در اتوبوس بغض گلویم را گرفت که من به کجا می‌روم [این] برادران. و برادران عزیز! بنده مدت ۲ ماه روزه قضا دارم و از شما می‌خواهم که یک نفر را بگویید [که] برایم روزه [قضا] بگیرد^{۱۱}. از همه‌ی شما برادران تقاضای عفو دارم. امیدوارم که مرا ببخشید؛ راستی برادر جان موسی! امیدوارم که حال همگی شما خوب بوده باشد. برادر جان! از این که به جای پدر برایم بودید و برای من خواستگاری رفتی و نامزدی کردی و احساس پدری نسبت به من کردی خیلی تشکر می‌کنم و بروید و بگویید که مرا ببخشند و هر جا برای‌شان امکان دارد دخترشان را [این] کنند و خیلی از طرف من معذرت خواهی کنید چون که خیلی نسبت به من [این]^{۱۲} داشتن و خیلی بنده شرمنده این‌ها هستم و [این] برای من کردند که در مقابل آن‌ها خاضع و

۸ ناخواناست.

۹ « مرا » حذف شده است.

۱۰ « نه این که » حذف شده است.

۱۱ « ناشناخت » حذف شده است.

۱۲ در اصل: رفتم.

۱۳ « که » حذف شده است.

۱۴ « در راه » حذف شده است.

۱۵ ناخواناست

۱۶ « که روزه‌های مرا قضا بگیرد » حذف شده است.

۱۷ ناخواناست.

۱۸ ناخواناست.

۱۹ ناخواناست.

متواضعم زیرا^{۲۰} نتوانستم جبران کنم هم‌چنین محبت‌های [...] را و آن علاقه‌ای که نسبت به هم داشتیم و خداوند ما را از هم جدا کرد و از خداوند خواهانم کسی [...] از من بهتر با او ازدواج کند هر چه بنویسم کم است اما دیگر چیزی در نظرم نیست به جز محبت‌های این‌ها و امیدوارم از طرف من خدا به این‌ها محبت کند و بنده لایق نبودم که بیشتر بمانم و با این‌ها وصلت کنم و از خداوند هم تشکر می‌کنم [...]، این لطف الهی بود که ما نسبت به هم علاقه پیدا کرده بودیم چون روزی که می‌خواستم بروم خواستگاری از خدا طلب کردم که خدایا! همسری لایق نصیبم کن خداوند هم واقعاً دعای من را اجابت کرد و بعد خواست که مرا از دنیا ببرد و برد؛ و از خداوند می‌خواهم که در آخرت پاداش مرا بدهد زیرا^{۲۴} همسری لایق داشتم و از او جدا شدم خوب این خواست الهی بود و بنده باز تشکر می‌کنم خواست خدا بود. دیگر عرضی برای گفتن ندارم در ضمن [به] همگی [...] قوم و خویشان سلام برسانید. برادران^{۲۶} عزیزم! اسماعیل، محرم، عباس و هاشم [به شما] سلام می‌کنم^{۲۷} [...] و از طرف من [به] خانواده موسی [...]، خانواده اسماعیل [...]، خانواده محرم [...]، خانواده هاشم [...] و خواهرم کنیز سلام بسیار برسانید. در ضمن بنده مدتی است که عباس را ندیدم از طرف من سلام بسیار [به او] برسانید. [و به] علی مرادپور با اهل منزل [...] عیسی حیدری با اهل منزل سلام می‌رسانم. والسلام امیدوارم که همگی در زندگی خوش و خرم بوده باشید. حرف‌ها زیاد است و کاغذ کم است و راستی برادر گرامی! مرا در [...] پیش پدرم دفن کنید.

۲۰. در اصل: چون که.

۲۱. ناخواناست.

۲۲. «را» حذف شده است.

۲۳. «که» حذف شده است.

۲۴. در اصل: چون که.

۲۵. «و همه» حذف شده است.

۲۶. در اصل: برادر.

۲۷. در اصل: می‌رسانم.

۲۸. «و برادران این فقط خلاصه بود» حذف شده است.

۲۹. «سلام برسانید» حذف شده است.

۳۰. «سلام می‌رسانم» حذف شده است.

۳۱. «سلام می‌رسانم» حذف شده است.

۳۲. «سلام می‌رسانم» حذف شده است.

۳۳. «سلام می‌رسانم» حذف شده است.

۳۴. ناخواناست.

برادران عزیزم! از رفتن من هیچ ناراحت نباشید زیرا^{۳۵} تنها من نبودم که رفتم بلکه جوان‌هایی خیلی خیلی بالاتر از من بودند که رفتند و بنده آخرین آن‌ها هستم و نمی‌دانم چه‌طور این سعادت نصیب^{۳۶} شد و در این راه پر عظمت حرکت کردم؛ و راستی برادر بزرگوارم موسی! بنده در اوایل کوچکی با بچه‌های بی‌بند و بار گشتم و دست به دزدی‌هایی در باغ‌ها زدیم و شما از طرف من بروید پیش آقای موسی صمصام‌پور و عذرخواهی کنید که بنده مقداری از میوه‌های باغ او [را] چیدیم و خوردیم و بگویید که ما را حلال کند چون که در دوران جاهلیت بودیم و حلال و حرام را نمی‌شناختیم و خیلی از طرف من سلام به او برسانید. والسلام.

و راستی یک وصیت‌نامه هم در صندوق در خانه اسماعیل است که در سال ۶۴ نوشتم آن‌هم بردارید و بخوانید.

دیگر عرضی نیست قربان شما. خدا حافظ.

احمد کاشانی

امضاء^{۳۷}

مورخه ۶۶/۰۱/۱۹

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این وصیت‌نامه‌ها [دل]^{۳۸} آدم را می‌لرزاند. (امام خمینی (ره))

با سلام و درود بر آقا امام زمان و نائب برحقش خمینی بت‌شکن.

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند

۳۵. در اصل: چون که.

۳۶. در اصل: نصیبم.

۳۷. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۳۸. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «دل» باشد.

نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند.^{۳۹}

و علی (ع) می‌فرماید بهای وجودتان جز بهشت رضوان چیزی نیست آگاه باشید که آن را جز به بهشت نفروشید اما افسوس که انسان‌های غافل خود را به متاع ناپایدار و انگیزته به هزاران رنج [و] نقص دنیوی می‌فروشد و خود به ضرر و خسران ابدی خویش رضایت می‌دهند ولی خداوند با عظمت و جلال زندگی اخروی را برای آن‌ها ترجیح می‌دهد.

حضور محترم برادران گرامی و ارجمندم [...] ^{۴۰}ضمن عرض سلام مختصر وصیتی حضورتان عرض می‌کنم چون وظیفه‌ی هر مسلمانی است اولاً از همه‌ی شما تقاضای عفو دارم و از خدای بزرگ طلب مغفرت برابم بکنید چون آن‌جایی که من می‌روم جایی است که هیچ چیز به دردم نمی‌خورد به جز دعای شما و قرآن خواندن شما. برادران عزیز! من در این مدت زندگی حق برادری [را] ادا نکردم امیدوارم که [مرا] ببخشید و چون این وصیت‌نامه در زمانی می‌نویسم که آماده‌ی حرکت برای عملیات می‌شویم لذا در هر موردی که به نظر من نرسید شما خودتان حل نمایید. برادران! مسئله اول ازدواج من بود که تاکنون به شما حرفی نزدم^{۴۱} و قرار بود که در ایام عید نوروز سال ۶۵ ازدواج کنم که میسر نبود و عروسی بتعویق افتاد برای بعد از ماه مبارک رمضان و از این‌که مرخصی نیامدم به علت این بود که رفتیم تهران، با امام امت و حضرت آیت‌الله منتظری، و از ملاقات که برگشتیم [...] ^{۴۲} عملیات شروع شد و صلاح بر این بود که بمانم و بعد از عملیات می‌خواستم بیایم که وقت مناسبی نبود و خداوند این سعادت اخروی و دنیوی را نصیبم کرد و از این دنیای فانی و مادی رفتم و از خداوند آرزوی چنین سعادت‌ی داشتم. برادران! نه این‌که بنده از روی ناآگاهی [...] ^{۴۳} بلکه بنده این راه را، سعادت دانستم و این جسم بی‌فایده را تقدیم به اسلام کردم و دیگر این‌که برادران! همان‌طور که می‌دانید در این دنیا من جز خدا و شما برادران کسی دیگر نداشتم نه پدر و نه مادر و از این ماجرا خیلی رنج می‌بردم و برادرم موسی! از این‌که شما جای پدر برابم

۳۹. آیه ۲۰، سوره توبه.

۴۰. «سلام» حذف شده است.

۴۱. در اصل: نگفتم.

۴۲. «که» حذف شده است.

۴۳. « و ناشاخته » حذف شده است.

بودید و زحمت کشیدید و چون دیگر خداوند نمی‌خواست که من در این دنیا بمانم و با محبت‌ها [...] ۴۴ و علاقه‌های آن‌ها زندگی کنم خداوند به آن‌ها (خانواده نامزد) محبت کند و ان شاء الله خداوند جبران آن همه محبت‌های آن‌ها [را] بنماید و خداوند را شکر می‌کنم [...] ۴۵ که [به] من علاقه نشان می‌دادند ۴۶. چون یکی از دعا‌های من این بود که خدایا! همسری لایق نصیبم کن اجابت فرمود و باز خدا را شکر می‌کنم که خواستش این بود شهید بشوم و برادران گرامی! از دفن من هیچ ناراحت نباشید و مرا در [...] ۴۷ پیش پدرم دفن نمایید. از رفتن من نگران نباشید چون تنها من نبودم و نیستم که در چنین راه پر عظمتی حرکت کردم. در پایان [به] حضور همه‌ی دوستان و خویشان سلام برسانید و با یاد خدا فقدان مرا جبران نمایید.

والسلام

احمد کاشانی

ضمناً اگر اتفاقی برای من افتاد به غیر از آن فرمانی که [...] ۴۸ کرده‌ام زیارت حضرت رضا (ع) با ۵۰۰ تومان [...] ۴۹ و ۱۰۰۰ رکعت نماز بدهکارم. دیگر [...] ۵۰ مزاحم وقت‌تان نمی‌شوم.

[...] ۵۱ از تو می‌خواهم که هر حقی بر گردن من داری ببخشی. به امید پیروزی حق بر باطل. [...] ۵۲

برادر عزیزم! عیسی کاشانی خدا توفیق خدمت و طاعت به خودش را نصیب شما بگرداند.

والسلام

۴۴. «ی آن‌ها» حذف شده است.

۴۵. «که لطف هایش عنایت کردند» حذف شده است.

۴۶. در اصل: می‌دادم.

۴۷. ناخواناست.

۴۸. ناخواناست.

۴۹. ناخواناست.

۵۰. ناخواناست.

۵۱. ناخواناست.

۵۲. ناخواناست.

امضاء ۵۳



مرکز اسناد و انتشارات کرمان

ادبیات اسلامی استان کرمان

آدرس گیرنده: دفتر مرکزی دفتر تبلیغات اسلامی استان کرمان
مجلس شورای اسلامی استان کرمان

آدرس فرستنده: آقای سید علی حسینی
کاشانی احمدی

ماتا آخر ایستاده ایم. (امام خمینی)



بیک پیروزی

این جنگ با همه پیروزی خیمه‌سوزی است... پیروز
"یا زین العابدین"

اللهم اني ارجو ان يكون يوم الجمعة يوم الجمعة
صديقي عندك مع اهل الجنة يا ارحم الراحمين
يا زين العابدین علیه السلام
به صلوات ثابت قدم بادام
مرا بزرگ بود با حسن و عیال حسن - آن که جانها بستان با قادی کردن
جوانان و سلامت حسن (ج) با در آن روز که بر تو وارد می‌شوم روزم تمام لایم و

۶

۱۳۶۶

سن کامل وصیت نامه شهید احمد کاشانی پاسدار شهید

این وصیت نامه ها
آدم را می لرزاند
ایام خینی

وصیت نامه
با سلام در روز آقا امام زمان و نائب برحقش خیمه سبک
بسم الله الرحمن الرحیم

الذین آمنوا وجاهدوا وجاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم العظمی

در ص عند الله و اولئک هم الخائرون

ای کسانی که ایمان آورید و جهاد کنید و جهاد در راه خدا با مال و جان بکنید تا شهید شوید بزرگترین درجه
نزد خدا دارید و شایسته گزاریه

و علی (ع) می فرماید بوی و عبودت خیر است رضوان چینی نیست آنگاه یارید که اگر

جز به بهت فرو نماند اما امروزه آنرا می غافل خود را به تمام ناپایداری و اینجاست بهر آن

رنج نقص دنیوی فرورفتند و خود را به صبر و خشن (بدن) گهلویت می دهند

در خداوند با عظمت و جلال زندگی اخروی را برای آنکه ترسیم می دهد

مصدق محترم برادران گرامی و ارجمند سلام. ضمن عرض سلام تحفه وصیت حضرتان عرض می کنم چون

وظیفه هر مسلمان است. اولاً از حضرت ائمه اطهار عفو دارم و از خداوند بزرگ طلب مغفرت

برایم بکنید چون آنجانی که من در روز عتباتی است که هیچ عیبی در روز من خود. بجز زمام شاه

قرآن خواندن شاه و در آن عزیز من در این مدت زندگی حق برادری ادا نکردم

۱۳۶۴ احمد کاسانی

امیدوارم که بخشیه و چون این وصیت نامه در زمانم نویسم که آماده حرکت بر این عملیات
می شوم لذا در هر موردی که نظرم رسیده شاخوردگان حل نمایند.

برادران مسئله اول ازواج من بود که تاکنون بی شایسته نطفم و قرار بود که در ایام عبیه نوروز
سال ۶۵ ازدواج کنم که میسر نبود و عروسی بتجویه افتاد بر این بهمدار ماه مبارک رمضان
و از آنکه برخصمی نیامدم بجلت این بود که رفیقم تهران و ملاقات (با امام است) ^{مطلبی} حضرت ایشان

و از ملاقات که برگشتم که عملیات شروع شد صلاح بر این بود که بنامم و بعد از عملیات

می خواستم بایم که وقت مناسب نبود و لا خداوند این سعادت اخروی و دنیوی
را نصیبم کرد و از این دنیا مادر و فغان رفیق و از خداوند آرزوی چنین سعادت
داشتم. برادران نه آنکه بنده از روی نا آگاهی و ناشناخته بر قسم بلکه بنده این راه
را سعادت دانستم و این جسم بی مایه را تقدیم به اسلام کردم»

و دیگر آنکه برادران همانطور که می دانید در این دنیا من هر خدا و شاد برادران کسی دیگر
نداشتم نه پدر و نه مادر و از این مایه خلیل رفیق هم نداشتیم. و برادر هم موسی از آنکه
شاهایی پدر بر این بودید و زشت کشیده و خواستگار رفیق خلیل تشکر می کنم.
و خلیل از طرف من عذر خواهی شان کنه و چون ~~می~~ دیگر خداوند نمی خواست که من

در این ریا بیانی با محبت آرزوی علاقه های آنرا زنگار کنم خداوند به آنرا محبت
 کند و اینها را خداوند جبران آن همه محبتها آرزوی بنامه . و خداوند را شکر کنم
 که لطفش منابت کرد که از پیوسته من علاقه نشان می دادم چون یکی (زرعها) من
 من این بود که خدا یا هر چه لایق نصیب کن که احباب و مورد و باز خدا را شکر کنم
 خواستی این بود که شکر شوم . و برادران گرامی از رضی من هیچ ناراحت نباشند
 و مرا در همه چیز بدرم رضی نمایند . از رفتن من نگران نباشند چون
 آنکه من نبودم و نیستم که در چنین راه پر عظمت حرکت کردم .

در پایان عصور همه روستان و قریه های آن سلام برسانید و با یاد خدا
 فقدان مراجعان نمایند .

والسلام
 احمد کاشانی

صفتا اراغاتی با هم میماندند و غیر از آن فرزندانی که در دسترس نبودند و در این میان
 افسوس بسیار بسیار است
 رعنا با هم میماندند و اولاد آنها نیز همگامند و بجز فرزندها و فرزندخوانده‌ها

که از این میفرستیم که هر چه در دسترس است با این فرزندان و فرزندان
 و فرزندان خود این اسناد را به فرزندان خود بدهند

والسلام

~~این اسناد را به فرزندان خود بدهند~~

~~و فرزندان خود این اسناد را به فرزندان خود بدهند~~

بیاد عزیزم عسکری کاشانی مزار اقدس خردت و طاعت خودت برافش
 شادمانی

عسکری کاشانی

۱

حسین کامرانی کشکویی



نام: حسین

نام خانوادگی: کامرانی کشکویی

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۰۶/۰۴

محل تولد: شهرستان بندرعباس

نام پدر: اسدالله

نام مادر: آمنه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۷/۱۰

محل شهادت: سومار

نحوه شهادت: درگیری با نیروهای عراقی بر اثر

اصابت ترکش

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ فقط از شما تمنا دارم که برایم دعا کنید تا خداوند گناهانم را ببخشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدایی که به ما جان داد که بشکافیم دل دشمن را. اول خدمت پدر و مادر و برادر و خواهران سلام و بعد از سلام سر سخن با پدرم [است] که برای بزرگ کردن من زحمات زیادی کشید ولی نتوانستم زحمات او را جبران کنم. هم چنین مادرم! که اگر شما را اذیت می کردم امیدوارم مرا ببخشید و حلال کنید فقط از شما تمنا دارم که برایم دعا کنید تا خداوند گناهانم را ببخشد و بعد تک تک فامیل که اگر از من ناراحتی دیده اند مرا حلال کنند^۱ و ببخشند^۲ و دیگر هر کس از من طلبی دارد بدهید. به امید پیروزی هر چه بیشتر خداوند همه ی شما را حفظ کند. به امید حق.

سرباز وظیفه حسین کامرانی ۶۱/۷/۸ روز اعزام به حمله جبهه گیلان غرب.

امضاء^۳

۱. در اصل: حلال کنید.

۲. در اصل: ببخشید.

۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز اسناد و کتابخانه ملی
بیتام خداوندی کربه ماحول داد که بیگانه کنیم دل دشمنی را اول ضعیف بود و مادر و برادر و
خدا هوانم سلام بعد از سلام سر سخن بایدیم که برابر بزرگ کردن من زفا زبانی
کشته ولی تقوایم دهات او را حیران کنیم همچون مادرم که اگر شما از نیت می کردم

امید دارم مرا بخشد و جلال کینه فقط از شما تمنا دارم که برام دعا کنید
تا خداوند گناهانم را بخشد و بفرستد تک فاسد که اگر از این ناله
دیده اند مرا جلال کینه و بجزایه و این هر کس از من طلبی دارد بدهد
به امید مهر و در هر چه بسته خداوند که شما را حفظ کند به امید حق

سریان و طایفه حسین کامرانی ۱۸/۱۲/۶۱ روز اعزاز به صله جبهه کربلا و نجف





مرکز اسناد ایثارگران

بندگزار سید کامل جنب مسجد
امام رضا منزل ابداء کامرانی

حسن کامرانی

۹۰

عبدالله کبابی سربارانی



نام: عبدالله

نام خانوادگی: کبابی سربارانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۹/۲۴

محل تولد: روستای نخل ابراهیمی از توابع

شهرستان میناب

نام پدر: محمد

نام مادر: زهرا

تحصیلات: سوم متوسطه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۴/۲۳

محل شهادت: کوشک

نحوه شهادت:

محل دفن: روستای نخل ابراهیمی از توابع

شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

◀ برادرانم و خواهرانم! صبور باشید و در خط رهبر باشید و از خواهرانم! می خواهم که حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) را الگوی خود قرار دهند و در حجاب خود کوشا باشند.

◀ همشهریان گرامی! امیدوارم در لحظات زندگی خود با کارهای شایسته در خط رهبر عزیزمان امام خمینی (ره) قدم بردارید و مساجد را خالی نگذارید. زیرا امام در این باره فرموده است: مساجد سنگرند، سنگرها را حفظ کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

حال که میهن اسلامی احساس خطر می‌کند بر ما واجب است که به ندای هل من ناصر ینصرنی^۲ حسین زمان‌مان یعنی خمینی بت شکن لبیک بگوئیم و نگذاریم دشمنان اسلام حتی یک وجب از خاک پهنای اسلامی ما را به دست بگیرند. بنده راهی را که انتخاب کرده‌ام همان راه سیدالشهداء (ع) و انبیاء (ص) می‌باشد زیرا برای بنده یک ساعت در جبهه بودن از صد سال زندگی کردن بهتر و افضل‌تر است و بنده راهم را پیدا کرده‌ام و هدفم را مشخص نموده‌ام. به خدا قسم در جبهه می‌توان هم خود را شناخت و هم جامعه را. به قول سردار شهید اسلام، دکتر چمران بهترین مکان برای خودسازی و جهاد اکبر [و] مبارزه با نفس در جبهه جنگ است. به هر حال بنده از شدت شوق به خدا نمی‌دانم روزم چگونه شب می‌شود. درست است که [...] این‌جا جنگ است ولی از شهرمان خیلی بهتر است. اگر خدا شربت شهادت را نصیبم کرد، بخدا قسم به آرزویم رسیده‌ام و امیدوارم شما نیز راهم را ادامه دهید و امام را رها نکنید. در جبهه جز شهادت، ایثار و جهاد خبری دیگر نیست. مادرم و پدرم! بر من گریه نکنید؛ می‌دانم مادرم چه شب‌هائی که تا صبح بیدار بودی و مرا نوازش

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. جمله معروف امام حسین در روز عاشورا: «آیا کسی هست که مرا یاری کند؟»

۳. در اصل: در.

می‌کردی اما همیشه به یاد خدا باشید و امام را دعا کنید. برادرانم و خواهرانم! صبور باشید و در خط رهبر باشید و از خواهرانم می‌خواهم که حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) را الگوی خود قرار دهند و در حجاب خود کوشا باشند. همشهریان گرامی! امیدوارم در لحظات زندگی خود با کارهای شایسته در خط رهبر عزیزمان امام خمینی (ره) قدم بردارید و مساجد را خالی نگذارید. زیرا امام در این باره فرموده است مساجد سنگرند، سنگرها را حفظ کنید. والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته.

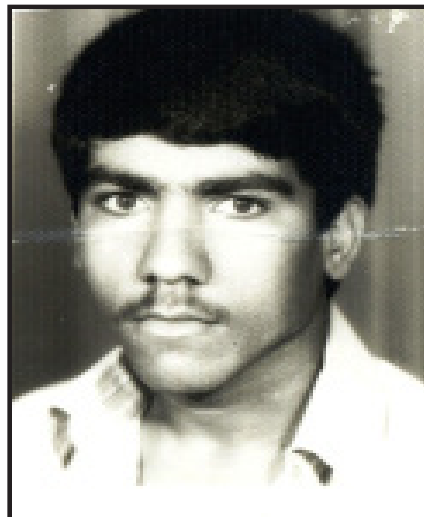
۱۳۶۱/۴/۲۱

۱۶

بِسْمِ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَصِيَّتُهُ بِسَيِّدِ الشُّهَدَاءِ عَبْدِ اللَّهِ كِتَابِي

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنَّهُمْ أُتُوا بِالْحَيَاةِ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَوْلَ
 لَسْنَا فِي شَيْءٍ مُّخْذَعِينَ سَوْفَ نُنْتَهَى هُرْتُ مَرْدَه مِينْدَارِيد بَلَّغَ أَنَا لَ زنده الله و نذر پرور کگارشان
 روزی می خورند. حال که صیغه اسلام می احساس خطر می کند بر ما واجب است که
 به ندای هل من ناصر انا نصرنی حین زمانه یعنی خمسه بیت شکی لیسک بگوئیم و نذر ایم
 دشمنان اسلام حتی یک وجب از خاک پنهان و اسلحه می مارا به دست بگیرند. بنده
 راهی را که انتخاب کرده ام هاله راه سید (سعداء) و انبیاء (ع) می باشد زیرا برای
 بنده یکساعت در جبهه بودن از صد سال زندگی کردن بهتر و افضل تر است و بنده
 را هم رانیده کرده ام و هر دم را مستحق میوده ام. به خدا قسم در جبهه می توان
 هم خود را شناخت و هم جامعه را. به قول سردار شهید اسلام دکتر خیرال
 بهترین مکالمه برای خودسازی و جهاد اکبر مبارزه با نفس در جبهه جنگ است.
 به هر حال بنده از شدت شوق به خدایم دانم روزم چگونه سپاس می شود. درست است
 که در اینجا جنگ است ولی از شهرمان خیلی بهتر است. اگر خدا شربت شهادت را نصیب
 کند بخدا قسم به آن روزم رسیده ام. ولیندوام سائز راهم را ادامه دهید و امام را رها نکنید.
 در جبهه جز شهادت، ایثار و جهاد جنری دیگر نیست. مادرم و پدرم بی غم گریه کنید من دانم
 مادرم چه شهادتی که تصحیح پیدا کردی و مرا این از من کرده اما همیشه به یاد خدا باشید و
 امام را دعا کنید. برادرانم و خواهرانم صبور باشید و در خطر رهبر باشید و از خواهرانم می خواهم که
 حضرت فاطمه و حضرت زینب را الگو خود قرار دهند و در جناب خود کوشا باشند.
 همسهر یا لگرمی امیدوارم در نفعات زندگی خود با کارهای ساسیته در خطر رهبر
 عزیز زمانه امام خمینی قدم بردارید و مساجد را احیای کنید از برای امام در این باره

عیسی کریمی



نام: عیسی

نام خانوادگی: کریمی

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۰۹/۰۴

محل تولد: روستای گهره از توابع شهرستان

بندرعباس

نام پدر: محمد

نام مادر: سکینه

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

شغل: کارمند واحد مخابرات نیروی دریایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۱۰/۱۶

محل شهادت: منطقه نظامی هوا دریای بندرعباس

نحوه شهادت: سانحه رانندگی و ضربه به سر

محل دفن: روستای گهره تابعه شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ امت حزب الله! هر روز یکی از روزهای سرنوشت ساز است و از ایام الله است. روزی که بهترین جوانان این مرز و بوم به خون خویش در می غلظند و حماسه ها می آفرینند امروز روزی است که باز با خون مان تاریخ ملت و اسلام عزیز را پایدار سازیم. امروز به هزاران لیتر خون نیازمندیم. روزی است که تمام ابر قدرت ها و جنایت کاران فتنه گر و تمام بدی ها و زشتی ها در پشت به ظاهر مستحکم و به باطل پوک و تو خالی بنام حزب بعث و صدام سنگر گرفته اند و لشکر توحید قصد حمله و یورش به این دژ و متلاشی کردن آن را دارد. به امید خدا بزودی زود شاهد و نظاره گر آن خواهید بود.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء والصدیقین

إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا
بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ^۱

بنام معبود و معشوق، بنام آن که جان را فطرت آموخت. بنام آن که جان دهنده^۲
و جان گیر است، بنام آن که هستیم در دست^۳ قدرت اوست، بنام آن که در این برهه از
زمانم آفرید. بنام آن که مرا به جهاد آشنا ساخت، بنام آن که فرمود: من عشقته قتلته^۴ بنام
آن که غفار الذنوب است، بنام آن که جانی را که خود عطا کرده از من خریدار است، و
با درود بر پیامبران، این منجیان عالم بشریت بالاخص محمد مصطفی (ص) که به اسلام
راه گشایم شد؛ و با سلام بر شهیدان از هابیل تا شهدای بدر و احد و شهدای کربلای معلای
امام حسین (ع)، تا شهدای انقلاب اسلامی ایران، بخصوص شهدای جنگ تحمیلی عراق علیه
ایران. آنان که پیشتازان صحنه‌های نبرد بودند. آنانی که از تمام هستی خویش بخاطر اسلام و
مکتب گذشتند. و تاریخ خونین اسلام را ورقی دیگر زدند. براستی که پیروان راستین ولایت

۱. بخشی از آیه ۳۰، سوره فصلت: «در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنان
فروود می آیند [و می گویند] هان بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.

۲. در اصل: جان داد.

۳. در اصل: ید.

۴. بخشی از حدیث قدسی در ص ۱۱۶ کتاب مصباح الهدی: «من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبنی و
من احبنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دینه و من علی دینه فانا دینه: آن کس که مرا طلب
کند، من را می یابد و آن کس که مرا یافت، من را می شناسد و آن کس که مرا شناخت، من را دوست می دارد و آن کس
که مرا دوست داشت، به من عشق می ورزد و آن کس که به من عشق ورزید، من نیز به او عشق می ورزم و آن کس که من
به او عشق ورزیدم، او را می کشم و آن کس را که من بکشم، خون بهای او بر من واجب است و آن کس که خون بهایش بر
من واجب شد، پس خود من خون بهای او هستم.»

بودند. آنانی که از مولای‌شان زندگی را فرا گرفتند، و به او اقتدا کردند. اندیشمندان، عارفان^۵ و محققان جهان از پیدایش بشریت، زندگی، مرگ و سیر و سلوک تعاریف گوناگونی داده‌اند اما هیچ‌کدام نتوانستند تعریف جامعی از آن به بشریت ارائه دهند. مگر پیامبران الهی و پیام‌آوران خدا، سرور شهیدان عالم شیعه، زندگی را در یک جمله [ی] بسیار مختصر و ساده اما بسیار پرمعنا بیان می‌کنند.^۶ ان الحیاه عقیده و جهاد^۷ زندگی چیزی جزء عقیده و تلاش و کوشش در راه آن نیست. براستی شهدای ما مصداق این کلام امام‌اند. بنابراین زندگی ما بر مبنای عقیده‌مان است، و آن قدر به آن پایبندیم که حاضریم عزیزترین چیزمان را بدهیم تا ایمان و مکتب‌مان زنده بماند. و آن‌گاه که ایمان و مذهب‌مان به خطر افتد، با مال و جان به مقابله با خطر سازان برمی‌خیزیم. جان و مال ما از آن خداست و بعنوان امانت نزد ماست. و در موقع لزوم آن را تقدیم در گاهش می‌کنیم. امروز تکاثر طلبان و استکبار جهانی قصد بلعیدن دین خدا را دارد. تمامی دشمنان کمر همت بر بسته‌اند، تا نور خدا را خاموش کنند. استعمار سیلی خورده از اسلام، دوباره مثل پلنگ زخم خورده قصد حمله و تجاوز به مکتب ما را دارد. پروردگار شما ندا داده است، اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰی مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْفُسَهُمْ وَاَمْوَالَهُمْ بِاَنْ لَّهُمَّ الْجَنَّةَ^۸ جان شما را، هستی شما را خریداریم لیبیک، لیبیک، لیبیک، چقدر بی‌انصافی است که به ندای حق، لیبیک نگوئیم. شما اگر یک قطعه طلا و یا اشیاء قیمتی دیگر، بدست‌تان برسد، و بخواهید آن را بفروش برسانید سعی شما بر این است خریداری متدین و مورد اعتماد بیابید، [که] مبادا فریب بخورید. یک لحظه به‌خود آئید لحظه‌ای تأمل بسیار نیکوست، چه کسی بهتر از خدا. بیائید جانی را که خود به شما عطا کرده، و هر لحظه قادر به گرفتن آن است به خود او بفروشیم. خدایا! تورا^۹ سپاس می‌گوییم که مرا در چنین برهه‌ای از زمان آفریدی، و نعمت جهاد را به من ارزانی داشتی؛ و این یکی از الطاف خفیه توست. چه بسیار علمای بزرگ و گرانقدری، با تحمل مشکلات فراوان نتوانستند کالای خویش را در بازار جهاد به معشوق

۵. در اصل: عرفان.

۶. در اصل: می‌کند.

۷. حدیثی از امام حسین (ع).

۸. آیه ۱۱۱ سوره توبه: «در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مال‌شان را به [بهای] این که بهشت برای آنان باشد خریده است».

۹. در اصل: ترا.

خویش بفروشد. اگر آن قدر سجده کنیم که استخوان پیشانی و زانوهای مان شکسته شود، آن قدر گریه کنیم که چشم‌هامان از حدقه درآید، و هزاران بار به دست سقی‌ترین دشمنان خدا در راه او کشته شویم، نمی‌توانیم شکر همین نعمت را بجا آوریم. انّ الجهاد باب من ابواب الجنّه^{۱۰} و خدا نیز خریدار خوبی است بهترین نفس‌ها را می‌خرد. خدایا! این عزت مرا بس که بنده تو باشم، و این فخر مرا بس، که [تو] پروردگار من باشی. تو آن چنانی که دوست می‌دارم، پس مرا چنان کن که دوست می‌داری. ای جوانان! شیرمردان ایران زمین، بشتابید بسوی دانشگاه امام حسین (ع) و با دریافت افتخارنامه شهادت بسوی معشوق خود بشتابید. آنانی که توانایی جسمی دارید با رزم‌تان، و آنان که ندارید با مال‌تان، و آن‌هایی که هر دو را ندارید با اخلاص در عمل و دعا، جبهه‌ها را یاری کنید. امروز اسلام و کفر رو در روی هم قرار گرفته‌اند، و امواج باطل نعره‌کشان می‌خواهند اسلام را بسوی ساحل نیستی سوق دهند و میان ما فقط اسلحه و باروت حاکم است؛ و مبارزه با این امواج فساد و تباهی بسادگی امکان پذیر نیست، باید وارد عمل شد و رنج‌ها را به جان خرید.

در بیابان گر بشوق کعبه خواهی زد قدم سرزنش‌ها گر کند خار مگیلان غم‌مخور^{۱۱}
 اساساً انسان با رنج و ناراحتی بدنیا می‌آید، و در طول زندگی با آن دست و پنجه نرم می‌کند. چنان‌چه قرآن می‌فرماید: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ^{۱۲} بنابراین حجت بر ما تمام شده است و عذری از هیچ کدام ما پذیرفته نیست؛ و به آن دسته که می‌گویند ما سعادت نداریم، باید بگوییم اصولاً مسلمان همواره سعادت‌مند است، و جهاد یکی از نعمات خداوندی است که ما را سعادت‌مند می‌کند. ملت عزیز و شریف ایران! شما [را] که می‌توان ادعا کرد از امت پیامبر نیز قرب و منزلت بیشتری دارید، شما وظیفه خود را بهتر از ما می‌دانید، چون که ما از شما آموختیم. صدای سرور آزادگان از جبهه‌های جنوب و غرب بگوش می‌رسد. هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي^{۱۳} هان شمائی که افسوس می‌خوردید، که ای کاش در کربلا بودیم و فرزند زهرا (س) را یاری می‌کردیم بشنوید؛ ندای جان‌بخش مولای‌تان را، عزیزان من بعد از امامان

۱۰. امام علی (ع): «جهاد دری از درهای بهشت است».

۱۱. شعر از حافظ است.

۱۲. آیه ۴، سوره بلد: «همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم».

۱۳. جمله معروف امام حسین در روز عاشورا: «آیا کسی هست که مرا یاری کند؟»

معصوم جهان اسلام چنین رهبری عالم، متقی، مدیر و مدبر بیاد نداشته، رهبری که تمامی هستی خود را در خدمت اسلام گذراند، و امر او بر تمامی مسلمین جهان واجب است و سرپیچی از آن خلاف مصالح اسلام و قرآن. بیائید ما که در کشور امام زمان (عج) زندگی می‌کنیم آنطور که امام زمان (عج) می‌خواهد زیست کنیم؛ و زمینه‌ساز حکومت مهدی قائم (عج) باشیم. همواره به یاد خدا باشیم. در کسب درکار، در تحصیل و همه‌جا و همه‌وقت، پایگاه‌های نماز جماعت و جمعه را گرم نگه داریم. نکند فردای قیامت با قومی محشور شویم، که انگشت حسرت به دهان دارند و عرض می‌دارند، بار خدایا! ما را برگردان تا کارهای نیکو انجام دهیم. اما به دشمن می‌گوئیم ما را نشناخته‌اید، ما آن‌چه را مورد رضای خدا باشد، پذیرا هستیم چه پیروزی و چه شهادت آن‌جا که دین و آئین ما در خطر باشد، با تمام توان علیه شما به مبارزه برمی‌خیزیم؛ و اصلاً شما با این افکار مادی نمی‌توانید شهادت طلبی امت ما را حلاجی کنید. برای همین همواره در اشتباهید. ما مسلمانان یک‌بار بدنیا می‌آییم و یکبار هم از دنیا می‌رویم.

ای چرخ از گردش تو خرسند نیم آزاد کنم که لایق بندگی نیم^{۱۴}
 با گریه متولد می‌شویم و با تبسم دنیا را وداع می‌گوییم و بهایی برای دنیا قائل نیستیم. بقول شاعر:

فاش می‌گویم و از گفته خود دل‌شادم بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم^{۱۵}
 حب الدنيا رأس كل خطیة دوستی دنیا برای ما سر منشأ تمامی خطاهاست^{۱۶}. و به آمریکا که در رأس استکبار جهانی قرار گرفته می‌گویم، اگر با تمامی قشون علیه ما وارد جنگ شوید، و [هر] آن‌چه بمب دارید بر سر ما فروریزید، نمی‌توانید کاری از پیش ببرید به شما قول می‌دهم نتوانید حتی به دریای عمان و تنگه هرمز گام بگذارید؛ و طعمه نهنگ‌ها و کوسه‌ها خواهید شد. تازه اگر توان آن را داشته باشید که در سواحل ما پیاده شوید، خواهید دید که با چهل و پنج میلیون تفنگ‌دار مواجه هستید، که سایه شما را هم به تیر خواهند

۱۴. شعر از خیام است.

۱۵. شعر از حافظ است.

۱۶. حدیثی از امام صادق (ع): «رأس كل خطیة حُب الدنيا: منشأ هر گناهی دنیا دوستی است.»

دوخت. این را بدانید اصلاً در مکتب و مرام ما شکست وجود ندارد. در همه حال پیروزیم اگر شما همه با هم متحد شوید و قدرت داشته باشید، و تمامی ملت ما را شهید کنید و از چهل و پنج میلیون یک تن باقی بماند و آن را نیز شهید سازید، و از همه تنها یک سلول زنده بماند خواهید دید که آن سلول نیز به مبارزه بر علیه شما برخواید خواست؛ و فریاد برمی‌آورد که مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی، مرگ بر فرانسه، مرگ بر انگلیس، مرگ بر استعمار، مرگ بر شیاطین. بنابراین بهترین و عاقلانه‌ترین راه شما این است که بمیرید و در برابر اسلام قد علم نکنید. خدایا! ما را از الطاف فراوان خود ناامید مگردان، خدایا! دنیا را با تمام لذت‌های فریبنده‌اش رها ساختیم، آخرت را از ما نگیر، خدایا! دست خود را به دامان کرم تو آویخته‌ام، و برای رسیدن به عطا‌های تو آرزوی خویش گسترده‌ام. پس به پاکی و یگانگی خود، پاکم گردان و مرا از بندگان برگزیده‌ات قرارده، خدایا! ما را رهنمود راهی کن، که به تو می‌رسد؛ و برای رسیدن به تو ما را در نزدیک‌ترین راه مسیر ده، خدایا! وقتی در گور منزل دارم با تلقین حجت، آرامشم بخش، خدایا! اگر هزار سال عذابم کنی، رشته امیدم از تو ننگسلد. خدایا! گرچه گناهان من از کوه بلندتر است، گذشت تو نیز از آن بالاتر است.

یا رب تو کریمی و کریمی کرم است
عاصی ز چه رو برون ز باغ ارم است
با طاعتم از ببخشی نیست کرم
با گنهم اگر ببخشی کرم است^{۱۷}

و می‌دانم که تو أرحم الراحمین و يُحِبُّ التَّوَّابِينَ هستی. بار خدایا! تو را^{۱۸} به محمد [...] آخرین فرستاده‌ات قسم، تو را به چهارده معصوم قسم، تو را به شهیدانی که فرمودی آنان را دوست می‌داری قسم، از گناهانم در گذر. سپس شهادت را نصیبم گردان. و از همه امت حزب الله بخصوص آنانی که برگردنم حق بیشتری دارند، طلب بخشش و عفو می‌کنم. امیدوارم به محض این که خبر مرگ من بگوش شما رسید، قلب‌تان را متوجه خدا کنید و بگوئید: خدایا! من از او گذشتم تو نیز از او در گذر، آمین. و اما برادرانم^{۲۰} مرتضی، حسین! بر شماست که با یاری خدا اسلحه افتاده از دستم را بدست گیرید و با یاد خدا، با تمام قوا

۱۷. شعر از خیام است.

۱۸. در اصل: ترا.

۱۹. ناخواناست.

۲۰. در اصل: برادرم.

بر سر خصم کافر بکوید. هم چنین خواهرانم! بر شماست پیروی از حضرت فاطمه (س) و زینب (س). بیش از این سفارش نمی کنم. مرا غسل داده، کفن نمائید و همراه کفن یک تکه از مهر کربلا بگذارید، برایم تلقین و نماز وحشت بخوانید.

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک دو سه روزی قفسی ساخته اند از بدنم
ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست به امید سرکوش پر و بالی بزنم^{۲۱}

والسلام علی من التبع الهدی

خدا حافظ همگی

کوچک شما عیسی کریمی

۶۵/۱/۲۳

[وصیت نامه ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

خدایا! تو را سپاس که مرا به خود شناساندی تا تو را بشناسم. خدایا! سپاسگزارم که مرا راهنمایی کردی تا به صراط مستقیم راهرو باشم. خدایا! سینه ام را بگشای و کارم را آسان کن و گره از زبانم باز کن تا سخنم را در یابند. خدایا! مکتبم را که [مکتب] انسان ساز گیتی است [در] سراسر جهان نشده و مخالفانش را رسواتر گردان. خدایا! ملتم را که رمز پیروزی شهادت است و شهادت را زندگی می داند و در راه تو از هیچ کمکی مضایقه ندارد مقاوم و مستدام نگاه دار. خدایا! رهبرم را یگانه منجی عالم اسلام که نوری است همواره تابان در تونل تنگ و تاریک [و] وحشتناک دنیا از تمام [...] ارضی و سمائی محافظ باش و وی را هم چنان استوار و محکم چون کوه بدار. خدایا! فرمانبریت را به ما الهام کن و ما را از نافرمانی برکنار دار و رسیدن به خواسته هایی را که خشنودیت در آن است بر ما آسان فرما و ما را در پهنه بهشت وارد ساز و ابرهای تیره شک را از ما برابر دیدگانمان بردار و پرده های تردید را

۲۱. شعر از مولانا است.

۲۲. ناخواناست.

از برابر دل‌مان بر کنار دار و باطل را از نهادمان بر گیر و حقیقت را در درون‌مان استوار گردان و [...] را ضمیر ده و ما را در هر زمان موفق گردان به انجام خیر و دوری از بدی و سپاس نعمات و پیروی از سنت‌ها و دوری از بدعت‌ها، امر به معروف و نهی از منکر و نگهبانی اسلام و نکوهش و خوار کردن باطل و یاری و چیرگی حق و راهنمایی گمراه و یاری ناتوان و رسیدگی به دردمند و طعام خوراندن به مسکینان و آزاد کردن بندگان. خداوندا! دشمنی ما را به نیروی خودت از ستم کاری باز دار و شمشیر جنایتش را بقدرت در هم شکن و او را در کار حکومتش سرگردان و او را در ستمگری فرصت مده و مرا در مبارزه با او یاری کن و در هنگام تاختن بر وی ایمانم را ضعیف مگردان. خداوندا! عاشقت هستم عاشقم باش، تا از این عشق زندگی نوین و جاودانی برایم ساخته شود. خداوندا! بار دیگر آماده یورش تازه بر علیه خصم کافر هستیم. توفیق‌مان ده که چیزی را که بدتر از تو طلب کرده‌ام. پدر و مادر و برادر و خواهران عزیزم! امت حزب‌الله هر روز، یکی از روزهای سرنوشت ساز است و از ایام‌الله است. روزی که بهترین جوانان این مرز و بوم به خون خویش در می‌غلطند و حماسه‌ها می‌آفرینند. امروز، روزی است که باز با خون‌مان تاریخ ملت و اسلام عزیز را پایدار سازیم. امروز به هزاران لیتر خون نیازمندیم. روزی است که تمام ابر قدرت‌ها و جنایت‌کاران فتنه‌گر و تمام بدی‌ها و زشتی‌ها در پشت به ظاهر مستحکم و به باطل پوک و تو خالی بنام حزب بعث و صدام [...] سنکر گرفته‌اند و لشکر توحید قصد حمله و یورش این دژ و متلاشی کردن آن را دارد. به امید خدا بزودی زود شاهد و نظاره‌گر آن خواهید [بود] برادران همدرد، استعمارزدگان جهان، ملت غیور ایران، مبدا سنگرها را خالی کنید که اگر باطل بر حق [...] ۲۵ ظاهر چیره شود. اسلام تا قرن‌ها زیر سلطه آن خواهد بود. همواره جبهه‌ها را پر رنگ نگه دارید. آی مادرانی که از [...] ۲۶ بچه‌های‌تان به جبهه جلوگیری می‌کنید، فردا قیامت چگونه می‌خواهید جواب زینب (س) را بدهید که عزیزانش را یک به یک به میدان فرستاد و شما پدرانی که چنین می‌کنید چگونه می‌توان جواب امام حسین (ع) را بدهید که روز عاشورا

۲۳. ناخواناست.

۲۴. ناخواناست.

۲۵. ناخواناست.

۲۶. ناخواناست.

عزیزان خود را یکی یکی کفن می‌پوشاند و قربانی می‌کرد چگونه امروز ندای هَل مِنْ نَاصِرٍ یَنْصُرُنِی^{۲۷} او را که در جبهه‌ها بلند است جواب مثبت نمی‌دهی مگر شما از مردم کوفه هستی. برادران امروز فرزند و مال جمع کردن بدرد نمی‌خورد. اسلام خون می‌خواهد و سخنی دارم با تو مادر که می‌دانم^{۲۸} در مرگم نگران می‌شوی افسرده می‌گیری اما دلم می‌خواهد چو شیر باشی، چو مادر و هب حتی اگر جسد من به دست تان نرسید^{۲۹} نگران نباشید؛ بدانید که هر چه شما بیشتر در این راه زجر و ناراحتی بکشید اجر اخروی شما افزون‌تر می‌گردد. مبادا اجر خود را ضایع نمایید بلکه به جای آن خدا را شکر کنید که قربانی شما را قبول کرده است. هر کاری را می‌کنی رضای خدا در آن باشد و سپس^{۳۰} در پایان از امت حزب‌الله میناب می‌خواهم در وحله اول از مسئولین روحانیت بسیج و غیره و ملت اگر خواستند این بار شهیدی را در شهر تشییع کنند در دنبال جنازه با پای برهنه تشییع کنند که ثواب آن بیشتر است و باز متذکر می‌شوم مقداری نماز قضا دارم برایم در صورت امکان بگیرید. در پایان شعری را که در نظر دارم^{۳۱} می‌باشد برای تان می‌نویسم:

گاهی سکوت گویاتر از تکلم و فریاد است

گاهی نبودن روشن‌ترین دلیل حضور است

گاهی بقا زندگی جاودانه را با خطی از حماسه و خون کفنش می‌زنند

گاهی ردای سرخ شهادت این جامه‌ی بلند خدایی یک آیه است

آیه بودن یک شاهد است

شاهد ایمان آدمی در قلب نسل‌ها فرمان‌ها در پهنه‌ی زمینی این گونه زنده‌اند شهیدان.

در پایان از همه دوستان و برادران بخصوص افرادی که از من ناراحتی داشته‌اند حلالیت

می‌طلبم برادران! من بسیار گناه کارم، در دعای کمیل توسل و نمازها برایم طلب مغفرت کنید.

والسلام علیکم و رحمت‌الله.

۲۷. جمله معروف امام حسین در روز عاشورا: «آیا کسی هست که مرا یاری کند»؟

۲۸. در اصل: می‌دانی.

۲۹. در اصل: نیافتاد.

۳۰. در اصل: بس.

۳۱. در اصل: بیان اشاره‌ام می‌باشد.

عبد حسین کریمی
۲۶ بهمن ۱۳۴۲

روشنه

۳۰۸/۱۶/۹۲/۹۲/۱۳۴۲

بسم رب الشهداء و الصالحین

والد و با اتم استقامت... بنام مهد و معشوق بنام جاکم را فطرت گرفت
 ۱) آنگه جانم دارد و جانگیر است، بنام آنگه حسین درید قدرت اوست. بنام آنگه در این بحر
 ز زمانم گرفتید. بنام آنگه در این جوی دانا ساخت، بنام آنگه در این عشق فتنه
 بنام آنگه خوار گردید است، بنام آنگه جانی که خود عطا کرد از م خریدار است،
 با درود برین سید ابراهیم نوبخت عام بشریت بالا حق محمد مصطفی که در اسلام
 را احشام شد و با صلوات بر خدیجه که از این تا شد بدو را بعد از خدا که در این
 نام حسین (ع) تا خدا انقلاب اسلام را بر جهان نهاد و محمد بن علی (ع) را
 ز نام که پیش از آن بود و نبودند که تا بنام از نام حسن خویش بنام اسلام و ملت
 گذاشتند. و تاریخ خویش اسلام را درین میدان زدند. بر اینست که بر اینین ولایت بودند
 زانی که از صلاحات زنده را نگارند و او را قند کردند. اندیشند که، عینا، و محققان از پیوستن
 بشریت تا رفیق زانگون از زندگی، سرف، سپهر و سگ که دادند از آنچه ام نتوانستند
 تعریف بجای آنکه، بشریت از این دهنده که در میان این دو پیام آورده خدا را و خدیجه که
 عام شد زندگی را در یک جمله بی رقص و سادگی بسیار بر معانی است که کند. این الهیة
 عقیده در جوار دلتی چیزی فرغید و ظاهر و شش در راه که نیست بر اینست شما ما صدق این
 کلام که ما عند بنا بر این زنده ما برینا عقیده ما است و اگر قدره آنگه با ایندیم که ما علم
 عزیز قرین چیدیم که را به هم تا آنگه در دنیا زنده ماند و نگاه آنگه که در دنیا که حمله کنند با مال
 و عا که، مقام با حمله سزا که برین خدیجه، چاک مال ما از این خدمات و بزرگوار است نزد ما است.

۱۱۴۴
۲۲.۳۳ / ۲۱.۶۷ / ۱۳۴۲

در موقع نوحه گزرا نوحه در نا حق و کینیم **ا** لفظ کلاه خدا که در کتب عربی قصد بقدر
 دین خدا دارد. نامی دشنام که در صحت بر می آید تا نوحه خدا را در کسر کند استعاره می خورد
 از اسلام و بارش من یکتف زخم فرود بر قصد همه و می قدم کتب ما را دارد **ب** بر کوه زنا نده دارد که
 کن لاله شریف من لاله منقش با نفسم و لاله اسم بان لکم العینه. چنانچه نام را حسن نما فرودم
 کینت، کینت، کینت، چقدر بی انصافی است که در فلان سخن کینت گوئیم. نه که در کینت قطع
 نماید و پاره و بین کشید بدستگاه برسد و بجز لفظ که نوحه بخورد برسانید می نماند این است غیر لاری
 بدین و در در لغت می آید می آید می آید می آید کینت لفظ به خود که شد لفظ ای تأمل بسیار کینت
 چه کسی بجهت از خدا یا شد چنان را که خودم تا عطف کرد و در لفظ قادم رفتن از آن است به خود
 او نبردیم. خیر لاله را میسر که گویم که در لاله همین بر هم ای از زمانا که فریدی وقت بود را
 بر من از لاله داشتی و این به از لفظ خند قلت. چه بسیار در کتب عربی و در لغت با کینت
 نوحه نوحه نوحه که در پیش را در بار خود و معنی خردن بر نوحه. که در کتب سجد کینت و استغفار
 پیشانی در از زمانا که شکسته شود که نوحه که کینت و چشمان از عطف در کردید و خدا را که در دست
 سخن ترین دشنام خدا در راه او گفته می گویم می توانیم شرح گفت را این که گویم در الجمله باشد
 من اداب الجفت و خدا نیز خریدار نمی است چقدر من نفسی را می خود. خدا این لغت
 می آید که بند تو باشم و اینست نوحه ما پس که بر سر دگر من باقی تو را چنانی که دوست
 بیدارم پس مرا چنانی که دوست بیداری **ا** لای جو لاله که شید که ایراک زمین بناید بدوی
 در کتب. که همین ربا می آید و اقرار نامه شکر است بر عشق خود در بناید **ا** گان و
 زبان من جسی دارم **ب** نوحه با نوحه که در زبان و نوحه با ما که نوحه و هر دو ندهد با نوحه
 حق

در عمل و دعا جبهه را ~~باز~~ ^{باز} گشاید. لعل از اسلام و نیز در هر هم تار
 گرفته اند و اولی باطل ندهد تا آنی فراخه اسلام را بر سر سالی بسج سون دهند و بیگانه
 اسد و باروت حاکم است و بارزه با اینج لعل فساد و تباهی سالی که با پذیرفت
 نباید و در عمل نه و زنجیر را بر جان خریدار درینجا گزیندن که خدای زودتوم
 سرزنشگر کند خدای مولا هم غمخوار است انسان با رخ و ناراحتی بدینین آید و در اول
 زنگ با در دست و بر سرش میگذرد چه نمیداند که خدای مولا در این کتب پذیرفته
 هست بر ما تا که است و در هر کس چه بدیم ما پذیرفته نیست و هر کس که در کتب ما
 سعادت ندانیم باید بدیم که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که
 ما را سعادت می کند. است فرزند شریف اگر که در هر کس که در هر کس که در هر کس که
 بیشتر در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که
 در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که
 کاش در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که
 من بعد از اسلام چه کنم چنانچه در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که
 تا آن حدی که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که
 خلاف صانع اسلام و در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که
 نسبت کنیم و زمین ساز سعادت و در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که
 و در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که در هر کس که

محسن شوم به آنست حضرت و که دانند و من بیدارند بار خدایا ما را بر سر دورگه نماند که سید زکی و دعیم.
 اما به دشمن بگوئیم ما را نشناخته اند ما که نبود در رخ خداوند پذیرا هستیم چه بیرون و چه نزدیک
 آنچه به بین و در کشتن ما در خطر باشد با نماز اول علیه صلوات و بانه بر ما نیندیم در امانت شما با این که آن را دور
 نمی توانید شناخت بلیت ما را حلالی کنید بر ما همین هر چه در اشتهایید. ما مسلمانانیم
 بدینای کریم و رحیم از دنیا میرویم. از هیچ کس که در دنیا فرزند نیستیم. اگر از کس که در دنیا نیستیم
 با کرم بقول می شویم و با همگام جسم دنیا را در دل می شویم و بدون این دنیا نماند نیستیم بدین نام
 ما شما میگویم راز گفته خود در آن م. بعد عشق و از خود بود که از آدم
 حب دنیا را پس کن خطیبه درین دنیا ما در دنیا نماند خط است که در دنیا در آن
 استیجاب رجوی نماند که در آن کرم کند با نماند عشق علیه ما وارد جنگ شوید و کرم حب دارید بر سر ما فرود نیند
 می توانید که در این پیش بر سر ما بنا قول بدیم نتوانید من به دنیا می آید که در دنیا تمام بداید و طلب
 ما نشنود و در سر ما راهی شد تا در آن که در آنرا داشته باشد و در میان ما بیاید و شویید غولچه دیده با چمن
 و در دنیا گفتند از برای حسیه و سایر ما را هم از نیز فرزند دوزخ این را بداند که در طلب و در طلب و در طلب
 ما شکست و بعد نماند در ده جان پیروزیم که در دنیا ما با هم متحد شویم و در دنیا داشته باشد و نماند
 ما را شنید کنید و از چمن و از چمن و از چمن که در آن با نماند که در آنرا نماند که در آنرا نماند که در آنرا نماند
 سعوی زنده با نماند خدایه میوه که در آن سعاد نیزه ما نماند بر علیه ما بر علیه ما بر علیه ما بر علیه ما
 که در آن کرم که در آن کرم که در آن کرم که در آن کرم که در آن کرم که در آن کرم که در آن کرم که در آن کرم
 کرم بر شش بلین با بر این همه نماند که در آن کرم که در آن کرم که در آن کرم که در آن کرم که در آن کرم که در آن کرم

۲۲۰۳۲ ۲۷۱ - ۲۷۲

تلفید. خدایا ما را از (الطوفان) فرادار خود ناله میگردان. خدایا دنیا را با تمام لذتها فریبده (حق)
 را ما ختم آخرت را از ما بگیر، خدایا دست خود را در آنجا گم نماند و نیزه ام و بر سر من و عیال تو گزین
 خدایا گنبد تمام پس با پای سینه خدایا گم گردان و مرا از دنیا که بر زمین است فراده ، خدایا ما را از هر
 ریحی که گم تو میبرد و بر سر من و عیال تو فراده در زیر پند من راه میدهد ، خدایا وقت درگور من را طهارت
 با یقین حقیقت آراشم بنم ، خدایا آرزوی ارمان عذاب من رفته امید از تو نطلب ، خدایا رحم کن که
 هم از راه بند تر است . داشت تو فیض از تو بالاتر است .

یارب تو میری و میری گم است . عیالی زیم و زیم زناغ ارم است . با طعمم که بعضی نیست گم .
 با گنم که بعضی گم است . روی دلتم که تو ارمم در احسن و حبب القلوبین هستی با خدای ترا
 همه شئی که عزیز فرستاده است قسم ترا . چو در معصوم قسم ترا به ضعیفانی که خودی تو گم
 دوست بسیار قسم در گنم در گذر . بسین شکایت را نصیب گردان . و از هر دست غریبانه بفرمای
 که آن که برگردم من بیشتر دارند طلب بیشتر . غمونی کم امیدوارم بعضی کنی که خدایا خدایا
 خدایا خدایا که از دستم خدایا که خدایا من از آن دستم تو نیز از آن دستم که منم . و اما بر ارمم در تو
 حسین بر شاست که با خدا امید بقا در دستم را دستم که در با یاد خدایا تا بر سر خصم من
 بگوید . حسین خدایا من ز شاست برود از خدمت ناطق و زینب بشیر از انم من شری منم . مرا غصه داد
 کنی نماند و حواء کنی منم که از مهر مر بلا بدارید حرام تلفین و غار و عشت برانید
 مرغی با گنم نیم از حاتم کور ، روی بدی قفس ساخته کند از بد من . از خودم که خودم که بر از انم تا بر دست
 بلایه سر رویش بر روی منم . و الله اعلم بالصواب خدایا حافظ حق

کرمب نه عیسی کریمی
 ۱۳۳۳

۳۳ ۲۲ ۶۷۱ ۳ - ۳۳



وصیت نامہ

ای باران با بوی من تلخ و شیرین، نعمت و عافیت
حسین و ساجدی دنیا آخر حوائی گران و غفلت آور
دعا کن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدایا! تو که سیاه کنی که هر که خود مسامحه اندوزی تا آخر
دست ختم خدایا! سیاه کن از دم که هر که از حق
گرددی تا به آخر راه مستقیم را هر جا ششم خدایا!
سینہ ام را نیل سبای و کارم را از مسالہ کن
و گنہ از زبانم باز کن تا سخنم را دریا بند
خدایا! ملتہم را کہ انسانسا از کتبی راست
سر کس جہان خسردہ و مجالنا خس را رسول
گودال خدایا! ملتہم را کہ رخنہ سوز حس مسرمدت
کست و مسرمدت را زندگی می دانند و در راه
تو از هیچ لایضا بقہ ندارد متاعم و مستدام



از تقدیر خداوند

سید روح الله خمینی

نگاه دار خدایا رحمت بر آیتنا حاجی عالم السلام
 که فوری لیس همواره تابان در توفیق قدس
 و تارید روحستان دنیا از تمام بلیت
 لرزش و حساسی مجامع با نس و وی را حیث
 استوار و تحمل حوله لود بهار خدایا نویسنده
 را به مالک المرام کن و ما را از زنا فو ما فی برکنار دار
 و بر حسرتی نه خول استرانی را له خستودیت
 در کله لسه نرما آسه فرما و ما را در برین
 بهرستت و لرد ساز و لوبهای نیره شد
 را از بر لبر دندگانه بهار و برده های
 تو دیر را از بر لبر دلماه برکنار دار و باطل
 را از نراد مال بر کن و حقیقت را در درون ماله



وصیت نامه
جانان مرا به تحلیل محاسب و رحمتی برگزیده کن

وصیت نامه

استوار گردان و قلمانی را ظهر ده و طارا
در هر زمان سوختن گردان به ایلام خیر و دوری
از بدی و حساب من نصرتا و پیروی از نصرتا
و دوری از بدعتها، اخیر معروف و نهی از
منکر و قلمبانی اسلام و پیوستن و خوار
گردن باطل و یاری و جبرانی حق و انصاف
گناه و یاری نایب اله و رسیدن به دردمند
و طعام خود را نده به مسکینان و آزاد کردن
برگوان، خزانند دشتی را به نیروی خود
از ستاری باز دار و سسر خانی را
بقدرت در هر شکلی و او را در کار حکومتش
سرگردان و او را در ستاری فرصت ده



خدایا جان منشی از تو می‌خواهم که به معاد امان
 باشد باشد و عقابان تو را دهد و عطا تو نعمت کند.
 آمین

شماره تراشه

و سرا در سبزه با او یاری کنی و در خنایم
 تا حق بر تو بی‌نیازی نمیرسد و صفی در آن خدایه
 عانتی هستم و عانتی باشم تا از این عسرت
 زندی تو چینی و جاء داری بر این ساخته شود و غول
 باز در کمان بی‌ریشی تا زده بر علیه خصم کافر
 هستم تو فتیله زده که آن حیدی را که از سوترا از
 تو طلب کرده‌ام. بدر ما در برادران و خواهران
 عزیزیم، است خوب به لاهور و زنی از روزهای
 هر روز خستنا زانست. و از اینام اله لانس
 روزی که بر بند من جو کمال این موز و بوم به حوله
 خویش در غی غلظت و حماسه‌های کفریننده امروز
 روزی است که با زبا خود نمال تا رنج و

۶۵۳



وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحیم

این وصیتنامه را بنده در روز شنبه ۱۳۶۷/۰۳/۰۳

تأیید می‌نمایم

در سلام عزیز را بیاورد حسرتیم از هر روز به
 هزاران لیس خوار نیاز شدیم روزی است
 که محمدم ابرقدر ترا و جانا تنار را نشد که و می‌تواند بر
 وز حسرت را در نیست بظواهر مستقام و بی‌کلیه پیر
 و در خالی بنام حق بوقت و صبر نام مگر سنده
 گرفته اند و کشتار خود حیدر قصد علم و در حق
 این در و سلاست که آه را در درم اسید خرا
 بی‌وردی زود در حنا و نظاره آه خوار حیدر
 بر که در آن همدرد استوار زنگه طالع جوی علی
 غیر را نه آن تا در سنده را خالی نشد که الو
 باطلی بر حق و نو بطور ظاهر حیدر بود در اسلام
 تا عمر نماز بر سینه آه خوار حیدر بود حواره حیدر



وصیتنامه

نور مؤمن برای اهل آسمان مانند ستارگان آسمان برای اهل زمین، بی درخشند.

امام صادق (ع)

زار پیونده دارم بر آرمی ما در ای دیار ز راه بجزایان
 به جبره جبار گوی می کشید و دا و اسع جلیونه
 می خور از خیر جواب ز حیب (ع) که بر کدینه
 که عزیزانش را نیت به تدبیر صدال می فرستاد
 و نسیان کردی که حسیبی کشید عیونته می تر لای جواب
 حسنی را بر خفید که بر عزت عا سورا عزیزان خود را می
 نلی کفی می نو نسیانند و قیادی می که در خیلونه واسرف
 ندر حیل من ناصر او را که در حیره با بلند است
 جواب سبب می دهی بهر سال از مردم که فحشی
 بزاد مران که بر روز ندر سال جمع کوه بدر دنی خورد
 از سلام خوله می خود کند و حسنی دارم با تو مبار
 که میدانی در هر کجایان می سونی لفسه نه می کرد



وصیت نامه

قرآن را بخواند روا خداوند دلی را که قرآن را دریابد
عزت بزرگوار

ای خداوند منی خواجه جوهری خسته
 حق که جسد من به دست آید تا فرزند
 بداند که هر چه خدا در این راه بپسندد
 تا راهی بپسندد از هر چه من بخواهم
 بنا را بر این خوارم که هر چه من بخواهم
 خوارم که هر چه من بخواهم
 هر کار را که من بخواهم خدا بپسندد
 در میان کز است خوب الله میباید می خواهد
 در راه اول از من بپسندد روحانیت من و سپه
 غمزه و من که خوارم که این بار من بپسندد
 شش ماهه که در دنیا جانم با ای همه
 شش ماهه که ثواب آن بپسندد و با

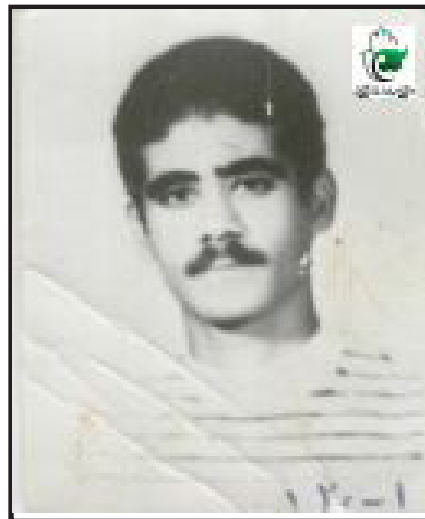


شخصیتنامه

عائش از خدا مردم کسی است که از نفس احوال جهان است

متذکر می شویم مقدار بی زلفا و عفت و در عین حال
 و گاهی دایم بر این در صورت که گاهی بلیه بر روی او
 زنده ام می باشد بر این تالی می نویسم
 گاهی نسوخت و گویا تو از تلامه و فریاد که باهی
 « بیدار » رو نشستن دلیل حضور است باهی بقای از منی
 جا و دانرا باهی از حاسه و خو نقش می زند
 گاهی ردای نسخ سر است این جانب می بلند خدای
 بیکری است آری « بونه » بدی حد است دساهدرا عمل بزی
 در قالب نشانی فریاد که در فرزند ز سنی با کشته می زند
 شریک است در میان از همه دوستان و برادران
 بمقوله افرازدی که از من ناراحتی داشته اند حلالی می طلب
 برادران من بی دروغی حکایت در دعا کبیر و توسل و در نماز
 بر لیم طلب مغفرت کنید و والسلام علیکم ورحمة الله

عبدالرضا کمالی



نام: عبدالرضا

نام خانوادگی: کمالی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱۲/۱۴

محل تولد: شهرستان آبادان

نام پدر: خلیفه

نام مادر: شیرین

تحصیلات: سوم متوسطه در رشته الکترونیکی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۴/۲۶

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش و متلاشی شدن سر

و گردن

محل دفن: گلزار شهدای بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ تنها خواهشی که از برادران و خواهران خود دارم این است که امام را تنها نگذارند و همیشه و در همه حال به یاد خدا و مهربان نایب برحقش باشند. امام را دعا کنید.

بسم رب الشهداء و الصديقين

وصیتم را با نام الله شروع می‌کنم چون که آغازگر زندگی و مرگ است و با نام رهبری که هر لحظه عمرش برای مستضعفان جهان دریائی از نعمت است و ملتی که با خلوص، جانش را در این راه نهاده است. [...] من خود را کوچک‌تر از آن می‌دانم که بتوانم وصیت‌نامه‌ای [مانند شهدا بنویسم]^۲ [...] بنویسم. خدایا! هم اکنون که وصیت‌نامه را می‌نویسم با دلی پر از درد و گناه خواستم به پیش تو بیایم و با شهیدانی که کسی از حال‌شان با خبر نیست و با شهیدانی که جسد‌های‌شان بعد از ماه‌ها یا هفته‌ها و یا ... پیدا می‌شود ملاقات کنم. هر شهیدی با ریختن خورش درسی بس عظیم به انسان‌های دیگر می‌دهد. خدایا! آیا تو این چنین لیاقتی را به من می‌دهی. من که در عمرم نتوانستم خدمت کنم؛ اما با ریختن خون ناقابل‌م توانسته باشم به جامعه‌ای اسلامی که آن جامعه در صراط مستقیم الله است کمک کنم و تنها خواهشی که [از] برادران و خواهران خود دارم این است که امام را تنها نگذارند و همیشه و در همه حال به یاد خدا و مهربان نایب برحقش باشند. امام را دعا کنید. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

والسلام

۶۱/۲/۲۴

عبدالرضا کمالی - امضاء^۴

۱. «این وصیت‌نامه در قبال وصیت‌نامه‌ی شهدا» حذف شده است.
۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «مانند شهدا» باشد.
۳. «آن چنین» حذف شده است.
۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

ایها عبدالرضا کمالی

بسم رب العرش العظيم

۱۸ شهریور

و صبح را با نام الله شروع می کنم چونکه آن تازی زنی و مرد است و با نام رب برکت که هر لحظه عمرش را بر

مستغنیان همان در یابی از نفس است و طبیعت با خلوص جانیش را در این راه نمانده است

این همه شناخته در قبال و میخانه عام همه این خود را که می آید از آن می دانم که بتوانم و میخانه این میخانه

نویسم خدایا همه اکنون که میخانه در این نویسم با دلی پر از درد و گناه خوانتم به پیش تو بیایم و با کرمه ای

که نمی از حالتان با خبر میس و با کرمه ای که خیر ما سبب از ما میایم یا مفتی ما و یا ...

و شود ملاقات کند بر کرمه ای با رغبتی خوش درسی سبی عظیم هم انسانها در این همه خدایا و یا

توانیست لیاقتی را پس صبر می کن که در عمر نتوانست خدمت کند اما با رغبتی خود فدا گام توانست

با کرمه به جامعه اسلامی که آن جا همه در صراط مستقیم الله است که کرمه و تنها خوانش به

بگذاره و خدایا راه خود را از این همه که گام را تنها از راه و همیشه در کمال به یاد در دو صبر

تائب بر حقش باشم امام راه کرمه

خدایا خدایا تا انقلاب همه ضعیف را که در از بر و السلام

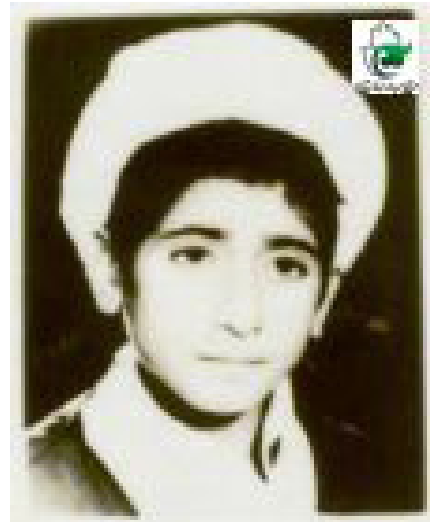
عبدالرضا کمالی

سوره ۲۴، ۲، ۶۱

سید شهید انقلاب اسلامی -



منصور کمالی کلوجانی



نام: منصور

نام خانوادگی: کمالی کلوجانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۱/۰۱

محل تولد: روستای ماشکار تابعه شهرستان

بندرعباس

نام پدر: اکبر

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: دوم راهنمایی و فراگیری علوم در

حوزه علمیه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۰۶/۱۸

محل شهادت: فاو عراق

نحوه شهادت:

محل دفن: بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ در این راهی که می‌روم اگر زنده بمانم با افتخار است و دیگر ننگ آمیز نیست و اگر بمیرم و کشته شوم مورد ملامت نیستم زیرا وظیفه‌ام را انجام داده‌ام.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با نام خدا و با یاد انبیا و اوصیائش و با سلام بر امام امت، خمینی بت‌شکن [...] ۱ اسلام و سلام بر روان پاک او رزمندگان اسلام [...] ۲ بر شهیدان اسلام از رسول‌الله تا [...] ۳ روح‌الله. وصیت‌نامه‌ام را شروع می‌کنم اگرچه بارها تنم بر روی کاغذ برای نوشتن وصیت‌نامه حرکت نمود اما چون وظیفه همه‌ی مسلمانان می‌باشد که وصیت بنویسد این بار هم وصیت خودم را می‌نویسم. خداوندا! به تو پناه می‌برم از شر نفس زیرا که این نفس اماره بالسو [...] ۴ ولی این که نفس اماره امر می‌کند [...] ۵ مگر که خدا رحم کند.

بتو پناه می‌برم از آن روزی که [...] ۶ وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ۷

و روزی است که ستمکار دست‌های خود را می‌گزد [و] می‌گوید ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم و بتو پناه می‌برم از آن روزی که در تاریکی قبر مرا تنها می‌گذارند، این [را] از تو می‌خواهم که مرا در آن وقت تنها نگذاری زیرا هر روز قبر ندا می‌دهد یا بنی آدم [...] ۸ ای پسر آدم! راه می‌روی به پشت من در حالی که مسیر تو در شکم من است گناه می‌کنی بر پشت من و عذاب می‌شوی در شکم من.

خداوندا! خمینی را نگهدار زیرا او تنها محافظ زمین توست که همان‌طور از رسم و

۱. ناخواناست.

۲. ناخواناست.

۳. ناخواناست.

۴. ناخواناست.

۵. ناخواناست.

۶. ناخواناست.

۷. آیه ۲۷، سوره فرقان.

۸. ناخواناست.

[...]^۹ نمایان است که اسمی دارد به نام روح الله و حزبی دارد بنام حزب الله. خداوندا! به خانواده‌ام مخصوص به مادر عزیزم صبر عطا کن و به آنها الهام کن که آن [...] ^{۱۰} خداوندا! اکنون که توفیق دادی که در جبهه حضور پیدا کنم خیلی سپاسگزارم زیرا با آمدن امثال ماها باعث می‌شود که اسلام از خطرات محفوظ بماند زیرا در این راهی که می‌روم اگر زنده بمانم با افتخار است و دیگر ننگ آمیز نیست و اگر بمیرم و کشته شوم مورد ملامت نیستم، زیرا وظیفه‌ام را انجام داده‌ام و [...] ^{۱۱} که دایه‌ی ^{۱۲} دل‌سوزتر از مادرند [که] ندای صلح سر می‌دهند نیز بدانند که دشمن از روی دل‌سوزی نیست که ادعای صلح می‌کند و اگر فرصت پیدا کند دماغ همه رابه خاک خواهد مالید و این ذلت بر آنهاهی که [...] ^{۱۳} دل‌سوزتر از مادرند کافست که زنده باشند و دماغ‌شان به خاک مالیده شود و باید از فداییان حسین (ع) درس بگیریم که می‌فرماید: ما مردمی هستیم که یا باید صدرنشین شویم و یا قبرنشین و [...] ^{۱۴} توام با سربلندی می‌خواهیم. زندگی با سرشکستگی مفهومی ندارد.

امام علی (ع) خبردار می‌شود که لشکریان [...] ^{۱۵} شهر، انبار را غارت کرده‌اند و در ضمن گوشواره یک زن مسلمان اهل [...] ^{۱۶} که در پناه مسلمین بود ربوده‌اند. در ضمن سخنانش می‌فرماید: بخدا قسم اگر یک مسلمان در غم چنین حادثه‌ای بمیرد و از طرف انسان مورد ملامت نیست؛ و آیا این کوردلان ندیده‌اند که خرمشهر عزیز و دیگر شهرهای ایران غارت شده است و آیا این انسانیت است که با دیدن چنین جنایت‌هایی از طرف صدام علیه العن بر ملت مظلوم ایران وارد [...] ^{۱۷} اقوام و خویشان و دوستان قدر این انقلاب را بدانید [...] ^{۱۸}

۹. ناخواناست.

۱۰. ناخواناست.

۱۱. ناخواناست.

۱۲. در اصل: دایی.

۱۳. ناخواناست.

۱۴. ناخواناست.

۱۵. ناخواناست.

۱۶. ناخواناست.

۱۷. ناخواناست.

۱۸. ناخواناست.

ابراهیم زمان‌تان [...] ۱۹ او بهترین [...] ۲۰ اسلام می‌باشد و خدا نکند برادران حرفی بزنی که قوم بنی‌اسرائیل به موسی زدند که تو و خدایت بروید بجنگید و ما هم می‌مانیم؛ بلکه به او بگویند او امر خدا [...] ۲۱ که مطیع اوامر تو که همان اوامر خداوند است می‌باشیم و این را بدانید که اگر امام مرا تنها گذاشتید، هرگز از شما راضی نخواهم بود زیرا گلوله‌های بعثیان را به جان خریدیم تا راه خمینی (ره) که همان راه اسلام است پا برجا بماند و [...] ۲۲ بگوییم که اگر [...] ۲۳ من بر شما [...] ۲۴ نگذارید راه من نیز کهنه شود و ای کاش هزاران جان می‌داشتم که در همین راه فدا می‌نمودم. مطلب دیگری برای هم‌سنگران طلاب عزیز دارم که برادران! اسلام به افراد عالم متعهد مسلمان احتیاج دارد؛ همان‌طور که با دشمن مبارزه کردیم شما هم تلاش کنید تا [...] ۲۵ و نادانی را از این مرز و بوم [...] ۲۶. در پایان تمامی دوستان و اقوام و مدرسین حوزه [...] ۲۷ حلالم فرمایید و از دعای خیر فراموش نفرمایید و تعداد یک‌ماه روزه دارم که یک‌روز آن از سال ۶۲ می‌باشد و ۲ [...] ۲۸ داده شود و مقدار ۳ روزه از سال ۶۳ که هر یک ۳ سیر طعام دارد که به فقیر بدهید و ۲۵ روز از ماه مبارک رمضان ۶۴ می‌باشد که هر یک علاوه بر گرفتن [...] ۲۹ نوشتم اجرا شود. با امید این که خداوند مرا مورد عفو قرار دهد و با امید پیروزی والسلام.

امضاء ۳۰

طلبه حقیر، منصور کمالی

۱۳۶۴/۶/۳

۱۹. ناخواناست.
۲۰. ناخواناست.
۲۱. ناخواناست.
۲۲. ناخواناست.
۲۳. ناخواناست.
۲۴. ناخواناست.
۲۵. ناخواناست.
۲۶. ناخواناست.
۲۷. ناخواناست.
۲۸. ناخواناست.
۲۹. ناخواناست.

۳۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

علی کناری زاده



نام: علی
نام خانوادگی: کناری زاده
تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۰۷/۰۹
محل تولد: روستای سرتنگ از توابع شهرستان
میناب
نام پدر: ابراهیم
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۱
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره
محل دفن: گلزار شهدای دهستان هشتبندی تابعه
شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

◀ ملت عزیز! در سختی ها و ناملازمات صبر پیشه کنید اگر در شهرها کمبود و مشکلات دیگر است؛ بدانید که در عوض عزت و شرف شما در جبهه حفظ شده. امام عزیز را تنها نگذارید؛ قدر این امام را بدانید و گوش به فرمانش باشید برادران مرد، در امتحان مشخص می شود؛ مرد جنگ بودن کار هر کس نیست؛ جبهه ها را خالی نکنید که خدا وعدهی عذاب سختی به کسانی که از جنگ فرار می کنند داده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۶/۱۲/۲۱

قال علی (ع) إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصِّهِ أَوْلِيَائِهِ
پس از حمد خدا، جهاد دری است از درهای بهشت، که خداوند آن را به روی اولیاء
خاصّ خود گشوده.

خدایا! تو را سپاس می‌گویم که این سعادت را نصیب من فرمودی که در زمانه‌ای
قرار گرفتم که اگر زنده‌ام در زیر پرچم جمهوری اسلامی و اگر شهید می‌شوم در راه هدف
والای اسلام است.

خدایا! نعمت جهاد را به من دادی چگونه شکرش^۲ [را] به جا آورم^۳. خدایا! نعمت
فهمیدن احکام دین را به من دادی چگونه شکر گزارم. اینک جان ناقابل خود را در راه تو
فدا می‌کنم بر من منت گذار و پذیرای من باش. ای ملت قهرمان و شهید پرور! بدانید من این
راه را با آگاهی کامل انتخاب کردم و لباس سبز را با عشق کامل بر تن کردم و فرمان امامم
را به جان خریدم و اگر در این راه کشته شوم افتخار می‌کنم. ملت عزیز! در سختی‌ها و
ناملایمات صبر پیشه کنید. اگر در شهرها کمبود و مشکلات دیگر است بدانید که در عوض
عزت و شرف شما در جبهه حفظ شده. امام عزیز را تنها نگذارید؛ قدر این امام را بدانید و
گوش به فرمانش باشید؛ برادران مرد، در امتحان مشخص می‌شود؛ مرد جنگ بودن کار هر
کس نیست؛ جبهه‌ها را خالی نکنید که خدا وعده‌ی عذاب سختی به کسانی که از جنگ
فرار می‌کنند داده است و این زن صفتان به ظاهر مرد را که از جبهه فرار می‌کنند بسیار خوار

۱. بخشی از خطبه ۲۷، نهج البلاغه در نکوهش اصحاب از نرفتن به جهاد.

۲. در اصل: شکر.

۳. در اصل: گزارم.

شمرده است و مادر عزیزم بر مرگ من زیاد بی تابی نکنید که مرگ حق است و سراغ همه می آید؛ چه بهتر که این مرگ مرگی زیبا و آگاهانه چون شهادت باشد. خدایا! کاش صد جان داشتم تا صدبار در راه تو فدا کنم. برادران عزیزم! خون شهیدان یاور می طلبد و اسلحه‌ی به زمین افتاده آن‌ها مردان حق را به سوی خود فرا می خواند و روح‌شان [را] نظاره می کند بر اعمال ما. وای بر ما اگر در گرفتن حق این خون‌ها سستی کنیم؛ وای بر ما اگر خون شهیدی را با اعمال و گفتارمان پایمال کنیم. سلاح بر زمین افتاده‌ی من را و دیگر شهیدان را بردارید و به کربلای خون‌بار ایران بیایید.

پدر و مادر عزیزم! هر چند که در ادای حق شما کوتاهی کردم و نتوانستم حق شما را بدرستی ادا کنم از من بگذرید و حلالم کنید که رضای خدا در رضای شماست. اگر کسی حقی بر گردن من دارد ببخشد و حلال کند که جواب حق الناس را دادن سخت است. پدر و مادر عزیزم! شما در به ثمر رساندن من زحمات بسیار زیادی کشیدید و رنج‌های زیادی را متحمل شدید اما من نتوانستم ذره‌ای از محبت شما را جبران کنم حتما من را ببخشید؛ خداوند اجر شما را بدهد و من را یاری دهد که در این دنیا که نتوانستم در آن دنیا زحمات شما را جبران کنم. برادران عزیزم! اگر از دست من ناراحتی دیده‌اید ببخشید و راه من را ادامه دهید و جای خالی من را پر کنید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته ۱۳۶۶/۱۲/۲۲.

مبلغ ۵۰۰۰ تومان^۵ از حقوق من به برادر عیسی مسلمی پردازید (بابت ساعت)، از حقوق

من حتما یک ماه نماز و مقداری روزه برایم بخوانید و بسپارید برایم به جا آورند.

مبلغ ۷۶۰ تومان^۶ بدهکارم به خویبار آشوری پردازید.

مبلغ ۴۵۶۰ تومان^۷ بدهکارم به اسماعیل محمودی پردازید.

مبلغ ۱۰۰۰ تومان^۸ بدهکارم به تعاون سپاه برادر هاشم ذاکری بدهکارم پردازید.

۴. در اصل: بسیار.

۵. در اصل: تومن.

۶. در اصل: تومن.

۷. در اصل: تومن.

۸. در اصل: تومن.

مبلغ ۳۰۰ تومان^۹ بدهکارم به خواهرم مشهدی سکینه محمودی بدهکارم بپردازید.
مبلغ ۱۵۰۰ تومان^{۱۰} بدهکارم به برادر حسین کریمی بدهکارم بپردازید.
مبلغ ۲۰۰ تومان^{۱۱} بدهکارم به حسین مهربانی فرزند رضا بدهکارم بپردازید.
چون همه‌ی آنها را یاد ندارم هر که را نگفتم یا ببخشد یا طلب دارد بگوید و از حقوقم بگیرد.

والسلام

امضاء^{۱۲}

۹. در اصل: تومان.

۱۰. در اصل: تومان.

۱۱. در اصل: تومان.

۱۲. نمونه امضاء - در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم
 در راه آزادی و استقلال می‌جنگیم
 تا سرافراز گردیم و سرافراز گردانیم
 در راه آزادی و استقلال می‌جنگیم
 تا سرافراز گردیم و سرافراز گردانیم

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم



بسم رب الشهداء و الصالحین

قال علی (ع)

ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله خاصة اولیائه
 خدا یا تو را سپاس می‌گویم که این سعادت را نصیب من فرمودی
 که در زمانه ای قرار گرفتم که از زخوه ام در زیر پرچم جمهوری
 اسلامی و آزادی می‌شوم در راه هدف و الای اسلام است
 خوابا نصرت جهاد را به من دادی چگونه شکر گزارم خوابا نصرت
 فیهین احکام دینی را به من دادی چگونه شکر گزارم اینک جان ناقابل
 خود را در راه تو فدایم کنم بوسه سنت گزار و جو برای من باش
 ای ملت قهرمان و شهید پرور بدانی من این راه را با آگاهی کامل
 انتخاب کردم و لباس سبز را با عشق کامل بر تن کردم و فرمان
 امام را به جان خریدم و اگر در این راه کشته شوم افتخار می‌کنم
 ملت عزیز در سختیها و ناملایات صبر پیشه کنه اگر در شهرها
 کج بود و مشکلات دیگر است بدان که در عوض عزت و شرف شما
 در همه حقه شده امام عزیز را تنها نگذارید قدر این امام را بدانید
 و گوش به فرمانش باشید و در این سرد در امتحان مشخص می‌شود
 و سرد جنگ بودن کار هر کس نیست جبهه‌ها را خالی نماند که
 خوابا وعده خدای سبحی به کسانی که از جنگ فراری کنند
 داده است و این زن صفتان به ظاهر سرد را که از جبهه فرار
 کنند بسیار خوار شده است



تعاون لشکر ۴۱ تاران
 محل امضاء

و مادر عزیزم بر سرگم من بسیار بی تابی نکنید که سرگم حق
 است و سراع همه می‌آید چه بهتر که این سرگم مرگی زیبا و
 زاهدانه چون شهادت باشم خوابا کاش صبحان دانستم

فایده بسیار در راه تو فدا کنیم
 به ایران عزیزم خون شهیدان یا ورنه طلب و اسلحه به زمین افتاده
 آنجا صدان حق را به سوی خود فرمای خواند و روحشان نظاره می کنند
 بر اعمال ما و ای بر ما اگر در گرفتن حق این خونهاستی کنیم و ای بر ما اگر
 خون شهیدی را با اعمال و گفتارمان با خیال کنیم سلاح بوزمین افتاده من
 را و دیگر شهیدان را بردارید و به کوبلای خونبار ایران بیاورید
 پدر و مادر عزیزم هر چه که در ادای حق شما کوتاهی کردم و نتوانستم حق شما را
 درستی ادا کنم از من بگذرید و حلال کنید که رضای خدا در رضای شماست
 اگر کسی حق برگردن من دارد ببخشید و حلال کنید که جواب حق الناس را دادن
 سخت است پدر و مادر عزیزم شما در به نور سائین من زهات بسیار زیاد می
 کشیدید و زنجای و زبانی را متحمل شدید اما من نتوانستم ذره ای از محبت شما را
 جبران کنم حتماً من را ببخشید خداوند اجور شما را بدهد و من را یاری دهد که در
 این دنیا که نتوانستم در آن دنیا زهات شما را جبران کنم برادران عزیزم اگر از
 دست من یا راهی دیده اید ببخشید و راه من را ادا نه بدهید و جای خالی من را
 پر نمائید و ابدام مسلم و روح را به ویرگانه ۲۲، ۱۲، ۱۳۶۵ عدد
 مبلغ ۵۰۰۰ تومان از حقوق من به برادر عیسی مسلمی بپردازید (باب ششم)
 از حقوق من حتماً یکماه نیاز و مقداری روزه برام بخردید و بسیارید
 برایم دعا آورید
 مبلغ ۷۶۰۰۰ تومان بدهکارم به خوبان تاشورس بپردازید
 ۱۰۰۰۰ // به اسمائل محمودی //
 ۱۰۰۰۰ // تقاون بهار برادرها هم ذکر کردید بدهکارم بپردازید
 ۵۰۰ // به نواموم سلطون تاشورس محمودی بدهکارم
 ۳۰۰ // به ملا در تاشورس محمودی بدهکارم
 ۱۵۰۰ // تومان به برادر حسین کوی بدهکارم
 ۲۰۰ // تومان به حسین سهرابی فوزند رضا بدهکارم
 چون همه آنها را یاد ندارم هر که را بگفتم یا ببخشاید یا طلب دارد بگوید و از حقوق بگردد و ابدام
 علی کریمی

۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنمایید و دستخاست خود را در آن بنویسید

صادق کموری



نام: صادق
نام خانوادگی: کموری
تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۶/۱۸
محل تولد: روستای گردکان از توابع شهرستان
حاجی آباد
نام پدر: غلام
نام مادر: سکینه
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
شغل: کشاورز
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴
محل شهادت: ام الرصاص عراق
نحوه شهادت:
محل دفن: گلزار شهدای بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ ای همشهریان و ای هم سنی های من و ای برادران! نگذارید سنگر من خالی باشد و اسلحه ام به زمین بیفتد شما هم مانند من و دیگر برادران که نگذاشتیم سنگر برادران شهیدمان خالی باشد.
- ◀ فقط از شماها خواهش دارم امام را تنها نگذارید و سنگر من را خالی نگذارید.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۵/۰۸/۱۶

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^۱

با سلام و درود به امام زمان و نایب برحقش خمینی بت شکن و درود و سلام به تمامی رزمندگان سلحشور اسلام به امت حزب الله ایران با این که خداوند این قدر نعمت به ما عطا کرده ولی ما نتوانستیم آن طوری که باید خدمات کرده باشیم خدمت کنیم. پدر و مادر عزیزم! شما بزرگ ترین نعمت های خداوند بودی [و] با تمام مشکلات و سختی ها مرا بزرگ کردید^۲ و به این سن رساندید^۳ ولی نتوانستم زحمت های شما را جبران کنم. پدر و مادرم! اگر من شهید شدم مبدا برای من گریه کنید^۴ برای این که امکان دارد [باعث]^۵ تضعیف روحیه ی دیگران شود^۶ و بچه های شان [را] از رفتن به جبهه منع^۷ کنند. مادر هر وقت خواستی برای من گریه کنی برای علی اکبر حسین (ع) گریه کن، که ثواب دارد؛ واقعاً امام مظلوم بود؛ و مادرم! همیشه از خدا بخواه این امانت ناقابل را از شما قبول کند. پدر و مادر مهربانم! بعد از هر نماز

۱. آیه ۱۱۱، سوره توبه: «در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مال شان را به [بهای] این که بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می جنگند و می کشند و کشته می شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله ای که با او کرده اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است.

۲. در اصل: کردی.

۳. در اصل: رساندی.

۴. در اصل: کنی.

۵. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «باعث» باشد.

۶. در اصل: باشد.

۷. در اصل: جلوگیری.

فقط برای امام دعا کنید تا امام سالم بماند [...] خدا را شکر کنید که توانستید^۹ جوانی^{۱۰} را بزرگ کرده [و] آن را فدای اسلام کنید^{۱۱}. خواهرانم! اگر من شهید شدم اصلاً ناراحت نباشید برای من گریه نکنید؛ هر وقت به یاد من افتادید^{۱۲} برای رقیه امام حسین (ع) گریه کنید. برادران عزیزم! از شهید شدن من ناراحت نباشید؛ فقط از خدا بخواهید این امانت بی‌قابل [را] از شما بپذیرد. ای همشهریان و ای هم‌سنی‌های من و ای برادران! نگذارید سنگر من خالی باشد و اسلحه‌ام به زمین بیفتد شما هم مانند من و دیگر برادران که نگذاشتیم سنگر برادران شهیدمان خالی باشد. ای فامیل و اقوام^{۱۳}! از رفتن من از بین شما اصلاً ناراحت نباشید فقط از شماها خواهش دارم امام را تنها نگذارید و سنگر من را خالی نگذارید. ای کاش من هزاران جان داشتم آن را فدای اسلام می‌کردم.

من از خویشاوندان^{۱۴} می‌خواهم هر چه بدی از من دیده‌اند^{۱۵} به حرمت امام حسین (ع) مرا ببخشند و طلب آمرزش و مغفرت کنند.
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

خدا حافظ

صادق کهوری

امضاء^{۱۶}

۸. ناخواناست.

۹. در اصل: توانستی.

۱۰. در اصل: جوان.

۱۱. در اصل: کنی.

۱۲. در اصل: افتادی.


۱۳. در اصل: اقوام‌ها.

۱۴. در اصل: فامیل‌ها.

۱۵. در اصل: دیده‌ان.

۱۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نام و نام خانوادگی: **صادق کهنوی**
 فرزند: **علی** ... تاریخ: **۱۳۶۸/۸/۱۳**



نویسنده: **سرلشکر عزیزت مرادسلطان شیخ کزگر**
 مکتوب: **مکتوبیت اوزیر برش باشد**

۴۵ / ۴۱۷۶

وصیت نامه

مرکز اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

لَیْسَ لِلّٰهِ اِشْرَکٌ مِنْهُ شَیْءٌ مَنْ اَعْتَصَمَ بِمَا نَحْنُ بِاَعْتَصَمْنَا بِهَا فَاَنْتَ لَمِنْ الصَّامِعِینَ
 وَتِلْكَ اٰیَاتُ الْکِتَابِ الَّتِیْ نَزَّلْنَاهَا عَلَیْكَ لَعَلَّکَ تَعْقِلُ
 وَتِلْكَ اٰیَاتُ الْکِتَابِ الَّتِیْ نَزَّلْنَاهَا عَلَیْكَ لَعَلَّکَ تَعْقِلُ
 وَتِلْكَ اٰیَاتُ الْکِتَابِ الَّتِیْ نَزَّلْنَاهَا عَلَیْكَ لَعَلَّکَ تَعْقِلُ

۴۱۷۶

با سلام و درود به آقا زمان و نایب برقص خمینی بت شکن و درود و سلام به تمامی
 دانشوران و علمای و اولاد و اهل بیت و سیدانه ایوان با اینکه خود را ندانم تقدیر زلفت
 به ما عطا کرده ولی ما نتوانستیم آن طور که باید خدمت کرده باشیم **تسلیتم**
 خدمت کنیم، پدر و مادر عزیزان ما نیز شریک زلفت باشیم خود را ندانم بدوی با تمام مشکلات
 و محنتها مبارزه کرده و با این سن و سال در می توانستیم زلفت را با تمام جبران کنیم
 پدر و مادر امانت محبتی که ما را با بر سر من نهاده کنی ببار آید امکان دارد در وقت خف
 روید و سیدان با همه کوشش که در خدمت به جبهه و جولوگیری کنند ما در خدمت خدایت
 بجز من نهیم **عقلی** بکار علی اکبر حسین هم که که در اولاد دار و اوعا اما مظلوم
 بود! و ما در همه که خدا بخواد این امانت ما قابل منزهت قبول کنه
 پدر و مادر بگذرد هر نماز فقط بجز اینا دعا کنه تا آقا سلام دعا جانانه
 تعاون لشکر ۴۱ تاراج

محل امضاء



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند گنبد ترا منی جیلان را بزرگ گشته و آن را هزار
 اسد که خواهی داشت از من گنبد ترا اهل دارت با سینه برارین می کند
 هر وقت بیاد من افتی در بر رقیه ایما صین می کنی برادر این عزیزم
 از گنبد ترا من دارت بنا گنبد فقط از خدا بخواهید این گنبد بی قابل از شما
 پیروز ای همسیر جان دلری هم سینه های من دلری برادران گنبد ترا من خالی با گنبد
 اسد را م بر زمین بیفته تا هم مانند من و دیگر برادران که گنبد استیم شکر برادران
 گنبد جان خالی با گنبد ای قابل و اقوام ما گنبد رفتن من از بیخ تا اهل دارت
 بنا سینه فقط از شما که قول حسرت دارم اما اگر اینها گنبد ترا من گنبد من خالی گنبد ترا من
 ای کمال من هزار ~~جان~~ دارتم و آن برادران اسد که مرا گنبد

من گنبد قابل که می خواهم هر چه در من دیدن این بره صدمت اما گنبد



صین مدار پیوسته و خطاب اکرم و گنبد ترا من گنبد ترا من

خدا ای خدا ای تا انقلاب ~~خدا~~ صین خنجر را نلقدار

محل امضاء
مدیران کلان

- ۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنویسید و مشخصات خود را در آن بنویسید
- ۲- وصیت نامه را از تعداد مورد نیازتان با مکان مربوطه خود دریافت نمایید



موسی کهوری



نام: موسی

نام خانوادگی: کهوری

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۰۶/۰۲

محل تولد: روستای گردکان از توابع شهرستان

حاجی آباد

نام پدر: غلامرضا

نام مادر: هاجر

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۲۴

محل شهادت: جزیره مجنون عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش به کتف و سر

محل دفن: گلزار شهدای بندرعباس

گلچین وصیت نامه

من کوچکتر از آنم که پیامی برای ملت شهیدپرور کشورمان داشته باشم اما از ملت می‌خواهم که هرگز امام را تنها نگذارند و پشت جبهه‌ها را خالی نکنند؛ زیرا پشتیبانی شما امت شهیدپرور باعث وحشت دشمنان اسلام و دیگر رزمندگان حماسه آفرین می‌باشد و بدانید بقول امام امت ملتی که شهادت دارد، اسارت ندارد و در پایان آرزوی پیروزی حق علیه باطل در سراسر جهان و ظهور امام زمان (عج) را از پروردگار منان خواستارم.

بسمه تعالی

بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان. سلام و درود فراوان به امام زمان و نائب برحقش خمینی کبیر. برادر عزیزم! اگر روزی لیاقت پیدا کردم و به سوی معبود خویش^۱ شتافتم که شهادت خود کتابی است بر قلب تاریخ و اگر زنده ماندم نامه‌هایم را شاهد می‌گیرم بر ظلم ستمگران. اگر روزی جنازه‌ام به دست‌تان رسید بر مرگ سرخ من هرگز نگران نشوید و حتی سیاه‌پوش نشوید که دشمنان اسلام خوشحال می‌شوند. برادر عزیزم! برای آخرین بار در این خلوتگاه عاشقان الله با شما صحبت می‌کنم؛ شاید بر نگشتم پدر و مادر عزیز! اگر خبر شهادت من به دست‌تان رسید حلالم کنید. می‌دانم ناراحت می‌شوید. اگر خواستید گریه کنید بیاد شهدا دشت کربلا و بیاد امام حسین (ع) و علی اکبر (ع) گریه کنید زیرا خون من رنگین‌تر از خون آن‌ها نیست. برادرانم! اگر شهید شدم هرگز سلاحم را زمین نگذارید و همیشه رهرو امام و قرآن و اسلام باشید و شما خواهرانم! می‌توانید با حفظ حجاب خود مشت محکمی بر دهان ابر قدرت‌ها بزنید و پیرو زینب (س) باشید و هیچ‌گاه از یاد خدا غافل نباشید چون یاد خدا آرامش بخش دل‌هاست و نماز خود را اول وقت و با خضوع و خشوع بخوانید. مادر و پدر عزیز! برایم گریه نکنید؛ مبادا در غیاب من خودتان را ناراحت کنید زیرا با این کارتان روح مرا آزرده می‌کنید؛ دشمنانم را شاد. و من کوچک‌تر از آنم که پیامی برای ملت شهیدپرور کشورمان داشته باشم اما از ملت می‌خواهم که هرگز امام را تنها نگذارند و پشت جبهه‌ها را خالی نکنند؛^۲ زیرا پشتیبانی شما امت شهیدپرور باعث وحشت دشمنان اسلام و دیگر رزمندگان حماسه آفرین می‌باشد و بدانید بقول امام امت ملتی که شهادت دارد،

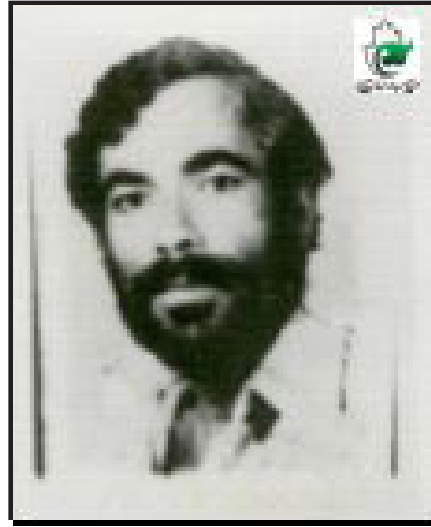
۱. در اصل: خویشتن.

۲. در اصل: نکونید.

اسارت ندارد و در پایان آرزوی پیروزی حق علیه باطل در سراسر جهان و ظهور امام زمان
(عج) را از پروردگار منان خواستارم. والسلام.

(بسته نالی) و قنصله پاسدار شهید و سلام برادر سید محمد
بنام ا... پاسدار حرمت خون شهیدان . سلام و درود فراوان به امام زمان و نائب برحق خلیفه کبیر
برادر عزیزم . اگر روزی بیادت پیدا کردم و بسوی معبود عزیزت شتافتم که تعهدت خود کنایه است بر
تلب تاریخ و اگر زنده مانم نامه هایم را شاهد بگیرم بر نظم نگه دارم . اگر روزی جنازه ام بدستان رسید بر
مرد سرخ من هرگز نگران تصویر و عقی سینه پوش نشوید که در شان اسلام خجسته نشوند . برادر عزیزم .
برادر آخری بار در این خلوتگاه عاقبتاً ا... با شما صحبت یکم سالیه بکنم . بر و مادر عزیز اگر خبر حالت
من بدستان رسیدگی دانه ناراحت نشوید اگر خواستید گریه کنید بیاد شهدا دمت کربلا و بیاد
امام حسین و علی اکبر گریه کنید خوبرا خون من زین ترا که خون آنها نیست . برادرانم . اگر شهید شدم هرگز
سلام را زمین نگذارید و همیشه رهرو امام و قرآن داسلام باشید . و صفا خوانم . متولد شد با حط
عجاب خود مت مکی بر دهان ابرو در کجا بر نشید و بیرونش اسن باشید و هیچگاه از یاد خدا
غافل نباشید چون یکه خدا آرام غیر دلگه است و نماز خود را اول دست با حضور و حضور بخوانید . مکتوب
عزیز
برایم گریه نکنید و بیاد در غیاب من خودتان را ناراحت کنید زیرا با اینکار تاریخ خدا کرده شکسته و
و شما را راضی و من کو حکایت کند آنکه پیامی برای ملت شهید پرور سورمان داشته باشم اما از ملت
می خوام که هرگز انکار نماندند و بیست جیبها را خالی نکنید زیرا اسپیدی مرگ است شهید پرور
یادت هست دشمنان اسلام و دگدگ از سرگناهان اگر بر من بیایم و بداند قبول اما است ملت که صلوات دارد
اسارت ندارد و در ایام آرزو بر روز حق علیه باطل در سراسر جهان و ظهور امام زمان (عج) که از
بروردگار سنان خواستارم .
(والسلام)
و قنصله - پاسدار شهید سید محمد

حسین کهوری زیارتی



نام: حسین

نام خانوادگی: کهوری زیارتی

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۰۲/۰۲

محل تولد: روستای زیارت از توابع شهرستان

بندرعباس

نام پدر: سلیمان

نام مادر: شکر

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

شغل: بنا و معمار

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۸/۰۶

محل شهادت: مریوان

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: روستای زیارت بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ تا آنجا که می توانی با جان و مال و زبان اسلام را یاری کنی و امام (ره) را فراموش نکنی و امام را دعا کنی.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند تبارک و تعالی^۱ که زمین و آسمان و دریا و کوه‌ها^۲ و موجودات دنیا همه در اختیار اوست و درود فراوان بر امام امت ایران این نجات‌دهنده مستضعفان جهان و درود فراوان بر شهیدان صدر اسلام از بدر و احد^۳ و کربلا و کربلا ایران و درود فراوان بر رزمندگان دلیر ایران که در جبهه‌های حق علیه باطل مبارزه می‌کنند و درود فراوان بر ارتش و سپاه و بسیج و شهربانی و زمینی و دریایی و جهادگران^۴ عزیز و درود فراوان بر روحانیون عزیز که شب و روز زحمت می‌کشند و درود فراوان بر ملت ایران که از جان، مال، زن، بچه و زندگی دست کشیدند و اسلام را یاری کردند؛ و برادر عزیزم غلام کهوری! وصیت من این است به [...] تا آن جا که می‌توانی با جان و مال و زبان اسلام را یاری کنی و امام (ره) را فراموش نکنی و امام را دعا کنی. برادر جان! شما باید افتخار کنید که من یک‌بار دیگر [...] که در جبهه‌ی حق علیه باطل شرکت می‌کنم امیدوارم که اول به پیروزی نهایی برگردم اگر این سعادت نصیب شد^۵ که شاید شهید شدم برایم گریه نکنید و در وصیت‌نامه [ای] که [در] دست همسرم هست نوشتم در بهشت زهرای بندر عباس دفن کنید و حالا در این وصیت‌نامه می‌نویسم که هر جا که خودتان خواستید^۶ دفن کنید و یک سفارش دیگری دارم که آن هم^۷

۱. در اصل: تعالا.

۲. در اصل: کوها.

۳. در اصل: اهد.

۴. در اصل: جهادگران.

۵. ناخواناست.

۶. ناخواناست.

۷. در اصل: گیرم آمد.

۸. در اصل: خواستن.

۹. در اصل: آنم.

این است^{۱۰} [که از] بچه‌هایم [...] نگهداری کنید و [به آنها]^{۱۲} بگوید [...] اگر خواستن بندر عباس بمانند^{۱۴}، بمانند^{۱۵} اگر خواستن بروند زیارت هر طور میل خودشان است. راستی هر موقع که حقوقم را می‌گیرید^{۱۶} ۵۰۰ تومان و اگر از من، تو یا محمد بدی دیده‌اید^{۱۷} به بزرگی خود ببخشید.

والسلام علیکم و الرحمه‌الله و البرکاته.

۱۳۶۲/۰۴/۰۳

۱۰. در اصل: اینست.

۱۱. «را» حذف شده است.

۱۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «به آنها» باشد.

۱۳. «برای‌شان» حذف شده است.

۱۴. در اصل: بمانند.

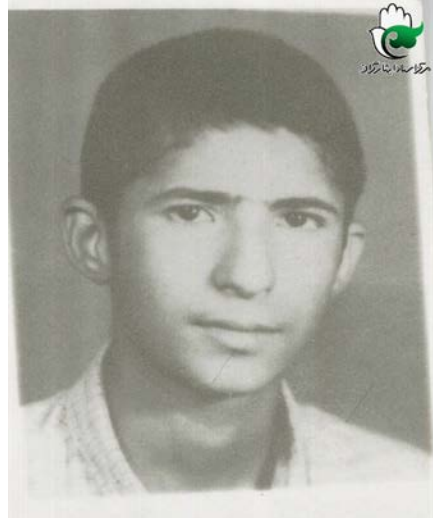
۱۵. در اصل: بمانند.

۱۶. در اصل: می‌گیری.

۱۷. در اصل: دید.

دارا گنجعلی

نام: دارا
نام خانوادگی: گنجعلی
تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۶/۱۴
محل تولد: شهرستان بندرعباس
نام پدر: علی
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: دوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۰
محل شهادت: سید جابر
نحوه شهادت:
محل دفن: گلزار شهدای زادگاهش



گلچین وصیت نامه

- ◀ انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی پیروز شود.
- ◀ هوشیار باشید و همیشه در صحنه حضور داشته باشید.
- ◀ تنها رمز پیروزی مسلمانان اتحاد و هم‌بستگی و ایمان است.

بسمه تعالی

من وصیتم این است؛ که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی پیروز شود و به همه جهانیان گسترده گردد؛ و پیام من این است که ای امت شهیدپرور ایران! ای دلاوران ایران! ای امت عزیز ایران! هوشیار باشید و همیشه در صحنه حضور داشته باشید. این جمله را من جدی می‌گویم، که رهبر عزیز ما خمینی بت شکن و ابراهیم زمان ما، بجز [از] چندتایی پیامبر که خدا فرستاده، بالاتر است و او را هیچ‌وقت تنها نگذارید؛ و این را بدانید که تنها رمز پیروزی مسلمانان اتحاد و هم‌بستگی و ایمان است.

والسلام

گنجعلی دارا

۸
من و عیتم ازین است که انقلاب اسلام ایران بر رهبر امام معینی بنروز رسود
و به هم جها نیل که در گرد

و پیام من ازین است که ارادت شهید پرو و وای دلان آن ایران ای ملک عزیز ایران
که در شمار و آنگاه با شهید و همی در همه حضور داشته باشه

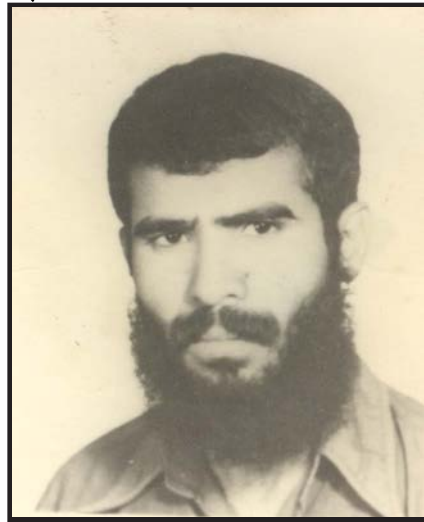
از یک جمله را من میگویم که هرگز عزیز ما ضعیف ننشکن و ابراهیم زمان ما
بسیار که چند نایب پیام بر رخه اندر ستاده است با لاتر است و او را هیچ وقت
نریا نند که برید

و ازین راه اندیشه که شعار هر پیره کی مسلمانان انهاد و همیشه ترا ایمان که مستن

گنجعلی
دانشگاه هرمزگان
گنجعلی
گنجعلی

اصل و صیغه ام سوید

حسین لشتغانی پور



نام: حسین

نام خانوادگی: لشتغانی پور

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۰۴/۰۲

محل تولد: روستای لشتغان از توابع شهرستان

بندر خمیر

نام پدر: محمد

نام مادر: مریم

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۴/۲۲

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش به پهلو

محل دفن: روستای لشتغان از توابع شهرستان

بندر خمیر

گلچین وصیت نامه

◀ خط اسلام و خط امام را یاری کند که راهی است الهی و پر بار و راه راست، که صراط المستقیم است؛ راه خداست، راه محمد (ص) است راه علی (ع) است و راه سرخ حسین (ع) است؛ راه خمینی عزیز است.

بسم الله الرحمن الرحيم

من الان که عازم جبهه حق هستم و با شوق سرشار به الله، این راه را انتخاب کرده‌ام چند نکته‌ای [را] برای^۱ شرح می‌دهم و آن هم این است که پدر و مادر و برادرم! هنگامی که من از این جا رفتم هیچ ترسی و واهمه‌ای به خود راه ندهید؛ که از مرگ پر بار من و از خون سرخم باید لاله‌الاله و الله اکبر بگویند^۲ و در مرگ من هیچ گریه و زاری نکنید که مبادا دشمن زخم خورده بگوید این‌ها عزادار هستند و ماتم زده‌اند بگوئید ما خوشحال و شادیم که جوان‌مان را برای رضای خدا بخشیده‌ایم و برای احکام دین اسلام و با بجا نگاه داشتن خون امام حسین علیه‌السلام به جبهه فرستادیم خط اسلام، خط امام را یاری کند که راهی است الهی و پر بار [و] راه راست، که صراط‌المستقیم است؛ راه خداست، راه محمد (ص) است؛ راه علی (ع) است و راه سرخ حسین (ع) است؛ راه خمینی عزیز است. بگویند^۳ من فدای رهبر شدم، فدای الله شدم و خون و جانم را برای اسلام هدیه نمودم. من با خمینی عزیز پیمان بسته‌ام تا با خون سرخ خود که بر روی زمین جاری می‌شود این هل من ناصر ینصرنی^۴ حسینی خمینی را تأیید کنم. ما نشستیم و آن‌ها در جبهه‌ها شهید شوند و ما بگوئیم مسلمانی. این چه مسلمانی است؟ مسلمان کسی است که به من خطاب کرد که با خون سرخت بنویس الله اکبر، خمینی رهبر. مسلمان کسی است که با بدن نازنینش مین را خنثی کرد. عروسی کردن و عاشق شدن یعنی به الله پیوستن.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته

حسین لشتغانی پور-امضاء^۵

۱. در اصل: به شما.

۲. در اصل: بروید.

۳. در اصل: بگویند.

۴. جمله معروف امام حسین در روز عاشورا: «آیا کسی هست که مرا یاری کند»؟

۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه ام

مرکز مائلا اینها اگران هم جنبه حق هستم و با رفوت سرشار به الله این راه را انتخاب کرده ام
 حینت نامه ای به شما شرح می دهم و آن هم این است که پدر و ملازم در ادم هفتاد و سه سال
 از اینها رفتیم هیچ ترسی و و اعمده ای به خود راه نه مید که از برگ پر بار من و از خون سرختم
 با بدیله های لا اله الا الله و الله اکبر برید و در برگ من هیچ گزیه و زاری نماند که مبادا دشمن
 زخم خورده بگوید اینها عزادار هستند و ما نکرده اند به گوئید ما خوشحال و شادیم که جوانان
 برای رضای خدا مجتهد ایم و برای احکام دین اسلام و با بجا نگاه داشتن خون امام
 حسین علیه السلام به جنبه فرستاده ایم خط اسلام خط امام را ای کسی کند که راهی است
 آئی و پر بار راه راست که صراط مستقیم است راه خداست راه کمال است راه سعادت و
 راه شرح حین است راه حین عزیز است بگوئید من فدای اهل بیتم فدای الله شوم و جانم را
 برای اسلام هدیه نمودم من با حین زینبیا منبته ام تا با خون سرخ خود که در روی زمین جاری می شود این حال من
 با صبر یعنی حین حین را شکر کنم و با حینم و آنما در حینت که شکر کنم و ما بگوئیم مسلمانیم اینجی مسلمان است
 مسلمان کسی است که به حق حین را با خون سرخ من بویس الله البر حین را که مسلمان کسی است که به این ناخوشی که از حق دور
 عروس کردن و عاشقی شدن به الله پیوستن
 حسین شانی پور ۶۱/۲۶۲۱۶

هاشم لطفی زاده دهبازر



نام: هاشم

نام خانوادگی: لطفی زاده دهبازر

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱۲/۰۱

محل تولد: روستای دهبازر از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: موسی

نام مادر: حکیمه

تحصیلات: دانشجوی سال دوم دانش سرا در

رشته کشاورزی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۰

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: روستای دهبازر شهرستان رودان

گلچین وصیت نامه

◀ در پشت جبهه با قلم خود و با درس خواندن بتواند ضربه محکمی به دشمنان اسلام و قرآن بزنند و درس بخوانند تا بتوانند در آینده چرخهای مملکت را بحرکت در بیاورند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

وصیت من به کلیه دانش‌آموزان و مخصوصاً برادران همکلاسیم، که در پشت جبهه با قلم خود و با درس خواندن بتواند ضربه محکمی به دشمنان اسلام و قرآن بزنند و درس بخوانند تا بتوانند در آینده چرخ‌های مملکت را بحرکت در بیاورند. و وصیت من به پدر و مادرم این است که مرا حلال کنند و مرا ببخشند و اگر خداوند شهادت را نصیب ما کرد بعد از شهادتم برای من گریه نکنند و اگر گریه می‌کنند، در دعاهای کمیل و در مصیبت‌های امام حسین (ع) برای امام حسین (ع) و علی‌اکبر (ع) و تمام شهیدان کربلا که در روز عاشورا بشهادت رسیدند گریه کنند و از طرف من از تمام همکلاسی‌هایم طلب بخشش کنید. دیگر وصیتی ندارم.

از طرف من از ابراهیم، کاظم، محمد و عبدالحسین، رقیه، منصور و همه طلب بخشش نمائید و اگر از من^۲ آزاری به آن‌ها رسیده است، من^۳ را ببخشند. به رقیه بگوئید ناراحت نباشد و هیچ‌گونه ناراحتی به خود راه ندهد.
خداحافظ امام و رزمندگان.

۱. آل عمران ۱۶۹.

۲. در اصل: ما.

۳. در اصل: ما.

بسم الله الرحمن الرحيم
 نام تمام نمازگزاران کرامت لطفی زاده
 فرزند سوسن ... تاریخ ... ۱۳۸۸



در صلیت ...
 بسم الله الرحمن الرحيم

وَلَا تَقْسِمُ بِاللَّهِ الْيَمِينِ لَنْ يَغِيْبَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اَمْوَالُنَا بَلَىٰ اِنْ كُنَّا لَمِنَ الْغٰفِلِيْنَ
 گناه سیریه گناه که دانه و گانه بی شود سر و راه بگناه آمان تو گمان هسته که سر
 برود و گناهان صورت می گیرد

دست من به کعبه دانمزد نمازبان در حضور ما جوادان همگلام که در پشت جبهه

بناقم خود و پادشاهان بنوازه خیر به محرم و زمین اسلیم و زبان برهنه

دست خوانده نامتوانه در آینه چرخش ملکیت را به دست دریا و نه

و دست من به هر دو مادر ای که بر عقول اهل الله و را بسند و

اگر چه که نهادت را نصیب ما کردید عید از نهادت من بر

من گریه میکنم و اگر گریه کنی در دعا حاجت کبلی و در صفت کبر

لهم حسین بر سر امام حسین و مع الکرم و تمام سجده ان که بر او

در روز عاشورا عجب هار و سجده کن که به گشته و از طرف من از ان

همگلامیام کعبه بگوش کنی - دیگر و عیسی نه بر

عده حافظد امام و در زمانه ...

بسم الله الرحمن الرحيم ...

تاریخ ...
 ۷۹ / ۲۸

صفر لقمانی

نام: صفر

نام خانوادگی: لقمانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۵/۳۰

محل تولد: روستای بادرک از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: حسین

نام مادر: شهری

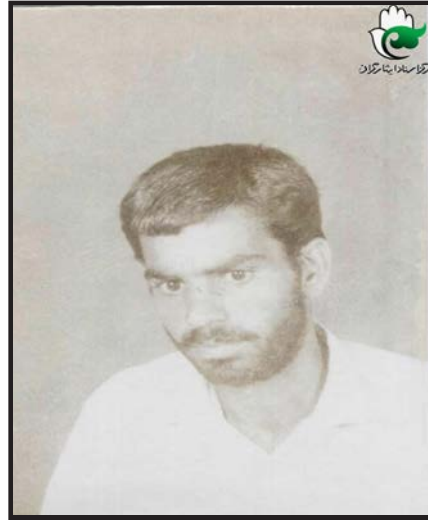
تحصیلات: چهارم ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۵/۲۴

محل شهادت: میمک

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره به کمر و پا

محل دفن: روستای مُنجر تابعه شهرستان رودان



گلچین وصیت نامه

◀ خواهشی که از کلیه‌ی همشهریان عزیزم دارم این است که این امام عزیزمان را مانند مردم کوفه تنها نگذارند و اگر توان دارید که به جبهه بیایید، همراه رزمندگان اسلام، با کافران مبارزه کنید و اگر توان جبهه رفتن را ندارید، در پشت جبهه با کمک‌های خود رزمندگان را یاری کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۱

ما از او آمده‌ایم و بازگشت‌مان به سوی اوست.

با سلام و درود فراوان بر ولی عصر و نایب برحقش امام امت خمینی عزیز و با سلام به امت مبارز و همیشه در صحنه ایران و با سلام به سپاهیان عزیز ایران که در راه حق جان خود را نثار می‌کنند. به امید این که روزی همه امت حزب‌الله در جوار قبر امام حسین (ع) نماز جمعه به امامت امام بزرگوارمان به پای دارند. من که به ندای امام عزیزمان لبیک گفتم و همه چیز را پشت سر گذاشتم و روانه میدان حق علیه باطل گشتم. تنها خواهشی که از شما پدر و مادر عزیزم دارم [...] این است که اگر من لیاقت شهید شدن را پیدا کردم در مرگ من گریه نکنید و شاد باشید همچون مادر قاسم و [...] تنها چیزی که روح مرا شاد می‌کند، خوشحالی شماست و اگر شما از خود ناراحتی نشان بدهید با ناراحت شدن شما دل کوردلان خارجی و داخلی شاد می‌شود؛ و اگر مجلسی را به پای کردید گریه نکنید و بیشتر از ولی عصر امام زمان (عج) بخواهید، که این امام عزیزمان و این قلب طوفنده امت را تا انقلاب مهدی نگه دارد. خواهش دیگری که از کلیه [ی] همشهریان عزیزم دارم [این است که]^۲ که این امام عزیزمان را مانند مردم کوفه تنها نگذارند و اگر توان دارید که به جبهه بیابید^۳، همراه رزمندگان اسلام، با کافران مبارزه کنید و اگر توان جبهه رفتن را ندارید در پشت جبهه با کمک‌های خود، رزمندگان را یاری کنید. در پایان از کلیه خواهران

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره.

۲. «و آن» حذف شده است.

۳. «و آن» حذف شده است.

۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «این است که» باشد.

۵. در اصل: بیایی

و برادران روستائی خودم خواهش می‌کنم که اگر از طرف من ناراحتی دیده‌اید مرا به بزرگواری خودتان [ببخشید و] بنده را عفو کنید. و اگر من لیاقت شهید شدن را پیدا کردم، مرا^۶ را کنار مسجد وحدت منجر دفن کنید. به امید پیروزی سپاهیان اسلام. خداحافظ.

صفر لقمانی

۶. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «ببخشید و» باشد.

۷. در اصل: مزارم.

((انبأ الله وانما اية راجحة)) بازگشت همه به سوی خداست .

وصیت‌نامه پاسدار حیدر اسلام مدرس لاهیجان

با سلام و درود فراوان بزرگواران سرافراز اسلام است خدای عز و جل و با سلام
 به امت مبارک و همیشه در صحنه ایران و با سلام به مسلمانان عزیز ایران که در راه حق
 جان خود را نثار می‌کنند به امید اینکه یوزی همه امت حزب الله در جوار رحمت امام
 حسین (ع) نماز جمعه راه امامت است امام بزرگواران بهای دارند. من که به
 ندای امام عزیزان لبیک گویم و همه چیز را بهت سرگذاشتم و روانه میدان حق
 علیه باطل گفتم تنها خواهم که از شما یاد و نام در عزیزم دارم این است که
 اگر من ایالت تجدیدن راه یاد کردم در سرگه من گویند نگرید و خدا باقیده همچون
 مادر فاسم و دیگر تنهایی که روح سرافرازی کند و غوغای شصت و اگر
 نماز خود نثار حق نشان بدید با تاراج شدن فساد کوردلان خارجی و داخلی
 فاسد شود و اگر مجلسی راه پای کردید گریه نکنید و بیشتر از اولی صراطی زمان
 (عج) بخوانید که این امام عزیزان و این قلب نبوده است ران انقلاب مهدی
 که دارد و دیگر خواهم که دارم از کلبه دستگیران عزیزم که این امام عزیزان
 را مانند مردم کوفه تنها گذارند و اگر توان جیبه رفتن را دارند به جیبه های حق
 علیه باطل بشانند و همراه رزمندگان اسلام با کافران مبارزه کنند و اگر
 توان جیبه رفتن را دارند در پشت جیبه پاک کلبه های خود رزمندگان راهی را مانند
 در پاهای از کلبه خواهران و برادران و دستای خودم خواهش من کنم که اگر از
 طرف من ناراحتی ای دیده اند سرمایه بزرگوارای خودشان هلو کنند و اگر
 من ایالت یاد کردم و شهید شدم سرادگنار مسیحه کشم بر بنگاه به یادید .

به امید پیروزی رزمندگان اسلام سرگشته جهان

کپی بر ایوب اهل است
 بابت پیوسته ایثارگران شهیدان

مدرس لاهیجان

کریمداد ماهی کیر



نام: کریمداد
نام خانوادگی: ماهی کیر
تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۵/۱۵
محل تولد: شهرستان میناب
نام پدر: میر
نام مادر: کلثوم
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۰۳/۰۹
محل شهادت: قصر شیرین
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

◀ کسی که به جبهه نرود و یا به سهم خود به این انقلاب خدمت نکند و خود را بی طرف قلمداد کند، حکم خوارج زمان حضرت علی (ع) را دارد و من همین را می گویم که ما خود را حسینی می خوانیم و باید حسین گونه زندگی کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۳/۰۱/۱۰

جوان‌ها باید به جبهه بروند و مسئله جنگ را حل کنند.
 شهادت فیض بزرگی است که نصیب هر کسی نمی‌شود. (امام خمینی (ره))
 خدایا! ما را بی نصیب مکن. اینجانب کریمداد ماهی‌گیر، فرزند محمد، عضو کمیته
 انقلاب اسلامی جزیره قشم، عازم جبهه‌های نور علیه ظلمت می‌باشم.
 وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱
 هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد
 پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

با درود و سلام به رزمندگان جان بر کف، که با ایثار جان خود نهال این انقلاب را آبیاری
 می‌کنند و [آرزوی]^۲ طول عمر برای^۳ رهبر کبیر انقلاب اسلامی [دارند] و با درود [...]^۴ به
 پدر و مادرائی که عزیزترین فرزندان‌شان را فدای مکتب حسین (ع) می‌کنند. من کوچک‌تر
 از آن هستم که بتوانم برای این ملت پیامی داشته باشم. برادران و خواهران عزیز ایرانی! شاید
 وقتی که این نوشته‌ها را برای شما می‌خوانند من در میان شما نباشم. من از این ملت شهیدپرور
 استان هرمزگان به خصوص مردم شهرستان میناب خواهش دارم که هر کار [ی] می‌کنید
 برای رضای خدا باشد و یک حرف هم به پدران و مادرائی که مانع رفتن بچه‌های‌شان به جبهه
 می‌شوند [دارم] از آن‌ها خواهش می‌کنم اقلأً برای یک دفعه هم که شده حق به فرزندان تن
 بدهید و تا از جبهه اسم می‌برند به آن‌ها تو دهنی نزنید و بگذارید خودشان هم به سهم خود
 تصمیم بگیرند و این را فراموش نکنید که این فرزندان نزد شما امانتی بیش نیستند و باید از

۱. آل عمران ۱۶۹.

۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «آرزوی» باشد.

۳. در اصل: به.

۴. «و» حذف شده است.

این امانت به نحو احسن نگهداری کنید، تا به موقع آن را تحویل جامعه بدهید که الآن در^۵ بهترین موقع برای پس دادن امانت خود هستید. به گفته شهید بزرگوارمان آیت الله مطهری که می گویند: شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع. ملت عزیز! مگر ما خودمان را مسلمان نمی خوانیم پس باید همگی دست در دست هم نهاده و برای نابودی کفر جهانی بکوشیم؛ صدام که چیزی نیست ما آمریکا را شکست خواهیم داد و کسی که به جبهه نرود و یا به سهم خود به این انقلاب خدمت نکند و خود را بی طرف قلمداد کند، حکم خوارج زمان حضرت علی (ع) را دارد و من همین [...] می گویم که ما خود را حسینی می خوانیم و باید حسین گونه زندگی [کنیم] [...] اگر شهید شدم به من تبریک بگویید نه تسلیت [...] به شهادت برسیم. بیش تر از این عرضی ندارم شاید زیادی پرحرفی کرده ام مرا ببخشید. راستی در این دنیا خیلی گناه کرده ام من از کسانی که از من بدی دیده اند خواهش می کنم من را حلال کنند من از تمام مردم طلب حلالیت دارم. من در این دنیای فانی هیچ کس را ندارم و این را هم نوشته ام که کسی برای جبهه رفتن بهانه نسازد. راستی اگر این فیض بزرگ نصیب ما شد من را حتماً به میناب ببرید. خداحافظ.

به گفته ی خمینی ما همه مرد جنگیم صدام آمریکایی بجنگد تا بجنگیم
من الله توفیق.

آدرس: پشت آموزش و پرورش منزل شخصی کریمدار ماهی گیر.
همه باهم:

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

از عمر ما بکاه به عمر رهبر افزا.

عروسی من، شهادت است.

در میناب مرا به دفتر نماینده ی امام حاج محمدعلی طالب ببرند.

امضاء^۹

۵. در اصل: هم.

۶. ناخواناست.

۷. «وحسین» حذف شده است.

۸. ناخواناست.

۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



مرکز اسناد ایثارگران

۱۰/۱/۱۳۶۰

(۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۲۰۵۹، ۶۲، ۱۱

چون از ما این به جنبه بروید مسئله جنگ را حل کنید

لا شکر لای فیض فرزنی است که تسبیح هر روز امام حسین (ع)

کسایه نمود

خواب ما را بی تسبیح مکن از تسبیح کسایه

ایضاً بفرموده امامت فرزند خود عضو کمیته انقلاب اسلام می گردید

قسم عازم جنبه ما فرود علیه ظلمت می باشم. ولا تحسبن الذين

قتلوه في سبيل الله اموالهم على احياء عذر ربهم يرد قوت

آنانکه راه خدا می کنند هیچگاه نمی میرند بلکه در روز قیامت

برودگار خویشی روزی ما را خوردند

با درود و سلام به رزمندگان جان برلقه نه با ایثار جان خود را فدای انقلاب

را آبیاری می کنند و طول عمر به رهبر کبیر انقلاب اسلامی، و با درود و

علاء علی وصی من از امویان تسبیح



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

(۲)

مادرانی که عزیزترین فرزندان را فدای مکتب حین

میکنند، من گوییم از آن هم که بتوانم برای این ملت پیام

داشته باشم. برادر و خواهران عزیز ایرانی شاید وقتی که این نوشته

ها را برای شما میخوانند من در میان شما باشم من این ملت

سپه پرور استان هرمزگان بخصوص مردم شهرستان مینا خواهی

دارم که هر کار می کنید برابر رضای خدایا بکنید و یک حرف هم به پدران

مادرانی که مانع رفتن بچه هایان به جیب هم می شوند از آنها خواهش

میکنم اقلاً برای کیفی هم که شده حجاب فرزندانان بچید و وقتا

از جیبه اسمی برند به آنها ندهند نزنید و بگذارید خودشان

بهم خود تصمیم بگیرند و این را فراموش نکنید که اگر





مرکز اسناد و کتابخانه ملی

عروسی من نجات من است (۱۳)

بسیار امانت بیخی نیستند و باید این امانت بقدر احسن

نگهداری کنید تا به موقع آنرا تحویل جامع بدهید که الان هم بهترین

موقع برای سپردن امانت خود هستید. به گفتا شهید بزرگوار ما

آیت الله مطهری که ما گویند نجات نجات تزریق خون است به یکتر اجتماع

ملت عزیزم که ما خودمان را مسلمانان ما خوانیم پس باید همگی

دست در دست هم نهاده و برای نابودی کفر جهانی بکوشیم. سلام

که چیزی نیست ما آمریکا را شکست خواهیم داد و کسی که به چشمه

زود و پایه سهم خود به این انقلاب خدمت نکند و خود را بیطرف قلمداد

کند حکم خوارچرمانان حضرت علی را دارد و من همین را گویم

که ما خود را حسیبی می خوانیم و باید حسیبی گونه را در بی و حسیبی

اگر شهید شدم به من تبریک بگوئید نه تسلیت



مرکز اسناد و انتشارات

در منیاب همراه دفتر اسناد و انتشارات
حاج محمدعلی طالب بزرگ

(۴)

به تعهدات برسیم بدست از این عرض بودیم سالی در یادمان

۱۱۰۵۹ - ۶۳ - ۱۱ ش

بر حرف کرده ام هر امر بخشد راستی در این دنیا خطی نگاه

کرده ام من از کسانی که از من بدی دیده اند خواهش می کنم

من را حلال کنند من از تمام مردم طلب حلالیت دارم

از این در این دنیا فانی هیچکس را ندارم . ولی راهم نوشته ام

که کسی برای جبهه رفتن بهانه سازد راستی اگر این فیض بزود

نسبت ما را منی را خدا حتماً به منیاب ببرد . خدا حافظ

به گفته منی ما مرد جنگیم ، صد ام از نظای بختگدا تا بختگیم

توصیف

منی

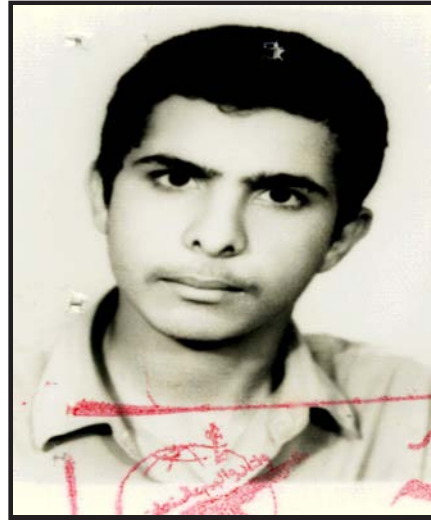
آدرسا: نیستا آخور بن و پرورش منزل شخصی کریمدار ماهگیر

۴۴ با هم

خدا ای - خدایا تا اعتدال مهدی چنین را نگذار

از عمر ما نگاه بر عمر رهبر اعظم

عبدالرضا مجیدی



نام: عبدالرضا
نام خانوادگی: مجیدی
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۱/۱۵
محل تولد: شهرستان بندرعباس
نام پدر: حسین
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۰
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر
محل دفن: گلزار شهدای بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ الدنیا مزرعه الاخره دنیا محل کشت است و آخرت محل برداشت هرچه ما کاشته ایم در آن دنیا برداشت می کنیم. اگر ما در دنیا غیبت، دروغ، تهمت و... کاشتیم، همین را در آخرت برداشت می کنیم که جهنم نصیب مان می شود و اگر ما در این دنیا پرهیزکاری، تقوا، جهاد، راستگوئی و... کاشتیم، همین را در آن دنیا برداشت می کنیم و وارد بهشت می شویم.

◀ مسلمان شناسنامه ای نباشیم. مسلمان واقعی و پیرو خط امام باشیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۵/۱۰/۰۲

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا^۱

با سلام به کسی که، طریق زنده ماندن و زندگی کردن را به ما آموخت. و سلام به منجی عالم بشریت حضرت آقا امام زمان (عج) و نایب برحق ایشان حضرت امام خمینی و قائم مقام رهبری آیت‌الله منتظری و سلام به تمامی شهیدان راه الله از صدر اسلام تا به حال، وصیت خود را شروع می‌کنم. اولین وصیت، به خانواده محترم، مادر، همسر، خواهر، برادر، می‌خواهم بگویم برای شما که در کربلا، امام حسین (ع)، علی اکبر (ع) را در راه خدا داد و علی اکبرش چگونه و با چه شجاعتی جنگید و به چه وضعی شهید شد. می‌خواهم بگویم که حضرت زینب (س) با کاروانش چگونه اسیری کشید و رنج‌ها و مشقت‌ها که نکشید چه تازیانه‌هایی که اطفال حسین (ع) خوردند. می‌خواهم بگویم مادرم که در خرابه شام، چگونه رقیه صدای بابا سر می‌داد و بهانه بابا می‌گرفت. آری واقعه کربلا [را] در نظر بیاورید اگر قرار شد شما گریه کنید و دلتان سوخت که عزیزی [را] از دست داده‌اید و ناله و فغان‌تان بلند شد، خواهش می‌کنم که برای مصائبی که بر اهل‌البیت حسین (ع) وارد شده گریه کنید بر من گریه نکنید که دل دشمنان اسلام خوشحال شود. از شما می‌خواهم که واقعاً برای مصیبت زینب (س) گریه کنید چون وقتی که بنده شهید می‌شوم با مهربانی با شما رفتار می‌کنند. بر شما احترام می‌گذارند، تسلیت می‌گویند، اما بر سکینه (س) و رقیه (س)، حسین (ع) بجای تسلیت و نوازش تازیانه می‌زدند. هنوز ذره‌ای از مصیبت حسین (ع) بر ما

۱. آیه ۲۳، سوره احزاب: «از میان مؤمنان مردانی اند که به آن‌چه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آن‌ها در [همین] انتظارند و [هرگز] عقیده خود را [تبدیل نکردند].»

وارد نشده، حالا متوجه شده‌اید که نباید بر من گریه کنید، بلکه بر اهل بیت حسین (ع) گریه کنید. وصیت دوم، بر مردمی است که هنوز نسبت بر این انقلاب اسلامی بی‌خیال هستند. همیشه^۲ در فکر این هستند که جیب خود را پر کنند و جوانانی [که] کنار خیابان مشغول خوش گذرانی زودگذر هستند؛ این را می‌خواهم بگویم برای شما، این دنیا محل گذراست. آیا کسانی که هم‌چون بعضی‌ها چنین کارهایی را انجام می‌دادند آیا بجز یک متر پارچه سفید، چه دنبال خود برای آن دنیا بردند؟ واقعاً بخود بی‌تایید تا دیر نشده، وقتی دیر شد پشیمانی سودی ندارد. آیا شما چقدر باید بی‌خیال باشید، که ببینید عده‌ای جوانان برای خدا و جامعه اسلامی در خون خود آغشته می‌شوند ولی بعضی‌ها در فکر مال دنیا باشند؟ آیا بجز گناه کاری انجام داده‌ایم؟ یا به گفته معصوم الدنیا مزرعه الاخره دنیا محل کشت است و آخرت محل برداشت هرچه ما کاشته‌ایم در آن دنیا برداشت می‌کنیم. اگر ما در دنیا غیبت، دروغ، تهمت و... کاشتیم، همین را در آخرت برداشت می‌کنیم که جهنم نصیب‌مان می‌شود و اگر ما در این دنیا پرهیزکاری، تقوا، جهاد، راستگویی و... کاشتیم، همین را در آن دنیا برداشت می‌کنیم و وارد بهشت می‌شویم. خلاصه بگویم مسلمان شناسنامه‌ای نباشیم. مسلمان واقعی و پیرو خط امام باشیم. وصیت سوم، بر امت حزب‌الله همیشه در صحنه، می‌باشد که دست از یاری امام بر ندارید و خطی جز خط امام قبول نکنید. چون که ما هرچه داریم از برکت وجود مبارک امام می‌باشد. همیشه در نمازهای یومیه و شب امام را دعا کنید و از خدا بخواهید که بر طول عمر پر برکت امام عزیز بیفزاید. و سخنان امام را بر خود واجب بدانید که عمل نمائید. در آخر از همه دوستان و آشنایان طلب مغفرت و حلالیت^۳ [...] ^۴ [دارم]. اگر کسی از این حقیر گناهکار، بدی دیده به بزرگواری و بخشندگی^۵ خودش ببخشد و اگر بنده برگردن کسی حقی دارم می‌بخشم. اگر کسی از من طلبی دارد به برادرم محمد مراجعه کند و طلب خود را بگیرد. التماس دعا.

امضاء^۶ - وصیت‌نامه عبدالرضا مجیدی

۲. در اصل: همه‌اش.

۳. در اصل: حلال طلبی.

۴. «می‌خواهم» حذف شده است.

۵. در اصل: بخشنده‌ای.

۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

به جای اینکه نعوذ بالله، دروغ، غیبت و... انجام دهید به پرهیزکاری توجه کنید مخصوصاً آن‌ها که پیر هستند بیشتر در آخر عمر مرتکب این چنین^۷ گناہانی می‌شوند. در آخر از همه‌ی اقوام، عمه‌ام، آقا شاه غیبی، آقا نوری، آقا جواد، برادر زلم احمد، دایی ام ابراهیم، روح‌الدین و خانواده همسر و آشنایان مخصوصاً همسایه‌های خوبم اگر بدی از ما دیده‌اند به بزرگی خودشان ما را حلال کنند^۸. در رابطه با زمین و حقوقم، زمین^۹ [...] بین برادرانم تقسیم شود و حقوقم [را] اگر مادرم نخواست برای خرج جنگ واریز نمایید. برادرم احمد! اگر همسرم خواست بماند، هم حقوقم و هم زمین را به او بدهید^{۱۰} و اگر خواست موقعی زندگی دوباره تشکیل دهد، [...] من خیلی خوشحال می‌شوم و برای خودش توضیح داده‌ام کسی حق مخالفت از طرف خانواده ما را ندارد. اگر [...] طلب کاری آمد و گفت که از من طلبی دارد واریز نمایید^{۱۱}. احمد آقا پول از بانک بگیرد و واریز کند^{۱۲}. در ضمن خط خوردگی از طرف خودم می‌باشد. در ضمن ۴۵ روز، روزه بدهکارم به خدا و حدوداً ۶ ماه نماز قضا برایم بخوانید؛ و طلبی که از من کسی داشته [باشد] حداکثر [...] به ۵۰۰ تومان نمی‌رسد، ۵۰۰ تومان اصغر موسی‌زاده، بعلاوه یک دوربین [...] ^{۱۳}(۱۳۵) بخیرید و به او بدهید.

امضاء^{۱۴}

۱۳۶۵/۱۰/۰۲

۷. در اصل: هم چون.

۸. در اصل: حلال کنید.

۹. «را» حذف شده است.

۱۰. در اصل: بدهند.

۱۱. «از طرف من» حذف شده است.

۱۲. «کسی» حذف شده است.

۱۳. در اصل: نمایند.

۱۴. در اصل: شود.

۱۵. «باشد» حذف شده است.

۱۶. ناخواناست.

۱۷. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نام و نام خانوادگی: **عبدالله محمدی** / فرزند: **محمد** / تاریخ تولد: **۱۳۱۵** / تاریخ شهادت: **۱۳۶۵** / محل تولد: **تهران** / محل شهادت: **تهران** / شماره پرونده: **۱۰۰۶**



وصیت نامه

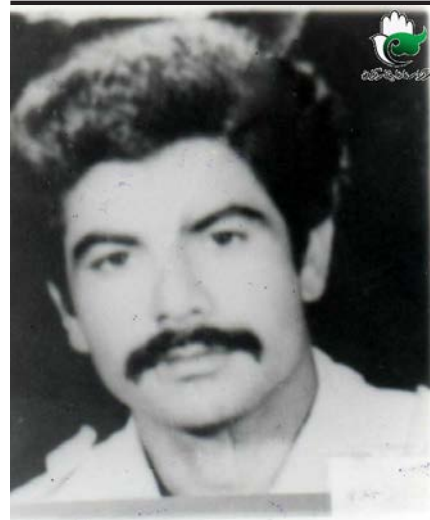
عبدالله محمدی ۱۰۰۶

بسم الله الرحمن الرحیم
در وجه المؤمنین رحمة الله انما صدقوا اماما عدوا...
بدلها تبدیل بخانه جدید
با سلام به کسی که طریقت زنده اندک و زلفی کرده بر موی آموختند و اسلام بدین جهان بشارت
حضرت آقا امام زمان (عج) و نائب بروق ایشان حضرت امام خمینی و قائم مقام رهبری آیت الله العظمی
و سلام به تمامی شهیدان راه امام از صدر اسلام تا حال و عینیت خود را شروع می کنیم اولین وصیت به خانواده
مترم و مادر محترم و خواهر و برادر من خواهم گویم که برای شما که در کربلا حسین علی اکبر را در راه خدا از عالم
آبروش چگونگی و با وجود شهادت خود نیز چه و منهن شهید شده من خواهم گویم که زینب با شما و انوش چگونگی
کنید و در آنجا رنج و غم و تنگنا که نماند چه بازمانه عین که الهیال حسین خود را در من خواهم گویم مادر من
در راه شهادت خود رنج و غم و تنگنا با شما در راه شهادت خود رنج و غم و تنگنا در نظر بسیار بد آن قرار است
شما فریاد کنید و دلگناه سوزش که عزیزان از دست داده اید و ناله افغان سر طعم تلخ بلیت شد خواهم گویم
که برای حال من که بر اهل بیت حسین وارد شده فریاد بر سر فریاد کنید که دل دشمنان اسلام فرسود
از شما من خواهم گویم که واقعا بر امام مصیبه زینب است فریاد کنید چو در حق نهاده شهید من شوم با همراهنایان
رنگار و مانند بر شما ایترام می اندازند با شما ایتر تسلیمت می گویند اما سر سکنیه و رتبه حسین بیای تسلیمت و در
تا زمانه می آید هنوز در خوابم اندم صیبت حسین بر ما وارد شده حال امید چه شده اید که باید بر سر فریاد کنید
یکه بر اهل بیت حسین فریاد کنید

وصیت دهم بر فرزندان است که هنوز نسبت بر این انقلاب اسلامی می خدایا کنند همه این
در نظر این عینت که حسب خود را بکنند و چه جوانان کنار هم با آن مشغول خوش گذران زود از عینت
ایچ را من خواهم گویم بر شما این دنیا اصل گذار است آیا کسانی که همیشه بعضی با چشم می بینند
را انجام می دهند آیا به یک چاره یک مسرت مستی چه دنیا را خود بر این آن دنیا بردند واقعا دنیا
باید تادیر نشده وقتی در بر شد بیستمان سروری ندارد آیا شما چه قدر با بدین خیال باشد که بنید بعد از
جوانان برین دنیا را اسلام در خوزه خود آغشته می شوند و این عینت ما در نظر بال دعا باشد آیا به نوری
سزا کاری انجام داده ام یا نه که...
برداشت مرچه ما داشته ام در آن دنیا برداشت من گویم اگر ما در دنیا (وصیت) کرده ایم همیشه در
مجا. امضاء



ابراهیم محمدی



نام: ابراهیم

نام خانوادگی: محمدی

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۰۹/۰۳

محل تولد: بخش رودخانه از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: حسین

نام مادر: حکیمه

تحصیلات: چهارم ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۱/۰۴

محل شهادت: رقایه شوش

نحوه شهادت: اصابت گلوله

محل دفن: بخش رودخانه از توابع شهرستان

رودان

گلچین وصیت نامه

◀ من از برادران مسئولین ارگان‌های دولتی خواهشی می‌کنم به روستاهای محروم اطراف آن استان مثل رودخانه تشریف ببرند و نیازمندی‌های آن‌ها را در حد توان بر طرف نمایند.

◀ چند نفر از فریب خوردگان عراقی را به اسارت گرفتیم حتی بدون این که تیراندازی بکنیم، با این که اسلحه و مهمات و نفرات آن‌ها بیش از ما بود ولی چون روحیه آن‌ها خیلی ضعیف است و اصلاً نمی‌دانند چرا و برای چه دارند می‌جنگند خود را تسلیم می‌کنند، در صورتی که سربازان اسلام و فرزندان و برادران شما تا آخرین لحظه مرگ می‌رزمند.

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خالق یکتا [...] و درود بر رسولش حضرت محمد مصطفی (ص) و سلام و درود بر روان پاک امام امت خمینی کبیر سرباز مجاهد و آشتی‌ناپذیر. رهبر مستضعفین جهان، رهبر دردمندان^۱ و مصیبت‌زدگان، رهبر زحمت‌کشان و رنجبران و مظلومین جهان. چرا که این طبقه به اول دل بسته‌اند و امیدوارند که رهبری او به رهبری و قیام امام زمان مهدی موعود (عج) متصل گردد ان‌شاءالله که خداوند یار و مدد کارش بود. و ان‌شاءالله که بتوانیم راه جدش حسین (ع) آن سرور شهدای ۷۲ تن و یارانش در راه مقلدش آن [...] قهرمان و ۷۲ تن شهدای حزب‌الله را ادامه دهیم و بتوانیم با هستی و کمک‌های خویش از خون پاک همه‌ی شهدای راه حق به ویژه شهدای انقلاب اسلامی عصر خمینی حمایت کنیم.

بار خدایا! ما را از ارتش خود قرار ده، زیرا ارتش تو پیروز است. خدایا! تنها برای تو و در راه تو گام بر می‌داریم و تو را شاهد می‌گیریم که اگر به جبهه‌ی جنگ می‌رویم تنها برای قربت و رضای تو می‌رویم پس به ما توانایی ده که بتوانیم بر کفار چیره گردیم. و زمین را برای ظهور امام زمان (عج) آماده کنیم که دیگر ناله‌ی مظلومی بر روی کره‌ی زمین به گوش نرسد. خدایا! حال که قرار است من بمیرم مرا در بستر نمیران بلکه بهترین مکان سنگر است؛ و خدایا! حال که لباس مقدس سربازی اسلام را پوشیده‌ام و جان برکف با دیگر برادران رزمنده‌ی اسلام آماده‌ی مقابله با کفار هستیم همین لباس مقدس را کفن و همین سنگر را قبر من نما که بهترین افتخار است. بار الها! از تو خواهیم با کمک این ملت غیور و

۱. ناخواناست.

۲. در اصل: دردمندگان.

۳. ناخواناست.

مسلمان انقلاب اسلامی مان به رهبری نایب امام زمان پرچمش فراتر مرزها رود و ندای اسلام و اسلام محمدی سراسر منطقه را فرا گیرد و نمونه‌ای از حکومت عدل علی (ع) در این منطقه استقرار یابد. [...] ^۴ بر شما همه‌ی مردم قهرمان مسلمان ایران به ویژه برادران و خواهران مینابی و بندر عباسی‌ام که در پشت جبهه با کمک‌های ایثارگری خود به رزمندگان اسلام کمک و مساعدت می‌نمایید. همین چند ساعت قبل که رادیو را گرفته بودیم. رادیو مقدار هدایای کمک شده‌ی شما را به جبهه‌های جنگ و جنگ زدگان اعلام داشت من به عنوان یک سرباز اسلام در قبال این همه هدایای شما تشکر می‌کنم و از خدا پاداش [و] اجرش را برای‌تان آرزو می‌کنم. این هدایای شما امکان دارد در برابر خودتان [...] ^۵ باشد [...] نمی‌دانید چقدر به رزمندگان روحیه می‌بخشد؛ زیرا بیان‌گر پشتیبانی همه‌ی قشر مردم از رزمندگان است. ما همه باید بدانیم تا زمانی که وحدت داریم همه چیز داریم. از شما انتظار داریم مانند [...] ^۶ که در [...] ^۷ همیشه شرکت نموده تا به مسائل روز آگاه شوید؛ زیرا همین‌ها سنگرند. و اوامر امام را تک به تک عمل نمایید و در راه خدا جهاد کنید و شما نیک بدانید که حق همیشه پیروز است و ما چه بکشیم چه کشته شویم پیروز هستیم و شما هیچ نگران نباشید تقسیم سربازان اسلام بر این است، ادامه دارد بقیه پشت همین صفحه.

که تا نابودی لشکر کفر و استکبار جهانی و پیروزی مستضعفین عالم از پا نشینند ما همه سربازان اسلام، مصمم هستیم هم‌چون سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) و فرزند عزیزش خمینی کبیر تسلیم ستمگران نشویم و ریشه ظلم را از بین ببریم همین دیشب اتفاقاً که گشتی رفته بودیم چند نفر از فریب‌خوردگان عراقی را به اسارت گرفتیم حتی بدون این که تیراندازی بکنیم، با این که اسلحه و مهمات و نفرات آنها بیش از ما بود ولی چون روحیه‌ی آنها خیلی ضعیف است و اصلاً نمی‌دانند چرا و برای چه دارند می‌جنگند خود را تسلیم می‌کنند، در صورتی که سربازان اسلام و فرزندان و برادران شما تا آخرین لحظه مرگ می

۴. ناخواناست.

۵. ناخواناست.

۶. ناخواناست.

۷. ناخواناست.

۸. ناخواناست.

رزمند و می‌کشند دشمن‌های خدا را ان‌شاءالله که ما پیروزیم چون حق با ما است. و اما من از برادران مسئولین ارگان‌های دولتی و انقلابی خواهشی می‌کنم به روستاهای محروم اطراف آن استان مثل [...] و رودخانه تشریف ببرند و نیازمندی‌های آن‌ها را در حد توان بر طرف نمایند و برادران که در ارگانهای دولتی کار می‌کنند نگاه عقربه‌های ساعت نکنند که آیا حال ظهر شده تا برگردیم منزل، آن موقع که ما خواستیم اینجوری کار کنیم برای آمریکا بود^۹ و حال برای خودمان باید کار کنیم. من خودم مدت ۱۸ ماه در کمیته امداد شهرستان میناب و رودخانه کار کرده‌ام و به اطراف رفته‌ام و می‌دانم چقدر روستاهای محرومی هستند که باید سر و سامانی به خود بگیرند، پس شما باید بجوشید؛ و نیازمندی‌های برادران روستایی را هر چه زودتر حل کنید زیرا همین روستایی‌ها هستند که ضامن اقتصاد ما هستند، کشاورزی و دامپروری را آن‌ها دارند اداره می‌کنند با این که نه مدرسه و نه [...]»^{۱۱} و نه مسجد و نه راهی دارند و حتی [...]» آن مردم اصلاً^{۱۳} فاقد شناسنامه هستند، مثال مناطق [...]»^{۱۴}، رودخانه دژ، اگر یکی از آن‌ها بیمار شود باید یک‌روز با حیوان ۴ پا بیاورندش^{۱۵} باد افشان از آن‌جا با وسیله‌ای که حداقل ۱۰۰۰۰ ریال از آن کرایه می‌گیرد بفرستند، بندرعباس حال حدس بزنید این بیمار، سالم می‌رسد به بیمارستان و آیا یک کودک ۶ ساله می‌تواند روزی ۳۰ کیلومتر برای رفت و برگشت به دبستان پیاده‌روی کند^{۱۶}، آن هم منطقه کوهستانی من قبل از این که بیایم خدمت سربازی چندین گزارش از چگونگی وضع [...]»^{۱۷} و توابع آن که جز رودخانه، دژ از بخش رودان می‌باشد به مسئولین دادم، ولی متأسفانه طبق اطلاع‌انگار اصلاً^{۱۸} در جریان نمی‌باشند و حداقل به آن‌ها شناسنامه هم نداده‌اند تا این که مواد جیره‌بندی

۹. ناخواناست.

۱۰. در اصل: بودش.

۱۱. ناخواناست.

۱۲. ناخواناست.

۱۳. در اصل: اثلاً.

۱۴. ناخواناست.

۱۵. در اصل: بیارندش.

۱۶. در اصل: بکند.

۱۷. ناخواناست.

۱۸. در اصل: اثلاً.

غذایی خود را فراهم کنند از جایی، چه رسد به کارهای بزرگتر. خواهش می‌کنم بروید^{۱۹} و به مشکلات آن‌ها رسیدگی فرمائید^{۲۰}.

به امید تداوم حکومت مهدی (عج) به رهبری امام خمینی در سراسر جهان از جبهه رقیبه شوش [...] باز والسلام^{۲۱}.

امضاء^{۲۲}

۱۳۶۰/۱۱/۰۷

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پر از نمایش خالق یکتا و درود بر رسولانش به ویژه حضرت محمد مصطفی (ص) و سلام بر ادامه‌دهندگان مکتب اسلام و آزادی [...] امام حسین (ع) سرور شهدا و آزادی اسلامی خدمت رهبر انقلاب اسلامی ایران، آن پیر جماران [که] سرباز می‌دهد آشتی‌ناپذیر حضرت امام خمینی بت‌شکن که خداوند یار و مدد کارش بود. سلام تقدیم داشته‌ام ان شاء الله که بتوانم برای جنبش امام حسین (ع) آن سرور شهدای ۷۲ تن و یارانش و راه [...] آن بهشتی قهرمان و ۷۲ تن شهدای حزب الله را ادامه دهیم و بتوانیم با هستی خویش از خون پاک شهدای راه حق به ویژه شهدای انقلاب اسلامی عصر خمینی حمایت کنیم.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ^{۲۳}

خدایا! مرا از سپاهیان قرار ده، چرا که همانا تنها سپاه تو پیروز است.

خدایا! تنها برای تو و در راه تو گام بر می‌دارم تو را شاهد می‌گیرم که اگر به جبهه‌ی

جنگ می‌روم تنها برای قرب و رضای تو می‌روم. بارالها! به ما توانایی بده تا بتوانیم بر کفار

۱۹. در اصل: بروین.

۲۰. در اصل: فرمائین.

۲۱. ناخواناست.

۲۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۲۳. ناخواناست.

۲۴. ناخواناست.

۲۵. فرازی از دعای روز سه شنبه.

پیروز گردیم و زمین را برای ظهور امام زمان (عج) آماده کنیم و دیگر ناله‌ی مظلومی را بر کوه‌ی زمین نشنویم و دنیا پر از عدل و داد گردد و پرچم اسلام در جهان برافراشته گردد. خدایا! حال که قرار است بمیریم ما را در بستر نمیران بلکه بهترین مکان سنگر اسلام است. خدایا! حال که ما لباس مقدس سربازی را پوشیده‌ایم و جان بر کف آماده‌ی مقابله با کفار هستیم همین لباس مقدس را کفن و همین سنگر را قبر ماست که بهترین افتخار است.

و اما پدر و مادر و برادران و خواهران و دوستانم! که نتوانستم در برابر زحمات آن‌ها کاری انجام دهم شما را به خدا می‌سپارم، شما باید بدانید من از این که خدمت سربازی رفته‌ام خدمتم جهاد در راه خداست؛ پس اگر چنانچه خدا به من توفیق [...] برگشت به سویش را داد، نکند که از خدا شکوه کرده و گریست، که می‌دانم نخواهید گریست و نخواهید شکوه کرد و نکنه برایم سیاه‌پوش شوید بلکه [...] برعکس باید بخدمت رسیدید زیرا من به آرزویم رسیده و این آرزوی من بوده است شما باید زندگی [...] را [...] بگیرید امید دارم که خدا به شما هم عنایت فرماید که توانسته باشید^{۳۰} توشه‌ی منزلگاه ابدی را فراهم و مهیا سازید و همه باید بدانیم و آگاه باشیم که این دنیا جای جاویدی نمی‌باشد، ما به خواست خدا متولد شده، برای مردن و می‌میریم برای زنده شدن و زندگی ابدی ما از [...] به [...] خدا به وجود آمده و به سوی سازنده‌مان در حرکت هستیم. این جهان که [...] و [...] هستیم گاهی ما را خشمگین و گاهی از خویش خوشنود می‌سازد. چنین جهانی [...] و [...] برای او پایدار خواهد ماند.

۲۶. ناخواناست.

۲۷. «باید» حذف شده است.

۲۸. ناخواناست.

۲۹. ناخواناست.

۳۰. در اصل: باشین.

۳۱. ناخواناست.

۳۲. ناخواناست.

۳۳. ناخواناست.

۳۴. ناخواناست.

۳۵. ناخواناست.

۳۶. ناخواناست.

[...]^{۳۷} و [...]^{۳۸} دنیا از پس [...]^{۳۹} خواهید رسید. و به جایگاه ابدی بازگشت خواهیم نمود گاهی کاروانی [...]^{۴۰} هستیم با این تفاوت که زودتر بگذری دیرتر به مقصد خواهد رسید و ما نباید اگر یکی از ما زودتر از دیگری به جهان ابدیت پیوست نگران شده، زیرا مقصد ابدیت است همان طور که اگر کسی خانه‌ای می‌سازد برای این است که در آن زندگی کند ما هم از جهان نسبت به جهان رحمی و از رحمی به دنیای پهناوری که این جهان باشد و از این جهان به جهان خیلی پهناورتری [...]^{۴۱} که جهان ابدیت است باید برویم. مگر نه این که [...]^{۴۲} که می‌خواهید بزرگ شود سلسه مراتب را طی باید کرد مثلاً یک شهرستان حتماً اول ده بوده و بعد دهکده، دهستان و بخش و شهرستان شده است ما هم همین طور این مسافت را [...]^{۴۳} باید پیمود تا به آخرت منزل‌گاه جاویدی [...]^{۴۴} و ما همه یکی پس از دیگری خواهیم رفت. در ضمن پدر و مادر [...]^{۴۵} می‌دانم که شما خیلی حق در گردنم دارید که نخواهم توانست جبران کنم و از شما خواهش می‌کنم مرا ببخشید و از خدا برایم طلب آمرزش بخواهید^{۴۶}. این را هم باز باید بگویم من به خاطر دفاع از خاک نرفته‌ام بجنگیدم زیرا می‌دانم همین خاک است که مرا می‌طلبد. [...]^{۴۷} آب هم [...]^{۴۸} زیرا آب هم می‌دانم که از آسمان خواهد بارید و احتیاج به آن نیست که برایش جنگید و خون داد من به خاطر دفاع از مکتب [...]^{۴۹} یعنی اسلام برای حفظ قرآن و برای دفاع از نوامیس و محرومان که از زیر بار و سلطه^{۵۰} مستکبرین نجات یابند و برای دفاع از خون شهدای راه حق و آزادی و عدالت رفته‌ام و در این راه عاشقانه

۳۷. ناخواناست.

۳۸. ناخواناست.

۳۹. ناخواناست.

۴۰. ناخواناست.

۴۱. ناخواناست.

۴۲. ناخواناست.

۴۳. ناخواناست.

۴۴. ناخواناست.

۴۵. ناخواناست.

۴۶. در اصل: بطلبید.

۴۷. ناخواناست.

۴۸. ناخواناست.

۴۹. ناخواناست.

۵۰. در اصل: سلته.

آماده‌ام تنها هستی‌ام که جان ناقابل باشد [را] فدا کنم. سلام روی سخنم با توست ای همسر مهربان! می‌دانم نتوانسته‌ام در زندگی حق همسری را ادا کنم و خیلی برگردن من حق داری اما خواهش دارم مرا ببخشید به^{۵۱} خاطر خدا و دیگر خواهش‌م از تو این است که از تنها ماندگارم ابوذر، بنحو احسن سرپرستی کنید و در آموزش اخلاقی، اجتماعی، اسلامی آن کوتاهی نکنید. [...] باید طوری تربیت یابد که به جز [...] راه حق راه دیگری نرود، [...] حامی مستضعفین باشد نه سربار آن‌ها در این باره زیاد [...] کنید و سفارش می‌کنم با این که شما خود شیرزنی هستید، با وقار که احتیاج به سخن نمی‌باشد. و اما تو ای ابوذر! تنها یادگارم، نور چشمم، ضمن این که از خدا خود [...] بزودی بزرگ شده از خود شما می‌خواهم که راهی را انتخاب نمایید که سرمنزلش به الله برسد و از مکتب اسلام پیروی و از مستضعفان حمایت کنید همیشه راستگو و صادق باشید و بر علیه زورگویان و مستکبران [...] قیام کرده حتی اگر با قیمت خونت تمام شده باشد. به امید تداوم حکومت مهدی (عج) در سراسر جهان آن روزی که اسلام در جهان پیروز گردد. بنده خدا [...] خدمتگزار^{۵۹} اسلام.

ابراهیم محمدی

امضاء^{۶۰}

-
۵۱. در اصل: برای.
 ۵۲. ناخواناست.
 ۵۳. ناخواناست.
 ۵۴. ناخواناست.
 ۵۵. ناخواناست.
 ۵۶. ناخواناست.
 ۵۷. ناخواناست.
 ۵۸. ناخواناست.
 ۵۹. در اصل: خدمتگزار.
 ۶۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

ایف رهم با بر باد بیدار من بخار دفع از غار زرقام بکنم زیرا اسمم خند خاک است که در این طبع در غار
 آت هم فرزند را که چشم سیدم از زرقام فراهم با بر باد و آینه بود که زرقام است که از این طبع سیدم در غار
 من بخار دفع و از غیب الهام بکنم زیرا حفظ فرام بود دفع از زرقام و محرومان که از زرقام
 با بر باد است مشکین است یا اسم بود زرقام از طرف غار زرقام و بعد است رفتنم
 در راه راه و شفا که آید نام بخشنم که کمال تا قابل باشد مددکنم

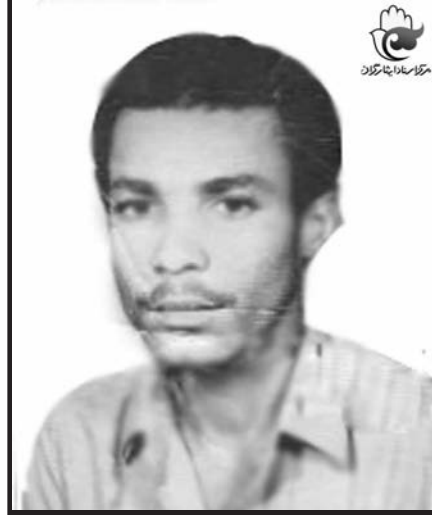
در زرقام در سینه با توت و همسوزی اسم نداشته ام در زرقام حوسه زرقام از این طبع
 و خدی که از زرقام حق الله و فرزندم مرا بخشنم بر خدا و در زرقام اسم از زرقام است که از زرقام مقام
 نبود و بخشنم بر زرقام که در زرقام زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است
 یا به که بخران از حق این دیگر زرقام در سینه صام سینه است که سر باران زرقام در زرقام
 زیاد است و خفا بر سینه با اسم خدی که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است
 و اسم زرقام است یا در زرقام از زرقام خدی که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است
 از زرقام زرقام که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است
 و سینه زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است

اسم نداخته ام در زرقام که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است

و سینه زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است که از زرقام است

در زرقام

جعفر محمدی



نام: جعفر

نام خانوادگی: محمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱۰/۰۱

محل تولد: روستای تمبک از توابع شهرستان

میناب

نام پدر: بهرام

نام مادر: شریفه

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

محل شهادت: ام الرصاص عراق

نحوه شهادت:

محل دفن: گلزار شهدای روستای تمبک از توابع

شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

- ◀ من مرگ با عزت را به زندگی ذلت بار ترجیح می دهم.
- ◀ حسین (ع) سرور شهیدان با تمام جوانانش در برابر ظلم ظالم، ایستاد و شهید شد مگر من شیعه نیستم. خدایا! اگر شهادت را نصیب من نکنی، پس از کجا معلوم شود که من شیعه حسینم.

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه جعفر محمدی که در یکی از مراسمات بخوانید تا مردم بدانند که هدفم^۱ چه بوده است.

بسمه تعالی

بنام الله یاری‌دهنده زحمت‌کشان و آرامش‌بخش قلب‌ها وصیت‌نامه از جعفر محمدی، از شما خواهش می‌کنم که این وصیت را در جمع و در یکی از مراسمات خوانده شود تا که بدانند که هدفم^۲ چه بوده و به خاطر چه شهید شدم.

امضاء^۳

۱۳۶۵/۱۰/۱۰

بنام آنکس که هستی وجود من در دست [اوست]^۴.

خداوندا! توفیق ده تا بتوانم این چندکلمه شرعی خود را به پایان برسانم. این بنده گناه‌کار به درگاه [...]^۵ تمنای عفو و مغفرت دارم. خداوندا! من در حیاتم نتوانستم خدمتی که شایسته اسلام است انجام دهم. عنایت فرما، شاید بتوانم خدمت ناچیزی را با اسلام و مسلمین [...]^۶ پدر و مادرم! برای من گریه نکنید اگر خواستید گریه کنید بر مصیبت امام حسین (ع) [...]^۷ گریه کنید چون با گریه و زاری تنها دشمنان دین خدا شاد می‌شوند. و به تو ای همسرم!

۱. در اصل: هدفم.

۲. در اصل: هدفم.

۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «اوست» باشد.

۵. ناخواناست.

۶. ناخواناست.

۷. ناخواناست.

در برابر دشمنان هم چون زینب کبری^۸ صبور و استوار و پایدار باش. از دخترانم، خوب نگهداری کن و تربیت اسلامی به آنها بده خصوصاً حفظ حجاب اسلامی.

پدر و مادرم! من که فرزندی شایسته و مفیدی برای شما نبودم و شما حق زیادی بر گردنم دارید امیدوارم [...] که با ریختن خونم در راه رضای خدا مرا حلال کنید [...]!^۹
پدر و مادرم! من که در این مدت عمر برای^{۱۱} شما کاری نکردم و شما حق بزرگی بر گردنم دارید امید است با ریختن خونم و اهدا نمودن خونم در راه خدا [...] بتوانم جبران زحمات شما را بکنم.

بنام الله آن کسی که هستی وجودم در دست اوست.

خدوندا! مرا توفیق ده تا بتوانم این چند کلمه شرعی خود را به پایان برسانم این بنده گناه کار به درگاه [...] تمنای عفو و مغفرت دارم. خداوندا! من در حیاتم نتوانستم خدمتی [...] شایسته به اسلام انجام دهم. بنام او که همه چیزم اوست، بنام او که زندگیم^{۱۵} در جهت اوست، بنام او که زنده به اویم، بنام او که با اویم، بنده به اویم، زندگیم به خاطر اوست، شدنم در جهت اوست، بودنم از اوست، رفتنم با اوست، یارم اوست، جانم اوست.

غذای بهشت تمام شدنی نیست.

از حق بیزارم، مرگ

فتنه را دوست دارم، فرزند

از رحمت خدا گریزانم، باران

با قهر خدا نزدیک می شوم، آتش

بنام او که همه چیز از اوست، بنام او که زندگیم در جهت اوست، بنام او که زنده به

اویم، بنام او که از اویم، زنده به اویم، زندگیم به خاطر اوست، شدنم در جهت اوست، بودنم

۸. در اصل: کبریا.

۹. «از خدا» حذف شده است.

۱۰. ناخواناست.

۱۱. در اصل: با.

۱۲. «با ریختن خونم» حذف شده است.

۱۳. ناخواناست.

۱۴. «که» حذف شده است.

۱۵. در اصل: زندگیم.

با اوست، رفتنم با اوست، یارم اوست، جانم اوست، معشوقم اوست، معبودم اوست، مقصودم اوست، مرادم اوست، امیدم اوست، احساسش می‌کنم با قلبم، با ذره ذره وجودم، با تمام سلول‌هایم احساسش می‌کنم، اما بیان نتوانم کرد ای همه چیزم! به یادم باش که بی تو هیچ و پوچ خواهم بود.

خدایا! وقتی به خاکم می‌سپارند، بیادم باش چرا که در زنده بودنم همیشه با یاد تو همراه بودم. خدایا! خدایا! شهادت نصیب‌مان گردان و دل پر درد پاسداران اسلام را با فتح و پیروزی دادن بر کافران، خوشحال و شاداب گردان. خدایا! در هنگام شهادت در هنگام رفتن؛ و از دنیای زشتی‌ها بریدن، در هنگام دل‌کندن از این بودن‌ها یادم باش. خدایا! در این شب تنهایی با تو می‌گویم، خدایا! معبودا! به دخترک عزیز چشم به راه مانده، به مادران در راه نشسته، به پدران رخ زخم [و] چروکیده، به یاران هم‌سنگر، به هر چه که می‌دانی [...]»^{۱۶} برای بنده‌هایت عزیز است، به قلم که می‌نویسد، به شب که می‌آید و به فجر که از دل سیاه شب راه روشنی را طی می‌کند، به خوبی و نیکی‌ها قسمت می‌دهم، که پاسداران ما را نگهدار و انقلاب را تداوم و امام را طول عمر و مردم را صبر و شکیبایی و امت را دلاوری عنایت بفرما و دشمن را روسیاهی و پلیدی عطا فرما. آمین.

شهادت سر آغاز پابندگی است؛ نترسم ز مرگ که خود زندگی است.

من مرگ با عزت را به زندگی ذلت‌بار ترجیح می‌دهم؛ و خدا را شکر می‌کنم که سال‌های عمرم را تا فرا رسیدن یوم‌الله قرارداد. اکنون یوم‌الله دیگری است که پیرو یوم‌الله حسین (ع) می‌باشد، همان یوم‌الله که هزار و سیصد و اندی سال پیش از این حسین (ع) در میدان شهادت، در آن روز ندای هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي^{۱۷} را سرداد اینک ما می‌گوییم حسین جان! اگر در آن روز داغ و خونین کسی به فریادت نرسید و ندای تو را لبیک نگفت ما پیروانت در فضای گرم و خونین ایران زمین دست مردانگی مشت کرده و به ندای غریبی و تنهایی لبیک می‌گوییم. حسین جان! لبیک، ای قرآن خدا لبیک، ای پیرون حسین لبیک، لبیک ای مهدی قائم (عج) لبیک و بالاخره ای وارث حسین (ع) لبیک، ای پیشتاز و ای رهبر

۱۶. ناخواناست.

۱۷. جمله معروف امام حسین در روز عاشورا: «آیا کسی هست که مرا یاری کند»؟

لیک، لیک، لیک، اللهم لیک، لیک، برای اسلام غربیت و برای استحکام بخشیدن قرآنت لیک.

مادر جان! اگر من شهید شدم از تو خواهش می‌کنم که برای من گریه نکنی و می‌دانم که تو گریه می‌کنی، اما اگر صبر کنی، خداوند به تو اجر عظیمی خواهد داد. مادر جان! همان‌گونه که هر مالی که خداوند به انسان می‌دهد باید خمس آن را داد من فکر^{۱۸} می‌کنم که بهترین ثروت تو ما فرزندان [...] ^{۱۹} هستیم پس اگر شهید شدم مرا خمس فرزندان را حساب کن. اما برادرانم و خواهرانم و همسر و مادربزرگم و پدرم! بعد از سلام مخلصانه، من از خداوند متعال می‌خواهم چه کشته شوم و یا زنده بمانم مرا جز شهدا قرار دهد زیرا شهدا با پیغمبران و صالحین مشهور می‌شوند و دیگر این که حسین (ع) سرور شهیدان با تمام جوانانش در برابر ظلم ظالم، ایستاد و شهید شد مگر من شیعه نیستم. خدایا! اگر شهادت را نصیب من نکنی، پس از کجا معلوم شود که من شیعه حسینم. خدایا! شهادت را نصیب من کن، زیرا من مشتاق دیدار حسینم، پدرم و مادرم نگران من نباشید، که من راهم را انتخاب کرده‌ام و خوب راهی است و در بین برادرانی که همه داوطلبانه برای اجرای دستور خدا، جهاد، این راه را انتخاب کرده‌اند، خوشحالم؛ اما مادرم کمی دلم شور می‌زند و آن اینست که فکر می‌کنم شما ناراحتید، ناراحت نباش که من ناراحت می‌شوم ولی بدانید همین کار باعث خجل شدن من و شما پیش فاطمه الزهرا (س) در روز قیامت خواهد شد. البته ناراحتی [...] ^{۲۰} نشود زیرا من که از پسر [فاطمه الزهرا (س)] ^{۲۱} بهتر و بالاتر نیستم و طبق گفته قرآن کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ^{۲۲} چه بهتر مرگی که جهاد در راه خدا باشد، صبر را پیشه خود کنید که [به] فرموده قرآن وَاللَّهُ

۱۸. در اصل: فکر.

۱۹. «نو» حذف شده است.

۲۰. ناخواناست.

۲۱. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «فاطمه الزهرا (س)» باشد.

۲۲. بخشی از آیه ۱۸۵، سوره آل عمران: «لِ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ: هَرَّ جَانِدَارِي جَشْنَدَه [طعم] مرگ است و همانا روز رستاخیز پادشاهای تان به طور کامل به شما داده می‌شود پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآورند قطعاً کامیاب شده است و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست.»

مَعَ الصَّابِرِينَ^{۲۳} و به خدا توکل کنید که إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ^{۲۴} و از فضل خدا [...] ^{۲۵} بجوید روزی مادی و معنوی که او دارای فضل عظیم است.

پدر [و] مادرم شمایی که من را تربیت نمودید به شما بشارت می‌دهم که من راهی را پیمودم که ان شاء الله راه ائمه اطهار و راه شهدا است. از شما خواهش می‌کنم که در مرگم بی‌تابی نکنید و با روحیه‌ای بسیار عالی و اتکا به ایمان‌تان به خدا، الگو و نمونه‌ای برای پدران و مادران دیگر باشید. پدرم و مادرم و همسر! در تربیت فرزندانم کوشا باشید و فرزندانم را لایق به این انقلاب و اسلام بار بیاورید. به خانواده‌ی عزیز خود سلام عرض کرده و می‌کنم و امیدوارم که این سلام آخر من را بپذیرید. اینک که در بین شما نیستم می‌دانم که چه احساسی دارید و امیدوارم که احساس شما از روی صداقت و برای خدا باشد و ذره‌ای غم و اندوه به خود راه ندهید زیرا آن کس که به من جان داد و حیات داد اینک جانم را خرید و من با کمال میل جانم را فروختم؛ و باز بر می‌گردم به سوی إنا لله و إنا إليه راجعون^{۲۶}. خانواده‌ی عزیزم! بدانید که من بی‌هدف^{۲۷} راه امام را دنبال نکردم و شما مرا از دست نداده‌اید بلکه هدیه کرده‌اید. می‌دانم آخرین [...] ^{۲۸} من برای تو درد آور و سخت است و گریه را سر می‌دهی؛ و تو همسری باید گریه کنی و [...] ^{۲۹} مثل یک مادر باید گریه کنی [...] ^{۳۰} زیرا همین گریه‌های همسران شهداست که سیلی اشک را روان می‌سازد^{۳۱} و کاخ ستمگران و ظالمان را از ریشه می‌کند و در گورستان تاریخ دفن می‌کند. همسر! اگر شهید شدم بدان که شهید زنده است پس چیزی را از دست نخواهیم داد شب‌های جمعه سعی کن دعای کمیل بخوانی و من را دعا کنی که خدا از گناهانم درگذرد. با صبر و استقامت زینب گونه‌ات روحم را شاد کن. همسر! در شهادتم ناراحت مشو چرا که عشق به شهادت نه این است که تو را نمی‌خواهم نه

۲۳. بخشی از آیه ۲۴۹، سوره بقره: «خداوند با شکیبایان است».

۲۴. بخشی از آیه ۱۵۹ سوره آل عمران: «خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد».

۲۵. ناخواناست.

۲۶. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «ما از او آمده‌ایم و باز گشت‌مان به سوی اوست».

۲۷. در اصل: بی‌هدف.

۲۸. ناخواناست.

۲۹. «هم» حذف شده است.

۳۰. «که» حذف شده است.

۳۱. در اصل: می‌سازید.

تو جای خویش را در قلبم باز نموده‌ای و جا گرفته‌ای، اما بدان عشقی برتر یافته‌ام، [عشق]^{۳۲} جانسوزتر [ی] دارم سعی می‌کنم، عاشق واقعی او شوم چرا که او خود گفته است هر کس عاشق من بشود او را خواهم کشت و هر کس من [او] را بکشم خون‌بهایش خودم هستم همسر! این عشق، الله است. همسر! از دخترم بتول و راحله خوب مواظبت کن و تربیت اسلام به آن‌ها بده و با مسائل اسلامی آشنا بساز از رهبر جدا نباشند و خط دیگری نگیرند بجز الله. همسر! تو زحمات زیادی برای من کشیدی و مرا حلال کن، حلال کن، همسر حلالیت می‌طلبم از تو و دخترانم.

پدر و مادرم! که برای رشد من زحمات زیادی متحمل شده‌اید^{۳۳} وصیت می‌کنم که مرا حلال نموده و صبر و استقامت [ی] هم‌چون مادر علی‌اکبر (ع)، پدر و مادر دیگر شهدای اسلام داشته باشید. پدر و مادرم! مرا حلال کنید که در طول عمر نتوانستم زحمات بی‌شمار شما را جبران کنم، چون شما زحمات زیادی برای بنده کشیده‌اید و ناراحت نباشید که من امانت خداوند عز و جل نزد شما بودم؛ مانند امانت‌داری صدیق به خداوند تبارک و تعالی تحویل دادید. و هم اکنون وصیت‌نامه‌ی خود را در موقعی می‌نویسم که یکی دو شب دیگر به عملیات باقی نمانده است و در اتاقی تنها نشسته‌ام، در مدرسه قاضی طباطبایی آبادان، ساعت ۲/۵ شب ۱۳۶۵/۱۰/۰۲ می‌باشد که لایق دانستم چند جمله به عنوان وصیت برای شما بنویسم. پدر و مادرم! همان‌گونه که گفتم برای من گریه نکنید هر وقت خواستید برای من گریه کنید برای غریبی امام حسین (ع) یا اسیری زینب (س) گریه کنید. از تمام فامیلان که به هرگونه با آن‌ها رابطه داشتم و آن‌ها را ناراحت کردم تشکر بکن و از آن‌ها حلالیت بخواه تا روح شاد شود مخصوصاً خاله‌ام ذکیه و مادر بزرگ عزیزم. از مادر بزرگ عزیزم تقاضا حلالیت می‌طلبم چون زحمات فراوانی کشیده است. پدرم خیلی معذرت^{۳۴} می‌خواهم، حلالم کن پدرجان که تو حق بزرگی بر گردنم داری. همسر! به جای من از پدرت، [۳۵] برادرانت و مادرت بخواه

۳۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «عشق» باشد.

۳۳. در اصل: شده‌اند.

۳۴. در اصل: مازرت.

۳۵. «مادرت» حذف شده است.

و بگو که مرا حلال کنند، چون گاهی عصبانی شده‌ام و شاید با آن‌ها چیزی گفته‌ام^{۳۶} پدرم و مادرم! چند مسئله‌ای^{۳۷} می‌گویم که حداقل یک‌سال نماز و روزه تا آن‌جایی که ممکن می‌باشد برایم بخوانند و انجام دهند و از کسی طلبکار نیستم ولی بدهکار هستم. ۱- ۱۰۰۰ هزار تومان به خواهر زلم فاطمه. ۲- ۲۵۰ تومان به محمود داماد عباس [...] بدهکارم. ۳- ۲۵ ریال به حسین حیدری فرزند حاجی حیدری. ۴- پولی که از عمویم گرفتم، یادم نیست. ۵- از مادر زلم [هم] یادم نیست، بگویند هر چه گرفته‌ام پس دهید و از کسانی که به آن‌ها بدهکارم اگر آمدن گفتن حتی یک ریال طلب داریم به او بدهید، تا در قبر راحت بخوابم و مرا^{۳۹} را هرجایی که خودتان صلاح دانستید^{۴۰} دفن کنید، با رضایت خودتان چه در [...] ^{۴۱} و چه در بهشت زهرا. و سلام من را به اقوامان و فامیل و دوستانم برسانید و بگویند که دنباله‌رو راه شهدا باشند و از انقلاب و مردم جدا نباشند و دعا برای امام و رزمندگان را از یاد نبرید. در آخر از تمام معذرت^{۴۲} می‌خواهم و مرا هم حلال کنید. همسر! خداحافظ، خداحافظ. دخترم بتول و راحله، خداحافظ، خداحافظ و مرا حلال کنید که حق بزرگی شما بر گردنم دارید.

امضاء^{۴۳}

خواهرم! حجاب اسلامی داشته باش و رعایت^{۴۴} کن. همسر! حجاب اسلامی رعایت^{۴۵} کن و به دخترانم بیاموز. مادرم! حجاب رعایت^{۴۶} کن خداحافظ. مادرم! مادرم! خداحافظ. پدرم! خداحافظ. خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار. به امید پیروزی رزمندگان اسلام. مادرم! پدرم! همسر! برادرانم! خواهرم! فراموش نکنید فراموش‌تان نخواهم کرد. شما

۳۶. در اصل: گفته‌ام.

۳۷. در اصل: مسائلی.

۳۸. ناخواناست.

۳۹. در اصل: قبرم.

۴۰. در اصل: دانستی.

۴۱. ناخواناست.

۴۲. در اصل: مازرت.

۴۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۴۴. در اصل: رایت.

۴۵. در اصل: رایت.

۴۶. در اصل: رایت.

در من آتشی هستید که خاموش تان نخواهم کرد.

در کلبه ما رونق اگر نیست صفا هست این جا که صفا هست نور خدا هست

شهید جعفر محمدی

امضاء^{۴۷}

۱۳۶۵/۱۰/۱



مرکز اسناد و ایثارگران

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت نامه برادر جعفر محمدی

وصیت نامه جعفر محمدی

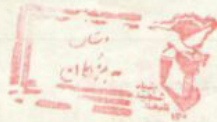
که در یکی از مراسمات بخداوند تا مردم به الله
که خدمت چاه بوده است

و این وصیت نامه را در روز ۱۳۰۱/۰۳/۰۱

۱۳۰۱/۰۳/۰۱

توسط آقایان ...

... اسناد



۱



اسناد ایثارگران

بسمه تعالی

بنام الله یاری دهنده زحمت کشان و آرام بخش قلبها

و مصیبت نامه از جناب محمد - از شما خواهش میکنم که این

مصیبت را در جمع و در کنار از مراسمات خوانده شود تا که

مسجد بدانند که حرفم چه بوده و بنیاد چه شده شرم - محمد

۱۱/۱۱/۸۸

۶۵,۳۳۰,۸۱



شماره دانش آموزی: _____

دیپارستان دانشگاه امام زمان


نام و نام خانوادگی: جعفر محمدی

نام پدر: سحر امام

تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۰۹

دوره: متوسطه

محل: امام عبداللہ ریشتی امتحان اصول عقاید




مرکز اسناد ایثارگران

بسم الله الرحمن الرحیم

خداوند امرالمؤمنین و المناجین این چند کلمه بشرع خود را بیایان برسانم. ایمنه سینه گفتار بدو راه عقیدت
 تهنات عفو مغفرت دارم. خداوند امر در جیاهم نشو استم خدمت که شمایسته اسلام است انجام دهم عنایت
 فرما شایه بتوانم خدمت ناچیزی ما با اسلام و مسلمین
 بدانم که پدرم را در راه خدا کشته اند و او را خداستید کردید بر محبت امام حسین او را کشت
 او را کشتید. چون فرزند خود را کشته و زار او شهادت منان نگاه دهید خدا شادمان کند
 و تیراه بمسرم در برابر دشمنان بمیون ریش ترا عبور و استوار دایه دار باشی. از دشمنانم
 خیر نیکه امیر کن و تربیت اسلام با انبیا که خدمت من حفظ مبارک اسام
 پدرم مادرم همه که فرزندان شایسته منید و راه شایسته و شایسته حق نرید در هر روزی دارم
 امیدوارم از خداوند با ریختن خونم در راه خدا امر اعمال کنید. بنده ما
 پدرم مادرم همه که در خدمت مردم با شایسته مردم و شایسته مردم و شایسته مردم و شایسته مردم است
 هر چه با ریختن خونم و اعمال خودم خونم در راه خدا و بار خشن خونم نتوانم حیران درمات

تسلی ما علیکم

۷۵۰۴۰۸۱



تذکر: بموجب ماده ۲۳ آیین نامه امتحانات دیپارستانها دانش آموزی که در جریان امتحان مرتکب تخلف شود و یا در جریان تصحیح برگزینای
 امتحان تخلف اوجرد گردد نمره آن امتحان و همچنین نمره انبساط او در آن نکت سفر خواهد بود.



شماره دفتر آموز و مجامعت نامه

دبیرستان حق علیه باطل

شماره دفتر

نام و نام خانوادگی جعفر محمدی نام پدر جبرام تاریخ ۸/۱۰/۹۰ روز کلاس اینتر و ششم است

دبیر مربوطه شماره ۱۵۹۱ نام زبان و تالیف امتحان خدساز و خدساز

بسم الله ان کنس که مستتر در دست اوست

خداوند امراد رفیق ده تا بدنام این چند لکه غنیمت خود را بیا یان برسان این بند گنگله و بدو لا اله الا الله

تسلی غفور و رحیم دارم خداوند این در جبهه تقاضای خدمت که شایسته است تمام انجام دهم

بسم اولها چیزم اوست بسم اولها زندگی در جبهه اوست بسم اولها زنده با اوج بسم اولها با اوج

نفسه با اوج زنده با اوج شدم در جبهه اوست بودم از اوست رفتم با اوست

بسم اولها جانم اوست

۵۴۹۲
۲۸۹

۶۵۱۳۳۰۸۱



تذکره: بویج ماده ۲۴ آیین نامه امتحانات دبیرستانها دانش آموزان که در جریان امتحان مرتکب تخلف شود و یا در جریان تصحیح برگه های امتحانی تخلف اوج زد گردد نمره آن امتحان و همچنین نمره انضباط او در آن تلت مقرر خواهد بود.



مرکز اسناد ایثارگران

نام و نام خانوادگی	نام و نام خانوادگی
شماره ملی	شماره ملی
تاریخ تولد	تاریخ تولد
تاریخ فوت	تاریخ فوت

نام و نام خانوادگی: ...
 نام و نام خانوادگی: ...
 نام و نام خانوادگی: ...
 نام و نام خانوادگی: ...

خدا در رحمت نامش زینست

از حق بیزارم — مرگ

فدایم را در دست دارم — فرزندان

از سرمه خدا گریزانم — با ران

با صدمه از زدن گریزانم — آتش



شماره دانش آموز

رد

گزارش نمرات امتحان

دبیرستان جغتو و جنگ

نام و نام خانوادگی جعفر محمدی
نام پدر جبرام
تاریخ احوال ره و کلاس ایشان روشنه هادت
دبیر مربوطه هادی امام زمان و امتحان خدا شناس
نا تیب بر حقیقی

بیا
بنام اولاد چه چیزم اوست . بنام اولاد زندگیم در جهنت اوست . بنام اولاد زنده با اویج . بنام اولاد از اویج
زنده با اویج . زندگیم بنا هر اوست . شدنم در جهنت اوست . بودنم با اوست . رفتنم با اوست
یارم اوست . بایتم اوست . عشوقم اوست . بعددم اوست . مقصودم اوست
مرادم اوست . امیدم اوست . احساسم منکم با قلبم با ذره ذره وجودم . با تمام مخلوقات احساسی میکنم
اما بیایم دستم کرد . این همه چیزم . بیایم با تیش که بر من هیچ و بیج خدا هم بود
خدا یا وقتن به خاکم من بسیارند بیایم با تیش . چرا که در زنده بودنم همیشه با یاد تو همراه بودم
خدا یا . خدایا . شهادت نصیبمان گردان . و دل پر درد یا ساران اسلام را با فتح بر پیروزی دادن بر کافران
خدا شحال و شاداب گردان . خدایا در هنگام شهادت . در هنگام رفتن و از دنیا رفتن شقیه های بریدن
در هنگام دل گندن . از این جور نما بیایم با تیش خدایا در این شب نهارت با تو میگویم . خدایا
معبود . به دختر که عزیز بود چشمم بر او مانده . با مادران در راه ششت باید روان رخ زخم چروکیده
بیایم با تیش . مستگر به هر چه که میدانش . که هست و میران بنده هایت عزیز است . با تو کم که میدونید .
با شیب که من آید و بیخبر که از دل سیاه راه روشنم را هم من گنبد به خدایم و نیک نما هستم مردم
که پاسداران ما را نگهدار و انقلاب را تمامم و امام را محوله عمر و مردم را همبر و شکلیها را است راد لایق

تذکره : بموجب ماده ۲۴ این نامه امتحانات دبیرستانها دانش آموزان که در جریان امتحان مرتکب تخلف خود و یا در جریان تصحیح برگه های امتحانی تخلف اوسع ذکر در قلمرو آن امتحان و همچنین نمره انضباط او در آن نطق سفر خواهد بود.

۵
۵۲۹۱
۲۲۹
۶۵/۳۳۰۸۱



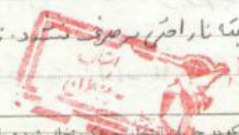
مرکز اسناد ایثارگران

در ایمان و دستها ~~و دستها~~ ما را عنایت بفرما و دشمن را رو سیاه و پلیدی عساکر بر خط
 شهادت سرا غا ز پایدگی است ^(آمین) در رسم زمرگن که خود زندگی است
 من مرگ با عزت را به زندگی ذلت با ترجیح میدهم - و خدا را شکر می گویم که سالهای عمرم را تا فرا
 رسیدن بیدم الله قرار داد - اکنون بیدم الله دیگری است که پیروید الله حسین مع من باشد همان
 بیدم اللعن که در هزار و سیصد و اندی سال پیش از این حسین در میدان شهادت در آن روزندان
 صل من ناصر بنصر من را سردار - ای کج ما میگویم حسین جان اگر در آن روز داغ و خونین کسی به فریادت
 فرسید و ندان ترا ای کج تلفت ما بیروانت در فضا گرم و خردنیه ایران زمین دست مردانگرت
 کرده و بدان عزیزیت و تنهائیت لبیکم که بیدم حسین جان لبیک ان قرآن خدا لبیک من این پیروان
 حسین لبیک - لبیک ان صدر قائم لبیک - و با اخره ان وارث حسین لبیک - این پیششاره ان رهبر
 لبیک - لبیک لبیک ما اللهم لبیک - لبیک بران اسلام عزیزیت و بران استقامت نجشیدن قرانت لبیک



شماره داغی آلود: _____
 دبیرستان: _____
 نام و نام خانوادگی: _____
 دبیر مربوطه: _____
 نام پدر: _____
 تاریخ: _____
 کلاس: _____
 امتحان: _____

مادر جان اگر من شهید شدم از تو خواهش من کن که برایم گریه نکن میانگ که تو گریه کنی اما اگر چه برکتی
 خداوند با تو امر عظیمی خدا هدایت داده مادر جان صبر کن که هر مالی که خداوند به انسان می دهد باید خسی
 آن را داد من فکر من کن که عزیزترین فردت تو ما فرزندان شهیدیم پس اگر شهید شدم مرا
 بخمس فرزندان حساب کن اما برای درانم و خدا هم و همسر من بسیار و ما در بزرگم پدرم بعد از
 سلام متعلقانه من از خداوند متعال می خواهم چه گفته شود و یا زنده بهمانم مرا جز شهید انفرادی در دنیا
 شهید با پیغمبران و صالحین مشدد میشوند و دیگر اینکه حسین سرور شهیدان با تمام جوانان زمین در
 برابر ظلم و ظالم ایستاد و شهید شد مگر من شهید نیستم اگر خدا یا شهادت نصیب من نکند من
 پس از کجا معلم شدم که من شهید حسین خدا یا شهادت را نصیب من کن زیرا من مشتاق دیدار حسین
~~من و کجاست~~ بهرم و مادرم نگران من نباشید که من را هم را انتخاب کردم و خوب را هم
 است و در بین برادرانی که همه را و طلبانه برای اجرای دستور خدا چهار این راه را انتخاب
 کرده اند خودتعالیم اما مادرم که من دلم بشورم زنده و آن این است که فکر هرگز تنها ناراحتید
 کس ناراحت نباشی که من ناراحت می شوم ولی بدانید که حسین که رباعت خجل شدن من و شهادت
 ما حکما زهر از روز قیامت خواهد شد البتة ناراضی بر طرف استود زیرا من که از پیسر



تذکره: بروجب ماده ۲۴ آیین نامه انتخابات دبیرستانها داغی آلود بکنند در جریان انتخابات بکلیب تلفت شود و یا در جریان تصحیح برگهای
 انتخاباتی تلفت اومردگر در نمره آن امتحان و همچنین نمره انطباق اوند آن تلفت مغر خواهد بود.

۶۵/۲۳۰۸



مرکز اسناد ایثارگران

بهر و بالا تر نیستیم و همین گفته قرآن، کل نفس ذائقة الموت. همگی چشیده مرگ است
 چه بهتر می‌سوزد که چهار در راه خدا باشد صبر را پیشتر خود کنید که فرموده قرآن،
 ان الله مع الصابرين و با خدا تکل کنید که ان الله یحب المتکلبين. و از فضل خدا
 ارزاق بجهت. روزی مادر و معنیز که او دارا از فضل عظیم است
 می‌رسادم شما را که مرا تربیت نمودید بشارت دهم که من را می‌پسندم که انشاء الله
 راه انبیا همواره راه شهداست. از شما خواستی می‌کنم که در مرگ من تأیید کنید و با روحی بسیار
 عالی و اکتفا با ایمان با خدا. اللهم زدنا ان بران پدران و مادران دیگر باشند.
 پی‌دم مادرم همسر در تربیت فرزندانم کوشا باشید. و فرزندانم را لایق با این انقلاب و اسلام بار بار به
 با خانواده عزیز خود سلام عرضی کرده و صلوات بفرستید و امیدوارم که این سلام آخر را بنده میرید
 اینک که در بیرون شما نیستیم می‌دانم که چه احساسی دارید و امیدوارم که احساس شما از روی
 صداقت و بران خدا باشد و ذره انغم و اندوه با خود راه ندید زیرا آنکس که با من جان دارد
 و حیات داد. اینک جانم را خرید و من با کمال میل جانم را فروختم. و باز بر می‌گردم بسوی
 انا لله وانا الیه راجعون. خانواده عزیزم بدانند که من بر حذف راه انعام را در دنیا
 نکردم. و شما را از دست داده‌ام بگناهید کرده‌ام. می‌دانم آخرین کلامان من بر آنند



مرکز اسناد و کتابخانه ملی

شماره دانش آموز: _____
 نام و نام خانوادگی: _____
 نام پدر: _____
 تاریخ: _____
 کلاس: _____
 دبیر مربوطه: _____
 امتحان: _____

خرد آوری است و سخت است و گریه را سر می‌دهد و گریه می‌باید کرد کن و هم مثل یک مادر
 و با بی‌گرمی کن که زیر این می‌گردد همان همسران شده است که سیر از اشک روان من سازید
 و کلاغ سحران و غلامان را از ریش من کند و در گدازستان تاریخ دفع مرا کند.
 همسر اگر بکنید من بدان که شهید زنده هست پس چیزی را از دست خدا هم داده شبها
 جدا جدا می‌کنم دعا می‌کنم که خدا از گناهانم درگذرد با صبر و استقامت
 زینب کبری است روح شاد کن همسر در شهادت ناراحت نشو چرا که عشق من به شهادت
 نداشت که ترافن خواهی نه من قبول جان خویش را در قلم باز نموده ام و جا گرفته ام
 اما بدان که عشق برتر یا فدا می‌جانی من در سر کت عاشق و امیر او شوم چرا که
 او خود گفته است هر کس عاشق من بشود او را خواهر کنش و هر کس من را بکشد خونبایی
 خودم هستم همسر این عشق الهی است همسر از دفتر تبدیل و راحله خدایم خواهر کن
 و شریعت اسلام به آنها به دریا مسائل اسلام است بسیار خوب از همه جوانها شده و خدا دیگر نگیرد
 بجز الله همسر تو زحمت زیاد در راه من کشیدن و مرا حلال کن حلال کن
 همسر حلالیت من طلب از تو و در خراج



تذکره: بموجب ماده ۲۴ آیین نامه امتحانات دبیرستانها دانش آموزان که در جریان امتحان بی‌نظمی انجام شود یا در جریان تصحیح برگزین
 امتحان نخطی او بجز در مورد نمره آن امتحان و همچنین نمره انضباط او در آن نخطی صفر خواهد بود.



مرکز اسناد و ایثارگران

پدرم و مادرم که برای رشد من و نجات دنیا در جهنم متحمل شده اند وصیت می کنم که مرا عدل
 نداده و صبر و استقامت بهم چون مادری اکبر بیسیم پدرم مادر دیگر شهیدان اسلام داشته باشند
 پدرم و مادرم مرا عدل کنند در عملایم ننداشتم زحمات پدرتشارشمار اخیران کم چون تنها
 زحمات زیاد در بران هو بندگی کشیده ای و ناراحت نباشید که من امانت خداوند عزوجل
 نزد شما بودم. مانند امانتداران صدیق با خداوند تبارک و تعالی تحویل دادید.
 و عم الکون و وصیت ناما خرد در موقعی من ندسیم که یکی دو شب دیگر به عیال باقی
 نمانده است و در اتاقی تنها نشسته ام در مدرسه قاضی طباطبائی آبادان
 ساعت ۱۲ شب ۲۲ ر ۲۰۰۰ من باشم که لایق دانستم سببم چند
 جمله بعد بنده آن وصیت برای شما بنویسم پدرم و مادرم همانگونه که گفتیم برای من
 گریه کنید هر وقت خوانشید برای من گریه کنید بران غریب امام حسین یا امیر
 زینب گریه کن. از تمام فاسقان که بگریه با آنها رابطه ان داشتم و آنها را ناراحت
 کردم تشکر میکنم و از اخوان صلیت سجده تا روح بشا دشور. مخصوص خاله ام ذکریه و مادر بزرگ
 عزیزم از مادر بزرگ عزیزم نقاحان صلیت من طلبید هر زحمتی فراوان کشیده است
 پدرم خیر ما زود می فرام حدام کن پدر جان. که نه حق بزرگ برگردم دارم



شماره دانش آموز

دیپارتمان جغرافیه و تاریخ

شهادت

نام و نام خانوادگی جعفر محمدی نام پدر میرام تاریخ ارادته کلاس ششم ابتدایی

دبیر مربوطه محمد اسام زبانی امتحان قضا استانی

و نایب برضی

بسم رب العالمین من از قدرت مآدرت بردارمست ما زرت بخواه و بگو که مرا ابدال کنند خیر

تا در عصیان شده ام و مشایخ به آنها چیزی گفتند ام. بپروردگارم. چند مسأله میگویم که

حداقل یک سال تمام زودتر تا اینجا بر که ممکن می باشد برایم بخواهند و انجام دهند

و از کس طلبکار نیستیم و اول به بیکار هستیم و اول به بیکار هستیم با خودم و زنی خاصه

و ۳۰ تومان با خودم داشته ام و ۳۰ تومان به حسین میرزا فرزند حاج

حیدر و بیل که از محمدیم گرفته ام بادم نیست از مادر زنی بادم نیست بگویم هر چه گرفتارم

بسی دهم و از کسان که ما آنها به بیکارم اگر آمده گفتن حق را یک ربال طلب داریم

با او بدهید تا در ضیارت بخوابم و قبری مرا در جایی که خودتان صلاح دانست

دفن کنید یا رضایت خودتان چه در در کس و چه در بیست زهره

و سلام من را به همه اعدایان و مخالفین و دشمنانم برسانید و بگوید که در سال روز راه شهدا باشند

و از تقابل مردم جوان باشند و در تمام ایام روزستان از یاد کنند

در آخر از تمام من معذرت من بخوانم مرا هم حلال کنید. بسم خدا حافظ. خدا حافظ. دخترم بیژن

را همه خدا حافظ خدا حافظ مرا حلال کنید. خدا حافظ بزرگ خدا حافظ بزرگ خدا حافظ

تذکره: بویجی ماده ۳۳ گفتنی نامه امتحانات دبیرانها دانش آموزانکه در جریان امتحان بر تکب تکلف شود و باید در جریان تصحیح برگزای امتحان تکلف اوتصریح ذکر نموده آن امتحان و همچنین نامه انضباط او در آن تکلف منفر خواهد بود.

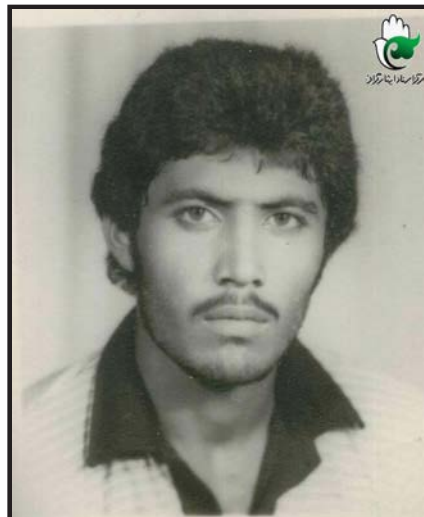
۹۵۱ ۳۳۰۸۱



مرکز اسناد ایثارگران

طہارم. حجاب اسلام داشتہ باشی و رایت کنی .
مہرم بچو حجاب اسلام رایت کنی و با حضرت انجمن بیاموز
ماہرم حجاب رایت کنی - خدا حافظ
سلام ماہرم خدا حافظ پدرم - خدا حافظ
خدا یا خدا یا تا انقلاب مہرم خمینی را نگہدار
با امید پیر و زین رزمندگان اسلام .
ماہرم پیرم مہرم برادرانم خداہرم -
شما دوشم بکنید فراموشتان نخوادہم کرد
فتاویٰ دینی آتش مستر کہ فراموشتان نخوادہم کرد
دیکتا لیبہ ما رونق اگرنیت صفا هست
انجا کہ صفا هست نور خدا هست
شہید حبیب محمد
۶۴ / ۱۰ / ۱

چراغ محمدی محمدآبادی



نام: چراغ

نام خانوادگی: محمدی محمدآبادی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱۰/۰۶

محل تولد: روستای ده نو حاج محمد از توابع

شهرستان میناب

نام پدر: اسفندیار

نام مادر: کنیز

تحصیلات: دوم ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۷/۳۰

محل شهادت: کوشک

نحوه شهادت: اصابت ترکش به گردن

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ امیدوارم در راه خدا به شهادت برسم و یا راه کربلا و بعد راه قدس را آزاد کنیم و ان شاء الله روزی در قدس به نماز بنشینیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

با نام خداوند متعال و با درود بی‌کران بر رهبر کبیر انقلاب و ملت شهیدپرور و با نام شهیدان به خون خفته انقلاب. وصیت‌نامه‌ام را آغاز می‌کنم.

مادر و پدر عزیزم! امیدوارم از دوری فرزندت ناراحت نباشید چون من در راه خدا می‌روم و اگر کشته شوم [...] ناراحتی در قلب خود راه ندهید و از خداوند متعال می‌خواهم که [...] در راه او به شهادت برسم. مادر جان! امیدوارم مرا ببخشید، [...] می‌دانم دوری فرزند [برایت] جبران‌پذیر نیست و امیدوارم در راه خدا به شهادت برسم و یا راه کربلا و بعد راه قدس را آزاد کنیم و ان‌شاءالله روزی در قدس به نماز بنشینیم ۵۰۰۰۰ ریال به دست علی سنجعلی دارم که بعد از مرگ من [...] به پدر و مادرم بدهید و از خداوند تعالی می‌خواهم که طول عمر بیشتر برای رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی بدهد. مادر جان! اگر من روزی به آرزویم رسیدم، یعنی [به درجه] شهادت نایل شدم به برادرانم بگویید^۶ که ناراحت نشوند و برای من گریه نکنند.^۸

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار و السلام.

۶۱/۰۶/۰۱ - امضاء^۹

۱. «هیچ وقت» حذف شده است.
۲. «خونم» حذف شده است.
۳. «که» حذف شده است.
۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «برایت» باشد.
۵. «بدهید» حذف شده است.
۶. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «به درجه» باشد.
۷. در اصل: بگویند.
۸. در اصل: نکنند.
۹. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



مرکز اسناد و آثار گران

بسم الله تعالی

محمدی محمدآبادی
علی محمدی

سیاه پاسداران انقلاب اسلامی استان هرمزگان - تعاون

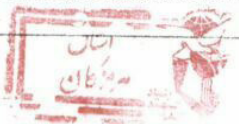
۰۴۲۹۱ / ۲۱

این اعجاز بزرگ قرن و این پیروزی بی نظیر و این جمهوری اسلامی محتاج به حفظ و نگهداری است.
(امام خمینی)

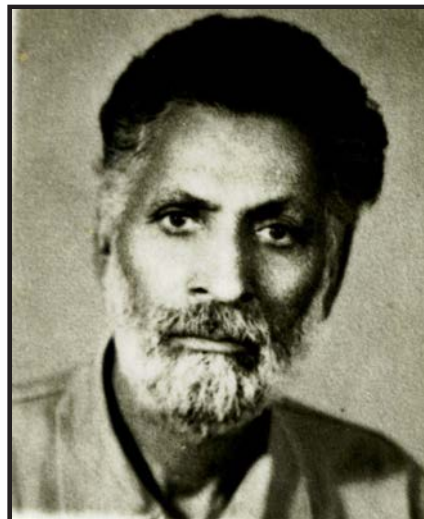
با نام خداوند متعال و صمیمانه درود بفرستیم به این پرهیزگرایان انقلاب و ملت
شهید پرور و ایثارم شهیدان بنوع حقیقت انقلاب و بصیرت نامم را آغاز.
چون میگویم! ما در پی پیروزی میرویم از دورین جزئیات تلاوت نیلید چون من در
راه خدا میروم و اگر گشته بودم هیچ وقت ناراحتی در قلب فرد راه ندیده و از ضایع
مستقال من خواهم که خوشتر در راه او به شهادت برسیم مادر جان! میسوزم مرا ببخشید
که من دلم در این غمزدگیهای جیلان پذیر نیست و امیدوارم در راه خدا این شهادت برسیم
و شایسته گردیم و بعد از آن راه را از آن گشته باشیم و انشاء الله روزی در حدیث: «فان یومئذ
.....» که برای بدست علی بن ابی طالب داریم که بعد از مرگ من بدیدید به پیرو ما دریم
به هدیه و از خداوند تعالی در خاله هم که طمان عمر رسیدگی میسوزم به این پرهیزگرایان انقلاب! همین ۱۳۵۶
شاد در جان اگر من روزی به ~~.....~~ از تو می شنیدم عن شهادت شاید که من به برادرانم
بگویم ناراحت نشویم و بر سر من گذر نکنید. خداوند ایات انقلاب همه را همین را نگهدار

و السلام از برای

محمدی محمدآبادی



عیدی محمودشاهی



نام: عیدی
نام خانوادگی: محمودشاهی
تاریخ تولد: ۱۳۰۶/۰۲/۰۲
محل تولد: جیرفت
نام پدر: کرم
نام مادر: سکینه
شغل: کارگر
تحصیلات: بیسواد
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۳/۰۵
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش به پا
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ پس از حیات من دست به ترکیب منزل نزنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۵/۰۲/۲۳

بنده عیدی محمود شاهی، فرزند کرم وصیت‌نامه‌ام را به شرح زیر از شهر دور توضیح می‌دهم به اولادان خودم، فرزند بزرگم یدالله محمودشاهی، گل‌نسا محمودشاهی، ابراهیم محمودشاهی، جهانگیر محمودشاهی، عباس محمودشاهی و غلامرضا محمودشاهی، اینجانب فقط یک باب خانه دارم که مال معصومه، مادر غلامرضا است که شماره منزل (کپر) [...] است. پس از حیات من دست به ترکیب منزل ننزید^۲ و غلامرضا و کرم وارث این منزل هستند و ادعایی به این منزل کسی نباید بکند مادر یدالله مهریه‌ای از من طلبکار است به میزان ۴۰ تومان رضا شاهی و [...] این مهریه در صورت درخواست مادر یدالله به عهده‌ی یدالله و برادرانش می‌باشد و آن را بپردازند و مهریه دختر بس، مادر کرم و غلامرضا به عهده‌ی این دو (غلامرضا و کرم) می‌باشد. بیش از این عرضی ندارم [...]؛

عیدی محمودشاهی

اثر انگشت

[...] من [...] بانک پس‌اندز دارم این را به غیر از این که خرج^۷ خودم نمایم اگر مبلغی دیگر باقی ماند [...] و خرج سیدالشهدا نمایم دیگر عرضی نیست.

۱. ناخواناست.

۲. در اصل: نزنند.

۳. ناخواناست.

۴. «به جز فرزندان خودم» حذف شده است.

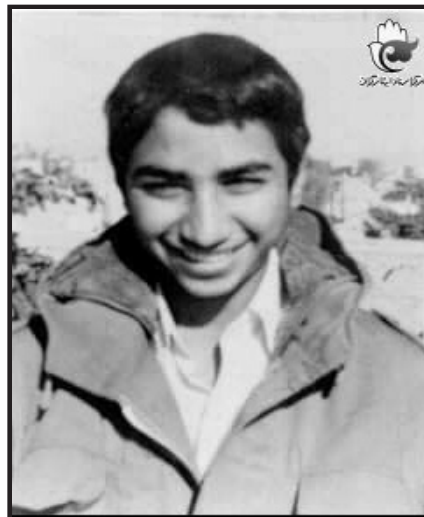
۵. ناخواناست.

۶. ناخواناست.

۷. در اصل: خرج و برج.

۸. ناخواناست.

حمیدرضا محمودی



نام: حمیدرضا
نام خانوادگی: محمودی
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۲/۱۵
محل تولد: شهرستان بندرعباس
نام پدر: محمد
نام مادر: آسیه
تحصیلات: دانش آموز سوم متوسطه
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۵/۱۶
محل شهادت: مهران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: گلزار شهدای بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ ای خواهران و برادران! از خط امام خارج نشوید و در سایه‌ی ولایت فقیه باشید، پیرو خط امام باشید، کارهای تان برای خدا و برای اسلام باشد.
- ◀ مبدا یک وقت برای چشم و هم چشمی کاری را انجام دهید که اجرتان ضایع خواهد شد، در کارهای تان الله را در نظر بگیرید.
- ◀ نمازهای تان را بخوانید و روزه‌های تان را در نیز بگیرید.
- ◀ از شما می‌خواهم که کمی راجع به انقلاب فکر کنید چون پیغمبر گفته است یک ساعت فکر کردن، بهتر از ۷۰ سال عبادت است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فاطمه زهرا علیه‌السلام: مَنْ أَسْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ^۱

هر که عبادت خالصانه خود را به درگاه خدا فرا برد، خداوند عز و جل بهترین چیزی را که به صلاح اوست برایش فرو فرستد.

قال باقر (ع): إِنَّ وِلَايَتَنَا لَا تَدْرِكُ إِلَّا بِالْعَمَلِ^۲

ولایت اهل بیت درک نمی‌شود مگر با عمل.

قال علی (ع): ضَلَالُ النَّفْسِ بَيْنَ دَوَاعِي الشَّهْوَةِ وَالْغَضَبِ^۳

گمراهی نفس‌ها بین خواهش‌های شهوت و غضب است.

قال رسول الله (ص): يَشِيْبُ ابْنُ آدَمَ وَ تَشْبُ مَعَهُ خَصْلَتَانِ: الْحِرْصُ وَ طُولُ الْأَمَلِ^۴

فرزند آدم پیر می‌شود و هر چه به سوی پیری می‌رود به موازات آن، دو صفت در او جوان می‌گردد: یکی حرص و دیگری آرزوی دراز.

به دوستان خوبم وصیت می‌کنم، دوستانی که با آنها کار کردم دوستانی که برای

خدا خدمت کرده‌اند. دوستان! همیشه هدف را در نظر بگیرید در کارها، خدا را به یاد داشته

باشید، اسلام را فراموش نکنید، وظیفه انجمن را فراموش نکنید [که] ارشاد کردن است تا

آن‌جا که می‌توانید ارشاد کنید، کسی را از خود نرانید بلکه به طرف خود بکشانید. اخلاق

۱. منسوب به فاطمه زهرا (س): «هر کس عبادت و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت‌ها و برکات خود را برای او تقدیر می‌نماید.»

۲. منسوب به امام باقر (ع): «ولایت ما جز با عمل به دست نمی‌آید.»

۳. منسوب به امام علی (ع): «گمراهی انسان‌ها در میان کشش شهوت و خشم است.»

۴. منسوب به حضرت محمد (ص): «فرزند آدم پیر می‌شود و هر چه به سوی پیری می‌رود به موازات آن، دو صفت در او جوان می‌گردد: یکی حرص و دیگری آرزوی دراز.»

اسلامی مهم‌ترین رکن انجمن است، اول خودتان به آن اخلاق رعایت کنید و به دوستان سفارش کنید. انجمن باید در تمام مسائل وارد باشد، انجمن باید در محله ابهت داشته باشد، در محله مورد احترام باشد، بچه‌های انجمن باید مورد احترام باشند و این تنها از طریق حفظ اخلاق اسلامی در انجمن و رعایت موازین انجمن و گستردگی سطح تبلیغات و بالا بردن فرهنگ محله به دست می‌آید. درس‌تان را بخوان چون باید درس‌خوان [هم] داشته باشیم و به آدم‌های درس‌خوان احتیاج داریم که در آینده بتوانند این انقلاب را یاری کنند، که آینده انقلاب نیروهای متخصص می‌خواهد. به دوستان خوبم وصیت می‌کنم، دوستانی که با آنها کار کرده‌ام و [...] که برای خدا خدمت کرده‌اند. ای دوستان! همیشه هدف [...] بگیرید، در کارها خدا را به یاد داشته باشید، اخلاص را فراموش نکنید، وظیفه‌ی انجمن را فراموش نکنید [که] ارشاد کردن است، تا آن‌جا که می‌توانید ارشاد کنید، کسی را از خود نرانید بلکه به طرف خود بکشانید، اخلاق اسلامی مهم‌ترین رکن انجمن است، اول خودتان آن اخلاق را رعایت کنید و بعد به دیگران سفارش کنید.

انجمن باید در تمام مسائل وارد باشد، انجمن باید در محله ابهت داشته باشد، در محله مورد احترام باشد، بچه‌های انجمن باید مورد احترام باشند؛ و این تنها از طریق حفظ اخلاق اسلامی در انجمن و رعایت موازین انجمن و گستردگی سطح تبلیغات و بالا بردن فرهنگ محله به دست می‌آید.

والسلام علیکم و الرحمه الله و برکاته

۶۱/۰۵/۲۹

حمیدرضا محمودی

امضاء^۷

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

۵. ناخواناست.

۶. ناخواناست.

۷. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

وصیت‌نامه اینجانب حمیدرضا محمودی، فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۱۹ صادره از بندرعباس. وصیت می‌کنم به برادر و خواهر کوچکم علی و کبری که، درس قرآن‌شان را ادامه بدهند و مرتب به کلاس قرآن بروند و در کنار درس قرآن، درس مدرسه خودشان هم بخوانند و همیشه شاگرد زرنگی باشند، نمازشان را از همین حالا شروع کنند به خواندن و کتاب داستان بخوانند و دیگر کارهایی که می‌تواند انجام بدهند، قرآن بخوانند، سرود بخوانند. و به برادر و خواهرهای بزرگتر! ای خواهران و برادران! از خط امام خارج نشوید و در سایه‌ی ولایت فقیه باشید، پیرو خط امام باشید، کارهای تان برای خدا و برای اسلام باشد، مبدا یک‌وقت برای چشم و هم‌چشمی کاری را انجام دهید که اجرتان ضایع خواهد [...]^۸ در کارهای تان الله را در نظر بگیرید، نمازهای تان را بخوانید و روزه‌های تان را در نیز بگیرید. از شما می‌خواهم که کمی [...]^۹ راجع به انقلاب فکر کنید چون پیغمبر گفته است یک‌ساعت فکر کردن، بهتر از ۷۰ سال عبادت است. وصیت می‌کنم به پدر و مادر بزرگوارم! مرا ببخش اگر نسبت به شما بی‌احترامی کردم؛ اگر در حال عصبانیت بودم، اگر در حال نادانی بودم، اگر مرا نصیحت می‌کردید و بدان توجهی نداشتم، اگر مرا مورد مهر و محبت خود قرار می‌دادید و من نسبت به آن بی‌توجهی داشتم؛ پدر عزیزم! مرا ببخش چون امکان بازگشت دیگر از این راه نیست، چون دیگر وقتی [...]^{۱۰} نیست، چون دیگر راه بازگشتی نیست، چون دیگر کسی که به ملاقات خدا می‌رود باید پاک باشد، باید پدر و مادرش از او راضی باشند، ای مادر عزیز و گرامی من! ای مادر خوبم! که مرا چنین تربیت‌ها کردی، هر چند که من گناه بسیار و گناهان ناپاک زیادی انجام دادم ولی ای مادر خوبم! شیرت را [...]^{۱۱} ای مادر! ببخش

۸. ناخواناست.

۹. «فکر کنید» حذف شده است.

۱۰. «دیگر» حذف شده است.

۱۱. ناخواناست.

نافرمانی ام را، ببخش بی حرمتی ام را نسبت به خودت، هر چند [...]»^{۱۲} نتوانستم از تو نسبت به خدمت‌های تشکر کنم و هرگز نمی‌توانم، ولی امیدوارم که مرا ببخشید؛ مادر! دیگر حرفی ندارم، دیگر وصیتی ندارم فقط از شما ای پدر عزیز و مادر گرامی ام! انتظار این را دارم [که] گناهام را ببخشید. ببخشید مرا چون دیگر فرصتی نیست، چون امکان دارد دیگر شما را نبینم، پس ببخشید اگر نافرمانی کردم، به حرف شما گوش نداده‌ام، حرف شما را نادیده گرفته‌ام، شما خودتان مرا حلال کنید و از گناهام و خطاهایم در گذرید. برادران و خواهران عزیزم! از گناهان من در گذرید، مرا ببخشید نسبت به ظلمی که به شما کرده‌ام، نسبت به بی‌احترامی و خلاصه دعوایی [که] در مواقعی که عصبانی بوده‌ام [از من سر زده]^{۱۳}، برادران و خواهران! مرا ببخشید اگر نادانی کرده‌ام، اگر نسبت به شما کار اشتباهی انجام داده‌ام، اگر احترام شما را نگه نداشته‌ام، اگر خودم را برتر از شما دیده‌ام، اگر در رفتار بد و ناپسند من ناراحت شده‌اید، اگر به [...]»^{۱۴} بزرگی خودم شما را زده‌ام و در اثر کوچک‌ترین ناراحتی که از شما دیده‌ام به شما پرخاش کرده‌ام [...]»^{۱۵} احمد، علی، کبری، مرا ببخشید که [به] سبب بزرگی خودم خطایی از من سر زده، که شما از من ناراحت شده‌اید، مرا ببخشید و به بزرگی خودتان خطایم را نادیده بگیرید، که دیگر فرصتی نیست از شما معذرت خواهی کنم. برادر گرامی ام رسول و رضا و خواهر عزیزم آذر! به بزرگی خودتان مرا ببخشید، چون کوچک بودم و نادان اگر موقعی عملی به سبب نادانی خودم انجام داده‌ام که شما ناراحت شده‌اید، مرا ببخشید و حلالم کنید. مرا ببخشید برادران و خواهران و پدر و مادر گرامیم! دیگر عرضی ندارم فقط خواهشی دارم من سه کفاره جمع [...]»^{۱۶} دارم که اگر می‌توانید آن را به جا آورید تا پاک و خالص و بدون هیچ‌گونه دینی به نزد خدا بروم، به دوستان خوبم وصیت می‌کنم، دوستانی که با آن‌ها کار کرده‌ام و دوستانی که برای خدا خدمت کرده‌اند، ای دوستان! همیشه هدف را در نظر بگیرید، در کارها خدا را به یاد داشته باشید، اخلاص را فراموش نکنید، وظیفه انجمن

۱۲. ناخواناست.

۱۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «از من سر زده» باشد.

۱۴. ناخواناست.

۱۵. ناخواناست.

۱۶. ناخواناست.

را فراموش نکنید، [که] ارشاد کردن است، تا آن‌جا که می‌توانید ارشاد کنید، کسی را از خود نرانید بلکه به طرف خود بکشید، اخلاق اسلامی مهم‌ترین رکن انجمن [است] اول خودتان آن اخلاق را رعایت کنید و بعد به دیگران سفارش کنید، انجمن باید در تمامی مسائل وارد باشد، انجمن باید در محله ابهت داشته باشد، در محله مورد احترام باشد، بچه‌های انجمن باید مورد احترام باشند و این تنها از طریق حفظ اخلاق اسلامی در انجمن و رعایت موازین انجمن و گستردگی سطح تبلیغات و بالا بردن فرهنگ محله به دست می‌آید. برادران! اگر خطایی از من در انجمن سر زده، اگر نتوانستم به نحو احسن وظیفه‌ام را انجام بدهم و در آن کوتاهی کرده‌ام از تمام شما بچه‌های انجمن و خدا آمرزش می‌طلبم و امیدوارم که مرا ببخشید. والسلام علیکم و الرحمة الله برکاته.

امضاء^{۱۷}

اردوگاه تقی ابوسعیدی تیپ ثارالله منطقه جنگی

۱۳۶۸/۰۵/۲۹



مرکز اسناد ایتناگران

بِسْمِ اللَّهِ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ كَيْفَ أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلُ مُصَلِّتِهِ : قَالَ زُهْرَاءُ عَلِيمَةُ السَّلَامِ
 بن حانصه خرد را بسوخته خدا روانه کند خداوند بهترین مصلحت را برای او می فرستد

سریه

وَأَتَتْكُمْ وَ لَا يُتْنَا إِلَّا بِالْفَعْلِ
 ۶۲۲۲۷۶۲

دوست اهل بیت رب نهند دیگران
 قال علي عليه السلام
 ظِلُّ الْخُفِّ بَيْنَ دَوَائِ السُّهُوِّ وَالْقُضْبِ
 گمراهی خف بین خوابی سبوت و غضب است

قال رسول الله (ص) كَيْفَ بَيْنَ كَرِيمٍ وَ كَيْفَ بَيْنَ خَصْلَتَانِ الْفَرَسِ وَ طَلْوُنِ الْكَلَامِ
 که در میان کرمی شود و که در میان خصلت در او جوانی می مانند یک کرم در دم از بزرگی باز
 به روشنی خولم و صفت سولم در آن کار در آن کار کرده ام و درستی که در آن کار کرده ام

گفته اند ای درستان همه هدف را در نظر بگیرید در کارها خدا را یاد داشته باشید و در کارها
 را فراموش نکنید و ضعیفان را فراموش نکنید اگر در کار است تا آنکه کسی نتواند
 در کار کند که را از خود برانند بگویم حرف خدا در کار است و اعتدال اسلام و همه درین
 اعتدال است اول خردت آن جوان اعتدالی داری است کند و به این سفر است
 اینها باید در تمام است و در باره اینها باید در محمد است داشته باشد در محمد مورد احترام
 باشد چه رای اینها باید در در تمام باشد و این است از اینها فقط اعتدال اسلام را در اینها
 در است بواز اینها و کس در سطح بطن است و بالا بران خردت محمد بدست می آید

سریه

درستان را بخواهند چون باید که نماند استخوان داشته باشد و به اگر در کار استخوان
 احتیاج داریم که در کار است این اعتدال را در کار کنید بگویم آینه اعتدال نبردهای
 مشخص می خواهد

ای درستان



خویم وصیت می کنم دوستانی که با آنها کار کرده ام
و دوستی که براس خدا قدمت کرده اند ای دوستان همیشه هدف
مرا اسناد ایثارگران دید در کارها قدر ارباب دادسته با سید اقلاص را فراموش نکنید
و طیفه انجمن را فراموش نکنید ارشاد کردن است تا آنجائی که توانید ارشاد
کنید کسی را از خود فروانید بلکه به طرف خود بکشید اخلاق اسلامی مهمترین
رکنی انجمن است اول خودتان آق اخلاق را رعایت کنید و بعد به دیگران
سفارش کنید .
صیدرض محمودی ۶۲،۲۲۷۶

انجمن یا هر در تمام مسائل وارد باشد انجمن جایز در مرحله ایست داشته
باشد در مرحله مورد احترام باشد بوجهای انجمن باید صورت احترام باشد

و این تنها طریق حفظ اخلاق اسلامی در انجمن و رعایت موازین انجمن و
گسترده سطح تبلیغات و بالا بردن فرهنگ محله بدست می آید

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
۶۱،۵۲۹

شیر رضا محمودی



بسم الله الرحمن الرحيم
اعوذ بالله من الهم والحزن

مرکز اسناد و کتابخانه ملی

وصیت نامه اینجانب حمیدرضا محمودی فرزند محمد به شماره شناسنامه

۱۶۹ صادره از بند عباس

وصیت میکنم به برادر و خواهر کوچکم علی و لعلی که درس قرآنشان را

ادامه بدهند و مرتب به کلاس قرآن بروند و در کلاس درس قرآن درس مدرسه

خودشان را هم بخوانند و همیشه شکر زرتنی باشند. نمازشان را از زمین حلال شروع

کنند بخوانند. در کتاب داستان بخوانند و دیدگاههای که مستقاده انجام بدهند قرآن

بخوانند و سرود بخوانند و به برادرها و خواهرهای بزرگترهای خواهران و برادران نیز خط امام

خارج نسوید هر سایه ولایت فقیه باشند و بیرون خط امام باشند کارهایشان برای خدا و برای

اسلام باشند مبارک بگرفت برای حسیم هم جسمی کار را انجام دهید که اجرتان ضایع خواهد

۷۷۵
۷۷۵

۱۶۹-۱۸۸/۱۸۸
۱۱۱۱/۱۱

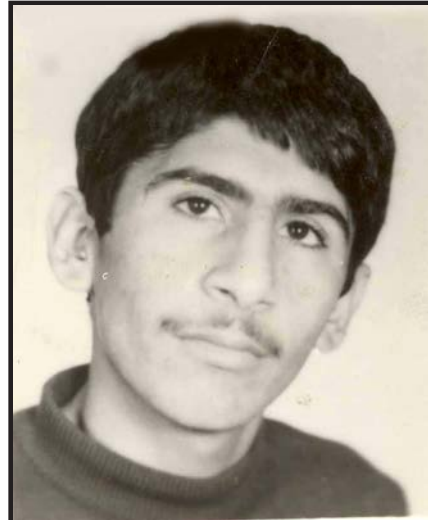


در کارهای تبارک الله را در نظر بگیرم. نمازهای تبارک را بچونانیه و روزهای تبارک را هر
 روز بگذرانم. ایثارگران
 بزرگوارم که کسی فکر کند جامع به اختلا با فکر کند چون معتبر گفته است یک
 ساعت فکر کردن بهتر از یک سال عبادت است. و صیت منم به پدر و مادر بزرگوارم
 ای پدر و مادر مرا ببخشید آخر خطاها هم را ببخشید، ای پدر بزرگوارم مرا ببخش اگر نسبت
 به سماوی احترامی نکردم اگر در حالت عصبانیت بودم اگر در حال نادانی بودم اگر مراد صوت
 میگفتم و بدان توجهی نداشتم اگر مراد مورد مهر و محبت خود فکر میدادید و من نسبت به آن توجهی
 نداشتم پدر عزیزم مرا ببخش چون امکان بازگشت دیگر ندارم راه نسبت چون دیگر وقتی دیگر
 نسبت چون دیگر راه بازگشتی نسبت چون دیگر کسی که به ملاقات خدا میرود باید پاک باشد
 باید پدر و مادرش از او راضی باشند، ای مادر عزیز و گرامی من ای مادر عزیزم که مرا چنین تربیت
 کردی در هر عینده که من تنها بسیار تنهاان ناپاک زیادش انجام دادم ولی ای مادر عزیزم سیرت را



ای مادره بیخست نام زمانی ام را بیخست بی حرفی ام را نسبت به خودت هر چند ای
 درازاندا اینارگران
 تو ایتم که تو نسبت به خدمتت است که هر قدر من گویم ولی امید دارم که مرا بیخست
 ما در دیگر حرفی ندارم دیگر صبی ندارم فقط از شما ای پدر عزیز و ما در برای ام انتظار این را دارم
 تا هاتم را بیخست بیخست مرا چون دیگر فرصت نیست چون لنگان دلرد دیگر شما را بیخست
 بیخست دیگر زمانی کرده ام به حرف شما قوس نزاره ام حرف شما را نازیده تر مده ام ، شما خودتان مرا حلال
 و بیخست هاتم و این خطاها را بخردید بر من و این و چون که این عزیزان من که بیخست بیخست
 به ظلمی که به شما کرده ام نسبت به بی ابرائی و فلاح دعوائی در مونی که عصبانی بوده ام مرا
 بر اندازان و مرا هر آن مرا بیخست بر نادانی کرده ام اگر نسبت به شما کار اشتباهی ایتم و زنده ام اگر اجرت
 شما را ندهم ام اگر خودم را بر هرگز شما دیده ام اگر در این وقتا برید و بیخست من با راحت شده ا
 اگر به سبب بزرگی خودم شما را زده ام و در این وقتا برین کارا حتی که لزنس دیده ام به شما هر کس کرد

سلیمان مریدی



نام: سلیمان

نام خانوادگی: مریدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۱/۰۲

محل تولد: روستای خورگو از توابع شهرستان

بندرعباس

نام پدر: علی

نام مادر: کوبک

تحصیلات: دانش آموز دوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۱/۲۴

محل شهادت: زبیدات عراق

نحوه شهادت:

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ میندارید که من بچه بودم و از روی احساسات بچه گانه به جبهه رفته‌ام.
- ◀ من در پی پاسخ گفتن به ندای حسین که در صحرای کربلا فریاد هَلْ مِنْ ناصِرٍ یَنْصُرُنِیْ به جبهه قدم گذاشته‌ام و من با خدای خود عهد می‌کنم که به اسلام و امام وفادار خواهم ماند.

بسمه تعالی

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

آری من در پی پیام سرنوشت‌ساز امام امت راهی جبهه‌های جنگ حق علیه باطل شده‌ام و مپندارید که من بچه بودم و از روی احساسات بچه‌گانه به جبهه رفته‌ام.

من در پی پاسخ گفتن به ندای حسین که در صحرای کربلا فریاد هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي^۲ به جبهه قدم گذاشته‌ام و من با خدای خود عهد می‌کنم که به اسلام و امام وفادار خواهم ماند و [...] ای پدر و مادر! شما نیز چنین باشید.

در صورت افتخار شهادت، در بهشت زهرای بندرعباس [مرا] به خاک بسپارید. والسلام.

سلیمان مریدی

امضاء^۴

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. جمله معروف امام حسین در روز عاشورا: «آیا کسی هست که مرا یاری کند»؟

۳. «تو» حذف شده است.

۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

عباس مریدی



نام: عباس

نام خانوادگی: مریدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱۲/۰۱

محل تولد: بخش رودخانه از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: حیدر

نام مادر: مریم

تحصیلات: دانش آموز دوم متوسطه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۹

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: بخش رودخانه از توابع شهرستان

رودان

گلچین وصیت نامه

◀ از تمام همشهریان می خواهم که با هم وحدت و یک پارچگی داشته باشند که شمشیری است برضد مشکلات.

◀ ای تاریخ نویسان! که بعداً بر علیه اسلام، تاریخ های دروغ می نویسید بنده با شناختی که نسبت به اسلام و قرآن و جمهوری اسلامی داشتم، در راه آرمان های اسلام، در راه خدا جهاد نمودم. اگر خداوند توفیق شهادت خود داد، بنده نسبت قلبی که از اصول دین داشتم به پیکار در راه خدا پرداختم چون تمام کفر در برابر تمامی اسلام در ستیز است.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۰/۰۴/۰۷

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

با سلام به مهدی موعود (عج) و سلام به امید مستضعفان جهان و سلام به همشهریان سلحشور و شهیدپرور رودخانه. اول با تشکر و سپاس از خداوند تعالی که شرکت در جهاد با کفار از زمان نصیب بنده حقیر کرد تا هم‌چون یاران در خون غلتیده در این راه و آرزوی دیرینه‌ام بشتابم. چند کلمه به عنوان وصیت به اقوام و دوستان می‌نویسم. اگر خداوند شهادت را نصیب من گردانید از پدر و مادر و اقوام می‌خواهم که برای من گریه نکنند. و از پدر و مادرم تشکر می‌کنم که در قبال بزرگ شدن من رنج‌ها و مشقت‌های بسیاری کشیده‌اند، ولی بنده هیچ عملی در پاسخ به آن‌ها انجام نداده‌ام و گاه‌گاهی شما را ناراحت می‌کردم. می‌خواهم اگر قابل بخشش است مرا حلال کنید که عذاب سختی در پیش دارم. و اگر شهید شدم صبر و استقامت بورزید و سیاه نپوشید. از برادران و خواهرانم و اقوام و دوستان تشکر می‌کنم و اگر بدی دیده‌اید ما را حلال کنید. از تمام همشهریان می‌خواهم که با هم وحدت و یک‌پارچگی داشته باشند که شمشیری است بر ضد مشکلات. دوستان و جوانان رودخانه، جنگی که امروز برپا شده امتحان الهی است بشتابید که فردا جوابگوی خون شهیدان و آوارگان نباشید. مادران! از آمدن فرزندان به جبهه ممانعت نکنید که آخرت جوابگوی حضرت زینب (س) و خانواده‌های شهداء می‌باشید. برای آخرین بار، از مادرم و پدرم و برادرانم و خواهرانم و دوستان و اقوام و هم‌کلاسان گرامیم خداحافظی می‌کنم. و مرا

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «هرگز کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

در مزارستان منجر دفن نمایید. و برادرانم سعی کنید از درس تان عقب نیفتید. از برادر بزرگم خیلی تشکر می‌کنم و حلالیت می‌طلبم که گاه‌گاهی او را ناراحت کرده‌ام. از تمام برادران که در مراسم ما زحمت کشیدند، اجرتان را به خدا می‌سپارم. از همکلاسان خود و دبیران محترم تشکر می‌کنم و از آن‌ها طلب عفو دارم و شما را سفارش می‌کنم به انجام دادن جهاد اکبر که با هواهای نفسانی می‌باشد. ای تاریخ‌نویسان! که بعداً بر علیه اسلام، تاریخ‌های دروغ می‌نویسید بنده با شناختی که نسبت به اسلام و قرآن و جمهوری اسلامی داشتم، در راه آرمان‌های اسلام، در راه خدا جهاد نمودم. اگر خداوند توفیق شهادت [...] خود داد، بنده نسبت قلبی که از اصول دین داشتم به پیکار در راه خدا پرداختم چون تمام کفر در برابر تمامی اسلام در ستیز است. سلامتی و توفیق تمام اقوام و همشهریان را از خداوند متعال آرزو مندم. ان‌شاءالله با پایان یافتن جنگ در آسایش و راحتی کامل به زندگی خود ادامه دهید. خداحافظ تمام مسلمانان جهان و همشهریان عزیز.

فرزند و برادر شما عباس مریدی

امضاء^۲

۶۵/۱۰/۱

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۶۵/۰۴/۰۷

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۴

با سلام به مهدی موعود و سلام به امام امت و سلام به ملت شهیدپرور ایران و سلام به همشهریان و پدر و مادر و برادران و اقوام. پدر و مادر! شما در طول زندگی من، از تولد تا این موقع متحمل رنج‌ها و مشقت‌های زیادی شده‌اید و وقت‌های زیادی من از روی بی‌توجهی

۲. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «هرگز کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارش روزی داده می‌شوند.

۳. ناخواناست.

۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

شما را ناراحت می‌کردم و نتوانستم و هیچ‌کس نمی‌تواند حق مادر و پدر را جبران کند. پس اگر می‌شود مرا عفو کنید که عاقبت سختی در پیش دارم. از مادرم و پدر و برادران و خواهران تشکر می‌کنم و از تمام همشهریان و اقوام انتظار دارم اگر بدی دیده‌اند، ما را عفو کنند. مادرم! اگر به جبهه آمدم نیاز مادی و مادی پرستی نبوده بلکه نیاز من به اسلام و نیاز من به جبهه می‌باشد نه نیاز جبهه به من و نه نیاز اسلام به من. مادرم و خواهران و اقوام! اگر خدا شهادت را نصیب من کرد، در عزای من گریه نکنید و زیاد سیاه‌پوش نباشید^۵ و مرا در مزارستان منجر دفن کنید. از جوانان و همشهریان توقع دارم که جبهه را خوب نگه دارید. و جوانان، جبهه را خالی نکنید و مادران جلو فرزندان خود را نگیرید که فردا جوابگوی حضرت زینب(س) خواهید بود. بدانید که جنگ، جنگ امتحان الهی از مؤمنین راستین است. و کسانی که با جنگ مخالف هستند، احتیاج به شرکت [شان] در تشیع جنازه من نیست. از تمام همشهریان و دوستان و همکلاسیان خود، عفو و بخشش می‌طلبم. چند قطعه شعر نوشته‌ام، اگر لازم است چند بیت آن را روی مزارم بنویسید.

تو ای مادر مکن زاری، مزین بر سر
که من اکنون بسی شادم
نمردم زنده می‌باشم بود رنج تو در یادم
همانا که شیر پاک تو مرا جان‌باز پرورده
که جان خویش را در ره قرآن ز کف دادم
من که راه خویش یافتم. ای دوستان! بعد از این، جان شما و مهدی صاحب‌الزمان.
فرزند و برادر شما عباس مریدی

۶۵/۴/۷

امضاء^۶

۵. در اصل: نبوشید.

۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله الرحمن الرحیم

صیبر را حالی ندیدم و مادری که جگر و فرزند را خرد را بگوید که در خارج از کشور حضرت زینب (ع)

مرکز اسناد ایثارگران بداند که حجت ابوالحسن (ع) از مردمی است که همیشه است .

و کما فی ذلک با حجت مخالف دستگیر احتیاج به شرکت در تشییع جنازه من نیست .

از تمام همشهریان خود و دوستان خود طلب عفو و بخشش می طلبم .

چند قطعه شعر نوشته ام اگر لازم است چند بیت آن را در مزارم بنویسید .

تو ای مادر من زار زار من در سیر . که من اکنون بی تو مشام

خبرم زنده من با چشم بود در هیچ تو در یادم . همه ناگفته های تو مرا ایثار پیورده

که جای فریست را در قرآن زلفه خادام

من نه آن خودم باشم یا فتح ای دوستان . بعد از این جهان دنیا و مهر صاحب الزمان

روز زود بر آید تمام جهان من در دست

لا اله الا الله

محل انشاء

۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنویسید و مشخصات خود را در آن بنویسید

۲- وصیت نامه را از تعاون نور زنده گان پایگاه مربوط خود دریافت نمایید.

تذکر

نام و نام خانوادگی: محمدعلی موبدی
فرزند: ... تاریخ: ۱۳۶۰-۱۰-۳۱

روزید: منزلت ازیت مرسلان شیخ کدر
المودیت از بر سرش باشد

جای موبدی ۳۴۴۱۶/۳۵-۶۵ (ارشد)

فصلت ننامه



و لا تصب الذی قتل فی سبیل اللہ امواتا بل احیاءون انذہ ربکم یورثون

با سلام به سعید سعید در پیش مرسلان به امید مستظفا جهان و سلام به فخری

سلفقورم شهید یور رودخانه . اول بافتند و سپاس از خداوند تعالی که شکر

در جهاد با کفار زمان نصب بنده حقیر کرد تا هیچک یار از خون غلیظه همی در این

راه و آرزوی سعید دیرینه ام بستام - چند کلمه با عنون وصیت به اقوام و دوست

می نویسم - که اگر خداوند شهادت را نصیب من کرد باید از پدر و مادر و اقوام می خردم

که بر این گریه نکنند - و از پدر و مادر تشکر می کنم که در قبایل بزرگ شدن من

رابعان و مشتقار سیلوان کشیدند اول بنده بیخ عمل در پاسخ به آنها انجام نداده ام

و گاه گاهی شمارا ناراحت می کردم می خواهم اگر تحقیق است مرا احوال کنید

که عذابی سخت در این دنیا دارم - و اگر تشدید گندم صبر و استقامت دور

و بسیارش نویسید - از برادران خواهران و اقوام و دوست

تشکر می کنم و اگر بگوید دیدم ما را احوال کنید






کانون شکر ۴۱ ناراله

محل امضاء

۵۵۵۶

۲۴۲



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

همیشه با من خوام که با هم وحدت و لبیک بگویم در اقیانوس بی انتهای باطنی که شکر است

ببینید که در این صحنه ایثار و شهادت و آرزوی ما نباشد - مادر از آمدن فرزندانش بی حسد و محابوت
 نماند که آخرت موجودات بجز نیت زینب و خانواده اش نبود و هیچی باقی نماند - بر این آفرین با بر ما هم و دیگر
 هر چه داریم از خود داریم دوستی و اقوام و از خداست که ما را به این حد رسانده است و ما را در برابر خداست
 در حق نیاید - بر ما در این بیعت کنید از درشتی کفب نه انقلا - از ما در برابر حق بیعت کنید و خدا را در حق
 جلیم که ننگهای کورانه است کرده ام - از تمام برادران که در میان ما زینت نشین است بیعت می کنیم
 از خداوند خود و دیگر محترم نشکر می کنیم و از آنجا طلب عفو داریم و شما را شکر از حق می کنیم
 او با هم دادن بخواهیم که با هم ایضا نفسانی می باشند - او قاریم نوسان که بعد از علییه اسلام تا بیعت
 دروغ می گویند و بیعت خود را بیعت با اسلام و قرآن و حضور بر اسلامی دانستیم در راه آرمانها
 اسلام در راه خدا... جهاد نمودیم از خودمان بیعت دادیم از راه خود دادیم بیعت نمودیم فلان که از اصول برین
 داشتیم لا یفک در راه خدا بر ما افتیم چون تمام کفر در برابر ناموس اسلام بر میستیز است
 سلامتی و توفیق تمام اقربا و خویشاوندان را از خداوند متعاله آرزو نمودیم - انشاء الله یا ایها الذین آمنوا
 در آسایش و آرامش کامل با برادری خود ادامه دهید - خدا حافظ تمام مسلمانان و همه را که برین

خبر داده برادران شما عزیزان در ۱۳۵۱

محل اعضاء

۱. وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنمایید و مشخصات خود را دقیقاً بنویسید

۲. وصیت نامه را از تعاون نور رزنده کلان پایگاه مربوطه خود دریافت نمایید

تذکره

عبدالرضا مریدی



نام: عبدالرضا
نام خانوادگی: مریدی
تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۸/۰۱
محل تولد: روستای خورگو از توابع شهرستان بندرعباس
نام پدر: فخرالدین
نام مادر: فضا
تحصیلات: اول هنرستان
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۱۹
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش به پا و شکم
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- < حضور خود را بیشتر در صحنه اعلام کنید.
- < کمک‌های بی دریغ خود را به جبهه‌ها قطع نکنید.
- < مساجد را خالی نگذارید و سنگر نماز جمعه و جماعت را بیش از پیش تقویت کنید.
- < با ضد انقلاب خارجی و داخلی، محتکرین، گران‌فروشان و قاچاقچیان با قاطعیت برخورد کنید و جلوی این گونه افراد را بگیرید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[...]^۱ جمیعا و رحمه‌الله.

نثار ارواح طیبه شهدا اسلام اجماعاً صلوات.

الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ^۲

جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند یک در را بروی اولیا خاص خودش

باز می‌کند. از این که خداوند توفیق داد که [در] حضور شما باشیم [و] چند کلمه‌ای با شما

صحبت کنیم، و چند لحظه‌ای مزاحم اوقات [شما] باشیم، خیلی خوشحالیم.

هدف از مزاحمت، چون [نوشتن وصیت را]^۳ تکلیف شرعی خود دانستم.

همین‌طور که می‌دانید، امسال سال پیروزی است، این سخن امام است. خداوند اراده

فرموده، که این کلمات الهام گرفته غیبی امام را تحقق بخشد؛ و شفق نور این پیروزی

نمایان است. از اول سال تاکنون، یکسره پیروزی و نوید و [...] الهی بوده است و الفجر

۸، کربلای ۱، کربلای ۲، کربلای ۳، فتح ۱، فتح ۲، فتح ۳ و... بعد شکست و خفت و خواری، که

خداوند نصیب شیطان بزرگ آمریکا کرد؛ خود نموداری از این واقعیت است. برادرم زمینه

برای یک فتح سرنوشت‌ساز آماده است؛ و چشم‌ها، متوجه سیلی که بناست جاری شود و همه

سر [های] ما را درهم شکنند، [است]؛ و این شما هستید و همه [ی] چشم‌های نگران مظلومان

و امیدوار امام‌مان به شما دوخته شده. خداوند اراده فرمود که موشک‌ها و تاکتیک‌ها را، با

جثه نحیف و شلاق خورده تاریخ پر از معنویت شما، ذوب کند. برادران بیایید هجرت کنیم

۱. ناخواناست.

۲. منسوب به حضرت علی (ع): «جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر روی اولیای خاص خود گشوده است».

۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «نوشتن وصیت را» باشد.

۴. ناخواناست.

به سوی او.

اگر ما [...] ^۵ امام هستیم و شیعه رساله‌ای امام هستیم، امام فرمودند، آن‌هایی که توان دارند باید به جبهه بروند، یعنی آن‌هایی که قدرت حمل سلاح را دارند، باید به جبهه بروند؛ یعنی واجب است که به جبهه بروند. آیا شما توان ندارید؟ اول امام می‌گفت مسجد [...] ^۶ و مدرسه سنگر است و باید ^۷ سنگرها را حفظ کنیم. [به خاطر] ^۸ همین سنگرهای اضافی بود که جنگ این قدر طول کشید. اگر ما بعد از یک حمله نیرو داشتیم، مجبور نبودیم که هر سال یک مرتبه حمله کنیم و [...] ^۹ شهید بدهیم و ما در طول ۶ سال جنگ، سیلی‌هایی به دشمن زده‌ایم که به آن صورت کاری نبوده، و دوباره برگشته است؛ ولی [...] ^{۱۰} ما باید چنان سیلی به دشمن بزنیم که، دیگر نتواند [...] ^{۱۱} را برگرداند. برادر! این عملیات، عملیات سرنوشت‌سازی است؛ میلیون‌ها چشم بدنبال من و تو است، که عملیات سرنوشت‌ساز را انجام دهیم. بیاید با حرکت مان، قلب امام را شاد کنیم.

برادران! اگر نتوانید در این عملیات شرکت کنید، بعد پشیمان می‌شوید، و آن موقعی متوجه می‌شوید که پشیمانی دیگر سودی ندارد.

و امام فرمودند، که اگر یکی از فرمانده [...] ^{۱۲} [های] نظامی مان ^{۱۳} اعلام کنند که جبهه نیاز به شما دارد، واجب [است] که شرکت کنید؛ و قاسم سلیمانی، فرمانده محترم لشکر در سخنرانی خود ایراد کردند و گفتند: که من به عنوان یک فرمانده نظامی اعلام می‌کنم که، به تک تک شما نیاز دارم. ای جوانان! مبادا در غفلت بمیرید؛ که علی (ع) در محراب عبادت شهید شد؛ و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید؛ که علی اکبر حسین (ع) در راه حسین (ع) و با هدف شهید شد. ای مادران! مبادا از رفتن فرزندان‌تان به جبهه جلوگیری کنید، که فردا در

۵. ناخواناست.

۶. «سنگر است» حذف شده است.

۷. در اصل: باید.

۸. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «به خاطر» باشد.

۹. ناخواناست.

۱۰. ناخواناست.

۱۱. ناخواناست.

۱۲. «مان» حذف شده است.

۱۳. در اصل: نظامی.

محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب (س) را بدهید که تحمل ۷۲ شهید را نمود. همه مثل، خاندان وهب، جوانان تان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را. بنام الله نگهدار حرمت خون شهیدان. به نام او که هستی و نیستی از آن اوست بنام او که زندگی در دست اوست. بنام قدرتی که از تمام قدرت‌ها قدرتش بیشتر و بالاتر است. با سلام به انبیا (ص) از آدم تا بنی خاتم محمد بن عبدالله (ص) و با سلام بر جانشین برحق حضرتش ۱۲ امام معصوم، که اول‌شان علی (ع) و آخر آن‌ها امام زمان (عج) می‌باشد؛ و با سلام پیشگاه با عظمت صاحب الزمان باقی مانده امامت و ذخیره الهی برای هدایت و راهنمایی بشر بر^{۱۴} روی زمین؛ و با سلام بر نایب برحقش امام امت خمینی کبیر پیر جماران رهبر بیدار و پر خروش ایران اسلامی؛ و درود بر تمامی شهدای صدر اسلام و شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی، و با تقدیم درود و سلام به شما ملت غیور و به پا خواسته ایران، شما ملتی که هم‌چون دریای خروشیدید^{۱۵}؛ و چون موج به ساحل دشمن می‌تازید. تا این که ریشه دشمن را از بیخ و بن در آورید. شما [...] ^{۱۶} ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را نابود کردید؛ و شمایی که دین خود را نسبت به انقلاب و اسلام تا به حال ادا کردید، بر شما سلام که با کمک‌های نقدی و جنسی خود، جبهه‌ها را گرم نگه داشته‌اید، و باعث تقویت جبهه‌ها شده‌اید. شما ملتی که هم‌چون کوه، در برابر تمامی ناملایمات ایستادگی کرده‌اید و می‌کنید. ملت ایران! شما وارثان حقیقی اسلام هستید؛ شما یاران مخلص رسول‌الله، ذریه پاک آن حضرت حسین بن علی (ع) هستید. درود و سلام را نثار تک تک شما خالصان درگاه حق تعالی می‌کنم. ملت غیور و قهرمان ایران! هم اینک که تا لحظه موعود چیزی بیش باقی نمانده است؛ و هم اینک باید تا چند روزی دیگر، به یار پیوندم؛ و در آغوش گرم شهادت آرام بگیرم. وصیت‌نامه‌ام را در بیابان، در کنار سنگر محقر خود چنین انشاء می‌کنم. ملت! بدانید که من خودم با چشم بصیرت این راه را انتخاب نموده، و گام در این راه نهادم؛ و عاشقانه به جبهه آمدم. [...] ^{۱۷} در

۱۴. در اصل: در.

۱۵. در اصل: خروشید.

۱۶. ناخواناست.

۱۷. ناخواناست.

قرآن می‌خوانیم، که خدای تعالی می‌فرماید حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً^{۱۸} بجنگید تا رفع فتنه در عالم. پس نه کسی باعث آمدن من به جبهه شده، و نه [...] ^{۱۹} باعث شد؛ و نه برای پست و مقام و به دست آوردن ریاست به جبهه آمدم؛ بلکه چون عاشق این راه بودم، و عاشق لقای الله بودم به جبهه آمدم؛ تا این که دین خدا [را] از این طریق یاری کرده باشم. ملت ایران! دشمنان اسلام از هر طریق می‌خواهند به ما ضربه بزنند؛ ولی شما باید بیدار باشید تا حيله‌های دشمن [را] به هر طریقی که شده، خنثی و نقش بر آب بکنید. خداوند ما مستضعفان را وارثان زمین قرار داده است؛ هم اینک، که ما ملت ایران وارثان حقیقی زمین هستیم، باید که قدر و منزلت خود را بدانیم؛ و خدای عز و جل به ما لطف کرده و نعمتی هم‌چون اسلام و رهبری چون امام در اختیارمان گذاشت. پس بر ما لازم و واجب است که از این در گران، گرچه با قیمت جان‌مان هم که شده حفظ و حراست بکنیم. [...] ^{۲۰} با جنگ‌مان در سنگر [و] جبهه و شما با [...] ^{۲۱} در پشت جبهه شهر ما، دست در دست هم نهیم؛ و تا نابودی دشمن به رزم بی‌امان‌مان ادامه خواهیم داد. حسین (ع) در کربلا غریب بود، و اینک [...] ^{۲۲} نیز غریب است. امام حسین (ع) در ظهر عاشورا ندا داد: هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي^{۲۳} [ولی] کسی جوابش [را] نداد؛ اما ما اینک به ندای حضرتش لبیک گفته‌ایم، و راه سرخ شهادت را که امام حسین (ع) استادش بوده است؛ تا سر حد جان پیش خواهیم برد. ملت ایران! از امام جدا نشوید [و] کاری نکنید که قلب امام، ناراحت شود. شما باید همیشه باعث خوشحالی امام باشید. جبهه‌ها را خالی نگذارید. پدرها و مادرها! از آمدن فرزندان‌تان به جبهه جلوگیری نکنید. در آمدن‌شان نیز مشوق آن‌ها باشید. اما شما جوان‌ها! باید مثل علی‌اکبر حسین (ع)، که جانش را برای سلام و قرآن فدا نمود، ما هم [باید] جان‌مان را فدای دین و قرآن بکنیم؛ باید که ادامه‌دهنده راه علی‌اکبر حسین (ع) باشیم. ما نسل جوان باید عامل پیشرفت این انقلاب و نهضت اسلام باشیم. خدا

۱۸. بخشی از آیه ۱۹۳، سوره بقره: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ: با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین مخصوص خدا شود پس اگر دست برداشتند تجاوز جز بر ستمگاران روا نیست».

۱۹. ناخواناست.

۲۰. ناخواناست.

۲۱. ناخواناست.

۲۲. ناخواناست.

۲۳. جمله معروف امام حسین در روز عاشورا: «آیا کسی هست که مرا یاری کند»؟

را شکر، که عمر ما را در موقعی قرار داد، که از نعمتی چون اسلام برخوردار هستیم. پدرم! مادرم! خواهرم! برادرم! همشهریم! همکلاسیم! ووو...! ما همه موظف هستیم که این انقلاب را بدست صاحب اصلیش یعنی بقیه‌الله الاعظم مهدی موعود (عج) بسپاریم. اما شما ملت غیور و شجاع بندرعباس! حضور خود را بیشتر در صحنه اعلام کنید؛ و کمک‌های بی‌دریغ خود را به جبهه‌ها قطع نکنید. مساجد را خالی نگذارید و سنگر [نماز] جمعه و جماعت^{۲۴} را بیش از پیش تقویت کنید. با ضد انقلاب خارجی و داخلی، محتکرین، گران‌فروشان و قاچاقچیان با قاطعیت برخورد کنید؛ و جلوی این گونه افراد را بگیرید؛ و در جا خفه‌شان بکنید، جبهه را خالی نگذارید، و در خط اصیل روحانیت مبارز حرکت کنید. پدرم و مادرم! من شما را به خدا سپردم و به جبهه آمدم. من عاشقانه آمدم در جبهه؛ من به عشق مولایم حسین (ع) و لقای یار آمدم در جبهه. مادرم و پدرم! من امانتی بودم در دست شما، و حال اگر صاحب امانت، امانت را پس گرفت هیچ ناراحت نباشید؛ زیرا سرانجام همه مرگ است، و چه بهتر که مرگ ما باعث افتخار و عزت برای اسلام باشد؛ و اگر شهید شدم ناراحت نباشید؛ [و] برای رضای خدا این مصیبت را تحمل کنید. پدرم و مادرم! می‌دانم در این دوران کوتاه عمر، فرزند خوبی برای شما نبودم، و نتوانستم آن‌طور که باید و شاید وظیفه‌ی فرزندى را نسبت به شما ادا کنم؛ پس به همین خاطر از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید، و از تقصیرات من در گذرید. پدر و مادرم! می‌دانم که هر پدر و مادری برای فرزندش آرزویی دارد، اما من به آرزویم، که همانا سعادت باشد رسیدم. والدینم! عقد و عروسی من زمانی است که، تیر دشمن، قلب کوچکم را پاره کند و نقل مجلس عروسی‌ام، ندای تکبیر لا اله الا الله یا حسین (ع) و یا زهرای مردم، بر سر تابوتم می‌باشد. و عروس من که نیکوترین عروس‌هاست^{۲۵} یعنی شهادت، می‌باشد، و حجله‌ی من دل‌گرم و تاریک خاک خواهد بود. پس اگر خواستید اشکی بریزید به یاد مظلومیت و بی‌کسی ابا عبدالله (ع) بریزید. و در آخر این که هر چه شما کردید و اسلام و قرآن تا آخر عمر از اسلام و قرآن و امام امت دست بردارید. از کلیه‌ی برادرانم و خواهرانم و قوم و خویشان و دوستان حلالیت می‌طلبم. و این که خواهرم حجاب تو کوبنده‌تر از خون

۲۴. در اصل: جماعات.

۲۵. در اصل: عروسی.

شهید است. پس خواهرم! حجابت، حجابت، حجابت. خواهرم! باید که زینب وار، راه همه شهیدان را ادامه دهی و پیامم را به گوش جهانیان برسانی. از کلیه افراد محله و فامیل و بستگان، اگر از حقیر بدی دیده‌اند عذرخواهی می‌خواهم، و حلالیت می‌طلبم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

والسلام علیکم والرحمه‌الله و برکاته

عبدالرضا مریدی

امضاء^{۲۶}

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^{۲۷}

عمرم به فدای یک لحظه عمرت ای امام. نگویند که اسلام برای ما چه کرده، شما برای اسلام چه کرده‌اید؟

با سلام پیشگاه مقدس ولی عصر منجی عالم بشریت صاحب‌الزمان (عج) و نایب برحقش امام خمینی، امید مستضعفان جهان و با درود بر رزمندگان دلیر و شجاع، و با سلام بر شهیدان، مفقودین و معلولین [و] اسراء. و با درود و سلام بر شما امت شهیدپرور. وصیت‌نامه‌ام را آغاز می‌کنم. وصیتی به دوستان و امت شهیدپرور دارم، صبر پیشه کنید^{۲۸} و پیرو امام باشید^{۲۹} و به ندای امام لیبک بگویید^{۳۰}؛ جبهه‌ها را فراموش نکنید و راه شهیدان را ادامه دهید، که همانا راه حسین بن علی (ع) است. و وصیتی که به خانواده دارم، ای پدر عزیز و مادر مهربان! شما در هدایت من، دو چشم بودید برای من شما که مرا مسلمان و آزاده تربیت کردید، و من همیشه خوشحال بودم، و خدا را شکر می‌کردم، که در یک خانواده مسلمان بزرگ شده‌ام؛ و توفیق

۲۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۲۷. آیه ۱۵۶، سوره توبه: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم».

۲۸. در اصل: کنند.

۲۹. در اصل: باشند.

۳۰. در اصل: گویند.

پیدا کرده‌ام^{۳۱} و توانستم در راه اسلام قدمی بردارم و من این توفیق را مدیون زحمات شب و روز شما می‌دانم. و اکنون بدانید که مژده‌ای بس بزرگ، برای شما رسیده است و آن این که^{۳۳} فرزند شما، که هدیه‌ای از طرف شما بوده است، خدا پذیرفته است؛ و چه افتخاری بزرگ‌تر از این! و از تمام شما خواهش می‌کنم، که در مرگ من گریه نکنید و [اگر گریه کردید]^{۳۴} گریه شوق باشد اگر مراسمی برای من گرفتید^{۳۵} ساده باشد. و به جای این که برنامه عزا باشد، لطف کنید شیرینی و شربت بدهید، و چراغانی کنید، و همیشه شاد و خرم باشید. ذکر خدا بگویید من از خداوند بزرگ توفیق شما را خواهانم، و از شما می‌خواهم اگر شما را اذیت کرده‌ام مرا حلال کنید. و اما شما برادر گرامی! که در تربیت من نقش موثری داشتید، امید است مرا ببخشید. من همیشه به یاد شما بودم و برای یک یک شما آرزوی موفقیت می‌کنم؛ و ان شاء الله خداوند به شما توفیق عنایت کند، که بتوانید خط شهدا را ادامه دهید؛ و هم‌چنین پشتیبان امام باشید، و در خط ایشان باشید؛ که به یقین خط اسلام است. و شما خواهران مهربان! از شما می‌خواهم که با برادر شهید خود، همان‌طور عمل کنید که زینب (س) عمل کرد؛ و از شما تقاضا می‌کنم که در مرگ من گریه نکنید و خوشحال باشید، که لطف الهی شامل حال خانواده ما شده است. در خاتمه از والدین گرامی و خواهران و برادرانم تقاضا می‌کنم که مرا حلال کنند^{۳۶}؛ امیدوارم که در عوض، فضل خداوند تبارک و تعالی نصیب‌تان شود. امام و رزمندگان را دعا کنید و پشتیبان روحانیت باشید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

والسلام علی من التبع الهدی

وصیت‌نامه برادر الحقیق عبدالرضا مریدی

۳۱. در اصل: پیدا کردم.

۳۲. در اصل: که.

۳۳. در اصل: اینک.

۳۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «اگر گریه کردید» باشد.

۳۵. در اصل: گرفتی.

۳۶. در اصل: کنید.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بشارت است که هر کس شهادت اسلام اجاباً - حکومت
مرکز استان شیراز را بپذیرد و بداند که من شرفی ان النفس الامارة بالسوء الا ما رحم ربی
الربی ای اعوذ بک من شرفی ان النفس الامارة بالسوء الا ما رحم ربی
واعوذ بک من شر الشیطان الذی یزوی ذنباً الی ذنبی

ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتح الله لخطبة اولیائیک
جهاد در راست از در ما بهشت که خداوند که در راه پروردگارش خود را فدا کند
از اینکه خداوند تعالی داد که جفا رفتن باشیم جفا که ما را با شما همب کنیم و
خداوند تعالی را از اجابتات باشیم منی ما تعالییم
هدف از مزاحمت چون تکلیف شرعی خود دانستیم

همینطور که من دانسته ام سال پیروزی است این سخن امام است
خداوند اراده فرموده که این کلمات الهام گرفتند عینی امام را تحقق بخشید و شفقت
نور این پیروزی نمایان است از اول اصل تاکنون که پیروزی و پیروزی در راه
المن بوده است والفقره که بلای که بر ما آمد که بر ما آمد که بر ما آمد که بر ما آمد
و بعد شکست و ضعف و خداری که خداوند تعالی بر ما کرد که بر ما کرد که بر ما کرد
خود نموداری از این واقعیت است برادر ما میزند برای تک فتح سرافراشته ساز
آماده است و چشمتها متوجه سبیلی که بناست جاری شود در همه سدها را در
هم بکنند و این بنا هستند و همه چشمتها نگران مظلومان را میدار اما
به شهادت شده خداوند اراده فرمود که به شکستها و تاقتها را با جبهه نصیب
در شلاق خود تاریخ میگذرد بر از بعد این بنا ذوب کند برادران بیایید
همین کنیم به سوی او.

اگر ما مقلد امام هستیم و شیعه رسالت امام هستیم امام فرمودند آنهایی
که توان دارند باید به جبهه بروند یعنی آنهایی که قدرت عمل صلاح را دارند
باید به جبهه بروند یعنی واجب است که به جبهه بروند و آیا شما توان ندارید
اول امام من گفت که مسجد من است و هر سه معنی است و با سنگها را مفضل





مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

حسین شکرمان افغانی بود که جنگ اینقدر طول کشید
 حدیثی بود داشتیم مجبور شدیم که هر سال یک مرتبه جدا کنیم و این
 ششماه بدیم و بعد مملوک که سال صب سبیل میای بی دشمن رده ایم که بی آن صورت
 کاری نبوده و دربارن به گشته است و که آنجا ما باید چنان سطلی بی دشمن
 میزنیم که دیم شقانه به دستش را بر گردانده برادر این عملیات عملیات سر زشت
 سازی است صلیبه نفا جسم بد نیال من و ته است که عملیات سر زشت ساز
 با انصام دهیم بیاید با مرکبات تلب امام را شاد کنیم ^ش ۴۵۴
 برادران اگر نتوانید در این عملیات شرکت کنید بعد پیشینگی شوید و آن
 مدتی هسته جوش که به یک پیشینگی دیم بدون نداد
 و امام هر دو دند که اگر یکی از فرماندهان نظامی اعلام کنند که جبهه نیاز به شاد دارد
 واجب که شرکت کنید و تمام سلیمانی فرماندهان محترم لشکر در سفزانی خود ایراد کردند
 و گفتند که من به عنوان یک فرمانده نظامی اعلام می کنم که به تک تک شما نیاز دارم
 ان میدانان مبادا در عظمت بهیر یه که علی در مصاب عبادت شوهیه شد
 مبادا در حال بی تفاوتی بهیر یه که علی اکبر حسین ^ع در راه حسین (ع) و با هدف شوهیه شد
 ای مادران مبادا از رفتن فرزندان شما به جبهه جلو گیری کنید که خدا
 در محضر خدا من ندانید جواب رایتب را به هیده که تحمل ۷۲ شهید را نمود
 سه مثل خاندان و صب جوانان شما به جبهه جان بفرستید و حتی جسد او را



مرکز اسناد ایثارگران

و هم اینک که باید تا میز راه را در پیش می‌رویم و در آن پیش قدم شهادت
 آرام بگیریم و وصیت نامه را در میان و در کنار سنگ محقر خود چنین انشاء
 می‌کنیم ملت بداند که من خدمت با پیشم بصیرت این راه را اشتیاق می‌کنم
 و تمام در این راه شهادت می‌بخشیم به جبهه آدم چون در قرآن می‌خوانیم
 که خداوند تعالی می‌فرماید (حَقُّ الْاَوَّلُونَ اَوَّلُهُمْ) بعد از آن تا رفع فتنه در عالم
 پس نماند باقی آدمی من - جبهه را در راه با هم می‌شوند و هر یک است و تمام
 به دست آوردن و با است به جبهه آدمی که چون عاشق این راه بودم و عاشق
 عشای الله بودم به جبهه آدمی تا اینکه این خدا از این طریق یاری کرده باشد
 ملت ایران دشمنان اسلام از هر طریق می‌خوانند به ما همه بفرستند و می‌خواهند
 بیدار باشند تا آنکه صلواتی دشمن به هر طریق که شده باشد و حق نفسی بر آب کشید
 خدا ندانم مستضعفان را در ارضان زمین چرا داده است هم اینک که ملت ایران
 دارند و حقیقی را من می‌بینم با دیده ناز و نگرانی خود را بدانیم و خداوند عزوجل به ما
 لطف کرده و نعمتی همچون اسلام و بهر می چون امام در اختیار ما گذاشت
 پس بر ما لازم و واجب است که از این در شان گریز با قیامت ما همان هم که شده
 حفظ و حراست کنیم ما با از همان با دشمنان در سنگ جبهه و شایا بیدارستان خود را نشان
 در پیش جبهه و شکر ما دست در دست هم می‌نهییم و تا آنجا که دشمن به روز می‌آید
 از خدا امید دلم من در هر بلا می‌باید رود و اینک خبری که نیز غریب است
 حسن (ع) در نظر عاشقان خدا داد «هل من ناصر ینصرنی» هر کس تو باشی نجات



مرکز مطالعه و پژوهش قرآنی

۳۲

اسما ما ایند به ندای حضرتش کبر گفتیم و راه سر فر شهادت را که حسن (ع)
 استادش بوده است تا هر چه جان پیش فدا کنیم بر دولت ایران از امام خدا
 نشوید کاری کنید که قلب امام ناراحت شود شما باید همیشه باعث خوشحالی
 امام باشید. جبهه ما را عالی نگذارید پدر ما فدا کرد ما از آمدن فرزندانمان به
 جبهه جلو گیرن کنید در آتششان نیرملوک آنها با الله اما شما همه آنها باید مثل علی
 اکبر حسین که جانش را برای اسلام و قرآن فدا نمود ما هم جانمان را فدای
 دین و قرآن کنیم باید که ادا شده باشد راه علی اکبر حسین (ع) باشیم ما مثل مویان
 باید عامل پیروفت این انقلاب و نهضت اسلام باشیم خدا را شکر که عمر ما را در
 مدعی قرار داد که از نعمت حق اسلام بر ضرور در هستیم پدرم مادرم فدا کردم
 برادریم همسریم همکلاسیم و دو ماهه و همه مدظف هستیم که این انقلاب را بدست





مرکز اسناد و ایثارگران

صاحب اهل بیت یعنی بقیة الله الا اعظم مهدي (عج) بسیاریم اما شما ملت
 غیر و شیعیان بجز عباس حضور خود را بیشتر در همه اعلام کنید و کنگرایی بدین
 طرز با وجهی واقعه کنید مساجد را خالی نگذارید و سنگ جبهه و جامعیت را بیش
 از پیش تقویت کنید با همه انقلاب خارجی و داخلی - محترمین - گرانمایگان
 و قاضی معینان با قاطعیت هر طرفه کنید و جلوس اینگونه افراد را بگیرد و در جا
 خفه شان کنید جبهه را خالی نگذارید و در خط اهل بیت مبارزین
 کنید پدرم مادرم من نماز بخدا بپردازم و به جبهه آدم من عاشقانه آدم در جبهه من
 به عشق مولایم حسین و نقاش یار آدم در جبهه مادرم و پدرم من امانتش بودم در دست

~~...
 ...
 ...~~

۴



مرکز مطالعه و پژوهش قرآنی

شما و حال آنکه صاحب امانت امانت را پس گرفت هیچ ناراحت نباشید زیرا
 سر انعام همه صاف است و چه بهتر که هر که ما باعث افتخار و عزت برای
 اسلام باشد و اگر شهید شدیم ناراحت نباشید برای رضای خدا این مصیبت را
 تحمل کنید بدوم و مادام که می دانم که در این دوران که شاه عمر فرزند خوبی
 برای شما نبودم و نفعی نداشتیم آنطور که باید و شاید وظیفه فرزندان را نسبت
 به شما ادا کنیم پس همین مامله از شما می خواهیم که مرا حلال کنید و از تقصیرات من
 در گذرید بدوم و مادام که می دانم که هر چه در ما در این فرزندان دارم
 اساس بر آن روزیم که همانا سعادت با ما رسیدیم والدینم عقد و عروسی من زمانی
 است که شیر دهن قلب که چشم را بپاره کند و نقل مجلس عروسی ام ندانم تکبیر
 و الحمد لله یا حسین و یا نظای مردم بر سر تابوت من باشد و من من که کینه را
 در سینه است من استادم را با الله و صلوات بر او باد





مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مروسیهاست بیسی سعادت من با لگه و جبهه من دل گرم و تار و پود خاک خواهم بود
 پس اگر خواستید امشب بریزید به یاد مظلومیت و بی کسی ابابعد الله بریزید در آخر
 اینکه هر چه بنام دیده اسلام و عز آن تا آخر عمر از اسلام و عز آن و امام است دست
 بر نذارید از کلیه برادرانم و فداها من و قوم و وطنم و دوستان خدا لیت من طلبم
 و اینکه فدا هم جنابت که بدیدم از فتن شهید است پس فدا هم جنابت
 جنابت جنابت فدا هم باید که زینب وار راه همه شهیدان را ادامه دهم و پیام را بگویم
 جهانبیان برسانی از کلیه امر اجداد و ما قبل و بیشتر از از ضمیر من دیده اند عزیزانم
 و خلاصت من طلبم وصیت نام الفقیر محمد الهام یار
 فدا یا فدا یا یا انقلاب مهدی ضعیفی لا اله الا الله و سلام علیکم رحمه الله و
 بر کاتبه



کد شناسایی: ۱۷۰۱۸۴۰

کد بایگانی: ۶۵۳۴۴۱۸

نام: عبدالرضا

نام خانوادگی: مریدی

نام پدر: فخرالدین

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۱/۰۱

ش.ش: ۱۵

محل صدور شناسنامه: بندرعباس

تاریخ شهادت: ۶۵/۱۲/۱۹

نوع حادثه: حوادث مربوط به جنگ تحمیلی

شرح حادثه: حوادث ناشی از درگیری مستقیم با دشمن - توسط دشمن در جبهه

استان: بنیاد شهید استان هرمزگان

شهر: اداره بنیاد شهید بندرعباس

وصیت نامه: بسم الله الرحمن الرحيم

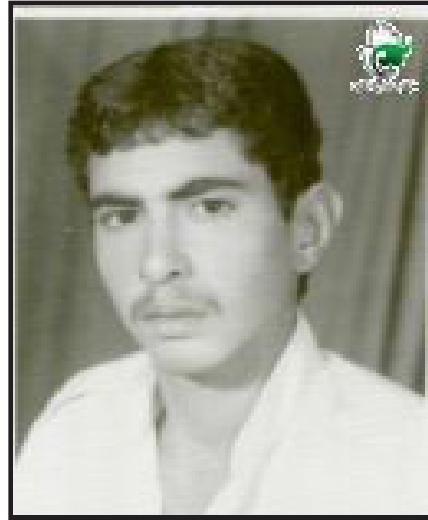
انالله وانا اليه راجعون

عمرم به فدای یک لحظه عمرت ای امام، نگویید که اسلام برای ما چه کرده شما برای اسلام چه کرده اید؟ با سلام به پیشگاه مقدس ولی عصر منجی عالم بشریت صاحب زمان (عج) و نایب برحقش امام خمینی امید مستضعفان جهان و با درود بر روزندگان دلیر و شجاع و با سلام بر شهیدان مفقودین و معلولین، اسرا و با درود و سلام بر شما امت شهید پرور و صیبتامه ام را آغاز می کنم. وصیتی که به دوستان امت شهید پرور دارم صبر را پیشه کنید و پیرو امام باشید و به ندای امام لبیک گویند جبهه ها را فراموش نکنید و راه شهیدان را ادامه دهید که همان راه حسین بن علی (ع) است و وصیتی که به خانواده ام دارم. ای پدر عزیز و مادر مهربان شما در هدایت من دو چشم بودید برای من شما که مرا مسلمان و آزاده تربیت کردید و من همیشه خوشحال بودم و خدا را شکر می کردم که در یک خانواده مسلمان بزرگ شده ام و توفیق پیدا کردم که توانستم در راه اسلام قدمی بردارم و من این توفیق را مدیون زحمات شب و روز شما می دانم و اکنون بدانید که مژه ای بس بزرگ برای شما رسیده است و آن اینست که فرزند شما که هدیه ای از طرف شما بوده است خدا پذیرفته است و چه افتخاری بزرگتر از این و از تمام شما خواهش می کنم که در مرگ من گریه نکنید و گریه شوق باشد اگر مراسمی برای من گرفتی ساده باشد و به جای اینکه برنامه عزا بشود لطف کنید شیرینی و شربت بدهید و چراغانی کنید و همیشه شاد و خرم باشید ذکر خدا بگویید من از خداوند بزرگ توفیق شما را خواهانم و از شما می خواهم اگر شما را اذیت کرده ام مرا حلال کنید. و اما شما برادر گرامی که در تربیت من نقش موثری داشتید امید است مرا ببخشید من همیشه به یاد شما بودم و برای یک یک شما آرزوی موفقیت می کنم و انشاء... خداوند به شما توفیق عنایت کند که بتوانید خط شهدا را ادامه دهید و همچون پیشینیان امام باشید و در خط ایشان باشید که به یقین خط اسلام است و شما خواهران مهربان از شما می خواهم که با برادر شهید خود همانطور عمل کنید که زینب (س) عمل کرد و از شما تقاضای کنم که در مرگ من گریه نکنید و خوشحال باشید که لطف الهی شامل حال خانواده ما هم شده است. در خاتمه از والدین گرامی و خواهران و برادرانم تقاضای کنم که مرا حلال کنید امیدوارم که در عوض فضل خداوند تبارک و تعالی نصیبتان شود. امام و روزندگان را دعا کنید و یشتیبان روحانیت باشید.

والسلام علی من اتبع الهدی. وصیت نامه برادر الحقیق عبدالرضا مریدی.

ملاحظات:

محمد مریدی



نام: محمد

نام خانوادگی: مریدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۰۵/۰۳

محل تولد: روستای ناتردان از توابع شهرستان

بندرعباس

نام پدر: حسین

نام مادر: رقیه

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۰۶/۲۹

محل شهادت: جزیره مجنون عراق

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر و گوش

محل دفن: روستای ناتردان از توابع شهرستان

بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ پیامم به مردم شهیدپرور این است که امام را تنها نگذارند و راه شهدا را ادامه دهند و جبهه‌ها را خالی نگذارند.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۲/۰۴/۳۰

اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ خُدا را خدا را درباره قرآن، نیاید که دیگران در عمل به آن از شما پیشی جویند. اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ خُدا را خدا را در باره نماز، که نماز عمود دین شماست. اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خُدا را خدا را در باره جهاد با اموال و جان و زبان‌تان در راه خدا!

وصیتم به مادر مهربانم، این است که مادر جان! شما حق زیادی بر^۲ گردن من دارید و من قابل آن نیستم که ادا^۳ کنم، شما به^۴ بزرگی خودتان مرا به بخشید و [...] حلال کنید. و پیامم به مردم شهیدپرور این است که امام را تنها نگذارند و راه شهدا را ادامه دهند و جبهه‌ها را خالی نگذارند. و پیامم [به] خانواده^۵ ام این است که بچه‌هایم را اسلامی بار بیاورند^۶. پیامم به خواهرانم^۷ و برادرانم این است که همیشه امام را دعا کنند و همیشه در فکر مال و جاه و مقام نباشند. همیشه به یاد خدا باشید [...] چون زر و زیور دنیا آدم را از خدا بی‌خبر می‌کند. در پایان خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

محمد مریدی از روستای [...]!

۱. فراز رساله الحسین نهج البلاغه.

۲. در اصل: در.

۳. در اصل: عدا.

۴. در اصل: از.

۵. «مرا» حذف شده است.

۶. در اصل: خانه واده.

۷. در اصل: آرد.

۸. در اصل: خاهرانم.

۹. «که» حذف شده است.

۱۰. ناخواناست.

(وصیت نامه)

پادشاه هرمز مریدی

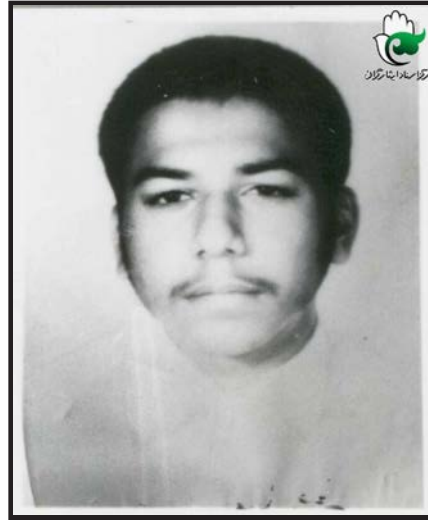
۱۳۶۲/۴/۳۰

بسم الله الرحمن الرحیم

اللَّهُ اللهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْتَقِيمُ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُهُمْ... فدای خدا را فدای خدا را در بندگی
 قرآن مباد که بیگان در عمل بر شما پیش میزنند. اللَّهُ اللهُ فِي الصَّلَاتِ فَأَنْتُمْ
 محمود دینتان... فدای برای خدا را در باره نماز پیش بدینکه آن ستون دینی شماست
 اللَّهُ اللهُ فِي الْحُرِّ دِيَاعُوا لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالسُّنَنِ فِي تَسْبِيلِ اللَّهِ...
 فدای برای خدا را در باره حُرّی در راه مباد ارا که ها و جانوری و زبانهای بیانی...
 و صمیمیت مادر مهربانم این است که مادر جان شما حق زبانی در گردن من دارید
 و صد قابل آن نیستیم که عدالت شما از بزرگی خودتان مرا بچسبید و مرا اعلان
 و پیام مردم کنید بیور ایران این است که امام راستی نندارند و راه
 گذار را ادامه دهند و جنبه هارا خالی نندارند... و پیام به خانوادهم
 این است که بجز عم را کسی بیار کرد... پیام به خانواده ام و بیاد در انم
 این است که همیشه امام را دعا کنند و همیشه در فکر مال و جاه و مقام نباشند
 همیشه بیاد فدایا کنید که چون زور و جور دنیا آردم از خدا بی خبر می نند
 در ایام فدایا فدایا تا انقلاب مهدی خمینی را گذارند و محمد مریدی از زوایان

۱۳۶۳

مهران مریدی زاده



نام: مهران

نام خانوادگی: مریدی زاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱۲/۲۳

محل تولد: شهرستان آبادان

نام پدر: محمد

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: دانش آموز سوم متوسطه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۵/۱۶

محل شهادت: فلاویزان

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر

محل دفن: شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

◀ ارزش هر کاری بستگی به نیت آن دارد ما باید سعی کنید که نیت مان را خالص کنیم هر کاری را فقط به خاطر رضای خداوند جل جلاله انجام دهیم قلب مان را پاک کنیم عصمت و پاکی باشید اگر چنین شد روز قیامت در صحرای محشر خداوند عز و جل با انسان مهربانی ها دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

این حسین کیست که عالم همه دیوانه‌ی اوست

این چه شمعی است که جان‌ها همه پروانه اوست

رحمت و درود خداوند تبارک و تعالی بر حضرت ولی عصر حجه بن الحسن العسگری «روحی و الرواح العالمین لثراب مقدمه الفداه» باد که نایب کبیرش، آزمایش الهی را کامل گردانید هر چند شیفتگان و عاشقانش راه سوگ هجرانش به ماتم می‌نشانند و از این راه آنان را وارد دو حرم مطهر و مقدس کرد که فقط دل‌باختگان و عاشقان در آن راه را دارند و سلام بی‌کران بر جد بزرگوارش حضرت امام حسین (ع) باد که دلسوختگانش همچو پروانه به دور شمع وجودش حلقه زدند و جان‌شان را عاشقانه در کربلای مطهرش به زمین ریختند تا درسی به ما شیعیان حسین (ع) بدهند که هیچ نعمتی بزرگوارتر از شهادت نیست.

گویا هنوز ندای هَلْ مِنْ نَاصِرٍ یَنْصُرُنِی^۱ امام حسین (ع) در دشت کربلا طنین‌انداز است که آیا کسی هست که مرا یاری کند. لبیک، لبیک، یا حسین مظلوم (ع)، لبیک چیزی برای وصیت ندارم ولی نکاتی را از باب تذکر، ذکر می‌کنم.

ارزش هر کاری بستگی به نیت آن دارد ما باید سعی کنیم که نیت‌مان را خالص کنیم هر کاری را فقط به خاطر رضای خداوند جل جلاله انجام دهیم قلب‌مان را پاک کنیم [...]»^۲ عصمت و پاکی باشید اگر چنین شد روز قیامت در صحرای محشر خداوند عز و جل با انسان مهربانی‌ها دارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

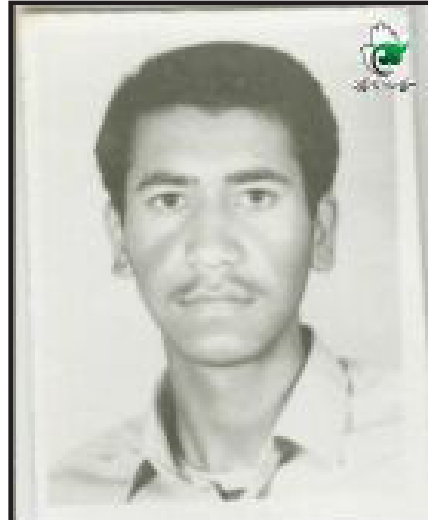
مهران مریدی زاده - ۱۳۶۲/۰۵/۰۳ - امضاء^۳

۱. جمله معروف امام حسین در روز عاشورا: «آیا کسی هست که مرا یاری کند»؟

۲. ناخواناست.

۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

حسین مسعودی



نام: حسین
نام خانوادگی: مسعودی
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۲/۰۱
محل تولد: روستای سلطان آباد تابعه شهرستان حاجی آباد
نام پدر: غلامعباس
نام مادر: فاطمه
شغل: معلم
تحصیلات: پایان دوره کاردانی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۱/۰۴
محل شهادت: ام الرصاص عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
محل دفن: روستای سلطان آباد

گلچین وصیت نامه

- ◀ حجاب خود را حفظ کند و زینب گونه زندگی کند و اخلاق و رفتار فاطمه زهرا (س) را الگو و سرمشق رفتار و کردار خود قرار دهد.
- ◀ پیامم به دانش آموزان این است که سعی و تلاش کنند و علم کسب کنند و نیازهای این مملکت اسلامی را برآورند تا این کشور در تمامی زمینه‌ها خودکفا شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^۱

در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مال‌شان را به [بهای] این که بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است. (قرآن کریم سوره مبارکه توبه آیه شریفه ۱۱۱)

حمد و سپاس خدای را که تمام هستی و از جمله انسان را آفریده و همه نعمت‌ها را برای ما آفریده و سلام به تمامی انبیاء الهی از آدم تا خاتم (ص) و سلام به ائمه اطهار (علیهم السلام) بالاخص سلام به پیشگاه تنها منجی بشریت، رهبر حق و حقیقت مولانا اعظم حجه من الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه شریف) و سلام و درود به نایب برحقش رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، این بت‌شکن قرن و قلب تپنده مسلمانان و مستضعفان و محرومان جهان امام خمینی (مدظله‌العالی) و سلام و درود فراوان به تمامی رزمندگان و کفرستیزان سنگر توحید و حق علیه باطل که برای حفظ اسلام و قرآن می‌جنگند و همه چیز خود را در راه اسلام می‌دهند و درود و سلام بی‌کران به ارواح پاک و طیبه

۱. آیه ۱۱۱، سوره توبه: «خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموال‌شان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ».

شهیدان اسلام از صدر تا کنون بالاخص شهدای کربلای حسینی و شهدای کربلای ایران و سلام فراوان به شما امت حزب الله و همیشه در صحنه ایران بویژه شما مردم سلطان آباد.

با نام و با یاد خدا و برای خدا وصیت نامه خود را به شرح زیر می نویسم:

اول این که خدا را شکر می کنم که خداوند این توفیق را نصیب فرمود که در طول چند سال جنگ حق علیه باطل به جبهه بیایم و در صف مجاهدین فی سبیل الله قرار گیرم. ان شاء الله که امام زمان مرا بعنوان سرباز کوچکی از سربازان خود بپذیرد. من بارها دلم می خواست که به جبهه بروم و این تکلیف و وظیفه بزرگ الهی یعنی دفاع از اسلام و مبارزه در راه خدا را انجام بدهم اما موفق نمی شدم و لیاقت و شایستگی این امر مهم را پیدا نکرده بودم تا این که برای دومین بار موفق شدم که به جبهه بیایم و مخصوصاً در عملیات بزرگ و سرنوشت ساز شرکت کنم.

هر کس که صدای مرا می شنود بداند که من با آگاهی کامل و با اختیار این راه را انتخاب کرده ام و در عملیات علیه کفر شرکت کرده ام و خود را برای جان نثاری برای خدا و حفظ اسلام و مسلمین و قرآن و گسترش احکام اسلام در سطح جهان آماده کرده ام و هیچ گونه اکراه و اجباری در کار نبوده است. من با چشمی باز و با قوهی تفعل و فکری که خدا در اختیارم قرار داده، این راه را تشخیص دادم که حق است و پا در این راه نهاده ام و دفاع از کشور جمهوری اسلامی، که [در] حقیقت دفاع از پایمال شدن حقوق این ملت و دفاع از نابودی اسلام و قرآن است و امام هم فرمودند که امروز دفاع از اسلام واجب الهی است و نیز فرمودند که هر کس می تواند باید به جبهه برود و هر کس نمی تواند باید در پشت جبهه کمک کند و گفتند که این یک تکلیف الهی است و بر همه لازم و واجب است لذا به گفته امام و رهبرم لبیک گفته و این دفاع را وظیفه و تکلیف خود دانسته و در صدد انجام آن برآمدم.

پدر و مادر بزرگوار و مهربانم! هر چند که داغ فرزند جوان بر والدین سخت و گران است و می دانم از این که دیگر مرا نمی بینید بسیار نگران می شوید و گریه و زاری می کنید اما

می‌خواهم از شما که صبر را پیشه خود سازید. چرا که قرآن می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ^۲ خدا با صبرکنندگان است و نیز خداوند صابرين را دوست دارد. و می‌خواهم که این مصیبت خیلی کوچک را با مصیبت‌های امام حسین (ع) و زینب (س) مقایسه کنید آن وقت می‌دانید که این قطره‌ای، در مقابل دریا است. پدر و مادر جان و برادران و خواهرم! این یکی از آزمایشات الهی است، سعی کنید که از عهده این امتحان خوب برآیید مبادا کاری کنید که دشمنان اسلام شاد شوند. من به عنوان امانتی در دست شما (پدر و مادرم) بودم پس خدای را شکر کنید که این امانت را به صاحبش تحویل داده‌اید؛ شما زحمت کشیدید و فرزند خود را بزرگ کردید و تربیت نمودید و حالا آن را در راه خدا و برای اسلام داده‌اید و این هیچ جای نگرانی نیست. من از شما تشکر می‌کنم که مرا خوب تربیت کردید و مرا پای منبر روضه حسینی بردید و آن‌جا برای امام حسین (ع) اشک ریختید و این اشک شما باعث شد که [در] روح من تأثیر بگذارد و مرا حسینی بسازد و دنباله‌رو حسین (ع) قرار دهد و نیز از شما کمال تشکر را می‌کنم که نام نیکوی حسین را بر من نهادید. ان‌شاءالله که توانسته باشم با دادن خونم در راه خدا و به عشق ابا عبد الله الحسین حق این اسم را ادا کرده باشم. از این که در این مدت ۲۰ سال عمر، که از خدا گرفتم، از زحمات شما که خواب و بیداری کشیدید و مرا با خون دل بزرگ کردید و نیکو تربیت کردید و مرا به مدرسه فرستادید و مقدمات کسب علم و معرفت را برای من فراهم کردید و ...، نتوانستم آن‌طور که شایسته بود قدردانی کنم و زحمات‌تان را جبران نمایم، معذرت می‌خواهم و از شما تقاضا دارم که مرا مورد عفو و بخشش خود قرار دهید و مرا حلال کنید؛ و نیز مادر جان! از شما تمنا دارم که شیرت را حلال کنی، اگر نسبت به شما بی‌احترامی کردم و نافرمانی کردم واقعاً مرا حلال کنید. از برادران عزیزم حسن! محسن! اکبر! رضا! اصغر و علی تقاضا دارم که مرا حلال کنند و نیز از آن‌ها می‌خواهم تا آن‌جا که می‌توانند به درس خود ادامه دهند و علم و معرفت کسب کنند، نماز را حتماً بپا دارید و قرآن را یاد بگیرید و به دیگران یاد بدهید و به آن عمل کنید. از خواهرم معصومه می‌خواهم که مرا حلال کند و هم‌چنین از ایشان می‌خواهم که حجاب

۲. بخشی از آیه ۱۵۳، سوره بقره: «همانا خدا با شکیبایان است.»

خود را حفظ کند و زینب گونه زندگی کند و اخلاق و رفتار فاطمه زهرا (س) را الگو و سرمشق رفتار و کردار خود قرار دهد. از تمامی اقوام و وابستگان خود و نیز از مردم سلطان آباد می‌خواهم، که مرا حلال کنند و از هر کس که حقی برگردن من دارد برایم حلالیت بطلبید. از دوستانم تمنا دارم که مرا حلال کنند و برای آمرزش گناهانم دعا کنند و شب‌های جمعه اگر توانستند سر قبرم بیایند و برایم قرآن بخوانند. پیام به امت حزب‌الله ایران مخصوصاً مردم حزب‌الله روستای مان این است که آن‌چه را که خدا دستور داده عمل کنند و به رهنمودهای امام امت گوش فرادهند و گول ضد انقلاب و رادیوهای بیگانه و منافقین را نخورند و برای طول عمر امام تا انقلاب مهدی دعا کنند و از کمک‌های جانی و مالی خود برای جبهه و دفاع از اسلام دریغ نورزند. قدر امام را بدانند و به حرف‌هایش گوش کنند، چرا که ایشان هر چه می‌گویند از خودشان نمی‌گویند بلکه کلام خدا و دستور خدا را می‌گویند و به نفع خود شماس. پیام به تمامی معلمین و همکارانم این است که در هدایت دانش‌آموزان و شادگران خود بکوشند. قلب کودک و نوجوان مانند لوح سفیدی است که چیزی در آن نوشته‌اند سعی کنید که آن را آلوده به گناه نکنید، و برای خدا کار کنید و خدا را بر اعمال خود حاضر و ناظر ببینید که اجر کارتان را پیش خدا می‌برید و جز خدا کسی نمی‌تواند پاداش این کار بزرگ شما را بدهد. پیام به دانش‌آموزان این است که سعی و تلاش کنند و علم کسب کنند و نیازهای این مملکت اسلامی را برآورند تا این کشور در تمامی زمینه‌ها خودکفا شود. هر موقع لازم شد در جبهه‌ها شرکت کنید. ۱۰۰ صد تومان به مسلم حاجی‌زاده اهل فارغان بدهکارم و ۱۰۰ صد تومان هم به قدرت‌الله غلام‌زاده اهل غیبی رودان بدهکارم بپردازید و نیز صد تومان هم در کیفم در چمدان است در امامزاده قلعه نو بگذارید. والسلام به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی و باز شدن راه کربلا و آزادی قدس. از همه التماس دعا دارم و حلالیت می‌طلبم. (۲) دوم دی ۱۳۶۵ هجری شمسی برابر با ۲۰ جمادی الاخر ۱۴۰۶ هجری قمری.



مرکز اسناد و انتشارات

۲۷۰ رشتی

۲۰

ی خواست که به جبهه مردم دین تعظیم و طهارت الهی یعنی دفاع از اسلام و سازه در راه خدا را انجام بدهم اما موفق نمیشدم و با وقت و شایستگی این احترام را پیدا نکردم بوم تا اینکه برای روایت با بر منویعی رسیدم که به جبهه ما هم مخصوصاً در محلات بزرگ و دینداران کثرت کم بود. در این راه هرگز نه صدای فرستنده بودم نه صدای پادشاه با آگاهی کامل و با اختیار این راه را انتخاب کرده ام و در محبتات عمیقتر شدم که در راه و خود را بر این جهان فانی بر خدا و حفظ اسلام و مسلمین و قرآن و سنت تراجمی که در این راه آمده ام هیچگونه انزوا و اجباری در کار نبوده است. من با چنین بازو با قوه عقل و فکر که خدا در اختیارم داده قرار داده این راه را تا مختصر دارم که حق است و با در این راه نه دارم و دفاع از کشور جمهوری اسلامی که در حقیقت دفاع از ایمان و تمدن حقوق این ملت و دفاع از نماز و قرآن است و با تمام هم و غم خود در این راه دفاع از اسلام از راه و اجابت الهی است و نیز فرمودند که هر کسی نتواند با دید به جبهه برود و عکس می تواند با دید در نهایت جبهه کند و مقتدر به این باب تکلیف الهی است و بر همه لازم و واجب است لذا به گفته امام و جبرم است گفته و این دفاع را وظیفه و تکلیف خود دانست و در عهد انجام آن برآمدم. پدید روم در بزرگوار و قدر با هم: هر چند که داغ فرزندان جوان بر والین سخت و مهران است وی دامن لذت نیست و در سر این سفید است زنگران می ننویسد و گریه و زاری می کنند اما می خواهم لذت که به جبهه را بدین احوال ازید هر که قرآن می فرماید ان الله مع الصابرين در خدا با صبر کنندگان است و نیز خداوند صابرين را در دست دارد. می خواهم که این مصیبت خلیع کوچک را با مصیبت بزرگ هم چینی ده، در شب رس، متاسفم که آن وقت می دانید که این صفتی که در مقابل دریا نیست پدید و در جهان بزرگوار و فواهم: این که از آزمایشات الهی است سعی کنید در آن عهد این امتحان خوب بر آید مبارک کاری کنید که دشمنان اسلام ناراحتند. من به عنوان امانت در دست شما (برویدم) بودم پس خدا را شکر کنید که این امانت را به صاحبش تحویل داده اند تا زحمت کشیدید و فرزند خود را بزرگ کردید و تربیت نمودید و حالا آن را در راه خدا و برای اسلام داده اند و این هیچ چیز نماند نیست: من از شما شکر می کنم که مرا خواب تربیت کردید و مرا پای منبر و صحنه حسین

والصالحین

حسین مسعودی

۶۵،۴۵۰،۷

۳۳



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
 تا شیر بگذارد و مرا حنیف بزند و در بنامه روح حسین قرار دهد و نیز از نماز کمال تشکر را
 می کنم که نام نیلوی حسین را بر من نبردید ان شاء الله که توانسته باشم با دادن خونم در
 راه خدا و به عشق اباعبدالله الحسین حق این اسم را ادا کرده باشم. از اینده در این
 مدت ۲۰ سال عمر که از خدا گرفتم، از زحمات شما که خواب و بیداری کشیدید و مرا با
 خون دل نبردگ کردید و نیلوی تربیت کردید و مرا به مدرسه فرستادید و مقدمات کتب علم و
 معرفت را برای من فراهم کردید و ... نتوانستم آنگونه که تاسیتم بود قدر دانی کنم و
 زحماتتان را جبران نمایم، معذرت می خواهم و از شما تقاضا دارم که مرا مورد عفو و بخشش خود
 قرار دهید و مرا حلال کنید و نیز مادر جان از شما می خادارم که مقبرت را حلال کنید، اگر



استیفات به کسی اعتراض کرده ام و با فرمانی مردم واقعا مرا حلال کنید



۴،
 مرکز اسناد و انتشارات مجلس شورای اسلامی
 تا آنجا که می توانند به دست خود ادا کنند و هم معرفت کسب کنند، نماز را قضا بیاورند و قرآن را
 یاد بگیرند و به دیگران یاد بدهند و به آن عمل کنند. از خواهم معصوم می خواهم که مراحل اولی که در حقیقت
 از انسان می خواهم به جای خود را حفظ کند و زینب گنجه زنده کند و اخلاق و رفتار خاصه زهرا (س) را
 الگو و سرمشق رفتار دیگران در خود قرار دهد.
 از تمامی اقوام و وابستگان خود و نیز از مردم سفیان آباد می خواهم که مراحل اولی که در حقیقت
 حقی بر سر زمین حق و دین بر امام جلالیت بطلبند.
 از دستهای شما می خواهم که مراحل اولی که در حقیقت بر سر زمین حق و دین بر امام جلالیت بطلبند
 سر قهرم بیاورند و برای قرآن بخوانند.
 پیام من به امت حزب الله ایران مخصوصاً مردم حزب الله روحانیان این است که آنچه را که خدا

۶۵،۲۴۵،۷



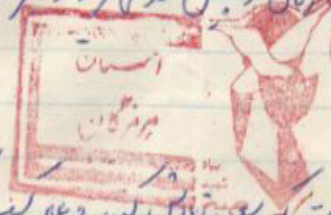
مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۱۰۱

۲۷ آرمی


دارد عمل کنند و به هم خود را بر امام است گوش فرا دهند و گوی صد انقلاب
 در راه خود کمر بستارند و منافقین را بخورند و برابر طول عمر امام تا انقلاب بیدار بمانند و
 از کجای جهانی و مالی خود برابر جبهه و دفاع از اسلام در بیخ نورزند . قدر امام را
 بدانند و به حرفهایش گوش کنند چرا که ایشان هر چه می گویند از خودشان نمی گویند
 بلکه کلام خدا و دستور خدا را می گویند و به نفع خودستایند .

پیامم به تمامی معلمین و همکارانم این است که در هدایت دانش آموزان و شاگردان
 خود بگویند قلب کودک و نوجوان مانند لوح سفیدی است که چیزی در آن
 نوشته اند سعی کنید که آن را آلوده به نگاه نکنید و برابر خدا کار کنید و خدا را برابر اعمال
 خود حاضر و ناظر ببینید که اجر کارهایتان را پیش خدا می برد و هر خدا کسی نمی تواند یادش
 این کار بزرگ شما را ببرد .



پیامم به دانش آموزان این است که سعی و تلاش کنند و علم کتب کنند دنیا را بر این
 مملکت اسلامی را بر آورند تا این کشور در تمامی زمینه های خود کفایت خود را هر موقع لازم شود

۶۵,۲۴۵,۷



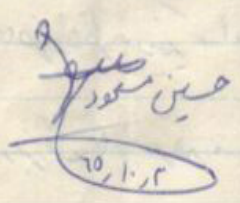
 مرکز اسناد و آثار ائمه اطهار (ع)

بسم الله الرحمن الرحیم
 صدق تومان به مسلم حاجی زاده اهل فارغان بدهکارم و صد تومان هم به قدرت است غلام
 اهل عین رودان بدهکارم بپردازید و نیز صد تومان هم در کفعم در چیدان است
 در ۱۴۰۱م زاده قلعه نوبل گذارید.

والسلام

به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی و باز شدن راه کربلا و آزاری قدس
 لذه الله التام دعا دارم و صلوات می طلبم

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱
 ۲۰ جمادی الاخر ۱۴۰۲ هجری قمری



 حسین مسعودی
 ۶۵، ۱۰، ۲

علی مسلم زاده

نام: علی

نام خانوادگی: مسلم زاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱۰/۱۴

محل تولد: روستای بندرلافت از توابع شهرستان

قشم

نام پدر: موسی

نام مادر: اوشن

تحصیلات: اول راهنمایی

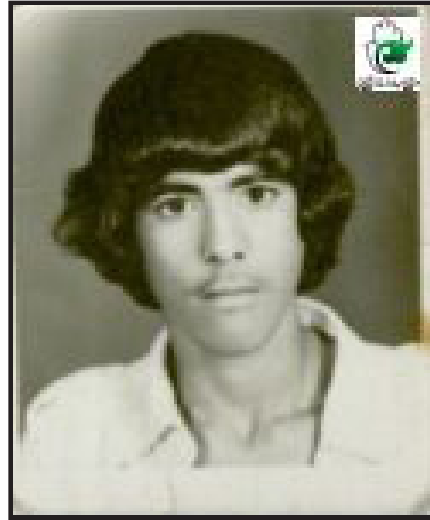
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۲/۲۴

محل شهادت: کرمانشاه

نحوه شهادت: اصابت سهوی گلوله

محل دفن: گلزار شهدای روستای بندرلافت از توابع

شهرستان قشم



گلچین وصیت نامه

◀ وصیتم به امت شهیدپرور ایران این است که همیشه و در همه حال خود را پیرو ولایت فقیه بدانید و پیرو دستورات پیامبر باشید.

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه سرباز وظیفه

با درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی و سلام به ارواح پاک شهدای اسلام و امت همیشه در صحنه. اینک که این توفیق نصیب شد که در جبهه نبرد حق علیه باطل شرکت نموده و خون ناقابل خود را تقدیم انقلاب نوپای اسلامی کنم، خدا را شکر می‌کنم. پدر و مادر عزیز! شما هم خدا را شکر کنید که فرزندان لیاقت این را پیدا کرده که بتواند در راه مکتبی^۱ که همان مکتب اسلام عزیز است، قدم کوچکی بردارد، ان شاء الله که مورد قبول خداوند قرار گیرد. مادر عزیز! به خودت افتخار کن که توانسته‌ای فرزندی تربیت کنی که خدمت‌گزار اسلام و مملکت اسلامی اش^۲ باشد. نکند یک وقت گریه و اظهار ناراحتی کنی، چرا که با این عمل تو دشمن شاد می‌شود و من هم راضی نیستم.

مادر جان! هر وقت خواستی گریه کنی به یاد مصیبت‌های حضرت زینب (س)^۳ در عصر عاشورا بیفت، و آن وقت خدا را شکر کن و صبور^۴ [باش] که خداوند در قرآن به صابران وعده‌ی نیکو داده است. برادر کوچکم را با قوانین^۵ [اسلام و ولایت فقیه آشنا و تربیت کنید. وصیتم به امت شهیدپرور ایران این است که همیشه و در همه^۶ حال خود را پیرو ولایت

۱. در اصل: مکتبش.

۲. در اصل: اسلامیش.

۳. در اصل: علیه سلام.

۴. در اصل: صبر.

۵. «های» حذف شده است.

۶. در اصل: همه.

فقیه بدانید و پیرو^۷ [...] دستورات پیامبر باشید^۹. با تشکر فراوان.

سرباز وظیفه

علی مسلم زاده

امضاء^{۱۰}

۷. در اصل: پیروی.

۸ «از» حذف شده است.

۹. در اصل: گونه عمل کنید.

۱۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

وصیت نامه سرساز و بلین

با درود ب رهبر کبیر انقلاب اسلام، امام خمینی و سلام بر ارحم الراحمین شهدای اسلام

وامت همیشه در خدمت

اکنون به این توفیق نصیب شده که در جبهه و نیز در حق علیه باطل

کلمات نموده و خود را تا بل خود را تقدیم انقلاب نوین اسلامی کنم خدا را شکر می‌کنم

پدر و مادر عزیزم خدایا شکر کن که فرزندان این راه را سید المرگوم که بتواند در راه

کلمتیش که همان اسلام عزیز است تمام که حتی برادرانش را که مورد قبول

خداوند قرار گرفته اند و نیز به خودت افتخار کن که توانسته ای فرزندان تیر سبک کنی

که خداوند اسلام و مملکت اسلامی ما را به نفع یک وقت گمراهان را از حق دور کنی

چون که بدانم عمل تو در گن ما در مسوود در من هم راضی نیستم

ما در جلال هر وقت خوانسته که یعنی به یاد و صیبه های حضرت زینب علیها السلام در عمر

عاشق را بیفت و آنوقت خدایا شکر و سپاس کن که خداوند در قرآن صابران و عده خستید

داده است برادر کوچکم را با قوانین عالی اسلام و ولایت حق که نصیب توست اینند

و بیستم به امت که بعد پیروز این است که همیشه و در هر حال خود را بر این ولایت فقیه بدانند

و بی روی اندر متواضع و یا میگویند **عظیم** با منم زان که بر این وطن منم سلم را هم

حسن مسلمی

نام: حسن

نام خانوادگی: مسلمی

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۰۱/۰۱

محل تولد: شهرستان میناب

نام پدر: حیدر

نام مادر: سکینه

شغل: کارگر

تحصیلات: بیسواد

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۷

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر و صورت

محل دفن: شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

- امام را هیچ گاه تنها نگذارید.
- از امت همیشه در صحنه ی ایران می خواهم که به این منافقین اجازه ندهند که ضربه ای وارد کنند.

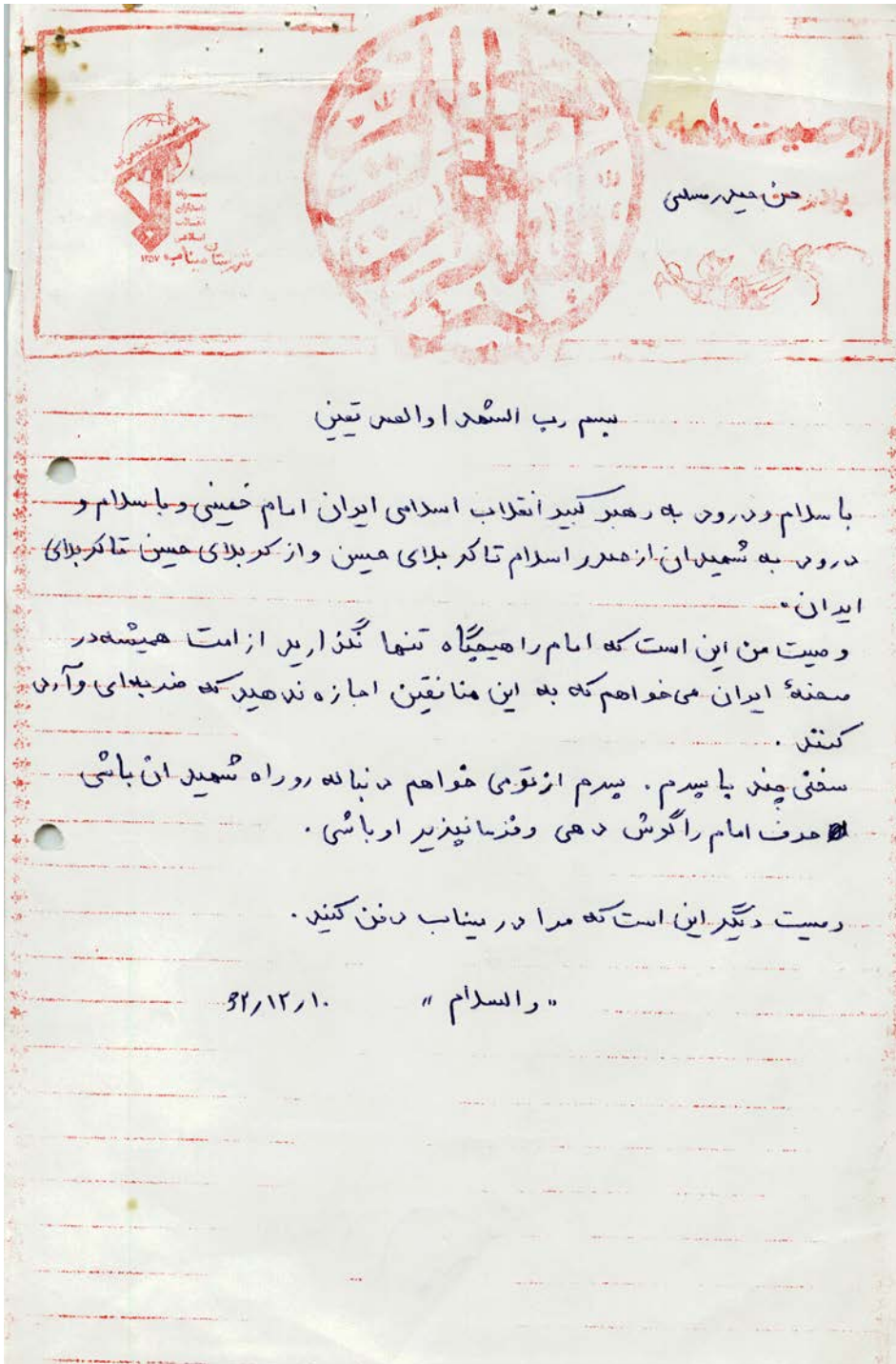
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

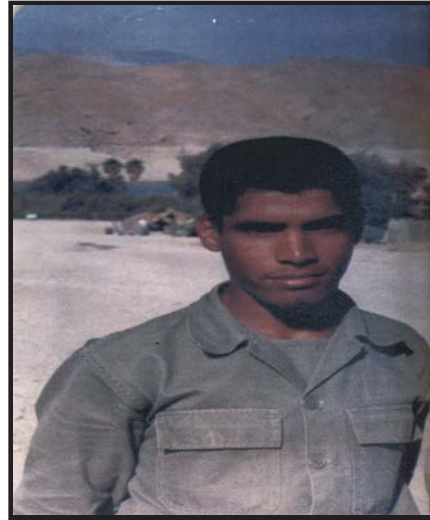
با سلام و درود به رهبر کبير انقلاب اسلامي ايران و با سلام درود به شهيدان از صدر اسلام تا كربلاي حسين (ع) و از كربلاي حسين (ع) تا كربلا ايران. وصيت من اين است که امام را هيچ گاه تنها نگذاريد. از امت هميشه در صحنه ايران مي خواهيم که به اين منافقين اجازه ندهند که ضربه اي وارد کنند. سخني چند با پسر، پسر از تو مي خواهيم، دنباله رو شهيدان باشي، حرف امام را گوش دهی و فرمان پذير او باشي. وصيت ديگر اين است که مرا در ميناب دفن کنيد.

والسلام

۶۲/۱۲/۱۰



غلامرضا مسلمی



نام: غلامرضا

نام خانوادگی: مسلمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۰۷/۲۰

محل تولد: روستای پارت از توابع شهرستان

کهنوج

نام پدر: محمد

نام مادر: زینب

تحصیلات: پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

محل شهادت: ام الرصاص عراق

نحوه شهادت:

محل دفن: بهشت زهرای شهرستان میناب

گلچین وصیت نامه

- ◀ هیچ گاه امام را تنها نگذارید.
- ◀ هم چنان مرگ بر آمریکا را از یاد نبرید.
- ◀ در هر کاری که خیر است با هم متحد و به یکدیگر کمک کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۵/۰۸/۱۳

بسمه تعالی با عرض درود و سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با عرض سلام بر مادران داغ دیده و با عرض سلام بر تمام شهداء از صدر تا انقلاب امروز ما. بنده حرفی ندارم بزنم اما می‌خواستم چند کلمه صحبت کوچک با پدرم و مادرم کنم. پدرجان! می‌دانم شما علاقه بسیاری^۱ به بنده داشتی، می‌دانم که خیلی [...] دوری من برایت سخت است. اما پدرجان! این [را] وظیفه شرعی خود دانستم و نخواستم در خانه بنشینم و هم کلاسی‌هایم، هم شهری‌هایم، هم وطنی‌هایم به جبهه بروند و همه آرزو دارند [که شهادت]^۲ نصیب‌شان گردد. پدرم، ناراحت نباش این یک امتحان الهی است^۳. حضرت ابراهیم هم یک فرزند داشت ولی خداوند خواست او را امتحان کند، اما حضرت خلیل‌الله امتحانش را پس داد و تو پدرجان! این یک امتحان الهی هم برای تو بود^۴ که به من^۵ اجازه دهی به جبهه آیم و هم امتحانی برای بنده بود که دیگر خانه‌نشینی بس است و همین‌طور که ما یک روز متولد می‌شویم یک روز هم از این جا می‌رویم، پس چه بهتر که آن راهی که پیامبران می‌خواستند، آن راهی که حسین سالار شهیدان می‌خواست، آن راهی که معبودمان می‌خواهد از این جا برویم. مادرم! ای که زحمت‌هایی کشیدی هم‌چون زینب کبری کم‌رت خمیده است. ای که از صحبت‌های حقیر، دلت طاقت شنیدن آن را ندارد^۶ اما نخواستم که بدون وصیت بمیرم.

۱. در اصل: چندان

۲. «از» حذف شده است.

۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «که شهادت» باشد.

۴. در اصل: بود.

۵. در اصل: بودی.

۶. در اصل: مرا.

۷. در اصل: نداری.

مادر اگر بنده حقیر، نیستم؛ امام هست؛ برای رهبرم دعا کن تا سالم^۸ بماند. دیگر [این که] وظیفه‌ام دانستم و این زندان برایم سخت بود چون این دنیا برای تمام پیروان حضرت محمد سخت است، مانند زندان [...]». مادرم! خیلی متشکرم که مرا از نادانی، از بی‌عقلی، از جهالت، [نجات دادی و] «مرا دانا ساختی، مرا بزرگ کردی، بنده شیری را خوردم که [...]». مادرا! تو برای بنده هم مادر بودی هم پدر و امیدوارم که قلب تو مثل شیر زن تاریخ زینب کبری باشد تا بتوانی با پیام‌های خود کاخ ستمگران را تکان دهی. اگر دین کامل نداشتم دینم کامل و اگر ایمان نداشتم ایمانم قوی شود و هنوز که نتوانسته‌ام راه سالار شهیدان حسین بن علی را [...]» یک پیام به همه شما که وقتی من پیش شما نیستم برایم گریه نکنید^۹. چه زیباست نبرد با ستمگران. مادرا! حلالم کن اگر با صدای بلند با تو صحبت کرده‌ام به دل نگیر نیاز به دعا تو دارم.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسمه تعالی

اسلام و قرآن است [...]»^{۱۰} چون اسلام به جوانان هم چون شما نیاز دارد. پدر و مادرا! اگر جنازه‌ام [را] آوردند در بهشت زهرا می‌ناب دفن کنید. و از همشهریانم می‌خواهم که هیچ‌گاه امام را تنها نگذارید. هم‌چنان مرگ بر آمریکا را از یاد نبرید و در هر کاری که خیر است با هم متحد و به یکدیگر کمک کنید و جبهه را خالی نگذارید و از هم‌کلاسی‌هایم که چندین سال با هم بوده و آشنایی کامل داشتیم می‌خواهم به معلم و مربیان که استادان ما بودند احترام زیادی بگذارند و حتماً درس‌شان را بخوانند که ان‌شاءالله در آینده این کشور را شما بچرخانید و از تمام مربیان محترم متشکریم که حدود ۸

۸. در اصل: صحت.

۹. «است» حذف شده است.

۱۰. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «نجات دادی و» باشد.

۱۱. ناخواناست.

۱۲. ناخواناست.

۱۳. در اصل: نکنی.

۱۴. ناخواناست.

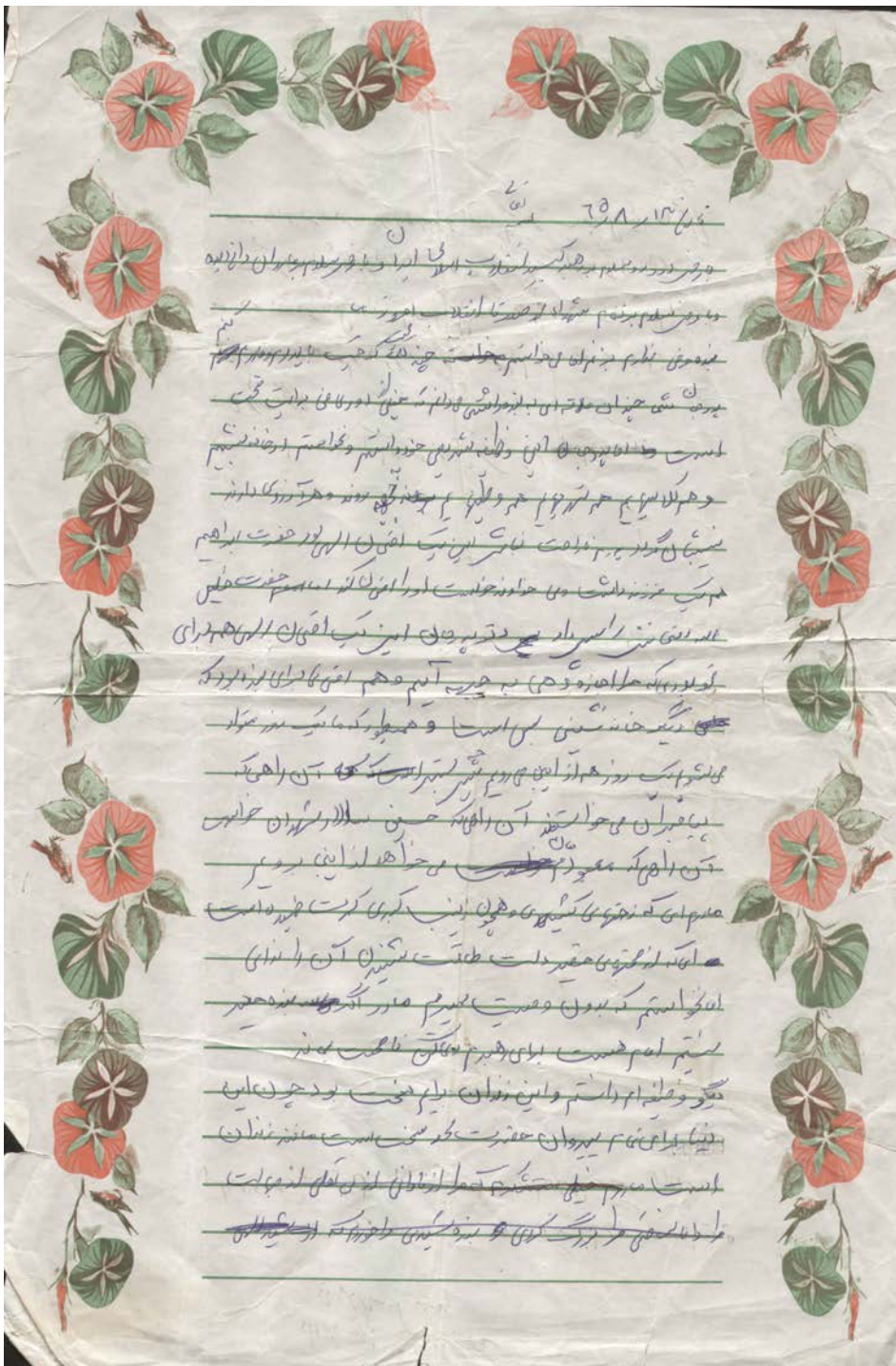
ماه در سال را به ادب [کردن] و یا درس شجاعت و علم به ما آموختند.

السلام علیک یا ابا عبدالله

امضاء^{۱۵}

غلامرضا مسلمی

۱۳۶۵/۰۸/۱۳



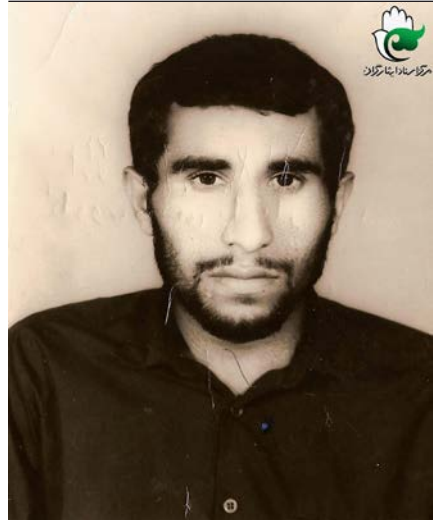
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسلام و قرآن است پیمای چون اسلام به جهانان همچون سما نیاز دارد
 بر روزگار از آن جنازه ام آورده در بهشت زهرای مناب دفن کنید
 و از همسویانم می خواهم که هیچگاه اعام را تنها نگذارند همچنان مریک برادر من
 را از یاد نبرین و در هر کاری که خیر است با هم که وب یکدیگر کیمت کنید و همه
 را خای نگذارید و از هم کلا سیه ایم که عزیزین سال با هم بوده و آشنایی کامل داشتیم
 می خواهم به معلم و معلمان که استادان ما بودند احترام زیادی بگذارند
 و حتی در رستوران را بخوانند که انشاء الله در آئینه این کشور راستما
 بفرج ختمید و از تمام مریبان محترم مستغفریم که حدود ۱ ماه در سال
 با به ادب و با درس سنجاست و سخامت و علم به ما آموختند

بسلام علیک یا ابا عبد الله

مسلم
 غلامرضا

کاووس مسلمی تازیانی



نام: کاووس

نام خانوادگی: مسلمی تازیانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۱/۰۱

محل تولد: روستای تازیان پایین از توابع شهرستان

بندرعباس

نام پدر: سراج

نام مادر: گوهر

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۴

محل شهادت: پاسگاه زید عراق

نحوه شهادت: اصابت گلوله به سینه

محل دفن: روستای تازیان پایین از توابع شهرستان

بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ به خدا و پیامبر خدا و امامان و نائبان شان معتقد و مقید باشید.
- ◀ کسانی که به انقلاب و امام بدین هستند نمی خواهم که در تشییع جنازه ام شرکت کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^۱

بر شما کارزار واجب شده است در حالی که برای شما ناگوار است و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید

با سلام و درود فراوان به امام زمان و نایب برحقش امام خمینی و امید امت و امام و قائم مقام رهبری، آیت حق منتظری و با سلام بر شهیدان و جانبازان و اسراء و خانواده محترم شهداء و رزمندگان. خدایا! بازویم [را] قوی، قلبم مطمئن و عشق به لقاء خودت را در من زیاد کن. ای خدائی که تو هدایت فرعون را می‌خواستی و ای خدائی که تو هدایت حر [را] می‌خواستی^۲ و نور ایمان [را] در دل او امیدوار کردی و به لقاء حقش رساندی. من هم با تمام وجودم^۳ که سراسر از معصیت است امیدوارم که آن محبانت را زیارت کنم و به دوستانم برسم. من مدت ۲ ماه روزه نگرفتم. مادر عزیزم! در دوران زندگی زحمت و رنج‌های فراوان کشیدی و شب‌ها زیاد بیدار بوده‌اید که شاید بتوانم فرزندی خوب برای‌تان و برای جامعه باشم و از این که نتوانستم آن‌طوری که شایسته است برای مادر عزیزم باشم، خجالت می‌کشم و امیدوارم که مرا ببخشید و شیر پاکت را حلالم کنی. و اگر شهید شدم زیاد شیون و زاری نکنید^۴ که منافقان خوشحال می‌شوند. و پدر بزرگوارم! امیدوارم که مرا ببخشید و

۱. آیه ۲۱۶، سوره بقره.

۲. در اصل: خواستی.

۳. در اصل: وجود.

۴. در اصل: نکن.

ان شاء الله فرزندان خوب و صالح به جامعه تحویل دهی خواهر و برادرم! خواهرم! امیدوارم که ارزنده ترین زینت که [همان] حجاب است کاملاً از همه نظر رعایت کنی و تحصیلات خودت را ادامه بده تا به این جامعه اسلامی کمک شایانی بکنی. و برادرانم! اگر برادر من بودی و می شوی، بایستید^۵ [و] نماز را بپا دارید. به خدا و پیامبر خدا و امامان و نائبان نشان معتقد و مقید باشید و به تحصیل ادامه دهید. همسرم! در این مدت زندگی، امیدوارم که مرا ببخشید و از دوری من هیچ وقت نگران مباش که خدا از همه مهربان تر است و گریه و زاری نکن و فرزندم زینب را خوب تربیت کن و خداوند به شما صبر و اجر عنایت کند. همسرم! من مقداری بدهکارم که این مسئله مهم را به شما واگذار می کنم. ۲۵۰۰۰ تومان به [...]، ۱۵۰۰۰ به مادرت، ۲۵۰۰ به قاسم، ۶۰۰۰ حتماً به ابراهیم بدهید. ۲۵۰۰ به عمو، ۲۵۰ [...] و هرکسی که از من طلبی خواست، بدهید^۱. و چیزی از اموال ندارم که بنویسم. همسرم! هرچه هست متعلق به شماست. و محل دفن من اگر زحمت تان نمی شود در تازیان باشد^{۱۱} و کسانی که به انقلاب و امام بدین هستند نمی خواهم که در تشییع جنازه ام شرکت کنند. از تمام دوستان و آشنایانم حلالیت می طلبم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.


کاووس مسلمی

۱۳۶۵/۱۲/۰۶

امضاء^{۱۲}

۵. در اصل: باست.
 ۶. در اصل: دهی.
 ۷. ناخواناست.
 ۸. در اصل: بدهی.
 ۹. ناخواناست.
 ۱۰. در اصل: بدهی.
 ۱۱. در اصل: دفن کنید.
 ۱۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.


نام و نام خانوادگی
فرزند
تاریخ ۱۳۸۰/۰۳/۲۱



بودند، هر روز از بیت مرگ مسلمان شیعیان را شکر کند
سختی در پیشگاه او بریزد و شکرش باشد

وصیت نامه


۱۳۸۰/۰۳/۲۱



کَتَبَ عَلَيَّ الْقَتَالُ وَهُوَ ذَرَّةٌ لَكُمُ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا سَيِّئًا وَهُوَ
خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا سَيِّئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا
تَعْلَمُونَ

احضار بر منسا واجب شوره گریه بر منسا تا کوار یا شوره بکن چه بسیار صبری
را دم شما تراخت طریقه و غیر شماست فراوانست و چه بسیار صبری را کم دوست
دارم بر شوره شما در آشت و عذر او نیز است که نه عذر او و شما نمیدانند
با سلام و در و اولاد با نام زنا که ثابت بر نفس است عینی و آمد و است و اما و تا تم مقام
که صبری است حق صبری و با سلام بر هر چه در حاجت را و اسرار و حلال و محرم
سختی و روزی در دل
خدا یا همه بازویم صبری و قلبم صفت و عشق و العاقبت خدایت را من زیارت ای
خداوند در حدایت فرعون از فراتس و ای خدایه تو هدایت حرص صبری و نوا اما
در دل او آمد و کردی و به لای صفتی است صبری من هم با تمام وجودم بر این صفت
است امید و ایم که آن میبایست را زیارت کنم و دوستی هم بر کم
نقل من عدت ۲ ماه و ۲۰ روز و ۲۰ روز

خدا - خدایا - تا ابد صبری صبری را بکن



تاریخ ثبت: ۱۳۸۰/۰۳/۲۱

محل امضاء: _____

تاریخ ثبت: ۱۳۸۰/۰۳/۲۱

عبدالله مسیحی ایسینی



نام: عبدالله

نام خانوادگی: مسیحی ایسینی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱۰/۰۱

محل تولد: روستای ایسین از توابع شهرستان

بندرعباس

نام پدر: محمد صالح

نام مادر: آمنه

تحصیلات: دیپلم

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۷/۳۰

محل شهادت: مریوان

نحوه شهادت: اصابت ترکش به دست و صورت

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ سفارش دیگر هم این که در کارها و اعمال خودتان حتی یک ذره و یک لحظه برای غیر خدا نباشید و از یاد خدا غافل نشوید.
- ◀ امام را اصلاً تنها نگذارید.
- ◀ همیشه در خدمت اسلام و انقلاب باشید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي
جَنَّتِي^۱

انسان آفریده شده است در این دنیا از نعمت‌های بی‌شمار الهی حداکثر استفاده را بکند تا در جهت اهداف و آرمان‌های والایی که خدا برای او مشخص کرده است گام بردارد، تلاش کند، زحمت بکشد، مورد امتحان و آزمایش الهی قرار گیرد و خلاصه این که هر اعمال و رفتاری که انجام می‌دهد چه کوچک و چه بزرگ چه ظاهر و چه مخفی همه وسیله‌ای است برای آن هدف اصلی که همان اطاعت و بندگی خداوند متعال است و به این درجه کسانی^۲ می‌رسند که خودشان را بشناسند، ارزش خود را بشناسند، عنایت خداوند باری تعالی را درک کنند، تا به درجه باور قلبی و یقین برسند، که همه چیز از اوست و به سوی اوست تا این که این باور قلبی و یقین باعث شود خدا را همیشه و هر ثانیه ناظر و شاهد بر اعمال و رفتار خود ببینیم، از [...] یاد خدا غافل نشویم و به درجه اطمینان نفس برسیم؛ آن وقت است که خدا مخلوقش^۴ را در بهشت خود جای می‌دهد، چون به گفته امام عزیز، انسان حتی اگر بالاترین درجه معنویت هم برسد باز فکر نکند چیزی هست و به خود مغرور شود که، بله این من بودم که توانستم به این درجه برسم نه بلکه خدا ما را همیشه و همه وقت مورد آزمایش الهی قرار می‌دهد تا بداند که این بنده ذلیل و ضعیف چقدر بیاد خدا و چقدر غافل از خدای خود اوست و حالا که ما این توفیق نصیبمان شده است که به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام شدیم

۱. آیات ۲۷-۳۰، سوره فجر: «ای نفس مطمئنه خوشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد و در میان بندگان من در آی و در بهشت من داخل شو».
۲. در اصل: آن‌هایی.
۳. «این» حذف شده است.
۴. در اصل: بنده خالقش.

یا آزمایش امتحان الهی است که آیا ما چقدر از این وسیله جهاد اصغر استفاده می‌کنیم، تا به جهاد اکبر که مبارزه با نفس است بیشتر بپردازیم و پیروز شویم. مطالبی چند با برادران پاسدار داشتم این است که روحیه ایثارگری اخلاقی و اطاعت فرمان خدا در خودتان حفظ کنید؛ [...] ^۵ چون شما تنها کسانی هستید که مستقیم زیر نظر (ولایت فقیه) هستید باید به کوچک‌ترین صحبت امام توجه داشته باشید، راه اصلی خودتان را [که] پاسداری از حدود خدا و پاسداری از خون شهداء، به سروری سیدالشهداء امام حسین (ع) [است را حفظ کنید] ^۶ [...] ^۷ مطالب دیگری برای عموم حزب‌الله این است که، امام در تمام صحبت‌های‌شان به دو راه حفظ کنید. امت واقعی، امام امت هستید. یک مطلب برای آن‌هایی می‌گویم که هنوز به این اسلام و انقلاب اعتقاد ندارند اگر شما حتی یک ذره هم احتمال ضرر می‌دادید ^۸ به اندازه همان مثالی که اگر یک بچه کوچک که ما مثلاً به حرف او اهمیت قائل نیستیم بیاید بگوید که من در این مکان عقرب دیدم شما برای آزار نرسیدن به جان‌تان تا توان دارید آن مکان را بازرسی می‌کنید که زیانی به شما نرسد و به حرف او این اندازه مطمئن هستید، حالا چرا این ضرر را که در رابطه با دین و خدا می‌بینید، در صورتی که آیات و نشانه‌ها برای این مطلب مثل روز روشن است [کاری انجام نمی‌دهید] ^۹. بزرگانی که با یک هدف آمدند و هیچ خطایی از آن‌ها دیده نشد و تجربیاتی که در رابطه با اعتقاد قلبی به خدا و دین کسب شده ^{۱۰} شما اگر بخاطر همان یک قطره زقوم، که اگر همین یک قطره در ^{۱۱} دنیا بیفتد [دنیا را] ^{۱۲} از بین می‌برد، فعلاً معتقد به خدا و مکتب اسلام می‌شوید، تمام واجبات را انجام می‌دادید ^{۱۳}، محرمات را ترک می‌کردید، تا این که در رابطه با خدا و مکتب اسلام تحقیق کنید اگر دلیل و برهان منطقی پذیرفتید که خدا نیست و مکتب اسلام بهترین مکتب نیست، در این مدت

۵. «و» حذف شده است.

۶. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «است را حفظ کنید» باشد.

۷. «باشید» حذف شده است.

۸. در اصل: می‌دانید.

۹. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «کاری انجام نمی‌دهید» باشد.

۱۰. در اصل: کسر نشده.

۱۱. در اصل: در.

۱۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «دنیا را» باشد.

۱۳. در اصل: می‌دارید.

ضرر نکردید جز این که روح خود را از تمام رذائل^{۱۴} اخلاقی پاک کردید و آرامش یافته‌اید. در آخر از عموم مردم و امت حزب‌الله طلب بخشش داریم، چون که حق‌الناس خیلی گناه بزرگی است از دیگران هم بخواهید که ما را ببخشند؛ و سفارش دیگر هم این که در کارها و اعمال خودتان حتی یک ذره و یک لحظه برای غیر خدا نباشید و از یاد خدا غافل نشوید، امام را اصلاً تنها نگذارید و همیشه در خدمت اسلام و انقلاب باشید به همه برادران و خواهران خصوصاً آنهایی که در مساجد و جاهای دیگری مشغول فعالیت هستند یادآوری می‌کنم که [به] توصیه امام علی علیه‌السلام تقوی و نظم در کارها و امور [را] فراموش نکنید^{۱۵}. ان‌شاءالله.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ^{۱۶}

پروردگارا! روزی که حساب برپا می‌شود بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای. خدا رحمت کند شما را ای پدر و مادری که با گرفتن خواب از چشمان‌تان و تربیت فرزندان‌تان، خواستید که فردی معتمد و خدمت‌گزار به اسلام، تحویل این جامعه اسلامی دهید و دین خود را نسبت به ما و مکتب‌تان اداء کردید. من به وجود شما افتخار می‌کنم که فرزندی تربیت کردید که عاشقانه به آرزوی این که خدمتی در هر مکانی به هر صورتی که باشد به این اسلام بکند و آرزوی این دارد که در راه اسلام و قرآن و دین تا آخرین لحظه، خود و خون خود که یک چیز ناقابلی در برابر نعمت‌های خداست [را] فدا کند. پدر و مادر! امیدوارم این هدیه ناقابل شما [را] خداوند منان بپذیرد و به درگاه خدا شکر می‌کنم که این چنین پدر و مادری را به من داده، امیدوارم پدر و مادر عزیز و مهربان! فرزندان دیگر خودتان را خیلی خیلی بهتر از من تربیت کنید و به این جامعه اسلامی تحویل دهید. تا در آینده دبیران موثر و معتقدی به اسلام باشند. و از شما برادران و خواهران هم [...] می‌خواهم

۱۴. در اصل: رذائل.

۱۵. در اصل: نکنند.

۱۶. آیه ۴۱، سوره ابراهیم.

۱۷. ناخواناست.

که بیشتر از همیشه به وظایف اسلامی تان آشنا شوید و نسبت به مسایل شرعی بیشتر [توجه]^{۱۸} داشته باشید. و همیشه گوش بفرمان امام خود و پیروی از رهنمودهای پیامبرانه او و هم چنین ادای حقی که بر پدر و مادر خود داریم به نحو احسن و با کمال میل انجام دهید، مساجد را خالی نکنید، درس‌های تان را با یادگیری تمام ادامه دهید، کلیه مسایل اسلامی از کوچک تا بزرگ در مرحله‌ی عمل زندگی تان به کار ببرید، قرآن هر روز با ترجمه قرائت کنید و کار و فعالیت تان همیشه برای خداوند و رضای او باشد و حتی یک لحظه هم نیت تان غیر خدای نباشد. حتی تفریح یا استراحت و غیره. بیشتر از این وقت عزیزتان را نمی‌گیرم، ما هم اکنون در شوش بسر می‌بریم، و عضو گردان و گروهان ایثار هستیم؛ که این گردان در اولین حمله [...] ^{۱۹} شوش شرکت داشت و شهدایی هم تقدیم اسلام کرده که به حرمت خون این شهدا، تمام مناطق آزاد شده، کشته‌های عراقی بسیار زیاد، اسرای عراقی همین‌طور، غنائم جنگی هم پشت سر هم به پشت جبهه تخلیه می‌شود، اضافه کنم که برادران بندری از جمله احمد جلالی پور و غیره نزد ما، ولی در گردان دیگری هستند و ان‌شاءالله و امید به خدا همین نزدیکی به خط مقدم جبهه اعزام می‌شویم؛ و از شما توفیق التماس دعا برای سلامتی امام و پیروزی رزمندگان را دارم از طرف من همه‌ی اقوام، طایفه‌ها، دوستان و برادران و خواهران مومن [...] ^{۲۰} سلام برسانید و بگویید که ما را ببخشند ^{۲۱} و التماس دعا از همه‌ی آن‌ها داریم (ببخشید که وقت نیست و نمی‌شود بیشتر از این نامه بنویسم) در آخر با این که شوق دیدار امام داشتم اما چون از امام عزیز درس گرفتیم که هر وقت مسئله‌ی خدا، اسلام و قرآن مطرح است، از همه چیز باید گذشت و از همه‌ی تعلقات باید برید.

فرزند کوچک تان

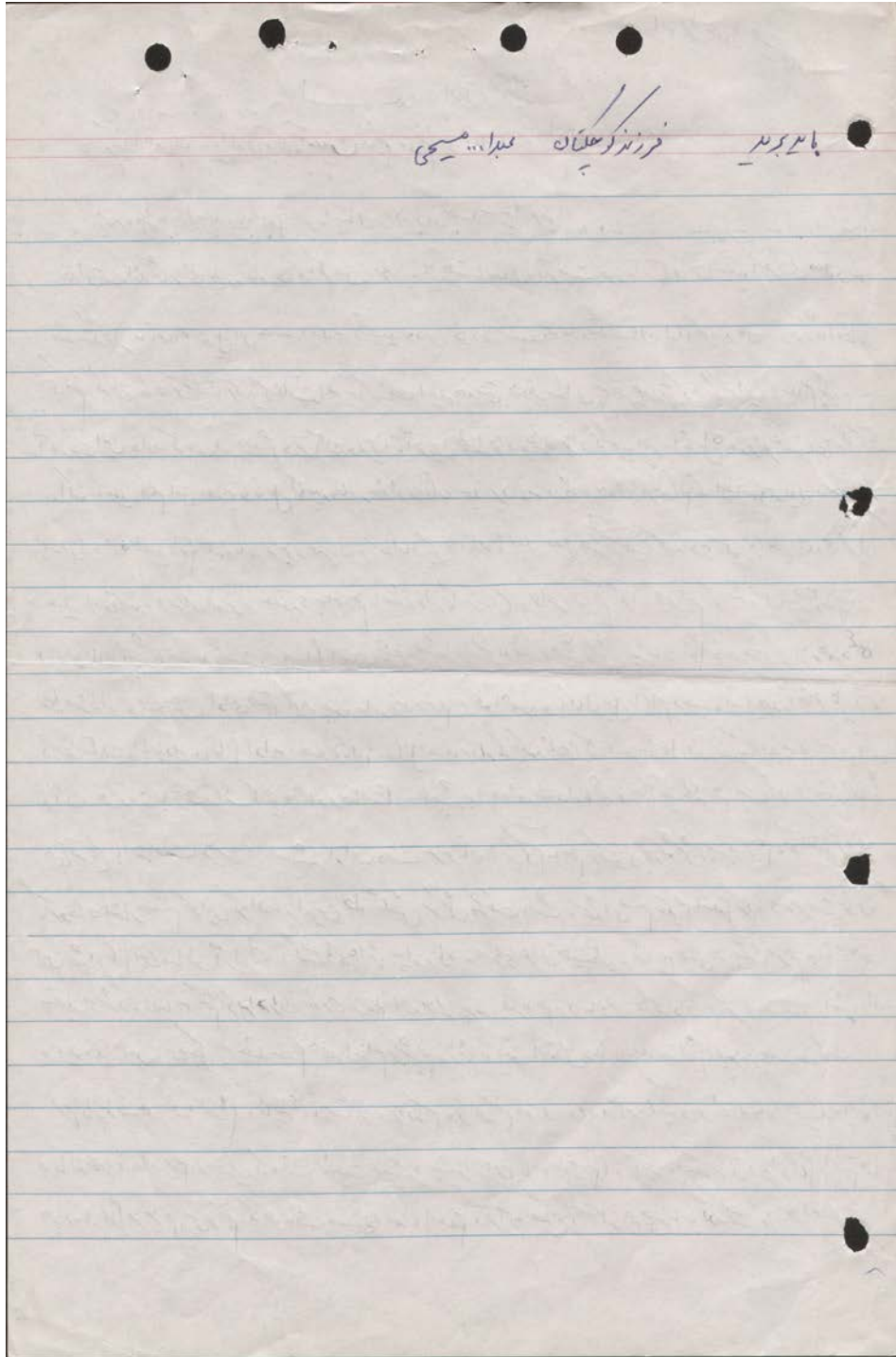
عبدالله مسیحی

۱۸. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «توجه» باشد.

۱۹. ناخواناست.

۲۰. «و» حذف شده است.

۲۱. در اصل: ببخشید.



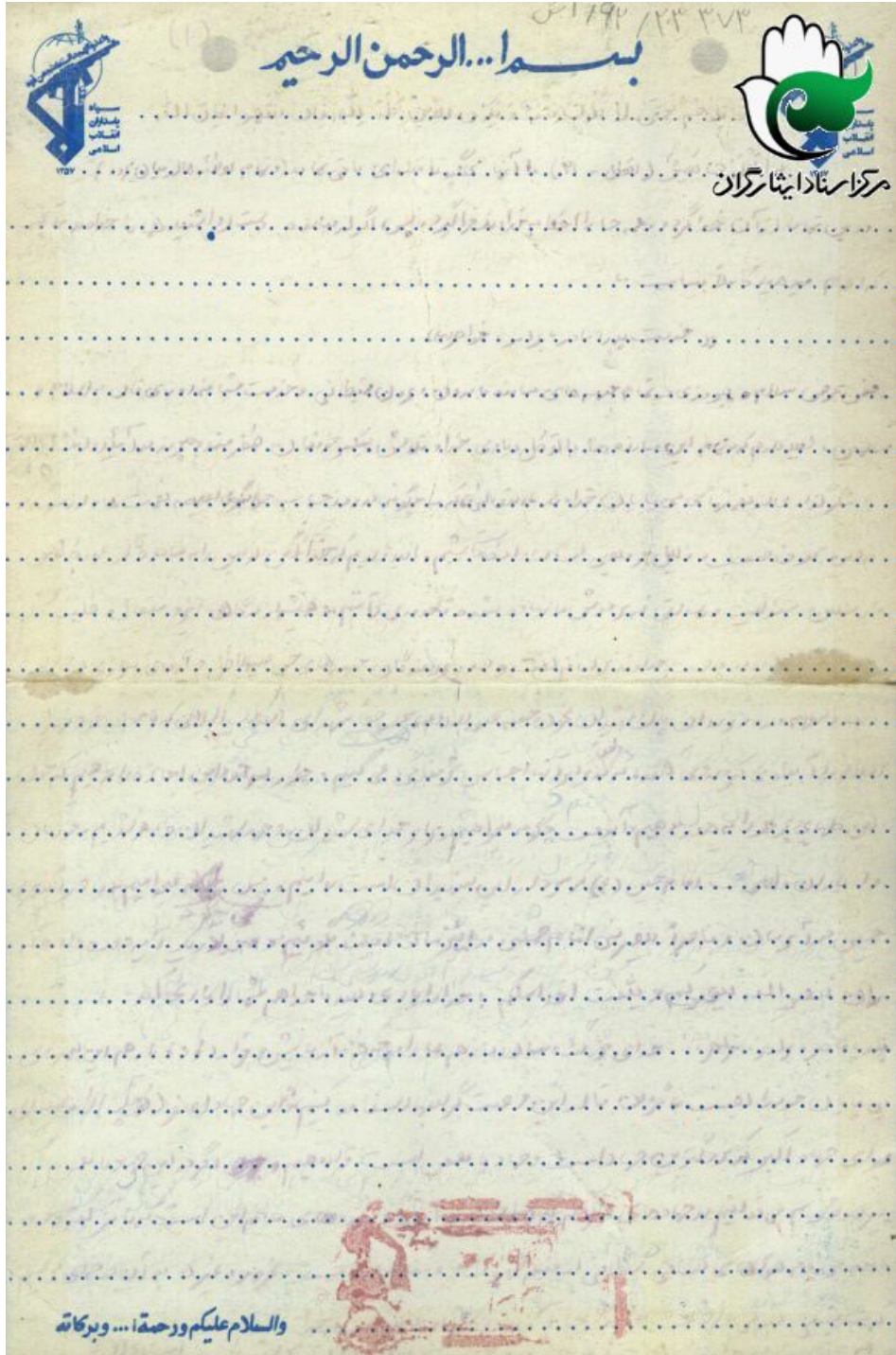
نام کتبی عبدالله... مسیحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

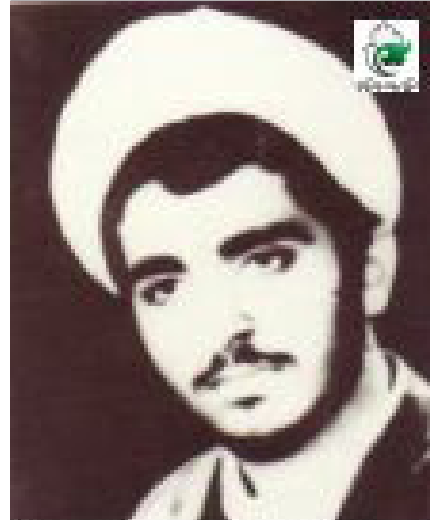
رَبَّنَا اغْنِنِي لِي وَلِوَالِدِي مِنَ الْمَغْنَمِ يَوْمَ الْقِيَامِ (ابراهيم - ۴۱)

پس پروردگارا، مرا و پدر و مادرم را در روز قیامت بسیار مغرور

خدا رحمت کند همگرا ای پدر و مادری که با گرفتاری خواب از چشم انسان در تربیت فرزندانشان خواسته که فرزندی معتمد و
 خدمتگزار به اسلام تحویل این صاحبان اسلامی دهید و دین خود را نسبت به ما و ملکستان اداء کردید من به وجود حق افتخار
 میکنم که فرزندی تربیت کردید که عاقلانه به آرزوی اینکه خدمتی در هر مکانی به هر صورتی که باشد به این اسلام بکند و
 آرزوی این دارد که در راه اسلام و قرآن و دین تا آخرین لحظه خود و خون خود که یک چیز ناقابل در برابر نعمتهای خداست
 نماند امیدوارم این حدیث ناقابل تمام پیرو مادر خدو نماند بپذیرد و درگاه خدا شکر میگویم که این چنین پیرو مادری
 را به من داده امیدوارم پیرو مادر عزیز و مهربان فرزندان دیگر خودتان را خلی خلی بجز تربیت کنید و به این جامع اسلامی تحویل
 دهید تا در آن بنده دیران موثر و معتقدی به اسلام باشند و از شما برادرانم و خواهران هم کرا از من خواهم که بیشتر از همه وظیف
 است میان آنست که سوید و نسبت به مسائل اسلامی هر چه بیشتر دانسته باشد و همیشه گوش بفرمان امام خود پیروی از هر چه که
 پیامبران او و وحیین ادا می کنند که هر چه در خود داریم به خواهش و با کمال میل انجام دهیم و صاحبان خانه بکنند،
 در میان آن را با یادگیری تمام ادا می دهید، کلیه مسائل اسلامی که یک تا بزرگ در حلقه عمل در زندگی است که ما پیروی
 قرآن هر روز با ترجمه قرائت کنید و کار و فضائلتان همیشه بر خدا و رضای او باشد و همیشه یک کلمه هم نسبت به آن غرضی نباشد
 همیشه تریخ با تریخ و غیره . بیشتر از این وقت غرض آن را که میگویم ما هم اکنون در گوش بسری ایم، و حضرت کردان
 و کوهان اشاره هستیم که این کردان در اولین حلقه شش گوش حرکت داشت و بعد از آن هم تقدم اسلام کرده که به حرمت خون
 این بخواهد تمام این مناطق آزاد کند، گنجه های علامه بسیار زیاد در اسرای عراقی هستند و تقابیم جنگی هم شیت مردم به شیت چشم
 به حلقه می خورد، اضافه کنیم که برادران بندری از جمله احمد بلالی پور و غیره هم نزد ما و اولی در کردان دیگری هستند و امیدوارم
 و امید خدا همین نزدیکی به خط مقدم چشم اعزام می شویم و از شما توفیق التماس دعا بر اسلامها امام و پیروزی روز منتهی را
 داریم و از طرف من همه اقسام، طایفه، دستار و برادرانم و خواهرانم مؤمن و مسلم برسانید و بگویند که ما را بخشد و التماس
 دعا از همه آنها داریم (ببینید که وقت نسبت نمیدود بیشتر از این نام بنویسم) در آخر با اینکه روحی دیدار امام داشتیم اما
 چون از آن اعزازیم در کسرتی که هر وقت مسئله خدا، اسلام و قرآن مطرح است از هم چیز باید گفت و از همه تعلقات



عبدالرسول مصلحی دھوی



نام: عبدالرسول
نام خانوادگی: مصلحی دھوی
تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۴/۰۹
محل تولد: روستای تیاب از توابع شهرستان میناب
نام پدر: محمد
نام مادر: رقیه
تحصیلات: پایان دوره‌ی راهنمایی، تحصیل علوم
دینی در حوزه‌ی علمیه
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۱۹
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر
محل دفن: روستای سرکم بهمنی تابعه شهرستان
میناب

گلچین وصیت‌نامه

- ◀ ما نباید انتظار داشته باشیم که جنگ برنامه‌اش [را] با زندگی ما تنظیم کند، بلکه ما باید زندگی خود را با جنگ تنظیم کنیم.
- ◀ همیشه در نمازهایتان از خدا سلامتی امام و دوام انقلاب را بخواهید.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۵/۱۰/۳۰

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ^۱
 با سلام بر یگانه منجی عالم بشریت و نایب برحق ایشان حضرت [...] و بعد، سلام به
 شما پدر و مادر عزیز و مهربان سلام بر جمیع اقوام و خویشان از این که وصیت‌نامه‌ام را این قدر
 سریع^۳ می‌نویسم معذرت می‌خواهم زیرا وقت خیلی تنگ است [...] است هر کدام از بچه‌ها
 مشغول کاری هستند اکثرشان وصیت‌نامه را می‌نویسند من هم خواستم چند کلمه‌ای یادگار
 بنویسم زیرا بچه‌ها خیلی اصرار می‌ورزند که رسول تو هم چیزی بنویس و این [...] است که
 [...] قلم هرگز نمی‌تواند بیانگر [...] آدمی باشد ما که گناه و معصیت الهی [...] است لذا
 در ابتدا [...] شهادت و جهاد جهادگران نوشتم زیرا من روسیاه گنه کار و بدبخت نمی‌توانم
 خود را از مجاهدین فی سبیل الله یا رجال [...] نمی‌دانم که [...] جزء شهدا محسوب کنند
 یا نه. پدر و مادر عزیزم! می‌دانم که فرزند لایقی برای شما نبودم ولی با این حال مرا از دعای
 خودتان فراموش نکنید، سال‌ها برایم زحمت کشیدید خون دل خوردید و مرا بزرگ کردید

۱. فرازی از زیارت عاشورا: «خدایا قرار ده زندگیم را زندگی محمد و آل محمد و مرگم را مرگ محمد و آل محمد».
 ۲. ناخواناست.
 ۳. در اصل: تند.
 ۴. ناخواناست.
 ۵. ناخواناست.
 ۶. ناخواناست.
 ۷. ناخواناست.
 ۸. ناخواناست.
 ۹. ناخواناست.
 ۱۰. ناخواناست.
 ۱۱. ناخواناست.

ولی نتوانستم [...]»^{۱۲} زحمات شما را جبران کنم اجرتان با اباعبدالله و بی بی دو عالم فاطمه الزهرا (س). پدر و مادر عزیزم! می دانید که این انقلاب از هر طرف به هر نحو ممکن مورد هجوم واقع شده که یکی همین جنگ است، لذا ما نباید انتظار داشته باشیم که جنگ برنامه اش [را] با زندگی ما تنظیم کند، بلکه ما باید زندگی خود را با جنگ تنظیم کنیم. همیشه در نمازهای تان از خدا سلامتی امام و دوام انقلاب را بخواهید.

جان دادم و نام جاودانم دادند خون دادم و خلد را یگانم دادند

مرگی که بسی در آرزویش بودم خوشحالم و راضیم که آنم دادند

اما تو ای مادر عزیز! در فراق من صبور باش و گریه نکن. هر وقت خواستی برای من گریه کنی برای علی اکبر حسین (ع) گریه کن، برای این مفقودالائرها گریه کن که هنوز مادران شان منتظرند. جنازه ام را در [...]»^{۱۳} دفن کنید. در آخر باز هم شما را توصیه می کنم به صبر و دعا برای طول عمر امام و دوام انقلاب، برای همگی شما آرزوی [...]»^{۱۴} و سلامتی و موفقیت دارم. از همه برای من طلب حلالیت کنید.

فرزند کوچک شما رسول

امضاء^{۱۵}

۱۲. «ای» حذف شده است.

۱۳. ناخواناست.

۱۴. ناخواناست.

۱۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

پدر و مادر منم بنام من در اینم که هرگز به لایق بودی برای
 نبودن و با این حال مرا از دعای خودت که فرمودی بکن
 حاصلی برای من و جهت کسب و معیشت من در امور و بدو در
 دولتت که در اینم و با حق استقامت اینم و شایسته اینم که
 اجر ما را با ما است و من بودم و منم و منم و منم و منم و منم
 که در هر روز منم منم منم و اینم که از هر طرف منم
 منم و منم منم منم منم منم منم منم منم منم منم
 است که ما را در انتظار داشته باشیم که هر چند در راه
 با تو در گنجی که با تو هستیم بلکه ما با تو در گنجی که در راه
 و در گنجی که با تو هستیم و منم منم منم منم منم منم
 که ما را در راه و در راه منم منم منم منم منم منم
 چنان دادم و نام چار دارم دادند منم دارم و منم و اینم که دادند
 هر گز که پسندید در کار و پیش بودم منم منم و منم که آنم دادند
 اما تو ای منم منم منم منم منم منم منم منم منم منم
 هر وقت خواستی در اینم منم منم منم منم منم منم منم
 که منم منم منم منم منم منم منم منم منم منم
 کار را نشان منم منم منم منم منم منم منم منم منم منم
 در آنم منم منم منم منم منم منم منم منم منم منم
 برای و در گنجی که با تو هستیم و در راه منم منم منم منم
 منم منم منم منم منم منم منم منم منم منم
 از هر برای منم منم منم منم منم منم منم منم منم منم

محمد معتضد کیوانی



نام: محمد

نام خانوادگی: معتضد کیوانی

تاریخ تولد: ۱۳۲۵/۰۲/۰۵

محل تولد: بخش فین از توابع شهرستان بندرعباس

نام پدر: رسول

نام مادر: عالیہ

شغل: کارمند اداره برق

تحصیلات: دیپلم

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۳/۴

محل شهادت: خرمشهر

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ خدایا! مرا پیش مرگ جهادکنندگان در راه خودت بگردان.
- ◀ از همسرم می‌خواهم بعد از من شوهر اختیار نماید، و از زندگی دنیایی آن‌طور که اسلام اجازه فرموده بهره مند گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

دلم از عشق و علاقه شدید به امام خمینی لبریز شده است، با تمام وجود ناله می‌زنم؛ خدایا! مرا قربانی خاک ره امام خمینی و آیت‌الله منتظری بفرما. می‌دانم قابل نیستم؛ خدا را به ذات مقدسش سوگند می‌دهم که هرچه زودتر این قابلیت را با همه پستیم به من عطا بفرماید. خدایا! مرا پیشمرگ و قربانی خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی و دیگر یاران امام بگردان. خدایا! مرا پیشمرگ خدمت‌گزاران به اسلام قرار بده. خدایا! مرا پیشمرگ جهادکنندگان در راه خودت بگردان. خدایا! مرا پیشمرگ حزب‌اللهی‌ها قرار بده. خدایا! مرا پیشمرگ مکتبی‌ها بگردان. خدایا! مرا پیشمرگ مسلمانان جهان بگردان. وصیت خود را به چند مورد زیر خلاصه می‌نمایم:

- ۱- از همسرم می‌خواهم بعد از من شوهر اختیار نماید، و از زندگی دنیایی آن‌طور که اسلام اجازه فرموده بهره مند گردد.
- ۲- همه اسباب و اثاثیه منزل متعلق به همسرم می‌باشد. مبلغ شصت هزار ریال (۶۰۰۰۰) که از برادر [...] طلبکار هستم، به همسرم پرداخت شود. خمس این پول را نیز نپرداخته‌ام قرار بود پس از [...]².
- ۳- وارث من مادرم و همسرم می‌باشند. پس از شهادتم چنانچه شرکت برق مقرری جهت اینجانب پرداخت نماید، باید همه [...]³ مبلغ بیست هزار در وجه مادرم خانم عالیه طالبی ساکن خیابان برق بندرعباس و مبلغ بیست هزار ریال در وجه همسرم خانم نیره آقاسی کرمانی صاحب حساب جاری شماره ۳۰۵۸ بانک ملت شعبه بلوکی بندرعباس پرداخت شود.

۱. ناخواناست.

۲. ناخواناست.

۳. ناخواناست.

۴- نزدیک پنج سال نماز قضا و حدود یک صد و پنجاه روز روزه قضا دارم که کفاره یک صد و پنجاه روز روزه هم به آنها اضافه می شود اگر باز هم پول زیاد آمد، خرج حج گرفتن اینجانب نمایند.

۵- از برادر عزیزم علی رضایی تقاضا می کنم ناظری بر اجرای وصیت نامه ام باشند. و از محل [...] که پس از پرداختی به مادر و همسر مازاد می ماند نسبت به پرداخت نماز و روزه های قضا که بر گردن دارم اقدام فرمایند.

رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ۵

این وصیت نامه در چهار برگ تهیه شده که حکم واحد دارد.

محمد معتضد کیوانی

امضاء^۶

۱۳۶۱/۲/۳

۴. ناخواناست.

۵. بخشی از آیه ۱۹۴، سوره آل عمران: «پروردگارا! ما شنیدیم که دعوت گری به ایمان فرا می خواند که به پروردگار خود ایمان آورید پس ایمان آوردیم پروردگارا! گناهان ما را بیامرز و بدی های ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران».

۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دلیم از مشق و عیاشی و لذت بردن نسبت به امام خمینی که زنده است تا تمام وجودم نادیده می‌رود؛
 خدا را مرا فراموشی خاک و گداز امام خمینی و آیه المنتظرین تقریباً می‌توانم حاصل نیستیم خدا را فدای خودت نمودنش می‌تواند
 می‌دهم که هر چه زودتر این قابلیت را تا هر چه بستم من عطا فرماید.
 خدا را مرا پیش هرگز فراموشی خاندان و دانشم و سخنانی دیگر ایوان امام مکرران، خدا را مرا پیش هرگز فراموشی ایران
 تا اسلام قرار بدهد، خدا را مرا پیش هرگز جهاد کنندگان در راه هجرت مکرران، خدا را مرا پیش هرگز عرب‌ها
 قرار بدهد، خدا را مرا پیش هرگز مکتب‌ها مکرران، خدا را مرا پیش هرگز مسلمانان جهان مکرران
 و نسبت به فردی که می‌دهد بر عهده من تمام؛

- ۱- از هر سرمه‌ای که در این شهر اختیار فرماید و از زندگی دنیایی آن نظیر که اسلام آغاز نمود، بهره‌مند گردید
- ۲- همه اسباب و آمانیه‌ها منتهی متعلق به مردم می‌ماند، مبلغ مستحق را به مال که از برادر خانی طلبکار
 هستم به مردم پرداخت شود، پس این پول نیز نیز پرداخته‌ام قبل از این که در راه اسلام می‌روم.
- ۳- و از آن من مانده در مردم من هستند، پس از شهیدانم چه چیزی که آن قدری است این اسباب
 پرداخت نماید تا هر چه ماهه مبلغ مستحق را در مردم مانده‌ام تمام علیه طلبکاران که در راه اسلام
 مبلغ مستحق را مال در راه مردم تمام نبرد آقا سید مرتضی صاحب کمالی که در راه اسلام ۳۰۵۸ تا ۳۰۵۹
 شعبه لوگن در راه اسلام پرداخت شود.

- ۴- نزدیک پنج سال با رضای و عدد در تصدیق و بیجا بود، دوره عفا دارم در شماره که در بیجا بود
- دره هم - آقا اصفه می‌تواند اگر کار هم قبول زیاد که در خرج حج گرفته‌ام این است تمامید
- ۵- از برادر عزیزم علی رضایی تقاضا کردم تا نظر بر امین وصیت نامم باشند و از محل هر چه
 که پس از پرداخت من مانده و بهر باره می‌تواند نسبت به غلظت دوره‌ها آن عفا دارم که در راه اسلام فرماید
 رسماً ما غفران در دنیا و آخرت من است تا در قنایع ایثار، این وصیت نامه را در روز شنبه ۱۳۶۸/۰۵/۰۴ در تهران

محمد مصطفی کورانی
 ۱۳۶۸/۰۵/۰۴



غلام معمارزاده

نام: غلام

نام خانوادگی: معمارزاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۱/۰۱

محل تولد: بخش فین از توابع شهرستان بندرعباس

نام پدر: علی

نام مادر: حوا

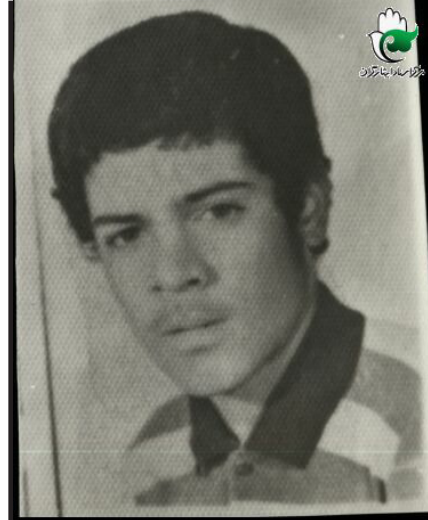
تحصیلات: سوم ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۲/۱۰

محل شهادت: خرمشهر

نحوه شهادت: اصابت ترکش

محل دفن: بخش فین از توابع شهرستان بندرعباس



گلچین وصیت نامه

در خط سرخ شهیدان حرکت نمایید و برای تداوم انقلاب کوشش و تلاش نمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

درود بر امام امت و امت امام درود بر شهیدان و رزمندگان جریان نبرد حق علیه باطل. وصیت‌نامه اینجانب غلام معماری‌زاده، فرزند علی که در سال ۱۳۴۵ به شماره شناسنامه ۳۶ موالید که در فین متولد شده‌ام، بدین شرح می‌باشد من همیشه برای اسلام فکر می‌کنم و به غیر از این فکری دیگر ندارم.^۱ آنچه مرا وا داشت که در جبهه‌های نبرد شرکت کنم مسئولیت انسانی و مسلمانیم [...]^۲ برای دفاع از دین و مذهب و قرآن بود. من از خانواده‌ام می‌خواهم که راه اسلام را ادامه دهند و برای اسلام فداکاری نمایند. از پدر و مادر و هم‌چنین خواهرانم و برادرم می‌خواهم که در خط سرخ شهیدان حرکت نمایند و برای تداوم انقلاب کوشش و تلاش نمایند. اما متذکر می‌شوم که اینجانب مقداری بدهکارم می‌باشم.

۱- حسن شنبه قنبری، از من مبلغ و ۱۵۰۰ ریال طلب دارد.

۲- محمد خرم سلیمان‌پور، مبلغ ۷۰۰ ریال طلب دارد.

در پایان پیروزی اسلام را خواهانم.

والسلام

غلام معمارزاده

امضاء^۳

۱. در اصل: نیست.

۲. «بود و» حذف شده است.

۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

(رسم الصداقه من الزم)

درود بر امام است و است امام و درود بر شهیدای و زنده‌ها و حیات بر حق علیه با طهارت
 و صیانت از نبی است عظیم معمارزاده فرزند علی که در سال ۱۳۴۸ شمسه متولد شد
 و ۳۰ سالگی در رفقین متولد شد ام بدنی شرف بسیار من همیشه برای اسم
 فقر منم و به غیر از این فقری در هر سبب آنچه که مرا و از است تا در همه جای
 نزد شرکت کنم مسئولیت انبی و منم بود و برای دفاع از زنی
 و زکیب و فرزای است بن عزیز خلافاً خواه اسم منو اسم که راه اسم را
 ادامه دهند و برای اسمم قداها بخوانند و اگر این کار کند منم برای
 من عزادار بنمایند و از پیر در دعا و همچنین بخوانند و در این امور اطمینان
 که در حفظ منم است و هر گاه که منم و برای منم انقدرت و شرف و تندرستی
 ما منم

۹
اقتدار میوم که این است مغازی به حضورم مس
ارائه من ششم قمری مبلغ ۱۱۵۰۰۰ لایحه طلب دراز

۱- ۱۱۰۰۰۰ لایحه طلب
۱۱ ۷۰۰۰ ۱۱ ۱۱ ۱۱

در سال پیروزانم را فرا خوانم و السلام

عندم می دراز

غلام مکاری زاده



نام: غلام

نام خانوادگی: مکاری زاده

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱۰/۰۶

محل تولد: روستای بیکاه از توابع شهرستان رودان

نام پدر: مهدی

نام مادر: زهرا

شغل: کشاورز

تحصیلات: پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۰۶/۱۱

محل شهادت: سوسنگرد

نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر

محل دفن: روستای ده گل کن تابعه شهرستان

رودان

گلچین وصیت نامه

◀ گوش به حرف این تنها امید مستضعفان این امام امت باشید چرا که رهنمودهای پیامبرگونه‌اش ما را به خدا نزدیک و نزدیک‌تر می‌سازد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

پدر! مادر! برادر و خواهرانم و خانواده‌ام و هموطنان مسلمان! من اکنون عازم جبهه‌های جنگ علیه کفار و بعثی‌های صدام کافر هستم و برای دفاع از اسلام و قرآن می‌روم و تا آخرین نفس بر علیه صدامیان خواهم جنگید. من می‌روم تا شاید یکی از وظایف خود را نسبت به اسلام انجام داده باشم. پس برای بنده، ناراحت نباشید بلکه خوشحال و مسرور شوید چون که با شادی و خوشحالی شما دشمن خوار و زبون می‌شود و پیام من به شما این است که گوش به حرف این تنها امید مستضعفان این امام امت باشید چرا که رهنمودهای پیامبرگونه‌اش ما را به خدا نزدیک و نزدیک‌تر می‌سازد.

والسلام علیکم و الرحمه الله و برکاته

غلام مکاری زاده

امضاء^۲

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

شیراز

شیراز

به: ملت ۳/۱۰۵۵
از:
موضوع:

وصیت نامه برانندم که برادر چکاری زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون

هرگز پندارید که کشته در راه خدا شهید می شوند مرده اند بلکه اگر زنده اند و نزد پروردگار
نفس روزی می گیرند.

پدر، مادر، برادر و خواهرانم و فرزندانم و هر کس که من اکنون عازم جبهه عراقی هستم

عذر تقصیر و بعضی از صدام کافر هستم و برای دفاع از اسلام و قرآن میروم و تا آخرین
نفس بر علیه صدامیت میفروهم بختیله. من میروم تا شاید یکی از وظائف خود را نسبت به اسلام

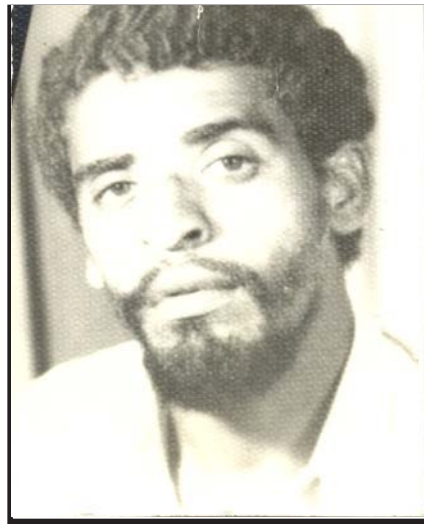
انجام داده باشم. پس ای بنده ندامت نباشی بکم خودت محال و مسرور شوید

چونکه با سادی و فرسالی شما دشمن خود را زودان میسوزد

و پیام من به شما این است که گوش به حرف این تنزل است و مستضعفان این امام امت
باشید چرا که رهبر دینی و پیامبر گزانش ما را به خدا نزدیک و نزدیکتر میسازد

و سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
غلام مکاری زاده

محمد ملاح



نام: محمد

نام خانوادگی: ملاح

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۰۲/۰۳

محل تولد: در جزیره هرمز از توابع شهرستان

قشم

نام پدر: غلام

نام مادر: بلقیس

تحصیلات: تا پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۰

محل شهادت: خرمشهر

نحوه شهادت:

محل دفن: اثری از پیکرش به دست نیامد.

گلچین وصیت نامه

◀ خواهش دارم که نذر دخترم فاطمه بهر نحوی است، اجرا کنید.

◀ در راه خدا کشته شدن افتخار است.

◀ از پدر عزیز خود می خواهم که هم چون کوه استوار باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه محمد غلام ملاح

دروود به یگانه پرچمدار اسلام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی و درود^۲ بروان پاک شهیدان، [...] اعلام می‌کنم، بنده خانه‌ای که ساختم، حدودی [را] پدر کمک کرده و ۱۰۰۰ تومان مادرم کمک کرده و برادرم ۸۰۰۰ تومان کمک کرده و تقریباً ۱۲۰۰ تومان وجه در بانک ملی قشم دارم و یک مقدار طلا.

خواهش دارم که نذر دخترم فاطمه بهر نحوی است، اجرا کنید و راجع به پدر و مادر [...] می‌دهم که اگر پدر یا مادرم مریض شدند، ایشان را به بیمارستان [...] و اگر پول کم [...]، کولر من بفروشید و طلای که دارم بفروشید و ایشان را درمان کنید و از مادر عزیز خود می‌خواهم که اگر من شهید شدم، گریه نکند که [...] در راه خدا کشته شدن افتخار است و از تو خوشنودم^۸ که مرا به احکام دین آشنا کردی که به این درجه عالی برسم و همچنین از پدر عزیز خود می‌خواهم که هم‌چون کوه استوار باشد و هیچ ناراحتی نکند و فقط [...] که می‌کنی، به دخترم فاطمه بکنید و از برادر عزیز خود خیلی خوشنود^{۱۰} هستم که [...] و از سیگار

۱. در اصل: بنیان‌گزار.
۲. در اصل: درود.
۳. ناخواناست.
۴. ناخواناست.
۵. ناخواناست.
۶. ناخواناست.
۷. ناخواناست.
۸. در اصل: خوشنودم.
۹. ناخواناست.
۱۰. در اصل: خوشنود.
۱۱. ناخواناست.

کشیدن و کارهای ناشایسته مرا دور ساخت؛ و از برادر خود خیلی خوشنود^{۱۲} هستم و هم چون
[...]^{۱۳} برای من [...] خود می خواهم مواظب دخترم فاطمه باشد.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

محمد ملاح

تاریخ ۶۰/۱۲/۱۶

۱۲. در اصل: خوشنود.

۱۳. ناخواناست.

۱۴. ناخواناست.

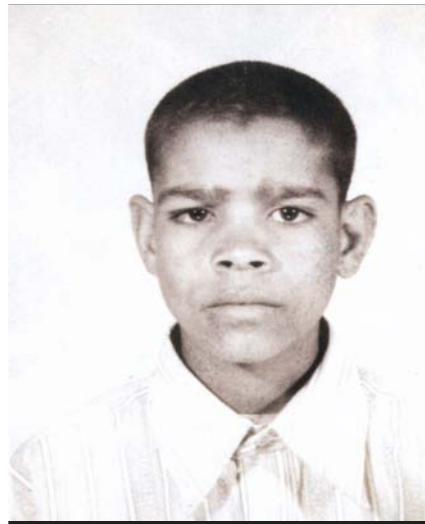
بسم الله الرحمن الرحيم
وصیت نامه محمد محمدی سلام الله علیه
دو چشم بگانه بر خدا را سلام و صلوات از همه سوی بر او برسان
اما عرض می‌کنم و در مورد بویایان شهیدان
بنده خجسته ای که با ختم خورده در برکت است ...
مادر من گنجه کرده در برادر من ...
و به در بابت منی قسم دارم و کف معارفه را خواهی دارم
فاطمه بهر نحوی لغت اهل اند و در صبح به ...
بیریا مادر من بر من رشده است و با همه است ...
کوثرین بنویسد و طرازی دارم بنویسد و ...
و از مادر عزیز خود می‌خواهم که از من ...
در راه خدا معنی را ...
آشنا می‌دانی که به این در ...

شماره ۲۸۸۲۵
ش ۴۱
۱۷۲۳۱۴۲



که در محفل کون استوار باشد و هیچ نارا همی از تقاضای می دانی
 به دفتر ما هم بنید و از برادر عزیز خود خبر گرفته ایم که بهر استوار
 و از سبب کار کسب و کتابهای نامدار هم در دست
 و از برادر خود خیر فرستادیم و هم به هم کار کردیم شد از تو برای این
 برادر عزیز ما هم بنید و اسرار علم در محفل کون و برادر
 تاریخ ۱۶/۱۲/۶۰
 محمد ملاح

محمد ملای سیروئی



نام: محمد

نام خانوادگی: ملایی سیروئی

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱۰/۲۲

محل تولد: در روستای سیروئی از توابع شهرستان

حاجی آباد

نام پدر: یارالله

نام مادر: سکینه

تحصیلات: تا پایان دوره راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۳/۲۲

محل شهادت: سومار

نحوه شهادت: بر اثر اصابت ترکش به جمجمه و

سینه

محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ اگر من آرزوی یاری حسین در دلم می‌پرورانیدم، حالا روزش رسیده است و اگر من مرد عمل هستم، باید فرزند حسین را یاری کنم.
- ◀ معتقد بودم که باید کوفیان عهدشکن را برای همیشه از دیار هستی به زباله‌دانی عدم آن هم با نهایت خفت و ذلت فرستاد.
- ◀ لقاء فرزندان کربلا مرا به جبهه و شهادت مشتاق‌تر نموده است و شوق بیشتری به رزم و شهادت پیدا کرده‌ام.
- ◀ هرچه زودتر می‌خواهم از این قفس دنیا فرار کنم و در عالم اخروی آزادانه به پرواز درآیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهِدَا وَالصِّدِّيقِينَ وَالْقَاصِمِ الْجَبَّارِينَ

به نام خدا و پروردگار شهیدان^۱ و صادقان و درهم کوبنده ستمگران و ظالمین.
إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ
غَفُورٌ رَحِيمٌ^۲

همانا کسانی که ایمان به خدا آوردند و کسانی که هجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند، مشمول رحمت خداوند هستند و خدا بسیار مهربان و آمرزش طلب است. (قرآن کریم آیه ۲۱۸ سوره بقره).

پدرم، از همان اوایل^۳ کودکی که همراه و در معیت شما به مجالس عزاداری سرور شهیدان می‌آمدم و به وسیله شما با سید و سالار شهیدان و مظلومان تاریخ، استیناس پیدا کردم، از وعاظ نحوه و چگونگی حماسه جاوید حسین (ع) را شنیدم؛ و با همان فکر کودکانه‌ام می‌گفتم ای کاش به جای کوفیان بی‌وفا من در آن عصر بودم که آقای‌مان حسین را یاری کنم؛ با خود فکر می‌کردم که اگر من در آن عصر بودم، جانم را سپر علی‌اکبر قرار می‌دادم و از آن وجود ذی ثمن حراست به عمل می‌آوردم.

تا این که خلاصه با گذشت سال‌ها و روزگار، به سن بلوغ رسیدم و بار دیگر تاریخ به عقب ورق خورد و جنگی تحمیلی بین خمینی بت‌شکن از تبار ابراهیم خلیل‌الرحمان، با صدام خون‌خوار از ذریه کثیف یزید، در گرفت.

۱. در اصل: شیدان.

۲. آیه ۲۱۸، سوره بقره.

۳. در اصل: اوال.

روزی در گوشه‌ای از صحرا در زادگاهم نشسته بودم و با خودم فکر می‌کردم که اگر من آرزوی یاری حسین در دلم می‌پرورانیدم، حالا روزش رسیده است و اگر من مرد عمل هستم، باید فرزند حسین را یاری کنم.

برای رسیدن به این [...] عاشقانه، عازم خدمت زیر پرچم شدم و دوره آمادگی و آموزش را با نهایت دقت و فراست و کیاست آموختم که خوب‌تر رهبر اسلام و مذهب جعفری را یآوری نمایم.

پس از طی مراحل آموزش، عازم جبهه جنگ شدم و آتش انتقام خون به ناحق ریخته حسین در دلم زبانه می‌کشید؛ به همین منظور معتقد بودم که باید کوفیان عهدشکن را برای همیشه از دیار هستی به زباله‌دانی عدم آن‌هم با نهایت خفت و ذلت فرستاد.

تصمیم گرفته‌ام که باید طوری در جبهه انجام وظیفه نمایم که علی‌اکبر حسین را از خود شادمان سازم. لقاء فرزندان کربلا مرا به جبهه و شهادت مشتاق‌تر نموده است و شوق بیشتری به رزم و شهادت پیدا کرده‌ام و هرچه زودتر می‌خواهم از این قفس دنیا^۵ فرار کنم و در عالم اخروی آزادانه به پرواز در آیم.

مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک دو سه روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم^۶
چنین قفس نه سزای چو من خوش‌الحانی است روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم^۷
خلاصه ای پدرم! تا این‌جا زبان حال مرا شنیدی، پس از این، به چند سفارش گوش بده.
احتمالاً دیگر مرا نخواهی دید و این آخرین نگارش من به شما است؛ اگر چنان‌چه همین‌طور شد و من سعادت و افتخار شرب شهادت را پیدا نمودم، می‌دانم که به جهت از دست دادن اولین فرزندت خیلی ناراحت می‌شوی؛ زیرا پدر به فرزند ذکور اولش خیلی علاقه دارد و در واقع کاخ آمال پدر، فرزند ذکور اول خانواده است؛ فقط داروی تسلی خاطر شما را به یاد آوردن علی‌اکبر حسین می‌دانم و بس.

۴. ناخواناست.

۵. در اصل: دینا.

۶. شعر از مولانا است.

۷. شعر از حافظ است.

هر وقت به یاد من افتادی، علی‌اکبر حسین را به یاد آور، قلبت آرام می‌گردد.^۸
 اما سفارش دوم به شما مادر و مادر بزرگم! می‌دانم که شما پس از شهادتم اگر چنانچه
 البته سعادت داشته باشم، خیلی ناراحت می‌گردید، زیرا آرزو داشتید شب عیش و زفاف و
 فرزندان مرا نظاره کنید؛ مسکن درد شما هم یادآوری حماسه زینب، قهرمان کربلا است. هر
 وقت من به یاد شما آمدم، علی‌اکبر امام حسین را در ذهن تان خطور بدهید تا آرام شوید.
 اما شما برادرانم! با این که غمی جان‌گداز متحمل می‌شوید و کم‌رتان خم می‌گردد،^۹
 ناراحت نشوید و اسلحه به زمین افتاده مرا بی‌صاحب نگذارید و به وسیله ثبت نام در بسیج
 راهم را ادامه دهید.

و شما خواهرانم! با توجه به این که خواهر علاقه غیر قابل وصفی به برادر دارد، به مراتب
 در فقدانش نیز متأثر و [...] می‌گردد، به وسیله تجلی فاطمه صغرا دختر علیل امام حسین
 مصیبت^{۱۱} وارده را تحمل کنید.

و مجدداً ای پدرم! صبر پیشه کن زیرا قرآن می‌گوید: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ^{۱۲}.
 کلیه خویشاوندان و نزدیکان و ارقاب را سلام می‌رسانم.

خدانگهدار همه شماها

محمد ملائی

امضاء^{۱۳}

آدرس من به این شرح است: باختران، جبهه سومار غرب، گروهان ۱، دسته ۳، گردان
 ۸۰۵، شماره صندوق پستی ۳۳۳/۱، سرباز وظیفه محمد ملائی.

۸. در اصل: می‌گردد.

۹. در اصل: می‌گردد.

۱۰. ناخواناست.

۱۱. در اصل: مصیبت.

۱۲. بخشی از آیه ۴۶، سوره انفال: «همانا خدا با صابرین است».

۱۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم رب الهمه والصدیقین والقاصم الجبارین
 به نام خدا و پروردگار سزیدان و صدقان و درهم کونینده شکران و طالبین
 ان الذین آمنوا والذین هاجروا وجاهدوا فی سبیل اللہ اولئک یرجون رحمت اللہ العزیز
 عفوهم . هانک کما که ایمان به فلا آورند و کما که هجرت کردند و در راه خدا جاهدت کردند
 مشول رحمت خداوند هستند و خدا بسیار عزیز است و آمرزنده طلب است . قرآن کریم آیه ۲۱۸
 از جهن او ان کوندی که همراه در معیت سنان مجالس عزاداری سرور شهیدان می آید
 و به وسیله سنان سید علیرضا شهید او مظلوم تاریخ استیفا سید اکرم از زوفا مخونه جگونی
 هکس جوید حسین رعیم را شنیدیم . و با هک فکر کوه کانه ام من گفتم ای کاشتر بجای کوفیلان بنوفا
 سوزان عصر بودم که آقا حسین بر این ری گنیم با هک دگر مکه و کوه از من در آله عصر بودم
 هکس را سپر عن اکبر قمار می دام و از آن هکودزی شن حرمت به عمل می آوردم .
 تا اینکند ضامه پاکذرت سها و روزگار به سر بلوغ رسیدیم و با رذیله تاریخ به عقب ورق خوردیم
 هکس تقیمی بین هکسیت شکس از تیار ابراهیم حلیل الله به هکام هکودار از ذریه کتیب زید
 در گرفت .
 روزی در کوهی از صفا در زادگاه نشسته بودم و با هکوم فکر میکردم که اگر من کوه روزی به ری
 حسین در دهم می پرو و ایندم هک از رزق رسیدم هک و اگر من در عمل هکس بنیظرنه حسین راه ری گنم
 برای رسیدن به این بین عاتق عاتق هکس هکس زید بودم شوم و دوره آمدن و آمدن کوه راه
 نهایت وقت و فرات و کینست که هکس که هکس به هکس اسم و مذهب هکس که راه و کوه گانم .

پس از طی مراحل آمادگی عازم جبهه جنگ شوم و آنش انتقام خون به نامق رقیبت
 حسین دردم زبانه شکسته به همین منظور معتقد بودم که باید کوفتای عمده حسن را برای حسین
 لردین رستمی به زبانه در عدم آن هم با نهایت هفت و ذلت فرستاده
 تقسیم گرفتم ام که باید طوری در جبهه انجم و وطنم لبنان که عنبر حسین را از حورث دما سازم . لقا و خوراک
 کربلا را به جبهه و جرات مستحق تر موزه است و شوق بیستری به رزم و شهادت پیدا کرده ام
 هر چه زودتر میخوانم لذایق قفس دنیا فرار کنم و در عالم اخروی آزادتم به پرواز در آیدم .
 مرغ باغ ملکوتم لبم از عالم خاک دوس روزی قفس سخته اندازم
 حسین قفس نه سزای چون ^{منور العالی است} روم به لشکر رفقا که مرغ آن چمن
 فراهم روی پریم تا این که زبا بخال را شنیدی پس لذایق به حینه سفارتم گوش بده
 اقبال دیگر ما نخواهد دید و این آفرین سنگی از من به است .
 اگر دنیا بچه همینطور شد و من سعادت و افتخار شرب سعادت را پیدا نمودم حیدریم
 که به جیت از دست دادن اولین عزیزت یعنی نازات هسیری زیرا پدر به فرزنده
 ذکر اولی حین عدمه دارد و در واقع کاخ آسمان پدر عزیزند ذکر اول خفا نوازه است .
 فقط دارای تسلی خاطر را به آردن عنبر حسین حیدریم و من .
 هر وقت به یاد من افتادی ع اکبر حسین را به یاد امر قلبت آرام میگرد
 اما نثار دوم به ما دارد و صادر نزدیک
 میانم که پس از شهادتم اگر بین بچه اللہ سعادت داشته باشم حین نازات میگردید

زیر آرزو دایمید سب عیش و زفاف و خیزند از ما نظاره کنید . مسکن در درج هم یا آرزو
 هم را میب خرم کربلا است . هر وقت من به یادش آسم علی اکبر صلی الله علیه و آله را در ذهنتان

خطورید به حدیث تا آرام شوید
 است که برادرانم . به اینکه غمها بگذرد از متوجه میگردید و عکسنگ هم میگردید در امت توید
 واسم به زمین افتاده بر این صفت گذارید و به رسیدت نام در بسیج راهم را آرام
 خعبید

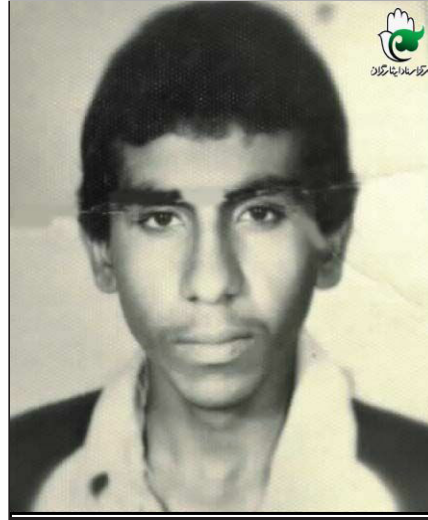
و در طول راهم . ^{به توید} ~~عظیم~~ آنند خواهر غلامه غیر قابل وصفی . برادر دارد به مراتب در ققدرش نیز
 متشکر و متواضعتر میگردد به رسیدت حق . فاطمه صفا دختر علی امام حسین معصوم و ارده را

و مجدداً سر پرده میبوشم کتب زیر اقران ^{مکتوبه} ان الله مع الصابرين
 کینه هزیف و نرکان و نزدیکان و اقارب را سلام میرسانم

ملا محمد باقر
 محمد باقر

آدرس من به این شرح است
 باقران جبهه سوم از غرب گروهان ۱ رسته ۳ گردان ۱۰۵ شماره سندوی پستی
 ۳۳۳۳ سر زو طینم محمد باقر

محمد منتظری نخلی



نام: محمد (غلام)
نام خانوادگی: منتظری نخلی
تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۰۱/۰۱
محل تولد: در شهرستان بندرعباس
نام پدر: مسافر
نام مادر: کلثوم
تحصیلات: دانش آموز سوم متوسطه در رشته
حسابداری
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۰
محل شهادت: خرمشهر
نحوه شهادت: بر اثر اصابت گلوله به شکم و سینه
محل دفن: گلزار شهدای زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ امروز اسلام در خطر است و باید کوشش کنیم این اسلام را از نابودی برهانیم و آن را [در] سرتا سر جهان گنجایش بدهیم و برای گنجایش این، خون می خواهد و آن هم خون جوان و خون پاک که می تواند این درخت را آبیاری کند.
- ◀ پدر و مادر عزیزم! اگر ان شاء الله شهید شدم، شما با رفتار زیبایتان و شیدایی کلامتان به مردم بفهمانید که ما هم در انقلاب سهمی داشتیم و سهم مان اینست که یک قربانی داده ایم.
- ◀ برادر عزیز! با رضایت پدر و مادر اگر توانستی، برو پاسدار شو و در راه خدا بجنگ چون هر چه هست، در این پاسداری است. باید هیچ وقت حجابت را از یاد نبرید.

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود فراوان به رهبر انقلاب و با درود فراوان به رزمندگان اسلام، حضور محترم خانواده‌ام سلام عرض می‌کنم.

پدر و مادر عزیز! امروز اسلام در خطر است و باید کوشش کنیم این اسلام را از نابودی برهانیم و آن را [در] سرتا سر جهان گنجایش بدهیم و برای گنجایش این، خون می‌خواهد و آن هم خون جوان و خون پاک که می‌تواند این درخت را آبیاری کند. و از شما پدر و مادر عزیز می‌خواهم که نه پسر بزرگت که آرزوی عروسی کردن آن داشتی، بلکه پسرهای دیگر [را] هم [...] این دین که دین الهی و حق است، بکنید.

پدر و مادر عزیزم! اگر ان‌شاءالله^۲ و خدا قبول کند که من در این راه شهید شوم، باید شما راه این پسران که در راه خدا جنگیده و شهید شده [را] ادامه بدهید.

پدر و مادرم! شما عزیز بودید ولی وقتی این راه یعنی راه خدا در پیش آمده باید از پدر و مادر و جان و مال [...] گذشت و در راه این راه خدایی رفت.

پدر و مادر عزیزم! اگر ان‌شاءالله^۴ شهید شدم، شما با رفتار زیبایتان و شیدایی کلام‌تان به مردم بفهمانید که ما هم در انقلاب سهمی داشتیم و سهم‌مان اینست که یک قربانی داده‌ایم. و از شما پدر و مادر خواهش می‌کنم برای این قربانی، گریه نکنید بلکه [...] مبدل سازید زیرا هیچ ناراحتی ندارد که از یک خانواده‌ای یک قربانی در راه خدا داده شده است.

پدر و مادر عزیزم! پیروی از رهبر و طرفداری از پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر علمای

۱. ناخواناست.

۲. در اصل: این‌شالله.

۳. «باید» حذف شده است.

۴. در اصل: این‌شالله.

۵. ناخواناست.

اسلام [...]؛ همیشه در نماز جمعه‌ها و دیگر مجلس‌های اسلامی شرکت کنید و دیگران هم در این نمازها و مجلس‌ها تشویق کنید، تا ان شاء الله^۷ این انقلاب، انقلاب جهانی شود.

پدر و مادر عزیز! سفارشی که من به شما می‌کنم، مواظب برادران و خواهران عزیزم است که آن‌ها را تشویق بیشتر کنید که انقلابی شوند و خیلی خیلی مواظب آن‌ها باشید.

وصیت‌نامه به برادرم غلام منتظری

برادر عزیزم! بعد از من این خانواده پسر بزرگتری جز تو ندارد و این تویی که این خانواده [را] شاد می‌کنی.^۸

برادر عزیز! با رضایت پدر و مادر اگر توانستی، برو پاسدار شو و در راه خدا بجنگ چون هرچه هست، در این پاسداری است و نماز جمعه‌ها بیشتر شرکت کن و جمعه‌ها است که این جوان‌ها را می‌سازد که این طور ایثارگری از خود نشان بدهند.

برادر عزیز! این اتاق من به تو و هرچه وسائل دارم به تو و اگر روزی خدا عمرت داد و عروسی کردی، مبارکت باشد؛ و یادی از برادر کوچکت هم بکن.

برادر! من یک مثنی کتاب دارم، اگر درک آن را داری که بخوانید، برای خودت و اگر نتوانستی به کتابخانه محل [...] ^۹ تحویل ده تا دیگر بچه‌ها از آن استفاده نمایند. یک کتاب کوچکی که باید تحویل کتابخانه بدهید و آن هم کتابی است که مهر کتابخانه روی آن زده است.

برادر عزیز! برای من گریه نکن بلکه شادمانی کن و به بچه‌ها بفهمان که تو یک برادر شهید هستی و امیدوارم که ادامه‌دهنده راه شهیدان و برادرانت باشی.

برادر عزیز! علی را فرموش نکن و همیشه مواظب آن باش و همیشه او را به کارهای انقلابی و درس خواندن تشویق کن.

وصیت‌نامه شهید به دو خواهر عزیزش

خواهر عزیزم! نصرت عزیز! هرکاری که من به تو کردم از تو می‌خواهم که مرا ببخشی

۶. ناخواناست.

۷. در اصل: این شالله.

۸. در اصل: کنید.

۹. ناخواناست.

و وصیتی دارم که به تو می‌کنم و آن هم حجاب است؛ باید هیچ‌وقت حجابت را از یاد نبرید و همیشه خواهران دیگر را بحجاب تشویق کن و با رفتار نشان بده که خواهر یک شهید هستی و از تو می‌خواهم که خواهر کوچکت زیبا را از یاد نبری و همیشه مواظب او باشی که حجاب هر دوی شما سنگری است برای دشمن که امیدوارم که این حجاب را از یاد نبری و با این حجاب حافظ و نگهبان خون شهیدان و برادرت باشی که ان‌شاءالله^{۱۰} این طور می‌باشد.

وصیت‌نامه به خواهر بزرگم فاطمه منتظری

خواهر عزیزم فاطمه! اگر خدای نکرده بتو کاری کرده‌ام که موجب ناراحتی تو شده، از تو می‌خواهم که مرا ببخشی و وصیتی دارم که بتو می‌کنم و آن هم حجاب است؛ خواهرجان! از این که برادرت در راه خدا به شهادت رسیده است، هیچ ناراحتی نشوی بلکه خیلی خوشحال شوی.

خواهر عزیز! خوب از پسرانت مواظبت کن تا آن‌ها هم در آینده ان‌شاءالله^{۱۱} در راه خدا قربانی شوند.

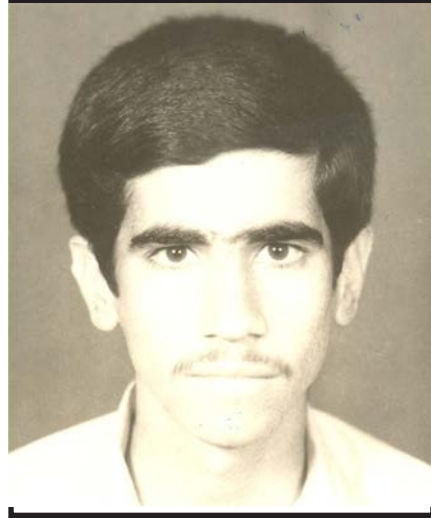
خواهر عزیز! هم‌چنان که می‌دانم که نمی‌توانی در نماز جمعه شرکت [کنی] چون بچه کوچک داری ولی باید نماز جمعه شرکت بکنی چون نماز جمعه نماز واجبی است که بر تمام مسلمین واجب است که در این روز در یک‌جا جمع شوند و با هم این نماز را برگزار نمایند.

امیدوارم که این سخن از برادر کوچک شنیده باشی.

۱۰. در اصل: این‌شاءالله.

۱۱. در اصل: این‌شاءالله.

سید عبدالحسین موسوی پور شهواری



نام: سید عبدالحسین
نام خانوادگی: موسوی پور شهواری
تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱۰/۱۷
محل تولد: در شهرستان میناب
نام پدر: سیداحمد
نام مادر: زبیده
تحصیلات: دانشجوی دوره کاردانی در رشته
تربیت معلم
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۷
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت:
محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ در جهان بی کران، هیچ موجود زنده‌ای عمر ابدی و زندگانی جاوید نخواهد یافت.
- ◀ انسان نیز که اشرف مخلوقات است، از این قاعده مستثنی نیست.
- ◀ خدایا! چگونه زیستن را به من بیاموز، چگونه مردن را خود خواهم آموخت.

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

و مپندارید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند بلکه آنان زنده‌اند و در نزد خدا روزی می‌خورند.

سلام و صلوات بر خاتم پیامبران، حضرت محمد بن عبدالله و سلام بر حضرت مهدی صاحب زمان عجل الله تعالی شریف و درود بر امام امت بت شکن قرن و سلام بر ارواح طیبه [...]^۲ شهیدان راه خدا که با نثار خون خویش، درخت انقلاب [...] را آبیاری کردند.

در جهان بی‌کران، هیچ موجود زنده‌ای عمر ابدی و زندگانی جاوید نخواهد یافت و همه جانداران روزی باید چشم از دنیا و همه تعلقاتش بپوشند و به سرای [...]^۴ بشتابند. انسان نیز که اشرف مخلوقات است، از این قاعده مستثنی نیست و زمانی [...]^۵ همه تعلقات مادیش را ترک گفته و به سرای دیگری [...]^۶ چه بسا انسان‌هایی مانند فرعون‌ها در این کره خاکی جقدر غرق در مادیات شدند ولی آخر با خود یک کفن بیشتر نبردند.

پس چه بهتر که انسان در این کره خاکی زیستنش هدف‌دار بوده و برای احیای هدفش

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. ناخواناست.

۳. ناخواناست.

۴. ناخواناست.

۵. ناخواناست.

۶. ناخواناست.

مبارزه کرده و جانش [...] نیز فدای برجا ماندن حکمت و هدفش باشد. وقتی حکمت ما [...] است و کتاب آسمانی ما قرآن، باید الگوی زیستن و مردن ما نیز پیشوایان دین اسلام باشد. خدایا! چگونه زیستن را به من بیاموز، چگونه مردن را خود خواهم آموخت.

کسمایه بیاخت اعمی

بسم الله یا اسناد حریت خوف شهیدان

والا تحسین الفدیة اکتفا قل فی سبیل الله اعدا ما یله اعداء محمد وجمهم یرزقون

ویندیارید کاشخ ندرله فلا کتندندم در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه خدا

بجسمم بر امام عصر حضرت محمد علی الاکبر علیه السلام

سلام بر صلوات بر خاتم نبیا بر این حضرت خیر المبعوثین و مسلم بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله
و درود بر امام استیت شنگش قریش و مسلم بر اولاد آن سیدین راه خدا که با نیا در غنیمت قریش در کف انقلاب
اسلامی را یکبار در روز

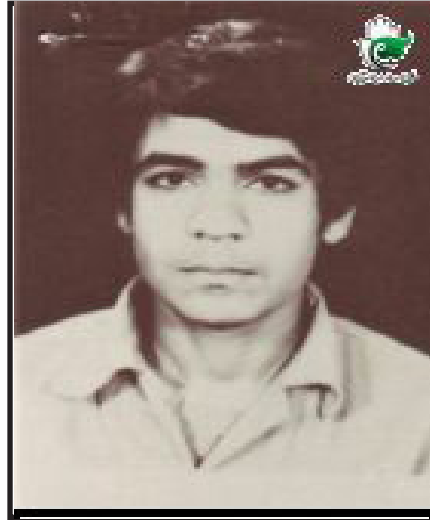
در جهان بیکسختی هم بر همه ز ظلم بر امام زین العابدین علیه السلام و در راه خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه خدا
تعلق آن بیرون شده و بپوشیده با نیا سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا
و نیا سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا
عشق در ما زیاده شود و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا

بیم هم بهر که انانیت در این گروه خانه نیستی هر قدر بود و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا
تکلیف و هر قدر باشد در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا
بیعت اسلام پس

خدا یا خدایه من در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا و در راه سید کاشخ نطفه و درود خدا



سید اسماعیل موسوی دهبویی



نام: سید اسماعیل

نام خانوادگی: موسوی دهبویی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱۰/۰۱

محل تولد: در روستای ماه خاتونی از توابع

شهرستان میناب

نام پدر: سید هاشم

نام مادر: مریم

تحصیلات: تا چهارم ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۷

محل شهادت: فاو عراق

نحوه شهادت: بر اثر اصابت ترکش به صورت و

پهلوی

محل دفن: بهشت زهرای شهرستان زادگاهش

گلچین وصیت نامه

◀ ای خانواده شهدا! شما بدانید فرزندان تان نمرده اند بلکه زنده هستند.

◀ در مرگ بنده ناراحت نباشند و گریه از برای من نباشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱ (قرآن کریم)
با سلام و درود بر رهبر کبیر و بنیان‌گذار^۲ جمهوری اسلامی ایران و نایب برحق، امام
زمان روح‌الله و سلام و درود بر شهدای صدر اسلام و شهدای کل زارع ایران.
بنده اسماعیل موسوی، وصیت خود را چنین آغاز می‌کنم، که ای خانواده شهدا!^۳ شما
بدانید فرزندان‌تان نمرده‌اند بلکه زنده هستند و از مرگ آن‌ها ناراحت نباشید و خوشا به
شما که چنین افتخاری نصیب^۴‌تان گردید و توصیه بنده به خانواده‌ام این است که در مرگ
بنده ناراحت نباشند و گریه از برای من نباشد بلکه بخاطر مظلومیت حسین باشد و نسبت به
خواهرانم و برادرانم مهربان باشید و بنده را شفاعت نمائید و از طرف بنده دوستان و خویشان
را سلام برسائید و به آن‌ها بگوئید که مرا ببخشند. دیگر عرضی ندارم.

برادر کوچک شما

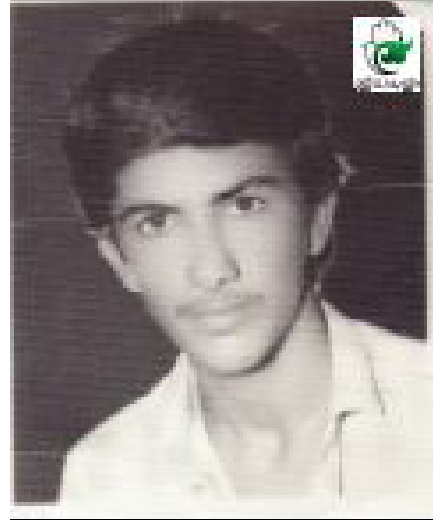
سید اسماعیل موسوی

مورخه ۶۳/۶/۷

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».
۲. در اصل: بنیان‌گذار.
۳. در اصل: شهدای.
۴. در اصل: نسیب.

سعید موسی زاده



نام: سعید

نام خانوادگی: موسی زاده

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۰۱/۰۱

محل تولد: در شهرستان کرمان

نام پدر: حبیب

نام مادر: زینب

تحصیلات: دانش آموز اول متوسطه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۴

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت:

محل دفن: گلزار شهدای شهرستان بندرعباس

گلچین وصیت نامه

- ◀ خدایا! گناهان مرا ببخش و مرا جز آن عده از بندگان خود قرار ده که مطابق میل تو شروع به زندگی کردند.
- ◀ انسان یا با مرگ از دنیا خواهد رفت و با خدای خود معامله خواهد کرد.
- ◀ خواهرانم! حجاب خود را حفظ نمائید، نگذارید دشمنان اسلام از بی حجابی شما سوءاستفاده کنند.

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با سلام و درود بر فرماندهی تمامی عملیاتی آن، آقا امام زمان حضرت مهدی (عج) و با سلام و درود بر تمامی خانواده‌های شهدا، اسرا، مفقودین و مجروحین و با سلام بر مردم غیور و همیشه در صحنه میهنم.

اینجانب سعید موسی‌زاده، بنابر وظیفه شرعی خود وصیت‌نامه‌ام [را] می‌نویسم. ابتدا قبل از هر چیزی، از خداوند شکر گزارم که [...] که در انتظار آن بودم، هدایت نمود و او را شکر می‌گویم، خدایا! گناهان مرا ببخش^۱ و مرا جزء آن عده از بندگان خود قرار ده که مطابق میل تو شروع به زندگی کردند^۲ و همان طوری که تو می‌خواستی از این دنیا رفتند^۳، از تو می‌خواهم همان طوری که مرا هدایت کردی، تمامی مردم جهان را به این راه بزرگ [...] هدایت فرما. پدرم و مادرم! اول از شما می‌خواهم که در مرگ من گریه و زاری نکنید؛ این خواهش من است زیرا که انسان یا با مرگ از دنیا خواهد رفت و با خدای خود معامله خواهد کرد، یا بوسیله شهادت از این دنیا خواهد رفت و چه بهتر است که بوسیله شهادت از این دنیا برود؛ پس من همان طوری که دلم خواست از این دنیا رفتم، پس باز هم از شما می‌خواهم که در مرگ من گریه و زاری نکنید.

خواهرانم و برادرانم! را نیز همان طوری که من دلم می‌خواست، تربیت کنید طوری که به راحتی بتوانند راه امام حسین و تمامی شهدا [را] ادامه دهند.

۱. ناخواناست.

۲. در اصل: به بخش.

۳. در اصل: کردن.

۴. در اصل: رفتن.

۵. ناخواناست.

پدرم! تو را که مثل چشم‌هایم دوست دارم، چطوری بگم که چقدر دوستت دارم، از تو معذرت می‌خواهم که بدون اجازه تو رفتم، ولی امیدوارم مرا ببخشید.

مادرم! تو که برای من خیلی زحمت کشیدی، از تو هم معذرت می‌خواهم که در تمامی کارهای خود استوار و پایدار باشید.

برادرانم! شما نیز اگر می‌توانید به این جبهه‌های جنگ حق علیه باطل بیایید، ببینید که این رزمندگان پر توان اسلام و قرآن چطوری می‌جنگند.

همیشه در مراسم مذهبی شرکت کنید، در دعای کمیل و نماز جمعه شرکت کنید، خواهرانم! حجاب خود را حفظ نمائید، نگذارید دشمنان اسلام از بی‌حجابی شما سوءاستفاده کنند.

به امید پیروزی رزمندگان پرتوان و آزادی اسرا و بهبودی مجروحین این جنگ.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

محل دفن، کنار قبر شهید اصغر موسی زاده، بهشت زهرای بندرعباس.

۱۰ تومان به حمید رنجبر بدهکارم.

سعید موسی زاده

امضاء^۶

تاریخ ۶۵/۱۲/۶

« به نام خدا »

« وصیت نامه شهید سعید موسوی زاده »

لله وصیت شهید به خانواده و اقوام و دوستانش

که وصیت شهید به مسئولین و مدیران دولتی

که وصیت شهید به همسر زماش

من وصیت نامه شهید که فوکلین آن در بنیاد شهید و سازمان بهاء با سردار مرحوم آقا شیخ موسوی زاده
 سعید در غرض لایحه بنام ا... با سردار وصیت خون شهید و با سلام و درود بر محمد و آل محمد و با سلام
 و درود بر فرزند خدای عزوجل آن اما امام زمان حضرت مهدی (عج) و با سلام و درود بر تمامی خاندان ائمه
 اطهار معصومان و مجتهدین و با سلام بر مردم غیر و همه در صحنه مهینم اینجانب سعید موسوی زاده بنابر
 وصیت شرعی و وصیت نامه ام منوچهر احمدی ابتدا قبل از هر چیزی از ضلع شکر گذارم که مراد من از همه
 رشتت که در انتظار آن بودم محبتت بود و در شکر بی پایانم خداوند گناگان مردی بخش و مهربان آن همه از همه
 تو خود فرار ده که مطابق میل تو شروع کرده که گون و حقا نظریه در محرابی از این دنیا رفتی
 از تو بخوانم حقا نظریه مرا حدیث کفر تمامی کلام جلال را بر این راه تربیت در همه روزه حدیث و کلام
 بهم و ما هم اول از شما بخوانم که در وقت من گریه و زاری نکنید این خورش من است زیرا که انسان یا با معرفت از دنیا خواهد رفت و با
 خود مسامحه خواهد کرد یا برسد شهادت از این دنیا خواهد رفت و چه بهتر است که برسد شهادت از این دنیا خواهد رفت من حقا نظریه
 دلم خوراک از این دنیا رفتم من باز هم از شما بخوانم که در وقت من گریه و زاری نکنید خود را هم و بگو دلم را نیز حقا نظریه من
 دلم خوراک بریت کینه طوریکه چیزی نبودند راه امام حسین و تمامی شهدا ادامه دهند بدو که مثل چشم من هم دردم
 و حقیقت من که عقده دردت دلم از تو منور است بخوانم که بعد اجازه تو رفتم و امید دلم سر را به چشمه مبارکم تو که مرا
 چشم رحمت کشید از تو هم منور است بخوانم که در تاجی کار خود استوار و با بدله باشی سلامم شانه اگر متراشند من این
 وجه هر صفت حق علیه باطل بیاید بیند که این در روزگاران برودت دلام در جردن شکر میگذرد

همیشه در رسم مدبری شرکت کنید در دعا کبیل و نادر عهد شرکت کنید
 نملکه دشمنان اسلام را بکشد تا سوار بر کشتی شود و برود زنده گمان برودان و آزادی آسرا
 در مورد محراب این صلیب صلا صلا تا نعلب مهر خنسی را ننگار
 من زنج نادر قمر سینه صغیر مری راده نشت خجای ننگار
 در لایان چند خجای حکام

نصف مری راده تمام
 ۶/۱۲/۶۵
 روبرو با بازار
 حجب مری راده
 و نعلب

۷۶/۱/۲۸

ابراهیم مہیاری



نام: ابراهیم
نام خانوادگی: مہیاری
تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۰۲/۰۴
محل تولد: در روستای بہرورغ از توابع
شہرستان بندرعباس
نام پدر: محمد
نام مادر: مریم
تحصیلات: تا سوم ابتدایی
تاریخ شہادت: ۱۳۶۳/۹/۲
محل شہادت: گلاسفیدسردشت
نحوہ شہادت: بر اثر اصابت گلولہ بہ قلب و دست
محل دفن: زادگاہش

گلچین وصیت نامہ

◀ وکیل و شرط است کہ راہ شہیدان را ادامہ بدہم و این راہ پر افتخار نصیبم از جانب خداوند ایزد منان باشد.

◀ راہ شہیدان را فراموش نکنید؛ راہی کہ امام ما رفتہ است، باید ادامہ بدہیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی و سلام پر افتخار به رزمندگان کفر ستیز اسلام که در جبهه های حق علیه باطل می جنگند. من سرباز احتیاط قدس ۱۹۶۸، ابراهیم مهبیاری، این وصیت که از قانون اسلام است، برای خود می نویسم که در منطقه عملیاتی هستم و اتفاقاً اگر راه من، شهادت نصیب شد، یادداشت این دو کلمه که از جانب خودم نوشته ام، و کیل و شرط است که راه شهیدان را ادامه بدهم و این راه پر افتخار نصیبم از جانب خداوند ایزد منان باشد.

[....] رزمنده، راه شهیدان را فراموش نکنید؛ راهی که امام ما رفته است، باید ادامه بدهیم.^۲ و آدرس من بندرعباس، شهر نمایش، کوی آزادگان، فرودگاه قدیم مسجد امام حسن (ع)، منزل شخصی موسی مهبیاری، و در شب جمعه که باید وصیت کرد و هر روز انسان وصیت لازم است که انجام دهد.^۴ برادران عزیز! ما را ببخشید. مادر مهربانم! ما را حلال کن. خدا حافظ.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ابراهیم مهبیاری

امضاء^۵

در تاریخ ۶۳/۶/۳۰

۱. در اصل: بر.

۲. ناخواناست.

۳. در اصل: خواهیم داد.

۴. در اصل: داد.

۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 تاریخ: ۰۳/۰۹/۱۳۴۹
 یادداشت: ۱۳/۱۰/۸۰
 غرض: ...
 با درود و احترام به رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی
 ایران امام خمینی رسالت پر افتخار و بزرگواران کفر ستم اسلام
 که در همه جا حکم علی باطن می بیند
 من سر باز از قضاوت قدس ۱۹۶۱ ابراهیم مهیاری
 این وصیت که از قانون اسلام است بر فور من تویم
 که در منته عمل من قسم و اتفاقاً از راه من شدت
 بر من شد یاد راست این دو که از جانب خودم
 نوشته ام و کمال و شرط است که راه شهادت را به ادامه
 به هم و این راه بر اقصی بر نصیب از جانب فرزند زنیان باشد
 بر این روز منزه راه شهادت را فراموش نکنید راهی که
 انجام ما ~~...~~ زنده است باید ادامه بدهیم در

استان
 هرمزگان

زادگان من پیر عیسیٰ شهر عباسی که از ارکان

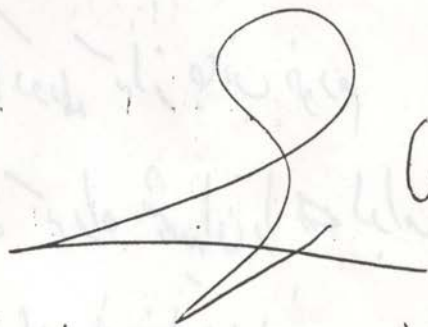
مردگان قدیم مسجد امام اربع ع. منزه شرف

مدنی حیدران و در سبب همه که با او وصیت کرد

و هر روز آنسان وصیت لازم است که انجام داد

بنا بر

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

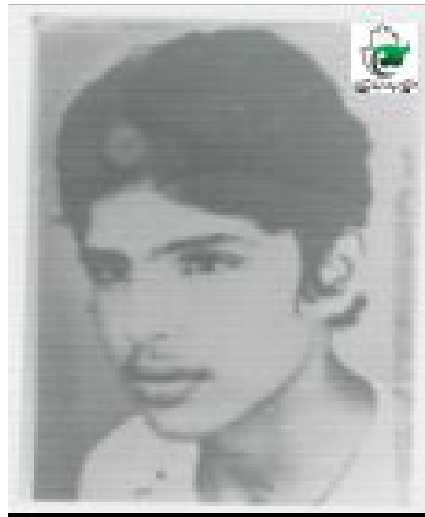


امیر حسین

برادران عزیز ما را بنحییه ما در هر زمان ما را احسان کن

خداوند

عبدالرضا مینکی



نام: عبدالرضا

نام خانوادگی: مینکی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۲/۰۶

محل تولد: در شهرستان لارستان

نام پدر: دادمحمد

نام مادر: سکینه

تحصیلات: تا چهارم ابتدایی

شغل: کارگر

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۰

محل شهادت: خرمشهر

نحوه شهادت:

محل دفن: اثری از پیکرش به دست نیامد.

گلچین وصیت نامه

- ◀ از کلیه برادران خواهش دارم که امام عزیز [را] تنها نگذارند.
- ◀ از پدر و مادرم خواهشمندم، از رفتن من صبوری اختیار کنند.

بسم رب الشهداء و الصدیقین

تاریخ: ۶۱/۱/۱۰

وصیت‌نامه برادر عبدالرضا مینکی

اول درود فراوان به رهبر عالی‌قدر و دوم درود فراوان به ملت شهیدپرور ایران و من از خداوند [۱] را [۲] [۳] [۴] [۵] [۶] [۷] [۸] [۹] جنگ کفر علیه اسلام نصیب کرد و من بیاری اسلام رفتم و از کلیه برادران خواهم^{۱۰} دارم که امام عزیز [۱۱] تنها نگذارند. و راه شهدای اسلام [۱۲] ادامه بدهند^{۱۱} و از پدر و مادرم خواهشمندم^{۱۲}، از رفتن من صبوری اختیار کنند^{۱۳} و برایم [۱۴] کنند^{۱۵}.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

عبدالرضا مینکی

امضاء^{۱۶} - بندر لنگه

۱. در اصل: عبدالرضا.
۲. در اصل: درود.
۳. ناخواناست.
۴. ناخواناست.
۵. ناخواناست.
۶. ناخواناست.
۷. «به» حذف شده است.
۸. در اصل: جیح.
۹. در اصل: علیج.
۱۰. در اصل: خواهش.
۱۱. در اصل: بدخند.
۱۲. در اصل: خواهش مندم.
۱۳. در اصل: کند.
۱۴. ناخواناست.
۱۵. در اصل: کند.
۱۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بِسْمِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
تاریخ ۱۰/۱۰/۶۱

دعوت نامه برادر عبدالرضا مینکی اوه درود فراوان به رهبر عالی صدام

دوم درود فراوان به ملت شهید پرور ایران و حق از خداوند شناس

را حق تعالی به ما عطا فرماید که کفر علیهم السلام نصیب کردنی بسیار اتمام

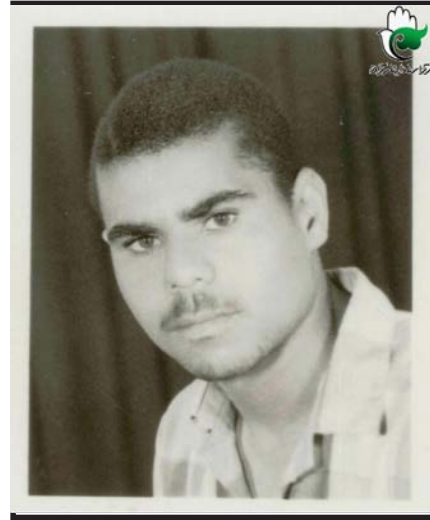
رفتیم و از کید برادران شمشیر دارم کلام عزرا تنها نگذارند

و راه شهید اسلام ادامه بدهند و از یه رو ما درم شمشیر میندم

از از رفتن من بصورتی اختیار کنند و برایم عطا کنند و سلام علیکم و رحمت

عبدالرضا مینکی
بندر زنگه

ابراهیم ناتوان



نام: ابراهیم

نام خانوادگی: ناتوان

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۵/۰۱

محل تولد: در روستای بالاشهر از توابع

شهرستان رودان

نام پدر: عباس

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: تا پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۳/۴

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت:

محل دفن: در روستای دهبازر تابعه شهرستان

زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ اگر من شهید شدم، برای شهادت من گریه نکنید؛ چون دشمن شاد می شود.
- ◀ از طرف من وصیت می کنم که خواهران حجاب را رعایت کنند.
- ◀ اکنون من داماد می شوم و کفن که همان لباس من است، پوشیدم.

بسم رب الشهداء و الصدیقین

بسم الله الرحمن الرحيم

ما از خدائیم و به سوی خدا باز می‌گردیم!^۱
به نام خدا، اگر شهید شدم مرا ببرید^۲ کنار قبر دوست عزیز خودم، جناب مرحوم
محمدعلی محسن‌زاده، به خاک بسپارید.
خوب پدرجان! مقداری پول به مبلغ ۱۵۰۰ ریال، از مغازه احمد قاسمی بدهکار هستم؛
بدهید.
اگر من شهید شدم، برای شهادت من گریه نکنید؛ چون دشمن شاد می‌شود و سوءاستفاده
می‌کند.

از طرف من وصیت می‌کنم که خواهران حجاب را رعایت کنند و از برادرانم می‌خواهم
که [مرا] حلال کنند و برای این [جمهوری اسلامی]^۳ فردی مفید باشند و تو مادر عزیزم! باید
همچون زینب کبری شکبیا باشی^۴ و به عزای من نشینید و می‌دانم مادر عزیزم چه امیدی در
دل داری، شما دوست داشتید روزی مرا داماد کنی؛ اکنون من داماد می‌شوم و کفن که همان
لباس من است، پوشیدم و به سوی خدا پرواز کردم و از برادرانم می‌خواهم که سنگر مرا خالی
نکنند و راه مرا که همان راه^۵ حسین (ع) بود ادامه دهند تا پیروزی نهایی رزمندگان اسلام.

والسلام - امضاء^۶

۱. اشاره به بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

۲. در اصل: ببرید.

۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «جمهوری اسلامی» باشد.

۴. در اصل: باش.

۵. در اصل: را.

۶. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نام و نام خانوادگی ابراهیم ناتوان
فرزند عباسی ... پنج ... ۳۶

سرور ایزیت مردم مسلمان شیخ کزنگر
سخت‌ترین اوزیر برش باشد

۶۷/۱۹۶۵

فصلت نامه

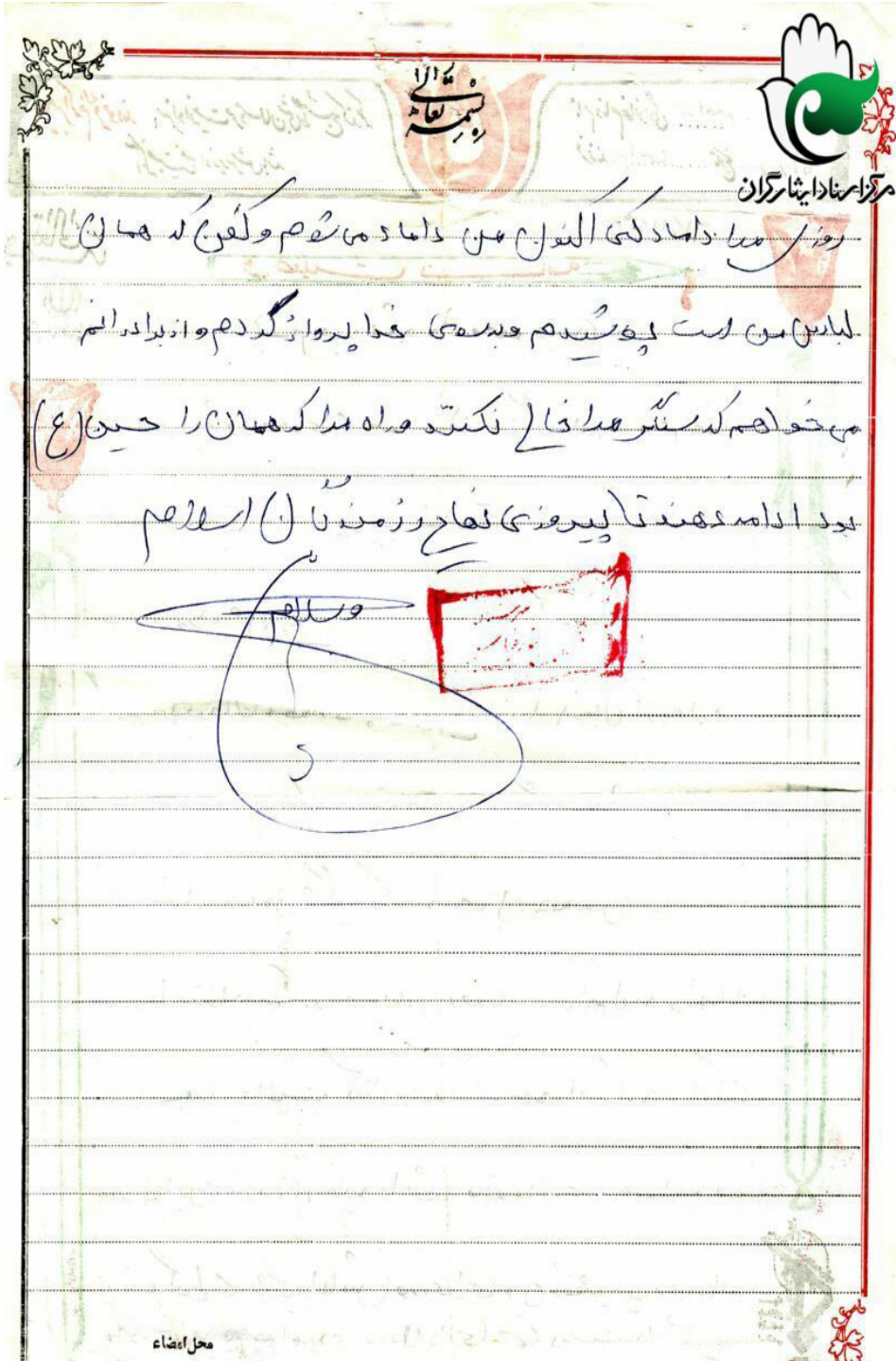
بسم رب الشهداء و صدیقین

ما از خدایم و بیسوی خدا باز ما که ایم به نام خدا
اگر شهید شویم خدا پیرید کنار قبر دوست عزیز خودم
جناب مردم مردم همه من راه به خاک بیاید
خوب پدرم مال مخداری پول به مبلغ ... ۵۰۰ ریال از مغازه
تجدد قلمی بد هکله تم بجهت اگر من شهید شویم
برای شهادت من گفته کنید چون دشمنان دهنی شود
و مورد استفاده کند از طرف من وصیعتی کنم که خواهان
تجارت را رعایت کنند و از یاد من خواهر که حلال کنند
و برای این فردی بجهت باشند و تو ما در خدمت ما بد همچون
نویسند کلماتی که با این و به عنای من کسب میروم، دانم
مادر عزیزم را امید می در دل داری من دوست دارم

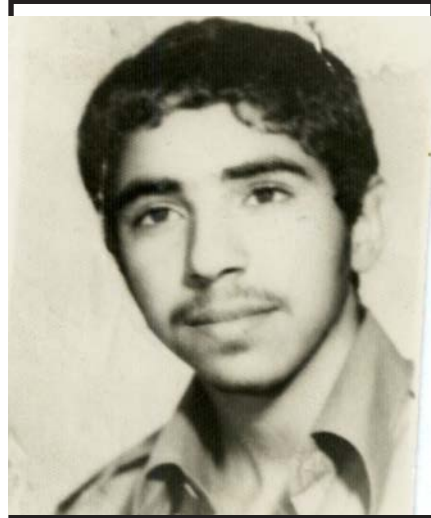
تعاون لشکر ۴۱ ناراه

محل امضاء

استان هرمزگان



عباس ناصری بازاری



نام: عباس

نام خانوادگی: ناصری بازاری

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۵/۰۱

محل تولد: در روستای شمرادی تابعه شهرستان

میناب

نام پدر: محمد

نام مادر: فاطمه

تحصیلات: دانش آموز دوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۵/۱۶

محل شهادت: فلاویزان

نحوه شهادت: بر اثر اصابت ترکش

محل دفن: بهشت زهرای شهرستان زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- من وصیتم به پدر و مادر و همشهریانم این است که امام را همیشه دعا کنند.
- به یاری رزمندگان بشتابند.
- از تمام پدران و مادران تقاضا دارم که به جوانهای خود دل داری دهند تا که بروند جبهه حق علیه باطل و کربلا را زیارت کنند.

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام [و] درود به رهبر کبیر انقلاب نایب امام خمینی روح‌القدس، سلام و درود بر پاک‌بازان انقلاب، آن‌هایی که ایثارگرانه عازم جبهه حق علیه باطل شده‌اند، سلام [و] درود بر روان پاک شهیدان راه حق و فضیلت، سلام [و] درود بر مادران داغ دیده، سلام [و] درود بر خانواده‌های شهدا^۱ و سلام [و] درود بر پدر و مادرانی که چنین فرزندانی بزرگ کرده‌اند که آن‌ها ایثارگرانه با کفر علیه اسلام بجنگند.

من وصیتم به پدر و مادر و همشهریانم^۲ این است که امام را همیشه دعا کنند، رزمندگان را یاری^۳ و هم‌چنین دعا کنند و دیگر وصیت من این هست که به یاری رزمندگان بشتابند و کمک‌های نقدی و جسمی خود [را] به جبهه‌های حق علیه باطل بفرستند و از تمام پدران و مادران تقاضا دارم که به جوان‌های خود دل‌داری دهند^۴ تا که بروند جبهه حق علیه باطل و کربلا را زیارت کنند.

خدایا خدایا تو را بحق زهرا رزمندگان را پیروزشان بگردان.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته^۵

امام را دعا کنید.

۱. در اصل: درود.

۲. در اصل: شهید.

۳. در اصل: هم‌شهریانم.

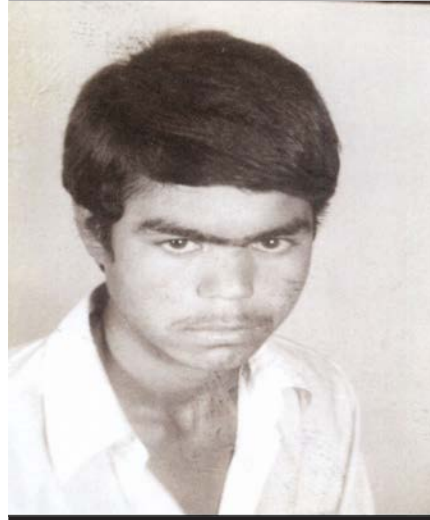
۴. در اصل: یاری.

۵. در اصل: کنند.

۶. در اصل: رحمت.

۷. در اصل: برکات.

زنده‌نوش ناظری



نام: زنده‌نوش
نام خانوادگی: ناظری
تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۶/۰۱
محل تولد: در روستای گهکیم تابعه شهرستان حاجی آباد
نام پدر: علیناز
نام مادر: صفرا
تحصیلات: تا پایان دوره متوسطه در رشته اقتصاد
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۹/۲۴
محل شهادت: نفت شهر
نحوه شهادت: بر اثر اصابت ترکش خمپاره به سر
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت‌نامه

- ◀ به فرمان امام امت و با توجه به وظیفه انسانی و اسلامی خویش جهت لبیک گفتن به فرمان رهبر عظیم‌الشان انقلاب، که جوانان هرچه زودتر به جبهه‌ها بروند و مسئله را حلش نمایند، به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافتم.
- ◀ من از روی حرص به بهشت و ترس از دوزخ، به جبهه نرفتم.
- ◀ از امت حزب‌الله در صحنه ایران می‌خواهم که امام عزیزشان، این پیر هدایت‌گر جامعه اسلامی ایران را تنها نگذارند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱
همانا مپندارید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، از مردگانند بلکه آنان زندگانی هستند که نزد خدای خویش رزق و روزی می‌خورند. (قرآن کریم) ۹

دو سال و چندماه است که رژیم بعثی صهیونیستی عراق بر میهن عزیز ما تجاوز کرده است. و در این مدت چه جنایت‌ها را که نکرده است و چه جوانان حزب‌اللهی را از این امت حزب‌الله نگرفته است. من نیز در این برهه از زمان بنا به فرمان امام امت و با توجه به وظیفه انسانی و اسلامی خویش جهت لیبیک گفتن به فرمان رهبر عظیم‌الشأن انقلاب، که جوانان هرچه زودتر به جبهه‌ها بروند و مسئله را حلش نمایند، به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافتم تا بتوانم دین خود را به امام و جمهوری اسلامی ادا نمایم و انتقام خون دیگر شهیدان را از این روبه صفتان دیو صورت بستانم.

خدای بزرگ شاهد و گواه است که من از روی حرص به بهشت و ترس از دوزخ، به جبهه نرفتم بلکه غرض فقط جهت حفظ آرمان اصیل مکتب رهایی‌بخش بزرگ اسلام است و حراست و پاسداری از خون شهدای انقلاب و بیرون کردن اجانب از خاک میهن اسلامی‌مان.

وصیت من به شما ای امت حزب‌الله همیشه در صحنه ایران بخصوص بخش حاجی‌آباد و مهم‌تر از آن روستای گهکم، این است که از انقلاب و دستاوردهای آن به نحو احسن تا سر حد امکان نگهداری کنید. و در صیانت آن در برابر توطئه‌ها و دسیسه‌های منافقین که

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. منسوب به امام خمینی (ره).

دشمنان اسلامی اسلام و این انقلاب هستند، از جان نیز مایه نگذارید. وصیت من به تو ای جوان گهکمی این است که سنگرهای مقاومت مسجد را رها نکنید؛ زیرا که انقلاب ما از همین مسجدها شروع شد و با اتکال به همین نیروی مسجدی به پیروزی رسید و اینک با ازدحام شما در مسجدها این انقلاب تداوم می‌یابد.

و در آخر وصیتی نیز به تو ای پدر و مادر! چنانچه اگر دریچه‌ای از لطف و رحمت بی‌پایان پروردگار به سوی من باز شد، و این افتخار و سعادت بزرگ شهادت نصیب من گشت، از شما عاجزانه تقاضا می‌کنم که بعد از مرگم گریه و زاری نکنید؛ بلکه جهت شادی روح شهیدان و تسلی خاطر بازماندگان و سایر شهدا، شربت و شیرینی توزیع کنید.

و در آخر من مقدار ۱۰۰۰۰ ده هزار ریال به هاشم ناظری بدهکار هستم؛ و مبلغ ۳۰۰۰ (سه هزار) ریال به عمویم علی باز ناظری، خواهشمند است پرداخت نمایند؛ و مبلغ هشتصد و پنجاه ریال (۸۵۰) به برادر کرمی، فرمانده قبلی سپاه پاسداران حاجی آباد نیز بدهکارم. ضمناً کتاب‌هایی را که از من در خانه است به کتابخانه عمومی روستای گهکم، تحویل نمایید.

زنده‌نوش ناظری

امضاء^۳ - ۶۱/۹/۱۲

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسمه تعالی

بسم رب الشهداء و الصدیقین

فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ^۴

براستی که حزب خدا پیروز و غالب است.

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۵

۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

۴. بخشی از آیه ۵۶، سوره مائده.

۵. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».

اکنون که خداوند بزرگ مرحمت بی‌پایان خویش را شامل حال ساخت و به منظور انجام وظیفه مقدس سربازی، در نظام خون‌بار جمهوری اسلامی، عازم جبهه‌های حق علیه باطل گردیدم، از درگاه بی‌نیاز خداوند تبارک و تعالی با قلبی شکسته مسئلت دارم که توفیق شهادت را در راه خویش نصیبم گرداند؛ تا شاید بدین وسیله اندکی از گناهانم بخشیده و عفو شود؛ و کوله‌بار معصیت‌م سبک‌تر گردد؛ و فردای قیامت در نزد جدم رسول اکرم (ص) شرمسار و خجل نباشم.

از امت حزب‌الله در صحنه ایران می‌خواهم که امام عزیزشان، این پیر هدایت‌گر جامعه اسلامی ایران را تنها نگذارند و در صحنه بودن خود [را] هم‌چون گذشته حفظ نمایند تا با این اتحاد و پک‌پارچگی خود امکان نفس کشیدن را به منافقان، این جیره‌خواران شرق و غرب و نوکران بی‌چون و چرای ابرجنایتکاران که مایه ننگی هستند برای ملت بیدار و شریف ایران، ندهند؛ و از امام امت نیز عاجزانه تقاضا دارم که با دعاهای موفقیت‌آفرین خویش رزمندگان اسلام را بر غلبه بر دشمنان اسلام یاری کنند؛ و از والدین گرامی و محترم خود و یکایک اعضای خانواده می‌خواهم که اگر چنانچه سعادت نصیبم گردید و به درجه رفیع شهادت نائل گردیدم و به خیل شهداء پیوستم، شیون و زاری نکنند؛ چون که منافقین [...] همیشه بر سرک‌مین‌گاه‌ها نشسته‌اند که با مشاهده نقطه ضعفی هرچند کوچک و قابل توجه نباشد از آن کوهی بسازند و علم قرار دهند جهت اغفال و گول زدن مردم ساده لوح، از این رو، از شما می‌خواهم با استقامت و بردباری خود، نقشه شوم منافقان را نقش بر آب سازید؛ و ثابت کنید که ما در راه یاری نمودن اسلام از هیچ چیز خود، حتی جان و مال فرزندان خود دریغ نداریم. در آخر از همه می‌خواهم که حلالم نمایند.

زنده‌نوش ناظری

۶۲/۵/۱۵

ما زنده بآنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست^۶

۶. «که» حذف شده است.

۷. شعر از صائب تبریزی است.

بسم رب الشهداء الصالحین

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله استنابوا هم يردون»
لهمنا من بعد انهم في جنة كفاية ودر خد كند شده اند از مردمانی كه آنان زنده‌نوشی كندند كه در خدای
خوشتر رزق و روزی می خورند. «قرآن کریم»

دو سال قبل ماه است که رژیم بعثی همسویستنی عراق بر میخیزد عزیزان ما تجاوز کرده اند
در راهی مدت چه غنا نیارند که نکرده است و چه جوانانسته حزب الهی را از اینست است حزب الله
نگرفته است. من نیز در این راه از زمان کودتای قریب امام است در با توجه به زمینه اسلامی و
اسلامی ضدیت کبک گفتن به زبان رفیع عظیم شکر اندازد. جوانان هر چه برود
به جبهه حاضرند و مسئله را جوش نمایند. جبهه های نبرد حق علیه باطل ستانم که بتوانیم
دین خود را به نام جمهوری اسلامی ادا کنیم و انتقام خدشته رهبر شهید شمر را از این رویه صفیان
دیر ضرورت ستانم.

خدای بزرگ است که بن آفرینی صدمین به بهشت و نرس از دوزخ به جبهه
خونم بله غمزه منقوعت کشف آرمه اصیل منتب رها بنفش بزرگ اسلام است
و حر است دبا سده ای از خورشید شهیدای انقلاب و بیرون کردن از اجانب از خاک
مردین اسلامی مان. و سیت من به شای است حزب ادم هیت در صحنه ایران نجف صوم
نفس عالی آید و بهتر از آن دوستی کعبه این است. که از الله است دستاردهای آن
به نواص تا سرجا جهان ندهد را می کیند در در صیانت آن که در برابر توطئه ها و ریسه های
نامرئین که دشمنان اسلامی اسلام و این انقلاب هستند از جان نیک ما به نکلانند

وصیت من به تو ای جوان لاهسی این است که سنگ‌های مفارقت اسب را رها
 نکنی زیرا که اندر ما از همین اسب ها شروع شده و با انزال همین بیزی اسبی
 به پیروزی رسید و اینک با از رحام شمار اسب ها این اندراب تداومی یابد

در آخر دوستی نیز به تو ای پسر مادر، چنانچه اگر در بچه ای از لطف و رحمت بی پایان پسر درویش
 سوری من باز شد، و ای آه غمناک سعادت بزرگ سعادت نصیب من گشت از شما عارفان

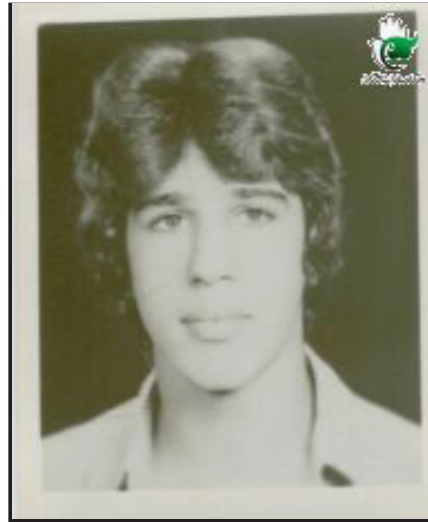
فدا مندی ام که بعد از مرگم گریه و زاری نکنید. ربه محبت شادی روح سجد است و تسلی خاطر
 تا زمانه با من سایر شریف و شریفی توزیع کنید

در آخر من مندر ۱۰۰۰۰ ریال به همایم تا فری بدستدارم. و مبلغ ۳۰۰۰ ریال

به محرم علی بازنای فری خواشمنده است بر دانت ۲۰۰ ریال
 و مبلغ ۱۵۰۰ ریال به برادر گری فرمانده قبلی سباه به در استر حاجی آله نیز به همایم

صمیمانه تقاضای را که از من در خانه است که با همایم محمدی
 دوست من کسب و خیر من کسب کن
 ۱۳۹۲

محمد رضا ناظری گهکانی



نام: محمدرضا
نام خانوادگی: ناظری گهکانی
تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۰۱/۲۶
محل تولد: در شهرستان آبادان
نام پدر: خانعلی
نام مادر: نارنج
تحصیلات: تا پایان دوره متوسطه
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۱/۰۴
محل شهادت: دشت عباس
نحوه شهادت: بر اثر اصابت ترکش خمپاره به قلب
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- اولاً می خواستم از همگی شما بخصوص پدر و مادر، عذرخواهی کنم به خاطر این که شما را اذیت می کردم.
- دوست ندارم که با خواندن نوشته من، اشک های تان سرازیر شود.
- برای ختم من قرآن با صدای عبدالباسط عبدالصمد را بگذارید.

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام پدر و سلام مادر، سلام برادر و خواهرهای عزیزتر از جانم، خوب به حرف‌هایم گوش کنید چون که این آخرین حرف‌هایی است که با شما دارم. اولاً می‌خواستم از همگی شما بخصوص پدر و مادر، عذرخواهی کنم به خاطر این که شما را اذیت می‌کردم. درست در یک ساعت پیش بما گفتند که خودتان را آماده کنید که می‌خواهیم برویم جلو و من فرصت را غنیمت^۱ شمردم که آخرین حرف‌هایم را با شما بگویم و دوست ندارم که با خواندن نوشته من، اشک‌های تان سرازیر شود؛ چون که این لحظه که بما گفتند آماده باشید برای رفتن به جلو، یکی از بهترین و شادترین لحظات زندگی من است. بخدا اغراق^۲ نمی‌کنم و راست می‌گویم.

در ضمن، برای مرگم ناراحت نشوید، چون که هر کس یک روزی از دنیا می‌رود؛ پس چه بهتر که برای دین و میهن و خدا باشد.

از خواهرها و برادرها معذرت می‌خواهم، بخاطر این که اگر یک موقع ناراحت‌شان کرده‌ام و امیدوارم که مرا ببخشید.

در آخر روی ماه همگی شما را می‌بوسم و به تمام فامیل سلام برسانید و حلالیت مرا از آن‌ها بگیرید.

پدر و مادر عزیزم! من فقط از شما یک خواسته دارم و آن هم^۳ این است که برای ختم من قرآن با صدای عبدالباسط عبدالصمد را بگذارید. دیگر هیچ آرزویی ندارم، جز سلامتی شماها عزیزان.

۶۰/۱۱/۳۰ - خدا حافظ

۱. در اصل: غنیمت.

۲. در اصل: اقراغ.

۳. در اصل: اونم.

در وصیت نامه به باز شریف محمد رضا ناظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام پدر و سلام مادر سلام برادر و خواهرهای عزیز تر از جانم. خدایم به حرفهایم گوش کنید چون

که این آخرین حرفهای من است. با شما دارم. اولاً می‌خواستم از همتی شما بخصوص پدر و مادر عزیز خواهی

کنم به خاطر اینکه شما از دستهای در دست در بیامانت سستی به گفتند که خودتان را آماده

کنید که من خواهم بر روی جلوس فرصت را غنیمت شمرم که اگر این حرفهایم را با شما بگیرم

و درست ندانم که با خود اندک نوشته‌ام است. بیان سزاوار می‌شود چون که این لحظه که با

گفتند آماده باشید برای رفتن به جلد یک از بهترین و سارترین لحظات زندگی من است

بخدا اقرار می‌کنم که در راستای کوی رضوان برای مردم ناراحت نشوید چون که هر کس یک روزی

از دنیا می‌رود پس چه بر تو که برای دین و سپهر و خدا باشی. از خواهرها و برادرها معذرت

می‌خواهم بخاطر اینکه اگر یک موقع ناامتنان کرده‌ام و امید دارم که شما بیخنده در آخر روی ماه

هنگامی شما را می‌برسم و به تمام فایده سلام بر شما کنید و حلالی مرا از آنجا بگیرید. پدر و مادر

عزیزم من فقط از شما می‌خواهم در آرام و اوتم این است که برای ختم من قرآن با صدای

عبدالواسع عبدالمصمد را بخوانید. در دیدارهای آخری من از همه سلامتی شماها عزیزان. ۹۰/۱۱/۳۰

شهر محمدرضا ناظر، گوگان «خدا حافظ»

اصغر ناظریان قمی



نام: اصغر

نام خانوادگی: ناظریان قمی

تاریخ تولد:

محل تولد:

نام پدر:

نام مادر:

تحصیلات:

تاریخ شهادت:

محل شهادت:

نحوه شهادت:

محل دفن:

گلچین وصیت نامه

- ◀ هادی امسال که نتوانستم روزه بگیرم، چون در جبهه بودم، [...] تا آنجائی که بتوانم خودم نماز قضاهايم را می خوانم ولی باز شما هم برایم نماز بخوانید.
- ◀ مرا در بهشت زهرا میان شهدای حق و عدالت به خاک بسپارید.
- ◀ از خدا می خواهم که هرچه زودتر راه کربلا را بروی تمامی مسلمین باز کند.
- ◀ هیچ دلبستگی به این دنیا ندارم و فقط به امید و برای خدا به جبهه آمده ام.
- ◀ برای من هم تاکید می کنم، گریه نکنید؛ برای امام حسین (ع) و اصحابش گریه کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر هادی، این وصیت‌نامه مالی من هست، هادی شاید بدهکاری جزئی^۱ داشته باشم ولی هادی من یک ۲۰۰ تومان از^۲ برادری [که] در غرب بودیم، گرفتم دستی، نام آن برادر محمد اکبری است؛ هادی شاید من آن برادر را نبینم و از تو می‌خواهم این پول [را] بدهی؛ هادی من آدرس آن برادر [را] هم نمی‌دانم، خودت هر جور صلاح^۳ می‌دانی اقدام کن؛ هادی غیر از پول، نمازهای [...]⁴ و یا این که دیر شروع کردم بخواندن، خودت یا قبول کن بخوانی^۵، [و یا آن را]⁶ به کسی واگذار کن؛ هادی امسال که نتوانستم روزه بگیرم، چون در جبهه بودم، [...]⁷ تا آن جایی که بتوانم خودم نماز قضاها^۸ را می‌خوانم ولی باز شما هم برایم نماز بخوانید؛ هادی من که پولی ندارم ولی اگر خدا خواست و من هم سعادت [...]⁹ کردم و به درجه شهادت رسیدم، نمی‌خواهم زیاد برایم عزاداری^{۱۰} کنید؛ هادی اگر کشته شدم، مرا در بهشت زهرا میان شهدای حق و عدالت به خاک بسپارید؛ هادی تو را بخدا از تمامی فامیل و آشنایان بخواه از سر تقصیرهای من بگذرند؛ هادی تو را بخدا مرا ببخش، تو برام خیلی زحمت^{۱۱} کشیدی.

۱. در اصل: جزعی.
۲. در اصل: به.
۳. در اصل: سلاح.
۴. ادامه وصیت در دسترس نیست.
۵. در اصل: بخواندن.
۶. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «و یا آن را» باشد.
۷. ادامه وصیت در دسترس نیست.
۸. در اصل: غذاها^۸یم.
۹. ادامه وصیت در دسترس نیست.
۱۰. در اصل: ازاداری.
۱۱. در اصل: زهمت.

از شما خانواده عزیزم می‌خواهم مرا حلالم کنید. از تمام شما می‌خواهم امام امت، این پیرمرد [...] را در هر کجا که هستید، دعایش کنید و هم‌چنین تمام علما و رزمندگان را. من که سعادت نداشتم به دیدار این رهبر عظیم‌الشان^{۱۳} بروم^{۱۴}، شما اگر رفتید شفاعت ماها را هم بکنید.

دیگر عرضی ندارم، جزء از خدا می‌خواهم که هرچه زودتر راه کربلا را بروی تمامی مسلمین باز کند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بنام خداوند بخشنده مهربان

از شیب و فراز راه آگاه شوی	جهل کنی و عازم راه شوی
فریادگر نصر من الله شوی	به فتح می‌نشینی تو اگر
یا وسوسه‌رخنه در مرامت نکنند	خلق بهوش، تا که خامت نکنند
هشدار که چون خویش غلامت نکنند	مدعیان خلق خصم‌اند همه

[...] که دارم این وصیت‌نامه را می‌نویسم، هیچ دل‌بستگی به این دنیا ندارم و فقط به امید و برای خدا به جبهه آمده‌ام. برای سربلندی اسلام و مسلمین، برای پیروزی [...] مسلمان به رهبری زعیم عالی‌قدر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، خداوند ان‌شاء الله اعمال ما را قبول کند و این جان‌ناقابل ما که از خود اوست، [...] کند.

خدایا! امید امام و امت ما، حضرت آیت الله العظمی^{۱۸} منتظری را در پناه خود نگهدار و دیگر علماء بزرگ ما که دل‌شان به حال اسلام و خدمت به مسلمین می‌سوزد، نگهدار؛

۱۲. ناخواناست.

۱۳. در اصل: عظیم و لشعن.

۱۴. در اصل: برویم.

۱۵. ابتدای وصیت در دسترس نیست.

۱۶. ادامه وصیت در دسترس نیست.

۱۷. ادامه وصیت در دسترس نیست.

۱۸. در اصل: العظمی.

خداوندا! کسانی که در پوشش دفاع از خلق [هستند]^{۱۹}، منافقین [را]، اگر قابل هدایت هستند، هدایت کن و اگر قابل هدایت نیستند، بدست این مردم غیور، قلع، قلع کن و ریشه آن‌ها را برای همیشه از روی زمین بکن؛ خداوندا! کسانی که می‌خواهند روح اسلام را از این ارگان‌های مردمی مثل دولت مجلسی و سپاه و ارتش اسلامی و غیره، بگیرند و نگذارند خط اسلام را بپیماید، رسوای‌شان کن.

برای من هم تاکید می‌کنم، گریه نکنید؛ برای امام حسین (ع) و اصحابش^{۲۰} گریه کنید. سلام به خانواده عزیزم، پدر و مادر، برادران و خواهران عزیزم، این وصیت‌نامه برادر کوچک شما، اصغر است. هادی شاید فکر کنید چرا وصیت‌نامه نوشتم؛ می‌دانید برای هر فردی که به سنی رسید که درک کرد بد و خوب را، چه بهتر است که وصیت‌نامه‌ای داشته باشد؛ و امیدوارم که خدا و شما از دست^{۲۱} من راضی بوده باشید و امام را دعا کنید.

۱۹. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «هستند» باشد.

۲۰. در اصل: اصحابش.

۲۱. در اصل: دسته.

بسم الله الرحمن الرحيم
 ادر هادی این وصیتنامه مالی من هسته هادی شاید بد هکاری چیزی
 پس دانسته باشم ولی هادی من یک ۲ تومان به برادرش در غرب بودیم
 رقم دست نام آن برادر مجد اکبری است هادی شاید من آن برادر
 نبینم و از تو می خواهم این پول به هادی من آدرش آن برادر هم شد
 و دست هر جور صلاح میانش اقدام کن هادی غیر از پول ناز هادی
 یا اینکه دیر شروع کردم بخواندن خودت یا قبول کن بخواندن
 به کسی و آنگاه کن هادی امسال که نتوانستم روزه بگیرم چون در صفا بودم
 هادی تا آنجائی که بتوانم خودم نماز غلایم راهم خوانم ولی باز شهادت
 رایم نماز بخواند هادی من که پولم ندارم ولی اگر خلا خواست و من هم شهادت
 بیا اگر دم و به درجه شهادت رسیدم من خواهم زیاد برایم لواذاری کنی

مهر

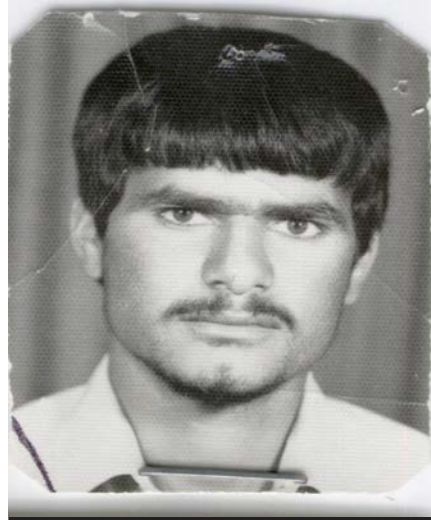
بنام خداوند بخشنده مهربان

هادی اگر کشته شدم مرا در بوخت زمر امیان تمام شهیدانی حق و عدالت
 به خاک بسیارید. هادی تو را بخدا از تمام فایده و آشنایان بخواه از سر
 تقصیرهای من بگذرند. هادی تو را بخدا عیب بخش تو برام خیل زهدت
 کنیدی. از شما خانواده عزیزم مر خواهم مرا خدا تم کفیل از تمام
 شما مر خواهم امام امت این پسر مرد چهاران را در هر کجا که هستید
 دعایین کنید و همچنین تمام علماء و روزنندگان را. من که سعادت نداشتم
 به دیدار این رهبر عظیم و لشکر برویم شما اگر رفتید شفاعت
 ما را را هم بکنید دیگر عرض ندارم جزء از خدا مر خواهم که هر
 چه زودتر راه کردار را بروی تمام مسلمانان باز کند
 خدایا خدایا تا انقلاب مهتری همین را نگاهدار

صیغاه
 بنام خداوند پندشده مهربان
 اصغر ناظریان
 چه لکن و عازم راه شوی
 از نیب و فرار راه آله شوی
 قلم
 غله فتح پیش تو اگر
 فریادگر نصر من الله شوی
 خلق بهوش تا که قامت نکند
 یا و سوسه رخسار مرا مت نکند
 من مایان خلق خصم اندام
 همدار که چون تو پیش غلامت نکند
 ان که دارم این وصیتنامه را من نویسم هیچ دستگیر به این دنیا ندارم و فقط به امید
 او برای خلا به چهره آوردم. برای سر بلندی اسلام و مسلمین برای پیروزی
 امت مسلمان به رهبری زعیم عالمیقدر حضرت آیت ا... العظمی امام خمینی
 خداوند نشان... اعمال ما را قبول کند و این جان ناقابل ما که از خود اوست
 امید
 بول کند خدایا امام و امت ما حضرت آیت ا... العظمی منتظری را در پناه
 و دلگهار و دیگر علماء نیز که ما که دلشان به حال اسلام و خدمت به مسلمین میسوزد
 اینها را که اول...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 نکلوار خداوند! کسانیکه در پوشش دفاع از خلق منافقین اگر قابل ولایت
 و شهادت کن و اگر قابل ولایت نیستند بدست این مردم غیور قلع و قمع کن
 و همیشه آنها را برای همیشه از روی زمین بکن خداوند! کسانیکه میخواهند روح
 اسلام را از این آرگانهای مردمی مثل دولت، مجلس و سپاه و ارتش اسلام
 و غیره بگیرند و نکندند فقط اسلام را بپایدارند و بسازند کن، برای من هم
 تالیف من کنم گریه نکنید، برای امام حسین (ع) و اسعایش گریه کنید
 سلام به خانواده عزیزم، پدر و مادر، و برادران و خواهران عزیزم
 این وصیتهایم برای آنکه شما صغیر است، هادس نباید فکر کنید چرا
 وصیتهایم نوشتیم، محکم دانید برای هر فردی که به سن رسیدگی در آن کرد
 بد و خوب را چه بهتر است و وصیتهایم دانسته باشید، و امیدوارم که خداونما
 از دست من راضی بوده باشید. و امام را دعا کنید

بهرام نجفی



نام: بهرام

نام خانوادگی: نجفی

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۰۷/۰۵

محل تولد: در شهرستان رودان

نام پدر: رستم

نام مادر: زهرا

تحصیلات: تا پایان دوره ابتدایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۴/۱۷

محل شهادت: مهران

نحوه شهادت: بر اثر اصابت ترکش به سر

محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- < ای ملت ایران و ای مردم رودان! بدانید و آگاه باشید که ما بخاطر نماز جنگ می کنیم.
- < این امام بود که ما را از ظلمت و تاریکی به سوی نور و روشنائی هدایت کرد.
- < به حرف رهبر عزیزمان لیبک گفته و به آن عمل کردم.
- < و شما ای خواهران عزیزم! از شما می خواهیم که زینب گونه زندگی کنید.

بسمه تعالی

۶۵/۴/۵

با درود و سلام فراوان بر منجی عالم بشریت مهدی موعود (عج) و نایب برحقش خمینی کبیر، موسی زمان، دشمن مستکبران و یاور مستضعفان و سلام و درود فراوان به ارواح پاک شهدای اسلام، از صدر اسلام تا کنون و سلام و درود بر ملت شهیدپرور ایران. خدایا! تو را شکر می‌کنم که مرا به جبهه کشاندی تا بلکه بتوانم دین خود را به این انقلاب و خون شهیدان ادا کنم؛ خدایا! شکر که ما را هدایت کردی تا در راهت جهاد کنیم و با دشمنان قرآن و اسلام بجنگیم.

ای ملت ایران و ای مردم رودان! بدانید و آگاه باشید که ما بخاطر نماز جنگ می‌کنیم؛ به شما توصیه می‌کنم گر چند که ما اهل عمل نبودیم و شماها تا می‌توانید نماز را بیادارید؛ نماز جمعه را فراموش نکنید؛ در خط امام باشید و از امام عزیزمان پشتیبانی کنید؛ که این امام بود که ما را از ظلمت و تاریکی به سوی نور و روشنائی هدایت کرد.

ای پدر و مادر عزیزم! گر چند که زحمات شما برایم جبران‌ناپذیر است ولی امیدوارم که به بزرگی خودتان مرا حلال کنید و از شما می‌خواهم که به جای گریه و زاری برایم فاتحه بخوانید؛ مادر جان! می‌دانم که آرزو داشتی مرا داماد کنی و عروسی مرا تماشا کنی و این هم خواست خداوند بود که من بروم و شما را پیش فاطمه زهرا (ع) روسفید بکنم؛ مادر جان! فکر نکنی که من به آرزوی خود نرسیدم بلکه من به گفته امام عزیزمان که می‌گوید: وقتی که رزمندگان به جبهه می‌روند، انگار به حجله عروسی می‌روند.^۲ به حرف رهبر عزیزمان

۱. در اصل: ترا.

۲. منسوب به امام خمینی (ره).

لیک گفت و به آن عمل کردم.

و شما ای برادران عزیز و گرانقدرم! اولاً از شما می‌خواهم که برای من گریه و زاری نکنید و تا می‌توانید ادامه‌دهنده راه من باشید و در خط امام قدم بگذارید و اگر چنانچه در طول مدت زندگی از بنده اشتباه یا تقصیری سرزده به بزرگی خودتان، مرا ببخشید و مرا حلال کنید.

و شما ای خواهران عزیزم! از شما می‌خواهم که زینب‌گونه زندگی کنید و در تربیت فرزندان خود به راه اسلام کوشا باشید و اگر چنانچه از من نسبت به شما اشتباهی سرزده، مرا حلال کنید و برایم فاتحه بخوانید.

و شما ای قوم و خویشان و ای کسانی که این وصیت‌نامه بنده حقیر را می‌خوانید! اگر از من اشتباه یا تقصیری نسبت به شما سرزده، مرا به بزرگی خداوند و خودتان ببخشید و حلالم کنید و برایم فاتحه بخوانید.

و توصیه به شما برادران عزیزم (محمد و علی)، مبلغ هزار تومان به چراغ شاکری بدهکار هستم که بپردازید، هزار تومان محمد روشی و پول قرض الحسنه امام و مقداری پول در حساب پس‌انداز دارم که مربوط است به حسینیه سنگ رستم، مبلغ هزار تومان به مظفر نجفی بدهکار هستم.

خون شد دلم خدایا! رحمی نما به حالم	از دوری رفیقان آشفته شد خیالم
هم چون پرنده عاشق، پرواز عشق من بود	اندر غم شهیدان بشکست هر دو بالم
هم چون همه شهیدان این است آرزویم	اندر ره خمینی پویم ره کمالم
آیم بسوی جنت تا روی تان بینم	مهمان شوم شما را، گر حق دهد مجالم ^۳

التماس دعا حقیر بهرام نجفی

امضاء^۴

۳. شعر از شهید مهدی رجب بیگی است.

۴. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

فرزند **اسرار** ازیت مرسلان شیخ کزنگر
 المکرمین اوزیر برش باشد

نام خانوادگی **بهرام** بچینی
 فرزند **رسیم** تاریخ **۱۳۶۵-۱۲-۲۵**



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



۷۵۲۷۸۹
وصیت نامه



با درود و سلام فراوان بر منبری عالم بشریت محمد مصطفی (ع) و نایب برحق
 خاتم النبیین، موسی بن جعفر، دمیق، مستکبرا و یاور مستضعفان و سلام و درود فراوان
 به ارواح پاکت شهید ارسلان کزنگر رسیده تا کنون و سلام و درود بروقت
 شهید پرور ایوا، خدایا ترا شکر کنیم که در این عید کشتار تا بکنیم تو را
 دین خود را به این انقلاب و خون شهید ارسلان کزنگر خدایا شکر که ما را
 هدایت کردی تا در راهت جهاد کنیم و با دشمنان توکان را سلام بکنیم
 ای ملت ایران ای مردم رور برانید و آگاه باشید که ما بفاخر نماز خند میکنیم
 به شما ترمیه میکنم در چند که ما لهن عن نبیوم و شما ما تا می توانید نماز بسیار را
 نماز جمع را فراموش نکنید و خط امام باشید و از امام عزیز ما پشتیبانی



تعاون لشکر ۴۱ نازاره

محل امضاء





بسم الله الرحمن الرحیم

مرکز اسناد ایتنا گران

بسم الله الرحمن الرحیم. اگر چیده که ز هفت شبایم جبران ناپذیر است و امید دارم که به بزرگی خودتان

مراجعه کنید و از شما می خواهم که بزرگم به جای تریه و زاری برای منتمه بخوانید. مادر جان من دانم که اگر روزی دستم بر آمد اما کفنی و عروسی مرا تا شاکتی و این هم خواست خداوند بود که من بروم و شمارا بیس فاطمه زهرا (ع) و سقیه بکنم. مادر جان شکر کنی که من به آن روز خود نزدیکم بلکه من به گفته امام عزیزمان که بی تو نبودم و وقتی که زنده گان به عید می روزگار آفریدم عروسی من روزی که به حرف رهبر عزیزمان کبیر گفتی و من کنی محل کردم و شما ای برادران عزیز و در اندر دم ایوان از شما می خواهم که بر این تریه و زاری نکنید و تا سوسنیدار راه دهنده راه من با مید و خط امام قدم بردارید و در جناح در طول مدت زندگی کنیزان استیفاء یا تقوی میسر شده بی بزرگی خودتان که او را بپذیرید و در حال کنید. و شما ای خواهران عزیزم از شما می خواهم که نسبت به توبه زندگی کنید و در تربیت فرزندان خود به راه اسلام در شما با سید و ائمه چندین ازین نسبت می شما استیفاء میسر شده مراجع استیفاء و بر این فاطمه بخوانید. و شما ای قوم و خرمستان و ای کسانیم ایمن و سمیت نامه ندره حقیر را می خوانید (در از من استیفاء یا تقوی نسبت به شما میسر شده مرا به بزرگی خودتان و خودتان بپذیرید و عید و عیدم کنید و بر این فاطمه بخوانید.

و توبه شما بر این عزیزم (ع) و علی (ع) مبلغ هزار تومان به جرایم شکایتی به کار هستم که بیودارید هزار تومان بود و منی و پول قرض الحیف امام و مقداری پول در حساب بین اینها دارم که مربوط است به حسین که نسبت کردم. مبلغ هزار تومان بجز بجز به کار هستم.

خون سیدم خدایا عمر نام عالم از دور در رفیقان استفتا سید خاتم
هرچول بر بند عاشق از بر عشق من بود اندر غم شهیدان شکست هر دو عالم
هرچول همه شمع در این است که زدم اندر بره غم غم بر ره کلام
آیم بسوی جنت ناره و تیان ببنیم مصداق شوم شما را در حق دهر بمقام

التاس و دعا حقیر بر این بجز

محل انشاء
تذکر
۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنماید و مشخصات خود را در آن قلم بنویسید
۲- وصیت نامه را از تعاون بزرگراه تهران، انجمن خیریه و ...

محمد نجفی



نام: محمد

نام خانوادگی: نجفی

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱۱/۰۱

محل تولد: در شهرستان رودان

نام پدر: عباس

نام مادر: زینب

تحصیلات: تا دوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۴

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت:

محل دفن: اثری از پیکرش به دست نیامد. مزار

یادبود او در گلزار شهدای زادگاهش قرار دارد.

گلچین وصیت نامه

- ◀ همیشه زیر خط امام و ولایت فقیه باشید و از آن دوری نکنید.
- ◀ نماز جمعه و راهها و کارهای اسلامی را هرچه با شکوه تر برگزار کنید.
- ◀ اگر من شهید شدم و برادر رزمنده دیگر من شهید شد، نگذارید اسلحه خونین ما بر زمین بیفتد.
- ◀ من رفتم به جبهه تا انتقام خون شهدا و دوستان شهید خود را بگیرم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

گمان نکنید آن‌هایی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌گیرند.

با نام خداوند وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم. تا آنجائی که وصیت کردن بر هر فرد مسلمان آزاده واجب است و من خود را مقدم داشته‌ام [که] وصیت خود را برای شما پدر و مادر و برادر و خواهر و امت حزب‌الله بنویسم.

من دلم می‌خواهد این سخن ناچیز [را]، از یک برادر حقیر خود، [...] از دل [و] جان بپذیرید^۲ و مورد قبول کنید.

اولاً، همیشه زیر خط امام و ولایت‌فقیه باشید و از آن دوری نکنید؛ چون کسانی^۴ که امت اسلام را از بند ظلم‌ها نجات دادند، همین انبیاء و ولایت‌فقیه هستند.

ثانیاً، نماز جمعه و راه‌ها و کارهای اسلامی را هرچه با شکوه‌تر برگزار^۵ کنید.

ثالثاً، اگر من شهید شدم و برادر رزمنده دیگر من شهید شد، نگذارید اسلحه خونین ما بر زمین بیفتد؛ چون دلم می‌خواهد هیچ‌وقت این سلاح^۶ من و برادر رزمنده دیگر بر روی خاک نیفتد و دشمن شاد و خوشحال نشود^۷؛ و از شما می‌خواهم که اگر سلاح^۸ افتاده من و

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲. «را» حذف شده است.

۳. در اصل: بپذیری.

۴. در اصل: کسی.

۵. در اصل: برگزار.

۶. در اصل: صلاح.

۷. در اصل: شود.

۸. در اصل: صلاح.

برادر دیگر رزمنده‌ام^۹ بر زمین بیفتد، می‌خواهم سلاح^{۱۰} من را بردارید و بر علیه آن دشمنان خون‌خوار^{۱۱} بجنگید.

و برای پدرم این را می‌خواهم که از طرف من اگر بدفرمانی و بدکاری کرده‌ام، مرا ببخشید و حلال کنید؛ چون من نادان بودم^{۱۲} و حقیقت را نمی‌فهمیدم و نمی‌دانستم که پدر چقدر احترام دارد.

و اما مادر جان! تو درست است که زحمت‌های فراوان [...] کشیده‌ای در حق من، خوار شدی و بزرگ کردی مرا، امیدوارم که این زحمت‌های شما را با شهادتم جبران کنم؛ مادر جان! در شهادت من هیچ جای نگرانی نیست؛ در شهادت من هیچ وقت گریه [و] زاری نکن؛ اما اگر خواستی گریه کنی به یاد علی‌اصغر حسین و علی‌اکبر و قاسم گریه کن.

من رفتم به جبهه تا انتقام خون شهدا و دوستان شهید خود را بگیرم؛ اگر شهید شدم با آنها هستم؛ از جمله علی‌عباس دومشهری، شیروی داوری و تمام شهدا [...]»^{۱۴}.

و تو برادر کوچک و کوچک‌تر، محسن، حسین، خواهرم سمیه، فوزیه، وحیده، مرا ببخشید و مرا حلال کنید. تمام خویشاوندان و پدر بزرگ مرا حلال کنید و مرا ببخشید.

محمد نجفی سهرابی

امضاء^{۱۵}

مورخ ۶۵/۱۲/۳

۹. در اصل: دیگرم رزمنده.

۱۰. در اصل: صلاح.

۱۱. در اصل: خون‌خوار.

۱۲. در اصل: بودیم.

۱۳. «را» حذف شده است.

۱۴. «را بگیرم» حذف شده است.

۱۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نام و نام خانوادگی شهید گیتی محمدی عراقی
فرزند نجیب اکبر ... تاریخ تولد ۱۳۳۰



بسم الله الرحمن الرحیم
این وصیت نامه از طرف من به شما می‌رسانم



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



وصیت نامه

بسم تالا

۶۵۳۷۷۴۰-۶۵



والا حسین الذبیح تقطوف فی سبیل الله استو بابل اصداء بخند و برهم غرور قوت
گما (کند) آفتاب که در راه خدا کشته شد و اندر مرده اند کلید زنده اند و زنده اند و زنده
خدا خرد روزگار بگیرند با نام خداوند وصیت نامه خود را آغاز می‌کنم

تا اغایب وصیت کردم بر فرزندان آزاده واجب است و من خود را مقوم
دانستم ام وصیت خود را بر سر شما پدر و مادر و فرزندان خود ام دست جز الله نبویس

من دلم مضاعف این خون را که جگر است و با هر چه خود را از دل جانشینان
دردم قبول کند اولاً مسیبت زجر خط امم و ولایت فقیه به گسردان است

دولت نیست چون که امت اسلام را در بند ظلمها فساد دادند هیچ انبیا و ولایت
فقیه هستند که نه می‌دانند کار اسلام را چه می‌کنند و چه می‌کنند

فکانه اگر چه هر چه مردم و جوانان و زنده و زنده من می‌کنم که خداوند اصلاح فرزند ما
چون من بکنم چه بکنم و چه بکنم و چه بکنم و چه بکنم و چه بکنم

بزرگ خاک و فتنه و دست ...
اصلاح اینده من و برادر و دیگران زنده و زنده من بکنم و چه بکنم و چه بکنم



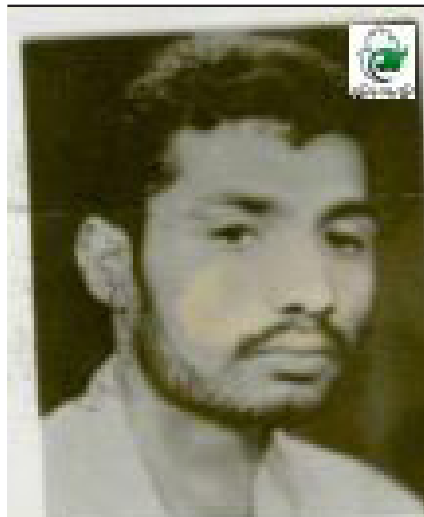
تعاون لشکر ۴۱ تاراه



محل امضاء



محمد نجفی



نام: محمد

نام خانوادگی: نجفی

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۰۸/۰۸

محل تولد: در روستای پشته معزآباد از توابع

شهرستان رودان

نام پدر: حسن

نام مادر: زهرا

تحصیلات: تا اول متوسطه در رشته انسانی

شغل: گروهبان دوم نیروی انتظامی

تاریخ شهادت: ۱۳۷۲/۱۲/۰۶

محل شهادت: در روستای بندملا رودان

نحوه شهادت: بر اثر اصابت گلوله به گلو و کتف

محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- < من همیشه در میان شما هستم؛ اما شما مرا نمی بینید.
- < سعی کنید برای من زیاد گریه نکنید و به یاد شهداء بزرگ هم چون علی اکبر و علی اصغرها باشید که من فرد کوچکی بودم.
- < بین ازدواج و شهادت، شهادت را دیدم؛ این عروسی زیباتر و پاک تر و بهتر است و حتی ازدواج هم نتوانست مرا پای بند کند.
- < عروسی ما وقتی است که پیش ائمه اطهار باشیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

صلوات و رحمت بی‌پایان الهی بر شهیدان همیشه زنده انقلاب اسلامی جنگ تحمیلی، که در نبرد با کفر جهانی و مزدوران بعثی، در راه اعتلاء پرچم توحید، در خون پاک خود غلتیدند^۱ و بلقاء الله رسیدند.

و اما پدر و مادر و برادر و خواهرانم! از این که من از میان شما رفته‌ام، ناراحت نباشید؛ من همیشه در میان شما هستم؛ اما شما مرا نمی‌بینید.

پدر و مادرم! خیلی برایم زحمت کشیدید، امیدوارم که مرا حلال و از من راضی باشید. سعی کنید برای من زیاد گریه نکنید و به یاد شهداء بزرگ هم چون علی اکبر و علی اصغرها باشید که من فرد کوچکی بودم. از خدای برای من طلب مغفرت کنید. زمانی که خبر شهادت مرا دریافت کردید، گریه نکنید و مرا ناکام نخوانید بلکه به کام خودم رسیدم؛ زیرا که من شهادت [را] عروسی خودم می‌دانم. بدانید که در این عروسی، قبر حجله‌ام و کفن لباس دامادیم و خون سرخم حنای عروسی من می‌باشد.

مادرم! هرچه خواستم خودم را راضی کنم، بین ازدواج و شهادت، شهادت را دیدم؛ این عروسی زیباتر و پاک‌تر و بهتر است و حتی ازدواج هم نتوانست مرا پای‌بند کند.

دوست دارم همه شما مانند خانواده یک شهید رفتار کنید.

شما ای پدرم! از زحماتی که کشیده‌اید و مرا بزرگ کرده‌اید، ممنونم، مطمئناً^۲ شهادت من باعث افتخار شما خواهد بود.

مادر مهربانم! غصه نخور، که عروسی ما وقتی است که شهید شدیم، عروسی ما وقتی

۱. در اصل: غلطیدند.

۲. در اصل: مطمئناً.

است که وارد فیض شویم، عروسی ما وقتی است که مجلس ختم را برای ما جشن بگیرند،
عروسی ما وقتی است که پیش ائمه اطهار باشیم.
مادرم غم مخور گر داماد نگردیدم گر از گل دامادی دلشاد نگردیدم

وصیتنامه شهید دکترا فرزاد حسن

صلوات و رحمت بی پایان الهی بر فقیدان هاشمی زاده انقلاب اسلامی جناب نصیری
 که در سربلایان جانی و سزودوران بقی در راه اعتدال پرچم توحید در خون پاک خود
 غبطه ندر ببقا قرار می رسیدند و اما پدر و مادر و برادر و خواهرانم از انکم من از من
 شاد و ناهام ناراحت نباشید من همیشه در میان شما هستم اما منم از انکم من
 پدر و مادر من خیلی برام رحمت کشیدید، امیدوارم که مرا احسان و ازین ارضی باشید
 سعی کنید برای من زیاد توبه کنید. و به یاد شهدای بزرگ همچون علی اکبر و علی امیرزما
 نشسته من هر دو کوی مردم از هدای برای من طلب مغفرت کنید. زمانی که خبر
 شهادت مرا دریافت کردید توبه کنید برانجام خواستید به کام خودم رسیدم
 زیرا که من شهادت عروسی خودم می دانم. بدانید که در این عروسی قبر هم ام
 رفتن با من دلمارم و خون سرخ من ضایعی عروسی من می باشد، مادر من هر چه
 دانستم خودم را ارضی کنم بین ازواج و شهادت و شهادت را دیدم این عروسی
 بیاترو با کوه بهتر است و حتی از دراج هم نتوانست بر ایلی بید کند
 دوست دارم همه شما با تدر خاطر ارمه شهدای شهادت و شهادت

شکایای پدرم، از زحماتی که کشیده اید بر این بزرگوار کورده لایحه منوتم مطیناً شهادت
من بابت اینها رسماً خواهد بود.

مار و عروسی، غصه نخور، که عروسی ماری است که شهید شویم.

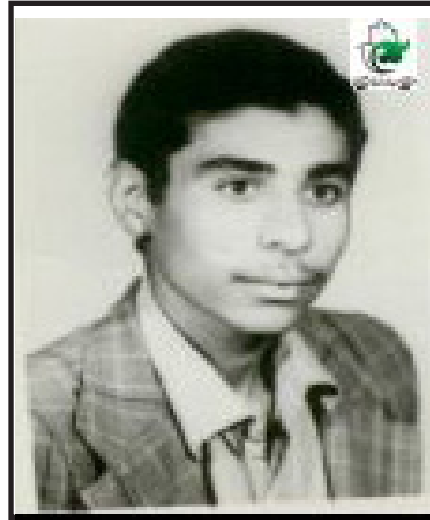
عروسی ماری است که وارد قیض شویم، عروسی ماری است که مجلس ختم را

برای ما جشن بگیرند، عروسی ماری است که بیست و نه اهلدار باشیم.

مار و عروسی، غم نخور و اما زنگوریدم

گزارش و مادی دلشاد زنگوریدم

احمد نجمی فینی



نام: احمد
نام خانوادگی: نجمی فینی
تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۰۶/۰۱
محل تولد: در بخش فین از توابع شهرستان بندرعباس
نام پدر: علی
نام مادر: زینب
تحصیلات: دانش آموز سوم متوسطه در رشته انسانی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۰
محل شهادت: کرخه
نحوه شهادت: بر اثر اصابت ترکش
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ اگر چنانچه که من به آرزوی خودم رسیدم، هر کجا که میل پدر و مادرم و دوستانم است، مرا دفن کنند.
- ◀ از برادران رزمنده می خواهم که بعد از جنگ عراق که شکست آن صد در صد است، با اسرائیل مبارزه کنند و قدس عزیز را آزاد کنند.
- ◀ از پدر و مادرم می خواهم که همان طور که امام حسن صبر داشت، صبر و شهامت داشته باشند و هیچ گونه گریه و زاری نکنند.

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه اینجانب احمد نجمی، فرزند^۱ علی، تاریخ تولد ۱۳۴۰، شماره شناسنامه ۴۳، که در تاریخ ۶۰/۱/۲۱، از بسیج فین، اعزامی به جبهه حق علیه کفر [شدم]^۲.

۱- تنها آرزوی من [...]،^۳ به پدر و مادرم و برادر و خواهرانم، این است که خدا را فراموش نکنند.

۲- اگر چنانچه که من به آرزوی خودم رسیدم، هر کجا که میل پدر و مادرم و دوستانم است، مرا دفن کنند.

۳- اگر کسی پولی یا چیزی از من می خواهد، [...] برادرم محمد نجمی آن را بپردازد.

درود بر امام خمینی
مرگ بر صدام

والسلام

احمد نجمی

امضاء^۴

۶۰/۱/۲۱

[وصیت نامه ای دیگر]

۱. در اصل: فرزنده.
۲. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «شدم» باشد.
۳. «این است» حذف شده است.
۴. ناخواناست.
۵. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۶

- وصیت‌نامه اینجانب احمد نجمی، نام پدر علی، شماره شناسنامه ۴۳، متولد ۱۳۴۰، که از منطقه ۶ از بندرعباس به کرمان و از کرمان به اهواز اعزام شده‌ام، به شرح زیر می‌باشد.
- ۱- از ملت قهرمان شهیدپرور خمینی، می‌خواهم که همیشه امام عزیز را دعا کنند و نگذارند که [...] در مردم رخنه کنند.
- ۲- از برادران رزمنده می‌خواهم که بعد از جنگ عراق که شکست آن صد در صد است، با اسرائیل مبارزه کنند و قدس عزیز را آزاد کنند.
- ۳- و از خواهران فینی می‌خواهم که فاطمه‌گونه و زینب‌وار حجاب خود را حفظ کنند تا مشتی محکم^۸ باشد بر دهان یاوه‌گویان شرور غرب.
- ۴- از برادران فینی عزیز می‌خواهم که خدا را فراموش نکنند و نماز پنج‌گانه خود را بجا آورند.
- ۵- از پدر و مادرم می‌خواهم که همان‌طور که امام حسن صبر داشت، صبر و شهامت داشته باشند^۹ و هیچ‌گونه گریه و زاری نکنند.

دروود بر امام خمینی

مرگ بر صدام کافر

والسلام

شهیدان زنده‌اند، الله اکبر

احمد نجمی

امضاء^{۱۰}

۶. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم».

۷. ناخواناست.

۸. در اصل: محکمی.

۹. در اصل: باشد.

۱۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
شماره شناسنامه: ۳۳۴۴۰۰۰۰۰۰۰۰
۹/۱/۲۱ از سیخ فینی اغرامی به جیبها حق علیه
کفر .
ش. ۱۱۶۱۱ ۳۰۹۴۵

۱- تنها آزادی من این است به پدر و مادرم و برادر
و خواهرهایم این است که خدا را فراموش نکنند
۲- اگر حیانتی در من به آزادی خودم ببینم هر کجا که
میل پدر و مادرم و دوستانم است هوا دفن کنند

۳- اگر کسی بخواهد به من چیزی از حق من بخواهد
وقت برارم محمد نجفی آن را بپزدانند



مرد به سلام
۹/۱/۲۱
[Signature]

وسلام



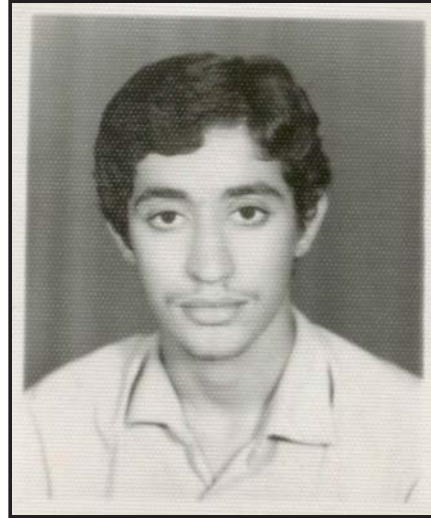
مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

انا لله وانا اليه راجعون

وصیت نامه اینجانب لهرنجی - نام پسر منی - شماره شناسنامه
 ۴۴ - متولد ۱۳۴۰ - تهران منطقه ۵ - از پدر شهید عزیز به کربلای
 و از کربلای به اهواز اعزام شده ام به شرح زیر می باشد
 ۱- از ملت قهرمان شهید پرور ^{فینی} می خواهم
 که حسب امام عزیز را دعا کنند و تقاضای سکن
 بیخ پنجم در مردم رخت کنند ۳۰۹۴۵، ۱۱۶۱۱ ش
 ۲- از برادران رزمنده می خواهم که بعد از خت عراق
 که شکست آوردند در صداست با اسرائیل مبارزه کنند
 و قدس عزیز را آزاد کنند
 ۳- و از خواهران فینی می خواهم که متعهد فاطمه لونه و
 زینب و ارجاب خود را حقا کنند تا متنی کلی باشو بر
 زبان باوه گویان شتره غرب
 ۴- از برادران فینی عزیز می خواهم که خدا را فراموش نکنند و
 شایع گانه خود را خلاص کنند
 ۵- از پدر و مادر من خواهم که همان طوره که امام حسن
 صبر داشت صبر و شجاعت داشته باشو و هیچ گونه
 گریه و زاری نکنند
 درود بر امام فینی
 مؤذیر صدام کافر

۱۳۶۹/۱۱/۲۹
 احمد نجفی
 والسلام شهیدان زنده اند والله اکبر

حسین نظری



نام: حسین
نام خانوادگی: نظری
تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۶/۰۳
محل تولد: در شهرستان بندرعباس
نام پدر: غلامرضا
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: دانش آموز اول متوسطه
تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۴
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: بر اثر اصابت ترکش به سر
محل دفن: گلزار شهدای زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ آرزویم این است، اول به کربلا بروم و سر قبر شش گوشه امام حسین بنشینم.
- ◀ بخدا من شهادت را یک نوع انتخاب می‌دانم؛ این راه سرورم حسین بن علی (ع)، بمن آموخته و من می‌خواهم مثل ایشان شهید بشوم.
- ◀ هر روز ما عاشورا است و همه جا کربلاست.
- ◀ امیدوارم که این عراقی‌ها را به درک واصل کنم و به کربلا بروم.
- ◀ همه پیروان حسین (ع) دو چهره دارند، خون حسینی و پیام زینبی و تاریخ داستان تربیت‌یافتگان مکتب انقلابی قرآن را که از آغوش گرم نوعروسان بسوی میدان جنگ شتافتند.

بسم الله الرحمن الرحيم

۶۴/۱۱/۱۲

با سلام و درود به رهبر عالی‌قدرم، امام خمینی و با سلام به تمام مردم شهیدپرور ایران. می‌خواهم چند کلمه از وصیتم به مردم ایران بگویم، اگر ان‌شاءالله به شهادت رسیدم، اگر نصیبم شد، این است که تمام ابرقدرت‌ها و ضد انقلابی [را] از وطن عزیزمان بیرون کنیم و آرزویم این است، اول به کربلا بروم و سر قبر شش گوشه امام حسین بنشینم. امیدوارم که تمام عراقی‌ها [را] به درک واصل کنم و به کربلا بروم و بعد شهید بشوم و من نمی‌توانم بینم که برادرانم در جبهه‌ها غرب و جنوب کشور بکنند شهید و مجروح بشوند؛ ولی من در این [...] و هیچ کاری انجام [...]، خدا هدف من پیروزی انقلاب اسلامی و ایران، محکم شدن انقلابم و [صدور انقلابم]^۳ به اقصی نقاط جهان [است].

من به شما تقاضا می‌کنم که بعد از شهادتم، یار [و] یاور امام باشید و امام را تنها نگذارید. بخدا من شهادت را یک نوع انتخاب می‌دانم؛ این راه سرورم حسین بن علی (ع)، بمن آموخته و من می‌خواهم مثل ایشان شهید بشوم.

ای برادران و خواهران! [...] از اسلام و انقلاب عزیزمی که برای ما ایجاد شده، خوب محافظت کنید؛ حتی یک ابرقدرت در داخل کشورمان راه ندهیم؛ فقط اسلام باقی بماند. ای پدر و مادرهای شهدا! این دنیا برای ما ارزش ندارد؛ می‌خواهم بروم بجنگم تا انتقام خون این ۷۲ تن را بگیرم؛ فقط در رابطه به همین مسئله، معلم شهید دکتر شریعتی می‌گوید:

۱. ناخواناست.

۲. ناخواناست.

۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «صدور انقلابم» باشد.

۴. ناخواناست.

آن‌ها که رفته‌اند، کار حسینی کرده‌اند، آن‌ها که مانده‌اند، کار زینبی کنند و گرنه یزیدند.^۵ بله شهادت، این آرزوی بزرگ ما و همه پیروان حسین (ع) دو چهره دارند، خون حسینی و پیام زینبی و تاریخ داستان تربیت یافتگان مکتب انقلابی قرآن را که از آغوش گرم نوعروسان بسوی میدان جنگ شتافتند و شربت شهادت نوشیدند. بله برادران و پدران گرامیم! هر روز ما عاشورا است و همه جا کربلاست. تنها خواهشی که من از شما دارم این است که هرگز این خیال را در دل راه ندهید که دیگر پیر شده‌ام. از شما هم کاری ساخته می‌شود، بودند کسانی که پیرتر از شما [بودند]^۶ مثل حبیب بن مظاهر که در ظهر عاشورا جلوی تیر دژخیمان را مثل باران بهاری به طرف مردان حق می‌بارید، [ایستاد]^۷. امیدوارم که برادران و خواهران دست به دامان امام و رزمندگان اسلام باشند. برادران! مواظب این گروهک‌های مفسد هم باشید که در گوشا گوش کشورمان جا پناه کردند که شاید ضربه‌ای به ما بزنند. می‌دونم که هیچ کاری نمی‌تواند بکنند، فقط شما وحدت و اتحادتان در نمازهای جمعه [را] حفظ کنید. ای ملت شهیدپرورم! دیگر مزاحم وقت عزیزتان نمی‌شوم و شما را بخدا می‌سپارم.

بندرعباس، خیابان آیت الله غفاری (شهناز سابق)، مسجد صاحب‌الزمان، برسد به دست پدر عزیزم، غلام‌رضا نظری.

خدانگهدار شما

برادر حسین نظری

امضاء^۸

۶۴/۱۱/۱۲

التماس دعا

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

۵. منسوب به دکتر شریعتی.
 ۶. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «بودند» باشد.
 ۷. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «ایستاد» باشد.
 ۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

بنده حسين نظری، که در بندرعباس زندگی می‌کنم که در مورد شهادتم، اگر نصیبم شد، با شما چند کلمه گفتگو دارم.

امیدوارم که این عراقی‌ها را به درک واصل کنم و به کربلا بروم و بعد شهید بشوم و من نمی‌توانم ببینم که برادرانم در جبهه‌های اهواز و سوسنگرد و جنوب کشور بجنگند و شهید شوند؛ ولی من در این جا بنشینم و کار دیگر انجام دهم.

هدف من پیروزی انقلاب اسلامی ایران و محکم شدن انقلابم و نیز صدور انقلابم به اقصی نقاط جهان می‌باشد و من از شما تقاضا می‌کنم که بعد از شهادتم یار و یاور امام باشید و امام را تنها نگذارید و من شهادتم را یک نوع انتخاب می‌دانم. این راه را سرورم حسین بن علی (ع) بمن آموخته و می‌خواهم مثل او شهید شوم و من می‌خواهم که بعد از شهادتم، پدر و مادرم و ملت برای من گریه و زاری نکنند و ناراحت نباشند؛ چون این دنیا فانی و بی‌ارزش است و هیچ ارزشی ندارد و من می‌خواهم بجنگم و چنان جنگ کنم که دل مزدوران عراقی را به وحشت اندازم و می‌خواهم مانند بهشتی‌ها شهید شوم و می‌خواهم بجنگم و انتقام خون این ۷۲ تن را بگیرم. فقط در همین رابطه معلم شهید دکتر شریعی می‌گوید: آن‌ها که رفته‌اند، کار حسینی کردند و آن‌ها که ماندند، کار زینبی کنند و گرنه یزیدند. بله شهادت این آرزوی بزرگ ما و همه پیروان حسین (ع) دو چهره دارند، خون حسینی و پیام زینبی و تاریخ داستان تربیت‌یافتگان مکتب انقلابی قرآن را که از آغوش گرم نوعروسان بسوی میدان جنگ شتافتند و شربت شهادت نوشیدند. بله پدرجان! هر روز ما عاشورا و همه جا کربلاست. تنها خواهشی که من از شما دارم این است که هرگز این خیال را در دل خود راه ندهید که دیگر پیر شده‌ام. از شما هم کاری بر می‌آید، بله بودند کسانی که پیرتر از شما بودند، مثل حبیب بن مظاهر که در ظهر عاشورا جلوی تیر دژخیمان

را که مثل باران بهاری به طرف مردان حق می‌بارید، ایستاد. و اما مادرم! اگر من شهید شدم و خداوند بمن توفیق شهادت در راهش را عنایت کرد، هرگز راضی نیستم که شما برایم گریه کنید؛ چرا که گریه شما دشمنان اسلام را شاد و خوشحال می‌کند. لذا هرگز نباید شما دشمن را خوشحال کنید. مادرم! از تو می‌خواهم که پیش فاطمه زهرا (س) روسفیدم کنی و بدان که فرزند تو تنها متعلق به تو نبوده و مرگ و زندگیش بدست شما نیست.

پدرم! حالا وقت امتحان خداوند است و شما در معرض امتحان خداوند قرار گرفته‌اید، مبدا [«...»] اعمالی که رضای خدا در آن نباشد، بکنید و خدای ناکرده در این امتحان رد شوید. پدر! تو همیشه باعث افتخار من بودی و امیدوارم که تا آخر هم همین طور باشی. بندرعباس، خیابان آیت الله غفاری (شهناز سابق)، مسجد صاحب‌الزمان، برسد به دست پدر عزیزم، غلام‌رضا نظری.

والسلام

حسین نظری

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.



مرکز اسناد ایثارگران

بسم رب الشهداء والصدیقین

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۵۹۰۳
۷۴-۱۹۱

اسلام درود بر پیامبر و المقدوم امام خمینی و باسلام به تمام مردم شهید پرور ایران
 و خوارم خیزد که از وصیت به مردم ایران بگویم اگر انشاء الله به شما دست
 رسید (اگر نصیب شود) این است که تمام ارتقاها و ضدانقداها از وطن عزیزمان
 بیرون کنیم و آرزوی من این است اول به کریم بروم و در قبرش گریه کنم
 امام حسین بنی هاشم امیدوارم که تمام مافیها به دست واصل کنم و پس بدایم و بعد
 شهید بشوم و من می توانم ببینم که برادرم در جبهه ما خوب و خوب کشور بماند
 شهید و برود پسوند دل من در این نیستیم و من کار اینم مردم از خدا هدف من
 پیروزان و تقدابله اسدای و ایران علی که من آن تقدابم و بر اقصی نقطه جهان
 من بیستی تقاضای من کنم که بعد از شما دهم یاد یا و امام باکسر و امام را تنم بگذریم
 بعد از شهدا در این نوع انتقام من (الم این راه راه مردم حسین بن علی)
 منن آموخته و من من خوارم منن ایشان شهید بشوم از برادران و خوارم
 من همیشه از اسلام و تقداب بزرگ برادر اما ایماز شرف خوب محافظت کند
 حتی که ای قدرت بود در داخل کشورمان راه دهم فقط اسلام باقی بماند
 از پدر و مادرها که این دنیا جلال با او کسی ندارد من خوارم بروم منکم
 تا انتقام خون این پهلوان را بگیرم فقط در رابطه به همین مشکه مسلم شهید
 دیگر علم شریعی من گوید آنرا که رفته اند کار حسین کرده اند آنها که ما زده اند
 کار زمین کنند و گنزدند بلر شهدا در این راه بزرگ ما و شهید پروران حسن (ع)
 در جبهه ما که خون حسین در پیام زمین و ما در این راه استان تربیت باوظفان مکتب
 تقداب قرآن را که از آغوش گرم خودمان بیرون می آوریم میدان جنگ شتافتد و شربت
 شهادت نوشیده ایم برادران و برادران گرامی هم هر روز ما عاشق است و همه ما که بد است
 تنها خواهی که از شما دارم این است در هرگز این خیال ما در این راه که دیگر پیوسته ایم

بسم رب الشهداء والصدیقین

بسم رب الشهداء والصدیقین

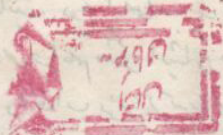


مرکز اسناد و انتشارات هرمزگان

هدیه به مناسبت روز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



بسم الله الرحمن الرحیم
بیت و کتابخانه ملی
روز اسناد و کتابخانه ملی
هدیه به مناسبت روز اسناد و کتابخانه ملی



کتابخانه

از تمام کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
که بکتابخانه ملی اسناد و کتابخانه ملی ایران و به طرف مردان و خانها بار
اصول و مکتب که بر آن است و در آن است و در آن است و در آن است و در آن است
و این کتابخانه را حفظ و نگهداری کنید و در آن است و در آن است و در آن است
به این ترتیب که در آن است و در آن است و در آن است و در آن است
همه حفظ کنید و در آن است و در آن است و در آن است و در آن است
ما بسیار دعا کنیم که این کتابخانه را حفظ و نگهداری کنید
۱۳۱۱/۱۳
اسلام آباد

بسم رب الشهداء الصديقين

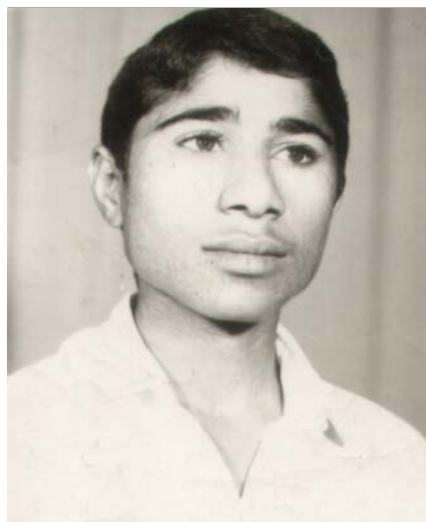
مرکز اسناد ایثارگران

بسم رب الشهداء الصديقين

منده حسين لطيفي كه در بندر عباس زند مي كنم
 كه در مورد شهادت من و اگر نصيب شده باشم چنگ كلمه گفتو دارم
 ايسد دارم كه اين عزايها را بر درك دامن كنم و به كرامت مردم و بچگ شهادت شوم و من
 من تو ام بستم كه برادر ام در جهنم با كرامت و سوگند و خوب كنند و شهادت
 شوند و لمن در اینجا چشمم و كار ديگر انجام هم حرف من بيروني انقلاب اسلامي ايران
 و حكمت شدن انقلاب و نيز صدر انقلاب با انصاف ناطق چنگ آن مي باشد و من از شما تقاضا مي كنم
 كه بويك از شهادت من ياد و ياد ايا باشيد و نام را تنها نگذاريد و من شهادت را يك
 نوع انتخاب مي دانم اين راه را به مردم حسيح بن علي رخ ، بمن كموشك و مي خواهم
 مثل او شهيد شوم و من مي خواهم كه بويك از شهادت من پيرو مادرم و علم مراي من گوي
 زاري نكنند و راحت نباشند چون كين دنيا فاني و بجز ارزش است و هيچ ارزشي
 ندارد و من مي خواهم جنگم و چنان جنگ كنم كه دل فندوران عراق را به جهنم اندازم و
 مي خواهم مانند بهشتي ها شهيد شوم و مي خواهم جنگم و انتقام خون اين ۷۲ تن را بگيرم فقط
 در ميسر رابطه معلم شهادت و كتر شهيد يعني گوي و آنها كه زنت اند كار ميسر كردند و آنها مانند
 كار زيني كنند و گوي بريدند به شهادت اين آزادي بزرگ ما هم كه پيروان حسين
 در جهنم دارند خون حسين و پيام زيبا و تاريخ را استان بربست با انگلن مكتب انقلابي قرآن را

۶۴/۱۵۹-۲

علی نکویی



نام: علی
نام خانوادگی: نکویی
تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۴/۰۱
محل تولد: در بخش سنندرک از توابع
شهرستان میناب
نام پدر: ابراهیم
نام مادر: سکینه
تحصیلات: تا پایان دوره راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۸/۰۵/۲۶
محل شهادت: میناب
نحوه شهادت: بر اثر اصابت گلوله
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- انسان هر روزی باشد از این دنیا به آن دنیا مسافرت خواهد کرد.
- ما باید توشه‌ای برای آخرت داشته باشیم که آن توشه باید در این دنیا تهیه شود.
- ما باید کاری کنیم که وقتی می‌خواهند کارنامه اعمالمان بدستمان بدهند، بدست راستمان بدهند، نه بدست چپ.
- مالک اصلی خداست که ما را آفریده و دوباره ما را به آن جهان خواهد برد.
- همه کارهای‌تان در راه رضای خدا باشد؛ مواظب باشید که کارهای‌تان از روی ریا نباشد.

بنام خداوند بخشنده مهربان

با سلام و درود به روان پاک شهداء صدر اسلام و با سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، خمینی بت‌شکن و با سلام برزندگان سلحشور و حماسه‌آفرین اسلام.
وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ لِجَنگِكَ، جَنگِكَ تا رفع فتنه در عالم.
وصیت به پدر و مادرم

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ای مردم، کسانی که در راه رضای خدا کشته می‌شوند، نپندارید که آن‌ها مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در نزد خداوند روزی می‌گیرند.^۱
پدر و مادرم! سلام علیکم، انسان هر روزی باشد از این دنیا به آن دنیا مسافرت خواهد کرد؛ آن جهان که جهان آخرت است و ما وقتی از این دنیا به آن دنیا می‌رویم و در مقابل امامان قرار می‌گیریم، نباید شرمنده شویم. ما باید^۲ توشه‌ای برای آخرت داشته باشیم که آن توشه باید در این دنیا تهیه شود، [...] توشه‌ای که ما می‌خواهیم ببریم، کارهای خوب [است] و باید انجام همه کارهای‌تان در راه رضای خدا باشد؛ نه از روی ریا که خودمان خیال کنیم، کار خیلی خوب انجام می‌دهیم ولی در کارنامه اعمال‌مان بصورت مردودی باشد. ما باید کاری کنیم که وقتی می‌خواهند کارنامه اعمال‌مان بدست‌مان بدهند، بدست راست‌مان بدهند، نه بدست چپ.

خدا را شکر می‌کنم که خداوند یک‌بار دیگر به بنده توفیق داد که [...]^۵ صحنه‌های

۱. بخشی از آیه ۱۹۳، سوره بقره: «وَبَا كَافِرَان نَبْرَد كَنبِد تَا فْتَنَه و تَبَاهِي از روي زمين پَرطَرَف شُود».
۲. اشاره به آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».
۳. در اصل: با.
۴. «که» حذف شده است.
۵. «به» حذف شده است.

نبرد را ملاقات کنم و در مقابل دشمنان اسلام قرار بگیرم^۶ و با آنها مبارزه کنم و اسلحه شهیدان مان که شهید شدند، بدست بگیرم و خون آنها را از دشمن بگیرم.

پدرم و مادرم! می‌دانم که شما زحمت‌های خیلی زیادی کشیده‌اید تا بنده را به این سن و سال رسانیده‌اید ولی مالک اصلی خداست که ما را آفریده و دوباره ما را به آن جهان خواهد برد. اگر بنده شهید شدم، اصلاً ناراحت نباشید. بنده که بهتر از امام حسین و علی اکبر [و] علی اصغر شش ماهه^۷ نیستم که امام حسین در روز عاشورا یک تنه در مقابل کفار ایستاد تا این که درخت اسلام را با خون خودش آبیاری کرد تا به ما رسید، ما پیروان آنها هستیم و باید در مقابل دشمن بایستیم و نگذاریم که دشمن به خاک و میهن مان تجاوز کند. فرضاً وقتی که داستان کشته شدن امام حسین را می‌گویند، ما افسوس می‌خوریم که ای کاش در آن زمان ما بودیم و امام حسین را یاری می‌کردیم؛ حالا این زمان با زمان امام حسین فرقی ندارد؛ حالا ما باید به امام لیک بگوئیم و آن را یاری کنیم و بنده را حلال کنید اگر چه از روی اشتباه و نادانی حرفی به شما زده‌ام، امیدوارم که از ته قلب از بنده ناراحت نباشید و مرا حلال کنید و از کشته شدن بنده گریه و زاری نکنید؛ اگر خواستید گریه کنید از بهر امام حسین گریه کنید و به برادرانم و خواهرانم بگوئید که ناراحت نباشند و اگر خواستید سوگوار^۸ شوید، سوگواری تان برای امام حسین باشد؛ و اگر از طایفه خواستند گریه کنند، باید شما به آنها روحیه بدهید و الگوی آنها باشید. همه کارهای تان در راه رضای خدا باشد؛ مواظب باشید که کارهای تان از روی ریا نباشد و توشه آخرت تان [را] از دست ندهید. پدرم و مادرم! اگر بنده شهید شدم، حتماً بنده را ببخشید؛ و از ته قلب حلالم کنید. خدا حافظ.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

علی نکویی

امضاء^۹

۶۷/۲/۱۵

۶. در اصل: بگیرم.

۷. در اصل: شش ماهه و علی اصغر.

۸. در اصل: سوگ.

۹. در اصل: نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

روزگار را در پیشگاه خداوند بزرگوار و در پیشگاه پسران و دختران شهیدان شریف و شایسته گزیند
 و در پیشگاه پسران و دختران شهیدان شریف و شایسته گزیند
 نام و نام خانوادگی علی بن علوی
 فرزند ابراهیم ... تاریخ ۱۳۷۳/۴/۱۵

مرکز اسناد و ایثارگران



وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

با سلام و درود بر طایفه نبوت و صلوات بر ائمه اطهار
 و با سلام بر همه کسیران و قربانان اسلامی ایران خیمه سبک سکن
 و با سلام بر همه کسیران و قربانان اسلامی ایران خیمه سبک سکن
 و قاتلوا العلم حتی ظلموا الفقه
 هبک فیک تارفع فتنه در العالم
 وصیت به پدر مادرم

خداوند در قرآن کریم می فرماید ای مردم کسانی که در راه رضای خدا ^{کشته}
 می شوند پسندارند آنرا خداوند بگذرد و در روز قیامت روزی که کند
 پدرم و مادرم سلام علیکم

انسانی هر روزی باشد در این دنیا به کسی دنیا مسافرت خواهد کرد و کسی
 ۴۰ سال که در این عالم است و ما وقتی از این دنیا به آن دنیا می رویم
 و در مقابل آنجا قرار می گیریم باید همه چیز را با خود بیاوریم
 دانسته باشیم که این وقت باید در این دنیا همه چیز را بیاوریم
 بدویم کارهای خوب و باید انجام دهیم کارهای خوب در راه رضای خدا باشد
 ایام خود را در این عالم بگذرانیم کارهای خوب انجام دهیم و لحظه کارنامه اعمالمان بگذرد
 مرد و زن باشد باید کارهای خوب و در حق خودمان کارنامه اعمالمان بگذرد
 لا ستان به هندی به دوست خوب

خدا را شکر کنیم که خداوند بیک بار در این دنیا به هندی به هندی
 و اسلحه در این عالم که می شود در این دنیا به هندی به هندی
 محل ایثار

تعاون لشکر ۴۱ تاران





مرکز اسناد و آثار گران

بسمه تعالی

بخدمت در خدمت من دانم که شما زحماتی که در پیگیری این امر تا حدی کرده اید تا حدی خود را به این
 سن و سال رسانیده اید ولی ما لایق آن هستیم که ما را آفریده و دوباره ما را
 به این جهان بفرستد و این بزرگواران را که در این راه است با ما که بنده
 از سخن و عمل آن بزرگواران و علم آن بزرگواران که امام حسین در روزی از
 یک تنه در مقابل کفایت ما و تا آنکه در وقت استقامت را با جوانان خود در این راه
 کرد تا به سر رسیدن ما پیروان آن بزرگواران و باید در مقابل دشمنان ما ایستاد
 که دشمنی به خاک و میهن ما بیازد و فریاد فریاد و فریاد است که در این راه
 برای ما ایستاد و ما را در این راه در این راه با خودیم و امام حسین را با این
 که در این راه ایستاد و ما را در این راه در این راه با خودیم و امام حسین را با این
 و آنرا با این کتیم و این بزرگواران را که در این راه ایستاد و ما را در این
 به رسم زده ام که در این راه ایستاد و ما را در این راه ایستاد و ما را در این
 کتیم و از کتیم که در این راه ایستاد و ما را در این راه ایستاد و ما را در این
 کتیم و از کتیم که در این راه ایستاد و ما را در این راه ایستاد و ما را در این
 خواسته بودیم و ما را در این راه ایستاد و ما را در این راه ایستاد و ما را در این
 و اگر از شما بخواهید که در این راه ایستاد و ما را در این راه ایستاد و ما را در این
 همه کارها را در این راه ایستاد و ما را در این راه ایستاد و ما را در این
 از روی ریا نبینید و در این راه ایستاد و ما را در این راه ایستاد و ما را در این
 پرورم و ما را در این راه ایستاد و ما را در این راه ایستاد و ما را در این
 خدا حافظ



۱۳۲۷ هجری قمری / ۱۳۲۷ قمری / ۱۳۲۷ قمری

۱- وصیت نامه را داخل پاکت مخصوص بنماید و مشخصات خود را در قفسه بنویسد
 ۲- وصیت نامه را از تعداد مورد نیاز کتان پاکت‌های مربوطه خود دریافت نماید



احمد نوروزی سرجویی



نام: احمد

نام خانوادگی: نوروزی سرجویی

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۶/۰۱

محل تولد: در روستای سرجویی از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: علی

نام مادر: مریم

تحصیلات: دانش آموز اول متوسطه در رشته

تجربی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۴

محل شهادت: شلمچه

نحوه شهادت:

محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ برادرانم! راه من را ادامه دهند که خدا با ما است و پیروز هستیم.
- ◀ از همشهریان عزیز تقاضا می شود که پشت جبهه را خالی نکنند و همگی به جبهه بروند که خدا با شماست و پیروز و سربلند می شوید و پرچم اسلام را در سرتاسر جهان برافراشته می کنید.
- ◀ خدایا! ترسی از مردم ندارم، ولی از این می ترسم که نیامرزیده از دنیا بروم، می ترسم رفتنم خالص نباشد.
- ◀ همراه با رزمندگان اسلام، ندای هیهات مِنَّا الذَّله را سر می دهم و به استکبار جهان اعلام می کنم که هرگز من [تن] به ذلت نخواهم داد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

با سلام و درود فراوان بر مهدی موعود و با سلام بر شهدای گلگون کفن انقلاب اسلامی، آنان که با خون خویش پرچم سرافراز جمهوری اسلامی را بر فراز مناره‌های مسجدهای جهان برافراشته‌اند^۲ و [به] ندای بر حق هل من ناصر ینصرنی^۳ امام و سردار شهیدان کربلای ایران، لبیک گفتند و با دادن خون خویش چگونه زیستن^۴ و چگونه رفتن را به ما آموختند؛ وصیت را آغاز می‌کنم.

اینجانب احمد نوروزی، فرزند^۵ علی، متولد ۱۳۴۸ و شماره شناسنامه ۱۲۴۸، وصیت^۶ این است که از پدر و مادر خویش خیلی ممنونم که مرا به این جا^۷ رساندند^۸ و مرا بزرگ کردند که در راه این هدف مقدس، شرکت کرده‌ام و به هدف اصلی من رسیده‌ام و چنین افتخاری نصیب^۹ من شد، لذا از پدر و مادر و برادران و خواهران تقاضا می‌کنم که سر قبر من گریه و زاری نکنند و برادرانم راه من را ادامه دهند که خدا با ما است و پیروز هستیم و از اقوام و دوستان می‌خواهم اگر گناهی کرده‌ام، مرا حلالیت طلب نمایند و مرا به بزرگی خودشان ببخشند و مرا مورد عفو خود قرار دهند.

پدر و مادر گرامی! رحمت بر شما که چنین پسری در راه اسلام و قرآن مقدس^{۱۰}،

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».

۲. در اصل: برافراشته است.

۳. منسوب به امام حسین (ع): «آیا کسی هست که مرا یاری کند؟»

۴. در اصل: زیستن.

۵. در اصل: فرزند.

۶. در اصل: وصیت.

۷. در اصل: ها.

۸. در اصل: رسانند.

۹. در اصل: نصیب.

۱۰. در اصل: مقدس قرآن.

قربانی نمودید و در تربیت [من] می کوشید، من از طرف خود از شما خیلی ممنونم و اگر از طرف من خطایی انجام داده‌ام، مرا به بزرگی خود عفو کنید.^{۱۱}

دبیران و همکلاسی‌های^{۱۲} گرامی! از شما متشکرم^{۱۳} که مرا چنین تربیتی کرده‌اید^{۱۴} و از همکلاسی‌های عزیز تقاضا می‌شود که در درس خواندن خود، [...] دشمن را خورد کنند و جبهه را خالی نکنند و راه این حقیر همکلاس خود [را] ادامه دهند و تا به فیض^{۱۵} شهادت نائل شوند.

از پدر و مادر گرامی خود تقاضا دارم که قبر من [را] پهلوی قبر مادر بزرگم دفن کنند و هیچ‌گونه ناراحتی از طرف من نداشته باشند که ما زنده‌ایم و نزد خداوند بهره‌مندیم و هیچ‌گونه در سر قبر من گریه و زاری نکنند و^{۱۶} همیشه شاد و خوشحال باشند^{۱۷} و مرا به بزرگی خود عفو کنند.^{۱۸}

از همشهریان عزیز^{۱۹} تقاضا می‌شود که پشت جبهه را خالی نکنند و همگی به جبهه بروند که خدا با شماست و پیروز و سربلند می‌شوید و پرچم اسلام را در سرتاسر جهان برافراشته می‌کنید و اگر از بنده حقیر خطا و گناهی دیده‌اید^{۲۰}، مرا مورد عفو خود قرار دهید^{۲۱}. برادران گرامی! می‌دانم از مرگ برادر حقیر خود ناراحت می‌شوید، ولی راه من را ادامه دهید که به وصیت من عمل کنید.

مادر و پدر و برادران و خواهران و اقوام و خویشاوندان! خدا حافظ.

احمد نوروزی - امضاء^{۲۲}

۱۱. در اصل: کنند.
۱۲. در اصل: همکلاسی‌های.
۱۳. در اصل: متشکریم.
۱۴. در اصل: کرده‌اند.
۱۵. ناخواناست.
۱۶. در اصل: فیز.
۱۷. در اصل: که.
۱۸. در اصل: می‌شود.
۱۹. در اصل: کنید.
۲۰. در اصل: هرگز.
۲۱. در اصل: دیده‌اند.
۲۲. در اصل: دهند.
۲۳. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۶۴/۱۱/۱۸ روز جمعه ساعت ۳ و هفت دقیقه

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^{۲۴} (قرآن مجید)
 میندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده‌اند بلکه آن‌ها زنده‌اند و نزد پروردگار خود روزی می‌خورند.

با درود بر امام امت، خمینی کبیر، که به راه اسلام و حقیقت هدایت‌مان کرد و با درود بروان پاک شهیدان که چراغ راه‌مان شدند و هم‌چون شمع سوختند تا محفل ما را روشن گردانند و چگونگی مردن را به ما بیاموزند.

اسلام [...]^{۲۵} محمدی (ص) شروع و [...]^{۲۶} علی (ع) و حسین بن علی (ع) ادامه یافته تا به دست پیروان وفادار خود رسیده است. در پانزده خرداد چهل و دو، فرزند دیگری از سلاله پاک رسولان [...]^{۲۷} دیگری باعث بقای اسلام شد تا بالاخره در ۲۲ بهمن ماه پنجاه و هفت، اسلام بر کرسی حکومت نشسته و پیروزی خون بر شهید اثبات شد. اکنون در جنگ تحمیلی بار دیگر به نداهای شوم صلح آمریکایی امام عزیزمان و رزمندگان اسلام نه گفتند و اعلام کرده [...]^{۲۸} که تا آخرین قطره خون، یار مظلوم و دشمن ظالم خواهند بود. بنده نیز که افتخار حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل را پیدا نمودم و همراه با رزمندگان اسلام، ندای هیهات منّا الذّله^{۲۹} را سر می‌دهم و به استکبار جهان اعلام می‌کنم که هرگز من [تن] به ذلت نخواهم داد و همواره گوش بفرمان امام امت و خادم به اسلام خواهم ماند تا روزی که چنانچه خدا خواست شهادت نصیبم گردد.

۲۴. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران.

۲۵. ناخواناست.

۲۶. ناخواناست.

۲۷. ناخواناست.

۲۸. «و می‌کنند» حذف شده است.

۲۹. منسوب به امام حسین (ع): «مجال است تن به ذلت دهیم».

۳۰. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «تن» باشد.

با سلام به پدر و مادر گرامیم، مادر و پدر گرامیم! [...] که من شما را تنها گذاشتم و راهی [...] که می‌خواستم ادامه دادم و از شما متشکرم^{۳۳} که من^{۳۴} را به این جا گذاشته‌اید^{۳۵} و این زحمت‌ها را برای من^{۳۶} کشیده‌اید و من^{۳۷} را بزرگ کردید^{۳۸} تا [به] این جا رسیدم^{۳۹} و تا^{۴۰} این سن [برای من] زحمت کشیده‌اید^{۴۱} و از شما^{۴۲} زیاد متشکرم^{۴۴} و پوزش می‌طلبم^{۴۵}؛ و هم‌چنین از^{۴۶} برادران عزیزم [...] که زحمت برای من کشیده‌اند و جز مهربانی و محبت چیزی دیگر از آن‌ها یاد نگرفته‌ام^{۴۸}، متشکرم^{۴۹} و پوزش می‌طلبم^{۵۰} و تا این حد ما را به این جا رسانده‌اند و [از] خواهران گرامیم می‌خواهم که مرا ببخشند و مرا عفو کنند و از پدر و مادر و برادران گرامیم طلب حلالیت می‌خواهم که [...] ببخشند^{۵۲} خطاهایی که از ما سر زده بود [را] و مرا [به] بزرگی خودشان ببخشند^{۵۳}.

از پدر گرامیم مبلغ ۱۰۰ تومان از علی غلام‌زاده [...] (همکلاسی‌هایم) خواهشمندم^{۵۵}

۳۱. ناخواناست.

۳۲. در اصل: راه.

۳۳. در اصل: متشکریم.

۳۴. در اصل: ما.

۳۵. در اصل: گذاشته‌اند.

۳۶. در اصل: ما.

۳۷. در اصل: ما.

۳۸. در اصل: کردند.

۳۹. در اصل: رسیدیم.

۴۰. در اصل: در.

۴۱. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «برای من» باشد.

۴۲. در اصل: کشیده‌اند.

۴۳. در اصل: آن‌ها.

۴۴. در اصل: متشکر.

۴۵. در اصل: می‌کنم.

۴۶. در اصل: به.

۴۷. «که» حذف شده است.

۴۸. در اصل: نگرفته‌ایم.

۴۹. در اصل: متشکر.

۵۰. در اصل: می‌پزیم.

۵۱. «مرا» حذف شده است.

۵۲. در اصل: ببخشند.

۵۳. در اصل: می‌بخشند.

۵۴. ناخواناست.

۵۵. در اصل: خواهشمند.

این مقدار پول به ایشان بدهند و من چیزی از بچه‌ها نگرفته‌ام و از بچه‌های سر جوئی می‌خواهم^{۵۶} که مرا عفو کنند از اقوام و خویشاوندان می‌خواهم^{۵۷} که خطاهایی که از ما سر زده است را^{۵۸} مورد عفو کنند و [به] بزرگی خودشان ببخشند^{۵۹}.
خدا حافظ پدر و مادر و برادران و خواهران گرامیم.

ساعت ۳ و هفت دقیقه نوشته شده است.

روز جمعه ساعت ۳-۷ دقیقه

پسر حقیرتان احمد نوروزی

امضاء^{۶۰}

مورخ ۶۴/۱۱/۱۸

۵۶. در اصل: می‌خواهم.

۵۷. در اصل: می‌خواهم.

۵۸. در اصل: مرا.

۵۹. در اصل: بخشند.

۶۰. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

نام نام خانوادگی احمد نوروزی
 فرزند علی... تاریخ ۳۳/۳/۱۳۶۳

نوروز بهروز دوست هر مسلمان بی گناه کز کفر
 آنکه در پیش از بر سرش باشد

مرکز اطلاعیه‌ها و نشریات



وصیت نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۶۵, ۳۸۶۹۹

و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون
 يا اسلام و درود فراوان بر خدای موعود و یا اسلام بر ستغای کفایت کفن
 انقلاب اسلامی

آنانکه از خون فریض پرچم سرافراز عهدی اسلامی را بر فلان سازه‌های
 میبندند همان پدافند است و نه در برهق فل من ناصر نصیری است
 و سردار مکتب امام کوی ایوان لیبیک گفتند با دادن خون فریض میگویند نیستند
 و میگویند رفتن را با ما نوشتند و وصیت را آغاز کردند

بنیادین عهد و عهد فرزند من متولد ۱۳۴۵ و شماره شناسنامه ۱۲۴۱
 و وصیت این است که از پدر و مادر و فریض عهدی میخوانم که تمام این عبادت‌ها
 بر او برگرداند که در راه این هدف مقدس شرکت کرده‌ام و به هدف
 ربه ابدی من رسیدم و چنین افسوس منیب من شد لذا از پدر و مادر
 و برادران و فرزندان و اقارب و اقارب من که در راه این هدف
 و برادران راه من را دادند و هدایت خدا اعانت و پیروزی
 و از تقدیم و در تمام قرآنی که نگاه کرده‌ام مرا هدایت کلب نماز
 و سلام بزرگی فرستاد بخشنده و مهربان خود تقدیر کند

پدر و مادر و برادران و فرزندان و اقارب من که در راه اسلام و معدن قدس
 قربانی نمودند و در تربیت مرا کوشیدند از طریق خود از نماز عهدی میخوانم
 و دیگر از طرف من عطا شد تمام داره‌ام سراپا بوارگی خود بخونند

تعاون لشکر ۴۱ ناراه

استان هرمزگان
 مهر ۲۹

محل امضاء





مرکز اسناد ایثارگران

بسم الله الرحمن الرحیم

دیده ای که چگونه می توانی : از شما مستوفی که سراسیمه ترین و بیچاره ترین دیده ای که از خدا بیجا
بودید تقاضای شود که در دستان خود بیست دهن را در راه خود رکنند و همه جمع راههای
نکنند و راه این صفت هکتار فرادامه اهدا و تا به نیز بطاعت ناکند شوند

از بهر روی که این فرد تقاضای آن که قند من بجز قند مادر بزرگم و ~~...~~ دهن نکنند و هیچ
گونه ناراحتی از طرف من نداشتن با سزا که سازند هم و نوزاد او نیز بجهت مندم و هیچ گونه
در بر قند من گوید و ز این نکنند که همیشه شاد و خوشحال باشند و سوابق بزرگی خود بفرستند

از هم صحت و ای عزیز تقاضای می شود که بیست جمع راههای نکنند و همگی به جمع بودن که خدا
با شجاعت و بی پروا و سر بلند می گوید و پریم اسلام را که در سرتاسر خانه بواضرات است
و اگر از بنده صغیر خطا و گناه دیده اند مرا مورد عفو فرود قدر دهند

بدر آن گواهی : در این امر که همه بزرگواران خود ناراحت و توبه و ملی و از من رادارم
دفعه که به وصیت من عمل کنند ~~...~~

صاحب و پدر همه ارادته و خواهی که در اقرارم در حق و در آن کماله افاض
رزا عبادت بفرستد به منج قریب

لسون روزی

لا اله الا الله
محمد رسول الله

۶۵,۴۸۶۹



محل امضاء



۶۵/۳۸۹۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ روز پنجشنبه ساعت ۱۳:۳۰ دهفت دقیقه

مجلسی من الرضی عنهما تقسم و اموالهم علی

مرکز اسناد و کتابخانه ملی

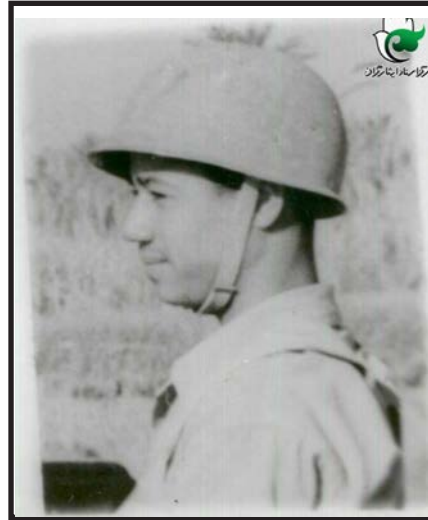
الذین قتلوا فی سبیل الله اموالاً بل احیاء عند ربهم یرزقون . قرآن مجید .
میڈیا ریسرچسای کہ در راه خدا کشته میگردند مرده اند بلکه آنها زنده اند و مزد میروند و بار خود روزی میخورند
با وجود بر امام امت حنیفی کبری که به راه اسلام و حقیقت هدایتان کرد و با درود بیرون پاک شهیدان
که چراغ راهمان شدند و هم چون شمع سوختند تا محفل ما را روشن کردند و جگه نمون مراد را با ما با ما موزند.

اسلام بانہ ی محمدی ص ۱ شروع و بانہ ی علی (ع) و حسین بن علی (ع) ادامه یافته تا به دست بیرون و مدار
عقد خود رسیده است. در یاد کرده خرد کرد در دینی از سلاسل پاک رسولان بانہ ی دینی است
نمای اسلام شد تا بالاخره در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۴ هجرت اسلام بر کرسی حکومت نشست و بیروزی خون بر زمین
آبیات شد. اکنون در حقیقت قتلها را در تیر به زندانهای ستم صلح طلبی امر بفرمان امام عزیزمان و رزمندگان
اسلام نه تنها لغت و اعلام کرده و سلب کرده تا آفرین مظهر خون مبارک و دشمن خاتم نبوت بود
نیزه نیزه استی حضور در حقیقت علم با جلال را نیزه نمودم و ~~تاریخ~~ ~~تاریخ~~ ~~تاریخ~~
همراه با رزمندگان اسلام ندای صیحات من الذکر را نیزه نمودم بر به اسکلار چون اعلام میکنم که هرگز
تن به ذلت نخواهم داد و همواره توسن نبویان امام امت و فادان اسلام خواهم ماند تا روزی که جانی خود خواهم است
سنة دست تصیم کردد.

۱۳ اردیبهشت

با سلام و تحیات و احترامات عرض میکنم. ما در مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران و اسناد و کتابخانه ملی ایران
و به نام مشور که ما به اینها گذاشته اند و این وقت ها را برای ما کسب کرده اند و ما را بزرگ کردند
تا این رسیدیم و در این سن ها وقت گذرانند و از اسکا زانچه مستعد و پوزش کنیم
و همچنین به برادران عزیز که نگاه داشتند در این سینه اند و جز صحرای و صحت چیزی دیگر از آنها
یا دقت و اسع مستعد و پوزش نپوزیم و تا این مرگ ما را در این سینه اند و خواهد ان
گو اسمی خواهم که را بعتد و مرا بعتد که بود و برادران گرامی تصیم طلب سلامت
عزراهم که سراجیم خطاهای که از سکو زده بود و مرا بزرگ خواند و عظم

حسن نوشادی



نام: حسن

نام خانوادگی: نوشادی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱۰/۰۱

محل تولد: در روستای شیوه ای تابعه شهرستان

میناب

نام پدر: اکبر

نام مادر: گیشک

تحصیلات: تا پایان دوره ابتدایی

شغل: کارگر

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

محل شهادت: ام الرصاص عراق

نحوه شهادت:

محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ برادران عزیزم! راه حسین و یارانش را ادامه بدهید.
- ◀ از همه هم وطنان عزیزم می خواهم که وحدت بین خودشان را حفظ کنند و با هم کینه نداشته باشید.
- ◀ بشتابید بسوی جبهه ها و جبهه ها را خالی نگذارید.
- ◀ درست است که جنگ سختی دارد، اما یک انسان مسلمان باید در این دنیا سختی ببیند تا در آن دنیا به خوشی و راحتی زندگی کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم رب الشهداء و الصديقين

قال رسول الله (ص): إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِمَنْ يُجَاهِدُ عَنْ مَنْ لَا يُجَاهِدُ^۱

رسول خدا فرمود: خداوند به برکت مجاهدین بلا را از غیر مجاهدین دفع می‌کند؛ یعنی امنیت و آزادی و راحتی همگان در سایه جهاد رزمندگان است و دیگران به برکت آنها زندگی می‌کنند.

برادران عزیزم! راه حسین و یارانش را ادامه^۲ بدهید. خدایا! با چه زبان شکر کنیم که پس از این همه دوری از تو و جدایی از امام زمان (ع) در اثر پیروزی از طاغوت، باز رحمت خاص خودت را نازل فرمودی و بوسیله بنده‌ای از بندگان صالحت (امام خمینی)، دریچه‌ای به عالم نور و ملکوت گشودی و صحنه‌هایی از عالم معنا و عشق و عرفان را به صورت سنگر و میدان در غرب و جنوب ایران بوجود آوردی و بندگان شایسته‌ات را از این رهگذر بسوی خود بردی و خون‌شان را با خون حسینیت مخلوط کردی تا سند برتری آدم بر فرشتگان هم چنان در لوح محفوظ بماند و در درگاه ربوبیت به شهیدان کویت، آب حیات محبت خود را نشانیدی که تا ابد زنده هستند، و نشان دادی که حسینی شدن این چنین است تا هر کسی ادعای بی‌جا نکند.

با سلام گرم به پدر و مادر مهربانم، اولاً از این همه زحماتی که شما برای^۳ بنده حقیر

۱. منسوب به پیامبر (ص).

۲. در اصل: عدامه.

۳. در اصل: به.

کشیده‌اید [تشکر می‌نمایم]، واقعاً شرمنده‌ام از این که نتوانسته‌ام تشکر کنم و زحمات شما را جبران کنم گرچه قابل جبران نیست. پدر و مادر عزیزم! از خداوند تبارک و تعالی مسئلت دارم و می‌خواهم که صبری جمیل نصیب‌تان کند. پدر عزیزم! اگر بنده گنه کار لیاقت شهید شدن در راه خدا [را] داشتم، از شما تنها خواهشی که دارم، گریه و زاری نکنید مگر پدر و مادری وجود دارد که در جشن عروسی فرزندشان گریه و ناراحتی در آورد. و پسرهای‌تان را خوب تربیت کنید تا بهتر بدرد انقلاب و جامعه بخورند.

ای خواهران محترمه‌ام! امیدوارم که صبری هم‌چون زینب گونه داشته باشید و در مرگ بنده ناراحتی در نیاورید و حجاب‌های‌تان را خوب رعایت فرمائید که مشیت محکمی باشد بر دهن غربی‌ها و دشمنان اسلام.

در آخر از همه هموطنان عزیزم می‌خواهم که وحدت بین خودشان را حفظ کنند و با هم کینه نداشته باشید و از امام عزیزمان دست بردارید و از آن حمایت کنید و در آخر بشتابید بسوی جبهه‌ها و جبهه‌ها را خالی نگذارید. درست است که جنگ سختی دارد، اما یک انسان مسلمان باید در این دنیا سختی ببیند^۴ تا در آن دنیا به خوشی و راحتی زندگی کند^۵.

در آخر از همه التماس دعا دارم و از همه [...] حلالیت می‌طلبم.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگاه دار.

به مادر، پدر و خواهر و برادران^۶ عزیزم تقاضا^۷ می‌شود که بر سر نعش^۸ من گریه نکنند

. کسی که تابع^۹ [...] حرف امام نیست، دست به زیر تابوت من نزنند.

مبلغ ۲۰۰ تومان به احمد چمیل نوشادی داده‌ام؛ مبلغ ۶۰۰ تومان به یوسف نوشادی

داده‌ام؛ مبلغ ۵۰۰ تومان به کواکب قاسمی داده‌ام.

۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «تشکر می‌نمایم» باشد.

۵. در اصل: ببینید.

۶. در اصل: کنید.

۷. «طلب» حذف شده است.

۸. در اصل: برادر آن.

۹. در اصل: تغاظا.

۱۰. در اصل: نش.

۱۱. در اصل: تابه.

۱۲. «به» حذف شده است.

آرزو داشتم که شب حجله به سعادت برسم
مصلحت آن است که در سنگر ایران به شهادت برسم
ای مادر من! پیرهن مرا درب خانه بیاویز
تا مردم این شهر نگویند پسر ت نیست
الحقیر حسن نوشادی

امضاء ۱۳

پیام تبریک

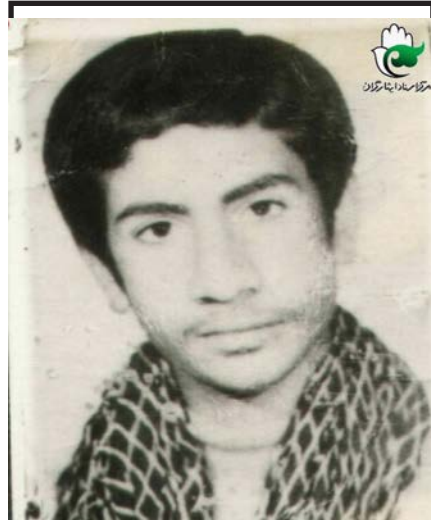
پیرواوست هر دو امت هر دو مسلمان می گنجند
اولی تو نیست اولی بر من باشد

فصلت نامه

بسم تعالی
بیتنا محمدیون

بسم رب السموات والارضین
قال رسول الله (ص) ان الله يحب المؤمن الحیاضه
رسول خدا فرمود: خداوند به کسبت مجاهدین نیلوا از غیر مجاهدین دفع میکند
یعنی اینست و آگاهی و راهی همان در سایه خیر و زهدان است و در نظر به کسب
آنها زهدی میکند. برادرین عزیزم را، هم چنین ویرا را متن را عذر بدهید
خدا یا بچه زبان شکر کندیم که بین از انصاف دوری از تو خدای از نام زبان (ع)
در اثر بی زوری از طاعتی، باز رحمت ما شرف بر اهل کمال فرمودی و خود دیده
دیده ای از جنتی که صالحان در آن هستند در جبهه ای به اعمال نور و شکر است که در هر
وضعه ای از عالم مضاف عشق و عرفان را به صورت سیر و میدان در غرب و
جنوب ایران بوجود آورده و دنیا مان شایسته است و ایران و کشور
سوی خود برده و خدمتشان را با خون غنیست مخلوق برده تا چند برتری
آدم بر شکران هم فیضان در لوح محفوظ تعالی و در در راه ربیبیت به میدان
توضیح کویب «آب حیات» محبت خود را در شاندی که تا اندر نده همینه و نشان
دارا که حین بدن این جنس است تا هر کسی از آنها میاید و کند
یا سلام هم بر کرده و مادر هم را هم از این همه زحمات تا شبانه چینی شده اند
واقعا شکردهم از اینم نتوانستم تشکر کنم و زحمات شما را صبر کنم و خدا را شکر
سنت. پدر و مادر عزیزم از خداوند شکر و تقی ملت نام و شکر هم صبر جمیل
تعبی تا که کند و پدر عزیزم از نریه نهار نیافت کفایت در راه خود اتم از شما تقاضا
خواهتی که نام کرده و زاری کنیم سر پرستاری وجود داره و در چنین عمری فرزندان
تو به دنیا احمی در آورد و نیس هاتیان را خوب تربیت کند تا مقبر جبر در انصاف
و جامع بخورند.
ای خواهان محترم امیدوارم که صبری همچون زینب دونه داشته باشید و در روز
تعاون لشکر ۴۱ تارانه

محمد نیکار



نام: محمد

نام خانوادگی: نیکار

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۱/۰۱

محل تولد: در روستای سرریگ از توابع شهرستان

بندرعباس

نام پدر: حسین

نام مادر: خدیجه

تحصیلات: دانش آموز سوم راهنمایی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۱/۲۲

محل شهادت: زبیدات عراق

نحوه شهادت:

محل دفن: پیکرش در منطقه برجای ماند.

گلچین وصیت نامه

- ◀ همه شما را به خدای بزرگ می سپارم و از درگاه پر عظمتش خواهان این هستم که بتوانید شما پدر و مادر و برادران و خواهرانم و تمامی ملت ایران، همواره در راه انقلاب اسلامی حرکت کنید.
- ◀ مطمئن باشید که جای من در آن دنیا کاملاً راحت است.
- ◀ فقط غم شماها را دارم که بتوانید در آن دنیا به پیش من بیایید.

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

بسم رب شهداء و الصديقين

و آنان که در راه خدا با جان و مال جهاد و کوشش کردند، محققاً آن‌ها را به راه معرفت و لطف خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا با نیکوکاران است.^۱

بنام پروردگار شهدا و راست‌گویان و با درود به روان پاک شهدا گلگون کفن، از هابیل تا کربلای جنوب و غرب ایران که با خون سرخ خود راه بزرگ آزادگان حسین (ع) را ادامه داده‌اند و هم‌چون حسین، حسینی [...] به لقاء الله پیوستند.

اینجانب محمد نیکار، در روز چهارشنبه ۱۹/۸/۶۱، در بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در کمال سلامت این وصیت‌نامه را می‌نویسم.

وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا
بِالصَّبْرِ^۲
نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ^۴

همه شما را به خدای بزرگ می‌سپارم و از درگاه پر عظمتش خواهان این هستم که بتوانید شما پدر و مادر و برادران و خواهرانم و تمامی ملت ایران، همواره در راه انقلاب اسلامی حرکت کنید و بتوانید در سایه حق همیشه یاور امام امت، خمینی‌بت‌شکن باشید و طول عمر ایشان را تا انقلاب حضرت ولی عصر (عج)، از پروردگار عالمین که به یکی

۱. آیه ۶۹، سوره عنکبوت: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ».

۲. «و از» حذف شده است.

۳. آیه ۱ و ۲ و ۳، سوره العصر: «سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل]، که واقعا انسان دستخوش زیان است. مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند».

۴. بخشی از آیه ۱۳، سوره صف: «باری خدا و پیروزی نزدیک است و مومنان را بشارت ده».

بودنش یقین کرده‌ایم؛ می‌طلبم. و مطمئن باشید که جای من در آن دنیا کاملاً راحت است و فقط غم شماها را دارم که بتوانید در آن دنیا به پیش من بیائید.

بنده حقیر شما، محمد



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

دوبه نام الله یا سدره من عذون القدران»

«بسم الله والهدی»

و آنانی که در راه خدا جان و مال جهاد و کوشش کردند محققان آنها را به معرفت و لطف خدای تعالی میبینم
و همیشه خدا با نیکوکاران است.

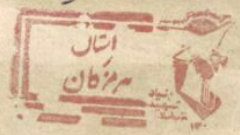
نیام میوردگار شهید اور است گویان و مادر و پدر و برادران پاک شهید آنگلگون گفتن از حابیل تا کریم و شریب
و غریب ایران که با فزون مسخر حله راه نبرد آزادگان همین ایمان را داده اند و هجرت همین
حسین و ارباب با فدای او میسر شد

اینصاف محمد تقی در روز چهارشنبه ۱۹، ۸، ۶۱ در بیخ میوه یا سدره من انقلاب اسلامی در تهران
ایمان و وصیت نامه را منبوسم.
بسم الله الرحمن الرحیم

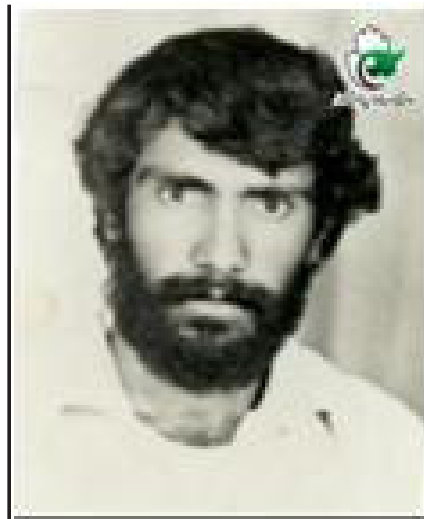
و العصر: ان الانسان لبق خسران الذين اهنر و علر العاهلما و ترا و بالحق و ترا و بالهدی
خسران الله و تقع قریب
۳۱۰۹۴، ۶۱-۶۱

همه شما را به خدای بزرگ می سپارم و از درگاه پر بخشش شاهان این هستم که سزاوارند تمام رو و مدار
مهر برادران و خواهرانم و تمامی ملت ایران همواره در راه انقلاب اسلامی مرکز سید و تبرک
در سایه حق همیشه یاد و نام است همیشه بی شکلی با شکر و طول عراشمان را تا انقلاب حضرت
و می مفرایخ از جمهوری درگاه رعالمین که می یکی بود شش یقین کرده ایم می طلبیم و مطبقی
با بگری که جاسی من در آن دنیا کاملاً راحت است و غنقوا محرم نماها را دارم که
تبدیل نمیدانم دنیا به پیش من بیایمید.

بنده صدیق شما محمد



عباس نیلاو



نام: عباس
نام خانوادگی: نیلاو
تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۰۱/۰۱
محل تولد: در شهرستان بندرعباس
نام پدر: قنبر
نام مادر: مریم
تحصیلات: تا پایان دوره ابتدایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۰۷/۰۷
محل شهادت: سومار
نحوه شهادت: پراثر اصابت ترکش به سر
محل دفن: روستای ایسین تابعه زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- < حالا که مرگ برای انسان هست، پس اگر در راه خدا باشد، بهتر است.
- < خدایا! خودم نمی دانم چقدر گناه دارم، خدایا! تو می دانی چقدر گناه کارم، امیدوارم گناهان مرا ببخشی.
- < اگر خدا خواست که من به طرف او هجرت کنم و شهید بشوم و شما خبر شهادت من را بشنوید، به هیچ وجه ناراحت نشوید و به خود بیالید و افتخار کنید که توانسته اید در راه اسلام و قرآن فرزندى را قربانى کنید.

بسمه تعالی

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۱

با درود بی‌پایان به امام زمان (عج) و نائب برحقشان رهبر عظیم الشان مسلمین جهان، حضرت آیت الله العظمی^۲ خمینی بت شکن و تمام شهیدان گلگون کفن جمهوری اسلامی ایران که با خون خود دین خود را نسبت به انقلاب خونبار اداء کردند و ما هم باید تداوم راه ایشان را پیش گیریم و این خط سرخ شهادت که حسین ابن علی (ع) سرور آن بوده است [را] انتخاب کنیم. خدا نکند در این دوره انسان در [...]^۳ بمیرد، حالا که مرگ برای انسان هست، پس اگر در راه خدا باشد، بهتر است و اگر دشمن دستم را در جایی از نقاط کشور قطع کند و پایم را در جایی دیگر و سرم را در جایی دیگر از تنم جدا کند و سینه‌ام را در جایی بشکافد و جگرم را از آن بیرون بیاورد و چشم‌هایم را در جایی از من بگیرد اما یک چیز از من نگرفته است و آن ایده و ایمان من است.

خداوندا!^۴ مرا از لشکریان خود قرار ده، معبودا! مرا حالتی به خودم وا مگذار، کریما! اگر عمری را به غفلت گذرانده‌ام و بیهوده و بی‌هدف بوده و دنبال دنیای فانی بوده‌ام، از تقصیرات جاهلانهم بگذر. خدایا! خودم نمی‌دانم چقدر گناه دارم، خدایا! تو می‌دانی چقدر گناه کارم، امیدوارم گناهان مرا ببخشی. خدایا! تنها چیزی که از تو می‌خواهم، صبر پدر و فامیل‌های من است و پدر بزرگوام! امیدوارم که با روحیه هم‌چنان قوی بر جنازه من حاضر شوی که خدا از شما راضی شود و من که مادرم فوت کرده است و مادر ندارم و پدرم هم

۱. بخشی از آیه ۱۵۶، سوره بقره: «براستی که ما از خدائیم و به سوی او باز می‌گردیم».

۲. در اصل: آیت الله العظمی.

۳. ناخواناست.

۴. در اصل: خداوند.

جای پدر و هم جای مادر برای من بوده، امیدوارم که حلالم کند و از تمام قوم و خویشان و همشهریان طلب حلالیت می‌کنم و هرکاری که من کرده‌ام مرا ببخشید و اگر در حق کسی تعدی کرده‌ام برای رضای خدا مرا ببخشید.

خداشکر که توانستم به رهبری خمینی بت‌شکن [خود]^۵ را به جامعه توحیدی و کشور اسلامی سازش دهم و در جبهه حاضر شوم و برای اسلام عزیز و وطن و کشور اسلامی خدمت کنم و جان‌نثار کنم و از پدر بزرگوارم می‌خواهم که [...] اگر خدا خواست که من به طرف او هجرت کنم و شهید بشوم و شما خبر شهادت من را بشنوید، به هیچ وجه ناراحت نشوید و به خود بیایید و افتخار کنید که توانسته‌اید در راه اسلام و قرآن فرزندی را قربانی کنید و [...] عزیزم، همیشه برای امام عزیز، این پیر [...] دعا کنید بعد از نماز، که من هم تنها توصیه‌ام به شما همین است. امیدوارم دائمی، عمومیم، عمه‌ام، خاله‌هایم، تمام اقوام و خویشان [اگر] از من بدی دیده‌اند، مرا ببخشند و هم‌چنین پدر بزرگم و مادر بزرگم که مرا بزرگ کرده‌اند، مرا حلال کنید. جمله‌ی دیگری که می‌خواهم بنویسم این است که حضرت علی (ع) فرموده است: عمل ما وقتی صالح است که ایمان ما قوی باشد و ایمان بر چهار ستون است؛ صبر، یقین، عدل، و جهاد^۶.

پدر عزیزم! می‌دانم که ناراحت می‌شوی و طوری گریه نکن که دشمنان شاد شوند و اگر گریه می‌کنید از شادی گریه کنید چون خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده^۷ و برای حسین بن علی گریه کن که با ۷۲ تن از یاران^۸ به خاک و خون تپیدند.

آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند و می‌خواهند دشمنان دین را به قتل برسانند و یا خود کشته شوند. این وعده برای خدا قطعی است و عهدیست که در ۳ کتاب آسمانی تورات و

۵. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «خود» باشد.

۶. ناخواناست.

۷. ناخواناست.

۸. ناخواناست.

۹. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «اگر» باشد.

۱۰. منسوب به حضرت علی (ع): «الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ وَالصَّبْرُ».

۱۱. بخشی از آیه ۱۱۱، سوره توبه: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ».

۱۲. در اصل: یاریان.

انجیل و قرآن یاد فرموده است. و باز پدرم! اگر گاهی بدفرمانی کرده‌ام و [به] وظیفه‌ای که به عهده من گذاشته‌اید عمل نکرده‌ام، مرا خیلی حلال کنید.

من الله توفیق

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

عباس نیلاد

درین عمل گدنه کن کرد با ۷۲ تن از یارایان به خاک و خون طغیانند
 که در راه خدا جهاد می کردند و درین راه جانهای خود را فدا کردند و با خود نرفته
 اند و خداوند تعالی است و عهدت کرد در پی کتاب آسمانی نوران و انجیل و قرآن با زور و اجبار
 و با زور مردم اثرهای بدفروانی کرد و مردم و وطنهای که به فکده من گذاشته اند عمل کنند تمام مراحتی
 حاصل نمایند
 من است نوشین
 خدا یا فراتنا تقدیر مهربان
 عباس نسله

تاریخ شهادت: ۱۳۰۲/۰۲/۲۲
 در راه شهادت خیمه

۹۰۹/۱۲
 ۹۱/۷/۸

علی واکمیر

نام: علی

نام خانوادگی: واکمیر

تاریخ تولد: ۱۳۲۰/۰۹/۱۴

محل تولد: روستای ییکاه از توابع شهرستان

رودان

نام پدر: حسن

نام مادر: سکینه

تحصیلات: خواندن و نوشتن نمی دانست.

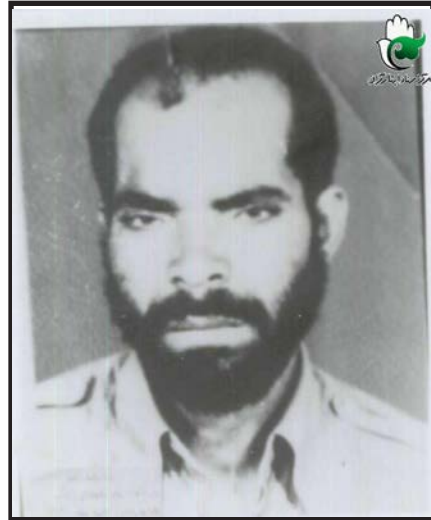
شغل: کشاورز

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۰۳/۰۳

محل شهادت: جاده بندرعباس - میناب

نحوه شهادت: سانحه رانندگی

محل دفن: زادگاهش



گلچین وصیت نامه

- ◀ هدف من از رفتن به جبهه این است که بتوانیم خدمتی برای اسلام کرده باشم.
- ◀ ای امام حسین! اگر در روز عاشورا نبودیم که شما را یاری کنم، امروز به طرفداری از دین خدا و امام امت قدم به عرصه میدان نبرد نهادم که به اسلام خدمت کنم.
- ◀ مادر جان! پیامی که به شما دارم این است که در مرگ من گریه نکنید و برای من سیاه پوش نباش.

بسم الله الرحمن الرحيم

کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نیستند، بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان بهره مند شوند.

با درود [بر] آخرین بنیانگذار اسلام، حضرت محمد محمد (ص) و بنیانگذار جمهوری اسلام در ایران امام خمینی و ملت شهیدپرور ایران و به امید پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه حق علیه باطل و نجات تمامی مستضعفین جهان بر مستکبرین و پیروزی آنها، هدف من از رفتن به جبهه این است که بتوانیم خدمتی برای اسلام کرده^۱ باشم و این و ناموس خود را دفاع کنم. و پاسخ مثبت به خدای امام حسین در روز عاشورا بدهم. که ای امام حسین! اگر در روز عاشورا نبودیم که شما را یاری کنم، امروز به طرفداری از دین خدا و امام امت قدم به عرصه میدان نبرد نهادم که به اسلام خدمت کنم.

مادر جان! پیامی که به شما دارم این است که در مرگ من گریه نکنید و برای من سیاه‌پوش نباش. چون اگر دشمنان اسلام شما را گریان ببینند شادمان می‌شوند و جشن می‌گیرند از شادمانی ضربه‌ای به اسلام وارد می‌کنند و در ضمن مرا جلوی حسینیه امام خمینی دفن کنید. و نگذارید که منافقین سر مزار من حاضر شوند تمام زندگانی که دارم ثلثی برای خودم و هر چه باقی ماند بین همسر و فرزندانم طبق قانون عمل کنید در یک اتاقی که مادرم در آن زندگی می‌کند تا زمانی که زنده است برای خودش بعد از حیات مادرم آن به فرزندانم برگردانید. و دعای کمیل را فراموش نکنید و در تمامی کارهاتان امام را دعا کنید [...]^۲ در ضمن خانواده‌ام تا زمانی که شوهر نگرفته است حق دارد در خانه‌ام زندگی کند.

[...]^۳ وصیت‌نامه برادر شهید علی حسن وامیگر.

۱. در اصل: بوده.

۲. ناخواناست.

۳. ناخواناست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کسانی که در راه خدا کشته می شوند سوره نسیه است و باید آنرا زنده اند و زنده بودگی برای
 بعده هفت روزه باشد و در روز آفرین بیاید تا کمال تمام حضرت محمد و خرد و من بود
 بنیانگذار عهدی اسلام و ایران امام حسین و ملت شهادت پرور ایران بود
 پیروزی روز شهادت امام در جهنم حق علیه باطل و نجات تمامی متغنین جهان و سکنین
 و پیروزی آن مصلحت من است و رفتن به عیبه این است که بتوانیم خیرتی برای اسلام
 بدهد باشیم و این نامه من خود را در آن روز در پاسخی شب بیخوابی امام حسین در روز
 ما شهادت دهیم که ای امام حسین اگر در روز ما شهادت بدهیم که شهادت یاری کنیم اسوه بودگی و
 بودین خدا و نام است قدم به عیبه میلان نبود نهادیم که بعد از اسلام خیرت کنیم ما را
 بیایی که بنیاد دین است که در رکعت سوره نسیه و یکبار من سیاه بر سر نیایم
 چون اگر کوششای بعد از شهادت گویان بنید و شادمان بودی و شهنش می گیرند
 از شهادت خود بگویم بعد از اسلام وارد می کنند و در رفتن ما علیه عیبه نام حسین نغمه کنیم
 و در روزی که نه نماندین مسخر از من حاضر شویم تمام زندگان که داریم تعلق برای خودم
 چه برای ما نه بین مسخر و غمزدانم کجین تا من عمل کنیم در یک راهی که ما در آن
 زندگی می کنند تا زمانی که زنده است برای خودم بعد از نیات ما در آن پیروز نیایم
 بودگی را نیت و دعای قبول و کفر کفر کنیم و در تمام کارمانان امام را دعا کنیم تا خداوند
 او را تعلق و امام مهدی را دعا کنیم و مسخر و دوستی خا زده ام بعد از خودم

علی است
 در روز شهادت

شهادت

مورثان من در صورتی که در هر زمان عید و اعیان خود را در هر وقت در زمین فاضله
تاریخی به شهروندان بدهد است حق دارد و ما نیز از آن بزرگواریم
آقای عید و اعیان خود را در هر وقت که بخواهید و ما نیز از آن بزرگواریم
و عید و اعیان خود را با تمام انسا و همکاری بکنند تا ما نیز بدانیم و تمام
استند و وصیت نامه برادر شهید علی حسن و دیگر
آدرس دفتر عباسی در راه بیکام محله هشتاد و یکم خنجر

بسم الله
الحمد لله رب العالمین

شهرستان تهران

محمود ورزشکاری



نام: محمود
نام خانوادگی: ورزشکاری
تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۰۱/۰۲
محل تولد: شهرستان بندرلنگه
نام پدر: حسن
نام مادر: زهرا
تحصیلات: دانش آموز سوم راهنمایی
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۷/۱۴
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: پراثر اصابت ترکش
محل دفن: در روستای بیکاه از توابع شهرستان
رودان

گلچین وصیت نامه

- ◀ این افتخار نصیب این بنده گنه کار و حقیر شد که بتوانم در این جنگ تحمیلی حق بر علیه باطل به رهبری امام عزیزمان خمینی بت شکن شرکت نمایم.
- ◀ پیام بنده حقیر به برداران و خواهران مسلمان و با ایمان این است که همیشه و در همه حال پشتیبان امام عزیز و رهبر انقلاب، امام خمینی و روحانیت برجسته و مبارز باشند.
- ◀ به برداران عزیزم عرض می کنم که سعی کنند که راه «بهشتی» مظلوم که همان راه امام امت [را ادامه دهند].

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ^۱ (قرآن مجید، آیه چهار، سوره الصف).

خداوند دوست می‌دارد مردمان نیک [را] که مانند سدی محکم در برابر دشمنان ایستادگی می‌کنند. اگر سعادت این را نداشتم که در کربلای ۶۱ در رکاب سرور شهیدان و سید مظلومان بجنگم و خون ناقابل خود را در راه اسلام عزیز عرضه دارم ولی^۲ در زمان فرزند برومند او و نائب برحق امام زمان و ابراهیم زمان و رهبر عزیزمان هستم و این افتخار نصیب این بنده گنهکار و حقیر شد که بتوانم در این جنگ تحمیلی حق بر علیه باطل به رهبری امام عزیزمان خمینی بت شکن شرکت نمایم تا شاید بوسیله خون ناقابل خود که در راه اسلام عزیز تقدیم می‌دارم، اندکی از حقی که اسلام برگردن من دارد، ادا نمایم و اما پیام بنده حقیر به برداران و خواهران مسلمان و با ایمان این است که همیشه و در همه حال پشتیبان امام عزیز و رهبرانقلاب، امام خمینی و روحانیت برجسته و مبارز باشند چون تنها کسانی می‌باشند که وارثان برحق امام زمان و رهروان ایشان می‌باشند و تنها قشری که می‌توانند ادامه‌دهنده راه حسین (ع) باشد، این قشر هستند. و به برادران عزیزم عرض می‌کنم که سعی کنند که راه «بهشتی» مظلوم که همان راه امام امت [را ادامه دهند]^۳ و [نگذارند]^۴ راه امت اسلام که پاسداری این انقلاب را به عهده دارد، مانند گذشته مظلوم قرار گیرد. برادران و خواهران عزیزم! بخدا قسم اگر احساس مسئولیت نکنید فردا در برابر خون بهشتی و یاران باوفایش

۱. آیه ۴، سوره الصف.

۲. در اصل: که.

۳. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «را ادامه دهند» باشد.

۴. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «نگذارند» باشد.

مسئولید و چه جوابی می‌خواهید بدهید؟ و این را هم عرض می‌کنم اگر يك وقت خدای ناخواسته گفتید از ما کاری بر نمی‌آید، مقصريد چون اگر بخواهید بیشتر وقت خود را در راه اسلام و قرآن قرار دهید، بیشتر احساس مسئولیت می‌کنید.

والسلام

از خداوند بزرگ برای همگی شما آرزوی موفقیت و پیروزی داریم؛ امام را دعا کنید. مهدی را صدا کنید. سلام مرا به پدر و مادر عزیزم برسانید و سلام مرا به برادرم و خواهرانم [...] ^۵ برسانید و بگوئید که ناراحت نباشند و سلام مرا به تمام اقوام و خویشان برسانید. و از همه التماس دعا دارم.

وصیت آخر من این است که اگر من در راه اسلام شهید شدم مرا در بهشت زهراى بیکاه دفن کنید و شب‌های جمعه بر سر مزارم بیایید ^۶ قرآن بخوانید ^۷.

۵. «را» حذف شده است.

۶. در اصل: بیا.

۷. در اصل: بخوان.

۱۰ شهری

بسم الله الرحمن الرحیم

موضوع

« این وصیت نامه حکایت این عزیزان (شهدا) می باشد که در روز شهادت خود بیان کرده اند.

انگیزه

تالیف وصیت نامه

محل ~~تالیف~~ نگارش

پس نامه محمود و مرتضی شایگان - فرزند حسین - شرکت نفت خرماسر در استان خراسان

« لایبیت اهلوف نیتا نون فی سبیل الله معنا ما هم بیان کرده اند « خداوند میبرد که بجز این نیست خداوند دوست میدارم مردمانی که مانند سوری شکم در برابر دشمنان ایستادگی کنند»

رسدات این را نوشتیم که در کوه دوازده در کباب سوره زنده ای رسید مملکت ما بگم و چون ما را می بیند و

در راه اسلام حویز عروبه دارم خوشحالم که در زمان فرزندان برسد و او نایب روح امام زکریا را در این زمان

سویز ما را حسم و ابراهیم انصار نصیب این بزرگواران و خوشبختی که بزرگواران در این شب فحش علی و علی باقی به

سویز امام خدیجه چنین است که شوکت نامشیم تا شایر و سید فرزندان ما را در راه اسلام خدیجه در این راه

از حق که اسلام بر گردن من دارد و ما نامشیم و اما پیام بزرگواران و خدایان است و این است که

در هر حال پیشانی امام سوزید در صدر انقلاب امام حسین و در نهایت بر صحنه مبارزه با دشمنان

در گذشته که داران روحی امام زمان و خدایان ایستادند و نمازگزاران و در زمانه امامان بودند

صحنه روحی باشد این قتل هستند و در زمان عزیزم روحی که سحر کرده را و بگفتند « منم که در راه

است و راه است اسلام که با سواران این انقلاب راه حیده دارد مانند گذشته مظلوم خدایان بود

از راه و مشاوران قدر بزرگواران که اساس مسئولیت بگذرد و در برابر خدای حق و باوران با دین منسوب و

در این نماز هر چه در این راه بین کنم که گویه وقت خدایان گشته از ما که بر این آیه مقصد و چون آن نماز

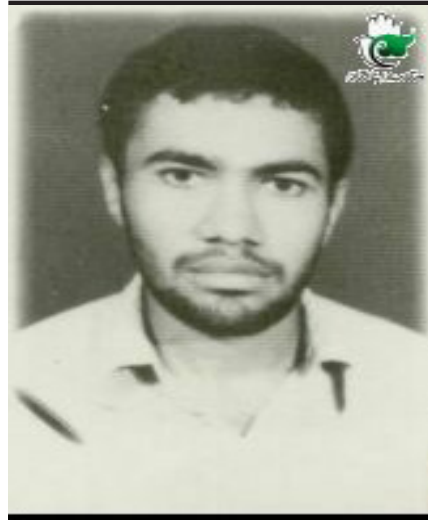
بودت خود را در راه اسلام و فداکاری قرار دهید بگشته اساس مسئولیت من بگردد

والسلام

از خدایان بزرگوار که در پیشگاه خداوند بر خیزند و بپایان

امامان که همه را خداوند

یونس هاشمی پور



نام: یونس
نام خانوادگی: هاشمی پور
تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۰۲/۰۱
محل تولد: روستای هاشم آباد تابعه شهرستان
حاجی آباد
نام پدر: علی یار
نام مادر: گلستان
تحصیلات: تا پایان دوره متوسطه در رشته اقتصاد
شغل: کارمند بانک صادرات
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۱۹
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: بر اثر اصابت گلوله به شکم و پا
محل دفن: گلزار شهدای زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ در این دنیای زودگذر که هر چیزی رو به سوی هدفی دارد، ما نیز از این دایره مستثنا نیستیم. حال این قوه عقل است که باید بهترین هدف را بیابد و برای رسیدن به آن تلاش کند.
- ◀ به مکتب پیامبران که می‌نگریم، از همان ابتدا هدف خود را، خداوند اعلام می‌کنند و انسان را خلیفه خدا بر روی زمین می‌دانند و بر این عقیده‌اند که انسان باید خود را آماده بازگشت به سوی خدا کند.
- ◀ ای انسان‌ها، چرا روح خود را هم چون مرغی در قفس زندانی کرده‌اید؛ چرا هویت خود را از دست داده‌اید و این چنین به دنیا چسبیده‌اید منزلت خود را به یاد آورید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

با سلام و درود^۲ به بزرگ پرچم‌دار حریت [و] آزادگی، سرور سالار شهیدان، حسین ابن علی (ع)، آقایی که مذهب و شرافت را اساسی‌ترین شرط حیات انسانی می‌دانست و آن زمان که این شرط حیاتی [...] سقوط [...]، برای تدام آن از تمام هستی خود گذشته و با سلام و درود^۳ به تمام رهروان عقیده والای حسین (ع)، از صدر اسلام تا انقلاب روح‌بخشمان. عزیزان برای آخرین بار چند جمله‌ای را بعنوان وصیت نزد شما به یادگار می‌گذارم، به امید پیاده شدن منطقی والای اسلام.

در این دنیای زودگذر که هر چیزی رو به سوی هدفی دارد، ما نیز از این دایره مستثنا نیستیم. حال این قوه عقل است که باید بهترین هدف را بیابد و برای رسیدن به آن تلاش کند. از ابتدای خلقت بشریت که بنگریم، انسان همواره در پی این هدف بوده؛ عده‌ای آتش پرست شدند، عده‌ای بت پرست، بعضی‌ها هم منکر هدف‌دار بودن خلقت شدند، تعدادی دیگر هدف خود را پر کردن شکم و ارضای غرایز^۴ و به گفته خودشان زندگی کردن را برگزیدند؛ حال این زندگی تحت حاکمیت هر کسی می‌خواهد باشد؛ با هر عقیده و هر شیوه‌ای که متأسفانه امروزه اکثریت مردم دنیا، این نوع زندگی تحمیلی را پذیرفته‌اند. از طرف دیگر، به مکتب

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».
 ۲. در اصل: دورود.
 ۳. ناخواناست.
 ۴. ناخواناست.
 ۵. در اصل: دورود.
 ۶. در اصل: ارزا.
 ۷. در اصل: غرایضی.

پیامبران که می‌نگریم، از همان ابتدا هدف خود را، خداوند اعلام می‌کنند و انسان را خلیفه خدا بر روی زمین می‌دانند و بر این عقیده‌اند که انسان باید خود را آماده بازگشت به سوی خدا کند.

بشنو از نی چون شکایت^۸ می‌کند از^۹ جدائی‌ها حکایت می‌کند

کز^{۱۰} نیستان تا مرا^{۱۱} بیریده‌اند در^{۱۲} نفیرم^{۱۳} مرد و زن نالیده‌اند^{۱۴}

عزیزان، ما اهل این دنیا نیستیم؛ ما را از جایی جدا کرده‌اند. وطن ما جای دیگر است و ما باید بکشیم تا به مأوای خود برگردیم. همان‌طور که اگر کسی جرمی مرتکب شود، او را زندان می‌کنند، تبعید می‌کنند و وظیفه هر شخصی این است که گناه خود را جبران کند تا بار دیگر او را آزاد کنند؛ ما نیز چنینیم.

من ملک بودم و فردوس برین جایم بود آدم آورد در این دیر خراب آبادم^{۱۵ ۱۶}

خداوندا! به رهبر طول عمر عطا بفرما، تا او دل‌های خسته را بیدار کند.

حضرت آدم بواسطه اشتباهی که کرد از درگاه خداوند رانده شد؛ او را به زمین تبعید کردند تا از کرده خود پشیمان شود؛ نه این که این زندان را سعادت خود بداند، نه این که تبعیدگاه را جای آزادی خود بداند مثل مرغی که اگر مدتی در قفسی بماند، آن بلند پروازی‌های خود را از یاد می‌برد، به آن‌جا عادت می‌کند و آن قفس تنگ [و] تاریک را برای خود عالمی می‌داند.

ای انسان‌ها، چرا روح خود را هم چون مرغی در قفس زندانی کرده‌اید؛ چرا هویت خود

را از دست داده‌اید و این چنین به دنیا چسبیده‌اید^{۱۷}؛ منزلت خود را به یاد آورید.

برای این که بتوانیم دوباره هویت خود را بازیابیم، باید از طریق اسلام این راه را بییمائیم.

۸. در اصل: حکایت.

۹. در اصل: وز.

۱۰. در اصل: از.

۱۱. در اصل: تا مرا از نی ستان.

۱۲. در اصل: از.

۱۳. در اصل: نفرینم.

۱۴. شعر از مولانا است.

۱۵. در اصل: خراباتم.

۱۶. شعر از حافظ است.

۱۷. در اصل: چسبیده‌اید.

اسلام می‌گوید شما پاک و آزاد آفریده شده‌اید و باید بکوشید که این آقائی خود را حفظ کنید؛ زیر بار ظلم نروید و جز از خداوند، از احدی اطاعت نکنید. اگر کسی به شما سیلی زد، آن چنان مشتی به او بزنید که دیگر هوس زورگوئی نکند.

حال مستبدی به مملکت ما تجاوز کرده با این هدف که ظرف چند روز تمام مأوای ما را در هم بکوبد.

آیا اسلام چنین ذلتی را برای ما می‌پذیرد؟ آن روح بزرگ علی که بخاطر این که در حکومت او خلخال را بزور از پای زنی مسیحی درآورده بودند، زندگی را بر خود ننگ می‌دانست؛ آیا علی در چنین مواردی دست روی دست می‌گذارد؟ حال جواب خبیثی^{۱۸} که عربده^{۱۹} کشان به وطن ما هجوم آورده، صدها شهر و روستای کشور ما را ویران کرده، به هزاران زن مسلمان این دیار تجاوز کرده^{۲۰}، میلیون‌ها نفر را آواره [کرده]^{۲۱}، ملتی را داغ‌دیده کرده؛ آیا با روح اسلام، با روح علی، با طبع^{۲۲} حسین سازگار است که ما با این حیوان‌ها مصالحه کنیم؟ هِيَهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ^{۲۳}، صلح کنیم که دشمن قوی است؟ الله اکبر، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ^{۲۴}، صلح کنیم که کشته‌ها زیاد شده؟.عالم بدانند که ما دست [...] ^{۲۵}. جاوید می‌مانیم، آن‌قدر می‌جنگیم که یا ما باشیم یا ظلم. اگر احقاق حق ما در گرو کشته شدن ما است، [...] ^{۲۶}. بگذار از شهیدان مان پشته‌ها بسازیم.

به مرگ گوی، گر مردی پیش من آید تا در آغوشت گیرم تنگ تنگ^{۲۷}

این شعار آن بسیجی اسیر در بند صدام و من که هم اکنون^{۲۸} انگشت در ظامن^{۲۹} نارنجک

۱۸. در اصل: خبیصی.

۱۹. در اصل: اربده.

۲۰. در اصل: کردند.

۲۱. افتادگی دارد ولی از سیاق کلام باید «کرده» باشد.

۲۲. در اصل: تبع.

۲۳. منسوب به امام حسین(ع): «محال است تن به ذلت دهیم».

۲۴. بخشی از آیه ۱۰، سوره فتح: «دست خدا بالای دست آن‌هاست».

۲۵. ادامه وصیت در دسترس نیست.

۲۶. ادامه وصیت در دسترس نیست.

۲۷. از جمله اشعاری که به این بیت اشاره کرده است می‌توان به شعری از مولانا اشاره کرد: «مرگ اگر مرد است آید پیش

من، تا کشم خوش در کنارش تنگ تنگ».

۲۸. در اصل: هم‌اکنون.

۲۹. در اصل: ضامن.

کرده‌ام، می‌باشد. که عالم بدانند هدف ما اسلام است و به هیچ قیمتی هم آن را رها نمی‌کنیم.
که عالم بدانند هدف ما استقرار دین خداست.

خدانگهدار

۶۵/۹/۲۵

ص ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِيمَا سَبَّلَ اللَّهُ الْمَوْتَانِ بِلِ احْيَا لَمْ يَزَلْ يَمْ كَرْتَقُول

با سلام و درود، چه زود بزرگوار عورت آرزوی هر مردی است که در تصدیق این حدیثی است که علی (ع) آنرا فرموده

منذهب و شرافت را اساسی ترین شرط حیات انسان مردانست و اگر آنرا که این شرط میانی

در درون سقوط میسر براس ندادم آن از تمام دست خفته و با سلام و درود، تمام مردان عقیده

و ای صبیحی (ع) از صدر سیرا تا انتداب روح پنهان

عزیزان براس آفرینا بر چند جمله را بعنوان وصیت کرده ایم، یادمان است که شما هم از اینها، امید بیایدند

منفق و الا انرا کرامه

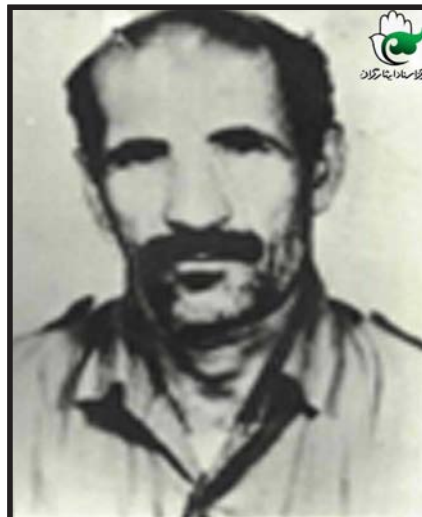
در این دنیا رود قدر که هر چیزی بود، کس هدفی دارد ما نیز از این دایره مستثنای نیستیم حال

این قوه عقل است که باید بهترین هدف را بیاید و برای رسیدن، آن تلاش کند. از این برای

خلقت بشریت که بگذرد آن که همواره از برای این هدف بوده. عده ای آتش پرست

شماره ثبت
 ۲۵/۳۹۸۸۷
 شهرستان حاجی آباد
 تقدیم نمودن بابت پرست بفری که هم مندر هند در برون حلقه شهر در تعدادی در شهر
 خود را بر کردن شکم و از اغوا یعنی و کشته و در شان زندگی کردن را بر نریزیدند حال
 این زندگی که حالتی هر کسی می خواهد شد با هر عقیده ای و هر شیوه ای که می تواند
 امروزه تربیت مردم دنیا این نوع زندگی تحصیل را بر نرفته اند از طرف دیگر بعلت
 بیامیزان که هر یک از همان ابتدا هدف خود را خداوند امداد می کند و آن را در صلح خراب
 نوی زمین هر دست و برای عقیده اند که آن را با خود را آماده بازگشت به پیش خدا کند
 بشود از آن چون غایت می کند - و جدا می شود - و جدا می کند اما از آن بی بریده اند - از تقویم مردان با خود
 عزیزان ما اهل این دنیا هستیم ما را از جای که جا کرده اند وطن ما جان شیر است و ما با هم می شویم
 تا به ما در این فراگرم ها ظهور می کند هر چه می ترسید شود او را زندان می کند بعد هر که
 و وضعه آن شخص این است که آن را خود را بران کند تا به ما بر او آزاد کند ما نیز چنینیم
 سن عقلم بر دم و خود و می بران عالم بود آدم آورد در این در خوابت

علی هرمزی



نام: علی
نام خانوادگی: هرمزی
تاریخ تولد: ۱۳۱۰/۰۴/۰۹
محل تولد: جزیره هرمز از توابع شهرستان قشم
نام پدر: عباس
نام مادر: فاطمه
تحصیلات: تا دوم ابتدایی
شغل: کارگر معدن خاک سرخ
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۰
محل شهادت: پاسگاه زید عراق
نحوه شهادت: بر اثر اصابت ترکش به پهلو
محل دفن: زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- ◀ شهادت می دهم که ولایت فقیه برحق است.
- ◀ می روم تا این که دست متجاوزی را از میهنم [...] و آرمانم و ناموسم کوتاه نمایم.
- ◀ حسین جان! از خداوند غافل نباش و همیشه خداوند را یاد کنی تا بتوانی قرآن را فرا گیری و حدیث و زیارت نامه امام حسن (ع) [را] در هر شب بخوانی.

بسمه تعالی

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ^۱

حمد و سپاس از آن^۲ خدائست یکتا و بلند مرتبه که ما را از اسفل السافلین^۳ به ملکوت اعلی رساند و حمد و سپاس مخصوص آن است که این همه نعمت را در اختیار بشر گذاشت^۴ تا بتواند به وسیله آن‌ها خود را به جهان ابدیت رساند و حمد و سپاس از آن^۵ خداست که محمد (ص) را آفرید، شهادت می‌دهم که محمد (ص) رسول و فرستاده خداست و شهادت می‌دهم که علی (ع) بعد از پیامبر ولی و جانشین پیامبر است، شهادت می‌دهم که ولایت فقیه برحق است.

وصیت‌نامه خود را با قلبی سرشار از عشق و علاقه به شهادت آغاز^۶ می‌کنم. می‌روم تا این که آتشی را که در درونم مشتعل گشته با دیدن [...] خود آن را خاموش کنم و می‌روم تا این که دست متجاوزی را از میهنم [...] و آرمانم و ناموسم کوتاه نمایم و می‌روم به ندای هل من ناصر^۷ حسین جواب دهم و آن‌گونه که حسین و یارانش به شهادت رسیدند، من هم راه‌شان را ادامه دهم.

پسر جان! حسین، جان تو و جان خواهر است، از ایشان دوری ننمائید مخصوصاً

۱. آیه ۱۶۹، سوره آل عمران: «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».

۲. در اصل: ازن.

۳. در اصل: اسفل سافلین.

۴. در اصل: گذشت.

۵. در اصل: ازن.

۶. در اصل: آغا.

۷. ناخواناست.

۸. ناخواناست.

۹. منسوب به امام حسین (ع): «آیا کسی هست که مرا یاری کند؟»

خواهر کوچک، حسین جان! برادرت (برادرانت) حسن و عباس مواظبت نمائید^{۱۰} و عباس را همان طوری که خیر دارید، نامزد^{۱۱} دارد؛ ایشان را کمک نمائید^{۱۲} و عروسی را برپا کنید (ان شاء الله به امید خدا). حسین جان! همیشه مادرت را سرکشی نمائید^{۱۳} و هر چه گفتند گوش به حرفش^{۱۴} کنید.

حسین جان! دامادهایتان را همیشه منزلشان بروید و با ایشان صحبت نمائید. و از طرف من به ایشان بگوئید که همان طوری که همیشه می آمدید، باز هم منزل خودتان است، بیائید^{۱۵}. حسین جان! من هر چه دارم مال همگی شماست و هر چه طلب دارم که بمبلغ ۲۴۰۰۰، بیست و چهار هزار تومان از بهزیستی و ۴۵۰۰، چهار هزار پانصد تومان از داماد حاجی رودانی و مبلغ ۴۰۰۰، چهار هزار تومان از اداره پست دریافت دارید و مبلغ ۳۰۰۰۰، سی هزار که داده بودیم برای شرکت [...] ^{۱۶} برای موتور و تلویزیون دریافت نمائید^{۱۷}.

[...] ^{۱۸} در شرکت [...] ^{۱۹} داریم و یک [...] ^{۲۰} در شرکت معدن و یک [...] ^{۲۱} در شرکت [...] ^{۲۲} که وابسته به تهران است [...] ^{۲۳} حاجی رضا می داند، مطالبه فرمائید.

حقوقی که از شرکت معدن می گیرم دریافت نمائید و هر مدرکی خواست به آن شرکت تحویل نمائید. شناسنامه ها همان جا است.

حسین جان! از خداوند غافل نباش و همیشه خداوند را یاد کنید تا بتوانید قرآن را فرا گیرید و حدیث و زیارت نامه امام حسن (ع) [را] در هر شب بخوانید.

۱۰. در اصل: نماید.

۱۱. در اصل: نامزد.

۱۲. در اصل: نماید.

۱۳. در اصل: نماید.

۱۴. در اصل: حرف به گوشش.

۱۵. در اصل: بیائید.

۱۶. ناخواناست.

۱۷. در اصل: نماید.

۱۸. ناخواناست.

۱۹. ناخواناست.

۲۰. ناخواناست.

۲۱. ناخواناست.

۲۲. ناخواناست.

۲۳. ناخواناست.

در پایان وصیت نامه خودم، شما و کلیه افراد خانواده را به خداوند ایزد تعالی می سپارم و آرزو دارم که با توجه به عنایت خداوند بتوانید به زندگی روزمره خود ادامه دهید.

علی عباس هرمزی

امضاء ۲۴

نام ذمام خانوانگی علی محمد کرمزنی
فرزند مجتبیان ... تاریخ ۲۰/۹/۱۳۸۴



دفتر اسناد و اسراریت مردمستان هرمزگان
مکتوبتین اوزیر برترش باشد



مرکز اسناد و اسراریت هرمزگان
بشمیر ۱۳۸۴

۳۹۹۱۵ - ۶۵۱ - ۵۱۰

فصلت نامه



« ولما تحسن الدين فقدر ان يسد له الهوات بل اجبت عند اللهم ان يكون الله
 حمد و سپاس اذن خداست بختا و بلند مرتبه که ما را از اسفل سافلی
 مملکت اعلی رسانده و حمد و سپاس مخصوص آن است که این همه نعمت را از اجتناب بشر
 گذشت تا بتواند با رسید آنها خود را به جهنم ابدیت رساند و حمد و سپاس اذن
 خداست که محمد (ص) را که نبی شدادت می دهیم که محمد (ص) رسول و فرستاده
 خلقت و شهادت می دهیم که علی (ع) بعد از پیغمبر ولی و جانشین پیغمبر است
 شهادت می دهیم که ولایت فقیه بر حق است و عدت نامه خود را با نقلی بر سرشار از عشق
 و معرفت به شهادت اما حق که می روم مایه کفر آتش را که در روم مسکین گشته
 باوید ن ظاهر خود آنرا احقر من گفتم و می روم تا این دست سبعا زین و او را محرم
 در رسم و آداب من و ما هر رسم که ما به فایم و می روم به نطق من می نامم آنرا حسن جواب
 دهیم و آن گونه که حسن و یادانش به شهادت رسیدند من هم راهشان را از اول در هم
 بر جان حسن جان تو و جان خواهر است از ایشان دوری ننماید مخصوصا خواهر که حضرت
 حسن جان برادرت (برادرانست) حسن و علی می موافقت نماید و عیاش را هانوار کند
 جز در ایند ناخاکه را که ایشان را کت نماید و عدلی را بر پاک کند (از شهادت به اید حوا)
 حسن جان همه قدرت را بر کنش نماید و هر چه گفته است به گوشش کند
 حسن جان دایم و بستان را همه فرزندان بر وید و با ایشان محبت نماید
 و از فرست من به ایشان بگویند که هانوار کند و همه می آید با زنده فرزندان خودتان
 است بسیار حسن جان من هر چه دارم عیال همگی شهادت می دهیم طلب دارم
 که بهای ۲۴۰۰۰ سیئه چهار هزار تومان از بهر سیئه ۵۰۰۰ سیئه چهار هزار
 پانصد تومان از دادنا حاج رودانی و سیئه ۱۰۰۰ سیئه چهار هزار تومان
 از لاراه است در باغیت دارم و سیئه ۵۰۰۰ سیئه هزار نه دوازده هزار
 رای شکر است هر زینش رای مورترو و تلو زینول در باغیت نماید

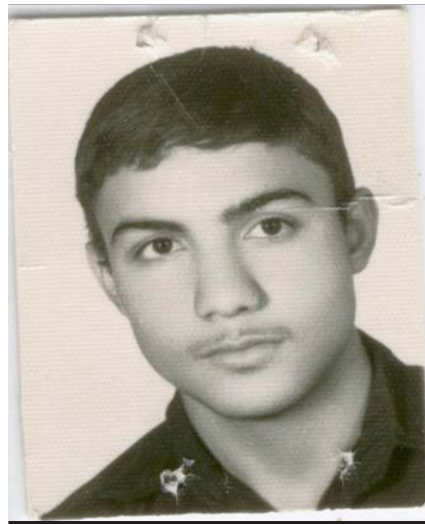


تعاون لشکر ۴۱ ناراله

محل امضاء علی محمد کرمزنی



حسین یزدی یحیی آبادی



نام: حسین

نام خانوادگی: یزدی یحیی آبادی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۸/۱۶

محل تولد: شهرستان بندرعباس

نام پدر: سلیمان

نام مادر: زهرا

تحصیلات: دانش آموز دوم متوسطه در رشته

ریاضی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۰

محل شهادت: خرمشهر

نحوه شهادت: بر اثر اصابت ترکش به سر

محل دفن: گلزار شهدای زادگاهش

گلچین وصیت نامه

- < من دلم می خواهد که شهید شوم. خدایا! خواهش می کنم توفیق شهادت را نصیبم کن.
- < من که دیگر وقتی برایم باقی نیست که به عبادت خدا بپردازم، ولی شما سعی کنید نمازهای قضایان را بجا آورید.
- < می خواهم به آرزویم یعنی شهید شدن و پیوستن به یاران الله برسم.
- < شهادت برای ما مردن نیست، بلکه دست یافتن به زندگی ابدیست.

بسم الله الرحمن الرحيم

ساعت ۹ شب ۶۱/۲/۹

با سلام و درود بی‌کران بر شهدا و امام‌مان خمینی، الآن در سنگر به اتفاق ۱۰، ۱۲ نفر از بچه‌ها منتظره‌ستم. هرآن امکان دارد که دستور حمله بدهند، قرار است که ما سد شکن باشیم یعنی این که اول ما برویم و راه را برای دیگران باز کنیم؛ امکان این که زخمی یا کشته شوم زیاد است. ولی من دلم می‌خواهد که شهید شوم. خدایا! خواهش می‌کنم توفیق شهادت را نصیبم کن. می‌دانم که خیلی گنه‌کارم و می‌دانم که لیاقت ندارم ولی خدایا! مگر تو ارحم‌الراحمین نیستی؟ پس شاید مرا هم ببخشی و این سعادت را نصیبم کنی، شاید این آخرین نوشته‌ام باشد، بنابراین چند کلامی را برای خانواده می‌نویسم.

مادر عزیزم! سلام، مرا ببخش برای این که نتوانستم وظایفی که باید انجام دهم [را] بجا بیاورم؛ حلالم کن. مادر عزیزم! امیدوارم که در شهادتم صبر کنی که می‌دانم حتماً استقامت و صبر پیشه خواهی کرد.

شما خواهران عزیزم! باز هم مثل همیشه می‌گوییم که زینب‌گونه راهم را ادامه دهید و سعی کنید که دین‌تان را به اسلام ادا کنید. من که دیگر وقتی برایم باقی نیست که به عبادت خدا پردازم ولی شما سعی کنید نمازهای قضای‌تان^۱ را بجا آورید. در ضمن دو سال نماز و روزه قضا هم دارم، اگر دل‌تان خواست آن‌ها را هم بجا آورید.

در ضمن یک سخن دیگر دارم، ای مادر عزیزم! سخنی که تاکنون به هیچ کس نگفته‌ام

۱. در اصل: قضای‌مان.

[...] اگر زنده ماندم، حتما به [...] خواهم آمد ولی اگر کشته شدم که این مشقت‌ها^۴ آرزوی منست و اگر [...] جهاد و عبادات مرا قبول کنید. تو را هم شفاعت خواهم کرد [...] شک دارم که خداوند مرا با این همه گناه بپذیرد.^۷ دیگر عرضی ندارم. خاله عزیزم! مرا ببخشید و حلالم کنید.

از همه دوستانم و آشنایانم می‌خواهم که مرا ببخشند. خداحافظ تا روز قیامت.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته

حسین یزدی

امضاء^۸

۶۱/۲/۹

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت‌نامه پاسدار شهید حسین یزدی، شهید راه حق.

سلام بر محمد رسول‌الله، سلام بر علی ولی‌الله، سلام بر ائمه اولیاءالله، سلام بر خمینی روح‌الله، و سلام بر مادرم و خانواده عزیزم، و سلام بر دوستان و آشنایانم، اکنون که این سطور را می‌نویسم در راه رفتن به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل هستم، در فکرم که آیا من لیاقت شهادت را خواهم داشت، آیا من با این همه گناه می‌توانم شایستگی یک شهادت فی سبیل‌الله را داشته باشم، شاید، نمی‌دانم.

ولی بهر حال از خداوند متعال می‌خواهم که گر چه لیاقت شهادت را ندارم ولی می‌خواهم به آرزویم یعنی شهید شدن و پیوستن به یاران الله برسم. امیدوارم که خداوند

۲. ناخواناست.

۳. ناخواناست.

۴. در اصل: مشقت‌های.

۵. ناخواناست.

۶. ناخواناست.

۷. در اصل: به پذیرد.

۸. نمونه امضاء در اصل وصیت وجود دارد.

خواسته مرا اجابت کند.

مادر عزیزم! اول از همه به تو تبریک می‌گویم که توانستی لیاقت این را که مادر شهید باشی به دست آوری، تو اکنون مانند حضرت فاطمه (س) هستی و می‌توانی در پیشگاه باری تعالی سرت را با افتخار بالا بگیری و بگویی من شهید دادم تنها خواهشی که از تو مادر عزیزم دارم اینست که در شهادتم بی‌تابی نکنی و صبر زینب‌گونه داشته باشی و شما خواهران عزیزم! شما هم باید مانند زینب راه مرا ادامه دهید و تا می‌توانید به اسلام خدمت کنید چون^۹ اسلام حق بسیار زیادی بر گردن ما دارد.

شما دوستان و برادران عزیزم! شما را به حق و طرفداری از اسلام و صبر و استقامت در

راه اسلام وصیت می‌کنم.

انشاءالله که همه موفق و پیروز باشید.

برافراشته باد پرچم خونین اسلام.

پاینده و استوار باد امام عزیزمان.

حسین یزدی

۶۱/۱/۹

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از حمد و ثنای خداوند و شهادت به یگانگی او و رسالت پیامبر اکرم (ص)، اظهار می‌دارم که اینجانب در صحت [و] سلامتی داوطلب اعزام به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شده‌ام. و بعد سخنی با خانواده عزیزم دارم و این که من به وجود چنین مادر و خواهرانی افتخار می‌کنم و مخصوصاً شما مادر عزیزم به شما تبریک می‌گویم از این که چنین فرزندی را در راه اسلام و برای اسلام تربیت کرده‌اید. امیدوارم که در شهادت من نیز هم‌چنان مؤمن به انقلاب و امام باقی بمانید و در سوگ من اشک نریزید. چون^{۱۰} شهادت برای ما مردن نیست، بلکه

۹. در اصل: چه.

۱۰. در اصل: چه.

دست یافتن به زندگی ابدیست. و نیز شما را به صبر و استقامت در راه خدا سفارش می‌کنم. و هم‌چنین دوستان و آشنایانم را نیز به حق و اسلام سفارش می‌کنم و امیدوارم که همه بتوانید در راه اسلام خدمت کنید. درباره مال و منالی که دارم، همه را به مادر عزیزم می‌بخشم تا هر طور که صلاح می‌داند با آنها رفتار کند.

درود بر رهبر انقلاب امام خمینی، پایدار باد پرچم اسلام در تمامی نقاط دنیا، بر فراز باد پرچم خونین شهیدان. در مورد مال و منالی که دارم همه را به مادرم می‌بخشم. کتاب‌ها را هم بدهید به خواهرانم تا از آنها استفاده کنند. در ضمن نمازهای قضای پدرم را که بر من واجب است بجا آورید. ۲ سال نماز قضا هم خودم دارم، آنها را نیز بجا آورید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 ساعت ۹ شب ۲۹/۱۲/۶۱
 با سلام و درود بتمام کربان پر شهیدو امامه نانی
 الان در ستر به اتفاق (۱۲۰) نفر از مجتهدین
 منتظر هستیم. عراق امکان دارد که دستور
 حمله بدهند. قرار است که ما مسدود کنیم
 باشیم یعنی الله اول ما برویم و راه را برای
 دیگران باز کنیم. امکان است که زخمی بمانیم
 شوم زیاد است. ولی ما دلگرم خواهیم که شهید
 شوم. آه ندانم خواهی می کنم کوفتق شهادت
 را بیستم کنی. می دانم که خدای گنه مادم و
 می دانم که بیایم خدام ولی خدایا مگر تو
 ارحم الراحمین هستی می شاید مرا هم

بخشی و امیر سعادتی را بنویسند
سایر اینها آخری نوشته ام باشد
بسیار اینها چند قلمی را برای خانواده
ها نوشتم
مادر عزیزم :
سلام. هر بخشی برای آنکه نتوانند
و ظاهری را که باید انجام دهند بسیارم

حلال کن ما در غزیم. اهد و ارج که در

سهادتیم صبر کنی که می دانم همگ استا

و صبر سینه خواهی کرد

شما خواهان غزیم. باز علم اصله

می گویم که زینب گونه را هم را الهام

در عهد. و سستی کنی که درستان راه اسلام

ادا کنی. منی که دست و پستی بر او هر یکی

سینه که به عبادت خدا میرانم وی
 ستمانی کسب نیازهای قضا یسوان لا
 بها آورد در هفتی ۲ سال نیاز روز
 قضا هم دارم اگر دلشان خواست
 آنرا را هم بجا آورد
 در هفتی یک هفتی دیگر هم دارم ای
 مادر عزیزم هفتی که تاکنون تلفته ام
 به هیچ کسی

بکنم. اگر زنده ماندم حتماً به دید
 خواهم آنگاه اگر گشته تمامه ای
 منتهای آرزوی منست و اگر ندانم
 حواد و عبادات مرا قبول کن
 تو را هم تقاضاست خواهی کرد گم
 شک دارم که خواوند مرا با این همه
 به پذیرد. دیگر در خواست دارم. قال

عزیزم مرا ببخشید و حلال گردانید

از همه دوستی‌ها و آشنایانم می‌توانم

که مرا ببخشید. خرا حافظه تا روز
قیامت

و سلام علیکم و رحمه الله
و بر کفایت

۹۱/۲/۹ حسی یزدی

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه پاسدار شهید حسین یزدی، شهید راه حق
سلام بر محمد رسول الله، سلام بر علی ولی الله، سلام بر ائمه اولیاء الله، سلام بر
خمینی روح الله، سلام بر مادرم و خانواده عزیزم، و سلام بر دوستان و آشنایانم، اکنون
که این سطور را می نویسم در راه رفتن به جبهه های نبرد حق علیه باطل هستم، در فکر
که آیا من لیاقت شهادت را می خواهم داشت، آیا من با این همه گناه میتوانم -
شایستگی یک شهادت فی سبیل الله را داشته باشم، شاید، نمی دانم، ولی بهر
حال از خداوند متعال می خواهم که گر چه لیاقت شهادت را ندارم ولی می خواهم به
آرزویم یعنی "شهید" شدن و پیوستن به یاران الله برسم، امیدوارم که
خداوند خواسته مرا اجابت کند.

مادر عزیزم:

اول از همه بتو تبریک می گویم که توانستی لیاقت اینرا که مادر شهید باشی
بدست آوری، تو اکنون مانند حضرت فاطمه (ع) هستی و میتوانی در پیشگاه باری تعالی
سرت را با افتخار بالا بگیری و بگویی من هم "شهید" دارم. تنها خواهشی که از تو
مادر عزیزم دارم اینست که در "شهادتم" بی تابی نکنی و صبر "زینب گونه" داشته
باشی، و شما همراهان عزیزم شما باید مانند "زینب" راه مرا ادامه دهید و تا
میتوانید به اسلام خدمت کنید چه اسلام حق بسیار زیادی برگردن ما دارد.
شما دوستان و برادران عزیزم شما را به حق و طرفداری از اسلام و صبر و استقامت
در راه اسلام وصیت میکنم. انشاء الله... که همه موفق و پیروز باشید.

برافراشته باد پرچم خونین اسلام.

پاینده و استوار باد امام عزیزمان

حسین یزدی ۶۱/۱/۹

تعلیقات

ابوذر غفاری: از کبار صحابه و از مؤمنین قدیم بود ابوذر در شرایط بسیار سخت آغاز نبوت پیامبر و در آن فضای بسته بر سر جمع، با آواز بانگ شهادتین بگفت. مشرکین بارها او را زدند و او کوچکترین خللی بخود بر سر اسلام راه نمی داد. ابوذر را نفی بلد کردند به ربه. در همان جا در گذشت در اوج سختی و فقر. از رسول الله نقل است که درباره او می فرماید: ابوذر در امت من بزهد چون عیسی بن مریم است (ع). عثمان به تحریک معاویه او را تبعید کرد (دهخدا).

اهل کوفه: از آنجا که جمله مورد نظر ادامه قسمتی است که حذف شده مفهوم عبارت باید این باشد که ما نباید مثل مردم کوفه با امام عزیزمان بیعت ببندیم. مردم کوفه در تاریخ اسلام نماد و سمبل عهدشکنی و بی وفایی اند. در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از شعارهای رایج و پرمعنی که مردم در دیدار با حضرت امام خمینی سر می دادند این بود که «ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند». امروز هم در ملاقات هایی که با حضرت

آیت الله خامنه‌ای صورت می‌پذیرد یکی از شعارها این است که ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند.

بیت المقدس: «قدس»، نام دیگر آن مسجدالاقصی است. مسلمانان معتقدند معراج پیغمبر اکرم (ص) از آنجا آغاز شده است و به عنوان قبله اول مسلمانان و دومین حرم است. اسرائیل بارها در صدد تصرف آن برآمده است و قسمت‌هایی از آن را اشغال کرده است. در قدیم آن را اورشلیم می‌خواندند. یهودیان آن را پایتخت یهود می‌دانند. در آنجا پرستش‌گاه‌هایی ساخته‌اند. کوروش شاه ایرانی در سال ۴۴۵ قبل از میلاد این شهر را آزاد ساخت. امروز یکی از مراکز مقاومت مسلمانان در برابر صهیونیسم متجاوز و غاصب است.

جهاد اصغر: اشاره دارد به حدیث مشهوری از پیامبر نقل شده است: «قال امیرالمومنین علیه‌السلام: ان رسول الله صلی الله علیه و آله بعث سریه فلما رجعوا قال: مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الاصغر و بقی علیهم الجهاد الاکبر قیل: یا رسول الله و ما الجهاد الاکبر؟ قال: جهاد النفس ثم قال صلی الله علیه و آله: افضل الجهاد من جاهد نفسه التی بین جنیه (الامالی ص ۵۵۳)، ترجمه: گفت امیرالمومنین (ع) که رسول خدا (ص) گروهی را به مبارزه با کفار فرستاد و هنگامی که بازگشتند فرمود: مرحبا به گروهی که جهاد کوچک‌تر را به انجام رساندند و جهاد بزرگ‌تر برایشان باقی ماند. گفته شد: جهاد بزرگ‌تر چیست؟ فرمود: جهاد نفس، سپس فرمود: بهترین جهاد را کسی انجام می‌دهد که با نفس خویش، که در کنار دارد، جهاد می‌کند.

جهاد اکبر (جهاد نفس): اصطلاحی است در اخلاق اسلامی به معنای تهذیب نفس و هر نوع مبارزه و مخالفت با خواست‌های مذموم نفسانی. این تعبیر در مواردی به معنای اعم

کلمه هم جهاد با کفار و هم مشتمل بر جهاد نفس گرفته شده است. در آیه ۲۱۸ از سوره بقره مفهوم جهاد نفس از مصادیق جهاد در راه خدا دانسته شده است. مشهورترین بیان درباره جهاد نفس از پیامبر (ص) نقل شده است. مشهورترین بیان درباره جهاد نفس از پیامبر (ص) نقل شده است. کلینی از امام صادق (ع) روایت کرده است پیامبر اکرم گروهی را به جهاد (سَریّه) فرستاد و چون آنان بازگشتند به ایشان فرمود: آفرین بر گروهی که جهاد کوچکتر (اصغر) را پشت سر گذاشته‌اند و اینک جهاد بزرگتر (جهاد اکبر) بر عهده آنان مانده است. سپس توضیح دادند که مراد از جهاد بزرگتر همان جهاد با نفس است. ابن بابویه در ادامه حدیث از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است: «افضل الجهاد من جاهد نفسه التی بین جنبیه» (نقل از دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۱، باتلخیص).

حبیب بن مظاهر: از اصحاب رسول خدا و امیرالمومنین علی (ع) بود و در جنگ جمل و صفین و نهروان کنار امام علی (ع) جنگید. حبیب از کسانی بود که برای امام حسین (ع) نامه نوشت و هنگامی که مسلم بن عقیل، نماینده امام، به کوفه رسید، در منزل مختار به حمایت از او سخن گفت. او به همراه مسلم بن عوسجه در کوفه برای امام حسین (ع) بیعت می‌گرفت و در واقعه عاشورا همراه دیگر یاران آن حضرت به شهادت رسید (دهخدا).

حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۶۰-۱۳۰۷ش): در محله لومبان اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا دوم متوسطه در آن شهر ادامه داد و پس از چندی در پی تحصیل علوم حوزوی راهی شهر قم گردید و چندی بعد برای تحصیل در رشته الهیات وارد دانشگاه شد و توانست تحصیلات خود را تا اخذ درجه دکتری ادامه دهد. دکتر بهشتی پس از فراغت از تحصیل، فعالیت گسترده خود را در آگاهی نسل جوان و نیز شرکت در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی در رژیم پهلوی آغاز کرد و پس از انقلاب، پس از

فعالیت‌های بسیار گسترده در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی و مذهبی، در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به دست عناصر کوردل منافق به همراه یاران خود به شهادت رسید.

حضرت علی اصغر (ع): فرزند شیرخوار امام حسین (ع) بود که روز عاشورا از شدت تشنگی بی‌تاب شده بود. امام حسین (ع) وقتی تمام یاران را از دست داد، خطاب به دشمنان گفت: «ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل» در همین حال که فرزند روی دست امام بود، حمله تیری به سوی فرزند پرتاب کرد که گوش تا گوش علی اصغر (ع) را شکافت و خون گلی او را به آسمان پاشید. علی اصغر را باب الحوائج، طفل رضیع، شش ماهه، شیرخواره نیز می‌نامند. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)

حضرت علی اکبر (ع): فرزند ابی عبدالله الحسین (ع) بود و در سال ۴۳ قمری در مدینه متولد شد. جوانی خوش‌چهره، زیبا و خوش‌زبان و دلیر بود. از جهت سیرت و خلق و خوی و صباحت رخسار شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم (ص) بود. علی اکبر (ع) در روز عاشورا در کنار پدرش امام حسین (ع) فعالانه به مبارزه می‌پرداخت. وی نخستین شهید بنی‌هاشم در روز عاشورا بود. نقل است که در نبرد روز عاشورا تا دویست تن از سپاه عمر بن سعد را به هلاکت رساند. پس از آنکه توسط مره بن منقذ عبدی بر فرق مبارکش ضربه‌ای وارد آمد، دشمن جرأت پیدا کرد به او هجوم آورد. پس از آن توسط دشمن آماج تیغ شمشیر و نوک نیزه‌ها قرار گرفت و مظلومانه به شهادت رسید. در مورد سن شریف وی برخی ۱۹ سال و برخی ۲۵ سال نوشته‌اند.

حضرت قاسم (ع): قاسم (ع) فرزند امام حسن (ع) در واقعه عاشورا از امام حسین (ع) اذن

میدان گرفت. به قدری نوجوان بود که زره و لباس جنگی اندازه اش نبود. شجاعانه جنگید و توسط عمر بن نفیل اسدی به شهادت رسید.

ستون پنجم: به نیروها، جریان‌ها و تشکلهای رسمی یا غیررسمی می‌گویند که پس از انقلاب‌ها از سوی شکست‌خوردگان انقلاب سازماندهی، مدیریت، هدایت و حمایت می‌شوند تا به مقابله با جریان‌های پیروز پردازند. این ستون پنجم می‌تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فکری باشد. نگاه منفی و تند و انتقادآمیز به هر حرکت، تصمیم و پیشرفت، سیاست و جریان حاکم را در دستور کار خود دارند. همیشه از سوی بیگانگان خارجی و حتی داخلی حمایت خاص می‌شوند تلاش می‌کنند که اطلاعات و اخبار و آمار داخلی را در جهت اهداف مخالفان و دشمنان تنظیم و نگارش کنند. بسیاری از کودتاها در کشورهای انقلاب کرده از سوی این افراد و نیروها سازماندهی می‌شود.

شرق: وقتی دنیا از جهت سیاسی به دو قطب غرب و شرق تقسیم شده بود و هریک از این قدرت‌ها برای سلطه بر کشورها و مناطق بیشتری در جغرافیای جهان تلاش می‌کردند جنگ‌های متعددی را راه می‌انداختند تا با روشن شدن ماشین جنگی آنها سلاح‌های بیشتری را به کشورهای وابسته و اقماری خود بفروشنند. به قدرتی که زیر سلطه شوروی سابق بودند بلوک شرق می‌گفتند.

شوروی: سالها که جهان به نظام دو قطبی تقسیم شده بود، کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی متشکل از روسیه فعلی و دهها کشور دیگر از جمله ترکمنستان، گرجستان، تاجیکستان، اکراین، داغستان، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان و... همگی ذیل اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان یک کشور اداره می‌شدند. اما پس از اتمام سال سلطه بلامنازع

شوروی بر این کشورها که هر یک ایالتی از ایالات شوروی محسوب می‌شدند، نظام کمونیستی از هم پاشیده شد و حضرت امام در پیام تاریخی که برای گورباچف رئیس جمهور وقت شوروی سابق فرستاد، اعلام کرد که من صدای شکستن استخوان‌های کمونیسم را در جهان می‌شنوم و به زودی کمونیسم موزه‌های تاریخ خواهد پیوست. پس از فروپاشی شوروی کشور آمریکا سعی کرد برخی از کشورهای تازه تأسیس شده را به سوی خود بکشانند و علیه سلطه روسیه به تحرکات مختلف فرهنگی، سیاسی دست زد. در واقع نقشه جهان تغییر کرد و هم اینک در برخی از انقلاب‌های مخملی ردپای آمریکا و عوامل وابسته به آن به‌خوبی مشهود است گرچه بسیاری از کشورهای تازه استقلال یافته هنوز از ابعاد مختلف به روسیه فعلی وابسته و جزء کشورهای هستند که با روسیه منافع مشترک دارند، اما دارای کرسی و پرچم و جایگاه مستقل در سازمان ملل متحد هستند.

صدام حسین: رئیس جمهور کشور عراق بود که با اشاره آمریکا به طمع گسترش کشورش و برای اجرای اهداف آمریکا یعنی شکست یا جلوگیری از توسعه و صدور انقلاب اسلامی به‌خصوص در منطقه، قرارداد رسمی و قانونی الجزایر را غیرقانونی اعلام کرد و تصور می‌کرد ایران پس از انقلاب را می‌شود شکست داد. او جنون‌آمیز و با تمام توان نظامی به ایران لشکرکشی کرد و سرانجام با شکست سنگینی از ایران، فرصت حضور آمریکا را در منطقه فراهم آورد.

طالقانی، سید محمود: در سال ۱۲۸۹ ش در روستای گلبرد طالقان دیده به جهان گشود. موفق به کسب اجازه‌نامه اجتهاد از آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی گردیده و بعد از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) به تدریس علوم دینی مشغول شد. ایشان در کنگره جهانی شعوب‌المسلمین که در کراچی

تشکیل می‌شد شرکت کرد و نیز در کنگره اسلامی قدس که سالی یک‌بار برگزار می‌شد، دوبار در مقام ریاست هیأت نمایندگی ایران به بیت‌المقدس سفر کرد. پس از تشکیل «دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه» که در نزدیکی تشیع و تسنن سهمی به سزا داشته، آیت‌الله طالقانی به نمایندگی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی برای رساندن پیام ایشان به شیخ شلتوت به آن دیار سفر کرد. به پیروی از امام به مخالفت با رژیم پرداخت و به دلیل فعالیت‌های زیاد در همان سال به زندان افتاد. در زندان با نوشتن تفسیر «پرتوی از قرآن» سعی در آشنا کردن افراد به عظمت قرآن کرد. آیت‌الله طالقانی پس از آزادی از زندان نهایت تلاش خود را در جهت پیروزی انقلاب کرد. وی در انتخابات مجلس خبرگان قانونگذاری از سوی مردم تهران به‌عنوان نماینده انتخاب شد. اولین نماز جمعه در پنجم مرداد ۱۳۵۸ به امامت ایشان در دانشگاه تهران برگزار شد. سرانجام در نوزدهم شهریور ۱۳۵۸ مرحوم طالقانی پس از سال‌ها فعالیت‌های علمی و مبارزات سیاسی علیه رژیم ستم‌شاهی و عمری تلاش خستگی‌ناپذیر در راه پیاده کردن احکام اسلامی دار فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.

قدس نگاه کنید به بیت‌المقدس

لباس سیاه: از احادیثی که در کراهت سیاه وارد شده و شیخ حر عاملی در رسائل الشیعه نقل کرده است یکی این حدیث است: «قال امیرالمؤمنین (ع) فیما علم اصحابه: لا تلبس السواد فانه لباس فرعون» (ج ۴، ص ۳۸۲) ترجمه: «امیرالمؤمنین در تعلیم یارانش گفت: سیاه نپوشید که رنگ لباس فرعون است. اما بعضی دیگر از احادیث پوشیدن رنگ سیاه در کفش و عمامه و کساء را روا دانسته‌اند.

متنظری، حسین‌علی: در سال ۱۳۶۴ از طریق خبرگان رهبری به سمت قائم مقام رهبری انتخاب شد و در ۱۳۶۸ به دستور امام خمینی از این مقام عزل شد؛ در مدتی که ایشان سمت قائم مقام رهبری را برعهده داشتند مورد احترام و علاقه رزمندگان و مردم بودند.

واجب کفایی: آن است که با فعل بعضی از مکلفان منظور حاصل شود، هرکه باشد فرق نمی‌کند (عده مکلفان معین نیست) مانند جهاد. در هر صورت اگر افرادی در زمینه‌ای که حکم واجب کفایی بدان تعلق می‌گیرد انجام وظیفه نمایند، تکلیف از عهده بقیه ساقط می‌گردد. (لغت‌نامه دهخدا).

واقعه طبس: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ سفارت آمریکا را که در واقع محل و مرکز توطئه و جاسوس بود اشغال کردند. آمریکا برای آزادی جواس‌ها برنامه‌ریزی‌ای را در نظر گرفت. از جمله «دلتافورس» و عملیات «ایگل کل» به نیمه عقاب را می‌توان نام برد. عملیات را با ۱۳۲ نفر نیرو در ۱۳۵۹/۲/۵ رد صحرای طبس شروع کردند. با همکاری بنی‌صدر و تعطیلی حوزه‌های راهداری هوایی ایران نیروهای آمریکایی ابتدا با ۶ دستگاه هلی‌کوپتر را در طبس فرود آمدند. از آنجا که خداوند همواره انقلاب اسلامی را مورد لطف قرار داده است یکی از هلی‌کوپترها در حین برخاستن به هواپیمای سی - ۱۳۰ مستقر در محل برخورد کرد و انفجار عظیمی رخ داد. جیمی کارتر رئیس جمهوری وقت آمریکا عملیات را مستقیماً تحت نظر داشت. شهید محمد متنظر قائم فرمانده خبیر و شجاع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیرو خود را به محل فرود نیروهای آمریکا می‌رساند تا از مدارک و اسناد موجود و همراه آمریکایی‌ها استفاده کند. پس از انفجار و آتش گرفتن هواپیما و هلی‌کوپترها از سوی کاخ سفید اعلامیه توقف و عملاً شکست عملیات و کودتای طبس اعلام شد. بنی‌صدر که در موضع فرماندهی کل قوا

بود دستور داد تا هلی کوپترهای به جای مانده آمریکایی‌ها را بمباران کنند. بسیاری از اسناد محرمانه در این خیانت آشکار بنی صدر در آتش سوخت و محمد منتظر قائم که از هلی کوپترها پس از فرار آمریکایی‌ها حفاظت می‌کرد به شهادت رسید. متأسفانه از قبل بنی صدر جریانی ناسالم را در نیروی هوایی به خصوص نیروهای بازمانده از رژیم شاه سازماندهی کرده بود. علاوه بر از بین رفتن اسناد مهم و شهادت محمد منتظر قائم پنج فروند هلی کوپتر مدرن و پیشرفته نیز می‌توانست غنیمتی ارزشمند و تاریخی برای ایران باشد. شکست کودتا سند مبرهنی بر دخالت و رسوایی آمریکا در ایران و در برابر انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد.

